بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحیم

سخن نویسندگان

الحمد لله والصلاة والسلام علی رسول الله وآله وصحبه ومن والاه.

برادران وخواهران مسلمان چنانکه می دانید اسلام کاملترین وشاملترین دین الهی است .اسلام به دلیل اینکه آخرین دین الهی وکتاب آن آخرین کتاب آسمانی وپیامبر گرامی آن آخرین ومهمترین پیامبران الهی است پس کمال وجمال وجلال آن نیز یگانه وبی نظیر است ولذا این دین جهان شمول از تمامی مرزها فراتر رفته و از تمامی ارزشها ارزشمندتر شده است.

قرآن کریم وحدیث نبوی دو ذخیره ارزشمندی اند که امت اسلامی همواره در پرتواین دو ایمان عمل عقیده واحکام دین شان را می آموزند و بنابراین باید همیشه در دسترس تمامی افرادامت باشند.

یکی از صدها علامت جمال وکمال وپویایی اسلام که سبب نشر و گسترش آن بوده و خطبه نماز جمعه است که شخص مسلمان روز جمعه در هر گوشه ای از جهان_که به مسجد دسترسی داشته باشد وشروط برپایی نماز جمعه در آنجا مهیا باشد_حدود نیم ساعت قبل از نماز و ازخطیب جمعه مطالب مختلف دین که شامل عقیده و احکام وبسیاری از مسایل مرتبط با زندگی روزمره اش رامی شنودودر پرتو آن زندگی اش را بادین اسلام هماهنگ می گرداند. لذا نقش خطبه در زندگی امت اسلامی بسیار روشن است.

بنابراین مسولان طرح منبر تصمیم گرفتندجهت آگاهی وبیداری خطبای گرامی وهماهنگی و همنوایی آنان در راستای آگاه نمودن مسلمانان برای یک سال مجموعه خطبه های نمازجمعه و دوعید و نمازاستسقاوغیره راآماده ودر دسترس علما وخطبای بزرگوار قرار دهند.

ما نویسندگان این مجموعه باتوفیق خداوند متعال وبا مشورت ونظارت مسولان طرح منبر و این مجموعه را_با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات صحیح از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و آثار سلف وعلمای بزرگوار اسلام_برای شما تهیه نمودیم.دونفر از دوستان نیز آنرا باز بینی کرده اند.

در ضمن به دلیل مشغله زیاد وعدم فرصت کافی نتوانستیم به این طرح چنانکه شایسته آن بود بپردازیم.لذا احتمالا اشتباهاتی را ملاحظه خواهید نمود که از شما بزرگواران خواهشمندیم_هر گونه اشتباه علمی وچاپی را_گوشزد فرمائید تاانشاالله تصحیح گردد.

والسلام علیکم ورحمۀ الله با التماس دعای خیر.

برادران شما ....

نویسندگان کتاب خطبه های منبر

مقدمه

خطبهٔ جمعه در اسلام همواره اصل محکمی از بنای راسخ امت محمدی بوده و خواهد بود و چراغیست که دلهای غافل را بیدار و نفسهای حیران را هدایت وهمت های سست را به مقامات رفیع می رساند.

خطبه جمعه برای کسانی که در دایره اسلام زندگی می کنند نوعی کمک و تسلی خاطراست و زیرا ایمان زنده دلان را تقویت ومشتاقان علم و عمل را تشویق می نماید.

خطبه جمعه منبر وعظ وموعظه و ارشادونصیحت وپرچم دعوت و دعوتگران بوده ووسیله کاشتن بذر ایمان و عمل و بارور کردن آن می باشد.

در سایه منبر ایمان و در شعاع خطبه جمعه است که مردم امور دینشان را می آموزند و آنچه را فراموش کرده اند به خاطر می آورند و و از همین فضای منبر و خطبه است که مسلمانان انگیزه می یابند سوالاتشان را از علما بپرسند.

خطیب بر فراز منبر با مخاطب قرار دادن عقل و عاطفه و مسائل مختلف دینی را بیان میکند و مسائل جدید و روزمره را به گوش مسلمانان میرساند و با استفاده از روشهای مختلف دعوت و راغب کردن و ترسانیدن و و بیان داستانها و ضرب المثل ها و پندها و اندرزها و جوهره ی دین و عصاره ایمان و عمل و احکام و آداب اسلامی را به مسلمانان منتقل می کند تا اینکه:

هر فرد مسلمان فرصت یابد با استفاده از فضای روحانی منبر و ایمانش را تقویت و نواقص آنرا برطرف نماید و اگر گناهکار است توبه کند و اگر حیران و سرگردان است به آغوش دین باز گردد و اگر غافل و مغرور است به خود آید و اگر هوی پرست و شهوت ران است از دام هوس و شهوت و رهایی یابد تا سرانجام دلهای اهل ایمان پاک گردد و به هم نزدیک شود و بدینوسیله همه با تمرکز بر محور اسلام و ایمان و عملا از دین و آبرو و حیثیت و مقدسات دینی دفاع نمایند و و دعوت پروردگار را به سایر انسانها برسانند تااینکه اسلام عزیز و سر بلندی و عظمت خود را باز یابد.

پس چه مسئولیت بزرگ و چه کار شرافتمندانه ای است دعوت و خطابت هدفمند! و چه افتخار بزرگی است که انسان مومن در خدمت اسلام عزیز باشد وبرای خشنودی الله متعال و سربلندی دین و رستگاری بشریت از هر چه در توان دارد دریغ نکند.

مقام و منزلت خطبهٔ جمعه در اسلام

خطبهٔ جمعه در اسلام علاوه بر اینکه دارای مقام والا و ارزشمندی است و حاوی هدف و پیامی می باشدکه نقش و اثر ویژه ای در تربیت نسلها دارد. سخن از مقام و منزلت و اهمیت این موضوع و گسترده و فراوان است که می توان آنرا در چند نقطه و چنین خلاصه کرد:

۱- در اهمیت و ارزش خطبهٔ جمعه و همین کافی است که سرور و سردار بشریت حضرت محمد -صلی الله علیه وآله و سلم- آنرا به بهترین وجه ادا نمودند و پس ازایشان و پیشتازان و زمامداران امت_یعنی علما_باعلم راسخ و عمل سازنده خوداین ماموریت مقدس را به انجام رسانیدند.

۲- خطبهٔ جمعه از بزرگترین و ارزشمندترین مراسم دینی امت اسلامی است که مسلمانان در گوشه و کنار جهان و هر هفته یکبار آنرا برگزار می کنند. روز جمعه بهترین روزی است که خورشید برآن تابیده وعید مسلمانان به شمار می رود. در چنین روز خجسته ای و و در بهترین نقطه زمین -یعنی مساجد- خطبه جمعه ایراد میگردد.

۳- خطبهٔ جمعه وسیلهٔ ابلاغ به مردم و منبر دعوت است که توسط آن به خیر و نیکی امر شده و از بدی ها و منکرات نهی میشود و کما اینکه پند واندرز گاهی فرصتی برای آموزش و پرورش وگاهی برای تهذیب و اصلاح نفس است.

۴- خطبهٔ جمعه منبع و مرجعی برای آمادهَ ساختن توده ها و تحریک احساسات و متقاعد کردن عقلهای مردم برای پذیرش حق و و استوار ساختن آن در دلهای آنان است. چرا چنین نباشد در حالیکه شنیدن سخنان حیات بخشی که از احساسات ناب و اندیشمندانه سرچشمه گرفته و بهتر و موثر تر از خواندن آن می باشد.

۵- خطبهٔ جمعه فرصتی گرانبهَا برای دعوتگران و واعظان است و چونکه حضور یافتن برای نماز جمعه و گوش فرا دادن به دو خطبهٔ آن امری است واجب و و مهمتر اینکه هر مسلمان اعم از بزرگ و کوچک و عالم و عامی و فرهنگی و کم سواد و فقیر و ثروتمند و تمام اقشار مختلف جامعه اسلامی برای ادای نماز جمعه حضور می یابند و تعداد آنها بحمدالله همواره رو به افزایش است . این مناسبت فرخنده همیشه و در تمام فصول سال بدون وقفه هر هفته یکبار تکرار می شود.

۶- خطبهٔ جمعه به ویژه امروزه ودر عصر ما و بهترین وسیله برای آموزش امور دین صحیح به عموم مردم بوده و همچنین فرصت بسیار خوبی برای پاسخ دادن به شبهات و یاوه گویی های دشمنان وبدخواهان اسلام است که شب و روز در پی طعنه زدن به دین مقدس اسلام و ارزشهای والای آن هستند و سد راه مردم از پیمودن راه مستقیم الله می گردند.

احکامی کوتاه متعلق به خطبۀ جمعه

اول: حکم خطبه نماز جمعه:

علمای کرام در مورد اینکه آیا خطبه برای کامل شدن نماز جمعه شرط است یا نه؟ اختلاف نظر دارند:

۱- اکثریت علمای فقه به شمول تمام علمای احناف و اکثریت مذهب مالکی و مذهب شافعی و حنابله بر این نظرند که خطبه برای کامل شدن نماز جمعه شرط است.

۲- برخی از علما براین باورند که خطبۀ نماز جمعه مستحب است.

لیکن نظر درست و راجح همان قول اکثر فقها می باشد. زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم همیشه برآن مداومت داشته اند و و پیشگامان صدر اسلام به آن عمل نموده اند و مخالفت با آن را انکار نموده اند.

* خواندن دو خطبه در نماز جمعه شرط است و چنانکه از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: «**أن رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم كان يخطب خطبتين يوم الجمعة يجلس بينهما مرة**» «پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم دو خطبه ایراد می کردند و در میان دو خطبه یکبار می نشستند» روایت احمد(۴۹۱۹).

دوم: شروط خطبۀ جمعه:

۱- نیت و به دلیل فرمودۀ پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم: «**انما الأعمال بالنيات وانما لكل امرىء ما نوى**» روایت بخاری (۲۳۲۹) «مدار هر عمل نیت است و با هر شخص مطابق نیت وی عمل می شود». خطبه خود عبادت است پس نیت در آن مانند سایر عبادات شرط است.

۲- خطبه باید با حضور جماعت مردم ایراد گردد و زیرا با وجود آنها مقصد اصلی خطبه که همانا وعظ و تذکر و پند دادن است محقق می گردد.

۳- خطبه باید بعد از داخل شدن وقت نماز جمعه یا ظهر ایراد گردد.

۴- خطبه باید قبل از نماز جمعه ایراد گردد. همانگونه که پیامر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم انجام داده است.

۵- خطیب در صورتیکه توانایی ایستادن را داشته باشد باید ایستاده خطبه راایراد نماید.

۶- خطبه باید با صدای بلند ایراد گردد و زیرا صدای بلند وسیله ای است که خطبه بدون آن ادا نشده و مقصد آن محقق نمی گردد. در اینجا می توان به این قاعده نیز اشاره کرد : «**ما لا يتم الواجب الا به فهو واجب**» «هر امری که واجب بدون آن اجرا نگردد پس آن امر نیز واجب است».

۷- خطبۀ جمعه باید به زبان عربی ایراد گردد و اگر بیشتر مخاطبان از کسانی باشند که زبان عربی را میدانند و یا عموما میتوانند مفهوم آنرا درک کنند و در این صورت باید به زبان عربی ایراد گردد و تا از یکسو زبان عربی را یاد بگیرند و از سوی دیگر با سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم و عمل ایشان مخالفت صورت نگیرد و اما اگر اکثریت مردم حاضر در مسجد زبان عربی را

نمیدانستند اشکالی نیست که با زبان های دیگر ایراد گردد و زیرا مقصد از خطبه آموزش و تذکر به مردم است نه تنها ایراد آن. همچنان آیات قران کریم خوانده و ترجمه گردد.

۸- پیوستگی دو خطبه و با نماز جمعه شرط است.

سوم: عناصر تکمیل کنندهٔ خطبهٔ جمعه:

خطبهٔ جمعه ارکان مشخصی ندارد بلکه آنچه در عرف خطبه بر آن اطلاق می گردد و با انجام همان مراد حاصل می گردد و لکن خطبه وقتی کامل می شود که خطیب موارد زیر را مراعات نماید:

۱- حمد و ثنا و ستایش الله جل جلاله.

۲- ذکر کلمهٔ شهادت.

۳- صلوات فرستادن بر پیامر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم و اهل بیت ایشان.

۴- موعظه.

۵- قرائت آیاتی از قرآن مجید.

۶- توصیه مردم به تقوا و ترس از الله متعال.

چهارم: سنتهای خطبهٔ جمعه:

۱- با پیروی ازعمل پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و خطبه از بالای منبر خوانده می شود و سنت است که این منبر همانند منبر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم سه پله داشته باشد.

۲- و از پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم ثابت نشده که قبل از بالا رفتن بر منبر نماز بخوانند و زیرا آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم چون بر منبر می نشستند اذان گفته می شد سپس خطبه ایراد می کردند.

۳- وقتی خطیب بر منبر بالا رفت قبل از خطبه و بر مقتدیان سلام می گوید چنانکه از جابر رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه وآله و سلم هرگاه بر منبر می نشتسند سلام می گفتند.

۴- سنت است خطیب بر منبر بنشیند تا اینکه مؤذن اذان را تمام کند.

۵- مشروع اینست که یک اذان جمعه هنگام نشستن امام بر منبر گفته شود چنانکه در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم و خلافت ابوبکر و عمر رضی الله عنهما یک اذان هنگام نشستن امام بر منبر گفته میشد زیرا دانستن داخل شدن وقت آسان بود و ولی وقتی زمان خلافت عثمان رضی الله عنه فرارسید و جمعیت مردم زیاد شد عثمان رضی الله عنه دستور داد در بازار مدینه نیز اذان گفته شود تا مردم خود را برای نماز جمعه آماده نمایند.

۶- مستحب است که خطیب خطبه را با خطبهٔ حاجت آغاز نماید که لفظ آن چنین است: « **إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ و نَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ و وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا و وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا و مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلاَ مُضِلَّ لَهُ و وَمَنْ يُضْلِلْ فَلاَ هَادِىَ لَهُ و وَأَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ و وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ** ».

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ **(آل عمران: ۱۰۲)**

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾(**النساء: ١**)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ **(الأحزاب: ٧٠ - ٧١) و أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ أَصْدَقَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللّٰهِ وَأَحْسَنَ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّدٍ -صَلَّى اللّٰه عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- وَشَرَّ الأُمُورِ مُحْدَثَاتُهَا وَكُلَّ مُحْدَثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَة وَكُلَّ ضَلالَةٍ فِي النَّارِ».**

٧- متأثر شدن و اظهار احساسات خطیب در اثنای ایراد خطبه و از جابر رضی الله عنه روایت است:

«كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰه عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خَطَبَ احْمَرَّتْ عَيْنَاهُ و وَعَلَا صَوْتُهُ و وَاشْتَدَّ غَضَبُهُ و حَتَّى كَأَنَّهُ مُنْذِرُ جَيْشٍ يَقُولُ: «صَبَّحَكُمْ وَمَسَّاكُمْ» صحیح مسلم(٨٦٧)

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم خطبه ایراد میکردند چشمانشان سرخ شده و صدایشان بالا و خشم و غضب ایشان نیز شدت می گرفت گویی مردم را از آمدن سپاه دشمن در بامدادان و شامگاهان می ترساندند».

٨- مستحب است خطبه کوتاه و نماز نسبتا طولانی خوانده شود و از عمار بن یاسر رضی الله عنه روایت است که شنیدم پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرمودند:

«إِنَّ طُولَ الصَّلَاةِ و وَقِصَرَ الْخُطَبِ مَئِنَّةٌ مِنْ فِقْهِ الرَّجُلِ و فَأَطِيلُوا الصَّلَاةَ وَقَصِّرُوا الْخُطَبَ» صحیح مسلم(٨٦٩)

« طولانی بودن نماز مرد و کوتاهی خطبه اش نشانه فقاهت او است بنابر این نماز را طولانی و خطبه ها را کوتاه کنید».

٩- نشستن اندک بین دو خطبه و این نشستن به خاطر استراحت کردن خطیب و جدایی بین دو خطبه مشروع گردیده است و دعای مشخصی از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در این موضع وارد نشده و اما اگر کسی در این فرصت کوتاه دعا کند جایز است به شرطی که مزاحم حاضرین نشود و در ضمن دعای دسته جمعی و بلند کردن دستها برای دعا در بین دو خطبه به گونه دسته جمعی به نحوی که شعار و بخشی از مراسم نماز جمعه قرار گیرد مخالف سنت پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم و عمل ایشان است.

١٠- اگر مصلحتی وجود داشته باشد جایز است که خطیب در اثنای خطبه با نماز گزاران سخن بگوید برای مثال شخصی وارد مسجد شده و می نشیند وخطیب او را متوجه می کند تا دو رکعت نماز بخواند چنانکه از پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله و سلم روایت است که فرمودند:

«إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالإِمَامُ يَخْطُبُ فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ وَلْيَتَجَوَّزْ فِيهِمَا». صحیح ابن خزیمه(١٨٣١).

«هرگاه یکی از شما هنگامیکه خطیب خطبه می خواند وارد مسجد شد پس باید دو رکعت نماز را سبک وکوتاه بخواند».

١١- مستحب است خطیب در وقت خطبه انگشت شهادت خود را به منظور جلب توجه حاضرین

بلند نماید. چنانکه از حصین بن عبدالرحمن رضی الله عنه روایت است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را دیدم که با انگشت شهادت شان اشاره می نمودند. اما اگر خطیب در اثنای خطبه برای طلب باران و یا کاهش آن می خواست دعا کند مستحب است هر دو دست خود را بلند کند.

صفات یک خطیب کامیاب و مهارت های خطابت

یک: صفاتی که خطیب باید از آن بر خوردار باشد:

* نیت خالص برای الله متعال چنانکه الله به آن دستور فرموده است:

﴿ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥ ﴾ **(البينة: ۵)**

«در حالی که جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه الله را بپرستند و تنها شریعت او را آئین بدانند و نماز را چنان که باید برپای دارند و زکات را بپردازند. آئین راستین و ارزشمند این است و بس».

* پیروی تام از هدایات و رهنمودهای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم در خطابت. چنانکه الله تعالی میفرماید:

﴿ قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١ ﴾**(آل عمران: ۳۱)**

«بگو: اگر الله را دوست می دارید و از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد و الله آمرزندۀ مهربان است».

* رعایت تمامی آداب و اصول اخلاق اسلامی و دوری از اخلاق بد و زشت و هر گونه کردار وگفتاری که منافی آن است و تا خودش عملا برای سایر مردم الگو قرار گیرد و با کردار و گفتار خود مردم را رهبری و به راه درست و مستقیم دعوت نماید.

* روابط انسان مؤمن با مردم دوستانه و یکرنگ و پیوسته باشد. هرگاه خطیب از چنین صفاتی برخوردار شد خطیبی توانا و دعوتگری موفق است و دعوتگر خوش اخلاق را همه دوست داشته و با وی انس می گیرند.

خطیب و دعوتگر باید با مردم نشست و برخواست داشته و در حل مشکلات شان مشارکت داشته باشد و و تا توان دارد با آنها همکاری نماید. سعی کند برخوردش با مردم صمیمی و در عین حال عاقلانه و حکیمانه و سنجیده بوده و در برابر اشتباهات و لغزش های شان صابر باشد و اعتدال و توازن را در تعامل با آنان مراعات نماید.

* کردار خطیب باید تایید کننده ی گفتارش باشد و سعی نماید آداب واحکام دین اسلام را عملا به مردم بیاموزد.

الله متعال در این زمینه میفرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ٢ ﴾**(الصف: ۲)**

«ای مؤمنان! چرا سخنی می گویید که خود تان به آن عمل نمی کنید؟»

* خطیب باید از هرگونه تعصب جاهلانه و قومی و نژادی و گروهی و ملی (یا وطنی) منطقه ای و مذهبی دوری کند و تنها از قرآن کریم و سنت مطهر پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم و دین اسلام و امت اسلامی حمایت نماید. ﴿ وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ ﴾ **(آل عمران: ۱۰۳)**

«و همگی به ریسمان محکم الله چنگ بزنید و پراکنده نشوید».

* خطیب باید در امور اجتماعی مردم و محیطی که در آن زندگی می کند شرکت فعال داشته باشد و به سخنانی که در خطبه هایش به مردم می گوید جامه عمل بپوشاند و از مردم و جامعه کناره گیری نکند و با آنها رفت و آمد داشته باشد و صبر و تحمل پیشه کند و سعی نماید در تعامل و رفتارهای اجتماعی الگو و سر مشقی برای دیگران باشد.
* با نماز گزاران رفتار نیک و شایسته داشته باشد و خوش برخورد و بشاش باشد و همواره لبخند بر لب داشته باشد زیرا او نمونه و الگویی برای سایر مسلمانان است و بهترین و مهمترین مأموریت را بر عهده دارد و مأموریتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم و سایر انبیاء علیهم السلام آنرا به دوش داشته اند و پس باید دلهای مردم را چنان به خود جلب نماید که سخن وی را باروی باز بپذیرند و نصایح و پند و اندرزهای او را عملی نمایند.

دوم: صفات خطبۀ موفق:

* خطیب سعی نماید خطبه مناسب و ارزشمندی تهیه نماید و برای ایراد آن نیز آمادگی کامل داشته باشد و اهتمام به خرج دهد و موضوعاتی را انتخاب کند که در ساختن و پروراندن یک مسلمان واقعی کمک نماید و کمی ها و کاستی هایی که در تطبیق احکام و مقررات اسلامی بوجود آمده را معالجه نماید.

خطیب با مراعات نمودن نکات زیر میتواند خطبۀ موفقی را آماده سازد:

- آمادگی خوب برای آنچه راکه می خواهد ایراد کند و داشته باشدو اگر مطالب را بنویسد یا حد اقل نکات مهم آنرا یا داشت کند بهتر است.
- خطبه را قبل از ایراد آن چند بار تکرار کند تا با کلمات و عبارات دشوار آشنا شده و بر تلفظ آن مسلط گردد.
- برخی جمله ها به صدای بلند و برخی دیگر به صدای آهسته یا عادی ایراد گردد و لذا خطیب باید این موارد را قبلا مد نظر گرفته و تمرین کند.

* یکی از صفات خطبۀ موفق و واضح و سالم بودن آن از عیوب و لغزش ها است: خداوند متعال میفرماید:

﴿ إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ قُرۡءَٰنًا عَرَبِيّٗا لَّعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٢ ﴾ **(یوسف: ۲)** «ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم و باشد که بیندیشید».

خطیب به هر زبانی که خطبه ایراد ت نمود خطبه وی سالم از عیوب و وواضح و آشکار خواهد بود:

- خطیب در اثنای خطبه مکث و توقف های کوتاه و به جا داشته باشد تا معنای سخن را آشکار ساخته و مفهوم آنرا روشن سازد.
- عبارات وکلمات را واضح و درست ادا کند.
- صدایش واضح باشد.
- کلمات را واضح و روشن تلفظ نماید.
- صدایش را طوری زیرو بم دهد که خسته کننده نباشد .

* بهتر این است که خطبه بر یک موضوع و محور بچرخد و در موضوعات و مسایل فرعی و مختلف پراکنده نشود و و مقدار آن هماهنگ با مدت زمانی باشد که قبلاً آنرا تعین نموده است.
همچنین خطیب باید وقت شناس باشد به طور مثال: در خطبه ای که قبل از ماه رمضان ایراد میکند موضوع خطبه باید در مورد پذیرایی از این ماه مبارک و احکام مرتبط با آن باشد.
یا در خطبهٔ قبل از ماه ذی الحجه در مورد ده روز نخست این ماه خطبه ایراد نماید.خلاصه اینکه و قبل از حلول هر مناسبت و مراسمی که سالانه تکرار میشود و خطبه را مطابق با آن ایراد نماید. تا آنچه را که نماز گذاران به آن نیازمندند و بدست آورده واز آن بهره مند گردند.
* موضوعات خطبه باید با همدیگر پیوسته و مرتبط باشد و به گونه ای که از یک موضوع به موضوع دیگر به شکل منطقی و قابل قبول منتقل شود.
موضوعات اصلی خطبه در تمام مراحل تهیه و ارائه و باید واضح و برجسته باشد و تا شنوندهٔ خطبه درک نماید که خطیب در چه مسایلی بحث می کند و از مسجد بیرون نرود مگر اینکه در ذهنش نقاط و مطالب خطبه ثبت شده باشد.
* خطیب در اثنای ایراد خطبه باید به همه اطراف مسجد و نماز گذاران به طور مساوی نگاه کند تا ارتباط و علاقه و محبت میان خطیب و مخاطبانش بر قرار گردد.
* با توجه به عبارات و معانی خطبه و چهره و بدن و صدای خطیب باید بدون تکلف و خود به خود حرکت و تغییر نماید تا علاوه بر عبارات و معانی و مفاهیم خطبه با لحن و صدا و تلفظ و نحوهٔ عملکرد خطیب بیشتر واضح گردد.
* بین معنا و مفهوم عبارات و صدای خطیب ارتباط قوی وجود دارد و صدا باید با لحن و سرعت و نرمی خود و معنای عبارات را برساند و از اینرو وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ایراد می کردند چشمان شان سرخ شده و صدایشان بالا و خشم و غضب شان نیز شدت می گرفت که گویی مردم را از آمدن سپاه دشمن می ترساندند.
* خطیب موفق با تغییر دادن صدا در اثنای خطبه - گاهی پست و گاهی بلند- خستگی مخاطبانش را رفع نموده آنها را به خود متوجه میسازد. همچنین تکرار بعضی عبارات و روشی است که معنا و مفهوم خطبه را به شنوندگان بهتر و خوبتر می رساند.
* خطیب باید در جاهای مناسب و معقول توقف نماید و خطیبی که در اثنای خطبه توقف نمیکند خطبه موفقی ایراد نکرده است و زیرا وقفه ها با وجود کوتاهی آن و توجه شنوندگان را جلب نموده واذهان آنها را بیدار و متوجه میسازد.
* خطیب باید در سخنان خود مردم را از خداوند متعال بترساند و به رحمت اوتعالی امیدوار سازد و نه صرفا جانب ترس و خوف و هشدار و نهی را مد نظر بگیرد و نه تنها جانب امید و ترغیب را و بلکه سعی کند تا تعادل بین هر دو جانب را مراعات نموده گاهی مردم را از عذاب خدای تعالی بترساند و گاهی به رحمت و نعمت خدای تعالی امیدوار سازد چنانکه خداوند متعال میفرماید:
﴿ نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ۝٤٩ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ ٱلۡعَذَابُ ٱلۡأَلِيمُ ۝٥٠ ﴾ **(الحجر: ٤٩-٥٠)**
«بندگان مرا آگاه کن که من دارای گذشت زیاد و مهر فراوان هستم* و این که عذاب من عذاب

دردناکی است».

* یک خطیب چیره دست باید در لابلای خطبه از داستانها و قصه های عبرتمند با شیوه جذاب استفاده نماید و خداوند متعال میفرماید:

﴿ فَٱقۡصُصِ ٱلۡقَصَصَ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ١٧٦ ﴾(الأعراف: ۱۷۶)

«پس داستان ها را بازگو کن تا شاید بیندیشند».

و آن مانند داستانهایی از سیرت پیامبر گرامی مان صلی الله علیه وآله وسلم است و زیرا که ایشان تا روز قیامت برای همه امت سرمشق و الگو و نمونه هستند.

﴿ لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٌ ﴾ (الأحزاب: ۲۱)

«سرمشق و الگوی زیبایی در رسول الله برای شما است»

همچنین از داستانهای پیامبران پیشین و اصحاب کرام و تابعین و بزرگان صدر اسلام و داستانهای واقعی که مردم در زندگی خود با آن روبرو هستند استفاده نماید و زیرا عموما داستان تأثیر شگفت انگیز و به سزایی در تربیت و آموزش مردم دارد.

* خطیب باید از دلایل و براهین عقلی استفاده نماید چنانکه خداوند متعال در کتاب عزیزش و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در سنت مطهرش از این شیوه استفاده نموده اند که خود امری ضروری و لازم است . البته باید قبل از ایراد خطبه و از موافقت و سازگاری این دلایل با شریعت اسلامی اطمینان حاصل نماید.

* خطیب باید مشخصات زبانی و خطابت مناسب را رعایت نماید. مانند توازن در گفتار و تکرار نمودن معلومات مهم و ارزشمند و سکوتی کوتاه قبل از ایراد معلومات مهم و ارزشمند و همچنین باید معلومات مهم و ارزشمند را با آرامی و نرمی بیان نماید و از سکوتهای طولانی که نیازی به آن نیست خودداری کند و در عین حال صدایش را در وقت ایراد این معلومات و سخنانی که مردم به آن نیاز دارند بلند نماید.

* خطیب باید به ظاهر خود توجه خاص داشته باشد. غسل نمودن و پوشیدن لباسهای مناسب و تمییز و استفاده از عطرهای خوب امری ضروری است و چنانکه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند:

(من اغتسل يوم الجمعة فأحسن طهوره و ولبِس من أحسن ثيابه و ومسَّ ما كتب الله له من طيب أهله و ثم أتى الجمعة و ولم يلْغُ (لم يخطئ ولم يقل قولا باطلا) ولم يفرِّق بين اثنين: غُفِرَ له ما بينه وبين الجمعة الأخرى)

(سنن ابوداود(۳۴۷) و سنن ابن ماجه(۱۰۹۷) و مسند امام احمد(۱۱۷۶۸).

یعنی: «هر مسلمانی که در روز جمعه غسل نموده و به قدر توانائی خویش پاکی کند و از خوشبویی موجود در خانه اش استفاده کند و سپس به نماز جمعه آمده و کار لغو نکند و بین دو نفر (در صف نماز) جدائی نیفکند و گناهان یک هفته او از آن جمعه تا جمعه ی دیگر بخشیده می شود.»

توصیه های کنفرانس «پیام مسجد» درمکه مکرمه

رابطه عالم اسلامی در سال (۱۳۹۵ هـ)کنفرانسی به نام «پیام مسجد» در مکه مکرمه برگزار کرد . در این کنفرانس مسایل و قضایای مختلف مربوط به دعوت و خطابت مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. ما در اینجا نقاط بارزی را که در این کنفرانس در رابطه با اهداف خطبهٔ نماز جمعه ذکر گردیده است بیان می کنیم :

اول: خطبهٔ جمعه باید به منظور دستیابی به اهداف زیر آماده گردد:

(ألف): خطیب باید به منظور وعظ و تذکیر مردم و از عظمت و بزرگی و وحدانیت خدای متعال و و از حساب و پاداش در آخرت صحبت نموده و معانی و مفاهیم آموزنده ای که دلها را زنده و به خیر و نیکی و رستگاری دعوت و از منکرات باز میدارد را در اذهان شنوندگان استوار و ساکن سازد.

(ب) خطیب جهت آموزش و آگاهی مردم و واقعیت ها و حقایقی که قرآن کریم و سنت مطهر آنرا بیان و روشن نموده است مد نظر گرفته اخلاق و آداب والای اسلامی را چنانکه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به آن آراسته بودند و دور از هر گونه افراط و تفریط بیان نماید.

(ج) خطیب باید مفاهیم غلط و نادرستی را که دشمنان اسلام به منظور بدنام ساختن اسلام بدان دامن می زنند تصحیح نموده و به شبهات و باطل سرایی هایی که اذهان مردم را مشوش می کنند و با شیوۂ قانع کننده وزیبا و به دور از هر گونه سخنان زشت پاسخ دهد. و برجستگی ها و ویژگی های دین مبین اسلام که عبارت از جهانی بودن و جامعیت و اعتدال و عمق و واقعی بینی می باشد را ابراز کند .

(د) ربط دادن خطبه به مسایل روز مره و واقعیتهای زندگی مردم و و تمرکز بر علاج بیماری های جامعه و ارائه راه حلهای مناسب برای مشکلات موجود و در پرتو شریعت والای محمدی و و توجه جدی به امور زنان و خانواده مسلمان و از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا این بخش از جامعه اسلامی بیشتر در معرض تهاجم دشمنان اسلام قرار داشته و شب و روز بدان دامن می زنند.

(ه) خطیب با دقت و درایت مناسبت های مختلفی را که در طول سال تکرار می شود مراعات نموده در مورد آنها صحبت می نماید. مانند رمضان و حج و .... تا اذهان شنوندگان را به خود جلب کند و ایشان را به دانستن اموریکه به آن نیاز دارند تشویق نموده و راه درست را برایشان روشن سازد.

(و) خطیب باید مفهوم برادری و اخوت اسلامی را بیان نموده وهرگونه تعصب و نژاد پرستی که سبب تفرقه میشود را تقبیح نماید و به مسایل و قضایای امت اسلامی توجه و اهتمام جدی بورزد و تا همدلی و برادری واقعی میان فرزندان امت ایجاد گردد.

(ز) خطیب باید روحیه برگشت عزت و کرامت و قوتی که بزرگان صدر اسلام از آن برخوردار بودند را در اذهان سامعین زنده ساخته و آنها را آماده سازد تا هرگونه قربانی را به خاطر اعتلای کلمه اسلام و و حمایت از شرف و ناموس و عزت و مقدسات و و ارزشهای مسلمانان (جان و مال و خون و آبرو و عقیده) متحمل گردند.

دوم: خطبهٔ جمعه نباید وسیلهٔ تبلیغاتی به نفع شخص و حزب و یا نظام قرار گیرد و بلکه فقط باید برای اعتلای کلمهٔ اسلام و رضایت خدای متعال و ابلاغ دین اسلام باشد:

﴿ وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ١٨ ﴾ **(الجن: ١٨)**

«مسجدها مختص پرستش خداوند متعال است و پس کسی را با خدای تعالی پرستش نکنید».

سوم: خطبه نباید از جانب سلطان یا حکومت بر خطیب تحمیل گردد تا مانند دستگاهی بدون روح و آنرا زمزمه کند و بلکه خطیب باید آزاد گذاشته شود تا موضوع خطبه را خود انتخاب کند سپس آن را به گونه ای که عقل و ضمیرش به آن حکم کرده است ودر پرتو آنچه از قرآن کریم و سنت مطهر آموخته است آماده سازد.

چهارم: دانشمندان و دعوتگران واجد شرایط باید نمونه هایی از خطبه های ارزشمند و متنوع را در موضوعات مختلف _که شامل عناصراصلی خطبه و و در قالب مدارك و شواهدی از قرآن کریم و سنت مطهر و سیرت و تاریخ اسلامی و اقوال علما و اشعار ارزشمند باشد_ در دسترس خطبا و سخنوران در نقاط مختلف جهان با زبان وگویش آنها قرار داده تا کسانی که نیاز به آماده و تهیه کردن خطبه دارند از آن استفاده نمایند.

پنجم: در تهیه نمودن خطبه و خطیب باید به منابع علمی اسلامی معتمد و تکیه کند و از استناد به احادیث ضعیف و جعلی و اسرائیلیاتی که در فرهنگ اسلامی رخنه کرده و و داستان های دروغین و غیر واقعی و مبالغه های ناپسندی که نقل صحیح وعقل صریح آنرا تایید نمیکند بپرهیزد.

ششم: در کشورهای عربی خطبه باید به زبان عربی فصیح و بلیغ و آسان و قابل فهم ایراد گردد و و از استعمال کلمات و عبارات عامیانه و واژه های نامفهوم و و تکلف در سجع خود داری شود. اما در کشورهای غیر عربی کافی است که مقدمه و عناصر اصلی خطبه به زبان عربی باشد. اما موضوعات خطبه به زبانی ایراد گردد که حاضرین آنرا می فهمند.

هفتم: خطبه باید به صورت طبیعی و دور از هر نوع فریاد و تکلف در فصاحت و سجع ایراد گردد. خطیب سعی ورزد خطبه طولانی نشود تا سبب نفرت و انزجار شنوده نگردد.

هشتم: خطبه نباید آنقدر طولانی باشد که بر شنوندگان سنگینی کند و نه آنقدر کوتاه باشد که موضوع خطبه ناقص و نا تمام بماند.

نهم: عناصر خطبهٔ عید همانند خطبهٔ جمعه است؛ لیکن در خطبه های دو عید موضوعات خطبه باید متعلق به هر عید بوده و فراخوان باشد و اصول و مبادی اسلام را یاد آوری نماید.

توصیه برای خطبا به منظور استفاده بهینه از کتاب

١-این کتاب شامل کلید های اولیه ای است که خطیب کارش را با آنها آغاز می کند. اما توسعه و تفصیل در مضامین خطبه را و علم و دانش و وسعت بینش و معرفت خطیب تعیین می کند و بنابراین خطیب باید در آموختن علوم و معارف اسلامی که از قرآن کریم و سنت مطهر استنباط شده و حریص باشد.

۲- قبل از اینکه خطیب و خطبه مورد نظر خود را ایراد نماید لازم است در مورد ربط موضوع و مناسب بودن وقت آن اطمینان حاصل نماید و خطیب نباید خطبه را قبل از فرا رسیدن وقت مناسب ایراد کند و نه آنرا به تعویق بیندازد و بلکه وقت و زمان مناسب را برای ایراد خطبه انتخاب نماید. به طور مثال: خطبه ای را که به منظور استقبال از ماه رمضان آماده ساخته باید در آخرین خطبهٔ جمعه ماه شعبان و یا در اولین خطبهٔ ماه رمضان ایراد نماید.

۳- بهتر اینست خطیب در بارهٔ خطبهٔ مورد نظرش که تصمیم داردآنرا ایراد کند و بیشتر از آنچه در خطبه آمده است معلومات کسب کند و در این راستا به منابع علمی مراجعه نماید. زیرا علم و دانش سبب بالا رفتن مقام شخص در دنیا و آخرت میشود. چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم میفرماید: «و فضیلت عالم بر عابد به مانند فضیلت من بر پایین ترین شماست ». به روایت ترمذی (۲۶۸۵) و دارمی(۳۵۲).

۴- خطیب باید از موضوع خطبه خود متأثر گردیده و وجدان و احساس وی با آنچه میگوید تحریک شده و در عملی نمودن آن قبل از ایراد و بیاندیشد و هرگاه خطیب گفته های خود را جامه عمل پوشانید بدون شک و بر شنوندگان اثر خواهد گذاشت. چرا که تأثیر گریهٔ بازیگر سینما که غم و اندوه را بازی می کند مانندتأثیر گریهٔ مادر بر فرزند نیست. بنابراین صوت و صدا و تلفظ و لهجه و صورت وهیئت خطیب و نشانی از صدق ضمیر و احساس پاک و غیرت وی است که این کار به نوبهٔ خود تأثیر به سزایی بر شنوندگان دارد.

۵- خطیب میتواند در لابلای خطبه و مثال ها و داستان های واقعی و زنده را که جامعه با آن در تماس است و اضافه نماید تا نماز گزاران احساس کنند خطبه برای آنها آماده شده است و تا به این ترتیب بین خطبه جمعه و واقعیتهای دینی و زندگی روز مره مردم پیوند وهمبستگی صورت گیرد.

۶- توصیهٔ ما به خطبای کرام اینست که خطبهٔ آماده شده را قبل از ایراد آن ۳ الی ۵ بار با دقت تام و با صدای بلند و مراعات نمودن تلفظ درست بخوانند تا صدا و سخن خود را آزمایش نموده و بدانند در کجا توقف و در چه موضعی با شدت سخن گفته و چگونه عبارات و کلمات را تلفظ نمایند.

۷- پس از تهیهٔ خطبه به شکل درست و کامل و خطیب باید خطبه را برای خود بخواند تا مواضع قوت و ضعف خود را و چه در صوت و صدا و چه در تلفظ و حرکت اندام دریابد و زیرا آمادگی قبلی و خطبه را زیبا و موثر می سازد و همچنان خطیب باید سعی نماید تا از تکلف در عبارات دوری جوید و زیرا شریعت این عمل را ممنوع قرار داده است و مردم نیز سادگی را دوست داشته واز انسانهایی که به سادگی صحبت می کنند خوششان می آید.

۸- در نهایت باید دانست که اخلاص در قول و عمل و صدق نیت باخداوندمتعال و کلید حقیقی کامیابی خطبه و خطابت است و پس بر خطیب لازم است این نکتهٔ مهم را قبل از تهیهٔ خطبه و پس از آن مد نظر داشته وحتما رعایت نماید و چنانکه گفته شده: «کسی که نیت راست و اخلاص ندارد می لغزد».

پایان مقدمه

فضیلت توحید

خطبه اول

الحمدلله الذي جعل التوحيد أغلى ما في الارض والسموات وأعز أهله بالجنة ورفع الدرجات وجعلنا من أهل التوحيد وعلي سفينة النجاة والصلاة والسلام على أفضل الخلق صاحب الكمالات وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان ذوي الفضل والتقوى والدعوة والجهاد والبطولات..

وبعد:

برادران مسلمان! خداوند متعال در کلام مجیدش می فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ۱۰۲)

«ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است و از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید».

پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از خداوند متعال سفارش می کنم.

بدانید که قلب مؤمن که جای تبلور سعادت ورستگاری دائمی وحقیقی است جز با آراسته کردن آن به توحید ویکتا پرستی و اصلاح نخواهد گردید.اصلاح قلب فقط با گوهر توحید ودرخشش نور ایمان امکان پذیر است.آری! توحید خالص به دور از هرگونه شرك وریا .

پس من وشما چقدر خوشبختیم که الله ذوالجلال ما را از اهل توحید ویکتا پرستی قرار داده است و توحید ثروت وسرمایه ای حقیقی است و که سعادت ورستگاری هر دو جهان جز در پرتو این سرمایه عظیم یعنی نور توحید تحقق نخواهد یافت.

از لحاظ عقلی ونقلی این امر از مسلمات است که الله متعال یگانه خالق ومدبر واداره کننده وچرخاننده این جهان هستی است چنانکه در کلام عزیزش می فرماید:

﴿لَوۡ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَاۚ فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ ٢٢﴾ (الأنبياء: ۲۲)

«اگر در آسمانها وزمین و غیر از الله (معبودها وخدایان دیگری) وجود می داشت قطعاً نظام آسمانها وزمین به هم می‌خورد پس الله و یگانه صاحب عرش عظیم و پاك وبسی برتر از آن چیزهائی است که (مشرکان) به او نسبت می‌دهند».

پس مخلوقاتی بی شمار وعجیب و وکائناتی عظیم ومهیب و مشرق ومغرب و جنگ وصلح و خشك وتر و شور وشیرین و ستاره وسیاره و باد وباران و شب وروز و گیاه ودانه و فرد وگروه و زنده ومرده و نشانه در پی نشانه و همه اینها را تنها وتنها الله یگانه آفریده ومی چرخاند و چقدر پروردگار پاك وچقدر اله بزرگ وقدرتمندی است.

دلائل قدرتش را برای آنانکه فکر کنند نمایان و شواهدش را برای آنانکه بنگرند آشکار و آیات ومعجزاتش را برای غافلان بیان فرموده و برای معاندان عذری باقی نگذاشته و ودلایل وبهانه های منکرین را ریشه کن کرده است. پس الله ذوالجلال ذاتی بابرکت وبهترین آفرینندگان است.

آری ای مؤمنان وشیفتگان توحید ویکتا پرستی! توحید ویگانه پرستی و اصل بزرگی است که آسمانها وزمین فقط برای آن آفریده شده اند وجن وانس وملائکه وبهشت ودوزخ به خاطر آن خلق شده اند و ودعوت و جهاد برای توحید ویکتا پرستی فرض گردیده است پس هدف آفرینش

این جهان بزرگ فقط پرستش وعبادت الله متعال آن ذات یگانه ویکتا است و چنانکه در کلام نورانی اش می فرماید:

﴿ وَمَا خَلَقْتُ ٱلْجِنَّ وَٱلْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ ﴾ (الذاریات: ۵۶)

(و نیافریدم جن وانس را جز برای اینکه عبادت کنند مرا)

اهل توحید ویکتا پرستی بشارت داده شده اند و از حضرت عثمان ذی النورین رضی الله عنه روایت شده که رسول گرامی - صلی الله علیه وآله وسلم- فرمودند: «**مَن مَاتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ** ». صحیح مسلم کتاب الایمان شمارهٔ ۲۶

«هر کس در حالی بمیرد که یقین داشته باشد جز الله یگانه و هیچ معبودی شایسته عبادت نیست وارد بهشت می گردد».

عَنْ عُبَادَةَ - رضی الله عنه - عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه وآله وسلم قَالَ: «**مَنْ شَهِدَ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ و وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ و وَأَنَّ عِيسَى عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ و وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ و وَرُوحٌ مِنْهُ و وَالْجَنَّةُ حَقٌّ و وَالنَّارُ حَقٌّ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَى مَا كَانَ مِنَ الْعَمَلِ**». (صحیح بخاری: ۳۴۳۵)

و حضرت عباده - رضی الله عنه - روایت می کند که نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «هرکس و گواهی دهد که هیچ معبود بر حقی جز الله یگانه وبی همتا وجود ندارد و ومحمد بنده وفرستادهٔ اوست و وعیسی بنده وفرستاده وکلمه وروح الله است که به مریم سپرده شده است وبهشت ودوزخ و حق اند و عملش هر چه باشد و الله او را وارد بهشت خواهد کرد».

ای مؤمنان دوستدار توحید ویکتا پرستی! آیا می دانید که الله متعال ومعبود ویکتا وذوالجلال برای توحید ویکتا پرستی چه فضایل بزرگی در نظر گرفته است؟! آیا می دانید که توحید تمام گناهان را پاک می کند؟ آیا می دانید که توحید فرد موحد ویکتا پرست را از ماندن همیشه در دوزخ نجات می دهد؟ آیا می دانید که توحید سبب نزدیکی بنده به الله ذوالجلال و آن معبود حقیقی اش می گردد؟ وآیا می دانید که توحید سبب می گردد بلا ومصیبت از مؤمن دور شود؟ پس این را هم بدانید که بندهٔ مؤمن هر چه در تحقق توحید ویکتا پرستی بیشتر کوشا باشد ودر آن اخلاص داشته وبی ریا عمل کند وهر چه از شرک ومظاهر شرک ظاهری وباطنی بیشتر دور باشد و امنیت وهدایت بیشتر نصیبش می گردد و پس مژده باد به شما اهل توحید ویکتا پرستی و وبدانید که مؤمن موحد و بیش از دیگران از نعمت امنیت وآرامش در دنیا وآخرت برخوردار است.

الله متعال که یگانه معبود من وشماست می فرماید:

﴿ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمْ يَلْبِسُوٓاْ إِيمَٰنَهُم بِظُلْمٍ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلْأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٨٢﴾ ﴾ (الأنعام: ۸۲)

«کسانی که ایمان آورده وایمان خود را با شرک نیامیخته باشند و ایشان در امنیت کامل خواهند بود و وفقط ایشان هدایت یافتگانند ». و می فرماید:

﴿ لَا يَحْزُنُهُمُ ٱلْفَزَعُ ٱلْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّىٰهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ هَٰذَا يَوْمُكُمُ ٱلَّذِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾ ﴾

(الأنبیاء: ۱۰۳)

«وحشت بزرگ (قیامت) آنها را اندوهگین نمی سازد و وملائکه به استقبالشان می آیند (ومی گویند:) « این همان روز تان است که به شما وعده داده می شد».
و طبیعتا کسی که از عبادت الله یگانه سرپیچی کند مستحق بدترین عذاب الهی می گردد و چنانکه می فرماید:

﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ ۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمْ شَرُّ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾ ﴾(البينة: ۶)

«بی گمان کسانی که از اهل کتاب ومشرکان کافر شدند و در آتش جهنم اند که در آن جاودانه خواهند ماند و آنان بدترین مخلوقات هستند». ودر جای دیگری می فرماید:

﴿ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَٰرِدُونَ ﴿٩٨﴾ لَوْ كَانَ هَٰٓؤُلَآءِ ءَالِهَةً مَّا وَرَدُوهَا ۖ وَكُلٌّ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٩٩﴾ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا ٱلْحُسْنَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾ ﴾(الأنبياء: ۹۸ - ۱۰۱)

«یقیناً شما کفرپیشگان وآنچه به جای الله می پرستید و هیزم جهنم هستید و شما در آن وارد خواهید شد. اگر اینها (بتها) معبوداتی (برحق) بودند و هرگز وارد دوزخ نمی شدند و و(آنها) همگی در آن ماندگار خواهند بود. برای آنها در آن دوزخ ناله (های دردناکی) است و وآنها در آن (چیزی) نمی شنوند. اما به راستی کسانی که پیشتر از سوی ما (وعده ی) نیکویی برای آنها مقرر شده است و آنها از آن دوزخ دور نگاه داشته می شوند».
پس اهل توحید همیشه در سعادت وهمه جا پیروز ورستگارند؛ ابراهیم بت شکن پدر یکتا پرستان تاریخ را ملاحظه فرمایید که وقتی دشمنان توحید وی را به آتش انداختند الله متعال چگونه او را سرفراز گردانید:

﴿ قُلْنَا يَٰنَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ ﴿٦٩﴾ وَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾ ﴾

(الأنبياء: ۶۹ - ۷۰)

«گفتیم : ای آتش ! بر ابراهیم سرد وسلامت باش. وآنها خواستند برای (نابودی) او نیرنگ (خطرناکی) ورزند و پس آنها را زیانکارترین (مردم) قرار دادیم ».
آری ای مؤمنان وای اهل توحید ویکتا پرستی! با توجه به آیات قرآن کریم و علما توحید را به سه نوع تقسیم کرده اند: توحید ربوبیت و توحید الوهیت و توحید اسماء وصفات.
معنی توحید ربیوبیت این است که الله متعال را در افعالش یکتا بدانیم و یعنی اینکه در آفرینش وپرورش واداره وتدبیر وتصرف کل این جهان ذات متعال خدای تعالی تنهای تنهاست. معنی توحید الوهیت این است که شایسته هر نوع عبادت وپرستش وکمک خواستن وفریاد رسی فقط الله متعال است وبس و یعنی : یکتا دانستن الله متعال در تمامی افعال عبادی بندگان همچون نماز و روزه و طواف و نذر کردن و قربانی نمودن (ذبح کردن)و ....
ومعنی توحید اسما وصفات این است که و هر اسم وصفتی که الله متعال برای خود در کلام مجیدش ذکر فرموده یا رسول گرامی اش بیان فرموده یا به یکی از بندگان نیکش آموخته برای

ذات گرامی او ثابت است.
سروران گرامی! چنانکه می دانید الله متعال معبود یگانه من وشما از هر عیب ونقصی پاک است:
﴿ قُلْ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدٌۢ ﴿٤﴾ ﴾الإخلاص:(١ - ٤)
(ای پیامبر) «بگو: او الله یکتا و یگانه است. الله (از همه چیز و همه کس) بی نیاز است (وهمه چیز و همه کس نیاز مند اوهستند). نه (فرزندی) زاده ونه (از کسی) زاده شده است. وهیچ کس همانند وهمتای او نبوده ونیست».
پس این معبود واله ومشکل گشای ماست و که قدرت وحکمت او در تصور هیچ انسانی نمی گنجد:
﴿ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقاً لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الأَنْهَارَ ﴾(إبراهيم٣٢)
«الله (همان) ذاتی است که آسمانها وزمین را آفرید و واز آسمان و آبی نازل کرد و پس با آن (آب) میوه ها (ی گوناگون) برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد و وکشتی (ها) را برای شما مسخر گردانید و تا به فرمان او در دریا حرکت کند و ونهرها را (نیز) برای شما مسخر گردانید» .
در جای دیگر می فرماید:
﴿ رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَٱعْبُدْهُ وَٱصْطَبِرْ لِعِبَٰدَتِهِۦ ۚ هَلْ تَعْلَمُ لَهُۥ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾ ﴾ (مریم: ٦٥)
«(همان) پروردگار آسمانها وزمین و وآنچه میان آن دو است و پس او را عبادت کن و وبر عبادتش شکیبا (و پایدار) باش. آیا (مانند و) همنامی برای او می شناسی؟»
یقینا وصد البته که نه؛ زیرا با کمال قدرت واقتداری که شایستهٔ ذات یگانهٔ اوست می فرماید:
﴿ لَيْسَ كَمِثْلِهِۦ شَىْءٌ ۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ ﴿١١﴾ ﴾ (الشورى: ١١)
«هیچ چیزی مانند ذات یگانهٔ او نیست واو شنوای بیناست»
از حضرت ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:
«**قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَنْفِقْ أُنْفِقْ عَلَيْكَ». وقَالَ: «يَدُ اللَّهِ مَلأَى لا تَغِيضُهَا نَفَقَةٌ و سَحَّاءُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ». وقَالَ: «أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ مُنْذُ خَلَقَ السَّمَاءَ وَالأَرْضَ؟ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَدِهِ و وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ و وَبِيَدِهِ الْمِيزَانُ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ». (صحيح بخاری: ۴۶۸۴)**
«الله عزوجل فرمود: «انفاق کن تا من بر تو انفاق کنم». همچنین آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «دست الله و پُر است وانفاق و چیزی از آن و کم نمی‌کند. او شب وروز می‌بخشد. آیا نمی‌بینید که از بدو آفرینش آسمانها وزمین و چقدر انفاق کرده ولی چیزی از آنچه در دست دارد و کم نشده است. وعرش الله بر روی آب و قرار دارد. ترازو در دست اوست و (رزق را) کم وزیاد می کند».
بارك الله لي و لكم ولسائر المسلمين الموحدين.

خطبه دوم

الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه و كما يحب ربنا ويرضى و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبده ورسوله و وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

ای اهل ایمان وتوحید! چنانکه می دانید همان طوری که وضو ونماز نواقض هایی دارد که آنرا باطل می کند توحید نیز نواقضی دارد که فرد مؤمن وموحد باید مواظب باشد توحیدش باطل نشود وخدای نکرده تباه شدن توحید مثل تباه شدن وضو ونماز نیست و توحید اگر باطل شدمثل اینکه سد محکم حفاظت انسان شکسته است ودر چنین صورتی یعنی راه ورود انسان به دوزخ باز شده است.

باید بسیار مواظب باشیم که خدای نکرده شیطان که دشمن ابدی وازلی انسان است ما را به پرتگاه هلاکت نکشاند. راه نجات از دست شیطان وسایر عوامل گمراهی وانحراف در عقیده توجه جدی به قرآن کریم وسنت صحیح رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم است و الله متعال در کلام مجیدش می فرماید:

﴿ وَإِن يَمْسَسْكَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾ ﴾ (الانعام: ١٧)

«و اگر الله زیانی به تو برساند و هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد و واگر خیری به تو برساند (هیچ کس نمی‌تواند مانع آن شود) و زیرا که ذات متعال او بر هر چیزی توانا است» .

پس باید یقین وباور کامل داشته باشیم که و جز الله یگانه هیچ مخلوقی اعم از پیامبران وملائکه وسایر اولیاء ودوستان الله هیچ کس نمی تواند در عالم ما فوق اسباب و یعنی در اموری که از توان انسان خارج است به انسان نفع وضرری برساند و تنها الله وپروردگار یکتا ویگانه است که قدرت دارد سود وزیان برساند ومشکلات را بر طرف نماید.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: روزی پشت سر پیامبر صلی الله علیه وسلم بر مرکب شان سوار بودم فرمودند: فرزندم! چند سخن به تو می آموزم:

« احْفَظِ اللَّه يَحْفَظْكَ احْفَظِ اللَّه تَجِدْهُ تُجَاهَك و إذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّه و وَإذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّه و واعلَم: أَنَّ الأُمَّةَ لَو اجتَمعتْ عَلَى أَنْ ينْفعُوكَ بِشيْءٍ و لَمْ يَنْفعُوكَ إلاَّ بِشَيْءٍ قَد كَتَبَهُ اللَّه لَك و وإِن اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوك بِشَيْءٍ و لَمْ يَضُرُّوكَ إلاَّ بَشَيْءٍ قَد كَتَبَهُ اللَّه عليْك و رُفِعَتِ الأَقْلَام و وجَفَّتِ الصُّحُفُ». سنن ترمذی ٢٥١٦ و فرمود این حدیث حس صحیح است

«الله را حفظ کن تا ترا حفظ کند. به یاد الله باش او را در برابر خود؛ خواهی یافت. هرگاه چیزی خواستی فقط از الله بخواه و وهرگاه کمک می خواهی تنها از الله کمک بخواه و وبدان اگر تمام مردم جمع شوند تا به تو سودی برسانند و هرگز نخواهند توانست به تو فایده ای برسانند و مگر فایده ای که الله در تقدیر برایت نوشته باشد.

واگر همه جمع شوند تا به تو ضرری برسانند و هرگز نخواهند توانست ضرری برسانند و مگر ضرری که الله برایت نوشته ومقدر کرده باشد. قلم ها برداشته شده وصحیفه ها خشک گردیده است».

پس با توجه به آیات کریمه قرآن کریم واحادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم دعا کردن وسؤال کردن وکمک خواستن از الله بر بندگانش لازمست و زیرا در سؤال ودعا وکمک خواستن از الله متعال و انسان عجز ونیاز خود را مطرح می کند و وگویا بنده مؤمن و در برابر ذات متعال او به قدرت بی مثال خدای تعالی اعتراف می کند ومی گوید: بلند کردن دست نیاز و برای رفع هر ضرر وزیان وآرزو وامیدی و جزبه الله یکتا ویگانه از هیچ کس وهیچ جای دیگری شایسته نیست.

الله ذوالجلال تصویربعضی ازانسانهای ناسپاس را نشان می دهد که قابل دقت وتأمل است:

﴿ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ ٱللَّهِ ۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ ۗ وَلَوْ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ إِذْ يَرَوْنَ ٱلْعَذَابَ أَنَّ ٱلْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾ ﴾ (البقرة: ۱۶۵)

«واز مردم کسانی هستند غیر از الله همتایانی را انتخاب می کنند و وآنها را مانند دوست داشتن الله دوست می دارند و وکسانی که ایمان آورد ه اند الله را بیشتر دوست می دارند و کسانی که ستم کردند. اگر می دیدند هنگامی که عذاب (روز قیامت) را مشاهده می کنند (خواهند دانست) که تمام قدرت از آن الله است واینکه الله سخت کیفر است».

آری ای اهل ایمان ومشتاقان وشیفتگان توحید ویکتا پرستی! بزرگترین ظلم وسنگین ترین گناه این است که به الله شریک آورده شود وحق خالصی که فقط مال اوست به دیگران داده شود ودیگران با او مساوی دانسته شوند.

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِۦ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَـٰلًۢا بَعِيدًا ﴿١١٦﴾ ﴾ (النساء: ۱۱۶)

«بیگمان الله شرک ورزیدن به خود را نمی‌آمرزد وغیر از آن را برای هر کس که بخواهد می‌بخشد . وهر کس با الله شریک بگیرد و یقینا به گمراهی دور از حقی سرگردان شده است».

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَـٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ ۚ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ صَلُّوا۟ عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾ ﴾ (الأحزاب: ۵۶)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد «. اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما صليت على آل إبراهيم وبارك على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد .»

ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

اهمیت وشروط دعا

خطبه اول

الحمد لله مجيب الدعوات و يقضي لعباده الحاجات و ويدفع عنهم بفضله الآفات ويفرج الكربات و أحمده سبحانه ما دامت الأرض والسموات . وأشهد ألا إله إلا الله رب البريات و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله أيَّده ربه بالآيات البينات صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه أولي الفضائل والدرجات.

أما بعد :

الله عزوجل در کتاب عزیزش می فرماید: ﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِي وَلْيُؤْمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ١٨٦ ﴾ (البقرة: ١٨٦) «هنگامیکه بندگان من از تو در بارهٔ من سؤال کنند من یقینا (به ایشان) نزدیکم چون دعا کننده مرا بخواند و دعایش را اجابت میکنم و پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و وباید به من ایمان بیاورند تا باشد که به راه راست هدایت گردند».

برادران وخواهران مسلمان! بدانید که دعا یکی از بهترین عبادت‌ها وموجب کمال نفس وقرب به الله است. الله تعالی در آیه فوق بندگان را به دعا کردن دعوت فرموده است.زیرا دعا یکی از وسایل ارتباط با الله متعال است که این ارتباط عامل مؤثری در راه خودسازی است و بنده باید ارتباط خود را با خالق هستی نزدیک‌تر کرده وبا زبان خود با الله سخن گوید تا بر اثر این راز ونیاز شعله‌ای در او به وجود آید که باعث سوزاندن گناهانش شود. رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در حدیث قدسی می فرماید:

« يَا عِبَادِي و كُلُّكُم ضَالٌّ إِلاَّ مَنْ هَدَيْتُهُ و فَاسْتَهْدُونِيْ أَهْدِكُمْ و يَا عِبَادِي و كُلُّكُمْ جَائِعٌ إِلاَّ مَنْ أَطْعَمْتُهُ و فاسْتطْعِمُونِي أُطْعِمْكُمْ و يَا عِبَادِيْ و كُلُّكُمْ عَارٍ إِلاَّ مَنْ كَسَوْتُهُ فَاسْتَكْسُونِي أَكْسُكُمْ و يَا عِبَادِي و إِنَّكُمْ تُخْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَأَنَا أَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً و فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُم». صحیح مسلم(٢٥٧٧)

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از الله متعال روایت می‌کند که الله می‌فرماید: « ای بندگان من! همه‌ی شما گمراهید جز کسی که من او را هدایت کرده باشم؛ پس طلب هدایت کنید تا شما را هدایت فرمایم و ای بندگان من! همه‌ی شما گرسنه‌اید و مگر کسی که من او را سیر کرده باشم؛ بنابراین از من درخواست غذا کنید تا به شما غذا بدهم و ای بندگان من! همه‌ی شما لخت وبرهنه‌اید و جز کسی که من او را پوشانیده باشم و پس از من طلب پوشش کنید تا شما را بپوشانم و ای بندگان من! شما شب وروز و خطا می‌کنید وفقط من تمام گناهان را می‌آمرزم و پس از من طلب آمرزش کنید تا شما را بیامرزم».

آری! دعا کلید نجات وگنجینهٔ رستگاری است و وبهترین دعا آن دعایی است که از سینهٔ پاک ودلی پرهیزگار برآید. ودر راز ونیاز وسیله نجات است و ونجات در اخلاص است و وچون فزع وبی‌تابی سخت شود و پناهگاه و الله است. بندهٔ الله عین فقر ونیاز است واگر یک لحظه فیض الله از او قطع شود نابود خواهد شد. دعا از مصادیق روشن ذکر الله عزوجل است و ویاد الله سبب آرامش روح وروان می شود. چنانکه الله میفرماید: ﴿ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ

﴿ ... تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ٢٨ ﴾ (الرعد: ۲۸) «کسانی که ایمان آورده‌اند ودل‌هایشان به یاد الله است و بدانید تنها با یاد الله دل‌ها آرام می‌گیرد.» انسانی که با دعا سر وکار دارد هرگز یأس وناامیدی بر او غالب نمی شود وبا دعا ونیایش مشکلات مادی ومعنوی خود را از او می خواهد و وبه اجابت او باور دارد. دعا وتضرع در مقابل معبود واقعی در نهاد جان وفطرت انسان گذاشته شده است. انسان پیوسته مایل است از گناهان توبه کند واز قصور وتقصیرها عذرخواهی نماید. دعا در اسلام به منزله التماس روحی وتضرع وزاری است و چنین فردی هرگز ناامید نمی شود وتا آخرین نفس با امید ونشاط با الله سخن می گوید.

بندگان خدا! الله متعال به انسان موقعیت و نعمت و حکومت بر دل ها و آبرو وحیثیت و سلامت و ثروت وقدرت ومعنویت می بخشد. باید پیوسته دعا کند که از وی نعمت وثروت وحال عبادت سلب نشود. اگر فرزندان مومنی دارد و پیوسته از الله بخواهد بر ایمان ومعنویت خود وآنان بیفزاید وبرآن ثابت قدم نگهدارد. اگر از نعمت امنیت وسلامت برخوردار است و دعا کند که الله آنرا باقی بدارد. انسان نباید فقط در حال اضطرار ومصیبت به یاد الله بیفتد ودعا کند و بلکه در حال صحت ومرض و تنگدستی وتمکن و ناتوانی وعزت وقدرت و همواره باید دست به دعا بردارد. قرآن کریم کسانی را که فقط در مواقع بدبختی دست به دعا برمی دارند توبیخ کرده است و می فرماید:

﴿ وَإِذَا مَسَّ ٱلۡإِنسَٰنَ ٱلضُّرُّ دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ أَوۡ قَاعِدًا أَوۡ قَآئِمٗا فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُ ضُرَّهُۥ مَرَّ كَأَن لَّمۡ يَدۡعُنَآ إِلَىٰ ضُرّٖ مَّسَّهُۥۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلۡمُسۡرِفِينَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٢ ﴾ (یونس: ۱۲) « هنگامی که به انسان ناراحتی وبلایی می رسد چه بر پهلو خوابیده و وچه نشسته و وچه ایستاده باشد ما را به کمک می خواند. اما هنگامی که نا راحتی وبلایی را از او به دور داشتیم و آن چنان راه خود را در پیش می گیرد که انگار ما را برای دفع محنتی که بدو رسیده است به فریاد نخوانده است و این چنین اعمال اسرافگران در نظرشان آراسته شده است.»

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به ابن عباس رضی الله عنه توصیه نموده می فرماید: « **احْفَظِ اللَّه تَجِدْهُ أَمَامَكَ و تَعَرَّفْ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّخَاءِ يعرِفْكَ فِي الشِّدةِ**» مسند احمد

الله را به یاد داشته باش تا در برابر خود و او را بیابی و در هنگام آسایش وآسودگی و الله را به یاد داشته باش تا در موقع سختی ودشواری و حافظ ونگهدار تو باشد» پس انسان در دنیا پیوسته در معرض حوادث و بیماری ها و تصادف ها و زلزله ها و حوادث ومصائب ناگهانی وغیر مترقبه قرار دارد ونباید لحظه ای از الله غافل گردد.

دعا فضائل وخوبیهای بی شماری داشته که آیات واحادیث فراوانی در مورد آن آمده است و الله در قرآن مجیدش میفرماید: ﴿ أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ ﴾ (النمل: ۶۲) «کیست که دعای درمانده ی چون او را نیایش کند و اجابت نماید وبدی را دور میسازد؟». همچنان از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله وسلم در رابطه با دعا احادیث زیادی روایت شده از آنجمله به روایت امام ترمذی از نعمان بن بشیر رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم چنین

نقل شده است: «**الدعاء هو العبادة**». «دعا عبادت است». ودر روایت حضرت علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم با این عبارت نقل شده است: «**الدعاء سلاح المؤمن وعماد الدين ونور السماوات والأرض**».مستدرک حاکم(۱۸۱۲)

«دعا سلاح مؤمن و وستون دین و ونور آسمانها وزمین است».

اینجا سوالی مطرح میگردد که آیا دعا با رضا وتسلیم در برابر الله عزوجل منافات ندارد؟ باید گفت : کسانیکه میگویند: دعا کردن مداخله در کار الله است والله هرچه مصلحت بنده را بداند انجام میدهد و واو مصالح ما را از خود ما بهتر میداند و بنابراین نیازی به دعا نیست. این مردم از اثرات روانی و اجتماعی وتربیتی دعا ونیایش بی خبرند واین را نمی دانند که دعا به ذات خویش عبادت وخضوع وبندگی است. وانسان توسط دعا ارتباط خاصی با الله پیدا میکند.

ای بندگان! بدانید دعا کننده باید بر این عقیده باشد که تنها کسیکه قادر وتوانا و بر اجابت دعای من است همانا الله یگانه ویکتا است وتمام وسائل واسباب به اراده وفرمان الله کارگر می افتد وباید دعاکننده قبل از دعا نمودن نیت خود را تصحیح نماید و واز صدق دل وحضور قلب دعا کند و چرا که الله دعای کسیکه با دل غافل او را میخواند نمی پذیرد. واز خوردن غذای حرام پرهیز نماید و واز دعا کردن احساس خستگی وملالت نکند.

تضرع و خوف و امید و مداومت بر دعا و عام گردانیدن دعا و وخوردن روزی حلال و حفاظت قلب کنترل زبان با مردم و عدم نظر به نامحرم اموریست که با مراعات کردن آن در دعا موثر واقع می شود. همچنان دعا کننده باید در دعای خود از الله چیزهایی را که حرام قرار داده است و نخواهد و مرتکب گناه ومعاصی نشود و قطع صلۀ رحم نکند و به حقوق مسلمانان تجاوز ننماید و وظلم وتعدی نکند و ودر اجابت دعا عجله نورزد و نگوید : من دعا زیاد نمودم ولی الله دعای مرا نپذیرفت. بنابراین باید بندۀ مسلمان به همۀ این امور پای بند باشد تا اگر الله بخواهد دعایش به زودی مورد اجابت بارگاه ذات اقدس الهی قرار گیرد. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: «**يستجاب لأحدكم ما لم يعجل يقول: قد دعوت ربي فلم يستجب لي**» متفق علیه.

«دعای یکی از شما اجابت می شود مادامیکه شتاب نکند وبگوید: دعا نمودم و پروردگار دعای مرا اجابت نکرد». ونیز آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «**مَا عَلَى الأَرْضِ مُسْلِمٌ يَدْعُو اللَّه بِدَعْوَةٍ إِلاَّ آتَاهُ اللَّه إِيَّاهَا أَوْ صَرَفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا مَا لَمْ يَدْعُ بِمَأْثَمٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ». فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: إِذًا نُكْثِرَ. قَالَ: «اللَّه أَكْثَرُ**». رواه الترمذی (۳۵۷۳)وقال: حديثٌ حسن و حاکمٍ(۱۸۱۶)

من روايةُ أَبی سعيد وزاد فيه: «**أو يُدَخِّرُ له من الأجر مثلها**». « بر روی زمین مسلمانی نیست که دعا به دربار الله نماید مگر اینکه الله دعای وی را اجابت می نماید ویا به همان اندازه بدی را از وی دور میگرداند. مادامیکه به گناه وقطع صلۀ رحم و دعا نکند. مردی از میان قوم گفت: ازین به بعد زیاد دعا میکنیم.

آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: الله بیشتر (یعنی احسان ولطف الله از درخواست شما

زیادتر است). این حدیث را امام ترمذی : روایت نموده وگفته است که حدیث حسن وصحیح است. اما حاکم در روایتش چنین افزوده است: «و یا اینکه الله برای او مانند پاداش او را ذخیره میکند».

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

ای مسلمانان! بدانید دعا دارای آدابی است که فرد مسلمان باید سعی کند آن ها را رعایت نماید از جمله باید وقت مناسب دعاء را دریابد و اوقاتی است که دعا مستجاب می شوند و مانند: ماه رمضان و روز عرفه و روز جمعه و وقت سحر -آخر شب- ده روز نخست ماه ذی الحجه. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: (**ما من أيام العمل الصالح فيها أحب إلى الله من هذه الأيام العشر). قالوا: يا رسول الله ولا الجهاد في سبيل الله؟ قال: (ولا الجهاد في سبيل الله إلا رجل خرج بنفسه وماله فلم يرجع من ذلك بشيء)** صحیح بخاری(۹۶۹)

یعنی: « هیچ روزی نیست که در آن عمل صالح نزد الله تعالی محبوب تر از این ده روز باشد. گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم وحتی جهاد فی سبیل الله؟ فرمود: وحتی جهاد فی سبیل الله و مگر مردی که با جان ومال خود برای جهاد خارج شود وهیچ چیزی از آن باز نگردد (به سنگر شتافته وشهید شود).»

روایت می کنند که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم وقتی ماه رمضان فرامی رسید و می فرمود: (**إن هذا الشهر قد حضركم و وفيه ليلة خير من ألف شهر. من حُرمها فقد حُرِمَ الخير كله ولا يحرم خيره إلا محروم**)سنن ابن ماجه (۱۶۴۴)

یعنی: «این ماه بر شما وارد شد و در آن شبی هست که از هزار شب برتر است. هرکس از آن بی بهره ماند از هرچه نیکی وخیر است بی بهره مانده است وجز محرومان کسی از آن بی بهره نمی ماند.» آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم در مورد روز جمعه نیز می فرماید: (**فيه ساعة لا يوافقها عبد مسلم وهو قائم يصلي يسأل الله تعالى شيئًا إلا أعطاه إياه**) صحیح بخاری(۹۳۵) و صحیح مسلم(۸۵۲)یعنی: « در آن وقتی است که اگر بنده ی مسلمانی در آن وقت نماز می گزارد و در حالیکه از الله چیزی را می طلبد و حتما آن را به وی می دهد.»

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم همچنین می فرماید: (**ينزل الله إلى السماء الدنيا كل ليلة حين يمضي ثلث الليل الأول و فيقول: أنا الملك.. أنا الملك.. من ذا الذي يدعوني فأستجيب له؟ من ذا الذي يسألني فأعطيه؟ من ذا الذي يستغفرني فأغفرله؟ فلا يزال كذلك حتى يضيء الفجر**) مسلم(۷۵۸)

« الله هرشب و وقتی یک سوم اول آن بگذرد به آسمان دنیا آمده ومیفرماید: من پادشاهم و من پادشاهم و کیست که دعا کند ومن بپذیرم؟ کیست که از من بخواهد ومن به او عطا نمایم؟ کیست که از من طلب آمرزش نماید ومن او را ببخشم؟ تا آنکه صبح شود»

همچنان آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: (**الدعاء لا يرد بين الأذان والإقامة**). روایت ترمذی(۲۱۲)

یعنی: « دعا بین اذان واقامت رد نمی شود.» همچنین آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است: (**أقرب ما يكون العبد من ربه وهو ساجد؛ فأكثروا من الدعاء**) روایت مسلم(۲۱۵)

یعنی: « نزدیکترین حالت بنده به پروردگارش حالت سجده است و پس در آن زیاد دعا کنید.»

از دیگر اوقات اجابت هنگام رویارویی بادشمن و موقع بارش باران و بانگ خروس وپس از نمازهای فرض ودر حالت سجده ورو کردن به سوی قبله است .

روزی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم برای نماز استسقاء (طلب باران) برای مردم خارج شد و پشت به مردم وروی به قبله نمود وبه دعا ونیایش پرداخت». متفق علیه.

همچنان از آداب دعا و بلند کردن دست ها است ؛ از حضرت عمر –رضی الله عنه– روایت شده است که: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم هنگام دعا دست هایش را بلند می نمود. مستدرک حاکم(۱۲۲۵).

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: (**إن ربكم حَيي كريم و يستحي أن يبسط العبد يديه إليه فيردهما صِفْرًا**) ابوداود(۱۴۸۸) وترمذی(۳۵۵۶) وابن ماجه (۳۸۶۵)

یعنی: «بدانید که پروردگار شما بسیار حیا دارد که بنده اش دست به سوی او بلند نموده واو آن ها را تهی و خالی به وی بازگرداند.» ستایش الله سبحان ودرود وصلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در دعا امر لازمی است.

فضاله بن عبید رضی الله عنه می فرماید: در حالی که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نشسته بود و مردی وارد شد ونماز گزارد وگفت: «**اللهم اغفر لي وارحمني**» یعنی: الهی! مرا بیامرز وبه من رحم فرما! و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: (**عَجِلتَ (تسرعتَ) أيها المصلي و إذا صليتَ فقعدتَ فاحمد الله بما هو أهله و وصلِّ علي و ثم ادعه**) یعنی: «عجله کردی ای نماز گزار. وقتی نماز گزاردی ونشستی و حمد وسپاس الله متعال را آنگونه که سزاوار اوست بگوی وبر من (پیامبر) درود فرست سپس دعا کن!»

آنگاه مرد دیگری آمد ونماز گزارد وحمد الله را گفت وبر حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم درود وصلوات فرستاد و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به او فرمود: (**أيها المصلي! ادع تجب**) یعنی: «ای نماز گزار! دعا کن که اجابت می شوی.» ترمذی(۳۴۷۶) ونسائی(۱۲۸۴)

بنده باید در دعا پافشاری واصرار نموده سه بار آنرا تکرار نماید. آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «**لا يقولن أحدكم: اللهم اغفر لي إن شئتَ و اللهم ارحمني إن شئتَ. ليعزم المسألة فإنه لا مستكرِه له (أي يدعو الله وهو موقن أن الله سيقبل دعاءه. فالله هو القادر على كل شيء**) بخاری (۶۳۳۹) و مسلم (۲۶۷۸). یعنی: «نباید بگویید: بارالها! مرا ببخش اگر خواستی و به من رحم کن اگر خواستی. باید سؤالتان را راسخ ومطمئن بیان دارید وکسی نمی تواند الله را به کاری وادارد.(یعنی الله را بخواند ویقین داشته باشد که دعایش پذیرفته می شود و چون الله بر هر چیزی تواناست)»

سفیان بن عیینه -رحمه الله- می فرماید: هیچ کس دست از دعا و باز نکشد به خاطر آنچه در مورد خود می داند که الله دعای بدترین مخلوقاتش یعنی ابلیس را اجابت فرمود که گفت: ﴿ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِيٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلْمُنظَرِينَ ﴿٣٧﴾ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْوَقْتِ ٱلْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾ ﴾ (الحجر: ۳۶ - ۳۸) یعنی: «گفت پروردگارا پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده * فرمود تو از مهلت‌یافتگانی* تا روز [و] وقت معلوم.»

همچنین دعا باید با صدای آرام وکوتاه باشد. الله متعال می فرماید: ﴿ ٱدْعُوا۟ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ﴾ (الأعراف: ۵۵) «پروردگار تان را به زاری وی ودرپنهانی بخوانید.» رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به اصحاب خویش هنگامی که صدای دعایشان را بلند نموده بودند و چنین فرمود: (**إنکم لیس تدعون أصم ولا غائبًا و إنکم تدعون سمیعًا قریبًا و وهو معکم**) مسلم(۲۷۰۴)یعنی: «همانا شما ناشنوا وغائب را نمی خوانید و شما شنوای نزدیکی را فرا میخوانید واو با شما است.»

همچنان سعی شود کلمات و جمله های دعاء برگرفته از قرآن وسنت باشد ودعا کننده خود از به کار بردن عبارات موزون ومسجع در دعا خودداری کند و وباید ابتدا دعاء برای خویش وسپس برای دیگران کند واز نفرین کردن بر خویش وخانواده ویا اموال وفرزندان حذر نماید وبدانید دعای شخص مسلمان برای برادرش ودر غیاب وی اجابت می شود. در نزد سرش ملائکه ای موظف است که هرگاه برای برادرش دعای خیر کند بگوید : آمین وبرای تو مانند آن باد. همچنان کسی که به شما نیکی کرده است از دعا فراموش نکنید واز برادران خود بخواهید تا برایتان دعا کنند و به ویژه از افراد صالح ودرستکار.

ای بندگان از الله بترسید وبرای گناه وقطع خویشاوندی دعا نکنید زیرا تقوی واشتیاق به انجام طاعات و ودور گشتن از معاصی ومنکرات و وشتافتن به سوی توبه از جمله عواملی هستند که دعا را به درجۀقبول نزدیک تر می سازند.

از ابراهیم ادهم -رحمه الله- پرسیدند: ما را چه شده که هرچه دعا می کنیم اجابت نمی شود؟ فرمود: چون قلب های شما به خاطر ده چیز مرده است: ۱. الله را شناختید وفرمانش را اجرا نکردید. ۲. پیامبر را شناختید واز سنت او پیروی ننمودید. ۳. قرآن را شناختید وبه آن عمل نکردید. ۴. از نعمت های الله خوردید وشکر آن را به جای نیاوردید. ۵. بهشت را شناختید وبه جستجویش نپرداختید. ۶. دوزخ را شناختید واز آن نگریختید. ۷. شیطان را شناختید وبا او مبارزه نکردید. ۸. مرگ را شناختید وبرای آن آمادگی حاصل ننمودید. ۹. مردگانتان را به خاک سپردید واز آن عبرت نگرفتید. ۱۰. از خواب برخاستید وبه عیب های دیگران سرگرم شده وعیب های خود را وانهادید.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ ۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ صَلُّوا۟ عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾ ﴾ (الأحزاب: ۵۶) **اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و**

وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

رحمت

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

امابعد:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالاً كَثِيراً وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيباً ﴾(النساء: ١).

برادران گرامی و الرحمن والرحيم دو اسم از اسماء الله الحسنى می باشند که مشتق از واژه ی رحمت هستند و در قالب مبالغه ذکر شده اند. وشدت مبالغه در الرحمن بیشتر می باشد زیرا الرحمن یعنی دارنده ی رحمت شامل وفراگیر بر همه مخلوقات در دنیا وآخرت ومومنین در آخرت و اما الرحیم یعنی دارنده رحمت بر مؤمنین در روز قیامت واین دیدگاه اکثر دانشمندان اسلامی می باشد.

ما در آثار رحمت بی شمار پروردگار سیر می نماییم الله متعال می فرماید:

﴿ مَّا يَفْتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢﴾ ﴾

(فاطر: ۲)

«الله (در خزائن) هر رحمتی را برای مردم بگشاید و کسی نمی‌تواند (آن را ببندد و) از آن جلوگیری نماید و والله هر چیزی را که باز دارد واز آن جلوگیری کند و کسی جز او نمی‌تواند آن را رها وروان سازد و واو توانا وبا حکمت است »

نمازگزاران گرامی و ممکن است این سوال پیش آید که چرا به ما دستور داده شده تا خود را به این صفت (صفت رحمت) بیاراییم؟ اسباب فراوانی وجود دارد که بنده با توجه به وقت خطبه برخی از آنها را ذکر می نمایم:

اولا: الله ما را بدان امر نموده است پس پیروی از آن برای ما واجب می باشد و همانگونه که رسول الله _صلی الله علیه وآله وسلم _ بر بالای منبر فرمودند:

ارحموا ترحموا و واغفروا يغفرالله لكم و ويل لأقماع القول و ويل للمصرين الذين يصرون على مافعلوا وهم يعلمون.

«نبست به دیگران رحمت روا دارید واز آنها در گذرید الله از شما در می گذرد و وای بر کسانی که سخن نادرست می گویند ووای بر کسانی که بر ارتکاب گناهان اصرار می ورزند در حالی که خود می دانند.»

دوم: اگر ما خود را به این صفت آراستیم و الله متعال کسانی را در دنیا مسخر می نمایند تا نسبت به ما رحمت روا دارند وخود نیز ما را در دنیا وآخرت مورد رحمت خویش قرار می دهد و از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «**الراحمون يرحمهم الرحمن ارحموا من في الأرض يرحمكم من في السماء**» به روایت

ترمذی(۱۹۲۴) واحمد(۶۴۹۴)
«رحم کنندگان را و الله در دنیا وآخرت رحم می کند و نسبت به کسانی که در زمین هستند رحمت روا دارید تا کسی که در آسمان است شما را مورد رحمت خویش قرار دهد.»
و جریر رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت می کند که ایشان فرمودند: "کسی که نسبت به مردم رحمت روا نمی دارد و الله نسبت به او رحمت روا نمی دارد". به روایت طبرانی(۳۳۳۹)
سوم: الله متعال انسان را به بهترین شکل آفریده است واو را نسبت به بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است. الله متعال می فرماید: ﴿ لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِيٓ أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ ٤ ﴾ (التین: ۴)
«ما انسان را (از نظر جسم وروح) در بهترین شکل وزیباترین سیما آفریده‌ایم .» واو تعالی تمامی نیازهای ما را در این دنیا فراهم نموده ودیگر مخلوقات را نیز برای خدمت به ما گماشته است وما را به خود وانگذاشته بلکه رزق وروزی ورفاه وآسایش دنیوی ما را نیز برای ما مهیا نموده است.
الله سبحانه وتعالی در این باره می فرمایند: ﴿ هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا..... ٢٩ ﴾ (البقرۀ: ۲۹) «الله آن ذاتی است که همه موجودات وپدیده‌های روی زمین را برای شما آفرید»
ابر وباد ومه وخورشید وفلک درکارند و تا تو نانی به کف آری وبه غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته وفرمانبردار و شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری
ای مسلمانان از رحمت الله متعال به انسانها این است که پیامبرانی را به سوی آنها فرستاده است تا آنها را به بهشت بشارت داده واز دوزخ بترسانند و وبندگان را با پروردگارشان آشنا سازند وآنها را به سوی عبادت خالص پروردگار دعوت نمایند و آنها را به سوی حق رهنمون ساخته واز راه های باطل وگمراهی برحذر دارند.
قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ بَأۡسٞ شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ٢٥ ﴾
(الحدید: ۲۵)
«ما پیغمبران خود را همراه با دلائل متقن ومعجزات روشن (به میان مردم) فرستادیم و وبا آنان کتابهای (آسمانی وقوانین) وموازین (شناسائی حق وعدالت) نازل نموده‌ایم تا مردمان (برابر آن در میان خود) دادگرانه رفتار کنند. وآهن را پدیدار کرده‌ایم که دارای نیروی زیاد وسودهای فراوانی برای مردمان است . هدف (از ارسال انبیاء ونزول کتب آسمانی وهمچنین آفرینش وسائلی چون آهن) این است که الله متعال بداند چه کسانی او را وفرستادگانش را به گونه ی نهان وپنهان (از دیدگان مردمان) یاری می کنند . الله نیرومند وچیره است».
و نیز می فرماید: ﴿ رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ١٦٥ ﴾ (النساء: ۱۶۵)
«ما پیغمبران را فرستادیم تا (مؤمنان را به ثواب) مژده‌رسان و و(کافران را به عقاب) بیم‌دهنده

باشند و وبعد از آمدن پیغمبران حجّت ودلیلی بر علیه الله برای مردمان باقی نماند (ونگویند که اگر پیغمبری به سوی ما می‌فرستادی و ایمان می‌آوردیم وراه طاعت وعبادت در پیش می گرفتیم . والله چیره وباعزت وحکیم است (وکارهایش از روی قدرت وحکمت انجام می‌دهد)»

برادران گرامی یکی دیگر از مظاهر رحمت پروردگار این است که سرور اولین وآخرین وپیشوای متقین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم را به سوی ما فرستاده است و رسالتش رحمتی است برای جهانیان وکتابی که بر او نازل شده هراسنده است برایشان و الله متعال در قرآنش می فرماید: ﴿ تَبَارَكَ ٱلَّذِى نَزَّلَ ٱلْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِۦ لِيَكُونَ لِلْعَـٰلَمِينَ نَذِيرًا ﴿١﴾ ﴾(الفرقان: ١)

«والا مقام وبزرگوار کسی است که فرقان و (یعنی جدا کننده حق از باطل) را بر بنده خود (محمّد) نازل کرده است و تا این که جهانیان را (بدان) بیم دهد».

ودر صحیح مسلم از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «**وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ**» مسلم (٢٤٠)

« قسم به کسی که جان محمد در دست اوست هیچ کَس از این امت یهودی یا نصرانی نیست که خبر برگزیده شدنم به او برسد سپس به رسالت من ایمان نیاورد مگر اینکه اهل جهنم خواهد بود ».

و از جمله رحمت پروردگار و شریعتی به آنها عنایت نموده است که در بنیان ونظم وارزشها واخلاقیاتش دارای کمال

می باشد و شریعتی که در هر زمان ومکان وبرای هر نسلی کارآیی دارد و الله متعال می فرماید:

﴿ ٱلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِى وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلْإِسْلَـٰمَ دِينًا ۚ ﴾(المائدۀ: ٣)

«امروز دین شما را برایتان کامل کردم ونعمت خود را بر شما تکمیل نمودم وراضی شدم تا اسلام دین شما باشد» .

مومنان نمازگزار و الله متعال به وسیله ی این شریعت غل وزنجیری که پیشینیان بدان مبتلا بودند را از ما زدود و الله متعال در وصف پیامبرش چنین می فرماید: ﴿ ... وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَٱلْأَغْلَـٰلَ ٱلَّتِى كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ ... ﴿١٥٧﴾ ﴾ (الأعراف: ١٥٧)

« غل وزنجیری (احکام طاقت‌فرسایی همچون قطع مکان نجاست به منظور طهارت و وخودکشی به عنوان توبه) را که بر آنها بود از (دست وپا وگردن) ایشان به در می‌آورد». واساس این شریعت بر آسانگیری بنا شده است.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ ...يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلْعُسْرَ ... ﴿١٨٥﴾ ﴾ (البقرة: ١٨٥)

« الله آسانی را برای شما می خواهد وخواهان زحمت وسختی شما نیست»

و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند: «**يسروا ولا تعسروا و وبشروا ولا تنفروا.**»بخاری(٦٩)

«آسان بگیرید وسختگیر نباشید و ومردم را بشارت دهید وآنها را متنفر نسازید».

و اخبار وداستنهایی که از رحمت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده است همه از آن خبر دارند و دور ونزدیک و دوست ودشمن بر آن گواهی داده اند و وچرا اینگونه

نباشد ؟! مگر نه این است که ﴿لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٨﴾﴾ (التوبة: ١٢٨) «بیگمان پیغمبری از خود شما برایتان آمده است . هرگونه درد ورنج وبلا ومصیبتی که به شما برسد و بر او سخت وگران می‌آید . بسیار خیر خواه شما است و ونسبت به مؤمنان دارای لطف فراوان وبسیار مهربان است»

از الله متعال خواهانیم که به ما توفیق عبادت صحیح عطا نماید وما را در مسیر قدردانی وسپاسگذاری از نعمات ورحمات بیکرانش به کار گیرد.

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمدلله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن والاه و أما بعد :

مسلمانان نمازگزار و از نمونه های رحمت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می توان به موارد زیر اشاره نمود:

اولاً – با دشمنان:

آنگاه که رسول الله صلی الله علیه وسلم اهل طائف را به سوی اسلام دعوت نمود و آنها نه تنها دعوتش را نپذیرفتند بلکه نادانان را تحریک نموده تا به سوی ایشان سنگ پرت کنند ورسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در حالی که خون از پای مبارکشان جاری بود در گوشه ای نشست و آنگاه الله متعال ملائکه کوهها را به سوی ایشان فرستاد تا سلام الله متعال را به وی برساند وبگوید: اگر بخواهی این دو کوه را از جا کنده وبر آنها می کوبم اما رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: امیدوارم از نسل اینها کسانی بیایند که الله متعال را به یگانگی بپرستند.

دوماً – با ناآگاهان به امور شرعی:

بادیه نشینی وارد مسجد شد ودر گوشه ای شروع به ادرار نمودن کرد و یاران رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم از جای خویش برخواستند تا با او برخورد کنند و اما رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آنها را منع نمود تا اینکه آن مرد ادرارش را تمام کند و سپس دستور داد ظرف آبی بر آن بریزید وخطاب به یارانش فرمودند: همانا شما آسانگیر مبعوث شده اید نه سختگیر و پس آسان بگیرید وسختگیر نباشید ودیگران را بشارت دهید ومتنفر نسازید.) سپس خطاب به آن بادیه نشین فرمود: این مساجد برای برپا داشتن نماز ویاد الله بنا شده است) پس از آنکه به خوبی آداب را به او آموخت و آن بادیه نشین همواره می گفت: پدر ومادرم فدای رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم باد و با من با تندی برخورد نکرد ومرا توبیخ نفرمود.)مصنف عبدالرزاق(۱۶۵۹)

سوماً– با بادیه نشینانی که مراحل تربیتی را در اسلام به پایان نرسانده بودند: یکی از بادیه نشینان بر رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم وارد می شود و ردای آنحضرت را می گیرد ومی کشد تا جاییکه گردن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم قرمز شد و اما رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم درحالیکه تبسم بر لب داشت به او می نگریست.

گذشتگان نیک ما و شاگردان مدرسه نبوت نیز در رحمت وعطوفت الگو واسوه هستند.

در زمان خلافت ابوبکر صدیق رضی الله عنه پیرزنی نابینا در گوشه ای از مدینه زندگی می کرد و عمر بن الخطاب رضی الله عنه تصمیم گرفت به وی خدمت نماید وآب وغذا به خانه اش ببرد ومنزلش را تمیز کند و اما هروقت می رفت متوجه می شد که کسی قبلا آمده وخانه را تمیز نموده ونیز آب وغذا آورده است و لهذا تصمیم گرفت تا کمین کند ودریابد چه کسی به این پیرزن خدمت می نماید و شبی از شبها که کمین کرده بود متوجه شد ابوبکر صدیق رضی الله عنه در حالیکه آب و غذا به همراه داشت وارد خانه شد و دریافت که ابوبکر صدیق رضی الله عنه هر روز به خانه ی این پیرزن می آمده وبه وی خدمت می کرده است و آن هم در زمانی که خود و خلیفه ی مسلمین بود.

و از فراگیر بودن رحمت در شریعت ما این است که ما را به رحمت ومهربانی حتی نسبت به حیوانات امر می نماید وبه همین سبب در دین مبین اسلام بدرفتاری با حیوانات از جمله و حبس حیوانات و دواندن بیهوده چهار پایان و هدف قرار دادن حیوانات در تیر اندازی و وکشتن حیوانات بدون هدف وبه قصد سرگرمی حرام و ناشایسته می باشد.

اما برادران عزیز چگونه می توان به درجه ی رحمت دست یافت؟

بایستی دانست چگونه صفت رحمت را در زندگی خویش عملی کرد و شخصی به نزد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آمد واز سخت دلی خود شکایت کرد و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به ایشان فرمودند: «دست نوازش بر سر یتیمان بکش و و به بیچارگان ودرماندگان غذا بده» مسنداحمد(۹۰۱۸)

پس قضیه ی پاداش را در ذهن خود تصور کن واندکی به این حدیث رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بیاندیش :

کسی که در دنیا مشکلی از مشکلات برادرش را حل کند و الله در آخرت مشکلی از مشکلاتش را از او می زداید.

هیچ جوانی پیدا نمی شود که پیرمرد کهنسالی را گرامی بدارد مگر اینکه وقتی خود به سن کهنسالی رسید الله متعال کسی را مسخر می کند که او را گرامی بدارد و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: با پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان نسبت به شما نیکی کنند.

از مهمترین پیامدهای این صفت جلب رحمت ومودت والفت بین انسانها می باشد: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
می فرماید:

(مثل المؤمنين في توادهم وتعاطفهم وتراحمهم مثل الجسد إذا اشتكى منه شيء تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى).رواه البخاري(٦٠١١) ومسلم(٢٥٨٦)

«مؤمنان در محبت ورحمت وعطوفت نسبت به یکدیگر مانند جسدی می مانند که اگر عضوی از آن به درد آمد تمام اعضایش در تب وشب بیداری با آن همراه می شوند.»

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار و دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی و نشاید که نامت نهند آدمی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و «وما ارسلناك الا رحمة للعلمين»

اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

کسب حلال ودوری از حرام

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

ای بندگان! الله متعال میفرماید:

﴿ وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا تُرۡجَعُونَ فِيهِ إِلَى ٱللَّهِۖ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٢٨١ ﴾ (البقرة: ٢٨١)

«تقوای الهی پیشه کنید واز روزی که در آن به‌سوی الله برمی گردید بترسید. روزی که هر شخص جزای آنچه به دست آورده را کسب می کند وآنها مورد ستم قرار نمی گیرند».

بدانید که شناخت آفریدگار وشناختن هدف سبب پایداری در راه وثابت قدمی وسالم ماندن از لغزش می شود وهدر رفتن تلاش وتلف نمودن وقت وعمر در امور بی‌فایده است.

و از نعمت خداوند و رحمتش بر بندگان این است که در کتابهایی که برایشان نازل نموده ودر وحیی که بوسیله پیامبران آورده هدفش رااز خلقت آنان بیان نموده تا اندیشه‌ها در فهم آن (هدف خلقت)گمراه نشوند.

﴿ وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦ ﴾ (الذاريات: ٥٦)

(من جن ها وانسان‌ها را نیافریده‌ام مگر برای آنکه مرا عبادت کنند.)

و الله تعالی آدم علیه السلام وپس از وی ذریه‌اش را در زمین جانشین ساخت:

﴿ وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ خَلِيفَةٗۖ ﴾ (البقرة: ٣٠)

« وآنگاه که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشینی قرار داده‌ام».

.........اما این جانشینی از سوی پروردگار برای آدم وفرزندانش صورت گرفته ومسخر نمودن زمین وروزی‌ها ونیروها با این هدف از سوی الله عزوجل صورت گرفته است که انسان بر اساس برنامه‌ی الله متعال وشریعت وی در زمین جانشینی کند ونعمتهایش را دراختیار انسان قرار نداده تا هرگونه ودر هر راهی که خواست از آن استفاده کند.﴿ وَءَاتُوهُم مِّن مَّالِ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ ءَاتَىٰكُمۡۚ ﴾ (النور: ٣٣)

«و از مال الله که به شما اعطا نموده به آنان نیز بدهید».

و مقتضای جانشینی در زمین کمال حرف‌شنوی از الله متعال واطاعت از امر ونهی وی با در نظر داشتن حلال وحرام وی در کسب وخرج است.

درباره‌ی کسب حلال الله متعال به همه‌ی بندگانش دستور می‌دهد:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ كُلُواْ مِمَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٌ ١٦٨ ﴾

(البقرة: ۱۶۸)

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید. از آنچه در زمین است حلال وپاک را بخورید واز گام‌های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است».

و همچنین فرمود: ﴿ وَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ ٨٨ ﴾

(المائدة: ۸۸)

«و از نعمتهای حلال وپاکی که الله به شما داده و بخورید واز پروردگاری که به او ایمان دارید و بترسید.»

و در حدیثی که مسلم در صحیح خود از ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

" **إن الله طيبٌ لا يقبل إلا طيباً و وإن الله أمر المؤمنين بما أمر به المرسلين فقال :** ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ٥١ ﴾ (المؤمنون: ۵۱)

"همانا الله پاک است وجز پاک را نمی‌پذیرد والله مومنان را همانگونه امر نموده که به پیامبرانش امر نموده است که:

«ای پیامبران از پاکیزه‌ها بخورید وکار نیک انجام دهید. من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم».

وفرمود: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ ﴾ (البقرة: ۱۷۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از پاکی‌هایی که روزیتان نموده‌ایم بخورید».

سپس درباره‌ی مردی سخن گفت که سفرش به طول انجامید و ژولیده موی وغبارآلود دستش را به آسمان دراز نموده ومی گوید: **يا رب يارب"ومطعمه حرام ومشربه حرام و لبسه حرام وغذي بالحرام و فأنى يستجاب لذلك"**.مسلم (۱۰۱۵)

«پروردگارا !پروردگارا ! در حالی که غذایش ونوشیدنی‌اش ولباسش از حرام است وحرام خورده است. پس چگونه دعایش استجابت شود»؟

اما درباره خرج کردن در راه حلال نیز مسئولیت اخروی آن را در روز قیامت در برابر الله متعال بیان نموده است. در حدیثی که ترمذی آن را در جامع خود با سند صحیح از ابی برزه اسلمی رضی‌الله عنه روایت نموده آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«**لَا تَزُولُ قَدَمُ ابْنِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ خَمْسٍ و عَنْ عُمُرِهِ فِيمَ أَفْنَاهُ و وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَ أَبْلَاهُ و وَمَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَ أَنْفَقَهُ و وَمَاذَا عَمِلَ فِيمَا عَلِمَ**» ترمذی(۲۴۱۶)

«پاهای بنده در روز قیامت جابجا نمی‌شود تا وقتیکه درباره عمرش که در چه راهی گذرانده ودرباره‌ی علمش که با آن چه کرده ودرباره مالش که از کجا به دست آورده وچگونه خرجش

نموده واز بدنش که در چه کاری از آن استفاده کرده مورد سوال قرار گیرد».

و این سوالی است که باید برای آن آماده شد و با کسب روزی حلال و دوری از مال حرام و همچنین با داشتن نیت خالص برای کسب آن و استفاده از راهها و اسبابی که جایز است برای طلب رزق از آنها استفاده کنیم پاسخی مناسب برای آخرتمان داشته باشیم و در این میان از اسراف بپرهیزیم و اعتدال و میانه روی در خرج کردن مال خداوند پیشه کنیم واین نصیحتی است که پروردگار مهربان در این سخنش ما را به آن امر کرده است:

﴿ وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبۡسُطۡهَا كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ فَتَقۡعُدَ مَلُومٗا مَّحۡسُورًا ٢٩ ﴾ (الإسراء: ٢٩)

«و دستت را به گردنت زنجیر مکن وبسیار هم گشاده‌دستی نکن تا ملامت‌شده وحسرت‌زده بر جای مانی».

وفرموده است: ﴿ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٣١ ﴾ (الأعراف: ٣١)

«و بخورید وبیاشامید ولی اسراف ننمایید که او اسراف کننده‌گان را دوست ندارد».

خداوند عزوجل دستور به میانه روی در خرج کردن روزی داده و از اسراف منع کرده تا بدینوسیله مقداری از مال باقی بماند و در آن فریضه‌ی زکات واجب شود. وهمچنین صدقه‌ی مستحب نیز مورد پسند است.

و همینطورمقداری از مال باقی بماند تا بوسیله آن سرمایه گذاری کنید و باز هم به کسب روزی بپردازید اما فراموش نکنید که اموالتان را در راهی نیاندازید که مانع پیشرفت سایرین شود کاری نکنید که ثروت و گردش سرمایه در انحصار خودتان باقی بماند

این همان چیزی است که الله متعال در کلام خود ما را از آن برحذر داشته است:

﴿ كَيۡ لَا يَكُونَ دُولَةَۢ بَيۡنَ ٱلۡأَغۡنِيَآءِ مِنكُمۡۚ ﴾ (الحشر: ٧)

«تا آنکه ثروت بین ثروتمندان شما دست به دست نشود».

آری ثروتمندان نباید از راههایی برای کسب درآمد استفاده کنند که به اخلاق نیکویشان ضربه وارد کند و باعث دو دستگی در جامعه و اختلاف طبقاتی شود و در نتیجه رابطه بین افراد جامعه ضعیف شود.

از ناپاکترین این راه‌ها ومضرترین وبدترین آن می‌توان به بلای فریب واحتکار ورباخواری اشاره کرد. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم ما را آگاه نموده اند که یکی از هلاک کننده‌های هفت‌گانه همین رباخواریست و پیامبرمان در حدیث متفق علیه ما را از آن برحذر داشته است:

«**والذي لعن فيه النبي صلى الله عليه وسلم آكله وموكله وكاتبه وشاهديه وقال : «هم سواء** »» (أخرجه مسلم فی صحیحه(١٥٩٨) .

«پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گیرنده ودهنده ونویسنده ودو شاهد آن را لعنت کرده است وفرموده: آنان برابرند».

و وقتی گروهی در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به علت شبهه‌ای که برایشان پیش آمده بود به تحریم آن اعتراض کردند و اعتراضشان بر این اساس بود که هم در تجارت (خرید وفروش)

وهم در ربا سود وجود دارد الله متعال این اعتراض آنان را اینگونه رد نمودند :

﴿ ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِي يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مِنَ ٱلۡمَسِّۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡبَيۡعُ مِثۡلُ ٱلرِّبَوٰاْۗ وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلۡبَيۡعَ وَحَرَّمَ ٱلرِّبَوٰاْۚ فَمَن جَآءَهُۥ مَوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ وَأَمۡرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِۖ وَمَنۡ عَادَ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٧٥ ﴾ (البقرة: ٢٧٥)

«کسانی که ربا می‌خورند و از قبربرنمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس و سرش را آشفته کرده است این بدان سبب است که آنان گفتند: خرید وفروش بهً مانند رباست حال آنکه الله داد وستد را حلال و وربا را حرام گردانیده است. پس و هر کس و اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید و واز رباخواری دست کشید و آنچه گذشته و از آنِ اوست و وکارش به الله واگذار می‌شود و وکسانی که به رباخواری باز گردند و آنان اهل آتشند ودر آن ماندگار خواهند بود».

این تفاوت از آن جهت میباشد که در تجارت هم سود هست و هم زیان و هر کس به فراخور تلاشش و مهارتهایی که دارد ممکن است سود کند یا ضرر ببیند و اما ربا در واقع مقدار سودی است مشخص در هر قرارداد ربوی والله متعال این سود را حرام نموده زیرا صاحب مال آن را به خاطر تاخیر در مهلت می گیرد واین سود در برابر هیچ کالا یا خدمتی گرفته نمی‌شود. بر این اساس بدون شك نوعی ظلم است.

ای بندگان الله! تکیه کردن بر سود ربوی در غالب و مانع مشغول شدن به کار وکسب میشود زیرا در اشتغال وکار و سختی وزحمت وجود دارد اما سود به دست آمده از قراردادهای ربوی هیچ سختی وزحمتی را متحمل گیرنده ربا نمی کند وهمچنین ربا خواری باعث قطع شدن رشته ی همدردی وخوبی ونیکی میان مردم می‌شود وهمینگونه باعث می شود ثروتمند وام‌دهنده با گرفتن پول بیشتر بر فقیر وام‌گیرنده تسلط یابد واین خود امری خلاف عدل است واین کسب ربوی آنگونه که بعضی از علما گفته اند به مانند دوشیدن فقرا به نفع ثروتمندان است ونتیجه ربا این است که ثروتمند و ثروتمندتر وفقیر و فقیرتر شود که این باعث تورم یکی از طبقات جامعه به نسبت طبقات دیگر می‌شود آنجاست که کینه ونفرت وآتش درگیری میان فرزندان یک جامعه بالا می گیرد. وخطرات و امنیت وصلح جهانی را تهدید خواهند کرد.

برای همین است که از سوی الله ورسولش و علیه ربا اعلان جنگ شده است. آنجا که الله می‌فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَذَرُواْ مَا بَقِيَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٢٧٨ فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ فَأۡذَنُواْ بِحَرۡبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَإِن تُبۡتُمۡ فَلَكُمۡ رُءُوسُ أَمۡوَٰلِكُمۡ لَا تَظۡلِمُونَ وَلَا تُظۡلَمُونَ ٢٧٩ وَإِن كَانَ ذُو عُسۡرَةٖ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيۡسَرَةٖۚ وَأَن تَصَدَّقُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٢٨٠ ﴾ (البقرة: ٢٧٨ - ٢٨٠)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید و تقوای پروردگار را پیشه کنید؛ واگر مؤمنید و آنچه از ربا باقی مانده است رها سازید. واگر چنین نکردید و بدانید به جنگ با الله ورسولش و برخاسته‌اید؛ واگر توبه کنید و سرمایه‌های شما ازآن خودتان است. نه ظلم می کنید ونه مورد ظلم قرار می گیرید.

واگر (بدهکار) تنگدست باشد و پس تا (هنگام) گشایش و (به او) مهلتی دهید؛ وبخشیدن آن برای شما بهتر است- اگر بدانید».

از الله می‌خواهم من وشما را بوسیله قرآن وسنت از کسب حرام دور نگه دارد.

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالِمِيْنْ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِيِنّا مُحَمّدٍ و وَعَلى آلِهِ وَأَصْحَابهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلىَ يَوْمِ الدِّيْن.

أمّا بعد:

حمد وستایش ازآن الله است. او را مورد ستایش قرار می دهیم واز وی آمرزش می خواهیم و از بدی های نفس خود واز کارهای ناشایستمان به الله پناه می بریم

الله عزوجل هر که را هدایت کند (آن شخص) دیگر گمراه‌کننده‌ای نخواهد داشت وهرکه را گمراه سازد و هدایتگری نخواهد یافت

و گواهی می دهم که معبود به‌حقی نیست مگر الله و هیچ شریکی ندارد وگواهی می‌دهم که پیامبرمان محمد بنده وپیامبر اوست بارالها بر بنده وپیامبرت محمد وبر آل واصحاب وتابعین وپروان آنها تا روز قیامت به نیکی درود وسلام بفرست.

اما بعد!

ای بندگان الله. در زمینه بیان بخشی از حقایق درباره‌ی تحریم ربا در اسلام ومبارزه‌ی آن با نظام ربوی برخی از علما می‌گویند: از آشکارترین حقایق در اینباره این است که از نظر عقیدتی محال است (یعنی سزاوار نیست وحرام است که یک مسلمان به آن اعتقاد داشته باشد) که الله چیزی را که زندگی بشری بدون آن برقرار نمی‌ماند و حرام بکند همانگونه که از نظر عقیدتی محال است یک چیز ناپاک باشد ولی با این وجود برای برپایی امور زندگی وپیشرفت و ضروری باشد زیرا الله سبحانه وتعالی خالق زمین است واوست که انسان را در آن جانشین ساخته واوست که انسان را امر به آبادسازی وپیشرفت آن نموده. اوست که همه‌ی اینها را اراده کرده وتوفیق آن را می‌دهد.

پس ممکن نیست که چیزی را حرام کرده باشد در حالیکه بدون آن زندگی وپیشرفت امکان پذیر نباشد وهمچنین محال است که چیزی ناپاک بوده ولی برای برپایی حیات لازم باشد. این در واقع بدفهمی وتاثیر تبلیغات مسمومی است که نسل‌ها را بر این عقیده بار آورده که ربا برای پیشرفت اقتصادی ضروری است ونظام ربوی تنها نظام طبیعی است وسپس این تصور دروغین را در منابع وفرهنگ انسانی وارد کردند وسپس زندگی عصرحاضر نیز عملا بر همین اساس بنیان نهاده شد تا جایی که سخت است تصور نظامی دیگر؛ وبر اساسی دیگر شکل بگیرد این پندار نیز در وهله‌ی اول از عدم ایمان یا از ضعف آن سرچشمه می گیرد. وثانیا از ضعف اندیشه وناتوانی آن در آزاد شدن از این پندار است که سالیان دراز بر عقل‌ها چیره شده است پس ای بندگان الله. تقوای وی را پیشه ساخته وبر روزی حلال پایبند بمانید واز حرام و ناپاک وزیانبار دوری کنید.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه فى قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ

﴿يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦﴾ (الأحزاب: ٥٦)

و اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

اهمیت اخلاص

خطبه اول

الحمدلله الذي فضل المخلصين وأكرمهم بقبول أعمالهم والصلاة والسلام علي أشرف من علمنا الاخلاص بالقول والعمل وعلي آله وأصحابه أولي نماذج المخلصين في أمته وأكرم وأبر وأفضل من تربي علي القرآن والسنة بالصدق والاخلاص رضي الله عنهم أجمعين.

أما بعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢) «ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.

ای مؤمنان! بدانید که روح وجان عبادت وعمل صالح وشرط قبولی آن اخلاص است و اخلاص عملی است در قلب که الله متعال آنرا دوست می‌دارد ومی‌پسندد و اخلاص است که عمل را پاک کرده وبارور می‌نماید ودر نتیجه الله متعال در آن برکت می‌اندازد وبوسلیه آن به صاحبش سود می‌رساند و ودر مقابل آن پاداش نیکو عنایت می‌فرماید.

به تعبیر دیگر اخلاص است که الله متعال بندگان را بدان مکلف کرده و وآنانرا با اخلاص مورد آزمایش قرار داده که اگر آنرا بدست آورند پاداش داده می‌شوند واگر ضایع کنند مؤاخذه می‌شوند و چنانکه الله متعال می فرماید:

﴿ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡمَوۡتَ وَٱلۡحَيَوٰةَ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفُورُ ٢﴾ (الملك: ٢)

«اوست که مرگ وزندگی را آفریده تا اینکه شما را بیازماید که کدامیک بهتر عمل می کنید و واوست غالب بخشنده».

وفضیل بن عیاض رحمه الله در معنی (**أحسن عملاً**) می فرمایند: خالص تر ودرست تر و چون اگر نیت خالص ولی عمل درست نباشد پذیرفته نمی‌شود واگرعمل درست باشد ولی نیت خالص نباشد بازهم قبول نمی‌شود و پس لازم است که هم خالص وهم درست باشد».

الله متعال در همه عبادات واحکام ما را مکلف به اخلاص کرده است و هر امری که مسلمان بدان عمل می کند وهر نهی که از آن باز می‌ایستد باید مقرون به اخلاص باشد.

لذا می‌فرماید: ﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ﴾ (البينة: ٥). «و أمر نشدند مگر اینکه الله را در حالی پرستش کنند که تمام دین (و عبادت) را برای او خالص کرده باشند».

ومی‌فرماید: ﴿فَٱعۡبُدِ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ ٢ أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلۡخَالِصُۚ﴾ (الزمر: ٢ - ٣) «پس او را پرستش کن در حالی که دین (و عبادات) را برای او خالص گردانی و آگاه باش که دین (وعبادت) خالص فقط برای اوست».

از خلیفهٔ راشد وعدالت گستر بی همتای تاریخ بشر (پس از پیامبران علیهم السلام) عمر فاروق - رضی الله عنه - روایت است که فرمود از رسول الله - صلی الله وعلیه وآله وسلم- شنیدم که

می‌فرمودند:
إِنَّمَا الأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ و وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى و فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّه و رسوله و فهجرته الى اللّه ورسولى ومن كانت هجرته لدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْامْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْه».بخاری(۱) ومسلم(۱۹۰۷) «دار ومدار اعمال بر نیت است و وبا هر شخص مطابق با نیت وی عمل می شود و پس کسی که هجرتش بسوی الله ورسولش باشد و مهاجر الله ورسول است وکسی که هجرتش برای کسب دنیا یا ازدواج با زنی باشد پس او مهاجر همان چیزی است که برای آن هجرت کرده است».

معنی اخلاص این است که مؤمن نیت وعملش را پاک کرده وآنرا از هرگونه پلیدی وشائبه ای که نیت وعمل را باطل می‌کند ویا در کمال آنها عیب وایرادی وارد می‌کند دور نگهدارد و مانند ریا وشهرت طلبی وخود خواهی وبدعت گذاری وغیره و

الله متعال در ستایش صحابه ویاران مخلص رسول الله – صلی الله علیه وآله وسلم– می‌فرماید:

﴿ لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ جَٰهَدُواْ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلْخَيْرَٰتُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٨٨﴾ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾ ﴾

(التوبة: ۸۸ – ۸۹)

«اما پیامبر وکسانی‌که با او هستند و با جانها ومال هایشان جهاد کردند و این عده برای ایشان خیر ونیکی است وهمین هایند رستگاران و الله متعال برای آنان باغهایی مهیا کرده که از زیر آن نهرهایی جاری است همیشه در این با غها ماندگار خواهند بودواین است رستگاری بزرگ».

از طرف دیگر منافقین بودند که گرچه به ظاهر با پیامبر – صلی الله علیه وآله وسلم – نماز می‌خواندند وجهاد می‌کردند و اما از اخلاص وایمان واقعی به دور بودند و اینها در بدترین وضعیت قرار دارند و الله متعال در باره آنان می فرماید:

﴿ إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِي ٱلدَّرْكِ ٱلْأَسْفَلِ مِنَ ٱلنَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا ﴿١٤٥﴾ ﴾ (النساء: ۱۴۵)

«یقینا منافقان در پائین ترین طبقات دوزخ قرار دارند و وهرگز برای آنان یار ومددکاری نخواهی یافت».

پس ای برادران مسلمانان! دقت کنید با اینکه شکل ظاهری عمل یکی هست و مخلصان و مقرب ورستگارند و وریا کارن و رانده شده وزیانکار.

اینجاست که تاثیر نیت در عمل دیده میشود چون عمل صحابه رسول الله و منافقین در ظاهر یکی بوده و اما عمل صحابه همراه با اخلاص و عمل منافقین همراه با ریا بوده است و می بینیم چه فرقی است میان پاداش این گروه و جزای گروه دوم.

از حضرت أبو هريرة – رضی الله عنه – (صحابه ای که بیشترین احادیث را روایت کرده ؛ وراوی حدود ۵۳۷۴ حدیث از احادیث رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم) روایت است که فرمود: از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که می‌فرمودند:

« **إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَى يوْمَ الْقِيامَةِ عَلَيْه رجُلٌ اسْتُشْهِد و فَأُتِىَ بِه و فَعرَّفَهُ نِعْمَتَه و فَعرفَهَا و**

قال: فَمَا عَمِلْتَ فِيها؟ قَال: قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى اسْتُشْهِدْت: قَالَ كَذَبْت و وَلكِنَّكَ قَاتلْتَ لأَن يُقال جَرِيء و فَقَدْ قِيل و ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلى وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّار. وَرَجُل تَعلَّم الْعِلْمَ وعَلَّمَه و وقَرَأَ الْقُرْآن و فَأتِيَ بِه و فَعَرَّفَهُ نِعَمهُ فَعَرَفَهَا. قَال: فَمَا عملْتَ فِيهَا؟ قَال: تَعلَّمْتُ الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُه و وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرآن و قَال: كَذَبْت و ولكِنَّك تَعَلَّمْت الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُه و وقَرَأْتُ الْقرآن لِيقال: هو قَارِىءٌ و فَقَدْ قِيل و ثُمَّ أُمِر و فَسُحِبَ عَلى وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّار و وَرَجُلٌ وسَّعَ اللهُ عَلَيْه و وَأَعْطَاه مِنْ أصنَافِ المَال و فَأُتِي بِهِ فَعرَّفَهُ نعمَه و فَعَرَفَهَا. قَال: فَمَا عَمِلْت فيها؟ قَال: ما تركتُ مِن سَبيل تُحِبُّ أَنْ يُنْفَقَ فيهَا إلاَّ أنْفَقْتُ فيها لَك. قَال: كَذَبْت و ولكِنَّكَ فَعَلْتَ لِيُقَال: هو جَوَادٌ فَقَدْ قيل و ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلى وجْهِهِ ثُمَّ أُلْقِيَ فِي النار» مسلم (١٩٠٥).

«اولین کسی که از میان انسانها در روز قیامت محاکمه می‌شود مردی است که ظاهراً شهید شده و الله متعال او را احضار می کند ونعمتهایش را بر او بر می‌شمارد و وپس از اقرار وی و می‌پرسد پس با این همه نعمت من چکار کردی؟ می گوید: بارالها! در راه تو جنگیدم تا اینکه شهید شدم و الله متعال می‌فرماید: دروغ می گویی و بلکه جنگیدی تا اینکه به تو شجاع وقهرمان گفته شود وگفته شد! آنگاه پروردگار دستور میدهد که او را بر چهره‌اش بکشند وبه دوزخ بیندازند.

دوم شخصی که علم آموخته و وبه مردم تعلیم داده و وقرآن خوانده است و او را احضار می کند وپس از آنکه نعمتهایش را بر او بر می‌شمارد واو اعتراف می کند و می پرسد پس با این همه نعمت من چکار کردی؟ می‌گوید: علم آموختم وبه مردم آموزش دادم وبخاطر رضای تو قرآن خواندم می‌فرماید: دروغ می‌گویی و بلکه علم آموختی تا اینکه به تو عالم گفته شود و وقرآن خواندی تا اینکه به تو قاری گفته شود وگفته شد! سپس دستور می‌دهد که او را بر چهره اش بکشند وبه دوزح بیندازند.

وسوم شخصی که الله متعال روزی اش را فراخ کرده وبه او هرگونه مال وثروت فراوان عطاء فرموده است و پس از اینکه او را می‌آورد ونعمتهایش را بر او بر می‌شمارد واو بدانها اقرار می کند می‌پرسد پس با این همه نعمت من چه کردی؟ می گوید: هیچ جایی نبوده که تو دوست داشته باشی در آن خرج شود مگر اینکه من در آنجا بخاطر تو خرج کردم و می‌فرماید: دروغ می گویی و بلکه خرج کردی تا اینکه به تو سخاوتمند گفته شود وگفته شد و سپس دستور می‌دهد که او نیز بر چهره اش کشیده شده وبه دوزخ انداخته شود».

و از حضرت أبو هريرة - رضی الله عنه - روایت شده که فرمود:

يا رسول الله من أسعد الناس بشفاعتك يوم القيامة فقال لقد ظننت يا أبا هريرة أن لا يسألني عن هذا الحديث أحد أول منك لما رأيت من حرصك على الحديث أسعد الناس بشفاعتي يوم القيامة من قال لا إله إلا الله خالصا من قبل نفسه» صحيح بخاری (٦٠٢١)

«عرض کردم ای رسول الله! کیست آن که بیشتر از بقیه مردم به شفاعت شما خوشبخت می گردد و فرمودند: «کسی که از ته دل با اخلاص لا إله إلا الله بگوید».

پس ای بندگان الله! ودوستداران ایمان واخلاص! بکوشید که در عمل اخلاص پیشه کنید که مخلصان در سایه رحمت وحفاظت پروردگار خواهند بود واز نیرنگ شیطان و وحسرت وزیان و نجات خواهند یافت چنانکه از زبان شیطان می‌فرماید:

﴿ قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ ﴾

(الحجر: ٣٩ - ٤٠)

«(شیطان) گفت پروردگارم! به علت اینکه مرا گمراه کردی من حتماً زندگی دنیا را در چشم آنان مزین جلوه خواهم داد وهمه گیشان را گمراه خواهم کرد مگر بندگان مخلص ترا».

شرط الله متعال برای پذیرش توبه وجود اخلاص است که در عملشان مخلص باشند چنانکه می‌فرماید:

﴿ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ وَأَصْلَحُواْ وَٱعْتَصَمُواْ بِٱللَّهِ وَأَخْلَصُواْ دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٦﴾ ﴾ النساء: ١۴۶

«مگر کسانی که توبه کردند وگذشته شان را اصلاح نمودند وبه ریسمان الله چنگ زدند و ودینشان را برای الله خالص کردند این گروه با مؤمنانند وبزودی الله به مؤمنان پاداش عظیمی عنایت خواهد فرمود».

عمر فاروق - رضی الله عنه - به صحابی جلیل القدر أبو موسی أشعری رضی الله عنه نوشتند: «کسی که نیتش خالص باشد الله متعال اصلاح بین او ومردم را به عهده می گیرد »

و(شیر خدا؛ داماد وپسر عموی رسول الله؛ وپدر زن عمر فاروق وپدر حسنین) علی مرتضی - رضی الله عنه - می‌فرماید: «از کم بودن عمل نگران نباشید و نگران این باشید که مبادا عمل قبول نشود».

پس ای مسلمانان! به این رکن بزرگ (یعنی اخلاص) چنگ بزنید ودر ازای عملتان و فقط طالب رضای الله وحصول سعادت آخرت باشید و نیتها واراده های خود را خالص کنید. وبا آنچه پیامبر گرامیتان -صلی الله علیه وآله وسلم- مشروع قرار داده به الله تقرب جوئید.

چنانکه الله متعال می‌فرماید:

﴿ قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَٰلِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدًۢا ﴿١١٠﴾ ﴾ (الكهف: ١١٠)

«کسی که آرزوی ملاقات پروردگارش را دارد باید عمل نیکو انجام دهد وهیچ أحدی را در پرستش پروردگارش شریک نگرداند».

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين والحمد لله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمدلله العزيز الغفور و العليم بذات الصدور أحمده سبحانه وأشكره وأتوب إليه وأستغفره وأشهد أن لاإله إلا الله وحده لاشريك له و الحليم الشكور وأشهد أن نبينا وسيدنا محمداً عبده ورسوله و أرسله الله رحمة للعالمين و اللهم صلي وسلم بارك على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

أما بعد:

ای بندگان الله ! درهمه حال از الله بترسید که الله متعال آنچه در دل دارید می‌داند وکردار شما را می بیند و ای بندگان الله ! در طلب رضای الله با وی صادق باشید و واز خشم وانتقام او حذر کنید از آلوده شدن به محرمات بپرهیزید و وهمواره در مسیر دینداری اخلاص را در دلهایتان نهادینه کنید.

زیرا که این منهج پیامبر گرامی مان(صلوات الله علیه) است و با همین اخلاص است که اعمالتان پاک ودرجات تان بالا وباطنتان منور می گردد.

الله متعال خطاب به رسول مکرم صلی الله علیه وآله وسلم- می‌فرماید:

﴿ قُلْ إِنِّيٓ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾ قُلِ ٱللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُۥ دِينِي ﴿١٤﴾ ﴾ (الزمر: ١١ - ١۴)

«بگو: (ای پیامبر!) بدرستیکه من امر شده ام که الله را مخلصانه پرستش کنم ودین (و عبادت) م را فقط برای او خالص گردانم و وامر شده‌ام که اولین مسلمان باشم و بگو: اگر من نافرمانی پروردگارم را بکنم از عذاب روز بزرگ می‌ترسم و بگو فقط الله را می پرستم ودین (و عبادت) م را فقط برای او خالص می گردانم».

و می‌فرماید: ﴿ فَٱعْبُدِ ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلْخَالِصُ ﴾ (الزمر: ٢ - ٣) «پس او را پرستش کن در حالی که تمامی عبادات را برای او خالص گردانی و بدانید که عبادت خالص فقط برای اوست».

از صحابی گرامی جبیر ابن مطعم - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«سه چیز است که قلب بنده مسلمان از آن بی نیاز نیست و اخلاص در عمل و ونصیحت کردن حاکمان ورهبران مسلمین و وهمراه بودن با جماعت مسلمانان». روایت از احمد(١٣٣۴٩).

معنای حدیث این است که این سه خصلت دلها را اصلاح می کند پس کسی که بدانها چنگ بزند الله دلش را از مکر وخیانت وفتنه انگیزی پاک می گرداند.

ای بندگان الله ! بدانید که مانند هر عمل دیگری اخلاص نیز ثمراتی دارد؛ از بارزترین ثمرات اخلاص می توان موارد ذیل را بر شمرد:

- تحقق توحید ویکتاپرستی وسالم ماندن از شرک ونفاق.
- داخل شدن به بهشت ونجات از آتش دوزخ.
- قبول شدن اعمال و چند برابر شدن آن.
- آمرزش گناهان. البته شرک بدون توبه بخشیده نمی شود.
- چشیدن حلاوت وشیرینی عبادت ورشد وترقی در مقامات آن.
- رستگار شدن به شفاعت رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم در روز قیامت.
- بدست آوردن کمال امنیت وآرامش وهدایت در دنیا وآخرت.

امام أحمد با سند معتبر از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کنند که فرمودند:

«إن أخوف ما أخاف عليكم الشرك الأصغر قالوا: وما الشرك الأصغر يا رسول الله؟ قال: الرياء و يقول الله تعالى يوم القيامة إذا جازى الناس بأعمالهم: اذهبوا إلى الذين كنتم تراؤون في الدنيا و

فانظروا هل تجدون عندهم جزاء»

یقینا چیزی که بیش از همه به خاطر آن بر شما می ترسم شرک اصغر است صحابه عرض کردند ای رسول الله شرک اصغر چیست؟ فرمودند: ریا ؛ الله متعال هنگامی که در روز قیامت پاداش اعمال بندگانش را بدهد به ریا کاران خواهد گفت: بروید نزد کسانیکه اعمالتان را در دنیا به آنها نشان می دادید وببینید آیا پاداشی نزد آنان مایبید؟

مسند أحمد (۴۲۹)

پروردگارا! در تمامی گفتارها و کردارها ونیت‌ها واراده‌هایمان به ما وهمه مسلمین اخلاص کامل عنایت بفرما.

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ۵۶)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد «. اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما صليت على آل إبراهيم وبارك على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد .»

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

احکام وفضایل روز جمعه

خطبه اول

الحمد لله المبدئ المعيد و الفعال لما يريد و من هداه فهو السعيد و ومن أضله فهو الطريد البعيد و أحمده سبحانه وأشكره و والشكر من أسباب المزيد و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ذو العرش المجيد و وأشهد أن سيدنا ونبينا محمداً عبد الله ورسوله و أشرف من أضلت السماء و وأكرم من أقلت البيد و صلى الله وسلم وبارك عليه وعلى آله وأصحابه و أهل التوفيق والتسديد و والتابعين ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الوعيد.

أما بعد:

الله تبارک وتعالی می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٩﴾ (الجمعة: ٩) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید و هرگاه در روز جمعه ندای نماز در داده شد و بشتابید برای یاد الله - برای نماز -و داد وستد را رها کنید و این رفتنتان به نماز برای شما بهتر است اگر بدانید»

برادران وخواهران گرامی! بدانید روز جمعه روز معمولی نیست. الله متعال چنانکه از بین شهرها مکه را بعنوان بهترین شهرهای دنیا قرار داده. از بین روزها و روز جمعه را افضل ترین روز قرار داده واز بین ماه ها ماه رمضان را واز بین شب ها شب قدر را.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در حدیثی که از ابولبابه البدری رضی الله عنه روایت شده فرمود:

«سيد الايام يوم الجمعة وأعظمها عند الله تعالى و وأعظم عند الله تعالى من يوم الفطر ويوم الاضحى و وفيه خمس خلال: خلق الله عزوجل فيه آدم عليه السلام و وأهبط الله تعالى فيه آدم إلى الارض و وفيه توفى الله تعالى آدم و وفيه ساعة لا يسأل العبد فيها شيئا إلا آتاه الله تعالى إياه ما لم يسأل حراما و وفيه تقوم الساعة و ما من ملك مقرب ولا سماء ولا أرض و ولا رياح ولا جبال ولا بحر إلا هن يشفقن من يوم الجمعة»

«روز جمعه آقای روزها وبزرگترین آنها در نزد الله است ودر نزد الله متعال از روز عید فطر وروز عید قربان بزرگتر است. در آن روز پنج ویژگی هست: ۱_ آدم علیه السلام در آن روز آفریده شده است ودر آن روز الله متعال او را بر زمین فرود فرستاده است۲- ودر آن روز وفات یافته است.۳- در روز جمعه ساعتی وجود دارد که در آن ساعت بنده و هر چیزی را از الله بخواهد به وی ارزانی می‌دارد و مادامیکه چیز حرامی را تقاضا نکند.۴- ودر آن روز و رستاخیز بر پا می‌شود.۵- همه فرشتگان مقرب وآسمان وزمین وباد وکوه ودریا و همه از روز جمعه می‌ترسند واز آن هراس دارند». به روایت احمد(۱۵۵۴۸) وابن ماجه(۱۰۸۴). عراقی رحمه الله فرموده است: اسناد آن "جید» است.

در حدیث دیگر آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**خير يوم طلعت فيه الشمس يوم الجمعة: فيه خلق آدم عليه السلام و وفيه أدخل الجنة وفيه أخرج منها. ولا تقوم الساعة إلا في يوم الجمعة**» «بهترین روز و روز جمعه است: در آن روز آدم آفریده شد و ودر آن روز به بهشت وارد

شد و ودر آن روز از آنجا اخراج گردید وروز رستاخیز نیز روز جمعه شروع می‌شود». به روایت مسلم(۸۵۴) وابوداود(۱۰۴۶) ونسائی(۱۳۷۳).

مسلمانان ! نماز جمعه بر امتهای دیگر هم فرض بوده و اما آنها به علت نافرمانی واختلافی که در بینشان به وجود آمد از فضیلت این روز بزرگ محروم شدند. یهودها شنبه را روز اجتماع خودشان قرار دادند. ونصارا و روز یکشنبه را.

الله متعال این نعمت بزرگ را نصیب این امت گردانیده واین فضیلت روز جمعه را به این امت عطا کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند: « **نَحْنُ الآخِرُونَ السَّابِقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ و بَيْدَ أَنَّهُمْ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِنَا و ثُمَّ هَذَا يَوْمُهُمُ الَّذِى فُرِضَ عَلَيْهِمْ فَاخْتَلَفُوا فِيهِ و فَهَدَانَا اللَّه و فَالنَّاسُ لَنَا فِيهِ تَبَعٌ و الْيَهُودُ غَدًا وَالنَّصَارَى بَعْدَ غَد**» روایت بخاری (۸۷۶)

«ما «مسلمین » آخرین امتها ایم ولی در روز قیامت از همه جلوتر هستیم و با آنکه برای اهل کتاب پیش از ما کتاب فرستاده شده بود و وتعظیم این روز(روز جمعه) برآنها فرض گردیده بود و ولی آنها در تعظیم این روز اختلاف ورزیدند والله متعال ما را در تعظیم این روز موفق گردانید و پس مردمان دیگر در تعظیم این روز از ما متابعت کردند و یهود و فردای روز جمعه(روز شنبه)را و ونصارا پس فردای آنرا(روز یکشنبه را) تعظیم نمودند».

ای بندگان! نماز جمعه بر هر مسلمان آزاده عاقل بالغ غیر مسافر که توانایی رفتن برای ادای آن را داشته وعذر ترک آن را نداشته باشد و واجب است .کسانی که نماز جمعه و بر آنان واجب نیست بشرح زیر می‌باشند: زن به طور مطلق وبچه‌ای که به حد تکلیف نرسیده باشد. این مطلب متفق علیه است.

بیماری که رفتن به نماز جمعه برایش مشقت ورنج داشته یا نگران این باشد که با رفتنش به بیرون بیماری اش شدت پیدا کند یا بهبودی اش را به تاخیر بیاندازد و در این صورت نماز جمعه بر وی واجب نیست. وکسانی که به پرستاری وی مشغول باشند اگر وجودشان ضروری باشد و نیز حکم همان بیمار را دارند ونماز جمعه بر آنان نیز واجب نیست.

از طارق بن شهاب روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**الجمعة حق واجب على كل مسلم في جماعة إلا أربعة: عبد مملوك أو امرأة أو صبي أو مريض**» ابو داود(۱۰۶۷) «نماز جمعه حق واجبی است و بر هر مسلمانی که آن را به جماعت بخواند و مگر چهار نفر: برده یا زن یا بچه یا بیمار».

نووی رحمه الله فرموده است اسناد این حدیث بشرط بخاری ومسلم صحیح است. هر معذوری که رخصت ترک جماعت داشته باشد می‌تواند به نماز جمعه نرود و مانند عذر بارش باران وگل ولای بودن راه و وسردی سخت هوا وامثال آن.

نماز جمعه بر اینگونه اشخاص که برشمردیم واجب نیست بلکه واجب است که نماز ظهر را بخوانند و واگر کسی از این اشخاص که نماز جمعه برایشان فرض نیست بجای نماز ظهر و در نماز جمعه شرکت کرد و نماز جمعه‌اش صحیح است وبجای فریضه ظهر کفایت می کند و چون زنان نیز در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به مسجد می آمدند وبا وی نماز جمعه می گزاردند.

برادران مومن! بدانید در آخرین ساعات روز جمعه دعا کردن بسیار نیکو است. به روایت ابن ماجه از ابوسعید وابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «إن فی الجمعة ساعة لا یوافقها عبد مسلم یسأل الله عزوجل فیها خبرا إلا أعطاه إیاه و وهی بعد العصر» «بی‌گمان در روز جمعه و لحظه‌ای است که هر بنده مسلمانی و در آن لحظه چیز نیکویی از الله و طلب کند و الله آن را به وی می‌دهد وآن لحظه بعد از عصر است« به روایت احمد(۷۶۸۸). وعراقی گفته است: این حدیث "صحیح" است.

چنانکه مستحب است در شب وروز جمعه بسیار صلوات وسلام بر پیامبراکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرستاد: از اوس بن اوس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**من أفضل أیامکم یوم الجمعة: فیه خلق آدم وفیه قبض وفیه النفخة وفیه الصعقة فأکثروا علي من الصلاة فیه فإن صلاتکم معروضة علي**» ابو داود(۱۰۴۷) نسایی(۱۳۷۴) ابن ماجه (۱۰۸۵) و احمد(۱۶۱۶۲)

«روز جمعه از بهترین روزهای شما است: در آن آدم خلق شده ودر آن روز وفات یافته است ونفخ صور ونفخه صاعقه نیز و در آن روز خواهد بود و بنابر این در آن روز بسیار بر من درود وسلام بفرستید و بی‌گمان درودهای شما را بر من عرضه خواهند داشت«. گفتند: ای رسول الله و چگونه درودهای ما بر شما عرضه می‌شود در حالیکه شما در زیر خاک پوسیده خواهی شد؟ ایشان در جواب فرمردند: «إن الله عزوجل حرم علی الارض أن تأکل أجساد الانبیاء» ابو داود(۱۰۴۷) نسایی(۱۳۷۴) «بی‌گمان الله بر زمین حرام کرده است که جسد پاک انبیاء را بخورد - جسد انبیاء را خاک نمی‌خورد». مقصود این است که جسد انبیا در زیر خاک تجزیه نمیشود و از بین نمیرود

همچنان قرائت سوره کهف در روز جمعه مستحب است و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «من قرأ سورة الکهف فی یوم الجمعة أضاء له من النور ما بین الجمعتین» «هر کس روز جمعه سوره کهف را قرائت کند و از این جمعه تا جمعه دیگر برایش نور وروشنی خواهد بود». به روایت بیهقی(۶۰۶) وحاکم(۲۰۷۲).

غسل وشستشوی وخودآرایی ومسواک کردن واستعمال مواد خوشبو و برای اجتماعات بویژه برای نماز جمعه مستحب است از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «علی کل مسلم الغسل یوم الجمعة ویلبس من صالح ثیابه و وإن کان له طیب مس منه» «بر هر مسلمانی است که در روز جمعه غسل کند وشایسته‌ترین لباس را بپوشد واگر مواد خوشبو داشت از آن چیزی به خود بزند».

به روایت احمد(۱۶۳۹۸) .

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلا على الظالمين أحمده سبحانه وتعالى وهو أهل للحمد والثناء وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبدالله ورسوله صلوات الله وسلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

ای بندگان! خداوند مهربان و بر ما منت نهاده وراه های کسب ثواب را باز گذاشته تا بندگان مومن توشه ای برای آخرت خویش آماده نمایند و یکی از این راه ها حضور یافتن قبل از وقت نماز در مسجد است یعنی برای غیر امام سنت است که زودتر از وقت نماز جمعه به مسجد رود.

چنانکه از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«من اغتسل یوم الجمعة غسل الجنابة ثم راح فكأنما قرب بدنة و ومن راح في الساعة الثانية فكأنما قرب بقرة و ومن راح في الساعة الثالثة فكأنما قرب كبشا أقرن ومن راح في الساعة الرابعة فكأنما قرب دجاجه و ومن راح في الساعة الخامسة فكأنما قرب بيضة. فإذا خرج الامام حضرت الملائكة يستعمون الذكر» صحیح بخاری(۸۸۱) صحیح مسلم (۸۵۰) ابوداود(۳۵۱) ترمذی(۴۹۹) نسایی(۱۳۸۸) احمد(۹۹۲۶)

«کسی که روز جمعه بمانند غسل جنابت غسل کند و سپس در ساعت اول به مسجد رفت و مثل اینکه ثواب قربانی کردن یک شتر را دارد ودر ساعت دوم ثواب قربانی کردن یک گاو ودر ساعت سوم ثواب قربانی کردن یک قوچ شاخدار ودر ساعت چهارم ثواب قربانی کردن یک مرغ ودر ساعت پنجم ثواب بخشیدن یک تخم‌مرغ را دارد. چون امام برای ایراد خطبه بر منبر آمد و دیگر فرشتگان و برای شنیدن ذکر ودعا و حاضر می‌شوند ودیگر چیزی نمی‌نویسند».- جز ابن ماجه همه محدثین آن را روایت کرده‌اند.

بهم زدن صفوف نماز گزاران وشکافتن آنها و در روز جمعه مکروه است از عبدالله بن بسر رضی الله عنه روایت است که: یک بار در هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم مشغول ایراد خطبه نماز جمعه بود؛ مردی آمد وصفوف را بهم می‌زد وبا دست گردن مردم را کنار می‌زد و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «اجلس فقد آذیت وآنیت» «بنشین بی گمان مردم را آزردی وتاخیر نمودی وسستی کردی«. ابوداود(۱۱۱۸) ونسائی(۱۳۹۹) واحمد(۱۷۶۷۴) آنرا روایت کرده وابن خزیمه(۱۴۵۳) ودیگران آن را "صحیح" دانسته‌اند.

برادران وخواهران! قران کریم واحادیث شریف تاکید فراوان به اتحاد مسلمانان وانسجام اسلامی نموده اند وجامعه اسلامی را به یک جسم تشبیه کرده اند. که همه اعضای یک جسم به هم پیوسته هستند. لذا برای استحکام اتحاد وانسجام الله متعال هفته ای یک روز را قرار داده تا مسلمانان از جاهای دور ونزدیک در مصلا ودر میعادگاه نماز جمعه حاضر شوند ودر کنار یکدیگر وحدتشان را به نمایش بگذارند.

وقتی مسلمانان در یک جا جمع می شوند ودر کنار یکدیگر نماز جمعه را اقامت می کنند. خود به خود الفت ومحبت در دلهای آنان جا می گیرد ویکدیگر را بهتر می شناسند ودر مواقعی که مشکلی برای فردی از افراد جامعه اتفاق می افتد می توانند به او کمک کنند.

همان طور که میدانید بر هر شخص مسلمان واجب است تا دین ومسایل شرعی اش را یاد بگیرد. لذا در روز جمعه که قرآن وحدیث رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بیان می شود. مسلمانان در میعاد گاه جمعه حاضر می شوند ومسائل دین شان را می آموزند. در واقع نماز جمعه یک کلاس هفتگی است برای آموختن دین وپند واندرزهای اسلامی. ولازم است که هر فرد مسلمان در این کلاس شرکت کند. نمازجمعه در واقع یکی از بزرگترین شعائر اسلام است که عظمت دین اسلام

را به نمایش می گذارد.

مسلمانان!شیوه ای که الله درآیات سوره جمعه به تلاش وشتابیدن به سوی نماز امر کرده است به مفهوم وجوب است. در این آیات الله تعالی و مردم را از معامله کردن منع کرده است تا به وسیله آن از انجام نماز باز نمانند. چنانچه نماز جمعه واجب نبود و بی‌تردید مردم به خاطر آن از معامله وخرید وفروش نهی نمی‌شدند.

از ابوهریره وابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بر روی منبرش می‌فرمود: «لینتهينّ أقوام عن ودعهم الجمعة والجماعات أو ليختمن الله على قلوبهم ثم ليكونن من الغافلين» به روایت مسلم(۸۶۵)

«هان گروهها از ترک کردن نماز جمعه وجماعت دست برمی‌دارند و یا الله بر قلب‌هایشان مهر می‌زند و سپس بی‌تردید از غافلان خواهند بود». در حدیث دیگر از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده است که فرمودند: «من ترک ثلاث جمع تهاوناً بها طبع الله علی قلبه» ابوداود(۱۰۵۲) و نسایی(۱۳۶۹)

«هر کسی که سه نماز جمعه را به خاطر سستی وتنبلی ترک کند الله برقلبش مهر می‌زند» پس ای بنده الله از پیامد تنبلی در نماز جمعه پرهیز کن و وبترس که این امر بسیار خطرناک ومهم است. ای برادر مسلمان وفاضل بدان که هدف از وجود ما در این زندگی فانی و همان عبادت الله عزّ وجل می‌باشد.

برادرم تو را به تقوای الله عز وجل ومحافظت بر نمازهای پنجگانه در مساجد توصیه می‌کنم. وبدان عمر تو در حال کم شدن ونه زیاد شدن است و وبدان که توبه از گناهان واجب است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ تُوبُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾ (التحريم: ۸) (ای مؤمنان! به سوی الله توبه کنید و توبه‌ای خالص).

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَـٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ ۚ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ صَلُّوا۟ عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾﴾ (الأحزاب: ۵۶)

اللهم صل وسلّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم. اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

صداقت وراستگویی

خطبه اول

الْحَمْدُ للّٰهِ العَفُوِّ الغَفُور و العَلِيم بذَاتِ الصُّدُور و سُبْحَانَهُ حَثَّ عِبَادَهُ عَلَى تَحَرِّي الصِّدْقِ واجتِنَاب قَول الزُّور و وجَعَلَ قَولَ الحَقِّ عَلَى الإِيمَانِ دَلِيلاً و وإلَى رِضْوَانِ اللّٰهِ ومَحَبَّتِهِ طَرِيقاً وسَبِيلاً و أَحمَدُهُ بِمَا هُوَ لَهُ أَهْلٌ مِنَ الحَمْدِ وأُثنِي عَلَيهِ و وأُومِنُ بهِ وأَتَوَكَّلُ عَلَيهِ و مَنْ يَهْدِهِ اللّٰه فَلاَ مُضِلَّ لَهُ ومَنْ يُضْلِلْ فَلاَ هَادِيَ لَهُ و وَنَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللّٰه وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ و وَنَشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا وَنَبِيَّنَا مُحَمَّداً عَبْدُ اللّٰهِ وَرَسُولُهُ و خَيْرُ مَنْ ثَبَّتَ الحَقَّ وأَقَامَهُ و وهَدَى بإِذْنِ رَبِّهِ إلى سَبِيلِ الاستِقَامَةِ و اللهُمَّ صَلِّ وسَلِّمْ وبَارِكْ عَلَيهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أجمَعِينَ و والتَّابِعِينَ لَهُم بإِحسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّيْنِ.

أَمَّا بَعْدُ:

برادران عزیز بدانید که یکی از مهمترین اسباب انحراف بشریت دوری از صداقت وراستگویی وروی آوردن به دورغ وخیانت می باشد. بشریت بدلیل دوری از این اصل عظیم اسلامی وانسانی امروزه در منجلاب تباهی وفساد غوطه ور است. زیرا صدق وراستی اساس هر خیر ونیکی ودروغ وخیانت پایه تمامی شر وبدیهاست. پس بیایید ندای الله متعال را لبیک گفته وتقوای الله را پیشه نموده واز زمره راستگویان باشیم.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١١٩﴾ ﴾ (التوبة: ۱۱۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه ساخته وهمراه راستگویان باشید.»

راستگویی یعنی فضیلت ونجابت و یعنی راهی روشن ودرونی والا و وانسان راستگو وصادق همیشه بسوی نیکی‌ها توفیق می‌یابد. در این حدیث که عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت نموده است دقت کنید که از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم چنین روایت می‌کند که ایشان در شرح وتبیین این اصل مهم فرمودند:

(فإن الصدق يهدي إلى البر وإن البر يهدي إلى الجنة وما يزال الرجل يصدق ويتحرى الصدق حتى يكتب عند اللّٰه صديقاً و وإياكم والكذب فإن الكذب يهدي إلى الفجور وإن الفجور يهدي إلى النار وما يزال الرجل يكذب ويتحرى الكذب حتى يكتب عند اللّٰه كذاباً).

«همانا صدق وراستی به سوی نیکی هدایت می‌کند و ونیکی به سوی بهشت و وشخص آنقدر راستی پیشه می‌کند تا اینکه نزد پروردگارش به مقام صدیق میرسد. وهمانا دروغ به سوی فجور رهنمون می‌شود وفجور نیز انسان را به سوی آتش می‌برد وشخص آنقدر دروغ می‌گوید تا آنکه نزد الله به عنوان دروغگو شناخته میشود» [به روایت بخاری ومسلم]

برادران مومن و ما نبایداز صداقت و راستی در کردار وگفتارمان نسبت به دیگران اهمال ویا در روابط اجتماعی خود از آن فاصله بگیریم. فراموش نکنیم که انسان صادق وراستگو به طور "طبیعی" راست می گوید ونه به گونه ای "تصنعی" زیرا صداقت وراستگویی با جسم وجان او در هم تنیده شده است واو به شوق الله وبرای جلب خشنودی معبودش زبان به صداقت وراستگویی می چرخاند وهرگز حاضر نمی شود برای جلب منافع اقتصادی ودست یابی به جاه ومقام وشهرت دنیوی و زبان به کذب ودروغ بگشاید وبا بهره ای ناچیز وفانی وزودگذر به خبث وپلیدی بگراید وبه مکر ونیرنگ روی بیاورد وآتش فتنه مشتعل سازد ورابطه ها را تیره نماید وقلب ها را از هم جدا

کند تا خود به آمال نفسانی وشیطانیش دست یابد.
بندگان الله و صداقت برکت است ودروغ از بین برنده‌ی آن واز آنجایی که در هنگام خرید وفروش طمع بیشتر است وقناعت اندك و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم چنین می‌فرماید:
عن حكيم بن حزام رضى الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : «**البيِّعان بالخيار ما لم يتفرقا. فإن صدقا وبيَّنا: بورك لهما في بيعهما. وإن كذبا وكتما: محقت بركة بيعهما**» متفق عليه.
«خریدار وفروشنده تا وقتی که از هم جدا نشده‌اند اختیار [فسخ معامله] را دارند. پس اگر راستی پیشه نمودند وآشکارا معامله کردند (و از پنهان‌کاری اجتناب ورزیدند) در معامله‌ی آنان برکت انداخته خواهد شد و واگر کتمان کردند ودروغ گفتند برکت معامله‌ی آنان از بین خواهد رفت».
به روایت بخاری ومسلم
الله متعال در جای جای کتاب مقدسش این صفت پسندیده را ستوده وآنرا به ذات اقدس خویش وپیامبرانش ومومنان راستین نسبت داده است.
قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثًا ﴿٨٧﴾ ﴾ (النساء: ٨٧)«وچه کسی راستگوتر از الله است؟»
و نیز فرموده است: ﴿ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ ٱللَّهِ قِيلًا ﴿١٢٢﴾ ﴾ (النساء: ١٢٢)«و چه کسی راست گفتارتر از الله است؟»
و باز فرموده است: ﴿ قُلْ صَدَقَ ٱللَّهُ ﴿٩٥﴾ ﴾ (آل عمران: ٩٥) «بگو: راست گفت الله...»
الله متعال پیامبران وخاصان واولیای خود را با صفت صدق وراستی ستوده است:
قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ وَٱذْكُرْ فِى ٱلْكِتَٰبِ إِسْمَٰعِيلَ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ صَادِقَ ٱلْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ﴿٥٤﴾ ﴾ (مریم: ٥٤)
«و در این کتاب اسماعیل را یاد کن که او در وعده‌اش راست بود ورسولی پیامبر بود».
و خطاب به همه‌ی بندگانش فرموده است: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَكُونُوا۟ مَعَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١١٩﴾ ﴾ (التوبة: ١١٩)
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه ساخته وهمراه راستان باشید.»
صفت صدق وراستی در دنیا وآخرت مورد ستایش قرار گرفته ونشانه‌ی تقوا وسبب بخشش گناهان وبالا رفتن درجات است که همه‌ی این‌ها در این سخن الله متعال جمع گردیده است و آنجا که می‌فرماید:
﴿ وَٱلَّذِى جَآءَ بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ ۙ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ ﴿٣٣﴾ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ۚ ذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٣٤﴾ لِيُكَفِّرَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ ٱلَّذِى عَمِلُوا۟ وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٣٥﴾ ﴾
(الزمر: ٣٣ - ٣٥) «و آن کس که راستی آورد وآن را باور نمود آنان همان متقیانند (٣٣) برای آنان هر چه بخواهند پیش پروردگارشان خواهد بود این است پاداش نیکوکاران (٣٤) تا الله بدترین عملی را که کرده‌اند از ایشان بزداید وآنان را به بهترین کاری که می‌کرده‌اند پاداش دهد.»
ای مسلمانان و صفت "صدق وراستی" یک صفت مستحب نیست بلکه فریضه واجبی است برای هر شخص مسلمان ویک خصلت برای انسان مومن است. یک مومن باید در باطن وظاهر خود به

یک اندازه راستی وپاکی وصفای نفس داشته باشد... وبدین سبب بسیاری از علما همچون امام ابن قیم ـرحمه الله ـ صدق وراستی را به سه دسته تقسیم کرده اند:
(الف): صدق در گفتار و یعنی بر هر بنده ای واجب است که زبان خود را حفظ وکنترل نموده وجز راست سخن دیگری بر زبان نیاورد.
(ب): صدق در کردار و به معنای یکسان بودن ظاهر وباطن انسان است بگونه ای که ظاهر وآشکار وی مخالف درون ونهان وی نباشد.
(ج): صدق در پندار که مهمترین وسخت ترین انواع صداقت وراستی به شمار میرود و همانند صدق در اخلاص و صدق در توبه ودر امید به الله ودر ترس از وی و... می باشد واگر صدق در افکار و نیات انسان جای گرفت این خصلت در کردار وگفتار وی نیز متبلور خواهد شد وبه اذن الله از انحرافات اخلاقی مصون خواهد ماند.
شاعر شیرین سخن در این باره چه زیبا سروده است:
فعل وقول آمد گواهان ضمیر و زاین دو بر باطن تو استدلال گیر
قول وفعل بی‌تناقض بایدت و تا قبول اندر زمان پیش آیدت
امام مسلم در کتاب صحیحش حدیثی از پیامبر صلوات الله علیه آورده که آن حضرت میفرمایند: «شخص آنقدر راست می‌گوید ودر پی راستی می‌رود تا آنکه نزد الله به عنوان "صِدّیق" شناخته میشود و وشخص دیگر آنقدر دروغ می‌گوید ودر پی دروغ می‌رود تا آنکه نزد الله به عنوان "کَذّاب" شناخته میشود».
بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم و أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

إن الحمد لله نستعينه ونستغفره و ونتوب إليه و ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا و من يهده الله فلا مضل له و ومن يضلل فلا هادي له و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن نبينا محمدا عبده ورسوله صلى الله عليه وسلم و وبارك عليه وعلى آله وأصحابه و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.
سپاس وستایش الله را می‌گویم به خاطر نیکی واحسان وی وشکر وسپاس او را می‌گویم به خاطر توفیق ومنت وی وگواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز او که تنها وبی‌شریک است وگواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه وآله وسلم و بنده ورسول وی ودعوتگر به سوی رضوان اوست. درود وسلام وبرکات الله بر او وبر اهل بیت ویاران وتابعین او وکسانی باد که به نیکی تا روز قیامت از آنان پیروی نمایند.
اما بعد...
ای مسلمانان و راستگویی از اعمال نیک انسانی ونزد دین وخرد از جایگاه ویژه ای برخوردار است. فطرت پاک انسان ایجاب می کند که آدم سالم ومتعادل و دل وزبانش یکسو وهماهنگ باشد و ظاهر وباطنش یکی باشد وآنچه را باور دارد بر زبان جاری کند.
اسلام دینی فطری است وراستی نیز و نیازیست فطری و درونی و پس این دو پیوندی ناگسستنی

دارند ودر روایات اسلامی با تعابیر گوناگونی بر راستگویی مسلمانان تأکید شده وآن را از اصول ایمان ودینداری به حساب آورده اند.

عادت دادن نفس به راستی و وپایبند بودن به این صفت و فراموش نکردن این موضوع که و الله تعالی در هر مکانی از حال ما آگاه است و تقوا پیشه کردن و همه‌ی این‌ها انسان را برای در پیش گرفتن خصلت صدق وراستی کمک می کند...

به همین سبب نشر فرهنگ راستگویی در جامعه وطرد نمودن دروغ ودروغگویان در جامعه به ویژه در وسائل ارتباط جمعی ومطبوعات برای مردم جامعه لازم وضروری است.

آری برادران مسلمان و دروغ بسیار خطرناك ویکی از صفات منافقان است وهر که به این خصلت ناپسند متصف باشد یکی از نشانه های نفاق عملی در وی پدیدار گشته و رسول الله در این باره چنین می فرمایند: عن عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم و قال : «**أربع من كن فيه كان منافقا و ومن كانت خصلة منهن فيه كانت فيه خصلة من النفاق حتى يدعها و من إذا حدث كذب و وإذا وعد أخلف و وإذا خاصم فجر و وإذا عاهد غدر**». (خرجه البخاری ومسلم)

از عبدالله به عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «چهار خصلت است که اگر در کسی باشد آن شخص منافق خالص(واقعی) است واگر یکی از آن‌ها در وی باشد در وی یکی از خصلتهای نفاق وجود دارد تا آنکه آن را ترك گوید:

۱- واگر سخن گوید دروغ گوید

۲- خلف وعده میکند

۳- وهنگام خصومت باکسی فحش ودشنام گوید".

۴- اگرامین شمرده شود خیانت کند(خیانت درامانت میکند)

[به روایت بخاری ومسلم].

دروغ و ایمان را ناقص می کند. الله متعال می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا يَفْتَرِي ٱلْكَذِبَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ﴾ (النحل: ۱۰۵)

«تنها کسانی دروغ‌پردازی می کنند که به نشانه‌های الله ایمان نمی‌آورند».

و حتی انسان دروغگو در معرض لعنت الله قرار دارد: ﴿ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٦١﴾ ﴾ (آل عمران: ۶۱)

«...سپس مباهله کنیم ولعنت الله را بر دروغگویان قرار دهیم.»

مومنان گرامی! متاسفانه امروزه دروغ همانند بسیاری از گناهان دیگر نزد مسلمانان کوچك شمرده شده وبدون هیچ ابا وپروایی در زندگی روزمره به ارتکاب این گناه کبیره عادت نموده اند در صورتیکه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم دروغ گفتن به خردسالان ویا حتی برای خنداندن دیگران را حرام می دانستند و چه برسد که انسان همانند بسیاری از تجار برای بدست آوردن کسب ومنفعت دروغ بگوید که این نوع بسیار خطرناك وعقاب آن نیز شدیدتر می باشد.

عن إسمعيل بن عبيد بن رفاعة عن أبيه عن جده أنه خرج مع النبی صلی الله علیه وسلم إلى المصلی

فرأى الناس يتبايعون فقال: «**يا معشر التجار فاستجابوا لرسول الله صلى الله عليه وسلم ورفعوا أعناقهم وأبصارهم إليه فقال إن التجار يبعثون يوم القيامة فجارا إلا من اتقى الله وبر وصدق**».

«از رفاعه رضی الله عنه روایت است که او به همراه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به سوی مصلی خارج شد ودید که مردم در حال داد وستد هستند پس به آن‌ها گفت: "ای جماعت تاجر!" آنها در استجابت به ندای رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم سرهای خود را بلند کرده وبسوی وی نگریستند و پس فرمود: "تاجران در روز قیامت فاجر وبدکار برانگیخته خواهند شد جز آن تاجرانی که تقوای الله را پیشه ساخته ونیکی کنند وراست گویند"». [به روایت ترمذی وابن ماجه. ترمذی می گوید: این حدیثی حسن وصحیح است]

برادران عزیز آثار ارزنده هر موضوعی بستگی به ارزش واهمیت آن دارد وچون راستی از اهمیت بالایی برخوردار است و پیامدهای ارزشمندی نیز به همراه دارد که برخی از آنها را برای شما ذکر خواهم نمود:

(الف)- همراهی الله

(ب)_ پاکی کردار

(ج)_ نجات وسلامتی

(د)_ بزرگی مقام

(ه) _خیر دنیا وآخرت

(و)_ پاداش های اخروی.

قرآن کریم در این باره می فرماید: ﴿ قَالَ ٱللَّهُ هَٰذَا يَوۡمُ يَنفَعُ ٱلصَّٰدِقِينَ صِدۡقُهُمۡۚ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١١٩ ﴾ (المائدة: ١١٩)

«الله تعالی می فرماید: امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود می بخشد و برای آنها باغهایی (از بهشت) است که آب از زیر (درختان) آن جریان دارد وجاودانه وبرای همیشه در آن می مانند و الله تعالی از آنها خشنود وآنها از الله تعالی خشنود خواهند بود واین رستگاری بزرگی است.»

بنابراین آیه شریفه و آنان که مسؤولیت ورسالت خود را انجام دادند ودراین دنیا و در گفتار وکردار وپندار صادق بوده وجز راه صدق ودرستی نپیمودند و از کار خود بهره کافی خواهند برد وبه رستگاری بزرگ که همان خشنودی الله متعال است و دست خواهند یافت.

پس صدق وراستی را به عنوان طریقه خود قرار دهید ودر ظاهر و باطن به آن پایبند باشید تا آنکه الله تقوای خود را در قلب شما جای دهد وراه شما را پر از نور وموفقیت کند.

قال تعالی: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ ٱلصَّٰدِقِينَ ١١٩ ﴾ (التوبة: ١١٩) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه ساخته وهمراه راستان باشید.»

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ٥٦)

اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

حقوق زن در اسلام

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

برادران وخواهران عزیز: از آنجاییکه زن وظیفه مهم تربیت فرزندان را به عهده دارد و از نظر اسلام به عنوان مربی نسلها قرار داده شده و واصلاح جامعه مرهون درستکاری زن می‌باشد زیرا فرزندانی که افراد جامعه را تشکیل می‌دهند بدست او تربیت می‌شوند ودر میان افراد جامعه است که دولت اسلامی شکل می گیرد و تمامی این امور مهم در گرو تربیت صحیحی است که زن در مورد فرزندان خود بکار می‌برد.

برای بزرگداشت مقام زن در اسلام در قرآن مجید سوره‌ای بنام «نساء» اختصاص داده شده است واین در حالی است که سوره‌ای بنام مردان وجود ندارد وبه ویژه مادر و در اسلام جایگاهی والا دارد والله در قرآن مجید بعد از عبادتش سبحانه وتعالی و به نیکی نمودن در حق والدین توصیه وتاکید کرده است.

الله می‌فرماید:

﴿ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًاۚ ٢٣ ﴾ (الإسراء: ٢٣)

«(ای انسان) پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید و وبه پدر ومادر نیکی کنید.»

و پیامبر صلی الله علیه وسلم امانت تربیت فرزندان را به عهده مادر نهاده است چنانکه فرموده:

(والمرأة راعیة فی بیت زوجها وهی مسئولة عن رعیتها) متفق علیه

«و زن در خانه شوهرش مسئول زیردستان خویش است.»

زنان در دوران جاهلیت از بسیاری حقوق انسانی واجتماعی خود محروم بودند:

١- زن حق ارث بردن را نداشت واعراب می گفتند: «از ما ارث نمی‌برد مگر کسی که شمشیر واسلحه بر دوش می گیرد واز کیان وشرافت ما دفاع می کند.»

٢- زن حقی بر شوهر نداشت و وتعداد طلاق معین نبود ونیز تعدد همسر حد ومرز مشخصی نداشت و واگر مردی که دارای چند همسر بود وفات می‌نمود فرزند بزرگتر برای ازدواج با زنان

پدرش از دیگران مستحق‌تر بود و ونامادری خود را چون بقیه اموال موروثی بجا مانده از پدر می‌شمرد!

از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «هرگاه پدر کسی می‌مرد و او بیشتر از دیگران مستحق بود که نامادری خود را بگیرد و اگر می‌خواست آن را برای خود نگه می‌داشت یا اینکه او را زندانی می‌کرد تا اینکه از مهریه‌اش گذشت کند ویا آنقدر او را نگه می‌داشت که می‌مرد ومالش برای او باقی می‌ماند».

۳- عده زن در زمان جاهلیت یک سال کامل بود و وزنان به بدترین وزشت ترین حالت به سوگ شوهران از دست داده خود می‌نشستند و زن در مدت عده بدترین لباسها را می‌پوشید ودر بدترین خانه سکنی می‌گزید وآرایش وپاکیزگی واستعمال خوشبویی را ترک می‌کرد و آب به بدنش نمی‌زد وناخنهایش را کوتاه نمی‌کرد وموهای اضافی بدنش را نمی‌گرفت ودر میان مردم واجتماع حاضر نمی‌شد وبه این صورت تا پایان سال به سوگ می‌نشست وبعد از اینکه یکسال از مرگ شوهرش تمام می‌شد با زشت ترین قیافه وبویی زننده از خانه سوگ بیرون می‌آمد وبه سوی مردم می‌رفت.

۴- اعراب در دوران جاهلیت کنیزان خود را مجبور می‌کردند تا خود فروشی کنند وپول در بیاورند چنانکه قرآن اعراب تازه مسلمان را اینگونه مورد خطاب قرار داد:

﴿وَلَا تُكۡرِهُواْ فَتَيَٰتِكُمۡ عَلَى ٱلۡبِغَآءِ إِنۡ أَرَدۡنَ تَحَصُّنٗا لِّتَبۡتَغُواْ عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ ٣٣﴾ (النور: ۳۳)

«کنیزان خود را که خواهان عفت وپاکدامنی هستند به زنا وادار نکنید تا بدینوسیله مال ودارائی دنیا را بدست آورید.»

۵- در میان اعراب دوران جاهلیت انواعی از ازدواج فاسد رواج داشت که در میان بسیاری از قبایل شایع بود و اکنون نیز در بعضی جوامع غیر اسلامی رواج دارد از جمله:

(الف) گروهی از مردان با یک زن همبستر می‌شدند وآن زن حق داشت فرزندی را که به دنیا می‌آورد به هریکی از آن مردان که می‌خواست نسبت دهد.

(ب) مرد از همسرش می‌خواست تا با فرد مشخصی از سران قوم وافرادی که به شجاعت معروف بودند همبستر شود تا فرزندی چون آن مرد در شجاعت به دنیا بیاورد.

(ج) نکاح موقت نیز یکی از انواع ازدواج‌هایی بود که در آن زمان رواج داشت.

(د) نکاح شغار و یعنی اینکه مردی دختر یا خواهرش را به ازدواج مردی دیگر در می‌آورد بشرط اینکه او دختر یا خواهرش را به ازدواج او در بیاورد بدون اینکه هیچ یک ازآن دو مهریه‌ای برای زن مقرر کنند زیرا آنها زن را ملک مرد می‌دانستند ومرد همانطورکه اختیار دار اموالش بود میتوانست هر گونه که بخواهد با زنش برخورد کند

هنوز هم در میان بعضی ملتها این سنت جاهلی رواج دارد!! البته اعراب متمدن مانند قریش در آن زمان و نیز به همین منوال که امروزه مسلمین ازدواج می‌کنند ازدواج می‌کردند. آنها ابتدا از زن خواستگاری می‌کردند ومهریه‌اش مقرر می‌شد وعقد انجام می‌گرفت و اسلام فقط این نوع ازدواج را برقرار گذاشت اما بعضی از سنت‌های ظالمانه مانند اجبار زن به ازدواج با افرادی که نمی‌خواستند

ویا جلوگیری از ازدواج وتصرف یا ندادن مهریه زن وغیره را باطل نمود. امیر المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه می فرماید: «ما در دوران جاهلیت قبل از اسلام و زنان را چیزی حساب نمی‌کردیم و اما وقتی اسلام آمد والله متعال حقوق زنان را در قرآن یاد آوری نمود ما پی بردیم که زنان بر گردن ما حق دارند»

زنده به گور کردن دختران در جاهلیت

اعراب در دوران جاهلیت دختران را ناپسند وبدشگون می‌دانستند وفرزندان دختر خود را از ترس عیب وعار زنده به گور می‌کردند و اسلام این عادت بد را نپذیرفت وقرآن به بدترین صورت این عمل آنها را به تصویر کشیده ودر مورد اعراب دوران جاهلیت چنین فرموه است:

﴿ يَتَوَارَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٥٩ ﴾ (النحل: ٥٩)

«و هنگامی که به یکی از آنها مژده تولد دختری داده می‌شد صورتش سیاه می‌گردید ومملو از خشم وغضب وغم واندوه می‌شد. از قوم وقبیله (خود) به خاطر این خبر بدی که به او داده می‌شد خویشتن را پنهان می‌کرد آیا این ننگ را بر خود بپذیرد ودختر را نگاه دارد ویا او را در زیر خاک زنده به گور سازد؟ چه قضاوت بدی که می‌کردند!»

و الله متعال بیشتر از این نیز و این عمل زشت اعراب را تقبیح نموده وفرموده است:

﴿ وَإِذَا ٱلۡمَوۡءُۥدَةُ سُئِلَتۡ ٨ بِأَيِّ ذَنۢبٖ قُتِلَتۡ ٩ ﴾ التکویر: (٨ – ٩)

«و هنگامی که از دختر زنده بگور پرسیده شود و به کدامین گناه کشته شده است؟»

اسلام و (هرگز) زن را همچون دوران جاهلیت موجودی زشت وبی‌ارزش نمی‌داند بلکه گامهای موثری برای رفع تبعیض وبالا بردن مقام زن برداشته است و اسلام همه آن حقوق انسانی واجتماعی را که مرد از آن برخوردار است برای زن نیز مقرر کرده وهمچنین بر اساس فطرت وساختمان جسمانی وروحی وآنچه مناسب حال اوست وظایفی را برای زن در نظر گرفته است. از آنجایی که مرد دارای نیروی جسمانی وعقلی کاملتریست وبه دلیل کنترل احساسات عاطفی وتوانایی ومقاومت در برابر مشکلات وصبر بر سختیها بردبارتر است اسلام مرد را مسئول امور زن قرار داده تا از زن دفاع کند واز دسترنج خود برای اوخرج نماید.

در مورد مسئولیت پذیری وانجام مسئولیت و زن با مرد برابر است واز دیدگاه اسلام زن می‌تواند به صورت مستقیم خرید وفروش کند وحق مالکیت وانجام دیگر معاملات را داشته ودر سرنوشت اجتماعی خود مشارکت نماید که این نیز یکی از مظاهر تجلیل زن در اسلام است.

الله متعال در قرآن فرموده است که انسانها را از زن ومرد آفریده است وهمه با هم برابرند ومعیار برتری نزد الله و عمل صالح وتقوا است چنانکه فرموده است:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ ١٣ ﴾ (الحجرات: ١٣)

«ای مردمان! ما شما را از مرد وزنی آفریده‌ایم وشما را ملیت ها وقبایل گردانیده‌ایم تا همدیگر را

بشناسید بیگمان گرامی‌ترین شما نزد الله باتقواترین شما است. الله مسلما دانا وبا خبر است».

ونیز از دیگر نشانه‌های مقام بالای زن در اسلام این است که آموختن علم ودانش را به زنان با اهمیت دانسته است. از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت شده: که زنان صحابه به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفتند: «که مردان از ما بیشتر از محضر مبارک شما استفاده می‌کنند و یک روز را برای ما معین کنید که در آن روز به ما آموزش دهید».

به این صورت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم روزی را مشخص نمودند وزنان در آن روز جمع می‌شدند وپیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای آنان سخنرانی می‌کردند وبه آنها دستورات لازم را می‌دادند یکی از مطالبی که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به آنها می آموختند این بود که: «هر زنی از شما سه کودک خود را از دست بدهد برای او حجابی خواهد بود که او را از آتش جهنم نجات می‌دهند» زنی گفت: «اگر کسی دو فرزند خود را از دست داده باشد» پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «اگر دو تا باشند نیز چنین است»

به روایت بخاری.

الله متعال در قرآن مجید از زنان در کنار مردان اینگونه تعریف نموده است:

﴿إِنَّ ٱلۡمُسۡلِمِينَ وَٱلۡمُسۡلِمَٰتِ وَٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡقَٰنِتَٰتِ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلصَّٰدِقَٰتِ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰبِرَٰتِ وَٱلۡخَٰشِعِينَ وَٱلۡخَٰشِعَٰتِ وَٱلۡمُتَصَدِّقِينَ وَٱلۡمُتَصَدِّقَٰتِ وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ وَٱلۡحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمۡ وَٱلۡحَٰفِظَٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمٗا ٣٥﴾ (الأحزاب: ۳۵)

«مردان مسلمان وزنان مسلمان و مردان با ایمان وزنان با ایمان و مردان فرمانبردار الله وزنان فرمانبردار الله و مردان راستگو وزنان راستگو و مردان شکیبا وزنان شکیبا و مردان فروتن وزنان فروتن و مردان بخشایشگر وزنان بخشایشگر و مردان روزه دار وزنان روزه دار و مردان پاکدامن وزنان پاکدامن ومردانی که بسیار الله را یاد می‌کنند وزنانی که بسیار الله را یاد می‌کنند الله برای همه آنها آمرزش وپاداش بزرگی فراهم ساخته است.»

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العَالِمِيْنْ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَىَ نَبِيِّنَا مُحَمّدٍ و وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلَىَ يَوْمِ الدِّيْن.

أمّا بَعد:

ای مسلمانان! الله متعال در سوره نساء به بیان امور مهمی پرداخته است که به زن وخانواده وحکومت وجامعه مربوط است وبیشترین بخش سورۀ نساء دربارۀ حقوق زنان میباشد و بدینجهت این سوره بنام سوره نساء نامیده شده است و اگر در مفهوم این سوره فکر کنیم و می‌بینیم که الله متعال زن را بسیار اکرام نموده است.

۱- الله متعال نخستین زن را از پهلوی نخستین مرد آفرید واز آمیزش زن ومرد و زنان ومردان بسیاری آفرید ودر دنیا منتشر کرد:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

«ای مردمان از (نافرمانی) پروردگارتان بپرهیزید و پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید وهمسرش را از نوع او آفرید واز آن دو نفر مردان وزنان فراوانی منتشر ساخت.

٢- زنان در اسلام از ارث سهم می‌برند: الله متعال فرموده است:

﴿ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٞ مِّمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٞ مِّمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنۡهُ أَوۡ كَثُرَۚ نَصِيبٗا مَّفۡرُوضٗا ٧ ﴾ (النساء: ٧)

«برای مردان وبرای زنان از آنچه پدر ومادر وخویشاوندان از خود بجای می گذارند سهمی است. خواه آن ترکه کم باشد خواه زیاد. سهم هر یک را الله متعال مشخص وواجب گردانیده است».

٣- در ایام جاهلیت قبل از اسلام فقط مردان ارث می‌بردند وزنان از ارث محروم بودند. اسلام به این قانون جاهلی خاتمه داده وبرای زن نیز سهمی در ارث مقرر نمود. متأسفانه امروز نیز در بعضی مناطق همان قانون جاهلی قریش در مورد ارث زنان اعمال می‌شود و یعنی فقط مردان وفرزندان پسر از میراث پدر بهره‌مندند وزنان ودختران محروم می‌شوند.

٤- تفاوت میان سهم میراث مرد وسهم میراث زن:

﴿ يُوصِيكُمُ ٱللَّهُ فِيٓ أَوۡلَٰدِكُمۡۖ لِلذَّكَرِ مِثۡلُ حَظِّ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۚ ١١ ﴾ (النساء: ١١)

«الله در باره فرزندانتان به شما فرمان می‌دهد وبر شما واجب می گرداند که بهره یک مرد به اندازه بهره دو زن می‌باشد».

از آنجایی که مرد عهده دار تامین نفقه فرزندانش می‌باشد ونیز در هنگام ازدواج باید مهریه زن را بپردازد و الله تعالی سهم مرد از میراث را دوبرابر سهمیه زن قرار داده است.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که: «(در دوران جاهلیت یا قبل از نزول سوره نساء) مال از آن فرزند بود ووصیت نامه به والدین تعلق می گرفت الله از این احکام چیزی را نسخ نموده وسهمیه مرد را دو برابر زن قرار داده وبرای هر یک از پدر ومادر یک ششم ویک سوم مقرر نموده وسهمیه زن را از مال همسرش یک هشتم ویک چهارم قرار داد وبرای شوهر نصف و یک چهارم را معین کرد.» (بخاری)

همچنین مهریه را شوهر باید به زن بپردازد. الله متعال فرموده:

﴿ وَءَاتُواْ ٱلنِّسَآءَ صَدُقَٰتِهِنَّ نِحۡلَةٗۚ فَإِن طِبۡنَ لَكُمۡ عَن شَيۡءٖ مِّنۡهُ نَفۡسٗا فَكُلُوهُ هَنِيٓـٔٗا مَّرِيٓـٔٗا ٤ ﴾ (النساء: ٤)

«و مهریه زنان را به عنوان هدیه‌ای خالصانه وفریضه‌ای الهی بپردازید و پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود بشما بخشیدند آن را حلال وگوارا مصرف کنید.»

ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: نحله یعنی مهریه.

الله به شوهران دستور داده تا با زنهای خود به خوبی زندگی کنند وفرموده است:

﴿ وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ ١٩ ﴾ (النساء: ١٩)

یعنی «گفتار وکردارتان را بر حسب توان خود با زنان تان نیکو کنید» همچنانکه شما انتظار دارید

که همسرانتان با شما به نیکی رفتار کنند آنگونه که الله فرموده است:

﴿ وَلَهُنَّ مِثْلُ ٱلَّذِى عَلَيْهِنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ ﴿٢٢٨﴾ ﴾ (البقرة: ٢٢٨)

«و برای همسران (حقوق وواجباتی) است (که باید شوهران) بگونه‌ای شایسته ادا بکنند همانگونه که زنان نیز درقبال آن وظایفی دارند.

و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»

«بهترین شما بهترین‌تان با همسرش است ومن از همه شما با همسرانم بهتر رفتار می کنم». (سنن ترمذی)

شوهر موظف است با زنش به نیکی رفتار کند گرچه از خصوصیات زنش خوشش نیاید. الله متعال فرموده است:

﴿ فَإِن كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰٓ أَن تَكْرَهُوا۟ شَيْـًٔا وَيَجْعَلَ ٱللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٩﴾ ﴾ (النساء: ١٩)

«اگر هم از آنها کراهت داشتید چه بسا که از چیزی بدتان بیاید والله در آن خیر وخوبی فراوانی قرار بدهد».

یعنی امید است که اگر شما با وجود نپسندیدن همسرانتان با آنها نیکی کنید الله آن زن را مایه خیر وبرکت زیادی برای شما در دنیا وآخرت قرار دهد.

اگر زنی را می‌پسندید ومی‌خواهید با او ادامه زندگی بدهید به تعبیر قرآن با (امساک بمعروف) او را نگهدارید واگر او را نمی‌پسندید پس «تصریح به احسان کنید و یعنی با پرداخت حق وحقوقش به خوبی از او جدا شوید

حفظ آبرو ونیک نامی زن چنان پیش الله مهم است که در این مورد قرآن آیه هایی نازل نموده که تا قیامت تلاوت می‌شوند ودر این آیات الله متعال مردم را از تهمت زدن وپخش کردن شایعه بد در مورد زن مسلمان بر حذر داشته است. چنانکه فرموده است:

﴿ وَٱلَّذِينَ يَرْمُونَ ٱلْمُحْصَنَـٰتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا۟ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ فَٱجْلِدُوهُمْ ثَمَـٰنِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا۟ لَهُمْ شَهَـٰدَةً أَبَدًا ۚ وَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَـٰسِقُونَ ﴿٤﴾ ﴾ (النور: ۴)

«کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند و سپس چهار گواه نمی‌آورند و بدیشان هشتاد تازیانه بزنید وهرگز گواهی دادن آنان را نپذیرید وچنین کسانی فاسق می‌باشند.»

الله در این آیه سزای کسی را که به زن مؤمن تهمت می‌زند و هشتاد ضربه شلاق قرار داده و ونیز با نپذیرفتن شهادت تهمت زننده برای همیشه وتوصیف او به فسق و سزایش را تشدید نموده است.

بنابراین زن مسلمان باید به تعالیم اسلام که عزت وکرامت را برای او به ارمغان آورده است و اعتماد ویقین کامل داشته باشد وباور داشته باشد که تعالیم اسلامی در تمام زمینه‌های حقوق انسانی واجتماعی و میان زن ومرد به عدالت وانصاف حکم نموده وطبق فطرت وطبیعت زن که الله متعال آن را بهتر می‌دانسته و مسیر او را در زندگی مشخص کرده است.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ٥٦) **اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.**

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار واللهم إنا نشهدك حبك وحب نبيك وأهل بيت نبيك وأصحاب نبيك ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى واللهم انصر الإسلام والمسلمين ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين وبرحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها وأنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي ويعظكم لعلكم تذكرون.

ایمان به اسماء وصفات الهی

خطبه اول

الحمد لله الذي جعل التوحيد أغلي ما في الأرض والسموات وأعز أهله بالجنة ورفع الدرجات وجعلنا من أهل التوحيد وعلي سفينة النجاة والصلاة والسلام علي أفضل الخلق صاحب الكمالات وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان ذوي الفضل والتقوا والدعوة والجهاد والبطولات..

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ۱۰۲)

«ای مؤمنان! چنانکه شایسته است از الله بترسید ودر حالتی بمیرید که مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم. الله متعال وذوالجلال می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَاۖ وَذَرُواْ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ أَسۡمَٰٓئِهِۦۚ سَيُجۡزَوۡنَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٨٠﴾

(الأعراف: ۱۸۰)

و برای الله و نامهای نیک است و پس به آن (نامها) او را بخوانید و وکسانی را که در نامهایش تحریف (وکجروی) می کنند و رها کنید و بزودی آنها کیفر آنچه را که می کردند و خواهند دهد.

پروردگاری را سپاس وستایش می کنیم که ما را به راه راست هدایت فرمود و دلهای ما را با شناخت وایمان به خود حیات بخشید ونهان ما را با نور هدایت قرآن منور فرمود. از توحید سخن می گوییم از یکتایی ویگانگی الله متعال؛ این معبود ومالك دلها؛ این ذات متصف به بهترین صفات کمال ومبرا از هر نقص وزوال؛ معبودی که اسماء حسنی وصفات علیای او تعالی بی نظیر است وبی شمار.

اهمیت علم به اسماء وصفات الله در این است که شناخت آنها یکی از دو رکن توحید به شمار آید و توحیدی که پیام اساسی همه پیامبران الهی بوده است.

توحید بر اساس یکی از تقسیمات علمای اهل سنت بر دو نوع است: یکی توحید در علم واعتقاد ودیگری توحید در نیت واراده؛ نوع اول را «توحید علمی» ودیگری را «توحید ارادی» می نامند چون که نوع اول مربوط به شناخت ومعرفت ودومی مربوط به اراده است. محور نوع اول توحید مبتنی بر اثبات صفات کمال الله ذوالجلال ونفی هرگونه تشابه ومثال (نسبت به سایر مخلوقین) و رد هر گونه عیب ونقص از الله تعالی است.(۱)

هرگاه انسان بخواهد معبود خود را بشناسد بهترین راه برای فهمٍ وشناخت الله تعالی نصوصی است که اسماء وصفات وافعال ذات گرامی آن ذات قدسی را صراحتاً بیان می‌دارند.

الله متعال وذوالجلال در عظیمترین آیه قرآن خود را اینگونه معرفی می‌نماید:

(۱) تفسیر قیم: ابن قیم: ص۲۴

﴿ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥ ﴾ (البقرة: ٢٥٥)

(معبودی بجز الله وجود ندارد واو زنده پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی ونه خوابی فرا نمی گیرد (و همواره بیدار است وسستی ورخوت بدو راه ندارد). از آنِ او است آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است (و در ملک کائنات و او را انبازی نیست). کیست آن که در پیشگاه او شفاعت کند مگر با اجازه او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است وآنچه را که در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته وحال وآینده وآگاه بر بود ونبود جهان است واصلاً همه زمانها ومکانها در پیشگاه علم او یکسان است. مردمان) چیزی از علم او را بدست نمی آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم ودانش محدود دیگران و پرتوی از علم بی‌پایان وبی کران او است). فرماندهی وفرمانروائی او آسمانها وزمین را دربر گرفته است و ونگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد واو بلندمرتبه وبزرگ است.)

نصوص وارده در این رابطه فراوان است بلکه تمام قرآن از ذات گرامی الله واسماء وصفات کمال او تعالی سخن می گوید

قرآن کریم هدف تمام رسالت‌های آسمانی را در یک آیه بیان می کند:

﴿ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥ ﴾ (الأنبياء: ٢٥)

(ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم و مگر این که به او وحی کرده‌ایم که: معبودی جز من نیست و پس فقط مرا پرستش کنید.)

و خلاصه آنچه را که به پیامبر گرامی اسلام وحی فرموده اینگونه بیان می فرماید:

﴿ قُلۡ إِنَّمَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٨ ﴾ (الأنبياء: ١٠٨)

(بگو: (اصل دعوت من این است:) به من وحی می‌شود که معبود شما یکی بیش نیست (و بقیّه چیزهای دیگری که به من وحی می گردد و تابع همین اصل اساسی توحید است). حال که چنین است و آیا شما تسلیم (الله یگانه) می گردید (و بتهای سنگی ومعبودهای طاغوتی را کنار می گذارید؟).

پس ای مومنان ودوستداران الله یگانه ویکتا! الله محبوبمان که یگانه معبود هستی است در آیه کریمه ای که در آغاز خطبه تلاوت شد می فرماید:

﴿ وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَاۖ وَذَرُواْ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ أَسۡمَٰٓئِهِۦۚ سَيُجۡزَوۡنَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٨٠ ﴾

(الأعراف: ١٨٠)

«وبرای الله و نامهای نیک است و پس به آن (نامها) او را بخوانید و وکسانی را که در نامهایش تحریف وکجروی می کنند و رها کنید و بزودی آنها کیفر آنچه را که می کردند و می دهند».

این آیه کریمه سه نکته مهم را برای ما آشکار می سازد:

یک: اثبات آنچه که الله از اسماء مبارک خویش به اثبات رسانیده وتمام صفاتی که بر آن دلالت

می‌نماید.
دو: نتیجهٔ این شناخت و فراخواندن الله با نامهای نیک خودش می باشد.
سه: شناخت خط انحرافی که در تحریف اسماء الله ایجاد شده وسپس دوری از آن واهل آن.
علمای اهل سنت راجع به این موضوع وابعاد آن می‌فرمایند:
اصل در باب صفات این است که الله متعال را با آنچه که خداوند و ذات مقدس وگرامی اش را بدان توصیف نموده ویا پیامبر عزیز ومکرمش صلی الله علیه وسلم الله تعالی را بدان توصیف کرده و توصیف نماییم وآنچه را که الله برای خود ثابت کرده را برای وی ثابت نموده و وآنچه که از خود نفی نموده را نفی نمائیم. والبته بدون هیچ توصیف وتشبیهی وبدون هیچ تحریف وتبدیلی.
الله متعال کسانی را که در اسماء وآیات الهی تحریف ایجاد می کنند مورد نکوهش ومذمت قرار داده و وچنین می‌فرماید:
﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخۡفَوۡنَ عَلَيۡنَآۗ ﴿٤٠﴾ ﴾ (فصلت: ۴۰)
(کسانی که آیات ما را مورد طعن قرار می‌دهند وبه تحریف (حقائق ومعانی) آن دست می‌یازند و بر ما پوشیده نخواهند بود) [۱]
از این رو باید گفت کسانی که اسماء وصفات وافعال الله را نفی می‌نمایند و در واقع و در شناخت ومعرفت الله را به روی خود ودیگران می‌بندند! اگر موجودی از لحاظ اسماء وصفات وافعال مجهول باشد عقیده داشتن به او به یک نظریه مجردی تبدیل خواهد شد که هیچ سودی ندارد.
به تعبیر بعضی علماء؛ بدون شناخت اسماء و وصفات ثبوتی وسلبی ذات الله متعال و شناختن حقیقی آن معبود ذوالجلال؛ نا ممکن است.
برادران گرامی ودوستداران توحید ویکتاپرستی! الله متعال گاهی با صفات الوهیت خود را به انسان می شناساند و وگاهی با صفات ربوبیت؛ صفات الوهیت باعث ایجاد محبت ویژه نسبت به الله متعال وشور وشوق جهت ملاقات وی می شود و آرامش روحی وروانی به خاطر تماس وارتباط با وی است و ورقابت برای قرب ونزدیکی به او تعالی وسخن گفتن با وی از طریق ذکر ودوری از مردم می باشد. تا آنجا که الله تمام هم وغم وی خواهد شد.
اما صفات ربوبیت باعث ایجاد توکل برالله و نیازمند بودن به او و طلب کمک از او وتسلیم وفرمانبرداریش می‌شود.
آشکار است که صفات ربوبیت در صفات الوهیت وصفات الوهیت در صفات ربوبیت وجود دارد و همانطور که حمد وسپاس الله در ملکش و قدرت وی در عفوش و حکمت وی در قضا وقدرش و نعمت او در بلا ومصیبتش و لطف واحسان ورحمت وی در پادشاهی‌اش و عدالت او در انتقامش وکرم وبخشش وی در مغفرت وستر رازهای انسان وجود دارد.
اگر در قرآن کریم دقت وتامل کنیم و خواهیم دید که پادشاهی قدرتمند مافوق آسمانهاست که امور انسانها وهستی را مدیریت می کند و امرونهی می کند و پیامبران را به سوی بشریت روانه

(۱) مجموعه فتاوای ابن تیمیه: ۳/۳

می‌نماید و کتابهایی نازل می کند و برخی بندگانش را مورد رضایت وبرخی دیگر را مورد خشم و بعضی را مشمول ثواب وبعضیها را مشمول عقاب قرار می دهد. او تعالی موصوف به تمام صفات کمال واز هر عیب ونقصی مبرا است و هیچ ذره‌ای بدون اجازه وی حرکت نمی کند و هیچ برگ درختی بدون علم وی تکان نمی خورد»[1]

سروران گرامی! وشیفتگان محبت الله ذوالجلال! مهم‌ترین وبزرگ‌ترین آیات الهی آیاتی است که از اسماء وصفات الله سخن می گوید که هر کس بدان‌ها ایمان بیاورد ومعنای آن را درک کند وبه مقتضای آن عمل نماید ایمانش چند برابر خواهد شد.

در حقیقت علم به اسماء وصفات الله ودرک معنای آن وعمل به محتوا وفراخواندن الله متعال با آنها در قلب انسان مومن: تعظیم وتقدیس ومحبت وامید به ذات گرامی او وترس وتقوای حقیقی از او تعالی وتوکل مطلق به قدرت واقتدار آن معبود گرامی ویقین کامل به بازگشت به سوی او تعالی ایجاد می کند و اینجاست که هیچ کس در دل آنها دارای چنین مکانت وعظمتی نخواهد بود وبا این روش است که قلب انسان مومن به الله متعال ومحبت واقعی ذات گرامی او تعالی وابسته شده وخارج از ادعا وتظاهر در وجود انسان و توحید قلبی ایجاد می کند وعبودیت وبندگی الله متعال را تحقق می‌بخشد و واینجاست که دلها در برابر جلال وعظمت معبود حقیقی تسلیم می‌شوند وتمام وجود ویکایک سلولهای بدن انسان در برابر قدرت باری تعالی سر تعظیم فرود می‌آورند.

پس باید ایمان را محکم نمود واسمای گرامی وصفات کمال او تعالی را شناخت تا بتوان از لذت وحلاوت وشیرینی ایمان برخوردار گردید. امام بخاری رحمت الله علیه در صحیح خود از صحابی جلیل القدر حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر مکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«ا ن لله تسعة وتسعين اسماً و مئتا الا واحداً مَن أحصاها دخل الجنة»[2]

(الله دارای نود ونه نام است و هر که آن را حفظ نماید داخل بهشت خواهد شد.)

علماء می فرمایند: مراتب حفظ نامهای الله و بر سه قسم است:

یک: حفظ الفاظ وشمارش آنها.

دوم: فهم معنای آنها.

سوم: فراخواندن الله متعال با آنها و همانگونه که می‌فرماید:

﴿ وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَا ﴿١٨٠﴾ ﴾ (الأعراف: ١٨٠)

(الله دارای زیباترین نامها است (که بر بهترین معانی وکاملترین صفات کمال او تعالی دلالت می‌نمایند). پس الله را با آن نامها فرا بخوانید.[3]

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين والحمد لله رب العالمين.

(١) الفوائد صفحه‌ی ٨٠

(٢) صحیح بخاری

(٣) بدایع‌الفواید: ١٦٤/١

خطبه دوم

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه و كما يحب ربنا ويرضى و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبده ورسوله و وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

ای اهل ایمان وتوحید! بدانید که اسماء وصفات الله متعال که فراوان وبا عظمت است دال بر قدرت وعظمت الله است.

اسماء وصفات وافعال الله متعال و انسان را نسبت به عظمت وکمال او تعالی هدایت می‌نمایند و لذا این بهترین راهی است که انسان می‌تواند آن را برای حرکت به سوی تعظیم وتمجید وفرا خواندن الله متعال پیش گیرد.

الله متعال به ما دستور داده که او را با نامهای زیبایش فرا بخوانیم: ﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَاۖ﴾ (الأعراف: ۱۸۰)

« نامهای نیکو فقط مخصوص الله است پس او را با این نامهای نیک بخوانید» «دعا در لغت به معنای درخواست است و یعنی الله متعال را با نام‌هایش فرا بخوانید.»[۱]

فرا خواندن الله متعال با نامهای زیبایش و همانگونه که علامه ابن قیم رحمه الله می‌فرماید: دارای دو مرتبه است[۲]:

یک: فرا خواندن الله متعال جهت شکر وسپاس یا عبادت وی؛ زیرا الله متعال به ما دستور داده که او را تقدیس وسپاس وستایش نمائیم.﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا ۝٤١ وَسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا ۝٤٢﴾ (الأحزاب: ۴۱ - ۴۲)

«ای مؤمنان! الله را بسیار یاد کنید وهر صبح وشام پاکی او را بیان نمایید»

در صحیح بخاری از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**ما من احد احب اليه المدح من الله**[۳]» (هیچ کسی نیست که مدح وستایش را از الله متعال بیشتر دوست داشته باشد.)

الله متعال وعده داده کسانی که او را یاد می کنند و آنها را یاد نماید:

﴿ فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ ۝١٥٢ ﴾ (البقرة: ۱۵۲)

(پس مرا یاد کنید تا من نیز شما را یاد کنم وشکر وسپاس مرا به جای آورید وناسپاسی مرا مکنید).

الله متعال به ما خبر داده که ذکر الله دلها را آرام می گرداند.﴿أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ۝٢٨﴾ (الرعد: ۲۸) (هان! دلها با یاد الله آرام می گیرند).

دو: فرا خواندن الله متعال جهت درخواست حاجتی: الله متعال به ما دستور داده که او را فرا بخوانیم وحاجات خود را با او در میان بگذاریم واو تعالی وعده استجابت آن را داده است:

(۱) احکام القران: ابن العربی: ۸۰۵/۲
(۲) بدایع الفواید: ۱۶۴/۱
(۳) فتح الباری: ۳۸۳/۱۳

﴿ وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ ﴾ (غافر: ۶۰)

(پروردگار شما می گوید: مرا به فریاد خوانید تا بپذیرم واجابت کنم) .

فرا خواندن الله متعال ودرخواست مسایل از او به جز از راه اسماء وصفات والای الهی جایز نیست. علمای دینی به ما گوشزد کرده‌اند که لازم است کسی که دعا می کند و برای هر دعایی نام ویژه‌ای مناسب دعای مورد نظر را انتخاب کند والله را با آن فرا بخواند.

اسماء یا نامهای گرامی الله متعال کاملا توقیفی بوده ومجالی برای بحث عقلی در آن نیست بنابراین واجب است برآن چه کتاب وسنت گفته‌اند اکتفا کنیم وچیزی به آن نیفزائیم واز آن نکاهیم و چون عقل ناقص انسان توانایی درک اسمای گرامی الله ذوالجلال را به نحوی که شایسته آن ذات گرامی باشد را ندارد و بنابراین توقف بر نص واجب است. الله متعال می‌فرماید:

﴿ وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡـُٔولٗا ﴾ (الإسراء: ۳۶)

«و به دنبال چیزی نرو که بدان علم وآگاهی نداری و بیگمان گوش وچشم وقلب و همه آنان مورد بازخواست قرار خواهند گرفت».

بنابراین قرار دادن اسمی برای الله متعال که پروردگار آن را مقرر نفرموده یا انکار اسمی که آن را مقرر فرموده باشد و گناه بزرگی در حق پروردگار متعال است. پس بر ما واجب است که ادب را پیشه کنیم وبه آنچکه نص برای ما آورده است اکتفا نمائیم.

برادران مسلمان ومشتاقان محبت ودوستی الله متعال ؛ معبود مهربان مان می فرماید:

﴿ وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴾

(غافر: ۶۰)

«و پروردگار شما فرمود: «مرا بخوانید و تا (دعای) شما را اجابت کنم همانا کسانی که از عبادت من سر کشی می کنند و به زودی با خواری به جهنم وارد می شوند»[1].

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ﴾

(الأحزاب: ۵۶)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد ».

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات و برحمتك يا أرحم الراحمين و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

پایبندی به سنت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم

خطبه اول

الحمد لله رب العالمين و أحمده حمد الشاكرين و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و كلمة حق قامت عليها السماوات والأرضين و وبها أرسل الله الرسل مبشرين ومنذرين و ولأجلها انقسم الناس إلى مؤمنين وكافرين و فمن سبقت له السعادة بالإيمان كان من الناجين و ومن تنكب عنها واتبع هواه كان من الهالكين و وأشهد أن محمداً عبد الله ورسوله و وأمينه على وحيه و وخيرته من خلقه و المبعوث بالدين القويم و والصراط المستقيم و أرسله الله رحمة للعالمين و وإماماً للمتقين و وحجة على الخلائق أجمعين. صلى الله عليه وعلى آله وصحبه والتابعين لهم بإحسان و وسلم تسليماً مقروناً بالرضوان.

اما بعد:

الله جل جلاله میفرماید: ﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلرَّسُولُ بِٱلۡحَقِّ مِن رَّبِّكُمۡ فَـَٔامِنُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١٧٠ ﴾ (النساء: ١٧٠)

«ای مردم! پیغمبر (محمّد صلی الله علیه وآله وسلم) از جانب الله به سویتان آمده است ودین حق را برایتان آورده است و پس ایمان بیاورید (و فرصت را غنیمت شمرید و که این کار) به سود شما است واگر کافر شوید(هرچند با کفر ورزیدن تان زیانی به الله نمی رسانید) چرا که آنچه در آسمانها وزمین است متعلق به الله است و والله آگاهِ حکیم است».

ای مسلمانان! الله مهربان بر هر دو گروه انسان وجن منت نهاد که برگزیده ترین انسانها و محو کننده تاریکی ونجات دهنده مردم از تاریکیها به سوی روشنایی یعنی محمد بن عبد الله بن عبد المطلب صلی الله علیه وآله وسلم را به سوی ایشان فرستاد. وایشان را بر سایر پیامبران برتری داد و امتیازات منحصر به فردی را نیز به وی ارزانی فرمود و امت وپیروانش را بهترین امت قرار داد. محبت وپیروی ایشان را بر مردم واجب گردانید وآنرا نشانه راستی وصدق ایمان بنده قرار داد. الله میفرماید: ﴿ قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١ قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٢ ﴾ (آل عمران: ٣١-٣٢)

«بگو: اگر الله را دوست می دارید و از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد وگناهنتان را ببخشاید و والله آمرزندۀ مهربان است * بگو: از الله واز پیغمبر اطاعت فرمانبر داری کنید و واگر سرپیچی کنند (ایشان به الله وپیغمبر ایمان ندارند وکافرند و) الله کافران را دوست نمی دارد.» در موضع دیگر الله سبحان پیرامون وجوب ایمان جهانیان به محمد صلی الله علیه وآله وسلم میفرماید:

﴿ تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡفُرۡقَانَ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦ لِيَكُونَ لِلۡعَٰلَمِينَ نَذِيرًا ﴾ (الفرقان: ١)

«والا مقام وجاوید کسی است که فرقان و (یعنی جدا سازنده حق از باطل) را بر بنده خود (محمّد صلی الله علیه وآله وسلم) نازل کرده است و تا این که جهانیان را (بدان) بیم دهد (و آن را به گوش ایشان برساند» این تایید الله موجب ایمان به وی بوده وهر کس چنین اعتقادی نداشته باشد کافر

وبرای همیشه در آتش دوزخ خواهد ماند و آیات در این موضوع بسیار است وهمهء آنها بر وجوب اطاعت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم وبر پیروی از آنچه ایشان آورده دلالت می کنند و

همچنان احادیث در وجوب اطاعت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم وپیروی از آنچه آورده وتحریم معصیت او به طور متواتر وارد شده است ؛ وآنهم در حق کسیکه در زمان او بوده وبعد از او تا روز قیامت خواهد آمد. پس بر همه انسانها – اعم از اهل کتاب ودیگران – لازم است به وی ایمان آورده وبه آئینش گردن نهند.

از جمله این احادیث: پیامبر بزرگ اسلام میفرماید: « **وَالَّذِى نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لاَ يَسْمَعُ بِى أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الأُمَّةِ يَهُودِىٌّ وَلاَ نَصْرَانِىٌّ ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِى أُرْسِلْتُ بِهِ إِلاَّ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ**». مسند احمد

«سوگند به کسی که جان محمد در دست او است و هر کدام از یهودیان ومسیحیان پیام مرا شنیده وبدان ایمان نیاورد و وارد دوزخ خواهد شد». ودر موضعی دیگر فرمودند: «**من أطاعني فقد أطاع الله ومن عصاني فقد عصى الله**». متفق علیه.

«کسی که از من اطاعت کند و مانند اینکه از الله اطاعت کرده و وکسی که از من نافرمانی کند و مانند اینکه الله را معصیت ونافرمانی کرده است». همچنین رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: «کل أمتی یدخلون الجنّة إلاّ من أبی و قیل یا رسول الله ومن یأبی قال: من أطاعنی دخل الجنة ومن عصانی فقد أبی». روایت بخاری «همه امت من داخل بهشت خواهند شد مگر کسیکه خود از دخول آن امتناع ورزد و گفته شد ای رسول الله چه کسی است که از دخول آن امتناع می ورزد؟ فرمود: کسی که از من اطاعت کند داخل بهشت خواهد شد و وکسی که از من نافرمانی کند و او همان کسی است که خود از دخول آن امتناع ورزیده است».

برادران وخواهران! پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم وتمسک به سنت مطهر ایشان ثمرات نیک دنیوی واخروی را در پی داشته یگانه راه نجات بنده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در حدیثی که عرباض بن ساریه رضی الله عنه آنرا روایت نموده فرمود:

«**وَعَظَنَا رَسُولُ اللّهِ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَوْعِظَةً بَلِيْغَةً وَجِلَتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ وَذَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ و فقُلْنَا: يا رَسولَ اللّه! كَأَنَهَا موْعِظَةُ مُوَدِّعٍ فَأَوْصِنَا. قَالَ: «أُوصِيكُمْ بِتَقْوى اللّهِ و وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وإِنْ تَأَمَّر عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ و وَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسَيَرى اخْتِلافاً كَثِيراً. فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ و عَضُّوا عَلَيْهَا بالنَّواجِذِ و وإِيَّاكُمْ ومُحْدثَاتِ الأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ بِدْعَةٍ ضلالَةٌ**». رواه أبوداود و والترمذی وقال: حدیث حسن صحیح.

«پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم (بلیغ) برای ما ایراد فرمودند که به سبب آن و دل‌ها را ترس فرا گرفت واشک در چشم‌ها حلقه زد؛ گفتیم: ای رسول الله! این موعظه مانند موعظه‌ی کسی بود که می‌خواهد وداع کند و پس برای ما وصیتی نمایید و فرمودند: شما را وصیت می کنم که تقوای الله را رعایت کنید وگوش دهید واطاعت نمایید؛ حتی اگر هم بنده‌ای سیاه و امام وحاکم شما باشد؛ واگر کسی از شما زنده بماند شاهد اختلافات زیادی می‌شود و در این صورت و همواره بر شما لازم است که روش من وروش خلفای برحق وهدایت شده‌ی مرا رعایت کنید وبر انجام دادن این اعمال وادامه‌ی این روش‌ها سخت پافشاری واصرار داشته باشید واز بدعت‌ها وامور تازه وارد شده

در دین بپرهیزید؛ زیرا هر بدعت وامر تازه‌ای در دین (که از طرف شارع دلیلی بر جواز آن نباشد) و گمراهی است».

آری! با چنگ زدن به سنت مطهر راه های شیطان مسدود گردیده امت اسلامی از اختلاف وتفرقه در امان می مانند چنانکه مسمانان صدر اسلام تا وقتی متمسک به قرآن وسنت بودند از عزت وقوت برخوردار بودند اما وقتی امت اسلام از رهنمود های والای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم دور شدند مانند امتهای پیشین خواری وضعف وذلت دامنگیر شان شد.

چنانکه آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: « **افْتَرَقَتْ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ فِرْقَةً وَافْتَرَقَتْ النَّصَارَى عَلَى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً ستَفْتَرِق أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً كلها فِي النَّارِ إلا وَاحِدَة قالوا: مَنْ هي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هي الْجَمَاعَة وفي رواية اخري مفسرة الاولي قال: هي التي تكون علي ما انا عليه واصحابي**» روایت احمد وابن ماجه وغیره

«یهود به هفتاد ویک فرقه تقسم شدند ونصاری به هفتاد ودو فرقه تقسم گردیدند وامت من نیز به هفتاد وسه فرقه تقسیم می شود به جز یک گروه از آن همگی در آتشند» ودر روایتی از رسول الله سؤال می شود که گروه نجات یافته چه کسانی هستند؟ می فرماید: «کسانی که بر منهج من واصحابم قرار دارند»

لذا فرقه ناجیه را بدین گونه توصیف می کنند که آنها اهل سنت وجماعت هستند که اکثریت عظیم مسلمانان می باشند. اما فرقه های دیگر اهل استثناء و تفرقه و بدعت واهواء می باشند وتعدادشان بسیار اندک است وشعارشان دوری از کتاب وسنت واجماع امت است پس هرکس با کتاب وسنت واجماع سخن گوید از اهل سنت وجماعت محسوب می گردد.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

ای مسلمانان! پیامبر بزرگ اسلام امتش را به تمسک به سنت مطهر توصیه نموده می فرماید: «**دَعُونِي ما تَرَكْتُكُمْ: إِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَثْرَةُ سُؤَالِهِمْ و وَاخْتِلافُهُمْ عَلَى أَنْبيائِهِمْ و فَإِذا نَهَيْتُكُمْ عنْ شَيْءٍ فاجْتَنِبُوهُ و وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بأَمْرٍ فَأْتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ**»

متفقٌ عليه.

«مرا با همان دستورات ووظایفی که برای شما گذاشته‌ام بگذارید و در حقیقت آنچه که امت‌های پیش از شما را هلاک ونابود گردانید و زیاد سؤال کردن ومخالفت آنان با پیامبران خود بود؛ پس هر گاه شما را از چیزی نهی کردم از آن دوری کنید و وچون فرمان انجام دادن کاری را به شما دادم و هر قدر از آن را که می‌توانید و انجام دهید» .

ودر موضع دیگر می فرماید: (**ايهاالناس إنّي قد تركت فيكم ما إن اعتصمتم به فلن تضلوا ابدا كتاب الله وسنه نبيه**).

صحیح مسلم
«من بین شما چیزی گذارده ام که اگر به آن اعتصام کرده وچنگ بزنید وعمل کنید هرگز گمراه نخواهید شد و وآن کتاب الله وسنت پیامبرش است» در حقیقت پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم همانند کشتی نوح علیه السلام است که هر کسی سوار آن شد نجات یافت وکسی که سر کشی نمود از جمله هلاک شدگان خواهد بود. الله میفرماید:

﴿ فَلْيَحْذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾ (النور : ۶۳)

«کسانی که با فرمان او (پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم) مخالفت می کنند و باید بترسند که بلایی بر آنان فرود آید یا این که به عذابی دردناک دچار شوند»

ودر حدیث شریف آمده: «**من أطاعني فقد أطاع الله ومن عصاني فقد عصى الله**».
متفق علیه

«کسی که از من اطاعت کند و مانند اینکه از الله اطاعت کرده و وکسی که از من نافرمانی کند و مانند اینکه الله را معصیت ونافرمانی کرده است». ودر موضع دیگر میفرماید: «**ألا إنّي أوتيت الكتاب ومثله معه و ألا يوشك رجل شبعان على أريكته يقول عليكم بهذا القرآن و فما وجدتم فيه من حلال فأحلوه و وما وجدتم من حرام فحرّموه**». أحمد وأبوداود وحاكم با إسناد صحیح

«همانا به من قرآن و ومِثل ومانند آن (یعنی: سنت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) داده شده است و همانا بزودی مردی سیر خورده وتکیه زده بر متکا وبالشت خود که بگوید: بر شماست که فقط پیرو قرآن باشید و وهر چه در آن از حلال یافتید و پس آنرا حلال بدانید و وآنچه در آن از حرام یافتید و آنرا حرام بدانید».

أبو رافع از پدرش روایت می کند که رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «**لا ألفين أحدكم متكئاً على أريكته يأتيه الأمر من أمري مما أمرتُ به أو نهيتُ عنه فيقول لا ندري و ما وجدنا في كتاب الله اتبعناه**» أبوداود وابن ماجه با سند صحیح

«نبینم که یکی از شما بر بالشت خود تکیه زده وامری از اوامری که من به آن امر کرده ام و ویا از آن نهی کرده ام بر او آید واو گوید: نمی دانم! فقط آنچه در کتاب الله پیدا کردیم قبول خواهیم کرد».

پس بر مسلمان واجب است در همه امور زندگی اعم از عبادات ومعاملات از ارشادات نبوی پیروی نماید چنانکه آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: «**صلوا كما رأيتموني أصلي**» روایت ابو داود.

یعنی « طوری نماز بخوانید که مرا دیده اید نماز می خوانم» ودر موضع دیگر فرمودند: «**خذوا عني مناسككم**» احمد وبیهقی.

یعنی « مناسک تان را ازمن بگیرید». بنا بر این شاگردان مدرسه نبوت در همه احوال از هدایات پیامبر گرامی هرگز سر باز نمی زدند اوامر آنحضرت را گرامی داشته از جان ودل عملی می نمودند واز نواهی ایشان دوری می جستند.

چنانکه از عابس بن ربیعه رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: « **رَأَيْتُ عُمَرَ بنَ الخطاب و رضي**

اللّٰه عنه و يُقَبِّلُ الْحَجَرَ و يَعْنِي الأَسْوَدَ ويَقُولُ: إني أَعْلَمُ أَنَّكَ حَجَرٌ مَا تَنْفَعُ ولا تَضُرُّ و ولَوْلاَ أَنِّي رأَيْتُ رَسُولَ اللّٰه صَلَّى اللّٰه عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و يُقَبِّلُكَ ما قَبَّلْتُكَ..» متفقٌ عليه.

«حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه را دیدم که حجرالاسود را می‌بوسید ومی‌فرمود: «می‌دانم که تو سنگی هستی ونفع وضرر نمی‌رسانی واگر پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم را ندیده بودم که تو را می‌بوسید و هرگز تو را نمی‌بوسیدم».

مسمانان! بدانید امت اسلامی وقتی با عزت وقدرتنمد خواهد شد که سنت پیامبراکرم صلی الله علیه وآله وسلم را زنده ساخته آنرا سر مشق زندگی خویش قرار دهند در غیر آن جز خواری وذلت چیزی نصیب شان نخواهد بود چنانکه آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

« إذا تَبَايَعْتُمْ بِالْعِينَةِ وَأَخَذْتُمْ أَذْنَابَ البقر وَرَضِيتُمْ بالزرعِ وتركتم الجهادَ سلط اللّٰه عليكم ذُلا لاَ يَنْزِعُهُ حتى ترجعوا إلى دينِكم» أبو داود وبيهقى

« هرگاه معامله "عینه"(نوعی معامله سود است)کردید ودم گاوهایتان را گرفتید به کشت وزراعت راضی شدید (با مال وزیب وزیور دنیا دل بستید) وجهاد فی سبیل الله را ترک کردید و الله بر شما ذلتی مسلط می کند وآن را برنمی دارد مگراینکه به دینتان برگردید».

آری! امت اسلامی امتی است که اسلام آنهارا عزت بخشیده هرگاه عزت را در غیر آن جستجو نمایند الله آنان را خوار وذلیل می کند. واگر ما اسلام را نصرت ندهیم الله قومی را خواهد آورد که دینش وسنت نبیش را نصرت دهند. ﴿ إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ ٱللَّهُ ﴾ (التوبة: ۴۰)« اگر پیامبر را یاری نکنید-الله اورا یاری میکند و همان گونه که قبلا- اورا یاری کرد».

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ۵۶)

اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى اللّٰه عليه وآله وسلم. اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد اللّٰه! إن اللّٰه يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

صبر

خطبه اول

الحمد لله الذي وعد الصابرين أجرهم بغير حساب و وجعل لهم العواقب الجميلة في هذه الدنيا ويوم المآب و وأشهد أن لا إله إلا الله و وحده لا شريك له و الرحيم التواب و الكريم الودود الوهاب و وأشهد أن محمدًا عبده ورسوله و الذي أنزل عليه الحكمة وفصل الخطاب و اللهم صلّ على محمد وآله وأصحابه صفوة الصفوة ولبّ اللباب وسلّم تسليمًا.

اما بعد:

ای کسانیکه ایمان آورده اید تقوای الله را پیشه کنید وبدانید که صبر وبردباری از ایمان انسان است وجایگاه صبر در ایمان انسان همانند سر در بدن وی می باشد. پس هر که از نعمت صبر بی بهره ماند از یقین وایمان نیز محروم می ماند.

توجه فراوان قرآن به صبر به‌خاطر ارزش دینی واخلاقی آن است و صبر یک فضیلت اخلاقی ثانوی نیست و بلکه یک ضرورت است وترقی وتعالی وتکامل آدمی جز در سایه‌ی آن امکان‌پذیر نیست. اگر صبر نباشد سعادت وخوشبختی فرد وجامعه هیچ‌کدام میسر نیست. بدون صبر نه دین پایدار است ونه دنیا. بنابراین صبر هم یک ضرورت دنیوی است وهم یک ضرورت دینی.

صبر وظفر هر دو دوستان قدیمی اند و بر اثر صبر نوبت ظفر وپیروزی آید. جایگاه صبر در ادب فارسی معروف است وکلمات وجملات شایع در فارسی خود نشانه این اهمیت وجایگاه مهم است:

- صبر تلخ است ولی ثمره شیرین دارد.
- گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
- هر که طاوس خواهد و جور هندوستان کشد.

بی‌شک اهل ایمان بیش‌تر در معرض آزارها ومصیبت‌ها وناخوشی‌ها قرار می‌گیرند. بالطبع ضرورت صبر در این جا بیشتر خود را نشان می‌دهد.

زیان‌های مالی وجانی و از دست دادن عزیزان ... همه‌ی این‌ها لازمه‌اش تحمل وبردباری است. در طول تاریخ بندگان خاص الله و انبیاء وصالحان سخت مورد آزمون قرار گرفته‌اند. ابلیس در برابر آدم و نمرود در برابر ابراهیم و فرعون در برابر موسی و ابوجهل در برابر محمد و... . بنا بر این طبق سنت وحکمت الهی پس از انبیاء _علیهم السلام_ سایر مؤمنان نسبت به دیگر انسان‌ها بیش‌تر مورد آزمون سخت الله قرار می‌گیرند همانگونه که رسول گرامی اسلام می فرمایند: (**أشد الناس بلاء الأنبياء ثم الأمثل فالأمثل**).

مومنان نمازگزار و صبر درخشنده‌ترین خلق وخوی قرآنی است که در جای‌جای قرآن به نوعی مورد عنایت پروردگار واقع شده است. با توجه به آیات قرآنی می‌توان گفت والاترین وبالاترین درجه‌ی دینداری صبر است. وبزرگ‌ترین ویژگی اهل ایمان صبر است. وبندگان شایسته‌ی الله به هر کجا که رسیده‌اند در پرتو صبر بوده است. قرآن صبر را کلید هر نیکی ودروازه‌ی خوشبختی دنیا وآخرت دانسته است.

الله متعال اهل صبر را نوید وبشارت می دهد ومی فرماید:

﴿ وَلَنَبۡلُوَنَّكُم بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلۡخَوۡفِ وَٱلۡجُوعِ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٥٥ ﴾ (البقرة: ۱۵۵)

ترجمه: ویقینا شما را با چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کاهش اموال وجان‌ها ومیوه‌ها (محصولات وفرآورده‌ها وتجارت) می آزماییم وبه شکیبایان مژده بده.

﴿ وَلَنَبۡلُوَنَّكُمۡ حَتَّىٰ نَعۡلَمَ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ... ٣١ ﴾ (محمد: ۳۱.)

ترجمه: وحتماً شما را می آزماییم تا مجاهدان وشکیبایان از شما را شناسایی کنیم .

صبر یکی از مهمترین اسباب رستگاری انسان است. الله متعال در این رابطه می فرمایند:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٢٠٠ ﴾(آل عمران: ۲۰۰)

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بردباری پیشه کنید وپایداری ورزید و محنت کشید وبرای جهاد آماده باشید و وتقوای الله داشته باشید باشد که رستگار شوید».

الله سبحان پاداش صابران را لامتناهی قرار داده است و آنجا که می فرماید :

﴿ إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجۡرَهُم بِغَيۡرِ حِسَابٖ ١٠ ﴾ (الزمر: ۱۰)

ترجمه: «در حقیقت بردباران پاداش‌شان بی‌شمار وبه تمام داده می‌شود».

الله متعال امامت ورهبری در دین را به صبر وابسته ساخته است ودر این باره می فرماید: ﴿ وَجَعَلۡنَا مِنۡهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا لَمَّا صَبَرُواْۖ وَكَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ ٢٤ ﴾ (السجدة: ۲۴)

ترجمه: وچون صبر وشکیبایی کردند وبه آیات ما یقین داشتند برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند.

علما ودانشمندان اسلامی از دیرباز گفته اند که : (**بالصبر واليقين تنال الإمامة في الدين**) یعنی امامت وپیشوایی دینی با بردباری ویقین قطعی بدست خواهد آمد.

الله سبحان به ما میگوید که اگر همراه با صبر تقوای الله را پیشه نمایید هرگز مکر وکید دشمنان به شما آسیب نخواهد رساند و آنجا که می فرماید: ﴿ إِن تَمۡسَسۡكُمۡ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡ وَإِن تُصِبۡكُمۡ سَيِّئَةٞ يَفۡرَحُواْ بِهَاۖ وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ لَا يَضُرُّكُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡـًٔاۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ١٢٠ ﴾ (آل عمران: ۱۲۰)

ترجمه: اگر به شما خوشی رسد آنان را بدحال می‌کند واگر به شما گزندی رسد بدان شاد می‌شوند واگر صبر کنید وپرهیزگاری نمایید نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی‌رساند یقینا الله به آنچه می کنند احاطه دارد.

برادران گرامی مشاهده کردیم که الله متعال چگونه ما را بر صبر وبردباری تشویق نموده وچه پاداشهایی را برای صابران قرارداده است. حال بنگریم که علما ودانشمندان این صبر را چگونه تعریف وتفسیر نموده اند. در مصباح منیر و واژه‌ی (الصبر) به معنی نگه‌داشتن خویشتن از دل‌نگرانی آمده است اما کلمه صبر در اصطلاح یعنی : حفظ نفس خویش از بی تابی وکنترل زبان از شکوه

وناشکری ومحافظت اعضای دیگر بدن ازاعمالی مانند: برسر وصورت زدن وگریبان دریدن وتصنع در گریه وزاری. ودر جایی دیگر آمده است که صبر به معنای "ایستادگی در هنگام ابتلا ومصیبت همراه با حسن ادب" است.

دیگری صبر را اینگونه تعریف نموده است که صبر به معنای " بی نیازی در بلا ومصیبت بدون اظهار گله وشکایت" است. وبه طور کلی دو نوع شکوه یا شکایت وجود دارد. یکی اینکه انسان به سوی الله متعال ناله وشکوه نماید که این نوع با صبر هیچگونه مغایرتی ندارد همانند قول پیامبر یعقوب هنگامی که فرمود: ﴿إِنَّمَآ أَشۡكُواْ بَثِّي وَحُزۡنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨٦﴾ (یوسف: ۸۶)

گفت من شکایت غم واندوه خود را پیش الله می‌برم واز [لطف وعنایت] پروردگار چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

با وجود اینکه در جای دیگر ایشان فرموده بودند: "فصبر جمیل" . یکی دیگر از انواع شکوه و گله وشکایت انسان مبتلا از قضا وقدر الهی وبلا ومصیبت است که این نوع حرام وناجایز می باشد. اما اگر شخصی بخواهد بیماری ویا ابتلا ومصیبت خود را نزد دیگری تنها بعنوان خبر واطلاع (و بدون گله وشکایت از الله وقضا وقدر) بیان نماید منافاتی با صبر نداشته و جایزمی باشد.

عزیزان نمازگزار علما ودانشمندان اسلامی از سلف تا خلف کتابهای زیادی را درمورد صبر واهمیت وانواع آن نوشته اند که بنده نیز از دست آوردهای آنها استفاده نموده وبرای شما برادران گرامی بیان میدارم.

به طور کلی علما صبر را به سه دسته تقسیم نموده اند. یکی از آن‌ها صبر برای انجام طاعات وعبادات است و علت وجود این نوع صبراین است که نفس انسان ذاتاً از بندگی وبنده بودن گریز دارد وبه سوی آزادی بی قید وبند تمایل دارد و لذا بنده برای به جا آوردن عبادت نیازمند به صبر است. برخی عبادت‌ها مثل نماز و انسان به خاطر کسالت وتنبلی از آن خوشش نمی‌آید وبرخی مثل زکات به خاطر بخیلی وبرخی هم به خاطر هر دو (بخیلی وتنبلی) از آن ناخوشایند است و همانند حج وجهاد در را ه الله.

به طور کلی مؤمن برای فرمان‌بری از الله متعال در سه مرحله به صبر نیاز دارد که خود این صبر کلیدی است برای اخلاص شخص در آن عبادت :

۱. در حالتی که قصد عبادت دارد. صبر در این مرحله پشتوانه‌ی این است که بنده نیتش را پاک گرداند وبا اخلاص تمام عبادت را شروع کند ونگذارد خودنمایی وریا آن را بیالاید.

۲. مرحله‌ی دوم در زمان انجام دادن عبادت و در حالتی که مشغول به عبادت شده است. در هنگام عبادت لحظه‌ای از الله متعال غافل نگردد واز انجام دادن آداب وسنت‌های عبادت تنبلی نکند؛ یعنی تا وقتی که از عبادت فارغ نشده است به وسیله‌ی صبر از عواملی که باعث سستی وکاهلی می‌شوند خود را نگه دارد.

۳. مرحله‌ی سوم و پس از پایان پذیرفتن عبادت. حالت سوم یعنی فراغت از عمل. در این‌جا صبر این است که به خاطر جلوگیری از ریا وخودنمایی از اظهار وافشای عبادت واز هر چیزی که عمل او را باطل وتباه می‌کند خویشتن‌داری کند. کسی که بعد از صدقه دادن صبر پیشه نکرد ومنت گذاشت وآزار رساند ویا آنرا برای دیگران بازگو نمود و آن خیر را باطل کرده است.

دومین نوع از صبر و صبر در مقابل مصیبت است و مانند مرگ دوستان و نابودی ثروت و نابینایی و از بین رفتن سلامتی ومصیبت‌های دیگر. صبر بر این گونه مسایل بالاترین مقام صبر است و زیرا پشتوانه‌ی این صبر یقین است. پیامبراسلام فرموده‌اند: (مَنْ يُرِدْ اللّٰه بِهِ خَيْرًا يُصِبْ مِنْهُ): «رواه البخاری" «کسی که الله به او اراده‌ی خیر کند و او را به سختی می‌آزماید». صبر در برابر مردم آزاری نیز جزء این نوع صبر بشمار میرود.

سومین نوع از انواع صبر و صبر در مقابل معصیت است که مانع از ارتکاب معصیت می‌شود.

اما ابن قیم معتقد است که صبر از معصیت از سبب‌های متعددی نشأت می گیرد:

۱. آگاهی انسان به زشت وپست بودن گناه ومعصیت
۲. شرم از الله متعال
۳. ارج نهادن به نعمت‌ها واحسان الله متعال بر خویش
۴. ترس از الله وبیم از عقوبت او
۵. محبت وعشق به الله متعال (و این از مهم‌ترین اسباب است).
۶. شرافت و پاکی وفضیلت نفس
۷. شناخت کامل به سرانجام بد گناه‌کار وزشتی پی‌آمد آن
۸. کاستن از آرزوها در دنیا وخود را مسافر دانستن.
۹. دوری‌کردن از زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن وپوشش
۱۰. دهمین سبب که در بر گیرنده‌ی همه‌ی سبب‌های یاد شده است: درخت تنومند ایمان در قلب است و هر چه ایمان قوی‌تر باشد انسان کامل‌تر است و چنان‌که هر گاه ایمان ضعیف شود و صبر هم به همراه آن ضعیف می‌شود.

از الله متعال رب العزت والجلال والجبروت والکمال خواهانیم که ایمان ما را با زینت صبر مزین سازد وتوفیق پایداری واستقامت در صراط المستقیم را نصیب من وشما گرداند تا در آن دنیا از زمره کسانی باشیم که از پاداش ونعمتهای بی حد ومرز الهی بهرمند می شوند.

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله رب العالمين أحمده سبحانه وأشكره و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن نبينا محمدا عبد ورسوله صلى الله وسلم وبارك عليه و وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اما بعد و نمازگزاران گرامی تقوای الله را پیشه نمایید وهمواره از او بخواهید که ما را در زمره صابران وبردباران محشور گرداند. رسول گرامی اسلام که اسوه وقدوه ما در تمامی امور هستند

در زندگی پربرکت خویش قولا وعملا نمونه کامل یک انسان صابر بودند ویاران واهل بیت ونزدیکانش را که شاگردان طراز اول مکتب وی بودند همواره بر این اخلاق وارسته تربیت می نمودند.

از سعد بی ابی وقاص روایت است که می‌گوید: گفتم ای رسول الله و کدام گروه از مردم سخت‌تر آزموده می‌شود؟ فرمودند: (**الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الصَّالِحُونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ مِنْ النَّاسِ يُبْتَلَى الرَّجُلُ عَلَى حَسَبِ دِينِهِ فَإِنْ كَانَ فِي دِينِهِ صَلَابَةٌ زِيدَ فِي بَلَائِهِ وَإِنْ كَانَ فِي دِينِهِ رِقَّةٌ خُفِّفَ عَنْهُ وَمَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِالْعَبْدِ حَتَّى يَمْشِيَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ لَيْسَ عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ**) رواه الترمذی. ترجمه : «پیامبران و سپس صالحان وسپس کسانی که بدان‌ها شبیه‌ترند و شخص برحسب دینداری‌اش آزموده می‌شود. پس اگر در دینداری‌اش پایداری وصلابت باشد در مقدار آزمون او افزوده می‌شود. واگر در دینداری او ضعف باشد از مقدار آزمون وی کاسته می‌شود وبه استمرار انسان مورد آزمایش قرار می گیرد تا این‌که در حالی بر زمین راه می‌رود که گناهی بر او نیست وصبرش گناهانش را پاک کرده است».

ابو یحیی صهیب بن سنان در روایتی دیگر می گوید که رسول الله می‌فرمایند: (**عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءُ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءُ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ**) رواه مسلم. «شگفتا از کار مؤمن و همه‌ی کارش خیر است و این ویژگی جز برای مؤمن حاصل نمی‌شود و اگر خوشی به او برسد شکر می کند که برایش خیر است واگر سختی به او برسد بردباری می کند واین نیز برایش خیر است»

از ابو عبدالله خباب بن ارت روایت شده که گفت: به پیامبر شکایت کردیم و در حالی‌که او در سایه‌ی کعبه به بُرده خویش تکیه زده بود و گفتیم: آیا برای ما طلب یاری وپیروزی نمی کنید و آیا برای ما دعا نمی کنید؟ پیامبر فرمودند: (**قَدْ كَانَ مَنْ قَبْلَكُمْ يُؤْخَذُ الرَّجُلُ فَيُحْفَرُ لَهُ فِي الْأَرْضِ فَيُجْعَلُ فِيهَا فَيُجَاءُ بِالْمِنْشَارِ فَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ فَيُجْعَلُ نِصْفَيْنِ وَيُمْشَطُ بِأَمْشَاطِ الْحَدِيدِ مَا دُونَ لَحْمِهِ وَعَظْمِهِ فَمَا يَصُدُّهُ ذَلِكَ عَنْ دِينِهِ وَاللَّهِ لَيَتِمَّنَّ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَسِيرَ الرَّاكِبُ مِنْ صَنْعَاءَ إِلَى حَضْرَمَوْتَ لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ وَالذِّئْبَ عَلَى غَنَمِهِ وَلَكِنَّكُمْ تَسْتَعْجِلُونَ**) رواه البخاری ومسلم.

«پیش از شما مشکلات بیش‌تر بود و مرد مجاهد گرفته می‌شد و برایش گودی می کندند واو را در آن می گذاشتند. سپس اره را می‌آوردند وبر سرش گذاشته می‌شد وسرش را دو نیم می کردند وبا شانه‌های آهنی بدنشان را شانه می‌کردند به طوری که به استخوان می‌رسید و با وجود این شکنجه‌ها او از دینش دست بر نمی‌داشت. به الله سوگند حتماً الله این دین را به کمال خواهد رساند و طوری‌که مسافر از «صنعا» به «حضرموت» برود و جز از الله وخطر گرگ بر گوسفندانش از چیزی دیگری نهراسد ولی شما عجله می کنید»

دیگر پیامبران الهی نیز همانند رسول گرامی اسلام در این راه سختیها ومصیبتهایی را متحمل شده وصبر وبردباری را پیشه نمودند تا جایی که بسیاری از آنها همانند ایوب ویعقوب زبانزد واسوه صبر وشکیبایی گشتند. واز سوی دیگر یاران گرامی رسول الله وشاگردان مکتب نبوت همانند ابوبکر وعمار وبلال وخباب وصهیب ومصعب و... در این راه سختیها وشکنجه های شدیدی را به جان خریدند وبسیاری از آنها از ارزشمندترین داشته های دنیوی خود گذشته وبا صبر وبردباری رضایت الله ورسولش را کسب نمودند.

برادر مسلمان همانگونه که این بزرگان ندای الله را لبیک گفته ونهال صبر را در نفس خویش شکوفا ساختند بر ماست که به آنها اقتدا نموده ودر تمامی شئون زندگی روزمره مان ودر برخورد با دیگران اعم از اهل وخانواده و پدر ومادر و همسر وفرزند و همسایه ودوست و همکار وکارگر و استاد ومعلم و شاگرد وزیردست و همه وهمه به این صفت پسندیده متخلق شویم وبه پیروزی ورستگاری جاودانه دست یابیم.

اللهمَّ صلِّ وسلِّم وبارِك على عبدِك ورسولِك مُحمّد و وارْضَ اللهمَّ عن خلفاء نبيك الرّاشدين الأئمة الهداة المهديين ذوي القدر العلي والفخر الجلي ساداتنا وأئمتنا أبي بكر وعمر وعثمان وعلي وارض اللهم عن السبطين الشهيدين سيدى شباب أهل الجنة وقرتى أعين أهل السنة الإمام أبي محمد الحسن والإمام أبي عبدالله الحسين وعن أمهما فاطمة الزهرا وعن جدتهما خديجة الكبرى وعن الصديقة بنت الصديق عائشة أم المؤمنين وعن سائر أزواج نبيك الطاهرات وعن سائر آل بيت النبي المطهرين من الدنس والأرجاس وعن عمي النبي الكريم حمزة والعباس وعن من تبعهم بإحسان الى يوم الدين.

اللهم أحينا في موالاتهم وموالاة أولياءهم ومعاداة أعدائهم وأمتنا على ملتهم واحشرنا في زمرتهم .

اللهم أعز الإسلام والمسلمين و وأذل الشرك والمشركين و ودمر أعداء الدين و واجعل اللهم هذا البلد آمناً مطمئناً وسائرَ بلاد المسلمين .

اللهم انصر من نصر الدين و اللهم انصر دينك وكتابك وسُنَّة نبيِّك - صلى الله عليه وسلم.

اللهم انصر إخواننا المسلمين في كل مكان يا حي يا قَيُّوم و اللهم انصرهم نصرًا مؤزَّرًا و وأيدهم بتأييدك و واحفظهم بحفظك يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام.

اللهم آمنَّا في أوطاننا و وأصلح أئمتنا و وولاة أمورنا و واجعل ولايتنا فيمن خافك واتقاك و واتبع رضاك يا رب العالمين و اللهم أبرِم لهذه الأمة أمرَ رشدٍ يَعزُّ فيه أهل طاعتك و ويُذلّ فيه أهل معصيتك و ويُؤمر فيه بالمعروف و ويُنهى فيه عن المنكر؛ إنك على كل شيء قدير.

نصیحت وامانت

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ – ٧١)

أما بعد:

از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«**لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ**»[متفق علیه]

"کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آنکه آنچه را برای خود دوست می‌دارد برای برادر خود نیز دوست بدارد"

برادری و روح ایمان است وچکیده‌ی احساس و برادری همان براورده شدن امنیت فراگیری است که در همه‌ی جامعه اطمینان وصلح را گسترده می‌سازد.

ای مسلمانان: هر که این را به درستی درک کند وتدبر نماید وظیفه‌ی خود را در برابر برادرانش خواهد دانست... نشان دادن صادقانه‌ی برادری و محدود نیست اما همه‌ی آن در یک واژه‌ی بزرگ که معنایی عظیم وآثاری چشمگیر دارد و جمع می‌شود که همان خیرخواهی در رفتار وپذیرش نصیحت دیگران ونصیحت کردن یکدیگر است.

بر اساس این حق و برادرت را نصیحت کرده وبرای او خیرخواهی می‌کنی ونصیحت او را پذیرفته ونصیحت‌کنندگان را دوست خواهی داشت. نصیحت و معیار محبت صادقانه ودوستی خالصانه است. برادر تو کسی است که در حق تو خیرخواهی ونصیحت نماید. نصیحت و کلمه‌ای است فراگیر ومعنای کامل آن اراده‌ی خیر است برای شخص مقابل وراهنمایی وی به سوی آن وبرحذر داشتن او از عیب‌ها وانحراف در گفتار وکردار ورفتار با دیگران...

محمد بن نصر رحمه الله در تعریفی دقیق وزیبا می‌گوید: "نصیحت یعنی توجه قلب نسبت به شخص نصیحت شده هر که باشد ومراقبت از او واصلاح وی"

و همین کافی است که پیامبر ما محمد صلی الله علیه وآله وسلم دین را در نصیحت خلاصه کرده وآن را سه بار تکرار نموده وفرمودند:

«**الدِّينُ النَّصِيحَةُ و الدِّينُ النَّصِيحَةُ و الدِّينُ النَّصِيحَةُ**» **قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: «لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ**

وَلأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ»
"دین نصحیت وخیرخواهی است. دین نصیحت وخیرخواهی است و دین نصیحت وخیرخواهی است" و گفتیم برای چه کسی ای رسول الله؟ فرمودند: "برای الله وبرای کتابش وبرای پیامبرش وبرای امامان مسلمان ودیگر مسلمانان" صحیح مسلم

ابن بَطال رحمه الله می فرماید: "نصیحت هم دین نامیده می‌شود وهم اسلام".

ای مسلمانان! برای هیچ کس و دارای هر مقام ومنزلتی که باشد ممکن نیست که از نصیحت بی‌نیاز شود... حاکم وعالم ومعلم وخانه‌دار وغنی وفقیر ومرد وزن ودور ونزدیک و همیشه وهمه جا...

نصیحت وخیرخواهی از بزرگترین حقوق میان مسلمانان است. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«حَقُّ الْمُسْلم عَلَى الْمُسْلم ستٌّ» قيلَ: مَا هُنَّ يَا رَسُولَ الله؟ و قَالَ: «**إِذَا لَقِيتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ و وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ وَ وَإِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَانْصَحْ لَهُ و وَإِذَا عَطَسَ فَحَمِدَ الله فَسَمِّتْهُ و وَإِذَا مَرِضَ فَعُدْهُ وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ**» صحیح مسلم

"حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است" گفته شد این شش چیز کدامند؟ فرمودند: "هرگاه با برادر مسلمانت روبرو شدی به وی سلام بگو واگر تو را دعوت کرد دعوتش را بپذیر واگر برای تو نصیحت وخیرخواهی کرد تو نیز برای او خیرخواهی کن واگر عطسه زد و"الحمدلله" گفت در پاسخش بگو: "یرحمك الله" واگر بیمار شد به عیادتش برو واگر وفات یافت در تشییع جنازه‌ی او شرکت کن"

جریر بن عبدالله بجلی رضی الله عنه می فرماید:

«**بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَآله وسَلَّمَ عَلَى إِقَامِ الصَّلاَةِ و وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ و وَالنُّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ**»[متفق علیه]

"با رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بر برپا داشتن نماز ودادن زکات وخیرخواهی برای هر مسلمان و بیعت نمودم"

و نزد طبرانی چنین روایت شده که: "هر که به امر مسلمانان اهمیت ندهد از آنان نیست وهر که صبح وشب را سپری کند وبرای الله ورسولش وکتابش وامام مسلمانان وعموم آنان خیرخواهی نورزد و مومن نیست".

ای مسلمانان: مثال مومن در برابر دیگر مسلمانان به مانند دو دست است که هر یک دیگری را می‌شوید. ابودرداء رضی الله عنه می‌گوید: "اگر بخواهید شما را نصیحت می کنم... محبوبترین بندگان نزد الله کسانی‌اند که باعث دوست داشتن الله نزد مردم ودوست داشتن مردم نزد الله می‌شوند ودر زمین به نصیحت وخیرخواهی تلاش می‌ورزند".

ابوبکر مزنی رحمه الله می فرماید: "ابوبکر صدیق رضی الله عنه با نماز وروزه‌ی بسیار بر دیگر اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم پیشی نگرفت بلکه با چیزی که در قلبش بود بر آنان پیشی گرفت"

ابن أبی علیه رحمه الله می فرماید: "آنچه در قلب ابوبکرصدیق رضی الله عنه بود محبت الله وخیرخواهی برای بندگانش بود".

ای عزیزان: مسلمان نسبت به مسلمان مانند یک ساختمان واحد است که هر یک دیگری را می‌گیرد... آنان با یکدیگر در نیکی ودر تقوا همکاری می‌کنند... به سوی حق وصبر توصیه می‌کنند... به معروف امر کرده واز منکر باز می‌دارند... مسلمان برادر مسلمان است.... عورت او را می‌پوشاند ولغزش او را می‌بخشد وبرای او دلسوزی می‌کند وعذر او را می‌پذیرد واز غیبت او جلوگیری می‌کند وبه نصیحت وخیرخواهی برای او ادامه می‌دهد ودوستی او را حفظ می‌نماید ودعوت او را پاسخ می‌گوید وهدیه‌اش را می‌پذیرد ودر مقابل خوبی‌اش ا زوی تشکر می کند وحاجتش را رفع می‌کند وگم‌شده‌اش را بازمی‌گرداند. او را -به دشمن- تسلیم نمی‌کند واز یاری‌اش سر باز نمی‌زند. برای او همان چیزی را می‌پسندد که برای خود... برای غمش غمگین می‌شود وبرای شادی‌اش شاد می‌شود حتی اگر شادی او به ضررش باشد.

مسلمان صلاح ورستگاری ومحبت ویاری ودور کردن بدی‌ها وراهنمایی به سوی منافع وآموزش امور دین ودنیا را برای برادرانش دوست می‌دارد وبدی‌ها را از آنان دور ساخته واز فریب وحسد نسبت به آنان دوری می‌ورزد وبرای فقرای آنان ایثار می‌ورزد وهر یک از آنان را که از حق دور شده‌اند با لطف ومهربانی به حق بازمی‌گرداند.

برادران وخواهران: علما تعدادی از آدابی را که شایسته است در هنگام نصیحت رعایت نمود ذکر نموده‌اند از جمله:

اخلاص در خیرخواهی برای شخص مقابل وحرص بر آن وتلاش در راه آن.

دور شدن از هوا وخواهش‌های نفسانی.

صبر وشکیبایی در برابر آنچه ممکن از سوی شخص مقابل سر بزند.

باید در نصیحت از لطف وآسانگیری بهره جسته شود واز بهترین الفاظ وآرام‌ترین وبهترین آنان استفاده شود ودر بهترین اوقات ومناسبت‌ترین حالت ممکن انجام گیرد.

اصل در نصحیت این است که در حالت سری ومخفیانه انجام گیرد.

امام شافعی رحمه الله می فرماید: "هر که برادرش را در حال خلوت نصیحت کند و برای او خیر خواسته واو را با ارزش داشته است وهر که در حالت علنی او را نصیحت کند او را بی‌آبرو کرده وسرزنش نموده است. شخص مومن دیگران را می‌پوشاند ونصیحت می‌کند اما منافق هتک حرمت می‌کند وبی‌آبرو می‌سازد".

ابن حزم رحمه الله می فرماید: "اگر خواستی نصیحت کنی به صورت مخفیانه نصیحت کن نه در حالت علنی وبصورت غیر مستقیم نصیحت کن نه مستقیم مگر آنکه شخص مقابل نفهمد که در آن صورت باید مستقیم نصیحت کرد". همچنین شایسته است که نصیحت با حسن ظن ویافتن عذر همراه باشد... ابن سیرین رحمه الله می فرماید: "اگر از برادرت چیزی به تو رسید برایش عذری بیاور... واگر برای کار او عذری نیافتی بگو: حتما عذری دارد".

و حکیمان گفته اند: "با هیچ کس با چیزی که بد می‌دارد روبرو نشو حتی اگر قصد نصیحت او

را داری زیرا این باعث تنفر وقبول نکردن نصیحت می‌شود". ودر پایان و نصیحت سببی است برای انتشار برادری وزیاد شدن الفت وپاکی قلب ونصیحت‌کننده در دین الله عزوجل کسی است که میان بندگان الله الفت ایجاد می کند...

أقول قولی هذا و وأستغفر الله لی ولکم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحیم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالمِيْنْ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِيِّنا مُحَمّدٍ و وَعَلى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إلىَ يَوْمِ الدِّيْن.

أمّا بعد:

ای مردم. این اجتناب ناپذیراست که و هر یک از ما به سوی خوشبختی گرایش دارد... حال کدام عاقل است که خوشبختی خود را در سمت راست ببیند وسپس راه چپ را بپیماید؟!

وکیست آنکه برای به دست آوردن سعادت نکوشد یا آن را نخواهد؟! هر که در پی سعادت نباشد یا نادان است ویا بیمار که هر دو احتمال تلخ است وناگوار...

«سعی برای خوشبختی» امری است فطری وغریزی که شریعت اسلام بر آن تاکید کرده وبه آن تشویق می‌کند اما باید دانست که مهم‌ترین انواع خوشبختی آن است که فراگیر باشد نه محدود و ووسیع باشد نه کوچک. اگر بخواهیم به بهترین راه خوشبختی وبزرگترین وسودمندترین آن دست یابیم و باید به سوی الله متعال برویم وسعادت واقعی را در فرامین او تعالی جستجو نماییم و بزرگترین امانت همان امانتی است که الله متعال آن را بر آسمان‌ها وزمین عرضه کرد اما آن‌ها از برداشتن آن سرباز زده وبر خود ترسیدند وانسان آن را برداشت واو بسیار ستمگر ونادان بود.

﴿ إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا وَحَمَلَهَا ٱلۡإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومٗا جَهُولٗا ٧٢ ﴾ (احزاب ۷۲)

«همانا ما امانت را بر آسمانها وزمین وکوهها عرضه داشتیم پس از برداشتن آن سر باز زدند واز آن هراسناك شدند وانسان آن را برداشت و بی‌گمان او ستمگری نادان بود»

این همان امانت بزرگ است... امانت به مفهوم وسیعی که الله ورسولش صلی الله علیه وآله وسلم از ما خواسته‌اند که ضد آن خیانت نامیده می‌شود بر اساس همان معنای وسیعی که الله ورسولش ما را از آن نهی نموده‌اند.

تا جایی که عرصه‌ی امانت و همه‌ی آنچه الله بر بندگان در دین وناموس و مال وعقل وجان و علوم و معارف و ولایت وحکم و گواهی دادن وقضاوت و راز وحس‌های پنجگانه ودیگر چیزها را در بر گیرد. به گونه‌ای که قرطبی رحمه الله می فرماید: "امانت همه‌ی وظایف دینی را در بر می گیرد".

انسان امین و "امین" شمرده نخواهد شد مگر آنکه از همه‌ی چیزهایی که در آن حقی ندارد دست بکشد وهمه‌ی حقوقی را که دیگران بر گردن او دارند ادا نموده ونسبت به حفظ آنچه در مورد آن امین پنداشته شده است حریص بوده وسهل انگاری نکند. هر که این خصلت‌ها در وی باشد در دایره‌ی رستگارانی قرار خواهد گرفت که الله عزوجل درباره‌شان فرموده است:

﴿ قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١ ﴾ (المؤمنون: ١) (همانا مومنان رستگار شدند)
تا آنجه که می‌فرماید: ﴿ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ ٨ ﴾ (المؤمنون: ٨)
(و آنان که امانتها وپیمان خود را رعایت می کنند)

امانت از نوآوری‌های شریعت محمد صلی الله علیه وسلم نیست بلکه این خصلت از بارزترین اخلاق پیامبران است. ببینید نوح وهود وصالح ولوط وشعیب علیهم السلام هر یک به قومش چنین فرموده‌اند که:

﴿ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ١٦٢ ﴾ (الشعراء: ١٦٢)

(من برای شما پیامبری امانتدار هستم)

و پیامبر ما صلی الله علیه وآله وسلم نیز در قوم خویش به لقب صادق وامین معروف بود. الله عزوجل نیز این صفت را برای جبریل علیه السلام ذکر نموده وفرموده است:

﴿ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ ١٩٣ ﴾ (الشعراء: ١٩٣)
(جبرئیل روح الامین آن را فرو فرستاده است)

برخی از انسان‌ها در فهم معنای امانت‌داری دچار اشتباه هستند وآن را تنها در حفظ امانت‌های مالی ومادی محدود می‌بینند. آنان با این فهم خود در واقع مفهوم بس وسیعی را محدود نموده‌اند در حالی که این برداشت از امانت تنها نوعی از انواع بیشمار امانت‌داری را شامل می‌شود.

انجام وظیفه یک نوع امانت داری است و ترک آنچه الله نهی نموده یک نوع امانت است و امر به معروف امانت داری است و نهی از منکر امانت است و حکومت وقضاوت امانت است و رعایت حقوق مردم امانت است و علم امانت است و حمایت از دین وحفظ آن امانت است وحفظ سرزمین مسلمان وحمایت از دارایی‌های جامعه نیز امانت است...

همه‌ی این امانت‌ها با انجام آنچه به مصالح آن است و دور کردن آنچه به زیان آن است وعدم خیانت به امت در زمینه‌ی آن به تحقق می‌رسند:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمٗا ١٠٧ ﴾ (النساء: ١٠٧)
(همانا الله هر کس را که خیانتگر وگناه‌پیشه باشد دوست ندارد)

اگر به معنای امانت نگاهی بیندازیم در آن معنای امن واطمینان را خواهیم یافت گویا اینکه با تحقق امانت به روش صحیح و امنیت وآرامش واستقرار وابسته به آن است... ممکن نیست شخص ظالم به امنیت درونی دست یابد یا انسان گناهکار آسوده خاطر شود ویا شخص خیانتکار ومنافق خوشبختی را به دست آورد...

در حالی که قرآن امانت را در جاهای بسیاری ذکر کرده است در همین حال از ضد آن یعنی خیانت بر حذر داشته ونسبت به آن هشدار داه است:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَخُونُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ وَتَخُونُوٓاْ أَمَٰنَٰتِكُمۡ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٢٧ ﴾ (الأنفال: ٢٧)
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به الله وپیامبر او خیانت مکنید و[نیز] در امانتهای خود خیانت نورزید در حالیکه خود می‌دانید».

و فرموده است: ﴿ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي كَيۡدَ ٱلۡخَآئِنِينَ ٥٢ ﴾ (یوسف: ۵۲)
«...و الله نیرنگ خائنان را به جایی نمی‌رساند».
برای زشت دانستن وتنفر از خیانت همین کافی است که بدانیم این خصلت سبب ورود به جهنم وعاقبت بد است چنانکه الله با مثال آوردن از دو زن از زنان پیامبران برای عاقبت بد این خصلت مثال آورده است:

﴿ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱمۡرَأَتَ نُوحٖ وَٱمۡرَأَتَ لُوطٖۖ كَانَتَا تَحۡتَ عَبۡدَيۡنِ مِنۡ عِبَادِنَا صَٰلِحَيۡنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمۡ يُغۡنِيَا عَنۡهُمَا مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗا وَقِيلَ ٱدۡخُلَا ٱلنَّارَ مَعَ ٱلدَّٰخِلِينَ ١٠ ﴾ (التحریم: ۱۰)

«الله برای کسانی که کفر ورزیده‌اند زن نوح وزن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند وبه آنها خیانت کردند وکاری از دست [شوهران] آنها در برابر الله ساخته نبود وگفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید»

یعنی به آن دو پیامبر در دین خیانت می‌کردند. کار آنان این بود که در مورد کسانی که ایمان آورده بودند به قوم کافر خویش اطلاعات می‌داند.

این آتش جهنم است... ای کسی که در امانت خیانت ورزیده‌ای... این آتش جهنم است... این عذاب دردناک است ای آنکه نسبت به پروردگارت وولی امرت وامتت وخودت خیانت اعمال داشته‌ای... رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و مسئولیت‌ها را امانت دانسته واز کسانی که توان آن را داشتند وآن را به خوبی به انجام می‌رساندند برای انجام مسئولیت‌ها دعوت می‌کرد وآن را از کسانی که در انجام آن ضعیف بودند باز می‌داشت.

هر که از سوی ولی امر مسئولیتی داده شد وآن را به بدی انجام داد و خائن است. او در حق امانت ودر حق ولی امر ومردم خیانت ورزیده است والله می‌فرماید:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡخَآئِنِينَ ٥٨ ﴾ (الأنفال: ۵۸) (همانا الله خیانتکاران را دوست ندارد)

و این اخلاق مومن صادق وخیرخواه نیست زیرا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرمایند:
«الْمُؤْمِنُ مَنْ أَمِنَهُ النَّاسُ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» [ترمذی ونسائی]
«مومن کسی است که مردم او را بر جان ومال خود امانت‌دار بدانند»

همچنین «خائن در امانت» از منافقانی است که دارای نفاق رفتاری هستند زیرا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:
«مِنْ عَلَامَاتِ الْمُنَافِقِ ثَلَاثَةٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ و وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ و وَإِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ» [بخاری ومسلم]
«نشانه‌ی منافق سه چیز است: اگر سخن گوید دروغ می گوید وهنگامی که وعده دهد خلاف کند وهنگامی که امانتدار شمرده شد خیانت کند»

پس ای بندگان الله امانتدار باشید وخیانت نکنید خاصتا در این زمان که دنیای ما و میدانی شده است برای خواسته‌های نفسانی وبر عکس شدن مفاهیم؛ وبه سبب همین مفاهیم اشتباه ونادرست و خائن در امان است وعرصه بر انسان‌های امانتدار تنگ شده است وراست فرمودند رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم که:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ و لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُؤْتَمَنَ الْخَائِنُ و وَيُخَوَّنَ الْأَمِينُ» (مستدرک حاکم)

«قسم به آنکه جانم در دست اوست... قیامت به پا نمی‌شود تا آنکه امین خائن شمرده شده وخائن امین دانسته شود...»

الله متعال ما وشما را از فتنه های آخرالزمان حفظ نماید.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ۵۶) واللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

طلب علم وعمل به آن

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ آل عمران: ١٠٢

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

برادران وخواهران عزیز! الله متعال می فرماید:

﴿ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٩ ﴾ (الزمر: ٩)

«بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند و برابرند؟ فقط خردمندانند که پند می گیرند»

مراد: علما وجهال‌اند. پس همان گونه که عالمان وجاهلان برابر نیستند همچنین عابدان وعاصیان برابر نیستند. آیه کریمه دلالت می کند بر این که کمال انسان در این دو مقصود محصور است: علم وعمل. «فقط خردمندانند که پند می گیرند»

یعنی: فرق میان علما وجهال را فقط عاقلان می‌دانند وبس.

و الله متعال می فرماید:

﴿ إِنَّمَا يَخۡشَى ٱللَّهَ مِنۡ عِبَادِهِ ٱلۡعُلَمَٰٓؤُاْۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ٢٨ ﴾ (فاطر: ٢٨)

«جز این نیست که از بندگان الله فقط عالمانند که از او می‌ترسند بی‌گمان الله غالب آمرزنده است» یعنی: از الله سبحان فقط دانشوران ودانایان به‌وجود و اوصاف بزرگ وافعال زیبای وی‌اند که غایبانه می‌ترسند وهر کس از الله نترسد و او در واقع عالم ودانشور نیست پس هر کس به الله عزوجل داناتر باشد و از وی ترسانتر است چنان‌که در حدیث شریف آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «من ترسانترین شما از الله وپرهیزکارترین شما برای اوهستم». «بی‌گمان الله غالب آمرزنده است» پس نافرمانان را سرکوب واهل طاعت را شامل مغفرت خویش قرارمی‌دهد.

مراد از علم در این آیه کریمه: علوم شرعی وتجربی وعلوم کونی که مظاهر قدرت الله است ومراد از علما نیز و علمای دانا به شریعت الله وعلوم طبیعی وزیستی ورازهای کاینات‌اند. زیرا ترس وپروای کسی که این علوم واسرار ومعارف را در حالی‌که مؤمن است بداند و بزرگتر از ترس دیگران از الله است بدین جهت و ما در عصر حاضر که عصر انکشاف علوم ومعارف طبیعی است

و دانشمندان بسیاری را که در عرصه این علوم تبحر دارند و مشاهده می‌کنیم که به‌سوی دین الله روی آورده‌اند.

ابن‌عباس - رضی الله عنه - می فرمایید: «عالم به الله رحمان کسی است که چیزی را با او شریک نیاورده و حلال او را حلال وحرام او را حرام بشناسد و سفارش‌های وی را رعایت کند ویقین داشته باشد که با پروردگار خود دیدار خواهد کرد ودر قبال عمل خویش مورد محاسبه قرار خواهد گرفت». حسن بصری رحمه الله فرموده است: «عالم کسی است که از پروردگار رحمان غایبانه بترسد وبه اموری راغب ومایل باشد که الله متعال در آن رغبت دارد واز اموری که الله سبحان از آنها ناراضی است و اعراض کند. آن‌گاه این آیه را تلاوت کرد».

سعیدبن جبیر - رضی الله عنه - می فرماید: «ترس از الله عبارت است از آن چیزی که میان تو ونافرمانی وی حایل گردد».

امام مالک رحمه الله می فرماید: «علم و به بسیاری روایت نیست بلکه علم نوری است که الله متعال آن را در قلب قرار می‌دهد».

سفیان ثوری رحمه الله می فرماید: «نیکان می‌گفتند: علما سه دسته‌اند؛ عالمی است به الله که به امر وی داناست و عالمی است به الله که به امر وی دانا نیست وعالمی است به امر الله که به خود الله دانا نیست اما عالم به الله وبه امر وی و کسی است که از الله عزوجل می‌ترسد وحدود وفرایض وی را می‌داند. وعالم به الله که به امر وی دانا نیست و عالمی است که از الله عزوجل می‌ترسد ولی حدود وفرایض وی را نمی‌داند. وعالم به امر الله که به خود الله دانا نیست و کسی است که حدود وفرایض را می‌داند اما از الله عزوجل نمی‌ترسد».

ومی فرماید: ﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ ﴾ (النساء: ۵۹)

«ای مؤمنان! الله را اطاعت کنید» با اطاعت از کتاب وی «و پیامبر را اطاعت کنید» با اطاعت از شخص وی در حیاتش‌و اطاعت از سنت وی بعد از وفاتش «اطاعت کنید «اولی الامر را از جنس‌خویش» یعنی: اولی‌الامر مسلمان را و(اولی‌الامر) عبارت اند از: سلاطین وعلماء وقضات وکلیه کسانی که دارای ولایت شرعی می‌باشند نه ولایت طاغوتی. البته مراد آیه؛ اطاعت آنان در اوامر ونواهی ایشان تا آن‌گاه است که‌این اوامر ونواهی متضمن معصیت الهی نباشد زیرا برای هیچ مخلوقی در معصیت‌الله ﷻ اطاعتی نیست و چنان‌که این حکم در احادیث بسیاری از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نیز ثابت شده است. بعضی گفته‌اند: اولی‌الامر؛ اهل قرآن وفقاهت اند و یعنی: آنان که به حق امر می کنند وبه حق فتوی می‌دهند درحالی که به آن علم دارند.

ابن‌کثیر رحمه الله می فرماید: «روشن است که معنای اولی‌الامر در آیه‌کریمه عام است وعلما وامرا هر دو را شامل می‌شود والله اعلم».

﴿ يَرۡفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ دَرَجَٰتٖۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ﴾ (المجادلة: ۱۱)

«الله کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند وکسانی را که علم داده شده‌اند به درجاتی رفعت می‌دهد» یعنی: الله ﷻ کسانی از شما را که ایمان وعلم داده شده‌اند به درجات عالی‌ای از کرامت در

دنیا وپاداش آخرت رفعت می‌دهد؛ با فراهم کردن بهره ایشان در این دو سرا واز جمله این درجات ومراتب و بالا نشاندن وی در مجالس است.

امام احمد ومسلم روایت کرده‌اند که نافع‌بن‌عبدالحارث که والی عمر - رضی الله عنه - در مکه بود و با عمر - رضی الله عنه - در عسفان ملاقات کرد. عمر - رضی الله عنه - به وی فرمود: چه کسی را بر اهل وادی جانشین خویش کرده‌ای؟ او پاسخ داد: ابن ابزی را که مردی از بزرگان آزاده شده ما است. عمر - رضی الله عنه - فرمود: آیا برده آزاد شده‌ای را بر ایشان جانشین کرده‌ای؟ نافع پاسخ داد: ای امیرالمؤمنین! آخر او قاری کتاب الله ﷻ است و عالم به فرایض است و قاضی است! عمر - رضی الله عنه - فرمود: آری! راست گفتی! این پیامبر شما صلی الله علیه وآله وسلم بود که در این حدیث شریف فرمود: «إِنَّ اللهَ یَرْفَعُ بِهَذَا الْکِتَابِ أَقْوَامًا و وَیَضَعُ بِهِ آخَرِینَ» . (مسلم)

«بی‌گمان الله ﷻ قومی را به وسیله این کتاب رفعت می‌دهد ودیگرانی را پست می گرداند».

همچنین در حدیث شریف به روایت عثمان - رضی الله عنه - آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «**یَشْفَعُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ ثَلَاثَةٌ: الْأَنْبِیَاءُ و ثُمَّ الْعُلَمَاءُ و ثُمَّ الشُّهَدَاءُ**» (ابن ماجه)

«در روز قیامت سه گروه شفاعت می کنند: انبیا و سپس علما و سپس شهداء».

از ابن‌عباس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «سلیمان علیه السلام در میان علم ومال وملك مخیر ساخته شد؛ پس علم را اختیار کرد وبه سبب علم؛ مال وملك هم به وی داده شد».

ومی فرماید:

﴿ شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَأُو۟لُوا۟ ٱلْعِلْمِ قَآئِمًۢا بِٱلْقِسْطِ ۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ ﴾

(آل عمران: ۱۸)

«گواهی داد الله» یعنی: بیان کرد واعلام داشت وآگاهی داد؛ با آیات تکوینی وتشریعی وحجتهای روشن خود «که جز او هیچ معبودی نیست» پس حق تعالی با آنچه که بیان کرده وآنچه که آفریده و ما را به‌سوی وحدانیت خویش واین که فقط او معبود بر حق است و راهنمایی کرده است «و فرشتگان» نیز گواهی‌می‌دهند و که گواهی آنها و اقرار به وحدانیت الله ﷻ است «و صاحبان دانش» نیز گواهی می‌دهند.

گواهی آنان به معنی ایمانشان به وحدانیت الله ﷻ وبیان این حقیقت به مردم با زبان است. ودر این که الله ﷻ نام علما را با نام خود ونام فرشتگان خویش مقرون ساخته و فضیلتی بزرگ وفخر وشرفی سترگ برای اهل‌علم است.

از زبیربن عوام - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از رسول الله صلی الله علیه وسلم در عرفه شنیدم که این آیه کریمه را تلاوت کردند و سپس در این حدیث شریف فرمودند: «ای پروردگارم! من نیز بر این حقیقت از گواهان هستم». «همواره به عدل قیام‌دارد» یعنی: الله ﷻ در تمام امور به عدل قیام دارد و یا همواره برپادارنده عدل وداد است «جز او که توانا وحکیم است و هیچ معبودی نیست»

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العَالِمِيْنَ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَىَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ و وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلَىَ يَوْمِ الدِّيْنِ.

أمّا بعد:

برادران وخواهران مسلمان!

بخاری ومسلم از معاویه رضی الله عنه روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«مَنْ يُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهُّ فِى الدِّينِ» (۱)

«کسیکه الله برای او خیری بخواهد و در دین دانایش می کند».

ابن منیر رحمه الله همچنانکه ابن حجر رحمه الله از او نقل می کند می فرماید "کسیکه الله در دین دانایش نکند برایش خیری نخواسته است"

ابو درداء رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت می کند که فرمودند:

«فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ و كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ و وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ و وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَارًا و وَلَا دِرْهَمًا وَرَّثُوا الْعِلْمَ و فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحَظٍّ وَافِرٍ» (۲)

«برتری عالم نسبت به عابد همانند برتری ماه شب چهارده بر سایر ستارگان است و علما وارث پیامبرانند وپیامبران دینار ودرهمی را از خود به ارث نگذاشته اند و تنها چیزی که از خود به ارث گذاشته اند علم است و پس کسیکه آن را بچنگ آورد بهره فراوان برده است".

واز جمله عقائد اهل سنت وجماعت همچنانکه شیخ عبدالرحمن بن سعدی رحمت الله علیه می فرماید: پرستش الله متعال بوسیله احترام علماست یعنی اهل سنت وجماعت با احترام وبزرگداشت علما به الله عزوجل تقرب می جویند.

حسن بصری رحمه الله می فرماید: می گفتند: مرگ عالم شکافی در اسلام بوجود می آورد که هر چه زمان بگذرد چیزی آن را پر نمی کند. اوزاعی رحمه الله می فرماید: از نظر ما و مردم در علما خلاصه می شوند. سفیان ثوری رحمه الله می فرماید: بودن یک فقیه بر قله کوهی خود یک جمعیتیست.

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند:

«مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ و وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ و وَإِنَّ الْعَالِمَ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ و وَمَنْ فِي الْأَرْضِ و وَالْحِيتَانُ فِي جَوْفِ الْمَاءِ و وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ و كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ» (سنن ابی داود)

«آنکه در راهی رود که در آن طلب علم کند و الله برایش راهی را بسوی بهشت آسان می کند. وهمانا فرشتگان بواسطه ی رضایتی که از کارش دارند و بالهای خود را برای طالب علم می گسترانند وهمۀ کسانی که در زمین وآسمان اند و حتی ماهی ها در آب برای عالم آمرزش می طلبند وفضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت ماه شب چهارده بر دیگر ستاره هاست»

(۱) روایت ابوداود و ترمذی ودارمی و درجۀ حدیث: حسن

(۲) روایت ابوداود و ترمذی ودارمی و درجۀ حدیث: حسن

همچنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه می فرماید: «یک عالم برتر است از روزه دار شب بیدار مجاهد و وبا مرگ یک عالم در اسلام شکافی افتد که جز با جانشینی از وی پر نمی گردد» و از غرور وخودپسندی نمی باشد و که الله جل جلاله در لوح محفوظ نگاشته است که: نابودی این دنیا وویرانی آن بسته به مرگ علمای ان است.

برای همین پیامبر الله صلی الله علیه وآله وسلم و چنانچه در صحیحین بیان شده است و می فرماید:

«إِنَّ اللّٰهَ لاَ يَقْبِضُ الْعِلْمَ انْتِزَاعًا يَنْتَزِعُهُ مِنَ الْعِبَادِ و وَلَكِنْ يَقْبِضُ الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ و حَتَّى إِذَا لَمْ يُبْقِ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُءُوسًا جُهَّالاً و فَسُئِلُوا فَأَفْتَوْا بِغَيْرِ عِلْمٍ و فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا» (بخاری)

«الله علم را از سینه ی بندگان خود محو نمی کند و بلکه باً وفات علما آنرا از بین می برد و ووقتی که علما از بین رفتند و مردم و جاهلان را رهبر خود قرار می دهند ومسائل خود را از آنها می پرسند. رهبرانشان نیز از روی جهالت و فتوا می دهند که هم خود گمراه میشوند وهم دیگران را به گمراهی می کشند».

این آیات واحادیث وسخنان ماندگار بیان کننده جایگاه بزرگ ودرجات بلندیست که علما از آن برخوردارند و در نتیجه واجب است که مردم با رعایت احترام و بزرگداشت و قدر دانی وحفظ حرمت علما منزلت آنها را پاس بدارند. الله متعال می فرماید:

﴿ ذَٰلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُۥ ﴾ (الحج: ۳۰)

«هر کس حرمات الهی را بزرگ دارد و نزد پروردگارش برایش بهتر است»

ومی فرماید: ﴿ ذَٰلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى ٱلْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾ ﴾ (الحج: ۳۲)

«هرکس شعائر الله را بزرگ دارد و این کار نشانه پرهیزگاری دلهاست».

وشعیره همچنانکه علما گفته اند هر چیزیست که الله متعال فضیلت آن را اعلام و وامر به احترام آن کرده است و وتردیدی نیست که علما به دلالت آیات ونصوص گذشته در درجه اول شامل آنچه را که الله متعال فضیلت آن را اعلام و وامر به احترام آن کرده است می شوند. پس ناسزا گفتن به علماء واذیت آنها کوتاهی در احترام شعائر الله است و وچه رساست سخن یکی از دانشمندان که می گوید:

"ریختن آبروی علماء انسان را برسر گودالی ازگودالهای جهنم قرارمی دهد" از دلائلی که گویای خطرناک بودن آزار علمای امت است حدیثی است که بخاری آن را از ابو هریره رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ»

«الله عزوجل در حدیث قدسی می فرماید: کسیکه با یکی از اولیای من دشمنی ورزد با او وارد جنگ می شوم».

برادران وخواهران گرامی: همه ما می دانیم که اگر سود خوار و دست از جرم بزرگ سودخواری نکشد وتوبه نکند الله متعال با او وارد جنگ می شود و همه این را درک کرده ایم و اما آیا این را نیز می دانیم که هر کس اولیاء الله را بیازارد با الله وارد جنگ شده است و چنانکه حدیث سابق

بیان کننده این مسئله بود.

آیا زمانی که خواستیم درمورد یکی از علما سخن برانیم این هشدار شدید را بخاطر می آوریم؟ خطیب بغدادی رحمه الله از ابی حنیفه وشافعی رحمت الله علیهما روایت می کند که فرمودند: " اگر فقهاء اولیاءالله نباشند دیگر ولی اللهی وجود ندارد " شافعی می فرماید: "فقهای درستکار" یعنی منظور ازفقهاء و علمای درستکارند .ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: "کسیکه فقیهی را بیازارد پیامبر الله صلی الله علیه وآله وسلم را آزرده است وکسیکه پیامبر الله را بیازارد الله عزوجل را آزرده است "

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ۵۶) و اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

اهمیت توکل

خطبه اول

الحمد لله الذي خص المتوكلين من عباده المؤمنين بالرعاية والصلاة والسلام علي خير من دلنا علي طريق الخير والسعادة علي آله وصحبه المتوكلون الأخيار الأبرار ومن تبعهم وانتهج نهجهم حتى قيام الساعة.

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

«ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.برادران گرامی! این هفته درباره توکل سخن خواهیم گفت. توکل یعنی اعتماد واطمینان قلبی انسان به الله متعال در همه امور خویش وبیزاری از هر قدرتی غیر او به تعبیری دیگر یکی از مظاهر ایمان که در زندگی هر مسلمان جایگاه ویژه ای دارد «اصل توکل» است .

الله یکتا وذوالجلال والله یگانه وفقط دارای صفات کمال در کتاب عزیزش می فرماید:

﴿ وَلِلَّهِ غَيۡبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَإِلَيۡهِ يُرۡجَعُ ٱلۡأَمۡرُ كُلُّهُۥ فَٱعۡبُدۡهُ وَتَوَكَّلۡ عَلَيۡهِۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ١٢٣ ﴾ (هود: ١٢)

«و (آگاهی از) غیب آسمانها و زمین و از آن الله است و وهمه ی کارها به سوی او باز گردانده می شود و پس او را بپرست وبر او توکل کن و وپروردگارت از آنچه می کنید؛ (هرگز) غافل نیست».

پس حقیقت توکل این است که انسان در تمام امور خود را به الله متعال ویگانه بسپارد به تعبیر امام فخرالدین رازی رحمت الله علیه توکل این است: انسان تمام امور خود را به ذاتی بسپارد که مالک امر اوست وبر سود وزیان او قادر است.

«تفويض الرجل أمره إلى من يملك أمره ويقدر على نفعه وضرره».

پس معنای توکل این است که انسان یقین کند به اینکه سود وزیان وبخشش وحرمان به دست مردم نیست وباید از آنها نا امید بود واگر بنده ای به این مرتبه از معرفت برسد که جز برای الله کاری انجام ندهد وجز او به کسی امیدوار نباشد واز غیر او نهراسد وغیر از الله چشم طمع به کسی نداشته باشد و این همان «توکل» است.

یکی از معروفترین مجالهایی که توکل انسان به محک تجربه گذاشته می شود مجال کسب رزق وروزی است چونکه رزق وروزی وقوت لا یموت برای هر مخلوق زنده و بزرگترین مشغله ودغدغه ذهنی روزمره است این نیاز وغریزی طبیعی هر انسان است والله متعال انسان را به گونه ای نیازمند روزی آفریده که بدون آب ونان زنده نمی ماند.

لذا هر روز صبح تمام انسانهای روی زمین به نوعی در فکر کسب روزی بر می آیند کشاورز

وتاجر وبازاری وصنعتگر وکارمند وکارگر وخلاصه هر کس به وسیله ای که الله متعال برایش مقدر ومیسر نموده در پی کسب روزی بیرون می رود وبا توجه به مسئولیت های اجتماعی وتعهد در برابر همسر وفرزند غیره این احساس وانگیزه قویتر می شود وانسان خود را مجبور می داند که باید برای امرار معاش خود وزیر دستانش بیشتر تلاش کند.

اینجاست که بعضی انسانهای ضعیف النفس به بهانه کسب روزی از راه راست منحرف می شود بویژه اینکه وقتی خود را ضعیف وناتوان می بیند واحساس می کند به پشتوانه وهمکار ومددگار نیازمند است راه انحراف را می پیماید.

اما اسلام که دستور زندگی همه ما را روشن وآشکار معرفی نموده برای ا ینکه از کجی وانحراف انسان جلوگیری کند راه حلهایی را پیش رویش گذاشته که هیچگاه احساس نکند تنهاست در هر مرحله وسر هر پیچ زندگی به انسان کمک مومن کمک می کند که از سقوط او جلوگیری نماید.

پس برای نجات از سقوط وانحراف باید به دین الله متعال پناه ببریم در حدیثی که خلیفه عدالت گستر بی همتای تاریخ بشریت(پس ازپیامبران علیهم السلام)امیرالمومنین عمر فاروق رضی الله عنه می فرماید از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که می فرمودند: «لو أنكم تتوكلون على الله حق توكله لرزقكم كما يرزق الطير تغدوا خماسا وتروح بطانا»

«اگر شما چنانکه حق وشایسته است بر الله توکل کنید چنان به شما روزی خواهد داد که به پرندگان روزی می دهد که صبح گرسنه از لانه خود بیرون می روند وشامگاهان با شکم سیر باز می گردند».

آری برادران مسلمان! ما باید در تمام امور زندگی به الله یگانه توکل کنیم زیرا که این دستور پروردگار متعال است که می فرماید:

﴿ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْحَيِّ ٱلَّذِى لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِۦ ۚ وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾ ﴾ (الفرقان: ۵۸)

«و بر ذات زنده ای توکل کن که هرگز نمی میرد؛ و وبه ستایش او تسبیح گوی و وهمین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است».

پس توکل به ذاتی باید نمود که همیشه زنده است وهرگز نمی میرد وذاتی که غالب ومهربان است:

﴿ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾ ﴾ (الشعراء: ۲۱۷)

«و بر الله پیروزمند مهربان توکل کن».

﴿ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ﴿٣﴾ ﴾ (الأحزاب: ۳)

«و بر الله توکل کن و والله (به عنوان) کارساز(و مدافع) بسنده است»

در باب فضل توکل در صحیحین آمده است که رسول گرامی مان صلی الله وعلیه وآله وسلم در باره هفتاد هزار نفری که بدون حساب وکتاب وارد بهشت می شوند فرمودند:

«هُمُ الَّذِينَ لا يَسْتَرْقُونَ و وَلا يَتَطَيَّرُونَ و وَلا يَكْتَوُونَ و وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (صحیح بخاری: ۵۷۰۵)

«آنها کسانی هستند که تعویذ (دم) نمی بندند و فال نمی گیرند و داغ نمی کنند وبه پروردگارشان

و توکل می نمایند».

اگر انسان بر الله سبحان و توکل داشته باشد اراده اش قوی وعزمش راسخ می گردد وموانع ومزاحمات روحی در برابر آن خنثی خواهد شد و زیرا انسان در مقام توکل با مسبب الاسباب پیوند می خورد وبا چنین پیوندی دیگر جایی برای نگرانی وتشویش خاطر باقی نمی ماند وبا قاطعیت با موانع دست وپنجه نرم می کند تا به مقصود برسد .

یک نکته دیگر در مورد توکل و بعد غیبی وماورایی آن است یعنی الله متعال و شخص متوکل را با امدادهای غیبی مدد می رساند که این امدادها ازحوصله یا اسباب عادی وطبیعی فراتر ودر ردیف ما فوق مادی قراردارد.

وقتی انسان با اعتماد واطمینان قلبی به الله متعال در همه ی امور خویش و از هر قدرتی غیر او بیزاری جسته که تحقق این حالت در انسان متوقف است بر ایمان ویقین وقوت قلب. به این معنا که هیچ قوت وقدرتی جدا از الله متعال در کار عالم وآدم اثر گذار نمی باشد وهمه ی علل واسباب مقهود قدرت الهی اند وتحت اراده ی او عمل می کنند این خود در واقع مر تبه ای از مراتب توحید می باشد پس ریشه واساس توحید «توکل »است وجز باحصول توحید شکل نمی گیرد.

پس توکل یعنی صدق اعتماد قلب بر الله متعال در جلب مصالح ودفع مضرات .

امام ابن قیم جوزی رحمت الله علیه می فرماید: توکل نصف ایمان است ونصف دیگر آن انابت است.

سعید ابن جبیر رحمت الله علیه می فرماید: التوکل علی الله جماع الایمان «توکل بر الله خلاصه ایمان است»

پس باید باور ویقین کامل داشته باشیم که با وجود استفاده از اسباب وامکانات مادی در این جهان جز اراده وقدرت الله متعال هیچ چیز دیگری تأثیر گذار نیست آنچه که در آتش تأثیر سوزاندن ودر گلوله تأثیر کشتن ودر باد وباران وطوفان تأثیر خراب کردن و در غذا تأثیر سیر کردن می گذارد فقط ذات متعال ویگانه ویکتای پروردگار است وجز او قدرت واراده او هیچ چیز دیگری نمی تواند تأثیر مستقل داشته باشد.

و الا چقدر زیادند همسرانی که همان راه معمول را طی می کنند اما فرزند دار نمی شوند وچقدر زیادند بیمارانی که همان دارو را می خورند اما شفا نمی یابند!

پس این ایمان وتوکل است که انسان را به این یقین وقناعت می رساند که اسباب فقط نقش اسباب را دارند ونه بیش از آن وتأثیر در اسباب فقط کار الله متعال است که خالق وآفریدگار ومؤثر در اسباب است.

بارالها یقین وایمان وباور وتوکل کامل عنایت بفرما.

بارك الله لي ولكم ولسائر المسلمين ونفعني وإياكم بالآيات والذكر الحكيم والحمد لله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمد لله الذي جعلنا مفتقرين إليه سبحانه فلا نحتاج الي غيره والصلاة والسلام علي من دربنا علي التوكل والافتقار الي الله تعالي وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان الي يوم الدين.

و بعد:

برادران ایمانی! توکل این نیست که انسان از استفاده از اسباب مادی دست بکشد بلکه کمال توکل این است که از اسباب با این یقین وباور کار بگیرد که این اسباب وامکانات مادی هیچ تأثیر مستقلی ندارند آنکه در این اسباب تأثر قرار می دهد ذات گرامی الله متعال است زیرا که خالق وآفریدگار اسباب ذات گرامی او تعالی است.

این حقیقتی است که پیامبر محبوبمان صلی الله علیه وآله وسلم به صحابه گرامی وسایر امت آموخته اند .

حسن بصری رحمت الله علیه می فرماید: «التوکل لا ینافی السعی فی الاسباب» یعنی توکل منافی تلاش در استفاده از اسباب نیست.

سعدی شیرین سخن می فرماید:

که گر چه مرغ توکل کند به دانه وآب به دست خود ز برای خود آشیانه کند

و به تعبیر بعضی علماء:

لیکن عملك هنا ونظرك فی السماء. باید کارت اینجا ونگاهت به آسمان باشد.

از أنس بن مالك – رضی الله عنه – روایت است که شخصی عرض کرد : **یا رسول الله أعقلها وأتوكل و أو أطلقها وأتوكل ؟ قال : «اعقلها وتوكل»** آیا شتر مرا ببندم وتوکل کنم یا رها کنم وتوکل نمایم فرمودند: أعقلها وتوکل. ببند وتوکل کن. رواه الترمذی وحسنه الألبانی

شاعر می فرماید:

گفت آری گر توکل رهبرست این سبب هم سنت پیغمبرست

گفت پیغامبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند

رمز الکاسب حبیب الله شنو از توکل در سبب کاهل مشو

الله متعال می فرماید: ﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ خُذُواْ حِذۡرَكُمۡ ﴾ (النساء: ۷۱)

«ای مؤمنان! محتاط ومواظب باشید»

همچنین می فرماید: ﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٍ ﴾ (الأنفال: ۶۰)

«وآنچه از نیرو درتوان دارید؛ برای (مقابله با) آنها آماده کنید»

توکل همان درسی بود که صحابه بزرگوار رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عملا آموختند وتطبیق کردند صبح روز بعد از غزوه احد که صحابه به سوی حمراء الاسد حرکت کردند تا با همان حالت خستگی وکوفتگی جنگ وبعضی ها زخمی مجددا بدستور الله متعال به نبرد مشرکین بروند شیطان آمد ووسوسه شروع کرد که دشمن زیاد است وقوی است وغیره صحابه که ایمتنشان همچون فولاد بود گفتند تنها الله برای ما کافی است:

﴿ ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ فَٱخۡشَوۡهُمۡ فَزَادَهُمۡ إِيمَـٰنًا وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾ فَٱنقَلَبُواْ بِنِعۡمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٍ لَّمۡ يَمۡسَسۡهُمۡ سُوٓءٌ وَٱتَّبَعُواْ رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾ ﴾

(آل عمران: ۱۷۳ – ۱۷۴)

«آن کسانی که (بعضی) مردم بدیشان گفتند: مردمان بر ضد شما گرد یگدیگر فراهم آمده اند و پس از ایشان بترسید؛ ولی (چنین تهدید) بر ایمان شان افزود وگفتند: الله ما را بس واو بهترین حامی وسر پرست است* سپس آنان با نعمت بزرگ وفضل ومرحمت الله برگشتند و وحال آن که هیچ گونه آسیبی بدیشان نرسید ورضایت الله را خواستند والله دارای فضل وکرم بسیاریست.»

آری معنی ومقتضای توکل همین است که فقط الله یگانه ویکتا برای بندگانش کافی است:

﴿ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُۥ ۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ ۚ ﴾ (الزمر: ٣٦)

«آیا الله برای(حفاظت وحمایت از) بنده اش کافی نیست؟آنان ترا از کسانی جز الله می ترسانند»

در باب عقیده لازم است که هر مسلمان باور ویقین کامل داشته باشد که الله متعال ویگانه تنها ذاتی است که می تواند در این جهان تصرف کند ولذا هر مسلمانی باید خود را وتمام امور خود را فقط به او تعالی بسپارد وتنها از کمک بخواهد وتنها به او توکل کند وسعی کند که به دام دجالان ودشمنان دین ودنیای مردم نیفتد وفریب آنها را نخورد.

الله قادر وتوانا می فرماید:

﴿ وَإِن يَمْسَسْكَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَآدَّ لِفَضْلِهِۦ ۚ يُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ ۚ وَهُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾ ﴾ (یونس: ١٠٧)

«و اگر الله زیانی به تو برساند و پس جز او هیچ کس نتواند آن را بر طرف کند و واگر اراده ی خیری برای تو کند و پس هیچ کس فضل او را باز نتواند داشت و به هرکس از بندگانش که بخواهد می رساند واو آمرزنده ی مهربان است»

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ ۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ صَلُّوا۟ عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾ ﴾

(الأحزاب: ٥٦)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد ». اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما صليت على آل إبراهيم وبارك على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد .»

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

زن مسلمان

خطبه اول :

الحمد لله الذي شرع الشرائع فأحكمها و وسن الأحكام وسلمها.. الحمد لله الذي أكرم الإنسان عن طبائع الحيوان و وأعطى كل مخلوق حقه وما يصلح له من غير زيادة ولا نقصان.. أكرم النساء بالعفاف و وأوجب على الرجال صيانتهن والإنفاق عليهن بالكفاف و حماهن من التبرج والسفور و ورفعهن عن عهر الفاحشة والغرور.. وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له « أمر أن لا تعبدوا إلا إياه ذلك الدين القيم ولكن أكثر الناس لا يعلمون ». وأشهد أن محمداً عبده ورسوله المبعوث رحمة للناس بشيراً ونذيراً و لتطيعوه وتتبعوه لعلكم تفلحون و صلى الله وسلم عليه وعلى آله وأصحابه وسلم تسليماً. أما بعد:

برادران وخواهران گرامی یکی از مهمترین قواعد دین مبین اسلام که مشروعیت بسیاری از احکام وقوانین این دین مبنی وبرگرفته از آن است و "سد ذریعه" می باشد. سد ذریعه یعنی بستن هر راهی که به فتنه وفساد وضرر وديگر محرمات شرعی منتهی می شود.

وپایه گذاری چنین اصل وقاعده ای در دین اسلام نشان از شمولیت این دین ورحمت الله متعال بر بندگانش دارد. همانگونه که میدانیم متاسفانه امروزه در بسیاری از سرزمینهای اسلامی وشاید تمامی آنها بدحجابی وبی حجابی واختلاط بین زن ومرد که دراصل امری حرام وناجایز است و مساله ای عادی ودر بعضی از جوامع مسلمان به یک هنجار وارزش تبدیل شده است وهر که با این امر به مخالفت ومبارزه بپردازد او را متحجر وعقب مانده می نامند.

برادران عزیز! مسئله زنان به مرور زمان تبدیل به مشکل بزرگی شده است که هرگز نمی توان در مقابل آن سکوت کرده یا از آن چشم پوشید. چون اگر امور به همین منوال ادامه پیدا کند و عواقب وخیمی در بر خواهد داشت که همه مردم قربانی آن خواهند شد. آیا کسانی که در مقابل خانواده ها وشهر ودیار خود مسئول اند به فکر می افتند؟ آیا آنان نمی دانند که لا اقل مسئولیت خانواده خود را بعهده دارند؟ آیا این شخص نمی تواند زن و دختر و خواهر و ونزدیکانش را همانند مردان انصار در هنگام نزول سوره نور نصیحت کند؟ آیا این مرد نمی تواند از خروج زن خود مگر در صورت ضرورت ممانعت کند؟ آیا او نمی تواند در صورت خروج اضطراری زنان آنان را از آرایش وزینت واستعمال عطر منع کند؟

آیا کسی که خویشان ویا خواهر دانشجو دارد نمی تواند به آنها بگوید تا دختران دانشجوی دیگر را نصیحت نموده ودر آگاه نمودن ودعوت آنان نقشی داشته باشند وآنان را از زشتی وشر گشت وگذار در بازار و آن هم با زینت وآرایش برحذر دارند؟

پس بر ماست که تقوای الله را پیشه کنیم ودست انسانهای گمراه ومنحرف را گرفته وآنها را با حکمت ومحبت به راه راست هدایت وراهنمایی نماییم تا اینکه مبادا به سبب گناهان آنها عذاب دردناک الهی ما را نیز در برگیرد و الله متعال در این باره می فرمایند:

﴿ لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُۥدَ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوۡنَ عَن مُّنكَرٖ فَعَلُوهُۚ لَبِئۡسَ مَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ﴿٧٩﴾ ﴾ (المائدة: ٧٨ - ٧٩)

ترجمه: از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داوود وعیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و[از فرمان الله] تجاوز می کردند (۷۸) [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند یکدیگر را بازنمی‌داشتند راستی چه بد بود آنچه می کردند (۷۹)

و رسول الله_صلی الله علیه و آله وصحبه وسلم_در حدیث صحیح وجوب نهی از منکر وچگونگی آن را برای ما بیان میدارد.

عن أبی سعید الخدری رضی الله عنه قال : سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول : (**من رأى منكم منكرا فليغيره بيده و فإن لم يستطع فبلسانه و فإن لم يستطع فبقلبه و وذلك أضعف الإيمان**) رواه مسلم .

ابوسعید خدری روایت می کند که رسول الله _صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم_ فرمودند : هریک از شما هنگامیکه منکری (کار ناجایز وناپسندی) را دید ابتدا _اگر در توان وی بود_ با دست خود آن را تغییر دهد واگر نتوانست با زبان خود واگر _با زبان هم_ نتوانست پس با قلبش _آن منکر را نکوهش کند_ واین (انکار باقلب) پایین ترین درجه ایمان است.

همه این امور در صورتی که شخص و پروردگار خود ورسول وی را تصدیق نموده ونیت خود را خالص وعزم خود را جزم نماید نه تنها امکان پذیر بلکه بسیار نیز آسان است.

برادران عزیز! گوشه ای از توجیهات الله سبحان ورسول او (صلی الله علیه وسلم) در این باره را برای شما بیان می کنم تا به اهمیت موضوع بیشتر پی ببریم.

الله میفرماید: ﴿ وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا ﴿٣٦﴾ ﴾ (الأحزاب: ٣٦)

ترجمه : «و هیچ مرد وزن مؤمنی در کاری که الله ورسول او حکم دهند اختیار واراده ای ندارند وهرکس نافرمانی الله ورسول او را بکند به گمراهی سختی دچار شده است».

در آیه دیگری الله متعال می فرمایند: ﴿ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَۚ وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقٗا ﴿٦٩﴾ ﴾ (النساء: ٦٩)

ترجمه: وآنکه الله ورسول او را اطاعت کند پس با کسانیکه الله به آنها نعمت فراوانی داده یعنی پیامبران و صدیقان و شهداء وصالحین محشور خواهد شد وچه نیکو رفیقانی هستند آنان».

الله متعال در سوره مبارکه نور که بسیاری از احکام زنان وخانواده در این سوره بیان شده است می فرمایند:

﴿ قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ ﴿٣٠﴾ وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ وَلۡيَضۡرِبۡنَ

﴿بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآئِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوۡ نِسَآئِهِنَّ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ مِنَ ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ عَلَىٰ عَوۡرَٰتِ ٱلنِّسَآءِۖ وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّۚ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣١﴾

(النور: ٣٠ – ٣١)

ترجمه: «مردان مؤمن را بگو تا چشمانشان را از نگاه ناروا بپوشند وفروج (شرمگاهای) خود را حفظ کنند که این برای پاکیزگی آنها بهتر است وبراستی الله بر آنچه آنها انجام می دهند آگاه است. وبه زنان مؤمنه بگو تا چشمان شان را از نگاه ناروا بپوشند وفروج (شرمگاهای) خود را حفظ کنند وزینت وآرایش خود را جز آنچه قهرا ظاهر می شود بر بیگانه آشکار نسازند. وباید سر وسینه خود را به خمار بپوشانند وزینت وجمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود وپدران خود وپدران شوهر وپسران خود وپسران شوهر وبرادران خود وپسران برادران خود وپسران خواهران خود وزنان مسلمان وکنیزان خود وخدمتکاران مردی که به زنان میلی ندارند (خاجه_خنثی) ویا طفلی که هنوز بر عورت ومحارم زن آگاه نیست. وپای بر زمین محکم نزنند که زینت پنهان آنان آشکار شود وهمه به درگاه الله توبه کنید باشد که رستگار گردید».

برادران نمازگزار اینها توجیهات اسلام بود و حال ببینیم که راه وروش اهل اسلام یعنی گذشتگان نیك ما و سلف صالح امت و امهات المومنین وزنهای صحابه چگونه است.

ام سلمه رضی الله عنها می فرماید: «هنگامی که این آیه نازل ﴿يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ٥٩﴾ (الأحزاب: ٥٩)

زنان انصار بگونه ای خارج می شدند گوئی که بر سر آنها کلاغ نشسته است که نشانه سکینه وآرامش کامل بود. وهمه تنپوشی سیاه به تن داشتند».

و عائشه رضی الله عنها می فرماید: «هرگز همانند زنان انصار کسی را ندیده ام که اینگونه کتاب الله را تصدیق نموده وبه تنزیل آیات آن مؤمن باشند. هنگامی که این آیه سوره نور نازل شد:

﴿وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ﴾ (النور: ٣١)

هر مردی بسوی همسر ودختر وخواهر وخویشاوندان خود روانه شد واین آیات را بر آنها تلاوت کرد. وهرکدام بلافاصله با شنیدن این آیات پارچه ای را که در اختیار داشت بدور خود پیچید که نشانگر تصدیق وایمان آنان به آیات منزله در کتاب الله بود».

آیا نباید این توجیهات اسلامی را با جان ودل در آغوش کشید واز راه وروش اهل اسلام عبرت گرفت؟ آیا نباید تقوای الله را پیشه کرد؟ آیا نباید علل کجروی بسیاری از زنان وانحراف آنان از راه وروش اهل اسلام را دریافت وآنان را به اصلاح سلوك وسیر بر صراط المستقیم الهی ملزم نمود؟

ودر نتیجه آنگاه است که اجتماع ما می تواند در مردان وزنان خود ودر عبادتها واخلاق خود و یك اجتماع اسلامی باشد. ومبادا آنان که به الله وروز قیامت ایمان ندارند شما را به این رفتار

وكردار خود مغرور سازند. وباید دانست که این آرایش وتزین ولباسهای کوتاه وتنگ به تقلید از آنان ساخته شده است.

برادران عزیزم دشمنان من و شما بخوبی می دانند که اگر ما را به صراحت به کفر دعوت کنند و هرگز کافر نمی شویم و نیز اگر ما را به شرک دعوت کنند و به هیچ عنوان مشرک نخواهیم شد. پس آنان از راه دیگری وارد شده اند و ومی خواهند اخلاق ودین ما را به روشهای مختلف نابود کنند که یکی از این روشها همان (محقرات الذنوب) یا گناهان کوچك میباشند. آری آنان این گناهان را در چشمان ما کوچك جلوه داده وما نیز آنان را کوچك شمرده وبه انجام آن تن در می دهیم وبالآخره همین گناهان اند که انسان را راهی آتش می کنند.

پس خطاب به خواهر مسلمانم میگویم و خواهرم! تو بایستی بصورتی شایسته به حجاب ولباست اهمیت بدی وبرای خود شخصیتی اسلامی داشته باشی. تو بایستی که در بذل جان ومال به خدیجه و در فقه دین به عائشه و ودر صبر وشهادت به سمیه اقتدا کنی.

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله على إحسانه والشكر له على توفيقه وامتنانه و وأشهد أن لا إله إلا ا لله وحده لا شريك له تعظيماً لشأنه و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله الداعي إلى رضوانه صلى الله عليه وعلى آله وصحبه وإخوانه وسلم تسليماً كثيراً.. ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين و أما بعد:

ای کسانی که ایمان آورده اید و تقوای الله را پیشه نمایید ودر رساندن دستورات وراهکارهای شرعی به اهل وخانواده خود کوتاهی نکنید که در پیشگاه الله متعال از من وشما یقینا در مورد آنها سئوال خواهد شد. به همین سبب بر تمامی ما چه مرد وچه زن واجب است که کیفیت حجاب وپوشش شرعی زن را بدانیم تا با علم به این فرمان الهی در انجام ورساندن آن کوتاهی ننماییم.

برادران عزیز اوصاف وویژگی حجاب اسلامی بدین گونه است:

الف: حجاب بایستی همه بدن را ستر کند. چون الله متعال می فرماید:

﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ﴿٥٩﴾﴾ (الأحزاب: ٥٩) وجلباب همان لباس بلندی است که همه بدن را ستر می کند وإدناء به معنای رها ساختن وکشیدن است. در نتیجه حجاب شرعی همه بدن را می پوشاند.

ب- حجاب باید ضخیم وکلفت بوده ورقیق وشفاف نباشد. چون غرض از حجاب همان ستر است. در نتیجه هنگامی که لباسی بدن را ستر نکند حجاب خوانده نمی شود. چون این لباس جلوی رؤیت را نگرفته وحجابی در مقابل انظار محسوب نمی شود.

ج- این لباس بخودی خود نباید زینتی بوده ودارای رنگهای جذابی باشد که انظار را بخود جلب کند.

چون الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَاۖ﴾(النور: ٣١) ومعنی: (ما ظهر منها) آن است که بدون قصد وعمد باشد. پس اگر خود این لباس زینت باشد نمی توان آن را پوشیده وحجاب نیز خوانده نمی شود. چون حجاب آن است که از ظاهر شدن زینت در مقابل

اجانب جلوگیری کند.
د- حجاب باید وسیع بوده وتنگ نباشد تا پستی وبرآمدگیهای بدن واماکن فتنه در آن را مجسم نکند.
ه- لباس زن باید معطر نباشد تا سبب جلب مردان نشود: وحضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «الْمَرْأَةُ إِذَا اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ بِالْمَجْلِسِ فَهِيَ كَذَا وَكَذَا يَعْنِي زَانِيَةً». رواه أصحاب السنن وقال الترمذی: حسن صحیح.
ترجمه: «اگر زنی خود را به عطر آلوده وبر مجلسی بگذرد پس او اینگونه واینگونه است. یعنی زناکار».
و در روایت دیگر: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجِدُوا مِنْ رِيحِهَا فَهِيَ زَانِيَةٌ». (رواه النسائی وحسنه الآلبانی)
ترجمه: «هر زنی که خود را به عطر بیالاید وبر گروهی بگذرد تا بوی آن را به مشام بشنوند و آن زن زناکار است». زیرا گویا وی با این عمل خود مردان بیگانه را به زنا وبی بند وباری می کشاند.
و- در لباس نباید هیچ تشابهی به لباس مردان وجود داشته باشد. چون در حدیث ابی هریرهٔ (رضی الله عنه) اینگونه آمده است که
«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ وَالْمَرْأَةَ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ».
ترجمه: رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) مردی را که لباس زنان پوشیده وزنی که لباس مردان را بپوشد لعنت نموده است. (این حدیث را ابوداود ونسائی وامام احمد روایت کرده اند).
و در حدیث بخاری از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که رسول الله _صلی الله علیه وآله_ فرمودند: «لَعَنَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُخَنَّثِينَ مِنْ الرِّجَالِ وَالْمُتَرَجِّلَاتِ مِنْ النِّسَاءِ».
ترجمه : رسول الله –صلی الله علیه وآله وسلم - مخنثین از مردان و و زنان مرد نما را لعن کرده است.
یعنی آنها که در لباس وقیافه خود همانند برخی از زنان این دور وزمانه مشابهت مردان می کنند.
و مخنثین از مردان و مردانی هستند که در لباس و تکلم ودیگر مسائل عمدا از زنان تقلید می کنند.
پس برادران عزیز! حال که دانستیم حجاب اسلامی چه ویژگیهایی دارد و هرگز نباید فریب تبلیغات ومدلهایی که دشمنان به ما پیشکش می کنند را بخوریم. وشما باید از این دو راه یکی را انتخاب کنید:
یا اینکه در دین خود استوار بوده وبا صلابت خود نیرنگ وکید دشمنان را درهم شکنید ودارای قوت وشخصیت اسلامی بوده ودنباله رو آنان نباشید وبه آنان مغرور نشده وراه ورسم نیاکان خود را بگیرید تا به خیر دنیا وآخرت نائل گردید ویا اینکه بر عکس –نسأل الله السلامهٔ- فردی باشید که در دین خود سست ودر شخصیت خود ضعیف بوده ودر مقابل هر اغوا وشهوتی ازهم بپاشد واز زیانکاران باشد:
﴿ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾ ﴾ (الزمر: ١٥)

ترجمه : «بگو براستی زیانکاران آنانی هستند که خود واهل خود را در قیامت از دست داده وبه عذاب جاودان در افتند این همان زیان آشکار است».

و رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «من تشبه بقوم فهو منهم». أخرجه البخاری فی " صحیحه " (۶ / ۱۱۵ – فتح) تعلیقاً.

ترجمه : کسی که خود را به قوم دیگری شبیه سازد و او از همان قوم است».

آری ای برادران هنگامی که ما به هرچیز جدیدی دل بسته شویم ورسوم وتقالید وارداتی دیگران را دنباله روی کنیم و بالاخره کار به جائی می رسد که در گمراهی و اخلاق و عقاید وافکار نیز مقلد آنان خواهیم شد. پس هر شخص باید حافظ عادات وتقالید اطرافیان خود باشد مگر اینکه این عادات با شریعت تضاد وتناقض داشته باشد.

وبر هر مسلمان واجب است که دین خود را عزیز شمرده وبه آن افتخار کند و وبه حدود وقوانین الله متعال ورسولش (صلی الله علیه وآله وسلم) بسنده نماید. همان قوانینی که الله متعال شایسته بندگان خود می داند واحداث هرگونه افزونی وکاستی در آن جایز نیست.

هر فرد باید امور خود را با دنباله روی کتاب الله وسنت رسولش (صلی الله علیه وآله وسلم) بنا نهاده واز ابداع ونوآوری بدور باشد. او باید زندگی خود را بر اخلاص بنا نموده واز اشراک بدور باشد. باید از قوانین محبوب رحمن تبعیت نموده واز امور محبوب شیطان برحذر باشد. وهمچنین بر فرد مسلمان واجب است که همانند پرچم جهت وزش هر بادی را دنباله نکند و وشخصیت خود را بر اساس شریعت الله سبحان پایه گذاری کند تا در دنیا وآخرت به عزت وکرامت نائل گردد.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥٦)

اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

حقوق پدر ومادر

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

ستایش از آن الهی است که فرموده است:

﴿ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًاۚ ﴾ (الإسراء: ٢٣)

«و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را میرستید وبه پدر ومادر [خود] احسان کنید».

او را سپاس می‌گویم که تمامی نعمتها از اوست وما را بی‌نیاز ساخته است و وگواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها وبی‌شریک است و آنگونه شهادتی که با آن امید نجات ورستگاری ورضوان الله ومغفرت او را داریم و وگواهی می‌دهم که پیامبر وسرور ما محمد و بنده وپیامرسان اوست که ما را به نیکی دستور داده واز بدی ونافرمانی نهی نموده است. درود وسلام الله تعالی بر وی وبر اهل بیت ویارانش باد. آنان که سمبل حق بودند ویاور نیکی...

ای مسلمانان... از خوشبختی انسان است که پدر ومادرش در کنارش باشند وچشمش با دیدن آن‌ها شاد شده وبا گرمای مهر ومحبت آنان گرما گیرد وبا نصیحت آنان بینا شود وبرکت دعای آن‌ها واجر نیکی به آن‌ها وهمراهی نیک آنان را به دست آورد.

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: مردی به نزد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آمد وگفت:

« أُبَايِعُكَ على الهجرة والجهاد و أبتَغِي الأجرَ من الله و قال: «فهل من والديك أحدٌ حَيٌّ ؟» قال: نعم و بل كلاهما حَيٌّ و قال : «فتبْتَغِي الأجرَ من الله ؟» قال: نعم! قال: «فارجع إلى وَالِدَيْكَ فأحْسِنْ صُحْبَتَهُما»[متفق علیه]

«با شما بر هجرت وجهاد بیعت می کنم واجر آن را از الله می‌خواهم. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به او فرمودند: "آیا پدر ومادرت در قید حیات هستند؟" گفت: آری و هر دو زنده هستند. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: "آیا از الله متعال اجر وپاداش می‌خواهی؟" گفت: آری. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: "پس به نزد پدر ومادرت برگرد وبا آن دو به

نیکی بمان».
ای مسلمان... همانا بدی به پدر ومادر ونافرمانی توسط پسران ودختران همان مصیبت بزرگ وبلای سهمگین وزندگی تلخ است... بدی ونافرمانی تلخی که و قصه‌ی پرغصه‌اش تمام شدنی نیست...

این گناه بزرگ وکبیره‌ای است که باعث خشم وعذاب پروردگار است. از ابوبکرهٔ رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«أَلَا أُنَبِّئُكُمْ بِأَكْبَرِ الْكَبَائِرِ؟ ثَلَاثًا قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: (الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ) وَجَلَسَ وَكَانَ مُتَّكِئًا (أَلَا وَقَوْلُ الزُّورِ) مَا زَالَ يُكَرِّرُهَا حَتَّى قُلْتُ لَيْتَهُ سَكَتَ». [متّفق علیه]

«آیا شما را به بزرگترین گناهان کبیره آگاه نکنم؟" گفتیم آری ای رسول الله. فرمود: "شرک آوردن به الله ونافرمانی وبدی نسبت به پدر ومادر"... سپس وی که تکیه داده بود نشست وفرمود: "آگاه باشید و وسخن دروغین وگواهی دروغین" پس همچنان این جمله را تکرار می‌کرد تا آنکه گفتیم کاش ساکت می شدند».

و از ابوهریرهٔ رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت است که فرمودند:

«رَغِمَ أَنفُهُ ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ ثِمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ مَنْ أَدْرَكَ أَبَوَيْهِ عِنْدَهُ الكِبَرُ أَحَدُهُما أَوْ كِلاهُما ثُمَّ لَمْ يَدْخُلِ الجَنَّةَ»

«خوار وبدبخت شد و سپس خوار وبدبخت شد و سپس خوار وبدبخت شد آن که پدر ومادر یا یکی از آن دو را در هنگام پیری درک نمود اما [به واسطه‌ی نیکی نکردن به آنان] وارد بهشت نگردید».[به روایت مسلم]

و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

"سه کس هستند که الله در روز قیامت به آنان نظر ننموده وبه بهشت داخل نمی‌شوند: ۱- آنکه نسبت به پدر ومادرش بدی ونافرمانی می کند۲- وزنی که خود را به مردان شبیه می‌سازد و۳-آنکه نسبت به ناموس خود بی غیرت است" [به روایت احمد ونسائی]

پس چه پست است آنکه در حق پدر ومادرش بدی می کند وچه بی‌ارزش است وتا چه اندازه در سفاهت وحماقت به سر می‌برد! آنگاه که والدینش به پیری رسیدند وکمر خم کردند و او در مقابل و خوبی آن‌ها را با کفران وانکار وفراموشی وقطع رابطه پاسخ گفت... وفای آنان را با جفا عوض کرد وصفا وصمیمیت‌شان را با بد دهنی...

اگر از او چیزی بخواهند بخل می ورزد واگر به او امیدی داشته باشند آنان را نا امید می کند واگر او را بخواهند حاضر نخواهد شد... پاسخشان را نمی‌دهد مگر به تندی وچیزی نمی‌دهد مگر از روی ترس وچیزی جز کلمه‌ی "بعداً" نمی‌داند.

او فراموش نموده که دستور پدر ومادر باید اطاعت شود وحق‌شان نباید پایمال گردد... پس وای به حال نافرمان... وای به حال او از آن روزی که سوار بر اسب نافرمانی وبدی نسبت به پدر ومادرش گردد ودر رکاب اهل بدی وفسق وفجور راه بیفتد... وای بر او از آن روزی که باعث گریه وآه پدر ومادر شود وآن دو را ناراحت کند وباعث خستگی وآزار آنان شده وآن دو را با

غم‌ها وغصه‌ها رها سازد...

ای آنکه در حق پدر ومادر بدی می کنی... ای آنکه حقوقی را که بر گردنت هست فراموش کرده‌ای... چطور با تندی وبی‌توجهی وکوچک شمردن وخوار کردن واین روز به آن روز انداختن با پدر ومادرت برخورد می کنی؟؟ چگونه است که زن وخانواده ودوستان وپول وثروت را بر آن‌ها مقدم می‌داری در حالی که اکنون برای خود مردی شده‌ای وآنان پس از الله به تو امید دارند واز تو انتظار نیکی واحترام ومحبت دارند.

چگونه از الله انتظار خشنودی داری در حالی که به مادر وپدرت بدی کرده‌ای؟ چطور توانسته‌ای مادرت را ترک کنی؟ چطور توانسته‌ای او را ترک کنی در حالی که او برای تو خود را از خواب محروم می کرد وبدنش را برای تو فنا کرد واز وجودش به تو شیر داد وآغوشش را منزل تو گرداند وبرای تو خستگی وسختی را تحمل کرد؟

اگر تو دچار غم واندوه شدی او نیز غمگین واندوهگین شد... تو را بر خود ترجیح داد وبرای تو آرزوی زندگی کرد حتی اگر به قیمت مرگ خودش باشد...

اکنون... اکنون که او پیر شده وبه تو نیاز دارد در نگاه تو بی‌ارزش‌ترین چیز گردیده است؟ وخوبی‌های او را به فراموشی سپرده‌ای وخوبی‌اش را انکار کرده‌ای؟ خدمت آسان او برایت سخت شد وعمر کوتاه او برایت طولانی گردید؟ او را هنگامی ترک گفتی که او بعد از الله به تو نیاز داشت ودر هنگام پیری او را از یاد بردی وسینه‌ات برایش تنگ شد واو را جام زهر نوشاندی وخود با خیال راحت خوابیدی وخودخواهانه به سرزنش دیگران هم گوش نسپردی... این بود پاداش او بعد از این همه سختی؟ حقا که تو نادانی و(کوردل)...

ابو بردهٔ روایت می کند که ابن عمر رضی الله عنهما مردی را دید که طواف کعبه می کند در حالی که مادرش را بر شانهٔ خود گذاشته است ومی گوید: من شتر رام اویم... سپس به ابن عمر رضی الله عنهما فرمود: آیا به نظر تو حقش را ادا کرده‌ام؟ ابن عمر فرمود: هرگز و نه حتی به اندازه‌ی یک نفس از نفس زدن‌های هنگام درد زایمان. [به روایت بخاری در ادب مفرد]

و از ابوهریرهٔ رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: "هیچ فرزندی حق پدرش را ادا نمی کند مگر آنکه او را در حال بردگی بیابد وسپس او را بخرد وآزاد کند". [به روایت سلم]

پس ای آنکه در حق پدر ومادرت بدی می کنی... چقدر آن‌ها کام تو را شیرین کردند وچقدر تو آنان را تلخ کام می کنی. بیا اکنون کم کاری خود را در حق آنان جبران کن که آنان تو را مدتی طولانی نگهداری کردند پس تو آنان را در این مدت کوتاه نگهداری کن.

﴿ وَقُل رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرٗا ٢٤ ﴾ (اسراء: ۲۴)

«و بگو پروردگارا آن دو را مورد رحمت قرار ده همانطور که مرا در کودکی تربیت نمودند».

با آنان مهربان ونرم‌خو باش وبا فروتنی در خدمت آن‌ها باش وبه آنان سخن بزرگوارانه وزیبا بگو وبگو پروردگارا آن دو را رحمت کن همانگونه که به من در کودکی رحم نمودندونگهداری کردند زیرا از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت است

که ایشان فرمودند:

«رِضَى الرَّبِّ فِي رِضَى الوَالِدِين و وَسَخَطُ الرَّبِّ فِي سَخَطِ الْوَالِدِين»

"خشنودی پروردگار در خشنودی والدین است وخشم پروردگار در خشم والدین" [به روایت ترمذی]

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العَالَمِيْنَ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِيِّنَا مُحَمّدٍ و وَعَلى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إلىَ يَوْمِ الدِّيْن.

أمّا بعد:

الله سبحانه راسپاس وستایش می گوییم برای احسانویاری وتوفیقش و وگواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنهاست وشریکی ندارد وگواهی می‌دهم که پیامبر وسرور ما محمد و بنده وپیامرسان او ودعوتگر به سوی رضوان اوست... درود وسلام بسیار الله بر او وبر اهل بیت ویارانش باد.

اما بعد... ای مسلمانان... تقوای الله را پیشه سازید واو را مراقب خود بدانید واز او اطاعت کرده واز وی سرپیچی نکنید...

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ ٱلصَّـٰدِقِينَ ١١٩ ﴾ (التوبة: ١١٩)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه سازید وبا صادقان باشید).

ای مسلمان... زندگی چیزی نیست جز وامی که باید ادا شود. وکاری که جزا داده خواهد شد. پس هر که با پدر ومادرش نیکی کند و فرزندانش نیز به او نیکی خواهند کرد وهر که با پدر ومادرش بدی کند و فرزندانش نیز در حق او بدی ونافرمانی خواهند کرد واو را ترک خواهند گفت. زیرا از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: "به پدر ومادرتان نیکی کنید تا فرزندانتان به شما نیکی کنند وخودتان راه حیا وعفت در پیش گیرید تا زنانتان نیز راه حیا وعفاف در پیش گیرند" [به روایت حاکم وطبرانی] پس مبارك است رضایت پدر ومادر ودعای آن‌ها برای آنکه به آنان نیکی می کند وآنان را همراهی می کند.

ای مسلمانان و همچنین هر کس پدر ومادرش را از دست داد نیکی به آنان را بعد از مرگشان از دست ندهد؛ زیرا که نیکی تمام نمی‌شود واز ابو أسید ساعدی رضی الله عنه روایت است که گفت: در حالی که ما نزد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بودیم مردی از بنی سلمۀ بر او وارد شد وگفت: ای رسول الله آیا از نیکی به پدر ومادر چیزی بعد از مرگشان باقی مانده است که به آنان نیکی نمایم؟ رسول الله فرمودند: "آری؛ دعا وطلب آمرزش برای آن‌ها وانجام دادن وصیت آن‌ها بعد از مرگشان وصله‌ی رحم خویشاوندانی که به او مربوطند وگرامی داشتن دوستان آنان" [به روایت احمد وابوداوود وابن ماجه]

و از عائشۀ رضی الله عنها روایت است که مردی به رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم گفت: مادرم به طور ناگهانی وبدون آنکه فرصت صدقه دادن داشته باشد وفات نموده است وگمان

می کنم اگر [زنده بود] ومی توانست سخن بگوید صدقه می‌داد. پس آیا اگر برای او صدقه دهم وی اجری خواهد داشت؟ رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: "آری". [متفق علیه]

از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش روایت است که عاص بن وائل وصیت نمود که به جای او صد برده را آزاد کنند. پس فرزندش هشام پنجاه برده آزاد کرد. فرزند وی عمرو خواست که پنجاه برده‌ی دیگر آزاد کند پس از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم درباره‌ی آن کار سوال کرد. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: "اگر او مسلمان باشد وبه جای او برده آزاد کردید یا صدقه دادید یا حج نمودید [ثواب] آن به او خواهد رسید". [به روایت احمد وابوداوود]

ای مسلمانان و ثمره‌ی شنیدن و پیروی کردن است پس شما از کسانی باشید که سخن را می‌شنوند واز بهترین آن پیروی می کنند. ودرود وسلام بفرستید بر رسول الله صلی الله علیه وسلم و آن هدایتگری که در روز قیامت شفاعت کننده مردمان است و که هر که بر او درود فرستد الله بر او ده درود خواهد فرستاد...

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥٦)

اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

امر به معروف ونهی از منکر

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ الأحزاب: (٧٠ - ٧١)

أما بعد:

ای مسلمانان... پیامبر ما محمد صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

«إن الله فرض فرائض فلا تعتدوها و وحد حدودا فلا تقربوها و وحرم أشياء فلا تنتهكوها و وسكت عن أشياء رحمة بكم من غير نسيان فلا تبحثوا عنها» [حدیث حسن به روایت دارقطنی ودیگران]

"همانا الله فریضه‌هایی را فرض نموده است پس آن‌ها را ضایع نسازید وحدودی را قرار داده است پس از این حدود تجاوز نکنید وچیزهایی را حرام کرده است پس آن‌ها را زیر پا نگذارید واز روی رحمت خویش نه از روی فراموشی درباره‌ی چیزهایی نیز سکوت کرده است پس به دنبال [حکم] آن‌ها نباشید."

و از جمله چیزهایی که الله جل جلاله بر بندگانش واجب گردانده است فریضه‌ی امر به معروف ونهی از منکر می باشد و زیرا این فریضه منافع عام وخاص دینی ودنیوی فراوانی را در بر گرفته است وبسیاری از بدی‌ها ومفاسد وبلاها را دفع می‌نماید.. الله سبحانه وتعالی می‌فرماید:

﴿ وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٠٤ ﴾

(آل عمران: ١٠٤)

«و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند وبه معروف وادارند واز منکر بازدارند وآنان همان رستگارانند»

و فرموده است: ﴿ كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِۗ ﴾ (آل عمران: ١١٠)

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید و به معروف فرمان می‌دهید واز منکر بازمی‌دارید وبه الله ایمان دارید»

حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه می‌فرماید: "هر که می‌خواهد جزو این امت باشد شرط (الهی) آن را ادا کند" واین شرط همان امر به معروف ونهی از منکر است. الله متعال در وصف مومنان چنین می‌فرماید:

﴿ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَيُطِيعُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ سَيَرۡحَمُهُمُ ٱللَّهُۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٧١ ﴾ (التوبة: ٧١)

«و مردان وزنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به معروف امر می کنند واز منکر باز می‌دارند ونماز را بر پا می کنند وزکات می‌دهند واز الله وپیامبرش فرمان می‌برند آنانند که الله به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که الله توانا وحکیم است»

الله سبحانه وتعالی کسانی از اهل کتاب را که به شریعت خود که تغییر وتحریف نیافته پایبند هستند وبه امر به معروف ونهی از منکر عمل می کنند و چنین ثنا می فرماید:

﴿لَيۡسُواْ سَوَآءٗۗ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ أُمَّةٞ قَآئِمَةٞ يَتۡلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ وَهُمۡ يَسۡجُدُونَ ١١٣ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَأُوْلَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١١٤﴾ (آل عمران: ١١٣ - ١١٤)

«[همه‌ی آنان] یکسان نیستند و از میان اهل کتاب گروهی درستکار دارند که آیات الله را در دل شب می‌خوانند وسر به سجده می‌نهند* به الله وروز قیامت ایمان دارند وبه معروف فرمان می‌دهند واز منکر باز می‌دارند ودر کارهای نیک شتاب می کنند وآنان از شایستگانند»

معروف: همه‌ی آن چیزهایی است که اسلام به عنوان واجب ویا مستحب دستور به انجام آن داده است وقرآن وسنت جز به آنچه خیر دو دنیا در آن است وجز به آنچه توسط الله به عنوان راه ورود به بهشت‌های پرنعمت قرار داده شده است دستور نمی‌دهند. واسلام جز از هر بدی حتمی در دنیا وآخرت واسباب ورود به آتش نهی نمی کند.

از حذیفه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوُنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ ثُمَّ تَدْعُونَهُ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» (ترمذی)

"قسم به آنکه جانم در دست اوست یا آنکه به معروف امر خواهید کرد واز منکر باز خواهید داشت ویا آنکه نزدیک است الله از سوی خود عذابی به سوی شما فرستد سپس او را دعا کنید واو شما را استجابت نکند"

و همچنین الله متعال در وصف مومنان می فرماید:

﴿ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ ﴾ (التوبة: ٧١)

«و مردان وزنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به معروف امر می کنند واز منکر باز می‌دارند...»

و برخی از اهل علم فرموده اند که این رکنی است از ارکان اسلام... واز ابوسعید خدری رضی

الله عنه روایت می کنند که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:
«مَن رَأَى مِنْكُم مُنْكرا فليغيره بِيَدِهِ و فَإِن لم يسْتَطع فبلسانه و فَإِن لم يسْتَطع فبقلبه وَذَلِكَ أَضْعَف الْإِيمَان»
"هر که از شما منکری دید آن را با دستش تغییر دهد پس اگر نتوانست با زبانش و واگر نتوانست با قلبش آن را بد بداند واین سست‌ترین درجه‌ی ایمان است" صحیح مسلم: ۴۹

همچنین روایت شده است که " در قیامت شخص و خود را به شخص دیگری آویزان می کند. پس آن شخص به او می گوید: مرا رها کن که من نه در خانواده‌ات ونه در مالت ونه در آبرویت به تو ستمی روا نداشته‌ام. پس آن شخص اول می گوید: تو مرا در حال انجام منکر می‌دیدی اما مرا از آن نهی نمی کردی".

برای شخصی که به کار معروف امر می کند باید مشخص وواضح باشد که کاری که به آن امر می کند معروف است وشرع به آن دستور داده است وبداند که چیزی از آن نهی می کند منکری است که شرع آن را منکر دانسته است تا پیرو دلیل وبر اساس بصیرت وآگاهی عمل کرده باشد وهمچنین لازم است که شخص امر کننده به معروف ونهی کننده از منکر و انسانی حکیم باشد ونسبت به آنچه می گوید آگاه باشد تا بتواند دلایل شرعی را در جایگاه خود بنشاند وبا استفاده از سخن الله ورسولش صلی الله علیه وآله وسلم در مسائل وشرایط مختلف ره بپیماید. الله سبحانه وتعالی می‌فرماید:

﴿ ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ١٢٥ ﴾ (النحل: ۱۲۵)

«با حکمت واندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن وبا آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر واو به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است»

امر به معروف ونهی از منکر نگهبان فضائل وفرائض دین واز بین برنده‌ی بدی‌ها ورذائل است... تغییر منکر با دست و مخصوص حاکم یا کسی است که از سوی وی نیابت دارد و وانکار منکر با زبان به وسیله‌ی حکمت وترغیب وترهیب واخلاق نیك وظیفه همه‌ی کسانی است که نسبت به حکم الله در مورد منکر آگاهی دارند وانکار گناه با قلب نیز مخصوص همه‌ی مسلمانان است...

برادران مسلمان هر دوی این فریضه‌ها یعنی امر به معروف ونهی از منکر همراه یکدیگر هستند واز هم جدا نمی‌شوند پس هر که معروف را دوست داشته باشد اما منکر را بد نداند دچار کوتاهی در واجب شده است وهر که به معروف امر کند اما از منکر باز ندارد و واجبی را ترک گفته است وهر که از منکری نهی نماید اما معروف را دوست نداشته باشد از روش محمد صلی الله علیه وآله وسلم سرپیچی نموده است زیرا امر به معروف ودوست داشتن آن ونهی از منکر وبد داشتن (لازم وملزوم یکدیگرند) ... وبرخی از سلف گفته‌اند: "هر که به معروف امر نمود واز منکر بازداشت حتما خود را به این سخن الله سبحانه وتعالی عرضه کند که می‌فرماید: ﴿ أَتَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبِرِّ وَتَنسَوۡنَ

﴿ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ ٱلْكِتَٰبَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾ ﴾ (البقرة: ۴۴) «آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید وخود را فراموش می کنید با اینکه شما کتاب را می‌خوانید آیا [هیچ] نمی‌اندیشید»

و همچنین این سخن الله متعال که از قول شعیب علیه السلام می‌فرماید: ﴿ وَمَآ أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَآ أَنْهَىٰكُمْ عَنْهُ ﴾ (هود: ۸۸)

«من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم]»

و این کلام الله سبحانه وتعالی که می‌فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُوا۟ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾ ﴾ (الصف: ۲ – ۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی می گویید که انجام نمی‌دهید * نزد الله سخت ناپسند است که چیزی را بگویید وانجام ندهید»

نمازگزاران محترم برای شخصی که امر به معروف ونهی از منکر می‌نماید و صبر واجب وضروری است زیرا وی حتما همانگونه که سنت پروردگار است در معرض اذیت وآزار قرار خواهد گرفت. پروردگار متعال از قول لقمان چنین می‌فرماید که:

﴿ يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأْمُرْ بِٱلْمَعْرُوفِ وَٱنْهَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿١٧﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِى ٱلْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾ ﴾ (لقمان: ۱۷ – ۱۸)

«ای پسرم نماز را برپا دار وبه معروف امر کن واز منکر باز دار وبر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش این [حاکی] از عزم [و اراده تو در] امور است * واز مردم [به نخوت] رخ برمتاب ودر زمین خرامان راه مرو همانا که الله هر انسان متکبر وفخرفروشی را دوست نمی دارد»

زیرا وی در برابر هوا وهوس ودلخواه مردم خواهد ایستاد وهوای نفس بر بسیاری از مردم چیره است. آنانی که از منکر نهی می کنند وبه معروف امر می کنند هم در دنیا وهم در آخرت از سوی الله متعال بشارت داده شده‌اند:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَقُولُوا۟ قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ ﴾ (الأحزاب: ۷۰ – ۷۱)

«ای مؤمنان! از الله» در تمام امور «پروا دارید وسخنی استوار بگویید تا اعمال شما را برای شما به‌صلاح آورد» یعنی: اعمال شما را به‌سبب آنچه که شما را به‌سوی آن هدایت می کند وبر انجام آن توفیق می‌دهد شایسته وصالح گرداند و نه تباه وفاسد «و گناهان شما را برای شما بیامرزد» یعنی: گناهانتان را آمرزیده وکفاره شده بگرداند. این است پاداش سخن حق وتقوای الهی و که هم عمل را به صلاح وسامان می‌آورد وهم سبب آمرزش گناهان می‌شود پس زهی عز وشرف کسانی که درست واستوار سخن می گویند «و هر کس الله ورسول او را فرمان برد و قطعا به رستگاری بزرگی نایل آمده است» هم در دنیا وهم در آخرت؛ زیرا او از آتش دوزخ نجات یافته وبه نعمتهای پایدار بهشت نایل می گردد.

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العَالَمِينْ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمّدٍ و وَعَلى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إلىَ يَوْمِ الدِّيْن.

أمّا بعد:

همچنین الله سبحانه وتعالی کسانی را که به معروف امر کرده واز منکر باز می‌دارند از عقوبت گناهان نجات داده وپاداش عظیمی نصیب آن‌ها می کند:

﴿ فَلَوۡلَا كَانَ مِنَ ٱلۡقُرُونِ مِن قَبۡلِكُمۡ أُوْلُواْ بَقِيَّةٖ يَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡفَسَادِ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا قَلِيلٗا مِّمَّنۡ أَنجَيۡنَا مِنۡهُمۡۗ ﴾ (هود: ۱۱۶)

«پس چرا از نسلهای پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم...»

و پروردگار متعال می‌فرماید: ﴿ فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦٓ أَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ يَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلسُّوٓءِ وَأَخَذۡنَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ بِعَذَابِۭ بَـِٔيسِۭ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ١٦٥ ﴾ (الأعراف: ۱۶۵)

«پس هنگامی که آنچه را بدان تذکر داده شده بودند از یاد بردند کسانی را که از [کار] بد باز می‌داشتند نجات دادیم وکسانی را که ستم کردند به سزای آنکه نافرمانی می کردند به عذابی شدید گرفتار کردیم»

همچنین الله سبحانه وتعالی به واسطه‌ی امر به معروف ونهی از منکر جلوی به فتنه افتادن انسان در مال وخانواده وفرزندانش را می گیرد و زیرا وقتی از حذیفه رضی الله عنه درباره‌ی فتنه‌ها سوال شد وی فرمود: "الله به واسطه‌ی نماز وروزه وامر به معروف ونهی از منکر انسان را از به فتنه افتادن در فرزندان ومالش حفظ می کند".

الله سبحانه وتعالی کسانی را که به معروف امر کنند واز منکر باز دارند به بهشت‌های پرنعمت ونجات از عذاب دردناک وعده داده وفرموده است:

﴿ ٱلتَّٰٓئِبُونَ ٱلۡعَٰبِدُونَ ٱلۡحَٰمِدُونَ ٱلسَّٰٓئِحُونَ ٱلرَّٰكِعُونَ ٱلسَّٰجِدُونَ ٱلۡأٓمِرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱلنَّاهُونَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡحَٰفِظُونَ لِحُدُودِ ٱللَّهِۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١١٢ ﴾ (التوبة: ۱۱۲)

«همان توبه‌کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه‌داران رکوع‌کنندگان سجده‌کنندگان امر کنندگان به معروف بازدارندگان از منکر وپاسداران مقررات الله ومؤمنان را بشارت ده»

بندگان الله؛ بزرگترین نعمت برای بنده آن است که الله سبحانه وتعالی به وی قلبی سالم عطا نماید که معروف را بداند وآن را دوست بدارد وبه آن امر کند واهل آن را نیز دوست بدارد و ومنکر را شناخته وآن را بد دانسته وبه همراه اهل منکر در آن نیفتد.

ای مسلمانان... به سبب شناخت اندک نسبت به اعمال صالح وکارهای ناشایست و جهل ونادانی فراگیر شده است وبزرگترین نفعی که یک مسلمان می تواند به یک مسلمان دیگر برساند این است

که او را به هدایتی رهنمون شود ویا از بدی وحرامی بازدارد ومومنان و خیرخواهانی هستند که خیر را برای برادران مسلمان خویش دوست می‌دارند چنانکه در حدیث شریف آمده است:

«لاَ يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ و حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»

”کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آنکه برای برادرش هَمان چیزی را دوست بدارد که برای خویش می‌پسندد“ [به روایت بخاری ومسلم]

و جریر رضی الله عنه می فرماید: ”با رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بر نصیحت هر مسلمان بیعت نمودم“.

انسان منافق شخصی است فریبگر که از خیر جلوگیری می کند. الله سبحانه وتعالی می‌فرماید:

﴿ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ بَعۡضُهُم مِّنۢ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمُنكَرِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَقۡبِضُونَ أَيۡدِيَهُمۡۚ نَسُواْ ٱللَّهَ فَنَسِيَهُمۡۚ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٦٧ ﴾ (التوبة: ٦٧)

«مردان وزنان منافق [همانند] یکدیگرند امر به منکر میکنندواز معروف باز می‌دارند ودستهای خود را [از انفاق] فرو می‌بندند الله را فراموش کردند پس [الله هم] فراموششان کرد در حقیقت این منافقانند که فاسقند»

پس ای مسلمانان همدیگر را دوست بدارید وبا نرمخویی ومودت یکدیگر را نصیحت کنید... نادان را نسبت به امور دینش آگاهی دهید... وی را نسبت به توحید وانواع شرک واحکام نماز وارکان اسلام آگاه نمایید... از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: ”اگر الله به واسطه‌ی تو یک نفر را هدایت نماید برایت از شترهای سرخ بهتر است“.

آنان را که از الله غافلند تذکر دهید تا برای آخرت تلاش کرده وفریفته‌ی دنیا نشوند و وآنانی را که نسبت به پروردگار سرکشی می کنند وبر انجام گناهان بی پروا شده‌اند به یاد عذاب وخشم وی بیاندازید وکم کاران وکسانی را که در انجام کارهای نیک سست هستند به انجام اعمال نیک وتلاش در طاعات ترغیب کنید. همت‌های ضعیف را با استفاده از قرآن وسنت بیدار کنید تا ایمان‌ها افزایش یابد.

ای مسلمان... وظیفه‌ی امر به معروف ونهی از منکر نسبت به فرزندان وخانواده وخویشاوندان وهمسایگانت در اولویت قرار دارد زیرا تو نسبت به آنان وظیفه‌ی سنگین وامانتی بزرگ بر گردن داری که آنان را به فریضه‌هایی که الله بر آن‌ها واجب نموده آگاه سازی تا آن را ادا نمایند واز آنچه حرام گردانده واز راه وروش شیطان‌های انس وجن باز داشته ونهی نمایی... الله سبحانه وتعالی می‌فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ ٦ ﴾ (التحریم: ٦)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان وخانواده‌تان را از آتشی که سوخت آن مردم وسنگهاست حفظ کنید. بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند از آنچه الله به آنان دستور

داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مامورند انجام می‌دهند»

و شدیدترین حسرت در روز قیامت از آن کسانی است که این امانت را ضایع گردانده‌اند.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب:۵۶)

و اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

زندگی پس از مرگ

خطبه اول

الحمد لله الذي خلق الموت والحياة ليبلوكم أيكم أحسن عملا والصلاة والسلام علي أفضل الخلق ومعلم الحق الذي علمنا أننا لم نخلق هملا وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان حيث اتخذوا الدنيا عبر الموت إلي الجنة سفنا.

وبعد:

برادران وخواهران مسلمان!

شما وخویشتن را به تقوی وترس حقیقی از الله سفارش می کنم و زیرا که تقوی سبب نجات وبهترین توشه در دنیا وآخرت است روزی که انسان تنهای تنهاست وهیچکس وهیچ چیز جز عمل به دردش نمی خورد چنانکه الله متعال می فرماید: ﴿يَوْمَ لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ۝٨٨ إِلَّا مَنْ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝٨٩﴾ (الشعراء: ٨٨ - ٨٩)

«روزی که مال وفرزند نفعی نمی رساند مگر کسی که با قلب سالم به پیشگاه الله بیاید». همچنین الله متعال می فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ ۖ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَـٰعُ ٱلْغُرُورِ ۝١٨٥﴾ (آل عمران: ١٨٥) «هر نفسی چشنده مرگ است و وجز این نیست که در روز قیامت پاداش تان به شما کامل داده خواهد شد و پس هر کس که از آتش [جهنّم] دور داشته وبه بهشت در آورده شود و بی شک رستگار شده است. وزندگانی دنیا جز مایه فریب نیست».

این است حقیقت مرگ وبعد از مرگ و مرگی که بزودی هر کس از ما آنرا خواهد چشید و غنی وتنگدست و سالم ومریض و کوچک وبزرگ و رئیس ومرئوس و هیچ کسی از مرگ نجات نخواهد یافت و گرچه به دور ترین نقطه و یا عالی ترین قله و یا عمیق ترین درّه فرار کند و الله متعال و می فرماید: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا۟ يُدْرِككُّمُ ٱلْمَوْتُ وَلَوْ كُنتُمْ فِى بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ ۗ ۝٧٨﴾ (النساء: ٧٨) . «هرجای که باشید مرگ به سراغ شما خواهد آمد اگر چه در قصر های شامخ ومحکم باشید».

مرگ با اینکه پدیده ای کاملا مشخص وآثارش نمایان است یکی از پیچده‌ترین اسراری بشمار می‌رود که عقول دانشمندان وپژوهشگران را به حیرت واداشته وآنان را گیج کرده است.

جوان سالم وتندرست و وقهرمان تنومندی را که در میدان پهلوانی می کند می‌بینید در یک لحظه به پیکری بی‌جان مبدل شده است و جسمی که هیچ حرکتی ندارد و آن جوانی رفت وآن قوت ونیرو متلاشی گردید و حواس از کار افتاد و گوش وچشم وبویائی معطل شد و زبان گنگ شد و چه بسا او یک عالم ودانشمند و ادیب شیرین سخن و پزشک ماهر ومخترع چیره دست باشد اما اگر عمر تمام شود واجل بسر رسد هیچ کسی نمی تواند جلو مرگ را بگیرد و الله حکیم وتوانا می فرماید: ﴿إِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَـْٔخِرُونَ سَاعَةً ۖ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۝٤٩﴾ (یونس: ٤٩) «هر گاه اجل شان فرا رسد نه یک لحظه عقب خواهد رفت ونه جلو».

دل غافل بکن توبه که مرگ اندر کمین داری مشو از حال خود غافل که جای زیر زمین داری

سوار بر مرکب چوبی اگر قصر زرین داری اگر شاهی اگر درویش اگر ملک جهان داری

حضرت عون بن عبد الله بن عتبه بن مسعود رحمه الله بالای منبر می رفت ومی فرمود: «چقدر زیادند کسانی که روز را آغاز کرده اند اما به پایان نمی رسانند و منتظر فردایند اما در نمی یابند و اگر مرگ وفرا رسیدنش را تصور کنید همه آروزها وغرورها برایتان تلخ خواهد شد».

انسان در حالی که کاملا تندرست است واز سلامتی وعافیت لذت می برد ومشغول بازی وتفریح وسرگرمی است وبا غرور وخود خواهی گردنش را بلند می‌گیرد ودستور صادر می‌کند ناگهان بیماری مرگ همچون شیر درنده‌ای که بر شکارش حمله آور می‌شود هجوم می‌آورد و جسمش را نحیف و صدایش را ضعیف و واستخوانها ومفاصلش را سست می‌کند وتوان ونیرویش را از بین می برد وپس از اینکه به ناچار از این دنیا کوچ می‌کند نامه اعمالش را درهم می پیچد.

چقدر نزدیک است مرگ! هر روز به ما نزدیک وما به او نزدیک‌تر می شویم و بین ما واو هیچ فاصله ای جز فرا رسیدن مهلت نیست و پس ما جزو مردگان هستیم واین عمر در حقیقت مانند گلی است که اول شکوفا وسپس پژمرده وپرپر می شود و یا چراغی که اول روشن وسپس خاموش می‌گردد و یا ستاره ای که اول می‌درخشد وسپس خاکستر می شود اما انسان مغرور وغافل وناسپاس گویا از حقیقت تلخ فرار می کند: .

الله متعال می فرماید: ﴿أَوَلَمْ يَرَ ٱلْإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقْنَٰهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِىَ خَلْقَهُۥ ۖ قَالَ مَن يُحْىِ ٱلْعِظَٰمَ وَهِىَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا ٱلَّذِىٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾﴾ (یس: ۷۷ – ۷۹)

«آیا انسان ندیده است که ما او را از نطفه ای آفریده ایم و پس او ستیزه جویی آشکار شده است. وبرای ما مثلی زد و وآفرینش خود را فراموش کرد و گفت: « چه کسی (این) استخوانها را (دوباره) زنده می کند در حالی که پوسیده است؟!»

آری برادران گرامی! آن صحنه های حقیقی که بخشی از زندگی واقعی من وشماست را در جلو خود ترسیم کنیم واندکی بیندیشیم هنگامی که الله متعال در قیامت خطاب به انسانهای سرکش بفرماید:

﴿وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَٰدَىٰ كَمَا خَلَقْنَٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَٰكُمْ وَرَآءَ ظُهُورِكُمْ ۖ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَٰٓؤُا۟ ۚ لَقَد تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٩٤﴾﴾ (الأنعام: ۹۴)

و«همانا شما یکه (و تنها) به سوی ما آمدید و همان گونه که روز اول شما را آفریدیم و وآنچه را به شما بخشیده بودیم و پشت سرتان رها کردید و وشفیعانی را که شریک در (امور) خود می پنداشتید با شما نمی بینیم و مسلماً (پیوند وروابط) میان شما بریده شده است و وآنچه را (خدایان وحامیان خود) می پنداشتید و از شما دور وگم شده اند».

شکی نیست که این هدایت وتوفیق از سوی الله متعال است: ﴿وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِ ۖ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِهِۦ ۖ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا ۖ مَّأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ ۖ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَٰهُمْ سَعِيرًا﴾ (الإسراء: ۹۷)

«و هرکسی را که الله هدایت کند و پس او هدایت یافته ی (واقعی) است و وهرکسی را که گمراه سازد؛ پس جز الله (سر پرستان و) دوستانی برای او نخواهی یافت و وروز قیامت آنان را بر چهره هایشان و نابینا وگنگ وکر محشور می کنیم و جایگاهشان جهنم است و هرگاه (آتش آن) فرو نشیند و بر آنان شعله ای (سوزان) می افزاییم».

آن روز دیگر روز ایمان وعمل نیست روز نتیجه گیری است: ﴿يَوۡمَئِذٖ يَصۡدُرُ ٱلنَّاسُ أَشۡتَاتٗا لِّيُرَوۡاْ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٦ فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ٧ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ ٨﴾ (الزلزلة: ۶ – ۸)

«در آن روز مردم پراکنده (از موقف حساب) باز می گردند و تا اعمالشان به آنها نشان داده شود. پس هرکس به اندازۀ ذره ای کار نیک انجام داده باشد (پاداش) آن را می بیند. وهرکس به اندازه ذره ای کار بد کرده باشد و (کیفر) آن را می بیند.

روزی که اعمال نامه هرکس سخن خواهد گفت وپرونده هر کس آماده به او تقدیم خواهد شد: ﴿وَوُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ فَتَرَى ٱلۡمُجۡرِمِينَ مُشۡفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَٰوَيۡلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلۡكِتَٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحۡصَىٰهَاۚ وَوَجَدُواْ مَا عَمِلُواْ حَاضِرٗاۗ وَلَا يَظۡلِمُ رَبُّكَ أَحَدٗا ٤٩﴾ (الکهف: ۴۹)

«و کتاب (نامه ی اعمال) در آنجا گذارده می شود و پس گنهکاران را می بینی که از آنچه در آن است ترسانند و ومی گویند : «ای وای بر ما و این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک وبزرگی را فرو نگذاشته؛ مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟!» وآنچه را انجام داده اند؛ حاضر یابند وپروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند».

سعادت ورستگاری هر کس مرهون تلاش وکوشش خود او خواهد بود:

﴿فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ٧ فَسَوۡفَ يُحَاسَبُ حِسَابٗا يَسِيرٗا ٨ وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورٗا ٩ وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهۡرِهِۦ ١٠ فَسَوۡفَ يَدۡعُواْ ثُبُورٗا ١١ وَيَصۡلَىٰ سَعِيرًا ١٢ إِنَّهُۥ كَانَ فِيٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورًا ١٣ إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ١٤ بَلَىٰٓۚ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرٗا ١٥﴾ (الانشقاق: ۷ – ۱۵)

«پس اما کسی که نامۀ (اعمالش) به دست راستش داده شود و بزودی به حسابی آسان و محاسبه می شود. وشادو مسرور به سوی خانواده اش باز می گردد. واما کسی که نامۀ (اعمالش) از پشت سرش به او داده شود پس بزودی (مرگ و) نابودی را می طلبند. وبه (آتش) جهنم شعله ور در آید. بی گمان او در (دنیا) میان خانوادۀ خود شادمان بود. به راستی او گمان می کرد هرگز باز نخواهد گشت. آری و همانا پروردگارش (نسبت) به او بینا بود».

هر کس در این جهان ذره ای عمل نیک یا بد کرده باشد همه را خواهد دید ودر حسابرسی او هیچ ظلم واشتباهی صورت نخواهد گرفت:

﴿وَنَضَعُ ٱلۡمَوَٰزِينَ ٱلۡقِسۡطَ لِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَلَا تُظۡلَمُ نَفۡسٞ شَيۡـٔٗاۖ وَإِن كَانَ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٍ أَتَيۡنَا بِهَاۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ٤٧﴾ (الأنبیاء: ۴۷)

«و (ما) در روز قیامت ترازوهای عدل را می نهیم و پس به هیچ کس و هیچ ستمی نمی شود

و واگر (عملی) به مقدار سنگینی یک دانه ی خردل باشد و آن را (به حساب) می آوریم و وحسابرسی ما کافی است».

به امیدآنکه الله متعال من وشما را جزو رستگاران واقعی بگرداند.

بارك الله لی ولكم ولسائر المسلمين والحمدلله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمدلله الذی جعل الموت جسرا للوصول الى الحياة الحقيقية والصلاة والسلام على أشرف من علمنا الموت وأن نستعد للتذذ من النعم السرمدية وعلى آله وصحبه ومن تبعهم الى الموت وبوابة السعادة.

ای مسلمانان ودوستداران الله متعال! ای کسانی که عاقل وهوشمند هستید وسود وزیان خود را در این جهان تشخیص می دهید خوشا به سعادت شما.

الله را شکر وسپاس بگویید که به شما توفیق داد راه راست وصراط مستقیم را بشناسید وبرای آخرت که زنگی حقیقی هر کس از آنجا شروع می شود توشه جمع کنید.

از الله بترسید وچنانکه باید تقوا پیشه کنید و ودر همه حال پنهان وآشکار او را در نظر داشته باشید.

بندگان الله! از حضرت معاذ بن جبل - رضی الله عنه - روایت است که فرمود: رسول الله ص فرمودند: «**مَنْ كَانَ آخِرُ كَلامِهِ لا إِلَهَ إِلا اللَّه دَخَلَ الْجَنَّةَ**». «کسی که آخرین کلامش لاإله إلا الله باشد داخل بهشت می گردد». (روایت از أبو داود است).

و در مسند احمد آمده است: «**وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ**» «بهشت بر او واجب می گردد».

از حدیث فهمیده می‌شود که حاضر شدن بر بالین مریضی که در حال احتضار واستقبال مرگ بسر می‌برد مستحب است تا کلمه لا اله الاالله را بیادش آورند ومأنوسش گردانند و همچنین علماء مستحب می دانند که در هنگام مردن از اعمال نیك او یاد شود تا اینکه به پروردگارش حسن ظن پیدا کند و از حضرت جابر - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر الله ص فرمودند: «**لا يَمُوتَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِلاَّ وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ**» «هیچ کسی از شما نمیرد مگر اینکه به الله - عزوجل - حسن ظن داشت باشد». (روایت از مسلم است).

ابن مسعود - رضی الله عنه - می فرماید: «لَيسَ لِلمُؤمِنِ راحةٌ دُونَ لِقاءِ الله» «مؤمن جز به لقاء الله آرام نمی گیرد».

آری برادران مسلمان! کسی نیست که از حساب آنروز در امان باشد همه باید پاداش اعمال خوب وبد خود را ببینیم پس همه باید از عذاب آخرت بترسیم:

﴿ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ شَقُواْ فَفِي ٱلنَّارِ لَهُمۡ فِيهَا زَفِيرٞ وَشَهِيقٌ ١٠٦ خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَۚ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٞ لِّمَا يُرِيدُ ١٠٧ ۞ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ سُعِدُواْ فَفِي ٱلۡجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَۖ عَطَآءً غَيۡرَ مَجۡذُوذٖ ١٠٨ ﴾ (هود: ۱۰۶ - ۱۰۸)

«اما کسانی که بدبخت شدند و پس در آتش (دوزخ) اند و برای آنها در آن ناله وفریاد (= دم وبازدم) است. در آن جاودانه خواهند ماند و تا آسمانها وزمین (باقی) است و مگر آنچه

پروردگارت بخواهد و بی گمان پروردگارت آنچه را که بخواهد؛ انجام دهد واما کسانی که خوشبخت (و سعادتمند) شدند و پس جاودانه در بهشت خواهند ماند و تا آسمانها وزمین (باقی) است . مگر آنچه پروردگارت بخواهد و عطایی است قطع نشدنی».

مسیر سعادتمندان ومسیر شکست خوردگان واقعی مسابقه بزرگ زندگی در این جهان را نیزملاحظه کنید: الله همه ما را جزو رستگاران واقعی بگرداند:

﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَتۡلُونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ رَبِّكُمۡ وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنۡ حَقَّتۡ كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ طِبۡتُمۡ فَٱدۡخُلُوهَا خَٰلِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي صَدَقَنَا وَعۡدَهُۥ وَأَوۡرَثَنَا ٱلۡأَرۡضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلۡجَنَّةِ حَيۡثُ نَشَآءُۖ فَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ﴾ الزمر: (٧١ - ٧٤)

«و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می شوند و تا وقتی به (کنار) آن (= دوزخ) رسند درهایش گشوده شود و ونگهبانانش به آنان گویند: آیا پیامبرانی از میان خودتان به سوی شما نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند و وشما را از دیدار امروزتان هشدار دهند؟!» گویند: «آری و ولیکن فرمان عذاب (الهی) بر کافران محقق شده است». گفته شود: «از درهای جهنم وارد شوید و جاودانه در آن بمانید و پس چه بد است و جایگاه متکبران». «و کسانی که از پروردگارشان ترسیده اند و گروه گروه به بهشت برده می شوند و تا وقتی به (کنار) آن رسند و ودرهایش گشوده شود و ونگهبانانش به آنان گویند: سلام بر شما پاکیزه بوده اید (خوش باشید) پس به جاودانه به آن (= بهشت) وارد شوید». و(بهشتی ها) گویند: «حمد وستایش مخصوص پروردگاری است که وعده اش در حق ما راست بود و وسرزمین (بهشت) را به ارث به ما داد و که از بهشت هر جا که بخواهیم منزل می گیریم و پس چه نیکو است پاداش عمل کنندگان.»

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ﴿٥٦﴾ ﴾

(الأحزاب: ٥٦)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد «. اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما صليت على آل إبراهيم وبارك على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد .»

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

دوری جستن از بدعت (امور تازه وارد در دین)

خطبه اول

الحمد لله الذي أمرنا بالإتباع. ونهانا عن الابتداع. وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له في العبادة. كما أنه لا شريك له في الخلق والإبداع. وأشهد أن محمداً عبده ورسوله الذي أرسله ليتبع ويطاع. صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه وسائر الأتباع وسلم تسليماً كثيراً. اما بعد: الله متعال میفرماید: ﴿وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِي مُسْتَقِيمًا فَٱتَّبِعُوهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِۦ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾﴾ (الأنعام: ١٥٣) « این راه و راه مستقیم من است از آن پیروی کنید واز راههایی پیروی نکنید که شما را از راه الله پراکنده می سازد. اینها چیزهایی است که الله شما را بدان توصیه می کند تا پرهیزگار شوید».

برادران وخواهران مسلمان!الله متعال حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم پیامبر خود را برانگیخت تا وعده خود را انجام دهد و ونبوت را به او خاتمه دهد و ومردم جهان را از گمراهی به شاهراه توحید هدایت نمود. وبندگان او را از عبادت بتها برهاند وبه عبادت الله رهنمون گردد واز قید اطاعت شیطان بیرون آورده وبه اطاعت الله راهنمایی کند. پیامبر گرامی اسلام مانند آموزگاری دلسوز به میان مردم آمد تا آنها را راهنمایی وارشاد کند واخلاق نیکو به آنها بیاموزد وآنها را از اسارت جهل ونادانی وگمراهی برهاند. وتا حجّت را بر مردم تمام کند یعنی مردم نتوانند اعتراض کنند که چرا الله راهنمایی را نفرستاد تا خوب وبد ودرست ونادرست را به ما نشان داده وما را از جهنم بیم وبه بهشت بشارت دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم امت را بر راه روشن گذاشت وشاگردان وفادارشان راه وروش ایشان را تا آخرین لحظات زندگی عملی نمودند تا آنکه بعد از گذشت این قرون برتر و امت اسلامی دچار مصیبت های گوناگونی شدند. در این شکی نیست که بخش روحی ومعنوی هر جامعه وملت را همانا افکار ومعتقداتش تشکیل میدهد و وتا وقتیکه تفکرات واعتقدات آن درست وخالی از انحرافات باشد و سلوک واخلاقش نیز رضایت بخش وپسندیده خواهد بود و ولی هرگاه با نفوذ اجانب وبیگانگان افکار منحرف داخل جامعه گردد آنگاه ملت وجامعه دچار بی نظمی واختلالات فکری وعقیدتی خواهد شد و پس از اینکه مدت زمانی از عهد پیامبر واصحاب وتابعین گذشت وایمان رو به ضعف وسستی نهاد ودوروئی ونفاق از هر سو و سر بر آورد وزهد وتقوی به حداقل خود رسید و بسیاری از انسانها جرأت نمودند وبا پرروئی وجسارت واز روی هوا وهوس به اظهار نظر پرداختند وهر آنچه مورد رضایت الله وپیامبر نبود و بر زبان جاری نمودند. وبه سبب آن فرقه های گمراه بروز نموده تفرقه واختلاف جای وحدت وهمدلی و جهل ونادانی جای علم ودانش و بدعت جای سنت را گرفت وفرزندان امت اسلامی از دو منبع اصلی دینشان فاصله گرفتند.

مسمانان! آیات واحادیث وهمچنان اقوال بسیاری ازعلما وجود دارد که مسلمانان را در تمسک به سنت ودوری جستن از بدعت دستور داده. از جمله الله تعالی به عنوان وصیت به بندگان باایمانش می‌فرماید: ﴿ وَٱعْتَصِمُوا۟ بِحَبْلِ ٱللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا۟ ﴾ (آل عمران: ١٠٣) «و به ریسمان الله چنگ زنید

ومتفرق نشوید».حبل الله: یعنی قرآن وسنت در معنای مستعارش است وجمع بین قرآن وسنت و سبب رسیدن به مقصود وآن هم پاداش الهی ونجات از عذاب است. الله متعال در موضع دیگر می‌فرماید: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ ﴾ (النساء: ۵۹) « ای کسانی که ایمان آورده اید! از الله واز پیغمبر اطاعت کنید. واز کارداران وفرماندهان خود فرمانبر داری نمایید»

امام طبری رحمه الله در شرح این آیه می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله متعال در آنچه که به شما امر ونهی می‌کند پیروی کنید واز رسولش محمد صلی الله علیه وآله وسلم نیز پیروی نمایید و زیرا پیروی کردن شما از پیامبر و منجر به اطاعت شما از الله متعال می‌شود. چون شما براساس امر الله تعالی از پیامبرش پیروی می‌کنید. واین دستوری از طرف الله است مبنی بر پیروی کردن از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در زمان حیاتش در آنچه که به آن امر ونهی می‌کند و وبعد از وفاتش به پایبند بودن به سنتش و الله تعالی به طور عموم دستور پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را صادر کرده واین دستور به زمان خاصی اختصاص ندارد و بلکه دستوری عام وکلی است ومربوط به هر دو زمان حیات وپس از وفات پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می‌شود». الله پاک ومنزه می‌فرماید: ﴿ فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾ (النور: ۶۳) «آنان که با فرمان او مخالفت می کنند. باید از این بترسند که بلایی گریبانگیرشان گردد. یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود» ابن کثیر رحمه الله می فرماید: سرپیچی کردن از دستورات رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم که آن هم و راه و روش و سنت وشریعت ایشان است. واعمال واقوال انسان با اعمال واقوال رسول الله مقایسه می‌شود و اگر با آن موافقت داشت قبول می گردد واگر با آن مخالفت داشت مردود وباطل است. همچنانکه در صحیح بخاری ومسلم از پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم روایت است که فرمودند: «**من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو ردّ**» (هر کس عملی انجام دهد که ما بر انجام آن دستور نداده باشیم آن عمل باطل ومردود است).پس کسانی که با دستور پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از لحاظ ظاهری وباطنی مخالفت می‌کنند بترسند وهراسان باشند از اینکه فتنۀ دنیا که شامل کشتن و اجرای حدود و زندانی کردن وغیره است دامنگیر شان نشود.

از جابر رضی الله عنه روایت است که : پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می فرمود: «**أما بعد : فأنّ خير الحديث كتاب الله وخير الهدى هدى محمد وشر الأمور محدثاتها وكل محدثة بدعة و وكل بدعة ضلالة**» روایت مسلم «اما بعد: بهترین سخن کتاب الله قرآن وبهترین راه و راه وروش پیامبر است وبدترین کارها و کارهای جدید ونو ظهور در دین است و وهمه این نوآوری‌ها بدعتند وهمه بدعت‌ها گمراهی‌اند». واز ابوموسی الأشعری رضي الله عنه روایت است که پیامبراکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: « **مَثَلِي وَمَثَلُ مَا بَعَثَنِي اللهُ كَمَثَلِ رَجُلٍ أَتَى قَوْمًا فَقَالَ رَأَيْتُ الْجَيْشَ بِعَيْنَيَّ و وَإِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْعُرْيَانُ فَالنَّجَا النَّجَاءَ . فَأَطَاعَتْهُ طَائِفَةٌ فَأَدْلَجُوا عَلَى مَهْلِهِمْ فَنَجَوْا و وَكَذَّبَتْهُ طَائِفَةٌ فَصَبَّحَهُمُ الْجَيْشُ فَاجْتَاحَهُمْ**» روایت بخاری «مَثَلْ من ومَثَلْ آن چیزی که الله من را با آن به سوی شما مبعوث کرد و مِثْل و مَثَلْ مردی است که به سوی قومش آمد وگفت : ای قوم و من لشکری را به چشمانم دیدم وحقیقتاً من ترساننده عریانی مِثْلِ مردی است که به لشکری بر می‌خورد و وآنها

او را به تاراج می‌برند واسیر می کنند و سپس او از دستشان فرار کرده ودر حالیکه چیزی به همراه ندارد به سوی قومش فرار می کند تا آنها را از وجود دشمن آگاه کند هستم برای شما و خودتان را نجات دهید وفرار کنید و عده‌ای از افراد قومش سخنش را قبول می کنند وسر شب به آرامی ودر نهایت سکوت حرکت می کنند وخودشان را نجات می‌دهند و وعده‌ای دیگر سخنش را قبول نمی کنند و وهمان جا می‌مانند و سحرگاهان لشکریان سر می‌رسند وآنها را می کشند واز بیخ وبن بر می کنند و واین مَثَلْ کسی است که از من اطاعت کند واز آنچه آورده‌ام پیروی نماید ومَثَلْ کسی است که از من نافرمانی ورزد وآنچه را که از حق آوردم تکذیب کند».

در این حدیث و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خودش را به مردی تشبیه کرده که اگر از قومش دور باشد وبخواهد آنها را آگاه کند وبه آنها خبر دهد که دشمن را با چشمان خودش دیده و لباسش را در می آورد وبا آن به سوی قومش اشاره می کند تا آنها را از آمدن ناگهانی دشمن خبردار کند و در این میان هر کس حرف آن مرد را تصدیق کند واز او اطاعت کند واز آن منطقه خارج شود نجات می‌یابد وسالم می‌ماند ولی اگرحرف آن مرد را تکذیب کند واز او سرپیچی ورزد واز آن منطقه خارج نشود دشمن می‌آید واو را می کشد ویا به اسیری می گیرد. واین مِثْلِ کسی است که از پیامبر اطاعت می کند پس نجات می‌یابد واگر نافرمانی کند و هلاك می‌شود.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله و سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

برادران مومن! پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم امانتی را که بردوش داشتند ادا نموده ودین الهی را به بندگان به طور شایسته بیان نمودند ایشان را بر راه روشن واشکار گذاشته وبه رفیق اعلی پیوستند. در حدیثی از عرباض بن ساریه رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: « **قد تركتكم على البيضاء ليلها كنهارها لا يزيغ عنها بعدي إلا هالك ومن يعش منكم فسيرى اختلافا كثيرا فعليكم بما عرفتم من سنتي وسنة الخلفاء المهديين الراشدين من بعدي**» روایت حاکم «شما را بر روشنی‌ای ترک می کنم و شبش در روشنی مثل روز است یعنی شما را بر هدایتی ترک می کنم آنقدر واضح وآشکار است که هیچگونه خفایی در دوران فتنه نیز در آن وجود ندارد تنها کسی که دچار هلاکت شود از این هدایت وروشنی منحرف می‌شود و وهر که از شما زنده بماند و بزودی شاهد اختلافات زیادی خواهد بود و پس بر شما پیروی از طریق من وخلفای راشدین که هدایت‌کنندگانند و واجب است». واز ابوهریره رضی الله عنه روایت است که و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**كل أمتي يدخلون الجنّة إلاَّ من أبى قيل يا رسول الله ومن يأبى قال: من أطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد أبى**». البخاری «همه امت من داخل بهشت خواهند شد مگر کسیکه خود از دخول آن امتناع ورزد و گفته شد ای رسول الله چه کسی است که از دخول آن امتناع می ورزد؟ فرمود: کسی که از من اطاعت کند داخل بهشت خواهد شد

و وکسی که از من نافرمانی کند و او همان کسی است که خود از دخول آن امتناع ورزیده است».
همچنان پیامبر اکرم فرمود: «تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ نَبِيِّهِ» موطای امام مالک «من دو چیز را در میان شما بجای می گذارم و که با چنگ زدن به آن دو هرگز گمراه نمی‌شوید و کتاب الله قرآن وسنت پیامبرش احادیث » .

صحابه کرام رضی الله عنهم وعلمای بزرگ صدر اسلام وما بعد شان رحمهم الله نیز بر دوری جستن از بدعت وتمسک به سنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم تآکید ورزیده اند از جمله: عبدالله بن مسعود رضی الله عنه فرموده‌است: «تبعیت وپیروی کنید وبدعت‌گذاری نکنید و چون پیروی کردن شما را کفایت می کند». باز در جای دیگر می‌فرماید: «ما اقتداء می کنیم واستقلال‌طلبی نمی کنیم و وپیروی می کنیم وبدعت‌گذاری نمی کنیم و ومادام که به آثار پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم چنگ زنیم هرگز گمراه نمی‌شویم» سنن دارمی. از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرموده‌است: «تمام بدعت‌ها گمراهی‌اند و ولو که مردم آنها را خوب ودرست بدانند». سنن دارمی. از هشام بن عروه رضی الله عنه روایت است که فرموده: «از سنت‌ها پیروی کنید و چون سنت‌ها نگهدارنده دینند». جامع بیان العلم. از ابن هرمز رحمه الله روایت است که فرموده‌است: «با اهل مدینه ملاقات کردم ودر میان آنها فقط کتاب الله قرآن وسنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم احادیثش موجود بود و واگر مسأله‌ای پیش می‌آمد و حاکم بر اساس آنها فتوی می‌داد». جامع بیان العلم. روایت است که مردی نامه‌ای به عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه نوشت ودر مورد (قدر) از او سؤال کرد. عمر بن عبدالعزیز در جواب او برایش نوشت: «اما بعد: تو را به رعایت تقوای الهی و میانه‌روی در امورات الهی و پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم وترک آنچه که بدعت‌گذاران با وجود سنت پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم بوجود آورده‌اند و توصیه می کنم. بر تو پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم واجب است و چون برای تو به مثابهٔ پناهگاهی است و سپس بدان که و مردمان هیچ بدعتی را بوجود نیاورده‌اند مگر اینکه در گذشته دلیلی در رد آن بدعت وجود داشته ودرس‌هایی از آن گرفته شده و حقیقتاً سنت را کسی بنیان‌گذاری کرده که می‌دانسته در مخالفت سنت و خطا و اشتباه و انحراف و نادانی وزیاده‌روی وجود دارد و پس نفست را بر آنچه مسلمانان قبل از تو بر آن راضی شدند و راضی گردان...» روایت ابن داود.

برادران وخواهران مسلمان! توجه نمایید عبد الله بن مسعود رضی الله چه سخنی زیبا وبلیغ در مورد پیروی وترک نو آوری در دین فرموده است: «الله نظری به قلوب بندگانش انداخت وقلب محمد صلی الله علیه وآله وسلم را بهترین قلب‌ها یافت و واو را به پیامبری مبعوث کرد و سپس نظری به قلوب بندگانش بعد از انتخاب قلب پیامبر انداخت وقلب‌های صحابهٔ رسول الله را بهترین قلب‌ها یافت وآنها را به عنوان یاران پیامبرش ویاری‌دهنده دینش برگزید و پس آنچه را که مسلمانان صحابهٔ رسول الله خوب وشایسته می‌دانند و نزد الله نیز خوب وشایسته است وآنچه را مسلمانان زشت وناپسند می‌شمارند و نزد الله نیز زشت وناپسند است». بنا بر این تعصب ووابستگی شدید به اشخاص ومذاهب وپیروی کور کورانه از پدران ونیاکان عامل بسیاری از بدعتها وزشتی‌ها به بهانه حفظ آداب وسنن شده و وحجابی در برابر معرفت وشناخت حق است. پس باید دانست بدعت

گذاری در دین آثار وپیامد های ناگوار فراوانی دارد که از جمله: تباهی دین: زیرا اگر هر کسی به خود اجازه دهد با سلیقه خاص خود چیزی بر آیین الله بیفزاید ویا از آن بکاهد و حقیقت دین از بین می رود وچیزی از آن باقی نمی ماند. دوم: با پیروی از بدعت سنت ترک می شود و زیرا بدعت ها سبب می گردد و رسوم باطل و جایگزین سنت مطهر شوند وسنتهای راستین به فراموشی سپرده شوند. سوم: بدعت گذاری در دین سبب دوری از حق وافتادن در وادی گمراهی است. بدعت گزار نه تنها خود در وادی گمراهی است که با بدعت چه بسا مایه گمراهی انسانهای بیشماری گردد. چهارم: بدعت گزار با دست درازی در دین وکم وزیاد کردن احکام الله هم در عمل وهم در اندیشه واعتقاد از حق فاصله می گیرد در نتیجه اعمال وعبادات او بی ثمر بوده مقبول درگاه حق نخواهد بود. واز آثار منفی وپیامد های خطرناک بدعت ایجاد فتنه وآشوب است. آری! بدعت در عرصه دین سبب ایجاد فضای نا مطلوب و آمیخته شدن حق وباطل می گردد و بسیاری از بدعتها به خاطر شرایطی به سرعت پخش می شوند وگاه در طول زمان باقی می مانند وگروههای کثیری را به انحراف می کشانند وشخص بدعت گزار باید جریمه تمام آنهارا بپردازد. قران مجیددرباره این گونه اشخاص می فرماید: ﴿ لِيَحۡمِلُوٓاْ أَوۡزَارَهُمۡ كَامِلَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَمِنۡ أَوۡزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٍۗ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ﴾ (النحل: ٢٥) «آنان باید که در روز قیامت بار گناهان خود را به تمام وکمال بر دوش کشند و وهم برخی از بار گناهان کسانی را حمل نمایند که ایشان را بدون آگهی گمراه ساخته اند هان!چه بار گناهان بدی را بر دوش می کشند!»

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب:٥٦)
اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

اخوت و برادری در راه الله

خطبه اول

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فهو المهتد ومن يضلل فلا هادی له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله .

قَالَ تَعَالَىٰ: أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾ (النساء: ١)

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾ الأحزاب: (٧٠ - ٧١)

أما بعد :

فأن أصدق الحديث كتاب الله وخير الهدى هدى محمد ﷺ وكل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار.

دین مبین اسلام دینی است که با فطرت وسرشت بشری همخوانی دارد همان سرشتی که الله متعال خالق وآفریننده این بشر خاکی او را بر آن خلق نموده وخود نیز این دین را که برنامه زندگی اوست برای هدایتش فروفرستاده است.

ابوهریره رضی الله عنه از رسول گرامی اسلام ﷺ در حدیثی که امام بخاری وامام مسلم بر صحت آن اتفاق دارند روایت می کند که ایشان فرمودند: کل مولود یولد علی الفطره فأبواه یهودانه أو ینصرانه أو یمجسانه.

ترجمه: هر نوزادی بر فطرت متولد می شود (اما) پس از آن پدر ومادرش او را (یا) نصرانی (مسیحی) و(یا) یهودی و(یا) مجوس (زرتشتی) می گردانند.

بر اساس همین فطرت انسان موجودی اجتماعی خلق شده است وبه تنهایی زندگی کردن را نمی پسندد بلکه همیشه سعی در همکاری وتعاون وهمراهی با سایر همنوعان خود را دارد و به همین سبب دین مبین اسلام (که دین فطرت است) به این خواسته ونیاز انسان لبیک گفته واکثر عبادات جمعی را مشروع دانسته است همانند نماز جماعت و نماز جمعه و نماز عید واستسقاء وحج و...

آری دوستان این دین عظیم به این ندای فطرت انسان لبیک گفته وحتی در تشریع عبادتها نیز به آن توجه نموده است و اما برای اینکه انسان بتواند در مسیر صحیح عبودیت پروردگار قرار گیرد او را به همنشینی ودوستی با انسانهای صالح ونیکوکار وجوامعی سالم امر نموده است.

برادران عزیز دین اسلام به این قضیه اهتمام ویژه ای داده است تا جایی که از این موضوع به عنوان « **أوثق عرى الإسلام**» یعنی «محکمترین دستگیره ایمان» یاد کرده است. در حدیثی رسول الله

ﷺ فرمودند: أوثق عرى الإيمان الموالاة في الله والمعاداة في الله و والحب في الله والبغض في الله عز وجل» (رواه الطبراني وصححه الألباني) .

ترجمه : محکمترين دستگيره ايمان (يک مسلمان) دوستی او بخاطر الله ودشمنی او بخاطر الله و ومحبت وکينه (دوست نداشتن) در راه الله بلند مرتبه وبزرگوار است.

اين سخن رسول الله ﷺ به اين معناست که ما مسلمانان موظفيم دوستی را برگزينيم که مومن وخدا شناس باشد واز دوستی وهمنشينی با انسانهای گمراه وکافر وفاسق دوری گزينيم و مگر برای مصلحت دعوت وهدايت آنها به سوی اسلام وايمان.

الله متعال در سوره مبارکه مجادله می فرمايند: ﴿لَّا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ يُوَآدُّونَ مَنْ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوْ كَانُوٓا۟ ءَابَآءَهُمْ أَوْ أَبْنَآءَهُمْ أَوْ إِخْوَٰنَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ كَتَبَ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ ۖ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ رَضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ حِزْبُ ٱللَّهِ ۚ أَلَآ إِنَّ حِزْبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾﴾ (المجادلة: ٢٢)

ترجمه: قومی را نمی يابی که به الله وروز رستاخيز ايمان داشته باشند [و] کسانی را که با الله ورسولش مخالفت کرده‌اند - هر چند پدرانشان يا پسرانشان يا برادرانشان يا عشيره آنان باشند- دوست بدارند و الله در دل آنها ايمان را نوشته وآنها را با روحی از جانب خود تاييد کرده است وآنان را به بهشتهايی که از زير [درختان] آن جويهايی روان است در می‌آورد هميشه در آنجا جاودانند الله از ايشان خشنود وآنها از او خشنودند اينانند حزب الله و آگاه باشيد که همانا (تنها) حزب الله است که رستگارانند.

و در آيه ديگری الله متعال ابراهيم خليل الله را به عنوان الگو ونمونه برای ما معرفی می کند تا در دوستی ودوست يابی به وی اقتدا نماييم واز دوستی با دشمنان الله دوری گزينيم آنجا که می فرمايد:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِىٓ إِبْرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذْ قَالُوا۟ لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُا۟ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةُ وَٱلْبَغْضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَحْدَهُۥٓ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمْلِكُ لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ ۖ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٤﴾﴾ (الممتحنة: ۴)

ترجمه: قطعا برای شما در [پيروی از] ابراهيم وکسانی که با اويند سرمشقی نيکوست آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما واز آنچه به جای الله می‌پرستيد بيزاريم به شما کفر می‌ورزيم وميان ما وشما دشمنی وکينه هميشگی پديدار شده تا وقتی که فقط به الله ايمان آوريد جز [در] سخن ابراهيم [که] به پدرخود [گفت] حتما برای تو آمرزش خواهم خواست با آنکه در برابر الله اختيار چيزی را برای تو ندارم ای پروردگار ما بر تو اعتماد کرديم وبه سوی تو بازگشتيم وفرجام به سوی توست (۴)

الله متعال در آيه ديگر ياران باوفای رسول الله ﷺ را چنين توصيف ميکند :

﴿مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ ٱللَّهِ ۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ ۖ ﴿٢٩﴾﴾ (الفتح: ٢٩)

ترجمه: محمد ﷺ پيامبر الله است وکسانی که با اويند بر کافران سختگير [و] با همديگر مهربانند.

برادران نمازگزار با توجه به این نصوص (آیات واحادیث) بر تمامی ما واجب است که دوست وهمنشین نیکو را برگزینیم واز دوستی با انسانهای نادرست وبی ایمان دوری جوییم.

انسان عاقل همیشه از دوستی با نادانان وبدکاران پروا داشته ومیداند که کردار سوء آنها در همنشینشان نیز تاثیر گذار خواهد بود . چنانچه شاعر می گوید:

همنشین تو به باید و تا تو را عقل ودین بیافزاید

قرآن کریم داستان زیبایی را برای ما به تصویر میکشد که در زمان رسول الله ﷺ به وقوع پیوست ودر این داستان تاثیر دوست سوء ونادان بخوبی آشکار می گردد.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ وَيَوْمَ يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَٰلَيْتَنِي ٱتَّخَذْتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٧﴾ يَٰوَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾ لَّقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَآءَنِي وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِلْإِنسَٰنِ خَذُولًا ﴿٢٩﴾ ﴾

الفرقان: (٢٧ - ٢٩)

ترجمه: و(روز قیامت) روزی است که ستمکار دستهای خود را می گزد [و] می گوید ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم (٢٧) ای وای کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم (٢٨) او [بود که] مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود و(حقیقت را دریافته بودم) شیطان همواره انسان را خوار میگرداند (٢٩)

و الله را به اسماء وصفات نیکش مسئلت می کنم که همواره به ما حق را بصورت حق بنمایاند تا از آن پیروی نموده و وباطل را بصورت باطل آشکار کند و تا از آن دوری کنیم. واز ما اشخاصی بسازد که هدایت شده وسبب هدایت دیگران گردیم. واز او جل وعلا خواهانیم که دلهای مارا به نور علم وایمان روشن گردانیده و وعلم ما را وبالی بر گردنمان نسازد. از او می خواهیم که اعمال ما را خالصانه جهت وجه کریم خود ورضایش قرار داده واز این امت نسلی بسازد که به احکام الله آگاه بوده واز حدود وقوانین او محافظت نموده وبه اوامر الله پایدار باشند تا بتوانند هدایتگر بندگانش باشند.

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمدلله القائل : «الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقين» وأصلي وأسلم على رسوله الكريم الذي قال : «المرء على دين خليله و فلينظر أحدكم من يخالل» وعلى آله وصحبه أجمعين ومن تبعهم بإحسان الى يوم الدين . أما بعد :

هیچ شکی در این نیست که همنشینی با انسانهای نیکوکار ومفید آثار وپیامدهای بسیار ارزشمندی را برای خود فرد وحتی برای جامعه در پی خواهد داشت زیرا با مجالست وهمنشینی با نیکوکاران افراد جامعه از یکدیگر تاثیر مثبت پذیرفته ودر پی آن جامعه به نیکی ونیکوکاری روی خواهد آورد وجامعه ای که به خیر ونیکی وتقوی روی آورد برکات الهی بر آن سرازیر خواهد شد همانگونه که الله متعال در این باره می فرماید:

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ﴿ وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَفَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَرَكَٰتٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ ﴾ (الأعراف: ٩٦)

ترجمه : واگر مردم شهرها ایمان آورده وبه تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان وزمین برایشان می گشودیم.

همچنین اهل بهشت برین الهی همگی آنها از همنشینان نیک وانسانهای صالح ونیکوکار می باشند آنهایی که در دنیا راه خیر ونیکی را در پیش گرفته وبا صالحان ونیکوکاران مجالست وهمنشینی نمودند.

الله متعال در این باره می فرمایند: ﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتۡ لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلۡفِرۡدَوۡسِ نُزُلًا ١٠٧ ﴾ (الكهف: ١٠٧)

ترجمه: بی‌گمان کسانی که ایمان آورده وکارهای شایسته کرده‌اند باغهای فردوس جایگاه پذیرایی آنان است.

گذشتگان نیک ما سلف صالح این امت به خوبی این مهم را درک نموده وهمانگونه که رسول الله _علیه الصلاه والسلام_ آنها را تربیت نموده بود بر اهمیت همنشینی با انسانهای صالح ونیک تاکید کرده وهمواره بر آن مواظبت می نمودند.

«امام بخاری در کتاب صحیح خویش ذکر نموده اند که:

«آخى النبي صلى الله عليه وسلم بين سلمان وأبي الدرداء فزار سلمان أبا الدرداء فرأى أم الدرداء متبذلة فقال ما شأنك قالت أخوك أبو الدرداء ليس له حاجة في الدنيا فجاء أبو الدرداء فصنع له طعاما فقال له كل فإني صائم قال ما أنا بآكل حتى تأكل فلما كان الليل ذهب أبو الدرداء يقوم فقال له نم فنام ثم ذهب يقوم فقال له نم فلما كان من آخر الليل قال سلمان قم الآن فصليا جميعا فقال له سلمان إن لربك عليك حقا وإن لنفسك عليك حقا ولأهلك عليك حقا فأعط كل ذي حق حقه فأتى النبي صلى الله عليه وسلم فذكر ذلك له فقال النبي صلى الله عليه وسلم صدق سلمان».

پیامبر اسلام بین سلمان فارسی وابی الدرداء (پیمان) اخوت وبرادری برقرار نمودند و (روزی از روزها) سلمان به زیارت ابوالدرداء رفتند وام درداء (همسر ابوالدرداء) را دیدند که لباسی بسیار کهنه پوشیده بود و پس به او گفت : چرا اینگونه لباس پوشیده ای ؟ (ام درداء در جواب سلمان) فرمود: برادرت ابوالدرداء هیچ میل وحاجتی به دنیا (و مال ولذت دنیا) ندارد و پس (از آن) ابوالدرداء آمد وغذایی را برای سلمان تهیه نموده وبه وی گفت (بفرما) بخور زیرا من روزه هستم و (سلمان به ابوالدرداء) گفت : (هرگز) نمی خورم تا اینکه تو نیز (با من) بخوری و هنگامی که شب شد وابوالدرداء برای خواندن نماز شب میرفت به سلمان گفت که تو بخواب و سلمان نیز خوابید اما ابوالدرداء راهی نماز خواندن شد و سلمان خطاب به وی گفت اینک بخواب و هنگامیکه به نهایت شب نزدیک می شدند سلمان به ابوالدرداء گفت : اینک برخیز تا نماز بخوانیم و سپس هر دو با هم نماز شب را بر پانموده وپس از آن سلمان به ابوالدرداء گفت: یقینا پروردگار تو ونفس (جسم وجان تو) واهل (و خانواده) تو و (همه اینها) بر گردن تو حق دارند پس حق هر صاحب حقی را (به وجه احسن) ادا کن . پس از آن سلمان به نزد رسول الله علیه الصلاه والسلام آمده وواقعه را برای

وی بازگو نمودند ورسول الله علیه الصلاه والسلام فرمودند: سلمان راست گفته است.»

مومنان عزیز بنگرید چگونه صحابه ویاران پیامبر چگونه یکدیگر را به تقوی ونیکوکاری سفارش وتشویق مینمودند وچگونه حق رفاقت ودوستی را ادا می نمودند و آری اینگونه است آثار همنشینی با نیکوکاران.

برادران عزیز و همنشینان ودوستان بد وناشایست همیشه سبب انحراف وبدبختی رفیق وهمراه وی در دنیا وچه بسا در آخرت می باشند. بهترین دلیل وشاهد برای این مدعا داستان مرگ ابوطالب می باشد که در کتاب صحیح امام بخاری ذکر شده است . وقتی که ابوطالب در حال جاندادن وسکرات الموت بود رسول الله _ علیه الصلاه والسلام _ به نزد وی رفت وبه او گفت: عمو جان بگو لا اله الا الله تا بتوانم با این کلمه در نزد الله تو را شفاعت کنم واز آتش رهایی یابی. اما دوستان شر وناباب و ابوجهل وعبدالله ابن ابی امیه کنار سر وی نشسته بودند ودر گوش وی زمزمه میکردند ومیگفتند: آیا از دین وآیین عبدالمطلب روی گردان میشوی؟ تا اینکه ابوطالب با این حرف که او بر دین عبدالمطلب می باشد یعنی دین شرک وبت پرستی از این دنیا رفت.

آری دوستان گرامی این بود نمونه ای از تاثیر دوستان وهمنشینان بد که از الله متعال خواهان وخواستاریم تمامی ما وخانواده ها وفرزندانمان را از دوستان ناباب وبی دین محفوظ بدارد وتوفیق همراهی وهمنشینی با صالحان ونیکوکاران را نصیب مان بگرداند تا در روز قیامت از رفاقت با آنها انگشت ندامت را به دهان نگیریم واز جمله زیانکاران نباشیم.

در نهایت یاد آور میشویم که تمامی ما مسئول فرزندان وزیردستان وخانواده خود هستیم ودر روز قیامت در مورد یکایک آنها وهمنشینان آنها بازخواست خواهیم شد پس هرگز در اهتمام به صلاح وشایستگی دوستان وهمراهان فرزندان وزیردستان خود کوتاهی نکنیم.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥٦)

اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

صله رحم (روابط با خویشاوندان)

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾ (النساء: ١)

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

برادران وخواهران گرامی! روابط خویشاوندی به دو نوع تقسیم میگردد:

١- قرابت نسبی

٢- قرابت دینی وایمانی

قرابت نسبی دو نوع است: نوعی از آنها میراث میبرند ونوعی نمیبرند. در قرابت نسبی بر بعضی نفقه لازم است وبر بعضی نفقه لازم نبوده بلکه از روی احسان وصله رحم صورت میگیرد.

اما قرابت دینی وایمانی همانا برادری اسلامی است و که الله متعال فرموده است: ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ ١٠﴾ (الحجرات: ١٠)

(همانا مومنان برادر یکدیگر اند).

هر مسلمانی بر دیگر مسلمان حقوقی دارد که باید ادا گردد و پس وقتیکه قرابت نسبی وایمانی با هم یکجا شود و دو حق با هم یکجا میشود: یکی خویشاوندی ودیگر حق برادری دینی. واگر قرابت نسبی در بین نبود و پس قرابت وحقوق ایمانی واسلامی باقی میماند.

دوری وبریدن از پدران و مادران و برادران و خواهران و پدر بزرگها و مادر بزرگها یا بالاتر از آنها و فرزندان ونوه های آنها یا پایینتر از آنها و عموها و عمه ها و دایی وخاله ها وفرزندان آنها و از گناهان بزرگ به شمار میرود.

چون رابطه وصله رحم با خویشاوندان مرتبه ومقام بلندی در نزد الله متعال دارد لذا او تعالی آنرا پیوسته با نام مبارك خود در سورۀ نساء ذکر نموده است: ﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾ (النساء: ١)

«و بترسید از ینکه پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید (و صله رحم را نادیده گیرید) و زیرا که بی گمان الله مراقب شما است».

و در سورۀ الرعد قطع علاقه با خویشاوندان را پیوسته با پیمان شکنی وفساد در روی زمین ذکر نموده است سپس هشدار می دهد که سرانجام وعاقبت چنین مردمانی اینست که مورد نفرین الله متعال قرار گرفته به سرنوشت بدی دچار خواهند شد و چنانکه الله متعال میفرماید:

﴿ وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ٢٥ ﴾ (الرعد: ٢٥).

«و اما کسانیکه پیمان الله را می شکنند که با ایشان بسته است وپیوندی را میگسلانند که الله به حفظ ونگاهداشت آن دستور داده است ودر روی زمین به فساد وتباهی میپردازند و نفرین بهره ایشان است وپایان بد جهان (که دوزخ سوزان است) آز آن آنان است».

به دلیل آیات فوق بریدن با خویشاوندان گناه بزرگ وافترا میباشد.

ابن حجر هیثمی رحمه الله کناره گیری از خویشاوندان را از گناهان کبیره شمرده است وبه آیات فوق ودیگر آیات و که گناه قطع کننده را بیان داشته است و استدلال نموده است[(1)].

حالات قطع رابطه با خویشاوندان واقارب:

میتوان در نکات ذیل حالات قطع رابطه با خویشاوندان را بیان کرد:

١- عدم کمک وهمکاری با خویشاوندانیکه محتاج وتنگدست اند.

٢- سخن چینی وتفرقه افگنی میان آنان.

٣- عدم دید وبازدید وپرسیدن از حال آنان.

٤- اشتراک نکردن در خوشی وغم آنان و شاید سالها با هم همسایه باشند ولی روزی هم از حال یکدیگر نمیپرسند.

٥- تعلیم ندادن امور دینی که به آن احتیاج دارند و در حالیکه وی قادر به اینکار است.

٦- دعوت ندادن گمراه ومشرکِ آنها را به دین مقدس اسلام.

٧- تحقیرنمودن واعلان بیزاری از آنها در مجالس عامه بخاطر فقیر بودن آنها یا به سبب دیگری.

اموریکه باعث قطع رابطه میان خویشاوندان میشود:

١- ندانستن عواقب بدیکه از کناره گیری با خویشاوندان ببار می آید.

چنانکه ندانستن فضایل وخوبیهایی که در دوستی ومحبت میان اقارب است. منجر به بریدن وترک آنان میگردد.

٢- ضعف تقوی وپرهیزگاری نیز باعث قطع علاقه میان خویشاوندان میگردد زیرا شخص بی تقوا در مسایلی که الله متعال امر نموده است بی اعتنا بوده انتظار پاداش اخروی را نداشته و از عواقب وخیم قطع رابطه با خویشان واقارب هراسی ندارد.

٣- تکبر: بعضی مردمان اگر به منصب یا مقام بلندی دست یابند ویا ثروتمند وسرمایه دار گردند و خویش را بر اقارب ونزدیکانش بلند میشمارد و وگمان میکند که عالیقدر ومحترم اند پس باید دیگران نزد وی بیایند واز احوالش بپرسند.

(١) زواجر: ٢ / ١٢٣.

۴- جدایی ودوری طولانی با اقارب از دوستی ومحبت میان آنان کاسته و به تنهایی عادت میگیرند تا اینکه رفته رفته به بریدن وترک یکدیگر منجر میشود.
۵- بعضی مردمان عادت دارند اگر کسی از اقارب ایشان بعد از مدت درازی به دیدن شان بیاید وی را ملامت نموده با سخنان سخت ونادرست از او پذیرایی میکنند و این کار باعث نفرت وانزجار جانب مقابل گردیده شاید در آینده از ترس سخنان زشتش به دیدنش نیاید. از اینجا قطع علاقه وجدایی میان خویشاوندان رخ میدهد.
۶- تکلف بیش از حد وبی مورد: بعضی بر آن اند و اگر کسی از خویشاوندانش به دیدنش بیاید و در پذیرایی واستقبال آنان تکلف بیش از حد نموده و پول زیادی را مصرف می کنند وبه خود ضرر می زنند شاید هم شخص تنگدستی باشد و از اینجاست که خویشاوندانش از رفتن به منزل او کاسته البته به بیم اینکه او را مبادا در تنگناه ومخاطره اقتصادی واقع سازند.
۷- بخل: بعضی مردم اگر الله متعال بر ایشان مال وثروت را ارزانی نماید و از خویشاوندان واقارب خویش در فرار شده کناره گیری میکنند و زیرا اینچنین اشخاص در هراس هستند که مبادا کسی از اقارب ایشان چیزی از آنان بخواهد و به این سبب جدایی وقطع رابطه میان ایشان ایجاد میگردد.
پس چه سودی است در ثروت دارایی که خویش واقارب از آن مستفید نشوند؟
۸- بی توجهی با مهمانان: بعضی مردم از خویشاوندان ومهمانانی که وارد منزلش میشوند استقبال درست ننموده با دل سردی وبی توجهی با آنان صحبت میکنند و شاید به سخنان آنان گوش ندهند واز آمدن آنها سپاسگذاری نکرده چنین وا نمود می کنند که آمدن آنها مورد پسند نبوده خسته کننده میباشد و اینکار باعث میگردد تا دوستان واقارب از دیدنش صرف نظر کنند.
۹- زشتی وبد رفتاری بعضی از زنان: بعضی از خانواده ها دچار زنهای بد خلق وبی عاطفه میشوند و اینچنین زنها تحمل آنرا ندارند تا کسی از اقارب ودوستان به دیدن آنها بیایند و اصلا نمیخواهند شوهرانشان کسی را به خانه دعوت کند ویا رفت وآمدی در میان آنها باشد و واگر کسی هم به خانه ایشان بیاید برخورد خوبی نمیکنند وبدین ترتیب قطع رابطه میان خانواده ها صورت میگیرد. چنانکه بعضی از شوهران اختیار وصلاحیت امورخانه را به خانم خود میدهند تا وی تصمیم بگیرد که با کدام خانواده رفت وآمد ودوستی کنند وبا کی قطع رابطه نماید و وشوهر بدون داشتن دیدگاه درست مطیع زن شده و برنامه های خانم را بدون در نظر داشت عواقب آن پیاده میکند که اینگونه تابع زن بودن و عواقب خوبی نداشته احیاناً در بعضی خانواده ها باعث قطع رابطه شوهر با پدر ومادرش میگردد.
۱۰-فراموش کردن خویشان واقارب در محافل خوشی:
بعضی از خانواده ها هرگاه برنامه های خوشی ویا محافل عروسی ویا مهمانیهایی داشته باشند خویشاوندان و اقارب ودوستان خود را بوسیله کارت یا بوسیله تلفن ویا هم زبانی به مراسمشان دعوت مینمایند و لکن احیانا در بعضی ازین موارد دوستی اشتباها فراموش میشود و واگر شخص

فراموش شده مرد بی حوصله یا عصبانی یا بدگمان ویا ضعیف النفس باشد این فراموشی را تحقیر وبی اعتنایی به شخصیت خویش دانسته بلاخره این گمان ها وی را به قطع روابط با اقارب می کشاند.

۱۱-حسد وبد خواهی: گاهی هم دیده میشود شخصی را که الله متعال ثروت و علم ودانایی و مقام ومنزلت عالی عطا میفرماید و یا اینکه محبت ودوستی اش را در دلهای مردم جایگزین میکند و ویا اینکه خدمتگذار ودلسوز به خویش واقارب میباشد بلا فاصله بعضی ها با وی و درِ عداوت وحسادت را باز نموده در پی مشکوک کردن شخصیت وی شده فضای صفا وصمیمیت را میان وی ودیگران مضطرب وآشفته میسازد.

۱۲-بی صبری وعدم تحمل با اقارب: بعضی مردم تحمل جزئی ترین مسأله را از اقارب خویش ندارند و آنان کوچکترین لغزش یا سهو وخطای یکی از اقارب را وسیله وبهانه ای برای قطع روابط گرفته مناسبات وعلاقات خودرا با آنان قطع می کنند.

۱۳-مزاح های خارج از دایرۀ ادب وشوخی های بی حد وبیجا: مزاح وشوخی بی مورد وبیجا پیامد های بدی به دنبال دارد و شاید شخصی سخنی توهین آمیز را در مجلسی بگوید که بر شخص مخاطب تاثیر بد نموده او را احساساتی نماید وسبب بغض وکینه میان آنان گرد و اکثرا اینچنین ناراحتی ها در جمع شدن اقارب صورت میگیرد.

۱۴-واقع شدن طلاق وعکس العمل اقارب: طلاق نیز یکی از اسباب عمده واساسی کدورتها میان خانواده ها میباشد و که بیشتر سرچشمه آن امور کوچک خانوادگی وسوء تفاهم بین زوجین است که سبب قطع روابط خویشاوندان ذی ربط میگردد.

۱۵-شراکت میان خویشاوندان: شاید هم گاهگاهی بعضی از برادران یا اقارب ودوستان برنامه های تجارتی را میان هم طرح نموده شروع بکار نمایند که معمولا در ابتدا اصول وشرایط مربوط به کار را به طور واضح بیان نمیکنند و زیرا گمانهای نیک وعلاقات اجتماعی وقرابتیکه میان آنها وجود دارد آنها را از ذکر شروط وا میدارد ایشان در ابتدا مسأله را عادی وسهل جلوه میدهند وهر کدام از طرفهای معامله از خود گذشت نشان میدهند و ولی هنگامیکه تجارت ایشان رونق ووسعت میگیرد و آهسته آهسته بد گمانیهای در بین پیدا میشود که بلاخره به مخالفت ودشمنی می انجامد

۱۶-نزدیکی خانه های خویشاوندان: گاهی هم نزدیکی منازل اقارب باعث نفرت وقطع رابطه میان آنان میگردد و از حضرت عمر - رضی الله عنه - روایت است که وی فرموده است: (به مردمانی که با هم قرابت دارند بگویید تا با یکدیگر دید وبازدید نمایند ولی با هم همسایه نشوند)[(۱)].

۱۷-تأخیر در تقسیم ترکه یا میراث: بعضی مردمان در مورد تقسیم میراث سهل انگاری نموده عواقب بد آنرا در نظر نمیگیرند. به هر اندازه تقسیم میراث تأخیر گردد ودیر زمانی بر آن بگذرد و به همان پیمانه عداوت وآشفتگی ها میان اقارب افزایش میآبد.

(۱) بر الوالدین از امام الطرطوشی: ص: ۱۷۱.

۱۸-مشغولیت بیش از حد در امور دنیوی: بعضی ها آنقدر با دنیا دل میبندند ودنبال آن میروند که همه خویش واقارب را به باد فراموشی میدهند.

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العَالَمِيْنْ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِينّا مُحَمّدٍ و وَعَلى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلىَ يَوْمِ الدِّيْن.

أمّا بعد:

برادران وخواهران عزیز: قطع روابط با خویشاوندان اثر های ناگواری در پی دارد که باید هر انسان عاقل وهوشیار متوجه آن باشد واز آن دوری بجوید و در نکات ذیل میتوان به این اثر های منفی اشاره کرد:

قطع کننده اقارب مورد نفرین الله متعال قرار گرفته بر قلبش مهر نهاده میشود وگوشش از شنیدن حق عاجز میگردد و الله متعال درین مورد چنین میفرماید:

﴿ فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ﴿٢٢﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ ﴿٢٣﴾ ﴾ (محمد: ۲۲ – ۲۳ [۱]).

ترجمه: «آیا اگر (از قرآن وبرنامه اسلام) روی گردان شوید جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید وپیوند خویشاوندی میان خویش را قطع کنید؟ آنان کسانی اند که الله ایشان را نفرین واز رحمت خویش به دور داشته است لذا گوشهایشان را کر وچشمانشانرا کور کرده است».

به قطع کننده اقارب وعده داده شده است که اعمالش قبول نمیگردد. از ابو هریره – رضی الله عنه – روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«اعمال بنی آدم در هر پنجشنبه و شب جمعه به حضور الله بزرگ ومتعال پیش میشود والله عمل قطع کننده رحم را نمیپذیرد» [(۲)].

جدا شونده خویش را در معرض دعای بد اقارب قرار میدهد و خصوصا اگر خویشاوندانش فقیر وتنگدست وخودش ثروتمند باشد و در این صورت وی از خیر بزرگ (دعای نیک اقارب) محروم شده بر عکس دعاهای بد آنها را در حق خود میپذیرد.

قطع رابطه با اقارب باعث گسیخته شدن پیوند ورشته های دوستی میان خانواده ها میشود.

الله متعال میفرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾ ﴾ (النحل: ۹۰.)

«الله به انصاف ونیکوکاری ونیز بخشش به خویشاوندان دستور میدهد واز ارتکاب گناهان بزرگ وانجام کارهای نا شایسته وتجاوز وستمگری نهی میکند و والله اندرز میدهد تا اینکه پند گیرید».

(۱) محمد: ۲۲– ۲۳.

(۲) مجمع الزوائد ۸ / ۱۵۱.

و در جای دیگری الله متعال میفرماید:

﴿ فَـَٔاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٣٨ ﴾ (الروم: ٣٨) .

«پس حق نزدیکان- که نیکویی وصله رحم با آنان است- وحق مستمندان ووامانده‌گان در راه را بده. این برای کسانی که خواهان پاداش و خشنودی الله هستند و بهتر است؛ وآنان قطعا رستگار اند».

اما احادیثی که دلالت صریح بر واجب بودن صلۀ رحم میکند قرار ذیل است:

در روایت بخاری آمده که الله ﷻ فرمود:

«أَلاَ تَرْضَيْنَ أَنْ أَصِلَ مَنْ وَصَلَكِ و وَأَقْطَعَ مَنْ قَطَعَكِ»

«کسی که به تو (یعنی رحم) میپیوندد و با او میپیوندم واز کسی که با تو ببرد از او می برم».

از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«لَيْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِئِ و وَلَكِنِ الْوَاصِلُ الَّذِى إِذَا قُطِعَتْ رَحِمُهُ وَصَلَهَا»

«صرف «پیوسته داشتن» پیوند قرابت کافی نیست و بلکه پیوند دهنده حقیقی کسی است که چون پیوند قرابتش قطع گردد آنرا پیوسته بدارد»[(۱)].

چنانکه آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: «از الله بترسید وصلۀ رحم هایتان را پیوسته دارید»[(۲)].

امام قرطبی در مورد صله رحم چنین میفرماید: «همه ملت اسلام بر واجب بودن صلۀ رحم وحرام بودن بریدن آن اتفاق دارند و چنانکه از پیغمبر الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت است و هنگامیکه اسماء از آنحضرت پرسید که آیا با مادرم بپیوندم؟ فرمودند: (آری با مادرت بپیوند) در حالیکه مادرش کافر بود ولی آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بخاطر تأکید ولازم بودن صله رحم وی را از پیوستن با مادر مشرکش منع نکرد»[(۳)].

صلۀ رحم یا رابطه با اقارب فضیلت ونتایج خوب دنیوی وأخروی را در بر دارد که آیات و احادیث واقوال علماء وحکما گواه بر آن است.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾(الأحزاب:٥٦)

و اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

(۱) نزد بخاری در ادب مفرد.

(۲) جامع صحیح: ۱۰۸ (۱ / ۸۳) وسلسلهٔ احادیث صحیحهٔ البانی: ۸۶۹.

(۳) تفسیر قرطبی ۵ / ۱۲.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

وحدت وشفت بین صحابه واهل بیت

خطبه اول

الحمد لله الذي جمع بين قلوب الموحدين ووحد صفوف أهل الإيمان من الصادقين والمخلصين لا سيما الصحابة وآل بيت رسوله الأقربين والصلاة والسلام علي من علمنا الصدق واليقين والمحبة في الدين وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلي يوم الدين.

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢).

«ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.

الله متعال در مدح وستایش صحابه واهل بیت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: ﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ سِيمَاهُمۡ فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِۚ وَمَثَلُهُمۡ فِي ٱلۡإِنجِيلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعۡجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلۡكُفَّارَۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنۡهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمَۢا ٢٩﴾ (الفتح: ٢٩)

«محمد فرستاده الله است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و و در میان خود مهربانند و پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی و آنها همواره فضل الله و رضای او را می‌طلبند و نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است و این توصیف آنها در تورات است و و توصیف آنها در انجیل همانند نهالی است که جوانه‌های خود را خارج ساخته و سپس به تقویت آن پرداخته و تا محکم شده و و بر پای خود ایستاده است و و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد! این برای آن است که کافران را به خشم آورد و الله کسانی از آنها را که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.»..

برادران مسلمان وسروران گرامی! در تاریخ سابقه ندارد که شاگردان وجان نثاران رسول وپیامبری پس از ایمان وپخته شدن در کوره آزمایشات وکسب دهها وصدها مدال افتخار و با خاندان مؤمن او به ستیز بپردازند و اما متاسفانه با تحریف تاریخ ودروغ پردازیهای تخیلی وافسانه ای دشمنان اسلام چنین وانمود شده که گویا پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در تفهیم واجرای رسالت خود نعوذ بالله ناکام بوده و ودر تمام مدت بیست وسه سال دوران طلایی تاریخ بشر که ایشان نمونه کامل از یک انسان کامل با پشتیبانی وحی ونظارت الهی و رهبری جهان معنویت را به عهده داشته و نتوانسته - جز چند نفری که تعدادشان حد اکثر از عدد انگشتان دو دست بیشتر نیست - شاگردانی را پرورش دهد که پس از وی حد اقل باخانواده ایشان رابطه صمیمی داشته باشند!

بسیار عجیب است! چگونه باید چنین فهم نادرستی را باور کرد و در حالی که طبق شواهد روشن

وبراهین قاطع و صحابه واهل بیت نه تنها یار ویاور یکدیگر بودند و بلکه با وجود بعضی رنجشهای طبیعی در جامعه بشری و پیوند ناگسستنی بین آنان وجود داشت وبشدت به یکدیگر احترام داشتند وبا یکدیگر پیوند خویشاوندی برقرار میکردند و وبه نامهای یکدیگر افتخار میورزیدند.

علی رضی الله عنه از فرط محبتش با خلفای ثلاثه ابوبکر وعمر وعثمان رضی الله عنهم و سه تا از فرزندانش را با نام گرامی آنان نامگذاری می کند.

ابوبکر ابن علی ابن ابی طالب- رضی الله عنهما- که با برادر بزرگوارش حضرت حسین - علیه وعلی آبائه الصلاۀ والسلام - در صحنه کربلا به شهادت می‌رسد.

عمر ابن علی بن ابی طالب - رضی الله عنهما- که با برادر بزرگوارش حضرت حسین رضی الله عنه در حماسه کربلا شرکت می کند وپس از جهاد ومبارزه و زنده با حضرت زین العابدین به مدینه بر می گردد. ونسلش ادامه پیدا میکند.

عثمان ابن علی ابن ابی طالب- رضی الله عنهما- که با برادر بزرگوارش امام حسین رضی الله عنه در کربلا به شهادت می‌رسد.

حضرت حسن مجتبی - رضی الله عنه- نیز سه تا از فررندانش را ابوبکر وعمر وطلحه - رضی الله عنهم - نام می گذارد که با عمویشان درکربلا به شهادت می‌رسند.

حضرت حسین - رضی الله عنه- نیز فرزندش را عمر - رضی الله عنه- نام می گذارد.

حضرت زین العابدین - رضی الله عنه- یک دخترش را عایشه - رضی الله عنها - ویک پسرش را عمر - رضی الله عنه- نام می گذارد و که نسل عمر ابن زین العابدین ادامه پیدا می کند.

همچنین بقیه اهل بیت از نسل عباس ابن عبدالمطلب ونسل جعفر ابن ابی طالب ومسلم ابن عقیل ودیگران و که در اینجا ما در صدد ذکر تمام این اسمها نیستیم بلکه مقصود فقط ذکر نمونه هایی است که مطلب مورد نظر را روشن کند.

از بازرترین ویژگیهای اسم این است که دلالت بر عقل ومکتب اعتقادی شخص می کند و به طور مثال دشوار وشاید نامکن است که شما شنیده باشید یهود ونصاری فرزندانشان را (محمد) بنامند! یا اینکه مسلمانان فرزندانشان را لات وعزی یا فرعون وهامان وابوجهل وابولهب بنامند!

شریعت پاک محمدی به اسم اهمیت فوق العاده ای قائل شده است و لذا رسول محبوبمان اسم بعضی صحابه را اعم از زن ومرد عوض می کردند و بلکه حتی اسم شهرشان را از یثرب به مدینه تبدیل کردند و کما اینکه حضرتش مانع از نامگذاری بعضی اسمها شدند وبه بعضی اسمها مانند عبدالله وعبدالرحمن وغیره که در آن اشاره به مقام بندگی برای الله است ترغیب فرمودند: (**أحبُّ الأسماء إلي الله عبدالله وعبدالرحمن**) «محبوبترین نامها در نزد الله متعال و عبدالله وعبدالرحمن است».

خلاصه اینکه مسألهی نامگذرای ائمه اهل بیت (علیهم السلام) فرزندانشان را به نامهای افتخار انگیز ابوبکر وعمر وعثمان وعائشه وطلحه وزبیر ومعاویه ودیگر بزرگان صحابه (**رضوان الله علیهم اجمعین**) یکی از مسائل مهمی است که دلالت بر محبت وصمیمیت فوق العاده در بین آن بزرگواران می کند.

عربها به مصاهره اهمیت ویژه ای قائل بودند و آنان به نسب افتخار می کنند کما اینکه به دامادها وموقعیت ومنزلت آنان افتخار می کنند و لذا مشهور است که عربها کسی را که از خودشان شأن ومنزلت کمتری داشته باشد به دامادی خود قبول نمی‌کنند و بلکه در نزد بسیاری از جوامع غیر عرب نیز وضعیت به همین منوال است و

در ضمن این معیار و بخشی از دیدگاه شریعت نیز هست. کما اینکه فقهای بزرگوار موضوع «کُفء»یا کفایت (هم سطح بودن) در دین ونسب وحرفه ومباحث مختلفی که به آن تعلق می گیرد را مورد بحث قرار داده وبه آن اهمیت فراوان داده اند.

حتی خواستگاری را ببینید که چقدر مهم تعریف می شود وخانواده عروس با چه دقتی در باره مرد خواستگار تحقیق وبررسی میکنند و فکر می کنند و مشورت می کنند ودر نهایت هیچ الزامی هم ندارند و ممکن است موافقت کنند ویا با کمال اختیار وجرأت وشهامت مخالفت خودشان را اعلان میکنند و آنان مختارند هزار بار بیندیشند که آیا شایسته است دست عزیز وجگر گوشه شان را به دست این مرد بدهند یا خیر؟

خواهر حضرت حسن مجتبی وحضرت حسین سید الشهداء و دختر فاطمه زهراء« ام کلثوم » رضی الله عنها را پدرش امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب - رضی الله عنه- به ازدواج فاروق اعظم عُمر ابن خطاب (رضی الله عنه) در می‌آورد و

صفی الدین محمد بن تاج الدین معروف به ابن الطقطقی الحسنی (متوفای ۷۰۹ هجری در ذیل عنوان بنات امیر المؤمنین علی علیه السلام) می‌نویسد: «**وام كلثوم وأمها فاطمة بنت رسول الله تزوجها عمر بن الخطاب فولدت له زيدا ثم خلف عليها عبد الله بن جعفر**».

یعنی «یکی دیگر از دختران امیر المؤمنین ام کلثوم می‌باشد که مادرش فاطمه دختر رسول الله است که عمر بن خطاب با وی ازدواج کرد وفرزندی به نام زید از او به دنیا آورد وپس از عمر به عقد عبدالله ابن جعفر در آمد».

ملا باقر مجلسی می‌نویسد: «... همچنین است انکار شیخ مفید از اصل جریان ازدواج. این برای بیان این مطلب است که آن (ازدواج) از طریق آنها ثابت نشده است و والاّ بعد از ورود آن روایات وروایات دیگری که با سند خواهد آمد که علی علیه السلام هنگامی که عمر وفات کرد نزد ام کلثوم آمد واو را با خود به خانه خودش برد و وروایات دیگری که از بحار الانوار آورده ام این انکار و عجیب می‌نماید و اصل جواب این است که این ازدواج از روی تقیه واضطرار بوده است.......الخ»!!!

صاحب اصول کافی چندین حدیث درکتابش آورده است از جمله (**باب المتوفي عنها زوجها المدخول بها أن تعتد وما يجب عليها: عن ابي عبدالله عليه السلام قال: سألته عن المرأة المتوفي عنها زوجها أتعتد في بيتها أو حيث شاءت؟ قال: بل حيث شاءت إن عليا عليه السلام لما توفي عمر أتي أم كلثوم فانطلق بها إلي بيته**)

« معاویه ابن عمار می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم زنی که همسرش وفات کند باید در خانه اش (عده)بنشیند یا هر جایی که خواست؟ فرمود بلکه هر جائیکه خواست و علی علیه السلام هنگامی که عمر وفات کرد و ام کلثوم را با خود به خانه خودش برد.)

این خود می‌رساند که این دو خانواده چقدر یکدیگر را دوست می‌داشتند وبه یکدیگر احترام می‌گذاشتند وجوّی سرشار از الفت ومحبت در میان آنان حاکم بود و چرا چنین نباشد و درحالیکه خود رسول الله ﷺ داماد (شوهردختر) عمر(رض) بود و بنابر این رابطه گرم اجتماعی بین خانواده رسول الله ص وخانواده عمر(رضی الله عنه) قبل از این ازدواج هم برپا بود .

نمونه دیگر فرموده‌ی حضرت جعفر صادق رضی الله عنه است که فرمودند: (ولَدَنِی ابوبکر مَرَّتین) آیا می‌دانید مادر امام صادق کیست؟ «ام فروه» دختر قاسم ابن محمد ابن ابی بکر صدیق رضی الله عنه شما را به الله فکر کنید وبیندیشید که انسان به چه کسی افتخار میکند؟!

پس گفتیم که عمر فاروق رضی الله عنه با ام کلثوم دختر حضرت فاطمه زهراء دختر گرامی رسول الله ازدواج کرده کما اینکه مادر حضرت جعفر صادق رضی الله عنها از هر دو طرف نوه‌ی ابوبکرصدیق رضی الله عنه است.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين والحمدلله رب العالمين.

آداب تلاوت قرآن کریم

خطبه اول

الحمد لله الذي جعل القرآن ربيع قلوبنا ونور صدورنا وذهاب همومنا وغمومنا وسائقنا ودليلنا إلى جنّاته جنّات النعيم. وأشهد أن محمداً عبد الله ورسوله و وأمينه على وحيه و وخيرته من خلقه و المبعوث بالدين القويم و والصراط المستقيم و أرسله الله رحمة للعالمين و وإماماً للمتقين و وحجة على الخلائق أجمعين. صلى الله عليه وعلى آله وصحبه والتابعين لهم بإحسان و وسلم تسليماً مقروناً بالرضوان. اما بعد: الله متعال میفرماید: ﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ يَرۡجُونَ تِجَٰرَةٗ لَّن تَبُورَ ٢٩ لِيُوَفِّيَهُمۡ أُجُورَهُمۡ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ غَفُورٞ شَكُورٞ ٣٠ ﴾ (فاطر: ۲۹ - ۳۰) «کسانی که کتاب الله می خوانند و ونماز را برپای می دارند و واز چیزهای که بدیشان داده ایم و پنهان وآشکار و بذل وبخشش می نمایند و آنان چشم امید به تجارتی دوخته اند که هرگز بی رونق نمی گردد واز میان نمی رود.*تا الله اجرشان را به تمام وکمال بدهد و واز فضل خود بر پاداششان بیفزاید و چرا که الله آمرزگار وسپاسگزار است.» در عالم هستی هیچ کتابی در فضیلت وبرتری به پایه قرآن کریم نمی‌رسد؛ زیرا نه تنها قرآن خلاصه وعصاره تعلیمات همهٔ انبیاء الهی است و بلکه از همه موجودات آفرینش برتر ووالاتر است. فضیلت قرآن کریم از همه کتابهای آسمانی بیشتر وبالاتر است؛ زیرا کتاب‌های دیگر آسمانی برای برهه‌ای از زمان ومردم خاصّی فرود آمده بود. امّا قرآن برای همه زمان‌ها تا روز قیامت وبرای همه انسان‌ها وجنیان در همه مکان‌ها نازل شده وهمه موظّف هستند به دستورات آن عمل کنند.

قرآن کریم اثر جود وبخشش الهی است که بر قلب بهترین فرد نازل شده است و وپیامبر اسلام صلّی الله علیه وآله وسلم هم در رساندن این بخشش الهی کوتاهی نکرده و بلکه همه آن عطایا ومواهب الهی را به انسان‌های مستعد وقابل و ابلاغ کرده است. بدون تردید تعلیم وتلاوت قرآن بهترین عبادت ها است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم میفرمایند: «خیرکم من تعلم القرآن وعلمه » صحیح بخاری «بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد وبه دیگران بیاموزد» همچنان میفرماید: «**اقْرَؤُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعاً لأَصْحَابِهِ**» روایت مسلم. «قرآن بخوانید؛ زیرا قرآن و در روز قیامت برای یاران خود شفاعت می کند». ودر موضع دیگر میفرماید: «**يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْقُرْآنِ وَأَهْلِهِ الَّذِينَ كَانُوا يَعْمَلُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا تَقْدُمُهُ سُورَةُ الْبَقَرَةِ وَآلِ عِمْرَانَ و تُحَاجَّانِ عَنْ صَاحِبِهِمَا**» روایت مسلم. «روز قیامت و قرآن واهلش و آنانی که در دنیا به قرآن عمل می کردند و آورده می‌شوند وسوره‌های بقره وآل عمران در پیشاپیش او (قرآن) هستند واز یاران شان و دفاع وحمایت می کنند». همچنان میفرماید: «**الَّذِيْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ و والَّذِيْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ**» متفقٌ علیه. «کسی که قرآن را ماهرانه (و بدون داشتن اشتباه ووقفه) بخواند و با فرشتگان بزرگوار ونیکوکار وحی است و وکسی که قرآن را به سختی وهمراه وقفه بخواند وآن خواندن برای او سخت باشد و دو اجر دارد». و میفرماید: «**مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ مَثَلُ الأُتْرُجَّةِ: رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا طَيِّبٌ و وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي لاَ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ**

كَمَثَلِ التَّمْرَةِ: لاَ رِيحَ لَهَا وَطَعْمُهَا حُلْوٌ و وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَقْرَأُ القرآنَ كَمَثَلِ الرَّيْحَانَةِ: رِيْحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ و وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي لاَ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الْحَنْظَلَةِ: لَيْسَ لَهَا رِيْحٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ» متفقٌ عَلَيْهِ. «مثال مؤمنی که قرآن می‌خواند و مانند ترنج است که هم بو وهم مزه‌ی خوب دارد و ومثال مؤمنی که قرآن نمی‌خواند و مانند خرماست که بو ندارد ولی مزه‌اش شیرین است؛ ومثال منافقی که قرآن می‌خواند و مانند ریحان است که بوی آن خوش ولی مزه‌اش تلخ است و ومثال منافقی که قرآن نمی‌خواند و چون حنظل است که بو ندارد ومزه‌ی آن نیز تلخ است».

ای مسلمانان! آیات قرآن کریم سرچشمهٔ هدایت و وکلماتش معدن ارشاد ورحمت است. کسی که به سعادت همیشگی علاقمند است و وسعادت وخوشبختی هر دو جهان را می‌خواهد داشته باشد و بر وی لازم است که روز وشب با قرآن تجدید میثاق کرده وارتباطش را با آن محکم واستوارتر سازد و وآیاتش را به حافظه خود سپرده وبا مغز وفکر خویش در آمیزد تا در پرتو آن کتاب آسمانی و به سوی رستگاری وسعادت جاودانی رهنمون شود.پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَاماً وَيَضَعُ بِهِ آخَرِيْنَ» روایت مسلم. «الله با این قرآن و کسانی را بلند وکسانی دیگر را پست می کند». در موضع دیگر میفرمایند: «لاَ حَسَدَ إِلاَّ فِي اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ و فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَآنَاءَ النَّهَارِ و وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالاً و فَهُوَ يُنْفِقُهُ آنَاءَ اللَّيْلِ وَآنَاءَ النَّهَارِ» متفقٌ عَلَيْهِ. «حسد ورزیدن جز در دو چیز جایز نیست: یکی و مردی که الله و قرآن را به او یاد داده است واو در ساعات شب وروز به آن قیام می کند (حقش را از قرائت وعمل وتعلیم و به جای می‌آورد)؛ دوم و مردی که الله مالی به او داده است واو در ساعات شب وروز و آن را می‌بخشد». همچنان میفرمایند: «يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ: اقْرَأْ وَارْتَقِ وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِي الدُّنْيَا و فَإِنَّ مَنْزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرَؤُهَا» روایت أبوداود و والترمذی وقال: حدیث حسن صحیح. «(درهنگام ورود به بهشت) به قاری وملازم قرآن (در علم وعمل) گفته می‌شود: قرآن بخوان و(از پله‌های بهشت) بالا برو وبا تأنی وتجوید بخوان و چنان‌که در دنیا با ترتیل می‌خواندی و زیرا منزلت تو در (حد) آخرین آیه‌ای است که می‌خوانی».

برادران وخواهران! بر مسلمان لازم است قران کریم را روزانه تلاوت نماید آنرا دور نکند واگر کل یا قسمتی از قران را حفظ دارد باید در حفظ کوشا باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم امت را در این مورد چنین توصیه می نماید: «تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفَلُّتاً مِنَ الإِبِلِ فِي عُقُلِهَا» متفق علیه. «(در خواندن وتذکر گرفتن) بر این قرآن و مداومت وملازمت داشته باشید و زیرا سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست و قرآن و از شتر پای بسته در طناب و گریزان‌تر وفرارتر است (قرآن از ذهن وحافظه‌ی انسان و از شتری که پایش از طناب باز می‌شود و زودتر می گریزد)». پس بر قاری وملازم قرآن لازم است این نعمت بزرگ را که الله بر وی ارزانی داشته از دست ندهد زیرا وی مانند کسی است که شترش را بسته است و که اگر از آن مواظبت کند و آن را خواهد گرفت ودر دست خواهد داشت واگر آن را رها کند و می‌رود. الله ما توفیق دهد واز جمله کسانی نگرداند که پیامبر در روز قیامت از آنان شکایت خواهد کرد و چنانکه قرآن کریم می فرماید: ﴿ وَقَالَ ٱلرَّسُولُ يَٰرَبِّ إِنَّ قَوۡمِي ٱتَّخَذُواْ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ مَهۡجُورٗا ٣٠ ﴾ (الفرقان: ٣٠)

«ورسول الله فرمودند (شکوا کنان به سوی پروردگارش در دنیا (پروردگارا! قوم من) قریش و یا اعراب یا امت (این قرآن را وا نهادند)» ورهاکردند و باید دانست که این شکوای پیامبر صلی الله علیه وسلم هم اکنون ودر هر زمانی که امت ایشان قرآن را رهاکنند و بلند است. ابن قیم رحمه الله می فرماید: (مهجور قرار دادن ووانهادن قرآن بر چند نوع است: یکی از این انواع: گوش ننهادن وایمان نیاوردن به آن است. دوم: ترک عمل به آن است - هر چند که آن را بخواند وبه آن ایمان آورد. سوم: ترک حاکمیت وداوری طلبیدن از آن است. چهارم: ترک تدبر وفهم معانی آن است. پنجم: ترک شفا خواستن ودرمان جستن در بیماریهای دلها از آن است. هر چند که بعضی از این انواع از بعضی دیگر سبکتراند).

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

بندگان الله! برای تلاوت قرآن کریم آداب خاصی هست که باید مسلمان آنرا مراعات نماید. در مرتبه اول مانند سایر عبادات باید خاص برای رضای اوتعالی قران تلاوت نماید. ودرحال طهارت وبا وضو به تلاوت قرآن بپردازد. در حالی که مسواک کرده است و قرآن را تلاوت کند. در شروع قرائت قرآن نخست اعوذ بالله من الشیطان الرجیم می گوییم و چون الله عزوجل می فرماید: ﴿ فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ٩٨ ﴾ (النحل: ٩٨) «آنگاه که قرآن را می خواهی تلاوت کنی از شیطان رجیم به الله پناه ببر». سپس بسم الله الرحمن الرحیم را بخواند به جز سوره توبه تا با عنایت الله متعال و از دخالت‌های شیطانی محفوظ بماند. ترتیل را باید مراعات نماید؛ طوریکه الله امر فرموده است: ﴿وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا ٤﴾ (المزمل: ٤) « وقرآن را با ترتیل بخوان خواندنی» ترتیل عبارت از این است که حروف وکلمات را روشن ادا کند ووقف‌ها را رعایت نماید و آن چنان تند نخواند که حروف وکلمات ووقوف وفواصل به خوبی ادا نشود در مجموع و باید حروف وکلمات را خوب و روشن ودر عین حال متصل ومرتبط به هم ادا کند ووقوف وفواصل آیات را هم مراعات نماید وطوری بخواند که قلوب را به حرکت آورد ودل‌ها را تکان دهد. به پیروی از رسول اکرم با صوت زیبا تلاوت کند. **عَنِ الْبَرَاءِ بنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللهُ عنهمَا قالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَأَ فِي العِشَاءِ بالتِينِ والزَّيْتُونِ و فَمَا سَمِعْتُ أَحَداً أَحْسَنَ صَوْتاً مِنْهُ.** متفقٌ عليه. از براء بن عازب رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که در نماز عشا و سوره‌ی والتین والزیتون را می‌خواند وکسی را که از او خوش صداتر باشد و (ندیده و) نشنیده‌ام.

وعن أبي موسى الأشْعَرِيِّ رضيَ اللهُ عنهُ أنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قالَ لهُ: «لَقَدْ أُوتِيتَ مِزْمَاراً مِنْ مَزَامِيرِ آلِ دَاوُد» متفقٌ عليه. وفي روايةٍ لِمُسلم: أنَّ رسولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قالَ لَهُ:

«لَوْ رَأَيْتَنِي وَأَنَا أَسْتَمِعُ لِقِرَاءَتِكَ الْبَارِحَةَ».
از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم به او فرمود: «قطعه‌ای از صدای خوش والحان «آل داود» به تو داده شده است!». در روایتی دیگر از مسلم آمده است: پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم به او فرمودند: «اگر مرا می‌دیدی در حالی که به تلاوت دیشب تو گوش می‌دادم!».

به هنگام تلاوت قرآن و گریه کند و یا حالت گریه داشته باشد. طوریکه الله مومنان را مدح نموده فرموده است: ﴿ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿١٠٩﴾ ﴾ (الإسراء: ١٠٩)«و بر چهره ها فرومی افتند ومی گریند وبر تواضع آنان می افزاید» عَن ابن مَسعودٍ و رضی الله عنه و قالَ: قَالَ لِی النبیُّ صَلَّي اللهُ عَلَيْه وَسَلَّمَ: «اقْرَأ عليَّ الْقُرآنَ» قلتُ: يا رسُولَ اللّه و أَقْرأ عَلَيْكَ و وَعَلَيْكَ أُنْزِلَ؟ و قالَ: «إِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْ غَيْرِي» فقرَأْتُ عليه سورَةَ النِّساءِ و حَتَّى جِئْتُ إلى هذِهِ الآيَة: ﴿ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾ ﴾ (النساء: ٤١) قال: «حَسْبُكَ الآنَ» فَالْتَفَتُّ إِلَيْهِ. فَإِذَا عيناهُ تَذْرِفانِ». متفقٌ عليه. واز ابن‌مسعود رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم به من فرمودند: «برای من قرآن بخوان» و گفتم: ای رسول الله! من برای شما قرآن بخوانم و در حالی که قرآن بر شما نازل شده است؟! فرمودند: «من دوست دارم که آن را از غیر خود بشنوم» ومن و سوره‌ی نساء را برای پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم تلاوت کردم تا به این آیه رسیدم:

﴿ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾ ﴾«(ای پیامبر) حال اینان چگونه خواهد بود و آن‌گاه که از هر ملتی گواهی بیاوریم وتو را نیز شاهدی بر اینان بیاوریم؟!». آن‌گاه فرمودند: «کافی است!» و به طرف ایشان متوجه شدم و از چشم‌های مبارکش اشک می‌بارید».

قران با آواز متوسط باید خوانده شود؛ نه با صدای آهسته ونه با صدای بسیار بلند. وقتی به آیات رحمت وجنت می‌رسد و از الله متعال مسئلت کند که او را از اهل رحمت وجنت قرار دهد واز رحمت خود محروم واز جنت قرب خود دور نسازد ووقتی به آیات عذاب وآتش وآیات عذاب وغضب می‌رسد و بترسد وبه الله متعال پناه ببرد که از اهل عذاب وآتش نگردد. آیات قرآن کریم را نباید در رکوع وسجده بخواند زیرا رکوع وسجده موضع ذلت است ودر چنین حالت قرآن نباید خوانده شود چنانکه آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: « أَلاَ وَإِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظِّمُوا فِيهِ الرَّبَّ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَّا السُّجُودُ فَاجْتَهِدُوا فِى الدُّعَاءِ فَقَمِنٌ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ» روایت مسلم »هان من منع شده‌ام که در رکوع وسجود قراءت کنم و پس در رکوع الله را تعظیم کنید ودر سجود بسیار دعاکنید‌که شایسته است دعایتان پذیرفته شود». بروایت احمد ومسلم. فرد قرآن خوان باید آن را آهسته وبه صورت شمرده بخواند ودر آن تفکر وتامل بنماید. زیرا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است: «من قرا القرآن فی اقل من ثلاث لم یفقهه» (از عبدالله بن عمر بروایت امام ترمذی) «هر کس قرآن را در کمتر از سه روز بخواند و معانی آن را نمیتواند درک کند». وقتی به آیه سجده می رسیم سجده نماییم. همچنین اگر از

قرائت دیگری آیه ی سجده را شنیدیم ووضو داشتیم لازم است سجده کنیم. سجده تلاوت پس از خواندن آیه سجده بر قاری و سامع ومستمع بر هر سه سنت است. سجود تلاوت در قرآن چهارده تا است و آیه ی سجده و یک سجده دارد.این سجده های قرائت عبارتند از: دو سجده در سوره ی حج و دوازده سجده دیگر در سوره های: الأعراف والرعد والنحل والاسراء ومريم والفرقان والنمل وألم تنزيل السجده وفصلت والنجم والانشقاق واقرأ. لازم است شخص قرآن خوان تلاوتش همراه با تعظیم وتدبر باشد. زیرا الله به بندگان خود بی نهایت لطف وعنایت کرده است که قران را از عرش جلال خود به درجه فهم ودرک آن ها نازل فرموده است. پس بنگریم الله چه لطفی در حق بندگان خود مرحمت فرموده است. **قال رسولَ اللّهِ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قالَ لأَصْحابِهِ: «أَيَعْجِزُ أَحَدُكُم أَنْ يقْرَأَ بِثُلُثِ الْقُرْآنِ فِي لَيْلَةٍ» فَشَقَّ ذلكَ علَيْهِمْ و وقالُوا: أَيُّنَا يُطِيقُ ذلكَ يا رسولَ اللّه ؟ فقال: «قُلْ هُو اللّهُ أَحَدٌ و اللّهُ الصَّمَدُ: ثُلُثُ الْقُرْآنِ»** رواه البخاری. پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم به یارانش فرمودند: «آیا یکی از شما نمی‌تواند یک سوم قرآن را در یک شب تلاوت کند؟» واین موضوع بر همه گران آمد وگفتند: کدام یک از ما توانایی آن را دارد؟ ای رسول الله! پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: (قُلْ هُو اللهُ أَحَدٌ و اللّهُ الصَّمَدُ...) و یک سوم قرآن است» . قال رسول اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: **«مِنَ الْقُرْآنِ سُورَةٌ ثَلاثُونَ آيَةً شَفَعَتْ لِرَجُلٍ حَتَّى غُفِرَ لَهُ و وهِيَ: تبارَكَ الَّذِيْ بِيَدِهِ الْمُلْكُ»**. رواه أبوداود والترمذي وقال: حديث حسن. پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «از قرآن سوره‌ای هست که شامل سی آیه است و این سوره برای مرد (ی که قاری آن بود) و شفاعت کرد تا آمرزیده شد وآن سوره و سوره‌ی (تبارَكَ الَّذِىْ بِيَدِهِ الْمُلْكُ) است» .همچنان فرمودند: «مَنْ قَرَأَ بِالآيَتَيْنِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ فِىْ لَيْلَةٍ كَفَتَاهُ» متفقٌ عليه.«هرکس دو آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره را در شب بخواند و همین دو آیه برای او کافی است» .و گفته شده است: (یعنی) او را از هر بدی در آن شب کفایت می کند ونیز گفته‌اند: او را از نماز شب و بی‌نیاز می کند. در موضع دیگر فرمودند: **«لا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ مَقَابِرَ و إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْفِرُ مِنَ الْبَيْتِ الَّذي تُقْرأُ فِيهِ سُورَةُ الْبَقَرَةِ»** رواه مسلم. «خانه‌های خود را (به سبب عدم قرائت قرآن ونماز وذکر و مانند آنها) قبرستان نکنید؛ شیطان از خانه‌ای که در آن سوره‌ی بقره خوانده شود و می گریزد وبیزار است».

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥٦) **اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.**

ایمان به قضا وقدر الهی

خطبه اول

الحمد لله الذي جعل التوحيد أغلي ما في الأرض والسموات وأعز أهله بالجنة ورفع الدرجات وجعلنا من أهل التوحيد وعلي سفينة النجاة والصلاة والسلام علي أفضل الخلق صاحب الكمالات وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان ذوي الفضل والتقوا والدعوة والجهاد والبطولات.

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢) «ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.

برادران مسلمان! ای اهل ایمان وتوحید! موضوع خطبه این هفته ما ایمان به قضا وقدر الهی است. ایمان به تقدیر یکی از ارکان ششگانه ایمان است که ایمان هیچ کسی جز با یقین وباور ورضا وخوشنودی کامل به آن و متحقق نمی شود و لذا خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ٤٩﴾ (القمر: ٤٩)

«بی گمان ما هر چیزی را به اندازه مقرر آفریده ایم».

و رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند: (**كل شئ بقدر حتى العجز والكيس**) «همه چیز در تقدیر نوشته شده است حتی ناتوانی وزیرکی ». صحیح مسلم (٢٦٥٥) و ومسند أحمد (١١٠/٢).

ایمان به تقدیر جز با تحقق چهار چیز کامل نمی شود.

اول: ایمان داشتن به علم ازلی الله متعال که بر هر چیز احاطه کامل دارد.

دوم: ایمان داشتن به نوشته شدن در لوح محفوظ. یعنی هر آنچه از تقدیر می خواسته انجام بگیرد در آن ثبت شده است.

﴿مَّا فَرَّطۡنَا فِي ٱلۡكِتَٰبِ مِن شَيۡءٖۚ﴾ (الأنعام: ٣٨)

«هیچ چیزی را در کتاب (لوح محفوظ) فرو گذار نکرده ایم».

رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

(**كتب الله مقادير الخلائق قبل أن يخلق السموات والارض بخمسين الف سنة**) «الله متعال پنجاه هزار سال پیش از آنکه آسمانها وزمین را بیافریند تقدیر مخلوقات را نوشته است».صحیح مسلم شماره **٢٦٥٣**

سوم : ایمان داشتن به مشیئت الله متعال که هر چه بخواهد اجراء می کند وقدرتش فراگیر است لذا می فرماید:

﴿وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٩﴾ (التکویر: ٢٩)

«و نمی توانید که بخواهید مگر الله و پروردگار جهانیان بخواهد ».

چهارم: ایمان داشتن به اینکه خالق وآفریدگار همه چیز در جهان فقط الله متعال است .

تقدیر مراحلی دارد:
آ- تقدیر عمومی برای همه کائنات: که الله متعال پنجاه هزار سال پیش از آفرینش آسمانها وزمین آنرا نوشته است.
ب- تقدیر عمری: که از لحظه دمیدن روح تا پایان عمر برای او نوشته شده است.
ج- تقدیر سالانه: که در طول یکسال انجام می گیرد.
﴿ فِيهَا يُفۡرَقُ كُلُّ أَمۡرٍ حَكِيمٍ ٤ ﴾ (الدخان: ۴)
«هر کار استواری درآن شب (شب قدر) فیصله می یابد».
د- تقدیر روزانه: که در هر روز اعم از عزت وذلت وبخشش وبازداشتن ومیراندن وزنده کردن وغیره انجام می گیرد.
آفریدگار وپروردگار واختیار دار همه چیز فقط الله متعال است و او پیش از آنکه آنان را بیافریند اجلشان وروزی شان واعمالشان واینکه رستگار خواهند بود ویا زیانکار و همه چیز را نوشته ودر لوح محفوظ ثبت گردانیده است.
آنچه الله بخواهد همان می شود و وآنچه او نخواهد انجام نخواهد شد و او هر آنچه تاکنون انجام گرفته وهر آنچه در آینده انجام خواهد گرفت وآنچه که انجام نگرفته واگر انجام می گرفت چگونه می بود همه را می داند و او بر هر چیزی تواناست وهر کسی را بخواهد گمراه می کند وهر کسی را که بخواهد راهنمایی می نماید.
جایز است که در مصیبتها به قضاء وقدر استدلال شود وگفته شود و تقدیر چنین بوده است و اما در عیبها ونارسائیها وگناهان هرگز نمی توان تقدیر را بهانه قرار داد وهر کاری کرد.
دو چیز پیرامون تقدیر بر بندهٔ مؤمن واجب است.
اول: اینکه در انجام کارهای خیر واجتناب از کارهای ناپسند از الله متعال کمک واستعانت بجوید واینکه دعا کند که هر کار خیری را آسان وهر کار ناپسندی را بر او دشوار گرداند وبر او توکل کند وخود را در جلب هر خیر ونیکی وپرهیز از هر شر وبدی محتاج او بداند.
رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:
(احرص على ما ينفعك واستعن بالله لا تعجز وإن أصابك شئ لا تقل لو أنى فعلت كذا لكان كذا ولكن قل قدرالله وما شاء فعل و فإن لو تفتح عمل الشيطان).صحیح مسلم شماره ۲۶۱۲
«بر آنچه به تو نفع می رساند حریص باش واز الله کمک واستعانت بجوی اگر به مشکلی بر خوردی نگو اگر چنین می کردم چنین می شد و بلکه بگو الله متعال چنین خواسته ومقدر فرموده واو هر چه بخواهد می کند و زیرا کلمه (اگر) دروازه شیطان را به رویت باز می کند».
دوم: اینکه بر آنچه برایش مقدر شده صبر نماید وداد وفریاد نکند و باید یقین داشته باشد که این قضاء وقدر الهی است لذا به آن راضی وخوشنود باشد و ویقین داشته باشد که مشکلی که به او رسیده هرگز بازگشت نداشته وآنچه که از او نجات یافته هرگز نمی توانسته به او آسیبی برساند.
به هر حال باید به قضاء وقدر راضی بود زیرا که این رضایت مکمل وپایان بخش رضایت به ربوبیت پروردگار است و بر هر مؤمنی لازم است که به تقدیر وقضای الله متعال راضی باشد و

زیرا هر فعل وقضای الله متعال سرتاسر خیر وعدالت وحکمت است و کسی که مطمئن باشد که آنچه به او رسیده نمی توانسته نرسد وآنچه که به او نرسیده نمی توانسته برسد. قلبش از شک و حیرت وسرگردانی پاک می ماند وزندگی اش از گرفتگی وآشفتگی در امان خواهد بود و بنابر این هر چه از دست بدهد اورا غمگین نمی کند و وبرای آینده اش نگران وپریشان نمی شود در این صورت او خوشبخت ترین انسان است وپر آرامش ترین قلب را در سینه دارد.

کسی که یقین داشته باشد که عمرش شمرده شده وروزی اش مشخص است نه ترس از مرگ عمرش را زیاد می کند و ونه بخل بر روزی اش می افزاید؛ همه چیز نوشته شده وتعیین شده است و وهر دشواری ومصیبتی که به او برسد صبر می کند وهمواره از گناهانش پوزش وآمرزش می طلبد وبه آنچه الله متعال برایش مقدر فرموده راضی وخوشنود می گردد و بنابر این از یک سو از پروردگارش فرمانبرداری می کند واز سوی دیگر بر مشکلات ودشواری های زندگی صبر پیشه می کند.

اینکه می گوئیم قضا وقدر راز الله متعال در مخلوقاتش است منحصر به بخش پنهان وپوشیده آن است. حقیقت اشیاء را جز الله متعال هیچکس نمی داند و والله متعال بشر را هرگز به آن مطلع نمی گرداند و مثل گمراه کردن وهدایت کردن وزنده کردن ومیراندن و عطاء کردن وبازداشتن.

وچنانکه رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: (**إذا ذكر القدر فامسكوا**) «هر گاه صحبت از قضاء وقدر به میان آمد زبان خود را نگهدارید».السلسلة الصحيحة ۱ / ۳۴

و اما بخشهای دیگر تقدیر وحکمت های بزرگی وآموزنده آن و ومراتب ودرجات وپیامدهای آن چیزهایی است که شناخت آن وبیان کردن آن برای مردم جایز است و زیرا تقدیر یکی از ارکان ایمان است و که باید آنرا آموخت. چنانکه رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم هنگامی که ارکان ایمان را برای جبریل علیه السلام بیان نمودند فرمودند:

«**هذا جبريل اتاكم يعلمكم دينكم**» «این جبریل است آمده که دینتان را به شما بیاموزد».صحیح مسلم شماره ۸

علم وآگاهی الله متعال به آنچه که در آینده انجام خواهد گرفت و غیب است که جز خود او تعالی هیچکس آنرا نمی داند واز دید ودرک همگان پنهان است و پس هیچکس نمی تواند بر اساس آن وبه بهانه اینکه همه چیز قبلاً در تقدیر متعین شده عمل را ترک کند.

بنابر این قضاء وقدر الهی نمی تواند برای هیچکس نزد الله متعال ونه نزد مخلوقاتش حجت وبهانه قرار گیرد و اگر قضیه از این قرار می بود وهر کس قضاء وقدر را بهانه قرار می داد وگناهان وتقصیراتش را توجیه می کرد در آن صورت نه هیچ ظالمی مؤاخذه می شد ونه هیچ قاتلی قصاص می گردید ونه هیچ مشرک وکافری محاسبه می شد ونه حدی جاری می شد و ونه هیچکس از ظلم باز می ایستاد و که این فسادی آشکار وضرر آن در دین ودنیا مشخص است.

کسی که قضاء وقدر را حجت وبهانه قرار می دهد به او می گوئیم تو یقینا نمی دانی که از اهل بهشتی یا از اهل دوزخ و اگر این امر برایت مشخص می بود دیگر نیازی به امر ونهی نبود و بنابر این تو عمل کن وامیدوار باش که الله متعال تو را توفیق عنایت فرماید تا اینکه از اهل بهشت باشی.

یکی از صحابه گرامی رضی الله عنهم هنگامی که روایات تقدیر یا قضا وقدر را شنید فرمود قبلاً هم تلاش وکوشش ما همین اندازه بود.

هنگامی که از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در باره استدلال به قضاء وقدر وبهانه قرار دادن آن پرسیده شد فرمودند: (اعملوا فكل ميسر لما خلق له) «عمل کنید هر کس برای هر کاری که آفریده شده آن کار برایش آسان است».صحیح بخاری شماره ۴۹۴۹

کسی که اهل سعادت باشد عمل کردن به اعمال سعادتمندان ورستگاران برایش آسان می شود وهر کسی از اهل شقاوت باشد عمل کردن به اعمال شقاوتمندان وزیانکاران برایش آسان می شود وسپس این آیات را تلاوت فرمودند:

﴿ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَٱتَّقَىٰ ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِٱلْحُسْنَىٰ ﴿٦﴾ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنۢ بَخِلَ وَٱسْتَغْنَىٰ ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِٱلْحُسْنَىٰ ﴿٩﴾ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلْعُسْرَىٰ ﴿١٠﴾ ﴾ (الليل: ۵ - ۱۰)

«پس اما کسی که بخشید وپرهیزگاری کرد و وآیین نیک را تصدیق کرد و راه رسیدن به آسایش را برایش آسان می گردانیم و واما هر کس که بخل ورزید وخود را بی نیاز شمرد و وآیین نیک را دروغ انگاشت و به او برای گرفتار آمدن به دشواری و زمینه می دهیم».

حالات ووقایعی که برای انسان پیش می آید دو نوع است یک نوع آنکه ظاهراً چاره دارد که انسان می تواند چاره جویی کند و نوع دوم آنکه هیچ چاره ای ندارد بنابر این در برابر آن بدون داد وفریاد تسلیم می شود.

الله متعال پیش از آنکه مشکل ومصیبتی رخ دهد آنرا می داند و اما معنای این سخن این نیست که چون الله متعال می دانسته لذا خود او را به مشکل ومصیبت گرفتار نموده و خیر بلکه مشکل به این دلیل پیش آمده که اسبابِ پیدایش آن مهیا شده است و اگر علت پدید آمدن مشکل یا مصیبت خود شخص باشد و که مثلاً از اسبابی که می توانسته او را از وقوع در مشکل باز دارد - با اینکه دینش به استفاده از اسباب امر نموده - از آن کار نگرفته اینجا خودش موردملامت است که از اسباب طبیعی کار نگرفته واز خودش حمایت نکرده و اما اگر چاره ای نداشته وتوانایی دفع مشکل را نداشته اینجا معذور است.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين والحمد لله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه و كما يحب ربنا ويرضى و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبده ورسوله و وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

سروران گرامی ومؤمنان گرانقدر! استفاده از اسباب به هیچ وجه منافی تقدیر وتوکل نیست و بلکه جزئی از آن است؛ اما اگر بنا بر قضاء وقدر الهی مشکلی پیش آمد واجب است که به آن راضی بوده وتسلیم باشیم و وبگوئیم

(قدرالله وما شاء فعل) «الله چنین مقدر کرده بود واو هر چه بخواهد می کند».

و اما قبل از اینکه واقع شود باید همیشه از اسباب مشروع استفاده کرد وتقدیر را با تقدیر دفع کرد. پیامبران علیهم السلام همواره از اسبابی که آنها را از دشمنانشان محفوظ بدارد استفاده کرده اند با وجود اینکه آنان با وحی الهی وحفاظت الهی مؤید بوده اند ورسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم با شدت توکلی که داشتند وسید المتوکلین بودند همیشه از اسباب کار می گرفتند.

لذا الله متعال می فرماید: ﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٖ وَمِن رِّبَاطِ ٱلۡخَيۡلِ تُرۡهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمۡ ۝٦٠﴾ (الأنفال: ۶۰)

«و آنچه از نیرو ومهیا ساختن اسبان در توان دارید برای (مقابله با) آنان آماده سازید و با آن دشمن الله ودشمن خود را بترسانید».

همچنین می فرماید: ﴿هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ ذَلُولٗا فَٱمۡشُواْ فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُواْ مِن رِّزۡقِهِۦۖ وَإِلَيۡهِ ٱلنُّشُورُ ۝١٥﴾ (الملك: ۱۵)

«اوست کسی که زمین را برایتان رام گرداند پس در گوشه وکنار آن راه بروید واز روزی اش (الله) بخورید. و(وقوع) رستاخیز در نزد اوست».

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند:

(المؤمن القوي خير وأحب إلى الله من المؤمن الضعيف وفي كل خير و إحرص على ما ينفعك واستعن بالله ولا تعجز وإن أصابك شئ فلا تقل لو أني فعلت كذا وكذا لم يصبني كذا ولكن قل قدرالله وما شاء فعل فإن لو تفتح عمل الشيطان)صحیح مسلم شماره ۴۸۱۶

«مؤمن قوی بهتر ودر نزد الله محبوبتر از مؤمن ضعیف است ودر هر دو خیر است و بر آنچه به تو نفع می رساند حریص باش واز الله کمک واستعانت بجوی وعاجز مشو واگر امر ناپسندی به تو رسید و نگو اگر چنین می کردم چنان می شد و بلکه بگو «**قدرالله وماشاء فعل**» زیرا کلمه « اگر» درب کار(خرابکاری) شیطان را باز می کند».

کسی که از قضا وقدر منکر شود گویا اصلی از اصول شریعت را منکر شده وکافر گردیده است و یکی از علمای سلف رحمت الله علیه می فرماید: با قدریه (منکران قدر) بوسیله علم مناظره کنید و زیرا اگر از قدر منکر شوند کافر می شوند واگر به آن اقرار کنند به حرفشان گرفته می شوند.

ایمان به قضاء وقدر ثمرات وپیامدهای بسیار نیکو وارزشمندی دارد که فرد وجامعه را اصلاح می کند و از جمله :

أ: عبادتهای مختلف وصفات نیکو ببار می آورد و مانند اخلاص برای الله متعال و توکل بر او و ترس از او و امید به او و حسن ظن نسبت به او تعالی و صبر وتحمل در برابر مشکلات و مبارزه با نا امیدی و راضی شدن به خدایی الله و شکر او تعالی را بجای آوردن و به فضل ورحمتش خوشحال شدن و در برابر ذات یگانه اش تواضع وفروتنی نمودن و هر گونه تکبر وخود پسندی را ترک کردن و به خاطر رضای پروردگار در کارهای خیر خرج کردن و شجاعت ودلاوری و قناعت وعزت نفس و همت والا وجدیت و در همه حال میانه روی پیشه کردن و از حسد دوری نمودن وآزاد شدن عقل واندیشه از خرافات وموهوم پرستی واطمینان قلب وآرامش خاطر وغیره.

ب: کسی که به قضا وقدر ایمان دارد در زندگی اش درست حرکت می کند و نه هیچ نعمتی او

را مغرور ونه هیچ مشکلی مأیوسش می کند و ویقین کامل دارد که مشکل وسختی ای که به او رسیده از طرف الله آزمایش است واین تقدیر الهی است و بنابر این بجای بی صبری وجزع وفزع صبر می کند واجرش را از الله می طلبد.

ج: اینکه از اسباب گمراهی وسوءخاتمه حمایت می شود و زیرا ایمان به تقدیر او را وادار به مجاهده می کند و مجاهده دائم بر استقامت وپایداری وکثرت انجام اعمال صالح ونیکو وپرهیز از هر نوع گناه ونافرمانی.

د: ایمان به تقدیر مؤمن را آماده می کند تا اینکه در برابر مصائب ومشکلات مقاومت کند ودر برابر هر گونه سختی ودشواری با قوت قلب ویقین کامل بایستد ودر عین حال از اسباب نیز کار بگیرد.

رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند: (**عجباً لامر المؤمن إن امره كله له خير و وليس ذلك إلا للمؤمن و إن أصابته سرّاء شكر فكان خيرا له و وإن اصابته ضرّاء صبر فكان خير له**) .صحیح مسلم شماره **۲۹۹۹**

«حالت مؤمن عجیب است و هر کارش برای او خیر است و واین جز برای مؤمن برای کسی دیگری نیست و اگر امر خرسند کننده ای به او برسد شکر می کند که این برایش خیر است و واگر امر ناپسندی به او برسد صبر می کند که این نیز برایش خیر است»

.﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ۵۶)

اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

مفهوم عبادت در اسلام

خطبه اول

الحمد لله فاطر السموات والأرض و غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب و ذي الطول لا إله إلا هو إليه المصير و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له خلق فسوى و وقدر فهدى و وأخرج المرعى و فجعله غثاءً أحوى و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله أرسله إلى جميع الثقلين الإنس والجن بشيراً ونذيراً و وداعياً إلى الله بإذنه وسراجاً منيراً و أقام الله به الحُجّة و وأوضح الطريق و فصلوات الله وسلامة عليه وعلى آله وأصحابه وخلفائه الأربعة: أبي بكر وعمر وعثمان وعلي و وعلى سائر أصحابه الأخيار النجباء الأطهار. أما بعد: الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا لَٰعِبِينَ ١٦ لَوۡ أَرَدۡنَآ أَن نَّتَّخِذَ لَهۡوٗا لَّٱتَّخَذۡنَٰهُ مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ ١٧﴾ (الأنبياء: ١٦ - ١٧)

«و آسمان وزمین وآنچه در میان آندوست و به بازیچه نیافریدیم و اگر (بر فرض) می‌خواستیم که سرگرمی‌ای برگزینیم حتماً آن را از نزد خود بر می گزیدیم و اگر (این کار را) انجام می‌دادیم.»

مسلمانان! در این آیات کریمه اشاره شده که بازی وبیهوده‌گری با ساحت اقدس الهی سازگار نیست واگر بر فرض محال او سرگرمی می‌خواست این بازیچه‌ها متناسب مقام او نبود. آری اگر مجموعه هستی را همراه با مبدأ ومنتهای آن در نظر بگیریم و جهان پویا وهدفدار است که براساس حق وهمراه حق ودارای هدف ثابت بوده وفرجام آن پیروزی حق است. بنابراین آفریننده جهان هستی در پی کار مهمی بوده است. وجهان را آفریده است تا موجودی شریف وبا کرامت همچون انسان در آن پرورش یابد وراه کمال وسعادت را بپوید وحق را بر باطل پیروز گرداند واوتعالی را به تنهایی بپرستد. الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ﴾ (الذاريات: ٥٦)

«جن وانس را نیافریدم جز برای اینکه مرا عبادت کنند». عبادت کنند تا از این طریق تکامل یابند وبه الله نزدیک شوند. وهدف آفرینش هستی وجن وانس و عبادت الله است. عبادت عبارت است از آن آخرین حد خضوع وتواضع که به عنوان تعلق ووابستگی مطلق وتسلیم بی قید وشرط عابد در برابر معبود انجام می گیرد. بنابر این عبادت به معنای اظهار ذلّت و عالی ترین نوع تذلّل وکرنش در برابر الله است. کارنامه همه انبیاء ورسالت آنان نیز و دعوت مردم به پرستش الله بوده است. وروشن است که الله متعال و نیازی به عبادت ما ندارد و سود عبادت و به خود پرستندگان بر می گردد. به این ترتیب ما همه برای عبادت پروردگار آفریده شده ایم و اما مهم این است که بدانیم حقیقت بندگی وعبودت چیست؟ عبد از نظر لغت عربی به انسانی می گویند که سر تا پا تعلق به مولا وصاحب خود دارد و اراده اش تابع اراده او وخواستش تابع خواست او است. در برابر او مالك چیزی نیست و ودر اطاعت او هرگز سستی به خود راه نمی دهد. وبه تعبیر دیگر عبودیت - آن گونه که در متون لغت آمده - اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود است و وبه همین دلیل تنها کسی می تواند معبود باشد که نهایت انعام واکرام را کرده است واو کسی جز الله نیست. بنابر این عبودیت نهایت اوج تکامل یك انسان وقرب او به الله است. عبودیت نهایت تسلیم در برابر ذات پاك او است. عبودیت اطاعت بی قید وشرط وفرمانبرداری در تمام زمینه هاست. وبالاخره

عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی الله تبارک وتعالی نیندیشد و جز در راه او گام بر ندارد و وهر چه غیر او است فراموش کند و حتی خویشتن را! واین است هدف نهائی آفرینش بشر که الله برای وصول به آن میدان آزمایشی فراهم ساخته وعلم وآگاهی به انسان داده و ونتیجه نهائیش نیز غرق شدن در اقیانوس رحمت او است. پرستش و جزئی از وجود وکشش فطری انسان است. این روح پرستش و که در انسان فطری است و گاهی در مسیر صحیح قرار گرفته وانسان به «یکتا پرستی» می رسد و وگاهی انسان در سایه جهل یا انحراف و به پرستش سنگ وچوب وخورشید وگاو وپول وماشین وهمسر وپرستش طاغوت ها کشیده می شود. انبیاء برای ایجاد حسّ پرستش نیامده اند و بلکه بعثت آنان و برای هدایت این غریزه فطری به مسیر درست است. بیشتر آیات مربوط به عبادت در قرآن و دعوت به توحید در عبادت می کند و نه اصل عبادت. زیرا روح عبادت در انسان وجود دارد. مثل میل به غذا که در هر کودکی هست و ولی اگر راهنمایی نشود و به جای غذا و خاک می خورد ولذّت هم می برد! اگر رهبری انبیاء نباشد و مسیر این میل فطری منحرف می شود وبه جای الله و معبودهای دروغین وپوچ پرستیده می شود. آن گونه که در نبود حضرت موسی علیه السّلام وغیبت چهل روزه اش و مردم با اغوای سامری و به پرستش گوساله ی طلایی سامری روی آوردند.

مسلمانان! وظیفه حقیقیی که انسان بخاطرآن آفریده شده است همین عبادت الله تعالی است. وچون حقیقت عبادت و کمال محبت وفروتنی واطاعت برای الله متعال است از این روعبادت شامل همه آنچه می شود که الله تعالی آن را دوست میدارد وآنرا می پسندد و پس عبادت منحصر بر و ادای شعائر ومناسک بخصوص نمی باشد. الله تبارک وتعالی انسان را راهنمائی کرده که چگونه الله بزرگ را عبادت وپرستش نماید. تکالیف شرعی وعباداتی که الله تعالی انسان را به انجام آن فرمان داده است مشروط به داشتن عقل سلیم و واستطاعت وتوان انجام دادن آن است و الله تعالی انسان را به چیزیکه توان انجام آن را ندارد مکلف نمی سازد. وتمام تکالیف وواجبات شرعی که الله جل جلاله به ادای آنها فرمان داده است برای عقل ورای انسانی مجال تغیروتبدیل وحذف وزیادت درآن نیست و اصل در عبادات پیروی کتاب الله وسنت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم است. برخی ازعبادات عبادات ظاهری اند که به جسد واندامهای انسانی تعلق میگیرند مانند نماز و روزه و حج و زکات و ذکرالله و قرائت قرآن کریم و ودعا و کارهای سودمند ومفید وسعی وحرکت درزمین. وبرخی ازین عبادات عبادات باطنی اند که با قلب انجام داده می شوند و مثل ثنا وستایش وشکرالله و محبت وخوف از اوتعالی واُمید برای او وتوبه به سوی او وتوکل بر وی وصبر وشکیبائی وحفظ قلب از کینه وبغض وحسد و وتفکر در خلق الله. عبادات الله تعالی به چیزیکه مشروع شده وطریقه ی که مشروع گردیده بهترین وسیله برای تقرب ونزدیکی به سوی الله است و وبلکه آن یگانه راه برای دریافت رضای اوست. از شروط قبول عبادت نزد الله اخلاص نیت برای الله ومتابعت از فرستاده او حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم درکیفیت ادای آن عبادت است. بلندترین وعالی ترین مرتبه ی عبادت آنست که بنده باید پروردگارش را طوری عبادت کند که گوئی او را می بیند و اگر او پروردگارش را دیده نمیتواند ونمی بیند ولی یقین

دارد که الله اورا می بیند و واین درجه (احسان) درعبادت است. باید دانست که یکی ازبزرگترین انواع عبادت این است که انسان از ته دل عقیده داشته باشد که عبادت حق الله جل جلاله بربندگان است وآنها موظف هستند تا آنرا بجا آورند و هم چنان که صاحبان حق و حق خودرا می خواهند و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به حضرت معاذ رضی الله عنه فرمود: «**يَا مُعَاذُ أَتَدْرِى مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ**» . **قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ «أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلاَ يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا و أَتَدْرِى مَا حَقُّهُمْ عَلَيْهِ اذا فعلوا ذلك» . قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ . قَالَ «أَنْ لاَ يُعَذِّبَهُمْ»** متفق علیه «ای معاذ آیا میدانی که حق الله بربندگان چیست؟ فرمود: الله ورسولش بهتر می دانند و آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: حق الله بربندگان این است که او را عبادت کنند وشریک برایش قرار ندهند. وآیا میدانی حق بنده گان برالله چیست اگر این کار را بکنند؟ فرمود: الله ورسولش بهترمی دانند. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: حق بندگان برالله این است - که به الله شریک نیاورند- آنان را عذاب ندهد.» حالا دانستیم که رسالت انسان درپهلوی پیاده نمودن نظام الهی درروی زمین و عبادت الله است. وعبادت اسمی است که دربرگیرنده تمام گفتارها وکردارها ی باطنی وظاهری که موردپسند وقبول الله جل جلاله قراربگیرد راشامل میشود. بنابراین و نماز و روزه و حج و راستگوئی و امانت داری و احسان به پدر ومادر و حفظ پیوند خویشاوندی و پایبندی به عهدوپیمان و امربه معروف ونهی ازمنکر و جهاد با کفارومنافقان و خوبی به همسایه ویتیم ودرمانده وغریب واسیر وحیوانات و واذکارونیایش وتلاوت قرآن وازهمین قبیل کارها و نمونه هایی واقعی ازعبادت میباشد. بدین ترتیب می بینیم که عبادت دارای افقی پهناور وحوزه ای گسترده است. آری عبادت همه ابعاد زند گی رافرا میگیرد از شیوه غذا خوردن تا مسایل تشکیل دولت و سیاست و حکومت و امورتجارتی و کیفر وجزا واصول روابط بین المللی درحال جنگ وصلح همه وهمه تحت نظام وپوشش عبادت درمیآید. به همین جهت ملاحظه می شود که کتاب الله و بندگان مومن را بادستورات تکلیفی واحکام شرعی ای که جنبه های گوناگون زندگی راشامل می گردد و مورد خطاب قرارداده است.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين فاستغفروه انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

برادران مسلمان ! الله دین اسلام را دینی در حد اعتدال ووسط قرار داده همان طور که امت اسلامی در بین امت های دیگر امتی وسط ودر حد اعتدال وبدون افراط وزیاده روی وتفریط است. لذا مسلمان باید در همه امور میانه رو باشد حتی در طاعات وعبادات از تندی وکندی بپرهیزد زیرا الله دین را برای بندگان آسان گردانیده است چنانکه می فرماید: ﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ﴾ (البقرة: ١٨٥) « الله به شما ارادهء آسانی دارد وارادهء دشواری بر شما ندارد». از ام المومنین عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: «**دخَلَ عليْها وعِنْدها امْرأَةٌ قال: منْ هَذِهِ؟**

قالت: هَذِهِ فُلانَة تَذْكُرُ مِنْ صَلاتِهَا قال: « مَهُ عليكُمْ بِما تُطِيقُون و فَوَاللَّهِ لا يَمَلُّ اللَّهُ حتَّى تَمَلُّوا وكَانَ أَحَبُّ الدِّينِ إِلَيْهِ ما داوَمَ صَاحِبُهُ علَيْهِ» متفقٌ عليه. «پيامبر صلى الله عليه وسلم نزد عايشه رضى الله عنها آمدند و در حاليكه زنى نزد او نشسته بود. فرمودند: اين زن كيست؟ فرمود: اين فلانى است واز نماز خواندنش ياد آورى كرد. فرمودند: فقط آنچه را كه مى توانيد انجام دهيد و سوگند به الله متعال كه ذات يكتاى او ملول نمى شود وثوابش را قطع نمى كند تا زمانيكه شما خسته نشويد. وبهترين عمل در نزد رسول الله عملى بود و كه صاحبش بر وى مداومت نمايد». ابن جوزى رحمه الله مى فرمايد: بهترين عمل مداوم تر آنست. زيرا دوام خير مستلزم ثواب متداوم است ومفهوم حديث و رضايت اعتدال وميانه روى در كليهء امور حتى عبادت است. همچنان از انس رضى الله عنه روايت است كه فرمود: «جاءَ ثَلاثَةُ رهْطٍ إِلَى بُيُوتِ أَزْواجِ النَّبِيِّ صَلّى اللّه عَلَيْهِ وسَلَّم يسْأَلُونَ عنْ عِبَادَةِ النَّبِيِّ صَلّى اللّه عَلَيْهِ وسَلَّم و فَلَمَّا أُخبِروا كأَنَّهُمْ تَقَالُّوْها وقالُوا: أَين نَحْنُ مِنْ النَّبِيِّ صَلّى اللّه عَلَيْهِ وسَلَّم قَدْ غُفِر لَهُ ما تَقَدَّم مِنْ ذَنْبِهِ وما تَأَخَّر. قالَ أَحَدُهُم: أَمَّا أَنَا فأُصلِّي الليل أَبدا و وقال الآخَر: وَأَنا أَصُومُ الدَّهْرَ أَبداً ولا أُفْطِر و وقالَ الآخر: وأَنا اعْتَزِلُ النِّساءَ فلا أَتزوَّجُ أَبداً و فَجاءَ رسول اللَّه صَلّى اللّه عَلَيْهِ وسَلَّم إِلَيْهِمْ فقال: « أَنْتُمُ الَّذِينَ قُلْتُمْ كذا وكذا؟ و أَما واللَّهِ إِنِّي لأَخْشاكُمْ للَّهِ وَأَتْقَاكُم له لكِني أَصُومُ وَأُفْطِر و وَأُصلِّي وَأَرْقُد و وَأَتَزَوّجُ النِّساءَ و فمنْ رغِب عن سُنَّتِي فَلَيسَ مِنِّى» متفقٌ عليه. «سه شخص به خانه هاى زنان پيامبر صلى الله عليه وسلم آمده از عبادت پيامبر صلى الله عليه وسلم پرسش نمودند. چون بر ايشان گفته شد و گويا آنرا كم شمرده گفتند: ما با پيامبر صلى الله عليه وسلم چه مناسبتى داريم و در حاليكه گذشته وآينده شان بخشيده شده؟ يكى از ايشان گفت: من هميشه در تمام عمر تمام شب را نماز مى گزارم. ديگرى گفت: من تمام عمر روزه ميگيرم وسومى گفت: من از زنها دورى گزيده وهرگز ازدواج نمى كنم. رسول الله صلى الله عليه وسلم آمده فرمود: شما همان كسانى هستيدكه چنين وچنان گفتيد؟ اما به الله سوگند كه من از همهء شما از الله بيشتر ترسيده و واز همهء شما پرهيزگارترم. ومن هم روزه مى گيرم وهم نمى گيرم ونماز مى خوانم وخواب هم مى شوم وزنان را به نكاح ميگيرم و وكسيكه از سنت وطريقهء من اعراض كند از من نيست». همچنان آنحضرت صلى الله عليه وآله وسلم فرموده اند: « هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ » قالَهَا ثلاثا و رواه مسلم. «پيامبر صلى الله عليه وسلم سه بار فرمود: هلاك شدند متنطعون (كسانى كه بى مورد سختگيرى كرده ودر گفتار وكردارشان غلو مى نمايند.) در حديثى ديگر مى فرمايند: «إِنَّ الدِّينَ يُسْر و ولنْ يشادَّ الدِّينُ إلاَّ غَلَبه فسدِّدُوا وقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا و واسْتَعِينُوا بِالْغدْوةِ والرَّوْحةِ وشَيْءٍ مِن الدُّلْجةِ » رواه البخارى. «در دين آسانى است وكسيكه با دين بمقابله برخيزد وسختگيرى كند و ناكام ومغلوب ميگردد. پس حق را طلب نموده وخود را بآن نزديك ساخته وشاد باشيد و وبا حركت صبحگاهى وشامگاهى وآخر شب يارى جوئيد. يعنى در اوقات نشاط به انجام اعمال صالحه بپردازيد». روايت است كه پيامبر صلى الله عليه وسلم ميان سلمان وابوالدرداء رضى الله عنهما عقد اخوت وبرادرى بستند. سلمان رضى الله عنه بديدن ابوالدرداء رضى الله عنه آمده و ديد كه ام الدرداء رضى الله عنها لباسهاى كهنه را پوشيده و سوال كردند كه چرا اينطورى؟ وى گفت: زيرا برادرت ابوالدرداء رضى الله عنه به زنان ميلى ندارد و در اين هنگام ابوالدرداء رضى الله عنه آمده و طعامى را براى سلمان رضى الله عنه آماده كرده وگفت: بخور و زيرا من روزه دارم. سلمان

رضی الله عنه گفت: تا تو نخوری من نمی خورم ونان خورد. چون شب شد ابوالدرداء رضی الله عنه خواست برای ادای نماز برخیزد و سلمان رضی الله عنه فرمود: خواب شو. باز خواست برخیزد و سلمان رضی الله عنه فرمود: بخواب. چون آخر شب شد سلمان رضی الله عنه فرمود: حالا برخیز و هردو برخاسته نماز گزاردند. سلمان بوی فرمود: هر آینه الله بر تو حقی دارد و ونفس تو بر تو حقی دارد و وخانواده ات بر تو حقی دارد و وحق هرکس را باو ادا کن. وی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده موضوع را یاد آوری نمود. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: سلمان راست گفته است». صحیح بخاری

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ۵۶) **اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم. اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.**

حفظ زبان

خطبه اول

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فهو المهتد ومن يضلل فلا هادى له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله .

قَالَ تَعَالَى: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ – ٧١)

أما بعد :

فأن أصدق الحديث كتاب الله وخير الهدى هدى محمد و وشر الأمور محدثاتها وكل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار .

مومنان گرامی! نعمت بیان در شمار مهم‌ترین نعمت های الهی است که به انسان داده شده است. علما ودانشمندان و نطق را مظهر تفکر وتعقل دانسته اند. آنان سخن گفتن را فصل ممیز انسان از حیوان می دانند و الله متعال نیز و پس از تعلیم قرآن وآفرینش انسان و تعلیم بیان را گوشزد می کند ومی فرماید: ﴿ الرَّحْمَٰنُ ﴿١﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾ ﴾

(الرحمن: ۱ – ۴)

«الله رحمان و قرآن را آموخت و انسان را آفرید وبه او بیان را تعلیم داد.»

و در آیه ای دیگر الله متعال چنین می فرمایند: ﴿ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾ ﴾ (البلد: ۸ – ۱۰)

«آیا به او (انسان) دو چشم نداده‌ایم (۸) وزبانی ودو لب (۹) وهر دو راه [خیر وشر] را بدو نمودیم (۱۰)»

پس معلوم می شود که نعمت بیان و پس از تعلیم قرآن وآفرینش انسان و بالاترین نعمت هاست. از این رو و شایسته است که انسان قدر این نعمت را بداند والله را سپاس گوید و هرچند که نعمت‌های الله متعال بسیار است وانسان قادر به شکر همه آن ها نیست... ﴿ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا ﴾ (إبراهيم: ۳۴)

«اگر نعمت های الله را بشمارید و هرگز حساب آن نتوانید کرد»

نمازگزاران عزیز فراموش نکنیم که زبان دارای دو بُعد مثبت ومنفی است ونمی توان گفت چون

زبان و نعمت عظیم الهی است و پسِ باید هرچه بیشتر از آن استفاده کرد وبدون حساب و هر سخنی را بر زبان جاری ساخت. اصولاً یکی از نشانه های انسان عاقل و آن است که بی‌جا سخن نمی گوید. زبان گویای میزان عقل آدمی است. به قول سعدی شیرازی :

سخندان پرورده پیر کهن _ بیندیشد آنگه بگوید سخن

مزن بی تامل به گفتار دم _ نکو گوی گر دیر گویی چه غم

بیندیش وآنگه برآور نفس _ وز آن پیش بس کن که گویند بس

به نطق آدمی بهتر است از دواب _ دواب از تو به گر نگویی صواب

انسان عاقل اول فکر می کند و آن‌گاه سخن می گوید. ویا به تعبیری دیگر انسان باید هنگام سخن گفتن تأمل کند وبیهوده سخن نگوید و چرا که اگر در گفتار و زمام اختیار را از کف دهد و عواقب سوء وزیانباری به دنبال خواهد داشت. چنانچه باز هم شیخ سعدی می فرماید:

زبان در دهان ای خردمندچه دانی که چیست؟ کلید ِدر ِ گنج ِصاحب هنر

چو در بسته باشد چه داند کسی که جوهر فروشست یا پیله ور

برادران عزیز زبان آفتهای بی شماری دارد که قران کریم به شدت ما را از واقع شدن در آنها برحذر داشته است و الله متعال در سوره حجرات خطاب به مومنان می فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَلَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٞ رَّحِيمٞ ١٢ ﴾ (الحجرات: ١٢)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است وجاسوسی مکنید وبعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد پس از آن کراهت دارید واز الله بترسید که الله توبه‌پذیر مهربان است.»

و رسول گرامی اسلام نیز در سخنان گوهر بارشان بارها ما را از استفاده نادرست از زبان و این امانت الهی بازداشته اند چنانچه می فرمودند:

فعن معاذ بن جبل قال و قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (... **ثم قال : ألا أخبرك بملاك ذلك كله؟ قلت: بلى يا رسول الله. فأخذ بلسانه وقال: كف عليك هذا قلت: يا رسول الله و وإنا لمؤاخذون بما نتكلم به؟ فقال: ثكلتك أمك يا معاذ وهل يكب الناس في النار على وجوههم أو قال: على مناخرهم إلا حصائد ألسنتهم).** (**رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح**)

در این حدیث طولانی پس از اینکه رسول الله یار باوفایش معاذ بن جبل رضی الله عنه را به ارکان اسلام وقله های بلند آن همچون نماز وروزه وزکات وجهاد فراخواند سپس خطاب به او میفرماید: آیا تو را به قوام وپایه تمامی این کارها آگاه نسازم؟ (معاذ رضی الله عنه میگوید:) گفتم آری ای رسول الله. پس او زبان خود را در دست گرفت وفرمود: این را حفظ کن. (معاذ میگوید:) گفتم ای رسول الله و آیا ما به گفته هایمان مؤاخذه می شویم؟ پس (رسول الله) فرمود: _مادرت به عزایت بنشیند_ ای معاذ و آیا چیزی جز نتایج وکاشته های زبان های مردم آنان را با صورتهایشان در آتش می افکند؟!

برادران عزیز و از جمله این رفتار ناشایست میتوان به غیبت کردن و بهتان زدن و دروغگویی

و استهزا ومسخره کردن و عیب جویی کردن و طعنه زدن و زخم زبان زدن به دیگران و فحش وناسزا گویی وبسیاری از اخلاق ناپسند ونکوهیده دیگر اشاره نمود که همگی آنها از آفتهای زبان به شمار می آیند.

پس بیایید بسیار زیرک وآگاه باشیم تا از این چاقوی دولبه یعنی زبان استفاده درست ببریم وآنرا در راه خیر وصلاح بکار گرفته واز راه شر وبدی باز داریم زیرا همانگونه که زبان یک نعمت عظیم الهی ودر اختیار ماست او یک امانت نیز می باشد که ما باید در حفظ آن کوشا باشیم وهرگز در ادای این امانت خیانت نورزیم.

رسول گرامی اسلام ویاران باوفای ایشان وپیروان راستین آنها و گذشتگان نیک ما بهترین وکاملترین اسوه ونمونه برای ما در حفظ وپاسداری از زبان خود هستند چنانچه در حدیث سابق مشاهده نمودید که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم چگونه وبا چه شدتی معاذ رضی الله عنه را بر حفظ ونگهبانی از زبان وگفتار خود راهنمایی نمود. ودر حدیث دیگری که امام محمد بن اسماعیل بخاری رحمت الله علیه در صحیح خود آن را روایت نموده است رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «و ان العبد لیتکلم بالکلمۀ من سخط الله لا یلقی لها بالا یهوی بها فی جهنم ». «و همانا که بنده بدون توجه ومبالات کلمه ای را که الله را ناخشنود میسازد را بر زبان می آورد وبوسیله همان کلمه در دوزخ سقوط خواهد کرد. گویا این که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم با این سخن تنها ما (مسلمانان امروزی) را خطاب قرار داده است زیرا متاسفانه در جامعه اسلامی معاصر کمتر افرادی را می توان یافت که زبان خود را از آفات ومحرمات حفظ نموده باشند ودر نشستن ها وهمنشینیها وجلسه های بی هدف به غیبت وتهمت واستهزاء وعیب جویی دیگران نپرداخته باشند . متاسفانه بسیاری از ما بخصوص زنهای مسلمان اوقات فراغت خود را با خوردن گوشت برادر وخواهر دینی خویش پرده آبرو وحشمت آنها را می درند حال آنکه از وعید های خطرناک الله ورسول غافل مانده آنگاه که رسول الله _صلی الله علیه وسلم_ خطاب به یارانش فرمودند: **قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: من يضمن لي ما بين لحييه وما بين رجليه أضمن له الجنة** . (أخرج البخاری والترمذی عن سهل بن سعد رضی الله عنه قال)

«هر که حفاظت از ما بین دو ریشش (زبانش) وما بین دو پایش (شرمگاهش)را برای من تضمین نماید و من نیز بهشت برین را برای او ضمانت میکنم.»

این بدین معناست که هرکه نتوانست از زبان وشرمگاه خود در برابر محرمات الهی پاسداری نماید سرانجام او _پناه بر الله_ آتش جهنم خواهد بود.

بارالها از شر عذاب دردناک آخرت وآتش سوزان جهنم به تو پناه می آوریم واز تو می خواهیم به ما توفیق دهی تا بتوانیم از زبان خود پاسداری نماییم واز آفتهای آن در امان باشیم و بدرستی که تو بر همه امور قادر وتوانایی.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني بما فيه من الآيات والذكر الحكيم و أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله جعل المؤمنين إخوة يتعاونون بينهم على البر والتقوى ويحترم كل واحد منهم الآخر في نفسه وماله وعرضه فكل المسلم على المسلم حرام دمه وماله وعرضه إلا بحق الإسلام و كما قال ذلك النبي المصطفى وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له رب الأرض والسماء و وأشهد أن محمدا عبده ورسوله المجتبى صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه أهل البر والوفاء و وعلى التابعين لهم بإحسان ما تتابع القطر والندى و وسلم تسليما.

أما بعد:

أيها الناس اتقوا الله تعالى وأمسكوا لسانكم واحترموا حقوق إخوانكم المسلمين وذبوا عن أعراضهم كما تذبون عن دمائهم وأموالهم.

برادران گرامی یکی از خطرناکترین پیامدهای عدم کنترل زبان و دروغگویی است که این بیماری خود منشاء امراض واعراض بسیار کشنده دیگری است که باعث تباهی ونابودی فطرت پاک انسان می گردد و رسول گرامی اسلام در حدیثی که امام بخاری وامام مسلم نیشاپوری هر دو در کتابهای صحیحشان آنرا ذکر نموده اند می فرماید: (**إن الصدق يهدي إلى البر وإن البر يهدي إلى الجنة وما يزال الرجل يصدق ويتحرى الصدق حتى يكتب عند الله صديقاً و وإياكم والكذب فإن الكذب يهدي إلى الفجور وإن الفجور يهدي إلى النار وما يزال الرجل يكذب ويتحرى الكذب حتى يكتب عند الله كذاباً**).

"همانا صدق وراستی به سوی نیکی هدایت می‌کند و ونیکی به سوی بهشت و وشخص همیشه راستی پیشه می‌کند تا آنکه به مقام "راستی" می‌رسد. وهمانا دروغ به سوی فجور رهنمون می‌شود وفجور نیز انسان را به سوی آتش می‌برد وشخص همیشه دروغ می‌گوید تا آنکه نزد الله به عنوان دروغگو نوشته می‌شود". [به روایت بخاری ومسلم]

دروغ گفتن علاوه برعذاب اخروی و آثار سوء ومفاسد فراوانی را هم در دنیا به دنبال دارد که از جمله آنها و بی اعتبار کردن وبی ارزش کردن انسان در جامعه وپاشیدن تخم عداوت ودشمنی وتفریق میان دوستان است .

به همین سبب الله متعال مومنان را به تحقیق وبررسی وتثبت نمودن در مورد سخنانی که می شنوند فرا خوانده است و آنجا که می فرماید: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن جَآءَكُمۡ فَاسِقُۢ بِنَبَإٖ فَتَبَيَّنُوٓاْ أَن تُصِيبُواْ قَوۡمَۢا بِجَهَٰلَةٖ فَتُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَا فَعَلۡتُمۡ نَٰدِمِينَ ٦ ﴾ (الحجرات: ۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی برایتان خبری آورد (نسبت به صحت خبر) نیک وارسی کنید مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و[بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.»

نمازگزاران عزیز و الله سبحانه وتعالی دو فرشته را مامور کرده است تا آنچه را که ما بر زبان آوردیم چه خوب وچه بد یادداشت نمایند ودر روز حساب وکتاب در دادگاه الهی از ذره ذره آنها بازخواست خواهیم شد.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ كِرَامٗا كَٰتِبِينَ ١١ يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ ١٢ ﴾ (الانفطار: ۱۱ – ۱۲)

«[فرشتگان] بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند (۱۱) آنچه را می‌کنید می‌دانند (۱۲)»

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ إِذْ يَتَلَقَّى ٱلْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلْيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ ﴾

(ق: ١٧ - ١٨)

«آنگاه که دو [فرشته] دریافت کننده از راست واز چپ مراقب نشسته‌اند (١٧) [آدمی] هیچ سخنی را به لفظ درنمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می کند] (١٨)»

بر این اساس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در «جوامع کلم» خویش می فرمایند: عن أبی هريرة عن النبی _صلی الله علیه وسلم_ أنه قال : **من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيرا أو ليصمت..** . (رواه البخاری ومسلم)

«ابوهریره رضی الله عنه از رسول گرامی اسلام روایت میکند که ایشان فرمودند: هر کس به الله متعال وبه روز رستاخیز ایمان دارد؛ پس یا سخن نیک گوید ویا اینکه باید خاموشی را برگزینند.»

پس ای بندگان تقوای الله را در پیش گرفته وجز سخنان حق چیز دیگری را بر زبان جاری نسازید. قال تعالی: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را در پیش گرفته وسخنی استوار گویید (٧٠) تا اعمال شما را اصلاح نماید وگناهانتان را بر شما ببخشاید وهر کس الله ورسولش را فرمان برد قطعا به رستگاری بزرگی نایل آمده است (٧١)»

اللهمَّ صلِّ وسلِّم وبارِك على عبدِك ورسولِك مُحمّد و وارْضَ اللهمَّ عن خلفاء نبيك الرّاشدين الأئمة الهداة المهديين ذوي القدر العلي والفخر الجلي ساداتنا وأئمتنا أبي بكر وعمر وعثمان وعلي وارض اللهم عن السبطين الشهيدين سيدي شباب أهل الجنة وقرتي أعين أهل السنة الإمام أبي محمد الحسن والإمام أبي عبدالله الحسين وعن أمهما فاطمة الزهرا وعن جدتهما خديجة الكبرى وعن الصديقة بنت الصديق عائشة أم المؤمنين وعن سائر أزواج نبيك الطاهرات وعن سائر آل بيت النبي المطهرين من الدنس والأرجاس وعن عمي النبي الكريم حمزة والعباس وعن من تبعهم بإحسان الى يوم الدين.

اللهم أحينا في موالاتهم وموالاة أولياءهم ومعاداة أعدائهم وأمتنا على ملتهم واحشرنا في زمرتهم.

اللهم أعز الإسلام والمسلمين و وأذل الشرك والمشركين و ودمر اللهم أعداء الدين و واجعل هذا البلد آمناً مطمئناً وسائرَ بلاد المسلمين.

اللهم انصر من نصر الدين و اللهم انصر دينك وكتابك وسُنَّة نبيِّك - صلى الله عليه وسلم.

اللهم انصر إخواننا المسلمين في كل مكان يا حي يا قَيُّوم و اللهم انصرهم نصرًا مؤزَّرًا و وأيدهم بتأييدك و وأحفظهم بحفظك يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام.

اللهم آمنَّا في أوطاننا و وأصلِح أئمتنا و وولاة أمورنا و واجعل ولايتنا فيمن خافك واتقاك و واتبع رضاك يا رب العالمين و اللهم أبرِم لهذه الأمة أمرَ رشدها يَعزُّ فيه أهل طاعتك و ويُذلّ فيه أهل معصيتك و ويُؤمر فيه بالمعروف و ويُنهى فيه عن المنكر؛ إنك على كل شيء قدير.

عبادالله ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُ بِٱلْعَدْلِ وَٱلْإِحْسَٰنِ وَإِيتَآئِ ذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَآءِ وَٱلْمُنكَرِ وَٱلْبَغْىِ ۚ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾ ﴾ (النحل: ٩٠)

زندگی حقیقی و زندگی آخرت است

خطبه اول

الحمد لله الذي أحيا قلوب عباده المؤمنين بالإيمان وجعل لهم نهاية يؤجرون ويكرمون وينعمون في يوم القرار والصلاة والسلام علي خير من بشر الأخيار وأنذر الأشرار وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان الي يوم القرار.

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ آل عمران: ۱۰۲

«ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.

برادران گرامی! ومومنان عاشق بهشت وزندگی آخرت! موضوع این هفته ما در باره زندگی حقیقی است زندگی که پس این زندگی دنیوی موقتی شروع می شود وهرگز پایان ندارد. آری این جهان وتمام هست ونیست این زندگی مادی فنا خواهد شد وآنچه باقی می ماند ذات گرامی الله متعال وزندگی حقیقی آخرت است:

﴿كُلُّ مَنۡ عَلَيۡهَا فَانٖ ٢٦ وَيَبۡقَىٰ وَجۡهُ رَبِّكَ ذُو ٱلۡجَلَٰلِ وَٱلۡإِكۡرَامِ ٢٧﴾ (الرحمن: ۲۶ – ۲۷)

«هر چه بر روی آن (زمین) است و فانی شود.و (تنها) روی پروردگار ذو الجلال وگرامی توست که باقی می ماند».

الله متعال در باره بی ارزشی این دنیا وزندگی ناپایدار آن بارها در کلام مجیدش هشدار داده وبه ارزش واهمیت زندگی آخرت تأکید نموده است:

﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ وَزِينَةٞ وَتَفَاخُرُۢ بَيۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِۖ كَمَثَلِ غَيۡثٍ أَعۡجَبَ ٱلۡكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ يَكُونُ حُطَٰمٗاۖ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٞ شَدِيدٞ وَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٞۚ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ٢٠﴾ (الحدید: ۲۰)

«بدانید که زندگی دنیا تنها بازیچه وسرگرمی وتجمل و وفخر فروشی در میان شما وافزون طلبی در اموال وفرزاندان است و همانند بارانی که روییدنی اش کشاورزان را به شگفت آورد سپس خشک شود (به گونه ای که) آن را زرد رنگ بینی و سپس خرد (وبه کاه تبدیل) شود ودر آخرت (برای کفار) عذاب سخت است و(برای مؤمنان) آمرزشی از جانب الله وخشنودی است و وزندگی دنیا چیزی جز متاع فریبنده نیست».

پس زندگی دنیا فقط یک بهار زودگذری است که بزودی پاییز وزمستان تازگی وشادابی آنرا در هم خواهد پیچید وفقط زندگی حقیقی آخرت باقی خواهد ماند آری توجه فرمودید که زندگی دنیا چیزی جز متاع فریبنده نیست.

در جای دیگری معبود یگانه ویکتا در باره دنیا وبی ارزش آن می فرماید:

﴿إِنَّمَا مَثَلُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ مِمَّا يَأۡكُلُ ٱلنَّاسُ وَٱلۡأَنۡعَٰمُ حَتَّىٰٓ

﴿ إِذَآ أَخَذَتِ ٱلۡأَرۡضُ زُخۡرُفَهَا وَٱزَّيَّنَتۡ وَظَنَّ أَهۡلُهَآ أَنَّهُمۡ قَٰدِرُونَ عَلَيۡهَآ أَتَىٰهَآ أَمۡرُنَا لَيۡلًا أَوۡ نَهَارٗا فَجَعَلۡنَٰهَا حَصِيدٗا كَأَن لَّمۡ تَغۡنَ بِٱلۡأَمۡسِۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٢٤ ﴾ (یونس: ۲۴)

«مثل زندگی دنیا و همانند آبی است که از آسمان نازل کردیم و سپس براثر آن گیاهان گوناگون زمین از آنچه مردم وچهارپایان می خورند؛ روييد و تا زمانی که زمین پیرایه خود بگرفت و وآراسته شد و واهل آن گمان کردند که خود بر آن چیره اند و (نا گهان) فرمان ما در شب یا روزی فرا رسد و وآنچنان آن (کشتزار) را درو کنیم که گوی دیروز هرگز (کشتزاری) نبوده است . این گونه آیات (خود) را برای گروهی که می اندیشند به تفصیل بیان می کنیم.»

این است آنچه که ما به آن دل بسته ایم تعبیر دیگری را ملاحظه فرمایید که الله یگانه ومعبود حقیقی ما که خالق و. مدبر این جهان وجهان آخرت است در باره این زندگی چه می فرماید:

﴿ وَمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَهۡوٞ وَلَعِبٞۚ وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ لَهِيَ ٱلۡحَيَوَانُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴾

(العنکبوت: ۶۴)

«و این زندگی دنیا (چیزی) جز سرگرمی وبازیچه نیست و وبی تردید اگر می دانستند سرای آخرت همان زندگی (واقعی) است.»

پس زندگی آخرت همان زندگی حقیقی است که من وشما برای آن آفریده شده ایم ودر آن همیشه خواهیم ماند وخوشا به سعادت کسانی که از اهل بهشت ورستگاری دایم باشند که در آن صورت همواره در نعمت ابدی خواهند بود:

﴿ فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٨٨ فَرَوۡحٞ وَرَيۡحَانٞ وَجَنَّتُ نَعِيمٖ ٨٩ ﴾ (الواقعة: ۸۸ – ۸۹)

«واما اگر از اصحاب راست (سعادتمند) باشد.پس (در) آسایش وریحان وباغ (بهشت) پر نعمت است».

و این نعمتهای بی پایان وابدی وسرمدی بهشت جاویدان دلپذیر وپایان ناپذیر است که امیدواریم الله یگانه ویکتا من وشما را جزء آن بندگان پیروز سرفراز بگرداند:

﴿ وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُواْ جَنَّةٗ وَحَرِيرٗا ١٢ مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِۖ لَا يَرَوۡنَ فِيهَا شَمۡسٗا وَلَا زَمۡهَرِيرٗا ١٣ وَدَانِيَةً عَلَيۡهِمۡ ظِلَٰلُهَا وَذُلِّلَتۡ قُطُوفُهَا تَذۡلِيلٗا ١٤ وَيُطَافُ عَلَيۡهِم بِـَٔانِيَةٖ مِّن فِضَّةٖ وَأَكۡوَابٖ كَانَتۡ قَوَارِيرَا۠ ١٥ قَوَارِيرَاْ مِن فِضَّةٖ قَدَّرُوهَا تَقۡدِيرٗا ١٦ وَيُسۡقَوۡنَ فِيهَا كَأۡسٗا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا ١٧ عَيۡنٗا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلۡسَبِيلٗا ١٨ ۞ وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيۡتَهُمۡ حَسِبۡتَهُمۡ لُؤۡلُؤٗا مَّنثُورٗا ١٩ وَإِذَا رَأَيۡتَ ثَمَّ رَأَيۡتَ نَعِيمٗا وَمُلۡكٗا كَبِيرًا ٢٠ عَٰلِيَهُمۡ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضۡرٞ وَإِسۡتَبۡرَقٞۖ وَحُلُّوٓاْ أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٖ وَسَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ شَرَابٗا طَهُورًا ٢١ إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمۡ جَزَآءٗ وَكَانَ سَعۡيُكُم مَّشۡكُورًا ٢٢ ﴾ (الإنسان: ۱۲ – ۲۲)

«بهشت وابریشم را به پاداش این که بر اطاعت الله ودر برابر گزندها ومصیبت ها شکیبایی ورزیدند پاداششان دهد در بهشت بر پشتی ها تکیه می زنند. در آن جا نه خورشیدی می بینند تا از گرمای آن آزرده شوند ونه سرمایی تا از سردی اش به ستوه آیند سایه هایش نزدیک وبر آنها گسترده است ومیوه هایش در اختیار آنان نهاده شده است و به گونه ای که هر نوع میوه ای بخواهند و بی هیچ رنجی از درخت می چینند جام هایی سیمین وتنگ هایی بلورین بر آنان می گردانند بلورهایی

شفّاف وروشن که گویی از نقره ساخته اند . خدمتکاران و آنها را در اندازه هایی مطابق میل آنان آورده وبه قدر خواسته ایشان در آنها نوشیدنی دلخواه آنان ریخته اند. در آن جا باده ای به آنان می نوشانند که آمیزه اش زنجبیل است. از چشمه ای در بهشت که آن را «سلسبیل» می نامند. وبرای خدمت به آنان پسرانی همارە شاداب ونوجوان بر گردشان در گردش اند. آن پسران چنان نورانی وبا طراوت اند که چون آنان را بنگری می پنداری مرواریدی پراکنده اند وچون در آن جا به نظاره بنشینی و نعمتی بی حدّ وسلطنتی بزرگ می بینی بر اندام بهشتیان جامه هایی سبز رنگ از حریر نازک ودیبای سِتبر است وبه دستواره هایی از نقره آراسته شده اند وپروردگارشان به آنان شرابی می نوشاند که هر پلیدی را از آنان می زداید. به آنان گفته می شود: این برای شما جزایی است بزرگ و وسعیتان مورد سپاس قرار گرفته است».

بله عزیزان! این است آن زندگی حقیقی وسرای دایمی که من وشما همیشه در آن خواهیم ماند واین است آن نعمتهایی که باید ما برای حصول ورسیدن به آن باید با هم رقابت داشته باشیم بیشترین وقت وتلاش خود را در راه رسیدن به آن صرف نماییم.

اما این انسان غافل چقدر از هدف دور است یعنی خود من وشما چقدر در غفلت زندگی می کنیم وچقدر به این جهان فانی وزیب وزینت آن دل بسته ایم وخود را می فریبیم وعمر ارزشمند خود را بیهوده هدر می دهیم. وناگهان فرصت تمام می شود وبه سوی آخرت وزندگی حقیقی سوق داده می شویم.

ابوهریره – رضی الله عنه – می فرماید: شنیدم که رسول الله ﷺ می فرمودند: «**لا يَزَالُ قَلْبُ الْكَبِيرِ شَابًّا فِي اثْنَتَيْنِ: فِي حُبِّ الدُّنْيَا و وَطُولِ الأَمَلِ**». (بخاری: ۶۴۲۰)

«دل انسانهای کهنسال در دو چیز و همچنان جوان می ماند: دوستی دنیا وآرزوی طولانی».

و علی رضی الله عنه می فرماید: « **ارتحلت الدنيا مدبرة و وارتحلت الآخرة مقبلة ولكل واحدة منهما بنون و فكونوا من أبناء الآخرة و ولا تكونوا من أبناء الدنيا و فإن اليوم عمل ولا حساب و وغدا حساب ولا عمل**».

«دنیا در حال دور شدن وآخرت در حال نزیک شدن است وهر کدام از این دو فرزندانی دارند! پس شما از فرزندان آخرت باشید ونه دنیا ؛ زیرا که امروز عمل است وحسابی نیست وفردا حساب است وعملی نخواهد بود».

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين والحمد لله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه و كما يحب ربنا ويرضى و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبده ورسوله و وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

برادران مسلمان!

رسول گرامی ما صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند:

(إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث ؛ صدقة جاريه ؛ أو علم نافع ينتفع به ؛ أو ولد صالح يدعو له) به روایت مسلم

«هر گاه انسان بمیرد عملش منقطع می شود مگر از سه چیز: صدقه جاریه یا علمی که از آن استفاده شود ویا فرزند نیکی که برایش دعا کند».

پس زندگی دنیا ارزشی ندارد که انسان همه چیز خود را صرف آن کند انسان عاقل کسی است که از وقت و امکاناتی که در اختیار دارد برای آباد کردن آخرت استفاده کند وبداند که زندگی حقیقی زندگی آخرت است.

سروران گرامی! آیا می دانید که ایمان به روز آخرت چه ثمرات ارزشمندی دارد به این نکات بسیار مهم توجه داشته باشید:

۱- شوق ورغبت به انجام طاعات وحرص بر آن به خاطر پاداش وثوابی که در پی دارد.

۲- ترس از گناه وپلید شدن به آن و از ترس عذاب آنروز.

۳- تسلی واطمینان مؤمن از آنچه از دست می دهد به خاطر امیدواری که به ثواب بهشت ونعمتهای آن دارد.

۴- ایمان به روز رستاخیز اساس سعادت فرد وجامعه است و زیرا وقتی انسان ایمان داشته باشد که الله متعال مخلوقات را پس از مردنشان زنده می کند واز هر خوب وبد آنان حساب می گیرد وانتقام مظلوم را از ظالم می گیرد حتی از حیوان و حتماً براه می آید وبه طاعت الله مشغول می شود بنابر این ریشه شر وفساد از بین می رود وخیر ونیکی بر جامعه حاکم می گردد وفضیلت واطمینان وآرامش همه جا را فرا می گیرد.

پس با توجه نکات فوق ارزش ایمان به روز آخرت بسیار حیاتی است وبه همین دلیل بخش عمده ای از قرآن کریم به این امر اختصاص یافته است.

و اما برای اینکه حقیقت بی ارزشی این دنیا وارزش واهمیت آخرت وسرای جاویدان بهشت برین را بدانیم خلاصه ای از یک حدیث مفصل از صحیح بخاری را که صحابی جلیل القدر وشاگرد منحصربه فرد رسول مکرم صلی الله علیه وآله وسلم یعنی حضرت ابوهریره دوسی رضی الله عنه روایت کرده را در اینجا می آوریم که رسول بزرگوارمان صلی الله وعلیه وآله وسلم در توصیف یک صحنه از روز حشر می فرمایند:

پس از آن و الله متعال از قضاوت بین بندگان در حالی فارغ می شود که فقط یکی از بندگانش بین بهشت ودوزخ بلاتکلیف مانده است. واو آخرین فرد دوزخی است که وارد بهشت می شود. او که چهره اش به سوی دوزخ است و می گوید: پرودگارا ! چهره ام را از دوزخ برگردان. زیرا وزش هوای آتشین آن و حالم را به هم می زند وشعله های آتشینش و مرا می سوزاند. الله متعال می فرماید: اگر این خواسته ات را بر آورده سازم و چیز دیگری نمی خواهی؟ می گوید: سوگند به عزتت و که نمی خواهم. وچندین عهد وپیمان دیگر می بندد. الله متعال چهره اش را از جانب دوزخ برمی گرداند. وقتی چهره اش به سوی بهشت می شود وشادابی آنرا می بیند و ابتدا اندکی سکوت می کند سپس می گوید: يَا رَبِّ قَدِّمْنِي عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ پروردگارا ! مرا نزدیک دروازه

بهشت ببر.

الله متعال به او می گوید: مگر تو آن همه عهد وپیمان نبستی که چیز دیگری نخواهی ؟! می گوید: پروردگارا مرا شقی ترین بنده ات مگردان. الله متعال مي فرمايد: اگر این خواسته ات را نیز برآورده سازم و چیز دیگری نمی خواهی؟ می گوید: لا وَعِزَّتِكَ لا أَسْأَلُ غَيْرَ ذَلِكَ و سوگند به عزتت که چیز دیگری نمی خواهم.

الله او را نزدیک دروازه بهشت می برد. وقتی چشمش به زیبائیها وشادابیهای بهشت می افتد و لحظه ای سکوت می کند. سپس می گوید: يَا رَبِّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ و فَيَقُولُ اللهُ: بارالها! مرا وارد بهشت گردان.

الله متعال می فرماید: وَيْحَكَ يَا ابْنَ آدَمَ مَا أَغْدَرَكَ و وای بر تو ای فرزند آدم! چقدر عهد شکن هستی! مگر تو با من و آن همه عهد وپیمان نبستی که چیز دیگری نخواهی.

می گوید: پروردگارا ! مرا شقی ترین بنده ات مگردان. الله متعال به این رفتار بنده اش می خندد. سپس به او اجازه ورود به بهشت می دهد ومی فرماید: اکنون هر چه آرزو داری و بخواه. پس او آنقدر می طلبد که آرزوهایش به پایان می رسد. الله عزوجل به یادش می اندازد که چنین وچنان بخواه. تا اینکه این آرزوها نیز به پایان می رسد. حق تعالی می فرماید: دو برابر آنچه که خواستی به تو عنایت فرمودم». ودر روایت ابوسعید خدری رضی الله عنه آمده که من خودم شنیدم که آنحضرت ﷺ فرمود: «قَالَ اللَّهُ لَكَ ذَلِكَ وَعَشَرَةُ أَمْثَالِهِ» الله متعال فرمود: آن و ده برابر مثل آن برای تو باد. (صحیح بخاری: ۸۰۶)

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ٥٦)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد .....

ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

روش دعوت انبیاء

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ الأحزاب:(٧٠ - ٧١)

أما بعد:

برادران وخواهران عزیز: دعوت انبیاء وسیله نجات بشریت از میکروبها وآلودگیهای شرک وبت پرستی و وپاکسازی جامعه از آلودگی وعفونتهای فساد وانحلال اخلاقی و وهرج ومرج وبی نظمی و... بود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿ كَانَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَ ٱلنَّاسِ فِيمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِۚ وَمَا ٱخۡتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۖ فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ مِنَ ٱلۡحَقِّ بِإِذۡنِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٍ ٢١٣ ﴾ (البقرة: ٢١٣)

(مردم یک امت بودند پس الله پیامبران را مژده دهنده وبیم دهنده فرستاد وبا ایشان کتابی بحق نازل فرمود تا اینکه آن کتاب بین مردم در آنچه اختلاف دارند حکم کند واختلاف در آن کتاب نکردند مگر آنان که کتاب (الله) به آنان داده شده بود بعد از آنکه دلیلهای روشن بر ایشان آمد واختلاف آنها در کتاب نتیجه سرکشی وتجاوز وستم بین خودشان بود پس الله مؤمنین را بسوی حقی که در آن اختلاف داشتند هدایت ورهنمون کرد به اذن واراده‌ی خود والله هر کس را که (خود) بخواهد به راه راست ودرست هدایت می کند.)

این آیه کریمه اشاره به این واقعیت دارد که انسانها در ابتدا بر هدایت ودین حق بوده‌اند و بعدها اختلاف وچند دستگی در میان آنها بروز کرد وبا هم به نزاع وکشمکش برخاستند ودر روی زمین فساد به راه انداختند و واز راه درست ومستقیم منحرف شدند و در نتیجه الله از میان آنها پیغمبران را – به عنوان بشارت دهنده وبیم دهنده – مبعوث نمود.

از حضرت عبدالله ابن عباس روایت شده که «فاصله‌ی زمانی میان حضرت آدم ونوح ده قرن بود ودر این فاصله انسانها بر حق بودند» تا اینکه اختلاف وانحراف میان آنها بروز کرد الله حضرت نوح وسایر انبیای بعد از او و را به منظور باز گردانیدن بشریت به جاده حق وصواب مبعوث نمود.

الله باری تعالی جَلَّ جَلالُهُ که اصدق القائلین است هدف از بعثت پیغمبران گرامی را بیان کرده می فرماید: ﴿ رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ١٦٥ ﴾ (النساء: ۱۶۵)

(پیغمبران نوید دهندگان وترسانندگانند تا برای مردم بر الله حجت وبهانه‌ای بعد از (ارسال) پیغمبران نباشد والله است عزتمند حکیم.

چنانکه الله هر رسولی را به عنوان نجات دهنده قومش از تاریکی نادانی وگمراهی قرار داده ومی فرماید: ﴿ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ أَنۡ أَخۡرِجۡ قَوۡمَكَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ وَذَكِّرۡهُم بِأَيَّىٰمِ ٱللَّهِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ٥ ﴾ (إبراهيم: ۵)

(و همانا فرستادیم ومبعوث کردیم موسی را با آیه های خود و که بیرون آور قومت را از تاریکی (شرک وگمراهی) بسوی نور (هدایت وتوحید) ویادآوریشان کن به روزهای الله (نعمتهای الله یا وقایع ورخدادهای زمانه) همانا که در این است نشانه‌هایی برای هر شکیبای سپاسگزار.)

در اینجا مهمترین شاخص دعوت انبیا و وخصایص وویژگیهای آنرا خدمت شما عزیزان بیان می کنیم باشد که چراغی بر فراز راه دعوتگران باشد.

دعوت انبیاء ربانی است و یعنی به وحی وتکلیف الله متکی می باشد.

انبیاء بر رسالت خویش مزدی نمی طلبند بلکه مزد واجر خود را از الله می خواهند.

اخلاص دین برای الله ودعوت به پرستش او یکی دیگر از ویژگیهای دعوت انبیاء است.

دعوت آنان در اوج سادگی وبساطت بوده وهیچ تکلف وتعقیدی در آن وجود ندارد.

هدف وغایت در دعوت انبیای کرام واضح وروشن است.

زهد در دنیا وتفضیل آخرت بر دنیا یکی دیگر از ویژگیهای دعوت انبیاء است.

تأکید بر عقیدۀ توحیدی وتشدید در امر ایمان به غیب یکی دیگر از امتیازات دعوت انبیاء است.

این است مهمترین ویژگی های دعوت انبیای کرام که اینک هر یک از این ویژگیها را به اختصار توضیح می دهیم ودر این راستا از الله متعال استعانت می جویم.

امتیاز اول: ربانی بودن دعوت انبیاء:

مقصود از این جمله این است که منشاء ومصدر این دعوت وحی الله عزوجل می‌باشد و بنابراین و این دعوت برخاسته ونشأت گرفته از وجود پیغمبران نیست و ونتیجه‌ی شرایط وعوامل اجتماعی زمان آنان نیز و از قبیل وجود ظلم طغیان و جور واستبداد و ضلالت وانحراف و... نیست کما اینکه تراوش افکار عمیق پیامبران و یا تألم آنان بر وضعیت اسفبار حاکم بر جامعه نیز نمی‌باشد. هیچکدام از این عوامل مصدر ومنشأ دعوت آنان به حساب نمی آیند بلکه یگانه عامل وباعث آن وحی وتکلیف الهی است وبس و وتمامی آنچه که آنها آورده‌اند ریشه در وحی دارد به همین خاطر است که همگی خطاب به اقوام خود گفته اند: ﴿إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّۚ﴾ (الأنعام: ۵۰)

«پیروی وتبعیت نمی کنم جز از آنچه به سوی من وحی شده است»

بنابراین آنها سهمی (جز تبلیغ) در وحی الله ندارند. پیامبران به هیچ عنوان تسلیم عوامل نفسی

ودرونی و یا حوادث موقت وخارجی و نمی‌شوند ورسالت خویش را با اوضاع واحوال وخواست جوامع تطبیق نمی‌دهند. الله متعال در رابطه با رسول بزرگوار حضرت محمد ع می‌فرماید: ﴿ وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٣﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿٤﴾ ﴾ (النجم: ٣ - ٤)«و از روی هوا وهوس سخن نمی گوید * آن (چیزی نیست) جز وحی وپیامی که وحی والقا می گردد».

پس پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم به هیچ عنوان نمی‌تواند کمترین تبدیل وتحریف وتعدیلی در رسالت واحکام الله بوجود آورد. با دقت در سیره انبیاء و فرق نبوت وپادشاهی به وضوح روشن می گردد چون انبیاء حاضر به معامله باکوچکترین چیز از امور دعوت خود نمی‌باشند هر چند بهایی که در مقابل آن می‌پردازند بس فراوان باشد و اما دعوت رهبران ومصلحین سیاسی واجتماعی هرگز چنین نیست... زمانی که مشرکین قریش سخاوتمندانه به پیغمبر پیشنهاد دادند که ملك وثروت فراوانی به او بدهند یا زیباترین وشریفترین زنان را به عقد ازدواج ونکاح او درآورند وپادشاهی ورهبری شبه جزیره را به او واگذار کنند اما در مقابل از دعوت دست بردارد واز ذم خدایان وتمسخر بتان خودداری کند و جواب وموضع رسول الله صلی الله وعلیه وسلم در مقابل پیشنهاد آنان چه بود؟ این سخن جاودانه ومشهوری را بر زبان راند که تا ابد در گذر زمان تکرار خواهد شد. «والله لو وضعوا الشمس فی یمینی و والقمر فی یساری و علی أن أترك هذا الأمر حتی یظهره الله أو أهلك فیه ما ترکته». «قسم به الله اگر خورشید را در دست راست وماه را در دست چپم قرار دهند در مقابل اینکه از این دعوت صرف نظر کنم آنرا تا زمانی که الله آن را ظاهر می‌نماید وعزت می‌بخشد یا در راه آن شهید می‌شوم آن را رها نخواهم کرد.» کتب سیرت.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالِمِیْنْ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِیِّنا مُحَمّدٍ و وَعَلى آلِهِ وَأصْحابه وَمَنْ دَعا بِدَعْوَتِهِ إلىَ یَوْم الدِّیْن.

أمّا بَعد:

برادران وخواهران گرامی! در خطبه قبل یکی از ویژگی های دعوت پیامبران را ذکر نمودیم ودر این خطبه به ادامه آن می پردازیم و **دومین** ویژگی دیگر در دعوت پیغمبران این است که: آنها مزد واجری در مقابل دعوت از هیچ احدی مطالبه نمی کنند: ﴿ يَٰقَوْمِ لَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى ٱلَّذِي فَطَرَنِيٓ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥١﴾ ﴾ (هود: ٥١)«ای قوم من! در برابر آن (دعوت به توحید) و از شما پاداشی درخواست نمی کنم من پاداش را تنها از کسی می‌طلبم که مرا آفریده است. آیا نمی‌فهمید؟»

و این خاتم پیغمبران محمد پسر عبدالله صلی الله وعلیه وسلم است که آشکارا بانگ برمی‌آورد وبی پرده حقیقت را به مردم اعلام می کند ومی گوید: ﴿ قُلْ مَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾ ﴾ (الفرقان: ٥٧)

«بگو: من در برابر ابلاغ این آیین هیچگونه پاداشی از شما مطالبه نمی‌کنم. تنها پاداش من این است که کسی (اگر خواست) راه به سوی پروردگارش در پیش گیرد.»

سومین امتیاز فراخوانی انبیاء اخلاص دین برای الله وتنها او را به عبادت اختصاص دادن است... واین هدف بزرگ وبلندی است که تمامی انبیاء در هر عصر وزمان ومحیط ومکان بدان دعوت کرده‌اند و هدف آنها جز توجیه وراهنمایی وآشنایی مخلوق ضعیف وناتوان با خالق توانا وقادر چیزی نبوده است. آنها به مصداق آیه کریه قرآن خواسته‌اند بندگان را از عبادت بندگان به سوی عبادت معبود وخالقشان راهنما وهادی باشند. ﴿ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥ ﴾ (البينة: ٥)«در حالی که جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه وحقگرایانه الله را بپرستند وتنها شریعت او را آئین بدانند ونماز را چنانکه باید بخوانند و وزکات را بپردازند. آئین راستین وارزشمند این است وبس.»

الله متعال تمامی انبیاء را مأمور تبلیغ دعوت توحید نموده است و دعوتی مبارک و دعوت به یکتاپرستی واخلاص در عبادت و دعوت به نیت وعمل و در این مورد الله متعال می فرماید: ﴿ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥ ﴾ (الأنبياء: ٢٥)

«ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم و مگر اینکه به او وحی کرده‌ایم که: معبودی جز من نیست و پس فقط مرا پرستش کنید».

ویژگی **چهارم** دعوت انبیاء بساطت وسادگی آن ونبودن تعقید وتکلف در آن است. این امتیاز در دعوت تمامی انبیاء به وضوح مشاهده می‌شود و آنها همگام با فطرت حرکت می کنند وبه اندازه‌ی عقلانیت مردم و آنها را مورد خطاب قرار می‌دهند ودر دعوت خود به هیچ گونه تکلف باور ندارند چنانچه بعضی از رهبران سیاسی ومصلحین عمل می‌نمایند و آنها امور را بر مردم سخت وپیچیده نمی گیرند طوری با مردم سخن نمی گویند که سخن آنها را نفهمند... ﴿ ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦۖ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ١٢٥ ﴾ (النحل: ١٢٥)

«مردمان را با سخنان استوار وبجا واندرزهای نیکو وزیبا به راه پروردگارت فراخوان و وبا ایشان به شیوه هر چه نیکوتر وبهتر گفتگو کن؛ چرا که بیگمان پروردگارت آگاه تر به حال کسانی است که از راه او منحرف وگمراه می‌شوند ویا اینکه رهنمود وراهیاب می گردند.»

برای پیروزی وموفقیت دعوت لازم است راه انبیاء را در پیش گرفت ودور از اسالیب وروشهای تصنعی عمل کرد ودر دعوت وگفتگو با مردم راه تکلف را در پیش نگرفت و وبا منطق وبرهان عقلی که کوچک وبزرگ وعالم وجاهل آنرا می‌فهمند ودرک می کنند با ایشان صحبت کرد.

پنجمین امتیاز دعوت پیغمبران وضوح وروشنی هدف وغایتی است که مردم را بسوی آن فرا می‌خوانند آنها مردم را به هدفی واضح و فکری روشن ودور از اغماض دعوت می کنند در فرموده‌ی الله خطاب به حضرت محمد صلی الله وعلیه وسلم دقت کنید: ﴿ قُلۡ هَٰذِهِۦ سَبِيلِيٓ أَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِيۖ وَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٠٨ ﴾ (یوسف: ١٠٨)«بگو: این است راه من مردم را بر بصیرت وروشنایی به سوی الله فرا می‌خوانم و من وپیروانم وپاکی برای الله است

ومن از شریک قراردهندگان نیستم.»

و این چنین می بینیم که پیغمبران بزرگوار مردم را تنها بسوی رسالت الهی دعوت کرده اند دارای هدفی واحد ومقصدی ارزنده بوده و ودر دعوت خود راه حیله را در پیش نگرفته اند که در خفا هدفی دیگری تعقیب کرده باشند و چنانکه این عمل خصلت بعضی از رهبران است که از حقیقت نیات خود آشکارا پرده بر نمی‌دارند.

ششمین امتیاز دعوت انبیاء زهد در دنیا وایثار آخرت بر زندگی دنیایی است. این امتیاز ملازم دعوت انبیاء می باشد وبه هیچ عنوان از آن جدا نمی شود زیرا هدف آنان طلب لذت وبهره مندی از لذایذ دنیا وزخرفات زندگی نمی باشد.

امتیاز هفتم دعوت پیغمبران و تأکید بر عقیده وباور توحیدی وتاکید بر مسئله ایمان به غیب بود. این امتیاز به وضوح در دعوت تمامی انبیاء و بدون استثناء دیده میشود و در رابطه با حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: ﴿لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓ﴾ (الأعراف: ۵۹)«ما نوح را به سوی قوم خود فرستادیم او بدیشان ای قوم من! (تنها) الله یگانه را پرستش کنید و که معبودی جز او برای شما نیست»

و در رابطه با حضرت هودعلیه السلام می‌فرماید: ﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمۡ هُودًاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ﴾ (الأعراف: ۶۵)«و به سوی عاد و برادرشان هود را [فرستادیم]؛ گفت: «ای قوم من و الله را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست.»

و در رابطه با صالح می گوید: ﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحًاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ﴾ (الأعراف: ۷۳)

«و به سوی [قوم] ثمود و صالح و برادرشان را [فرستادیم]؛ گفت: «ای قوم من و الله را بپرستید و برای شما معبودی جز او نیست»

قرآن این چنین از تمامی انبیاء با ما سخن می گوید وروشن می‌نماید که همگی و مردم را به سوی توحید دعوت کرده‌اند. بدین گونه معرکه وجنگ بین انبیاء واقوامشان بر سر رسالت حق ودعوت توحیدی شدت واوج می گرفت تا سرانجام به نابودی مشرکین وغلبه رسولان می‌انجامید. الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ سَبَقَتۡ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٧١ إِنَّهُمۡ لَهُمُ ٱلۡمَنصُورُونَ ١٧٢ وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ١٧٣﴾ (الصافات: ۱۷۱ – ۱۷۳)

«و به راستی وعده‌ی ما درباره‌ی آن دسته از بندگان که رسالت یافته‌اند و از پیش ثابت ومحقق گشته است که بی گمان آنان یاری می‌شوند.»

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦﴾ (الأحزاب: ۵۶)
و اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

حقوق مسلمان

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

مسلمانان! یکی از بزرگترین نعمتهای الهی و نعمت برادری در دین است. آن نعمتی که پرودگار درباره‌اش فرموده است:

﴿ إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ ١٠ ﴾ (الحجرات: ١٠)

«به راستی مومنان و برادر یکدیگرند».

و الله متعال این برادری را پیوندی قرار داده است که بر عقیده وایمان به ذات اقدسش استوار است. زیرا ایمان و نیروی جذاب وگیرایی است که اهل خود را به نزدیکی ومحبت بیشتر نسبت به یکدیگر وا می‌دارد. ممکن نیست قلب‌هایی که بر اساس ایمان به الله ودوستی او ورسولش جمع شده‌اند از هم و دور وجدا شوند. این و همان الفتی است که الله جل جلاله در دل یاران پیامبر علیه الصلاة والسلام نهاد.

﴿ وَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡۚ لَوۡ أَنفَقۡتَ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مَّآ أَلَّفۡتَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ أَلَّفَ بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّهُۥ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٦٣ ﴾ (الأنفال: ٦٣)

و میان دلهایشان انس والفت برقرار کرد. اگر همه چیزهایی را که در زمین است و هزینه میکردی و نمیتوانستی میان دلهایشان الفت برقرار کنی؛ ولی الله میان آنان انس والفت به وجود آورد. همانا او توانای شکست ناپذیر وحکیم است. [انفال / ٦٣]

این الفت در واقع یکی از ویژگیهای جامعه اسلامی است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آن را اینچنین زیبا به تصویر کشیده است:

« مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِى تَوَادِّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى ».

«مثال مومنان در مودت ومحبت وعاطفه‌ی موجود در میانشان همانند یک پیکر است که اگر عضوی از اعضای آن به درد آید و سایر اعضای بدن با شب‌بیداری وتب همراهی اش می کنند».
[صحیح مسلم]

پروردگار متعال و رابطه‌ی ایمانی مسلمانان را قویتر ومحکم‌تر از رابطه‌ی خونی ونسبی آنان قرار داده است؛ رابطه ای ایمانی وعقیدتی که از آن و احساسی مشترک والفت وتعاون وبرادری سرچشمه می گیرد؛ زیرا رابطه‌ی خونی وخویشاوندی ممکن است سست وسرد شود؛ ولی وحدت عقیدتی و نوعی پیوند همیشگی وهمیشه‌تازه است. مسلمانان با گفتن شهادتین در نهان وآشکار خویش وبا نماز وروزه وزکات وحجشان و این پیوند را به یاد می‌آورند. چنانکه در این روزهای مبارک ودر گردهمایی فرخنده و بسیاری از برادران ایمانی را در بیت الله الحرام وزیر سایه‌ی خانه الله تعالی می‌بینیم.

مسلمانان و این رابطه‌ی برادری را در اطاعت از الله متعال ودر پناه بردن به او ودر هر چشم به هم زدن ودر هر تپش قلب ودر هر دم وبازدم به یاد می آورند...

برای حفظ این برادری وحفظ این وحدت و در کتاب الله به چنگ زدن به ریسمان الهی دستور داده شده است که این ریسمان بر اساس تفسیر «حبر امت» و«ترجمان القرآن» عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما به معنای دین الله تعالی است ویا بر اساس تفسیر عبدالله بن مسعود رضی الله عنه «جماعت» می باشد وبر اساس سخن دیگر مفسران و ریسمان الهی همان قرآن است؛ زیرا اجتماع بر کتاب الله ضامن اساس وحدت است. از آنجا که اجتماع قلب‌ها بر باطل و ممکن ومقبول نیست و باید یکی بودن قلبها در راستای حق وحقگرایی باشد. در این صورت جامعه اسلامی سالم خواهد ماند وهم برنامه ی مسلمانان روشن خواهد شد وخود مسلمانان نیز به آسایش وآرامش خواهند رسید واین مهم زمانی تحقق می یابد که وحدت مورد نظر و آحاد جامعه‌ی اسلامی را در برگیرد وهیچ کس و حتی یک نفر از آن جدا ومستثنی نگردد. الله متعال می‌فرماید:

﴿ وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِكُمۡ فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ إِخۡوَٰنٗا وَكُنتُمۡ عَلَىٰ شَفَا حُفۡرَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنۡهَاۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٠٣ ﴾ (آل عمران: ١٠٣)

«همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید وپراکنده نشوید ونعمت الهی را بر خودتان به یاد آورید که با هم دشمن بودید والله دل هایتان را نسبت به همدیگر مهربان کرد وبه لطف الله با هم برادر شدید؛ در صورتی که پیشتر بر لب پرتگاهی از آتش بودید والله شما را نجات داد. بدین سان الله آیاتش را برای شما بیان می کند تا هدایت شوید». (آل عمران/١٠٣}

ای بندگان الله! احساس این نعمت مبارک و چنین می طلبد که با تمام توان از حقوق این برادری پاسداری کنیم وبه شدت بر حفظ آن از تمام عواملی که می‌تواند آن را ضعیف یا بی‌رنگ (جلوه دهد کوشا) باشیم. از اینرو از اینکه یک مسلمان و با وسیله‌ای آهنی به برادر خود اشاره کند و نهی شده است. در صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه چنین روایت شده است:

«لا يشيرن أحدكم على أخيه بسلاح و فإنه لا يدري لعل الشيطان ينزع في يده و فيضعه في حفرة من نار»

«هیچیک از شما به برادرش با سلاح اشاره نمی کند. زیرا چه می داند؛ شاید شیطان دستش را بلغزاند ودر چاله ای از چاله‌های آتش بیفتد»

این حدیث با صیغه‌ی نفی آمده است وبدین معناست که مومن و این کار را نمی‌کند وچنین کاری از مومن سر نمی‌زند. وهمانطور که اهل علم در مورد این حدیث گفته‌اند این و بلیغ‌ترین ورساترین نوع نهی است.

همچنین مسلمان از اینکه مسلمان دیگری را بترساند نهی شده است. امام احمد در مسند خویش وهمچنین ابوداوود در سنن با سند صحیح از ابی عبدالرحمن بن ابی لیلی روایت می‌کنند که فرمود: تعدادی از صحابه کرام با رسول الله اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در مسیری میرفتند؛ پس یکی از آنان به خواب رفت. برخی از آنان طنابی را که همراه آن مرد بود و حرکت دادند واین باعث شد آن مرد [ناگهان بیدار شود] وبترسد. پس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «برای مسلمان جایز نیست که مسلمانی را بترساند».

کاملا روشن است که در آموزه های دینی از جنگ ودرگیری برادران ایمانی با یکدیگر نهی شده است؛ چراکه درگیری با یکدیگر و خود و نشانه‌ی انکار این برادری واین نعمت است وچنین رویکردی و شبیه رویکرد غیرمسلمانان است که حرمتی برای جان یکدیگر قایل نیستند. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در خطبه ی عید قربان فرمود:

«فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ و كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا و فِي شَهْرِكُمْ هَذَا و فِي بَلَدِكُمْ هَذَا و إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ رَبَّكُمْ و أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟ و قَالُوا: نَعَمْ و قَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ». صحیح بخاری

«خون‌ها و مال‌ها وناموس‌های شما بر یکدیگر حرام است؛ همانند حرمت این روز در این ماه در این سرزمین تا آنکه به ملاقات پروردگارتان بروید. آگاه باشید! آیا ابلاغ کردم؟ ...گفتند بله! فرمودند بارالها! شاهد باش».

و در صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «خون و مال و وناموس هر مسلمانی بر سایر مسلمانان حرام است.»

از آنجا که عوامل درگیری واختلاف بسیار است وجلوگیری از آن بسی دشوار ومشکل و پروردگار متعال راهکاری برای پیشگیری از پیامدهای ناگوار تفرقه قرار داده وآنان را به فرمانبرداری از آموزه های قرآن کریم وسنت پیامبرش دستور داده است. زیرا این تنها راهی است که آنان را به اهدافشان می‌رساند وعدالت تحقق می یابد وقلب‌ها به آرامش می رسد. الله سبحانه وتعالی می‌فرماید

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا ٥٩ ﴾ (النساء: ۵۹)

ای مومنان! از الله اطاعت کنید واز پیامبر وصاحبان امور خویش فرمانبرداری نمایید وهرگاه در چیزی اختلاف کردید و آن را به الله وپیامبر بازگردانید؛ اگر به الله ورستاخیز ایمان دارید. این بهتر

است وسرانجام بهتری دارد. (نساء: ۵۹)

حال اگر میان مومنان جنگ ودرگیری رخ دهد و باز هم پروردگار متعال آنان را رها نمی کند که یکدیگر را از میان ببرند؛ بلکه در این مورد نیز آنها را راهنمایی کرده است که چه راهی بروند وچه روشی در پیش گیرند تا اینکه جنگ پایان یابد وآتش فتنه خاموش شود وصلح برپا گردد. پروردگار متعال می‌فرماید: {و اگر دو گروه از مسلمانان با یکدیگر جنگیدند بین آنان صلح وآشتی برقرار کنید؛ پس اگر یکی از آنان همچنان بر دیگری تجاوز کرد با تجاوزگر بجنگید تا آنکه به امر الله بازگردد. پس اگر بازگشت و میان آنان عادلانه اصلاح کنید ودادگری پیشه سازید که الله دادگران را دوست دارد} در این فرمان الهی و رحمت وخیرخواهی بی‌نهایتی نسبت به مومنان مشاهده می شود که پایانی ندارد.

ای بندگان الله! تقوای الهی پیشه سازید واین نعمت الهی را به یاد آورید که شما را پس از دشمنی و برادر یکدیگر گرداند. وتلاش کنید تا حقوق برادری دینی را پاس بدارید. واز رفتن به سوی فتنه برحذر باشید که پیامدی جز نابودی وخشم الهی ندارد.

﴿ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفۡشَلُواْ وَتَذۡهَبَ رِيحُكُمۡۖ وَٱصۡبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ٤٦ ﴾

(الأنفال: ۴۶)

«و از الله وپیامبرش اطاعت نمایید وبا هم نزاع نکنید که سُست میشوید وشکوهتان از میان میرود وشکیبایی ورزید. به راستی الله و با صابران است».

الله جل جلاله و من وشما را از هدایت قرآن کریم وسنت مطهر پیامبرش صلی الله علیه وآله وسلم بهره مند بفرماید. **أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.**

خطبه‌ی دوم

الحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العَالِمِيْنْ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَىَ نَبِيِّنَا مُحَمّدٍ و وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلَىَ يَوْمِ الدِّيْن.

أمّا بعد:

ستایش از آن الله است و او را ستایش می کنم واز او درخواست آمرزش وکمک می نمایم واز بدی‌های نفس خویش واز کارهای ناشایستم به او پناه می برم. هرکه الله هدایتش کند و گمراه‌گری نخواهد داشت وهرکه الله گمراهش نماید و هدایتگری نخواهد یافت وگواهی می‌دهم که معبود برحقی جز الله نیست؛ یکتاست وشریکی ندارد وگواهی می‌دهم که محمد بنده وپیامبر اوست. پروردگارا! بر بنده وپیامبرت محمد وبر خاندان ویارانش درود وسلام بفرست.

الله متعال می فرماید: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١١ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَلَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٞ رَّحِيمٞ ١٢ ﴾

(الحجرات: ۱۱ - ۱۲)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری را استهزاء کنند و شاید آنان بهتر از اینان باشند و ونباید زنانی و زنان دیگری را استهزاء کنند و زیرا چه بسا از اینان خوبتر باشند و وهمدیگر را طعنه نزنید ومورد عیبجویی قرار ندهید و ویکدیگر را با القاب زشت وناپسند مخوانید. برای مسلمان چه بد است و بعد از ایمان آوردن و سخنان ناگوار وگناه آلود بر زبان راندن! کسانی که دست بر ندارند وتوبه نکنند و ایشان ستمگرند. ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری گمانها بپرهیزید و که برخی از گمانها گناه است و وجاسوسی وپرده دری نکنید و ویکی از دیگری غیبت ننماید؛ آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از مرده خواری بدتان می آید از الله پروا کنید و بیگمان الله بس توبه پذیر ومهربان است».

ای بندگان الله! الله متعال می‌فرماید: {همدیگر را مسخره نکنید وبا نام بد یاد ننمایید وگمان بد نکنید وجاسوسی وغیبت یکدیگر را ننمایید} آری! الله بدان سبب این اعمال زشت را برای ما ناپسند دانسته است که و نخستین زمینه ی پیدایش سستی وضعف ونابودی هستند. وانسان وامت ضعیف در دنیا وآخرت ارزشی نخواهد داشت.

همچنین پروردگار متعال و ما را از وارد شدن به راه اختلاف کنندگان وآنان که راه تفرقه را در پیش گرفتند و باز داشته وفرموده است:

﴿ وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُوا۟ وَٱخْتَلَفُوا۟ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾ ﴾

(آل عمران: ۱۰۵)

«و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند وپس از آنکه برایشان نشانه های آشکاری آمد و اختلاف ورزیدند. عذاب بزرگی در انتظار چنین کسانی است».

حال اگر راه تفرقه را در پیش بگیریم وبدین سان امت را از رسیدن به اهدافش باز داریم وفرقه فرقه ودسته‌دسته شویم و نخستین پیامد ناگوارش و بیزاری وجدایی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از ما خواهد بود. زیرا امتی که او به سوی تشکیل آن فراخواند وآن را برای بردوش گرفتن دعوتش می‌خواست و امتی است که تفرقه را نمی‌شناسد. آن امت و امتی یکپارچه است که پروردگارش یکی است؛ کتابش یکی است وافرادش در یک صف قرار دارند. همانگونه که الله می‌فرماید:

﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ فَرَّقُوا۟ دِينَهُمْ وَكَانُوا۟ شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِى شَىْءٍ ۚ إِنَّمَآ أَمْرُهُمْ إِلَى ٱللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا۟ يَفْعَلُونَ ﴿١٥٩﴾ ﴾

(الأنعام: ۱۵۹)

بیگمان با کسانی که در دینشان تفرقه ورزیدند ودسته دسته شدند و هیچ پیوندی نداری. کارِ آنان با پروردگار است وآنگاه آنان را از کردارشان آگاه میکند. [انعام/۱۵۹]

پس ای بندگان الله! تقوای الهی پیشه سازید وبرای از میان بردن شکاف‌ها و اختلافات وعوامل تفرقه ونیز برای ایجاد وحدت ویکپارچگی از هیچ تلاشی دریغ نورزید.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ ۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ صَلُّوا۟ عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾ ﴾ (الأحزاب:۵۶)

واللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

تاثیر وسایل ارتباط جمعی بر جامعه

خطبه اول

الحمد لله منزل الکتاب و هدی وذکری لأولي الألباب و والصلاة والسلام علی نبینا محمد المفضل علی البشر بجوامع الخطاب و وعلی آله المطهرین والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾ (النساء: ١)

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

امروزه برخی عصر جدید را عصر ارتباطات می دانند وغالبا سخن از وسایل ارتباط جمعی زیاد به میان آورده می شود. در جامعه امروزی همه افراد از رسانه های گروهی تاثیر می پذیرند ودر واقع یک سوم اوقات بیداری ما در مصاحبت با این رسانه ها سپری می شود.

آگاهی‌های اجتماعی در یک جامعه وقتی به صورت فرهنگی عمومی در می آید که به طور مستمر از طریق وسایل ارتباط جمعی ودر مجامع مختلف مطرح شود.

در جهان امروز چهار عامل تاثیرگزار بر روی انسان از اهمیت بالایی برخوردارند وبه طور مداوم وموثر بر فرد تاثیر می گذارند. این چهار عامل عبارتند از:

خانواده و مدرسه و گروه همسالان ووسایل ارتباط جمعی

بررسی مباحث نظری وآرای صاحبنظران ارتباطات نشان می دهد که اثرات وسایل ارتباط جمعی بسیار متعدد ومتنوع می باشد به طوری که نقد وبررسی این اثرات پیچیده است وحوزه تاثیر آن نیز قلمرو بسیار گسترده دارد.

طبق نظرات بعضی صاحب نظران و وسایل ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی هستند که می توانند نسلی تازه را برای اولین بار در تاریخ انسان پدید آورند. نسلی که با نسل های پیشین بسیار متفاوت است. طرفدارن این دیدگاه قدرت رادیو را با بمب اتمی مقایسه می کنند که از آن می‌توان در راه خیر یا شر با تاثیری شگرف سود برد.

ز آنجا که جوانان علاقه وتوجه بیشتری به استفاده از رسانه های دیداری- شنیداری نظیر فیلم های سینمایی و تلویزیون ووسایل صوتی دارند و آنها بیشتر از اینگونه وسایل آسیب پذیر می باشند.

اثرات وکارکردهای منفی وسایل ارتباط جمعی:

١. بازداشتن از کارهای تحصیلی واختصاص وقت کودکان ونوجوانان به خود (میانگین ١٣۴٠ ساعت در سال)

۲. ارائه صحنه های خشونت آمیز ورواج خشونت
۳. جریحه دار کردن عواطف کودکان
۴. سوق دادن زودرس به طرف زندگی بزرگسالی
۵. خلق نیازهای کاذب
۶. رابطه با جرم وجنایت
۷. برانگیختن حالت تهاجمی
۸. محدود کردن قدرت ابتکار وخلاقیت
۹. تسخیر ذهن کودکان
۱۰. بیگانه ساختن کودکان ونوجوانان با مطالعه
۱۱. بی تفاوت کردن کودکان ونوجوانان نسبت به دردها ورنجهای انسانی
۱۲. رواج رفتارهای ضد اسلامی واخلاقی واجتماعی از طریق مشاهده ویادگیری توسط کودکان
۱۳. نادیده گرفتن قید وبندهای اجتماعی از طریق همانند سازی با شخصیت های نمایش هایی که در آنها شیوه های پرخاشگرانه ومهارتهای خلافکاری نشان داده می شود.
۱۴. ایجاد درگیری ذهنی در کودکان به علت تماشای فیلم های ویژه سنین بالاتر
۱۵. ایجاد ترس وکابوس های شبانه برای کودکان
۱۶. کاهش مدت زمان خوابیدن کودکان
۱۷. مسخ کودکان وفرو رفتن آنها در دنیای تخیلی وایجاد فاصله با واقعیت ها
۱۸. افزایش حالت انفعالی وبی تفاوتی
۱۹. شستشوی مغزی
۲۰. تهدید سلامتی جسمی و روانی ورفتاری کودکان

اثر وسایل ارتباط جمعی خاصتا تلویزیون بر رفتارهای کودکان ونوجوانان زمانی به حداکثر می رسد که بر ارزشها ودیدگاههای (مورد نظر) در برنامه های پی در پی تاکید گردد.

در مجموع همین وسایل ارتباط جمعی می تواند آثار وکارکردهای مثبت زیر را بدنبال داشته باشد. اگر توسط انسان های مسلمان مورد توجه واستفاده قرار گیرد واز همهٔ این وسایلی که امروز دشمنان اسلام برای نابودی اسلام ومسلمانان از آنها استفاده می کنند می توان در راه نشر اسلام ودعوت به سوی ارزش های والای اسلامی واصلاح جامعه استفاده کرد.

نظام اسلامی و وسایل ارتباط جمعی اسلامی خاص خود را نیاز دارد. وسایل ارتباط جمعی اسلامی وسایلی است موحد ووحدت‌گرا و جامع و مستقل و آزاد و راستگو وحق‌گو و پر معنی ومعتبر وبا اطلاع وخواندنی که با دیده جهانی برای احتیاجات وراهنمای جامعه(امت اسلامی) ورشد سالم فکری واطلاعاتی افراد منتشر وتوزیع می‌گردد. مفهوم امت بالاتر از مرزهای ملی وحدود سیاسی است. جامعه اسلامی یک مفهوم دینی و سیاسی و اقتصادی وفرهنگی واجتماعی است وفقط وقتی موجودیت دارد که توسط اسلام برآن حکومت کند.

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العَالِمِيْن و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِيـّنا مُحَمّدٍ و وَعَلى آلِهِ وَأصْحَابهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إلىَ يَوْمِ الدِّيْن.

أمّا بعد:

برادران وخواهران عزیز رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند «بلغوا عنی ولو آیة» [هر آنچه از من آموختید] آنها را برسانید و ولو اینکه یک آیت باشد».

اطلاعات وارتباطات شریان ورگ‌های حیاتی هر نظام بوده و هست وخواهد بود. در اجتماعات پیچیده امروزی مطبوعات قسمت مهمی از این نقش را ایفا می‌کنند. در هر نظامی باید نشریاتی باشند که اعضای آن جامعه وجود ومطالعه آن را در زندگی وکار وتصمیمات خود مفید وضروری بدانند نه آنکه چنین مطبوعاتی در سطح اطلاعات ودانایی روزانه آنها فرقی نداشته باشد. سؤال مهم این است که آیا چنین نشریه‌ای در یک نظام اسلامی برای امت اسلامی وجود دارد؟ چارچوب اسلامی چنین نشریه ومطبوعاتی چگونه باید باشد؟

اولین واساسی‌ترین بینش در مورد انسان وجهان در اسلام نظریه توحید است که به وحدت وهماهنگی بین همه قسمت‌های جهان دلالت دارد. با نظریه توحید یکی از اساسی‌ترین پایه‌های اخلاقی مطبوعات وروزنامه‌نگاری به وجود می‌آید.

این امر مشخص می‌کند که بندگی فقط در مقابل الله باشد وهر گونه ارتباطات وپیام‌های فکری و فرهنگی و اقتصادی ویا سیاسی که نوع بشر را مقید می‌سازد و نفی می‌کند. به همین دلیل همه قوانین ساخت بشر و مفاد ارتباطات و رسانه‌های گروهی ومجامع عمومی که مانع حاکمیت الله شوند باطل هستند و بنابراین مفهوم توحید -اگر به آن عمل شود- راهنمای اساسی در تعیین مرزهای مشروعیت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی وسیاسی توسط یک سیستم ارتباطی معین را فراهم می‌آورد.

بر اساس مفهوم اخلاق مطبوعاتی و واضح وآشکار است که وظیفه نظام ارتباطات در جامعه اسلامی و شکستن بت‌ها و گسستن وابستگی به خارجیان وبه حرکت درآوردن امت یا جامعه به سوی آینده است. یکی از مهم‌ترین وظایف مطبوعات از بین بردن افسانه‌ها در جهان معاصر است. این افسانه‌ها ممکن است شامل پدیده‌های وارداتی قدرت و ترقی ومدرنیزه کردن بی حد وحساب باشد. شخصیت‌هایی که نماینده این‌ها هستند و نباید مافوق بشر ومافوق آنچه که هستند تعریف شوند. طبق این اصل یکی از این شرک‌ها و عقیده به جدایی دین وسیاست است که عقیده‌ای مادیگرانه است. اصل توحید همچنین مستلزم عدم وجود هرگونه مرکز اقتصادی و سیاسی و فکری ویا مراکز دیگر از جمله رسانه‌های گروهی است که در آن قدرت بتواند متراکم شود. بنابراین وقتی که جوابگویی اجتماعی برای فرد ونهاد وجود نداشته باشد آزادی بیان اجتماع ووسایل ارتباط جمعی وارتباطات معنی ندارد. جنگ علیه شخصیت هر نهاد اجتماعی که به آن متصل باشد جنگی است علیه سیستم ارتباطی که سعی در تبلیغ آن دارد.

دومین اصل هدایت‌کننده و مرزهای اخلاق مطبوعاتی وروزنامه‌نگاری در اسلام و اصل اعتقادی امر به معروف ونهی از منکر است. در این اصل به طور حتمی وآشکار اعتقاد به مسئولیت فردی واجتماعی برای آماده ساختن نسل آینده جهت پذیرفتن احکام اسلامی وعمل کردن به آنها وجود دارد. مسلمانان مسئول هدایت کردن یکدیگرند. هر نسل مسئولیت دارد که نسل بعد را هدایت کند. در این آیه از قرآن مجید این امر تشریح شده است:

﴿ ٱدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلْحِكْمَةِ وَٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ ۖ وَجَٰدِلْهُم بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ ﴿١٢٥﴾ ﴾ (النحل: ۱۲۵)

«خلق را به حکمت وبرهان وموعظه نیکو به راه الله دعوت کن وبا بهترین طریق با آنها مناظره کن که البته الله (عاقبت حال) کسی را که از راه او گمراه شده وآنکه هدایت یافته است را بهتر می‌داند».

این آیه به مسئولیت‌های رهبری وتبلیغ واطلاعاتی آرمان‌های اسلامی اشاره می‌کند وشامل همه نهادهای رسانه‌ای جمعی از قبیل مطبوعات و رادیو و تلویزیون وسینما وهمچنین تک تک افراد هر جامعه است.

به عنوان مثال در سطح اجتماعی وجمعی و این اصل عقیدتی از روی قاعده مسجد در جوامع اسلامی به مورد اجرا درآمده است. از زمان پیامبر اکرم صلی‌الله علیه‌وآله وسلم مسجد به عنوان یک مجرای مهم واصلی ارتباطات اجتماعی وعمومی و همیشه محور حرکت‌های معنوی وفرهنگی بوده است. مسجد نه فقط نقش تهذیب نفس بلکه نقش کسب دانش واطلاعات امور عمومی را انجام داده است. در تمام جهان اسلام مساجد ودانشگاه‌های مهم در کنار یا داخل یکدیگر وجود داشته‌اند. در واقع مساجد مراکز آموزش عالی وارتباطات جمعی در سنت اسلامی بودند. امروزه در تعدادی از جوامع اسلامی سیستم‌های ارتباطات دسته‌جمعی نوین به خوبی در داخل سیستم‌های کلاسیک وسنتی ارتباط جمعی واجتماعی مسجد و مخصوصاً نمازهای جمعه به هم پیوسته‌اند. نتیجهٔ آن به وجود آمدن یک سطح عالی از سازماندهی وبسیج است که جریان شرکت سیاسی و فرهنگی و اقتصادی ونظامی را فوق‌العاده موثر می‌کند.

مفهوم شهادت وجهاد در اسلام را تنها در صورتی می‌توان درک کرد که اصل عقیدتی امر به معروف ونهی از منکر که به طور خلاصه بیان شد به طور صحیح درک شود.

متأسفانه در کشورهای اسلامی بسیاری از مطبوعات وروزنامه‌نگاران وحتی دانشکده‌های روزنامه‌نگاری وارتباطات اجتماعی به علت عدم ترویج تاریخ واصول اسلامی وناآشنایی به فرهنگ و خود مبلغ ومقلد غیر انتقادی ونسنجیده اصول مطبوعاتی وروزنامه‌نگاری از جمله نظر به مسئولیت اجتماعی مطبوعاتی غرب شده‌اند.

بیان نظریه اسلامی مطبوعات وروزنامه‌نگاری یک وظیفه علمی ودینی واجتماعی واقتصادی است. کوشش در بیان وفهرست‌بندی آن دسته از اصول اسلامی که پا به پای روزنامه‌نگاری نوین ما باشد در حقیقت کوشش وسعی برای سرآغاز وساخت یک نظریه اصیل مطبوعاتی اسلامی است. اصول دیگری از نظریه مطبوعات اسلامی و یعنی امت و تقوی وامانت می‌باشد.

امت باید عالی‌ترین معیارهای رفتار وعمل را به وجود آورد ونقطه عطف برای دیگران باشد واز

افراط وتفریط واسراف اجتناب کرده و ثابت قدم ودارای پشتکار باشد. بداند که چه چیزی را قبول وچه چیزی را رد کند. دارای اصل وبا جنبه متغیر زندگی تطبیق‌پذیر بماند.

قرآن مجید می‌فرماید:

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَـٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَـٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓا۟ ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ ٱللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾ ﴾ (الحجرات: ۱۳)

«ما شما را نخست از مرد وزن آفریدیم وآنگاه شما را ملیت‌ها وقبایل مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید(نه اینکه از یکدیگر متنفر باشید) و به درستی که گرامی‌ترین شما نزد پروردگار پرهیزگارترین شماست»

در حکومت اسلامی ودر وسایل ارتباط جمعی اسلامی و لازم است که هر یک از اتباع و بهترین پند وتوصیه خود را در امور مشترک بدهد وباید حق این کار را داشته باشد. بنابراین و شیوه‌های شورایی در سیاست ومطبوعات مورد تصدیق بوده ووظیفه اخلاقی حاکم ومردم می باشند. بنابر این مطبوعات اسلامی باید موثق بوده و خلاقیت ونوآوری داشته باشد وبا فرهنگ اسلامی کاملاً آشنا بوده وجاذبه توجه به مسایل واقعی جامعه یا امت بزرگ اسلامی را داشته باشد.

همچنین تقوی: توانایی فردی و معنوی و اخلاقی وروانی جهت رسیدن به آن سطح عالی که شخص را تقریباً از تمایلات مادی دنیا مصون می‌سازد وفرد را به یک سطح بالای خودآگاهی پیامبرانه می‌رساند. وسایل ارتباط جمعی اسلامی تحت اصل تقوی و حفظ آزادگی کرده وسازش ناپذیر هستند. متملق وثناگو نبوده وانتقاد پذیر هستند.

روزنامه‌نگاری و مقاله‌نویسی و گزارش‌نویسی وتحلیل وتفسیر روز در یک مطبوعات اسلامی باید با نیت وروحیه تقوی آمیخته وهمراه باشد.

غرض‌ورزی شخصی و انتقام‌گیری و تخریب و سوداگری مالی و ثروت افزونی و مباهات وفخرفروشی واستهزا در وسایل ارتباط جمعی اسلامی جایی ندارد.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه فی قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَـٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ ۚ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ صَلُّوا۟ عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾ ﴾ (الأحزاب: ۵۶)

اللهم فصل وسلم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

خطر سحر و فال بینی

خطبه اول

الحمد لله الذي جعل التوحيد أغلي ما في الأرض والسموات وأعز أهله بالجنة ورفع الدرجات وجعلنا من أهل التوحيد وعلي سفينة النجاة والصلاة والسلام علي أفضل الخلق صاحب الكمالات وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان ذوي الفضل والتقوا والدعوة والجهاد والبطولات..

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢) «ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.

برادران مسلمان! الله ذوالجلال می فرماید:

﴿وَٱتَّبَعُواْ مَا تَتۡلُواْ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ مُلۡكِ سُلَيۡمَٰنَۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحۡرَ وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلۡمَلَكَيۡنِ بِبَابِلَ هَٰرُوتَ وَمَٰرُوتَۚ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنۡ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحۡنُ فِتۡنَةٞ فَلَا تَكۡفُرۡۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنۡهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَزَوۡجِهِۦۚ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡۚ وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖۚ وَلَبِئۡسَ مَا شَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ١٠٢﴾ (البقرة: ١٠٢)

«و از آنچه شیاطین در(عهد) فرمانروایی سلیمان(بر مردم) می خواندند پیروی کردند و درحالیکه سلیمان (هرگز دست به سحر نیالود) وکافر نشد و ولیکن شیاطین کفر ورزیدند و به مردم سحر آموختند. و(نیز) از آنچه بر دو فرشته «هاروت» و«ماروت» در بابل نازل شده بود (پیروی کردند). و(آن دو فرشته) به هیچ کس چیزی یاد نمی دادند و مگر اینکه (از پیش به او) می گفتند: «ما وسیله آزمایشیم و پس کافر نشو» پس از آن دو(فرشته) چیزهایی می آموختند که به وسیله آن و میان مرد وهمسرش جدایی بیفکنند و حال آنکه بدون اجازه الله متعال نمی توانند به وسیله آن به کسی زیانی برسانند. چیزی می آموختند که به آنان زیان می رسانید و وبه آنان سودی نمی داد.و قطعاً می دانستند که هر کس خریدار آن باشد و در آخرت بهره ای نخواهد داشت.و چه زشت است آنچه خود را به آن فروختند و اگر می دانستند».

و در جای دیگر می فرماید:

﴿إِنَّمَا صَنَعُواْ كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ ٦٩﴾ (طه: ٦٩)

«بی شک آنچه ساخته اند و تنها مکر ساحر است و وساحر هر جا رود رستگار (و موفق) نخواهد شد».

اعتقاد به توحید ویکتاپرستی و اساس اسلام ومهم‌ترین اصل وپایه دین می‌باشد و بدون اصلاح عقیده هیچ عملی مورد قبول الله متعال قرار نمی‌گیرد و توحید مدار ایمان وکفر بوده و واصل

رسالت الهی واولین دعوت انبیاء الهی است.

یکی از بارزترین انحرافات فکری واجتماعی در تاریخ بشر روی آوردن به سحر وساحری بوده است تاریخ نشان می دهد که تمدنهای کهن مصر وایران وغیره آلوده به این بیماری بوده وجامعه بشری همواره با این مشکل ومعضل پیچیده دست وپنجه نرم می کرده است.

تاریخ سحر وجادوگری ورمالی می گوید: ساحر واقعی کسی است که در سحر خود از شیطان یاری می‌جوید وکسی که با شیطان ارتباط قوی نداشته باشد ممکن نیست در سحر به درجه نبوغ برسد.

به قول علامه ابن القیم رحمه الله «هر چه ساحر کافرتر و پلیدتر ودشمنی وی با الله ورسول وبندگان مؤمن الله شدیدتر باشد و سحرش قوی‌تر ونافذتر است.»[1]

پژوهشگران در تاریخ سحر وساحران به این نتیجه رسیده اند که برای ساحر شدن شرایط ذیل لازم وناگزیر است.[2]

۱- ساحر باید خود وتمام دارایی خویش را در حال حیات ومرگ به شیطان بفروشد.

۲- دشمن تمام ادیان باشد ونسبت به آنها خشمگین بوده وآنها را مورد استهزا قرار دهد واز تمام کتاب‌های آسمانی تبری جوید ودر سوزاندن وپاره کردن وبه کارگیری آن در کارهای پست کوشا باشد.

۳- در تمام این موارد لازم است که غیر الله را مورد تعظیم قرار داده وبه الله شرک بورزد وشیاطین و ستارگان و بتها ویا بشر را عبادت کند.

۴- ساحر باید مظهر کثافت وپلیدی وپستی نفس باشد وپاکیزگی ونظافت را ترک کند تا آنجا که بدن ولباس ومسکن او بوی تعفن بدهد.

۵- ساحر لازم است کارهای حرام را انجام دهد و وبه گناهانی که موجب خشم الله ورضایت شیطان است مبادرت کند.

آری برادران مسلمان! «اهل بدعت وگمراهان که از راههای غیرشرعی زهد وعبادت پیشه کرده‌اند وگاه مکاشفات وتاثیراتی هم دارند بیشتر به پناهگاههای شیاطین که از خواندن نماز در آنها نهی شده پناه می‌برند و ».[3]

«ساحران نظافت نمی‌کنند ووضو نمی‌گیرند و همیشه همراه نجاست‌ها وهمنشین سگان است وبه حمام‌ها وزباله‌دانی‌ها ومقابر پناه می‌برد و پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرموده‌اند: «ملائکه به خانه‌ای که در آن شخص جنب ویا سگ وجود داشته باشد وارد نمی‌شوند».

همچنانکه می دانید: اولین مظهر وآشکار ترین هنر کاذب ساحران ادعای علم غیب است. وهمه می دانیم غیر از الله یگانه ویکتا کسی غیب نمی داند: الله متعال می‌فرماید:

﴿ قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُ ٦٥ ﴾ (النمل: ۶۵)

(۱) التفسیر القیم و ص۵۸۱.
(۲) محمد محمد جعفر این شرایط را به تفصیل آورده است و به کتاب او در مورد سحر مراجعه شود ص۴۷.
(۳) غرائب وعجائب جن و ۳۹.

«بگو: کسی در آسمان‌ها وزمین غیب را نمی‌داند و مگر الله».

الله تبارک وتعالی در باره جنیان حضرت «سلیمان» علیه السلام چنین میفرماید: ﴿لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٱلۡغَيۡبَ مَا لَبِثُواْ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلۡمُهِينِ ١٤﴾ (سبأ: ١٤)

«اگر آنان (جنی‌ها) علم غیب داشتند در آن عذاب دردناک باقی نمی‌ماندند»[۱].

الله متعال می‌فرماید: ﴿هَلۡ أُنَبِّئُكُمۡ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَٰطِينُ ٢٢١ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٢٢٢ يُلۡقُونَ ٱلسَّمۡعَ وَأَكۡثَرُهُمۡ كَٰذِبُونَ ٢٢٣﴾ (الشعراء: ٢٢١ - ٢٢٣)

«آیا به شما خبر بدهم که شیاطین برچه کسانی فرود می‌آیند و بر هر دروغگوی گناهکاری فرود می‌آیند و استراق سمع می‌کنند در حالی که اکثرشان دروغگویند».

پس علم غیب مخصوص الله متعال است حتی خود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم علم به غیب نداشتند و الله متعال به ایشان می فرماید اعلان کن[۲]﴿قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمۡ إِنِّي مَلَكٌۖ إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّۚ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُۚ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ٥٠﴾ (الأنعام: ٥٠)

«ای محمد! بگو: من به شما نمی‌گویم که گنج‌های الله پیش من است؛ وغیب را نمی‌دانم و ونمی‌گویم که فرشته ام و وپیروی نمی‌کنم جز از وحی که بر من نازل می‌شود».

البته شیاطین با گوش‌دادن به سخنان فرشتگان استراق سمع می‌کنند و وآنچه که شنیده است در گوش کاهن القاء می‌کند وکاهن به همراه این خبر صحیح و صد دروغ می‌آورد و ومردم به سبب این خبر صحیحی که از آسمان گرفته او را تصدیق می‌کنند و وبه اخبار کذب وی توجهی نمی‌کنند!

برادران مسلمان! هچنانکه ملاحظه می فرمایید چه بسیارند رمال‌ها وحقه‌بازهایی که بساط فریب گسترده وبا نوشتن طلسم خطوط عجیب وغریب یا اشیاء جلوگیری‌کننده از جن وچشم بد ودفع بلا مردم را گمراه می‌کنند.

آویزان‌کردن طلسم وجادو ویا هرچیز دیگری از قبیل آنها با اعتقاد به این که از بلا جلوگیری می‌نماید ویا موجب خوشبختی می‌شود ویا دردی را از کسی دوا می‌نماید و مانند سحر حرام است[۳].

در قرن بیست ویکم هنوز هستند کسانی که نعل اسب وخرمهره و گوش ماهی و صدف و ویا نخ سیاه وسفید بافته‌شده وغیره را به منظور رفع بلا بر سر در منزل ویا بر گردن ودست نوزادان وکودکان خود آویزان می‌نمایند و سر گاو را در مزرعهٔ خود نصب می‌کنند ومهره‌هایی آبی‌رنگ به منظور دفع چشم بد به گردن بچه‌ها واموال خود آویزان می‌نمایند.

هنوز هم هستند کسانی که با استفاده از ناآگاهی مردم چیزهایی می‌نویسند وجدول‌هایی می کشند

(۱) تربیهٔ الأولاد فی الاسلام و ج ۲ و ص ۳۹۸ و مؤلف عبدالله ناصح علوان با ترجمهٔ عبدالله احمدی.
(۲) حدیث از بزار - ابوداود وامام مسلم.
(۳) تربیهٔ الأولاد فی الإسلام و ج ۲ و ص ۴۰۱.

وطلسم‌هایی در آنها رسم ومنقوش می کنند مدعی اند کسی که این طلسم را بر خود آویزان نماید یا همراه داشته باشد و از شر جن و شیاطین و چشم بد وغیره مصون (در امان) خواهد بود[1].

اما اسلام برای دفاع وحمایت از مردم تمام این اسباب فریب وگمراهی را و حرام قرار داده است.

از حضرت ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده که پیامبر فرمودند: «مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ».

«هرکس که پیش کاهنی برود وآنچه را کاهن می گوید تصدیق کند و همانا برآنچه بر محمد صلی الله عیه وسلم نازل شده کافر گردیده است»[2].

در جای دیگری می فرمایند: «**مَنْ أَتَى عَرَّافاً فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ فَصَدَّقَهُ و لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلاَةٌ أَرْبَعِينَ يَوماً**» (روایت مسلم).

«کسی که نزد فالگیری برود (کاهن - رمال)[3] وچیزی از او بپرسد وجواب او را تصدیق وباور نماید و چهل روز نمازش قبول نمی‌شود»[4].

از عقبه ابن عامر رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از بیعت کردن با شخصی که نوشته یا طلسمی به بازو داشت خودداری نمودند وفرمودند: «مَنْ عَلَّقَ فَقَدْ أَشْرَكَ»[5].

«کسی طلسم ببندد شریک برای الله قائل شده است».

در جای دیگری فرمودند: «مَنْ عَلَّقَ شَيْئًا وُكِلَ إِلَيْهِ»[6]. «کسی که برای دفع بلا چیزی بر خود ببندد و به همان چیز سپرده می‌شود. یعنی الله به او وسرنوشت او کاری ندارد».

روایت شده است که همسر عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - نخی بر گردن آویزان کرده بود و وچون عبدالله وارد منزل شد و آن را دید وقطعه قطعه کرد و گفت: آل عبدالله از این که شرک بکنند و بی‌نیازند وبعد از آن گفت: **سمعت رسول الله صلي الله عليه وسلم يقول: «إن الرُّقَى والتَّمائِم والتِّوَلة شرْك»**[7]. «همانا افسون کردن وتعویذبستن وطلسم آویزان کردن شرک است».

سپس به همسرش فرمود: آنچه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند کافی است حضرت صلی الله علیه وسلم می فرمودند: «**اللهُمَّ رَبَّ النّاسِ و مُذْهِبَ البَاسِ و اشْفِ أَنتَ الشّافي و لا شَافِيَ إلاّ أَنتَ شِفاءً لا يُغادِرُ سَقمًا**»[8]. «ای پروردگار عالم و ناراحتی را از بین ببر و شفا ده که تنها شفادهنده تویی و هیچ شفایی نیست جز شفای تو و شفایی ده که هیچ ناراحتی بعد از آن باقی نماند». ورسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «**لَا بَأْسَ بِالرُّقَى مَا لَمْ تَكُنْ شِرْكًا**». یعنی «در دم کردن باکی نیست به شرطی که در آن کلمات شرکی نباشد».

(۱) حلال وحرام در اسلام و ص ۳۰۱.
(۲) کتاب التوحید و ص ۸۴ و۸۵.
(۳) رمال: جمع رمل نام علمی که به عقیدهٔ برخی از مردم به وسیلهٔ آن می‌توان پیشگویی وطالع کسی را به دست آورد و ونام آلتی که با آن فال می گیرند وپیشگویی می کنند - فرهنگ عمید.
(۴) حلال وحرام در اسلام و ص ۲۹۷.
(۵) حاکم واحمد.
(۶) احمد وابن ماجه وابن حبان وترمذی.
(۷) روایت احمد وابوداود وبیهقی و وحاکم آن را صحیح دانسته و وذهبی صحت آن را تأیید کرده است.
(۸) روایت ابن ماجه وابن حبان والحاکم.

از حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده است که چون کسی از آل بیت رسول الله صلی الله علیه وسلم مریض می‌شد به معوذات او را دم می کرد ودر مرضی که در آن فوت کردند و پس من او را دم می کردم وبه دست خودش جسدش (اندامش) را مسح می‌نمودم و زیرا دست ایشان از دست من بابرکت‌تر بود[1].

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: چون کسی از شما مبتلا بدرد شود و پس در جای درد دست خود را بگذارید سپس هفت بار بگوید: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ»[2].

بنابراین و معوذتین وآیه الکرسی وآیاتی که متعلق به حضرت موسی علیه السلام وساحران فرعون می‌باشند وهمچنان دو آیه در آخر سورهٔ بقره بهترین علاج برای دفع سحر وغیره می‌باشند و وآیه‌های قرآنکریم برای مؤمن متوکل بر الله علاج وشفاء می‌باشند[3].

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين والحمد لله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه و كما يحب ربنا ويرضى و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبده ورسوله و وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

الله متعال فرموده است: ﴿ وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴾ (الإسراء: ۸۲)

«و از قرآن آنچه برای مؤمنان شفابخش ورحمت است نازل میکنیم»[4].

اگر دعایی که نوشته می‌شود به زبان عربی ومفهوم آن آشکار وروشن باشد شامل دعاهای منتخب از نبی اکرم صلی الله علیه وسلم یا هرآنچه در سنت صحیح در ارتباط با اهمیت قرائت آیات قرآنی وتعدادی از سوره‌های مانند معوذتین باشد و از نظر بعضی از فقها اشکالی ندارد.

«رقی»[5] از نظر ایشان همین حکم را دارد. رُقَی عبارت از قرائت سورهٔ فاتحه یا معوذتین بر مریض یا فرد گزیده‌شده با چیزی یا دیوانه است همراه مالیدن دست ودمیدن بر او.

امام نووی و«حافظ بن حجر» بر مشروعیت «رقی» با شرایط ذیل اتفاق نظر دارند:

۱- کلام نوشته‌شده باید حاوی کلام الله تعالی یا اسماء وصفات او تعالی باشد.

۲- به زبان عربی باشد و یا به شیوه‌ایی که فهم معنای آن وتمایز آن ممکن باشد.

۳- این اعتقاد وجود داشته باشد که رقیه ذاتا مؤثر نیست و بلکه شفا به وسیلهٔ الله سبحان است.

از جمله دعاهای حفظ ومراقبت که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم به ما یاد داده است در ارتباط با کودکان است که در روایت بخاری از ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که رسول الله

(۱) صحیح مسلم شماره ۲۱۹۲.

(۲) احمد در مسند و وترمذی شماره (۳۵۸۸).

(۳) عقائد اسلامی از دیدگاه قرآن وسنت و ص ۱۲۱.

(۴) ترجمهٔ آیهٔ از خرمشاهی.

(۵) رقی یعنی نوشتن چیزی بر روی کاغذ – رقیه وعلیه: به نفع یا به ضرر او دعا که برایش تعویذ یا طلسم بنویسد. المنجد محمد بندر ریگی.

صلی الله علیه وسلم دعای حفظ ومراقبت را به «حسن وحسین» می‌خواند و ومی‌فرمود: «**اعیذكما بكلمات الله التامة و من كل شیطان وهامة و ومن كل عین لامة** ».

« شما را به الله می‌سپارم به وسیلهٔ کلام کامل وتام او از شر هر شیطان وحشره گزنده وهر چشم بد[1]».

از این رو صحابه وتابعین به شدت منکر این تعویذات وطلسم‌ها بودند و تا آنجا که خدیجه مردی را دید که ریسمانی از این نوع بر گردن خود آویخته بود و این آیه را قرائت کرد: ﴿ وَمَا يُؤۡمِنُ أَكۡثَرُهُم بِٱللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشۡرِكُونَ ١٠٦ ﴾ (یوسف: ۱۰۶)

«و بیشترشان به الله ایمان نمی‌آورند جز این که با او چیزی را شریک می گیرند».

و از سعید بن جبیر رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «مَنْ قَطَعَ تَمِيمَةً مِنْ الْإِنْسَانِ كَانَ كَعِدْلِ رَقَبَةٍ». «هرکس خرمهره‌ای را از گردن فردی جدا کند و گویا یک بنده را آزاد کرده است».

بنابراین و صحیح آن است که طلسم‌ها به طور کلی ممنوع باشند و چنانکه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در مقام نفرین به دارندگان طلسم‌ها می‌فرماید: «**مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَلاَ أَتَمَّ اللّٰه لَهُ وَمَنْ عَلَّقَ وَدَعَةً فَلاَ وَدَعَ اللّٰه لَهُ**»[2]. «کسی که طلسم یا بازوبندی به خود بیاویزد و الله کار او را تمام نکند و وهرکه خرمهره یا نظرقربانی جهت رفع چشم زخم به گردن آویزد و به مقصود خود نرسد».

چنانچه کسی به بیماری ویا ناراحتی دیگر دچار گردید چاره‌ای جز بردن ایشان نزد پزشک وجود ندارد و زیرا پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که درود الله متعال بر او باد می‌فرماید: «**تَدَاوَوْا عِبَادَ اللّٰهِ و فَإِنَّ اللّٰه عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَضَعْ دَاءً إلا وَضَعَ لَهُ دَوَاءً**»[3]. «بندگان الله امراض خود را مداوا کنید و زیرا الله مرضی پدید نیاورده و جز آن که دوایی برای آن قرار داده است».

بنا به نقل صحیح بخاری: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «**إنما الشفاء في ثلاثة: مشربة عسل أو شرطة محجم أوكى بنار**»[4]. «شفای بیمار در سه چیز است:

۱- خوردن عسل.

۲- نیشترزدن وحجامت[5].

۳- داغ‌کردن وسوزاندن محل درد».

این نوع مداوا شامل معالجاتی می گردد که در عصر ما از طریق خوردن دارو یا عمل جراحی ویا سوزاندن به وسیله برق و... انجام می‌شود. بنابراین و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شفای بیماران را در تمائم وقرائت افسون و اوراد نامشروع وامثال آن قرار نداده است و بلکه درمان ومعالجه را از همان راه طبیعی علوم پزشکی مقرر فرموده اند که یا از طریق دهان با خوردن دارو وامثال آن ویا

(۱) تربیة الأولاد فی الإسلام و ج ۲ و ص ۴۰۱ و۴۰۲.
(۲) روایت احمد.
(۳) امام احمد واصحاب سنن وابن حبان وحاکم وترمذی گفته است: حسن وصحیح است.
(۴) روایت بخاری.
(۵) حجامت یعنی خون‌گرفتن از بدن و بادکش‌کردن وخون‌گرفتن از بدن یا تیغ‌زدن ومکیدن – فرهنگ عمید و حجامت: رگ‌زدن و خون‌گرفتن از بدن به خاطر درمان – المنجد و محمد بندر ریگی.

تزریق دارو وبه وسیلهٔ آمپول به سایر قسمت‌های بدن است. نیشترزدن وحجامت نیز امروزه شامل انواع عمل جراحی می‌گردد و وهمچنین سوزاندن وداغ‌کردن امروزه به معنای زیر برق گذاشتن وامثال آن می‌باشد.

اینها همه درمان‌هایی است که اسلام بدان قائل است و وپیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بدان دستور داده ودر مداوای خود نیز از آنها استفاده کرده است. چنانچه آن حضرت در مواردی به حجامت پرداخته وبه پزشک مراجعه نموده و واصحاب وامتش را به معالجه ومداوا دستور فرموده است. پس شایسته است که ما نیز تابع سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم باشیم و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم چنین می‌فرماید: «لِكُلّ دَاءٍ دَوَاءٌ». «هر دردی و درمانی دارد»[1] [2].

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ۵۶)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد «. اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما صليت على آل إبراهيم وبارك على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد .»

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

(۱) فقه السنة و به روایت مسلم از جابر و مؤلف دکتر سید سابق.
(۲) دیدگاه‌های فقهی معاصر و ج ۱ و ص ۲۶۴.

زکات

خطبه اول

الحمدُ للهِ الذي جعَلَ الزَّكاةَ طهارةً ونماءً و وزادَ أهلَها فضلاً وعطاءً وأشهدُ أنْ لاَ إلهَ إلاَّ اللهُ وحْدَهُ لاَ شَريكَ لَهُ القائلُ : { وَأَقِيمُوا الصَّلاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ} وأشهدُ أنَّ سيدَنا محمداً عَبْدُ اللهِ ورسولُهُ وصفيُّهُ منْ خلقِهِ وخليلُهُ القائلُ : "مَنْ أدَّى زكاةَ مَالِهِ فقدْ ذهبَ عَنْهُ شرُّهُ "اللهمَّ صَلِّ وسَلِّمْ وبَارِكْ علَى سيدِنَا محمدٍ وعلَى آلِهِ وأصحابِهِ والتابعينَ ومَنْ تبعَهُمْ بإحسانٍ إلَى يوم الدِّينِ .

أَمَّا بَعْدُ: الله عزوجل میفرماید: ﴿ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرًا ﴿٣٠﴾ ﴾ (الإسراء: ٣٠)«بی گمان پرور دگارت و روزی هرکس را که بخواهد فراوان و گسترده می دارد و وروزی هرکس را که بخواهد تنگ می گرداند. چرا که الله از بندگان خود آگاه بینا است. »

برادران وخواهران مومن! در واقع الله به هر کسی استعدادهای خاصّی را روزی کرده است. یکی از روزی سلامتی وقدرت بدنی برخوردار است ودیگری از روزی هوش وابتکار وسومی از مال ومنال دنیوی بهره بیشتر برده است و وچهارمی از حس هنری بهره خوبی دارد و... وهمه اینها از سنخ روزی است. لذا همه از روزی برخوردارند لکن سنخ روزیها متفاوت است ؛ وهمین امر باعث می شود که همه مردم به همدیگر محتاج باشند. واین احتیاجهای متقابل باعث پدید آمدن اجتماع وبقاء آن می شود. روزی افزون گاه از باب مجازات الهی است. یعنی الله متعال کسانی را که الله را فراموش کرده وبه دنیا چسپیده اند با امور دنیایی مشغول می کند تا بدون اینکه خود بدانند ناگهان خود را در آتش جهنّم ببینند. گاه تفاوت در رزق برای امتحان برخی بندگان است. تا از این راه استعدادهای فطری افراد شکوفا شود. وگاه تفاوت رزق برای این است که الله متعال حضور خویش را در تدبیر عالم به بندگانش نشان دهد. وبفهماند که کثرت مال دنیا و ارزش نبوده وعلامت عنایت خاصّ الله به کسی نیست. چنانکه حضرت پیامبر اسلام فرموده اند: «**إن الله قسم بينكم أخلاقكم كما قسم بينكم أرزاقكم وإن الله يعطي الدنيا من يحب ومن لا يحب ولا يعطي الإيمان إلا من يحب**» مستدرک حاکم « چنانکه الله اخلاق را میان تان تقسیم نموده روزی را نیز میان تان تقسیم نموده است وهمانا الله دنیا (مال ومنال) را برای کسی که دوست میدارد ودوست نمیدارد میدهد لکن ایمان را تنها به کسی میدهد که او را دوست میدارد».

الله متعال زکات را بعنوان یک عمل عبادی که دارای اهمیت بسا بزرگ است وهم به عنوان رفع فقر در جامعه و شرع نموده وسهمی از منافع اموال وعایدات مردم را به عنوان صدقات واجب که همان زکات است برای اجتماع در نظر گرفته است تا بدین وسیله زمینه سعادت جامعه وتوازن آن را فراهم نماید. الله درآیات متعدد به مسلمانان دستور داده است که زکات بدهند ودر هر آیه ای که مردمان را به اقامه نماز دعوت کرده باشد حتما امر به پرداخت زکات نیز همراه آن ذکر شده است. بنابراین نماز وزکات دو پایه وستون بسیار محکمی هستند که دین اسلام برآنها پایه گذاری شده است.

زکات یکی ازپایه های پنجگانه اسلام است ودر هشتاد ودوآیه قرآن همراه با "صلاۀ" ذکرشده است. دلایل فرضیت زکات و قرآن کریم وسنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم واجماع امت

محمد صلی الله علیه وآله وسلم می‌باشد: الله در کتاب محکمش میفرماید: ﴿ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٍ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ١١٠ ﴾

(البقرة: ١١٠)«و نماز را برپا دارید وزکات را بپردازید وهر کار نیکی که پیشتر برای خود بفرستید و آن را در نزد الله خواهید یافت والله به هرچه می کنید آگاه وبینا است.» واز ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «**بني الاسلام علي خمس و شهادة أن لا اله الاالله وأن محمدا رسول الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة وحج البيت وصيام رمضان**» متفق علیه «اسلام از پنج رکن تشکیل شده است و شهادتین و برپاداشتن نماز و دادن زکات و حج خانه الله و وروزه رمضان» طبرانی در "الاوسط" و"الصغیر" واز علی بن ابی‌طالب روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**إن الله فرض على أغنياء المسلمين في أموالهم بقدر الذي يسع فقراءهم و ولن يجهد الفقراء إذا جاعوا أو عروا إلا بما يصنع أغنياؤهم و ألا وإن الله يحاسبهم حسابا شديدا و ويعذبهم عذابا أليما**» «بی گمان الله آنقدر صدقه وزکات بر ثروتمندان مسلمان و واجب کرده است که فقیران ونیازمندان را کفایت می کند. وهیچ چیز نیازمندان مسلمان را و به مشقت وسختی گرسنگی وبرهنگی دچار نمی کند و مگر بخل ثروتمندانشان. هان الله به سختی از آنان حساب می کشد وبه عذاب دردناک گرفتارشان می‌نماید». مسلمان با پرداخت زکات و اموال خود را پاک می‌سازد واز آثار مادی ومعنوی آن بهره‌مند می‌شود. الله می فرماید: ﴿ خُذۡ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ صَدَقَةٗ تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيهِم بِهَا ﴾ (التوبة: ١٠٣) «از اموال مومنان صدقه وزکات بگیر که بدینوسیله ایشان را پاک می نمائی وتزکیه می کنی» تزکیه وتطهیر مومنان به وسیله زکات از جانب پروردگار شامل افراد جامعه ومومنان است چرا که زکات نفوس افراد را از گناه وپلیدی بخل وپستی وسنگدلی وخودخواهی وطمع وسایر رذایل اخلاقی واجتماعی که باعث حسادت وتعدی ودشمنی وجنگ وعداوت هستند پاک می نماید ونفس آنها را تزکیه میکند وآنها را به وسیله خیر وبرکت واخلاق عملی به مقام شامخی می رساند که شایستگی سعادت دنیا وآخرت را به دست می آورند. پرداخت زکات سبب برکت مال ورشد آن می‌شود ونفس انسانی را به فضیلت کرم وبخشش آراسته می کند.

مسمانان! بر هرمسلمانی که دارائیش به حد نصاب برسد ویک سال برآن بگذرد زکات فرض می شود. بجز زراعات که(گذشت یکسال برآن واجب نیست)وزکات آن درروز برداشت محصول به شرطی که به حد نصاب برسد و واجب می گردد.الله متعال می فرماید: ﴿ وَءَاتُواْ حَقَّهُۥ يَوۡمَ حَصَادِهِۦۖ ﴾

(الأنعام: ١۴١)« وبه هنگام رسیدن وچیدن ودرو کردنشان زکات آنها را بدهید»

حد نصاب طلا بیست دینار(یک دینار برابر ۴/۲۵ گرم طلا است پس بیست دینار و ۸۵ گرم طلا است (۸۵ = ۴/۲۵ × ۲۰) و وحد نصاب نقره دو صد درهم است(ک درهم برابر ۲/۹۷۵ گرم نقره است و پس دو صد درهم ۵۹۵ گرم نقره است (۵۹۵ = ۲/۹۷۵ × ۲۰۰) ومقدار واجب هر کدام از آنها یک چهلم است : در این مورد از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (**إذا كانت لک مائتا درهم وحال عليها الحول ففيها خمسة دراهم و وليس عليک شيي - يعني في الذهب حتي يكون لک عشرون دينارا و فإن كانت لک عشرون دينارا وحال**

عليها الحول ففيها نصف دينار) ابن ماجه ۵۵۸۲ و [الصحيحه ۵۵۹] و «اگر دوصد درهم داشتی ویک سال بر آن گذشت و زکات آن پنج درهم است وطلا تا به بیست دینار نرسد زکات در آن واجب نیست ولی اگر به بیست دینار رسید ویک سال بر آن گذشت نیم دینار زکات در آن واجب می گردد».

اما زکات زیورآلات به دلیل عموم آیه واحادیث (مربوط به وجوب زکات در طلا ونقره واجب است وکسی که از این عموم چیزی را خارج کرده دلیلی ندارد. با وجود این دلایل خاصی نیز در این باره وجود دارد از آن جمله: از ام سلمه رضی الله عنها روایت است: **(كنت ألبس أوضاحا من ذهب و فقلت يا رسول الله أكنز هو؟ فقال : ما بلغ أن تؤدي زكاته فزكي فليس بكنز)** [ابن ماجه ۵۵۸۲] و [الصحیحه ۵۵۹] و « ام سلمه رضی الله عنها میفرماید: مقداری زیورآلات طلا بر تن داشتم. گفتم أی رسول الله! آیا این زیورآلات کنز (مال اندوخته) محسوب می‌شوند؟ پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمود : اگر چیزی به حد نصاب رسید و زکاتش را پرداخت کن و در این صورت کنز به حساب نمی‌آید». اما محصولاتی که زکات در آنها واجب است تنها در چهار محصول مذکور در حدیث زیر واجب است : از ابو برده از ابوموسی ومعاذ رضی الله عنهما روایت است : **(أن رسول الله صلى الله عليه وسلم بعثهما إلي اليمن يعلمان الناس أمر دينهم و فأمرهم أن لا يأخذوا الصدقة إلا من هذه الأربعة : الحنطة و والشعير والتمر والزبيب)** سنن بیهقی(۴/۱۲۵). «پیامبر صلی الله علیه وسلم آن دو را به یمن فرستاد تا به مردم احکام دینشان را آموزش دهند و ودستورداد تا زکات را تنها از این چهار محصول بگیرند: گندم و جو و خرما وکشمش – مویز». ودر محصولات زراعی ومیوه‌جات زکات فرض است مشروط به اینکه به حد نصابی که در حدیث زیر ذکر شده برسند: از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : (لیس فیما دون خمسۀ أوسق صدقۀ) متفق علیه «در کمتر از پنج وسق زکات واجب نیست». هر وسق (۱۳۰/۵۶) کیلوگرم است و بنابراین پنج وسق (۶۵۲/۸) و کیلوگرم است و (۶۵۲/۸ = ۳۰/۵۶ × ۵).

اما مقدار واجب زکات محصولات زراعی ومیوه‌جات آنچه از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: **(فيما سقت الأنهار والغيم العشور و وفيما سقي بالساقية نصف العشر)** مسلم (۲/۶۷۵/۹۸۱) «زکات محصولاتی که با جویبارها وباران آبیاری می‌شود یک دهم وآنچه با شتر (یا ماشین‌آلات کشاورزی) آبیاری می‌شود یک بیستم است. اما مقدار واجب زکات محصولات زراعی ومیوه‌جات: از ابن عمر روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : **(فيما سقت السماء والعيون أوكان عثريا العشر و وفيما سقي بالنضح نصف العشر)** بخاری (۳/۳۴۷/۱۴۸۳ «زکات محصولاتی که با آب باران یا چشمه‌ها آبیاری می‌شود وهمچنین محصولاتی که نیازی به آبیاری ندارند و یک دهم وآنچه با آب کشیدن آبیاری می‌شود یک بیستم است».

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلا على الظالمين أحمده سبحانه وتعالى وهو أهل للحمد والثناء وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبدالله ورسوله صلوات الله وسلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

بندگان الله ! اصحاب مواشی نیز باید مال شان پاک نموده در همکاری با فقرا سهم بگیرند. الله عزوجل بر اصحاب مواشی که تعداد آن به حد نصاب رسیده باشد زکات واجب گردانیده است. حیواناتی که زکات در آنها واجب است سه دسته‌اند : شتر و گاو و گوسفند وبز. اما نصاب شتر آنچه از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : (**ليس فيما دون خمس ذود من الإبل صدقة**) متفق علیه « در کمتر از پنج شتر و زکات واجب نیست». اما نصاب گاو ومقدار زکات آن: از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است : (**بعثني رسول الله إلي اليمن و وأمرني أن آخذ من البقر من كل أربعين مسنة و ومن كل ثلاثين تبيعا أوتبيعة**)ابن ماجه ۵۷۶/۱۸۰۳/ «پیامبر صلی الله علیه وسلم مرا به یمن فرستاد وبه من دستور داد تا از هر چهل گاو یک گاو مسنه (گاوی که دو سال را تمام کرده ووارد سال سوم شده باشد) واز هر سی گاو یک تبیع (گوساله نر وماده‌ای که یک سال را تمام کرده باشد) را بعنوان زکات بگیرم». ونصاب گوسفند (و بز) ومقدار زکات آن: از انس رضی الله عنه روایت است: ابوبکر صدیق رضی الله عنه در مورد صدقهٔ واجبی که الله به پیامبرش صلی الله علیه وسلم دستور داده است برایم نوشت : (**و في صدقة الغنم في سائمتها إذا كانت أربعين إلي عشرين ومائة شاة و فإذا كانت سائمة الرجل ناقصة من أربعين شاة واحدة فليس فيها صدقة إلا أن يشاء ربها**) روایت اصحاب سنن «زکات گوسفند وبز سائمه (چرنده) از چهل تا صد وبیست رأس و یک گوسفند (یا یک بز) واز صد وبیست ویک تا دوصد رأس و دو گوسفند (یا دو بز) واز دوصد ویک تا سیصد رأس و سه گوسفند (یا سه بز) است. اگر تعداد آنها بیشتر از سیصد گوسفند (یا بز) باشد و در هر صد گوسفند (یا بز) یک رأس واجب می‌شود. اگر تعداد گوسفندان (یا بزهای) چرنده کمتر از چهل رأس باشد زکات در آن واجب نیست مگر اینکه صاحبش بخواهد». زکات مستغلات مانند ساختمانها وآپارتمانهای اجاره‌ای وچهارپایان وماشین‌آلات تولیدی وخدماتی وحمل ونقل ووسایل وابزار وزینت‌آلات کرایه‌ای. ودکان وکاروانسرا وامثال آن‌که کرایه داده می‌شوند و از بابت حد نصاب تابع "نقدین – طلا ونقره" است و یعنی و هر وقت درآمد آنها به حدنصاب طلا ونقره رسید و باید از آن زکات پرداخت‌گردد وبهتر است‌که مدت آن هم یکسال باشد نه یکماه. یعنی و مجموع درآمد سالیانه را رویهم حساب‌کرده ومجموع هزینه‌ها ووامها ومالیات ومزدکارگران وامثال آن را ازآن کسر نموده واز باقیمانده درآمد صافی آن و زکات بدهد. در ضمن حداقل کفایت زندگی مالک مستغلات وخانواده او نیز باید ازکل درآمد کسر گردد واز زکات معاف باشد . ودر مورد زکات سهام واوراق و باید برابر زکات اموال تجارتی گرفته شود.

برادران مسلمان ! الله مصارف زکات واصناف گیرنده زکات را درآیه زیر در هشت صنف منحصر فرموده است: ﴿إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلۡفُقَرَآءِ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡعَٰمِلِينَ عَلَيۡهَا وَٱلۡمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمۡ وَفِي ٱلرِّقَابِ

﴿ وَٱلۡغَٰرِمِينَ وَفِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۖ فَرِيضَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴾

(التوبة: ۶۰)«زکات فریضه‌ای است از جانب الله و که باید بدین اصناف داده شود: فقیران ومساکین عاملین جمع‌آوری زکات. مولفه القلوب (کسانی که امام مسلمین می‌خواهد از آنان دلجوئی کند یا می‌خواهد شر آنها را وسیله پرداخت مال از مسلمین دفع کند یاکسانی که اسلام را تبلیغ می کنند وسبب انتشارآن می گردند). فی الرقاب (کسانی که می‌خواهند خود را از بند بردگی وخواری اسارت نجات دهند). غارمین (کسانی که در راه‌کسب مباح وحلال بدهکار شده‌اند وتوانائی بازپرداخت دیون خود را ندارند). فی سبیل الله (کمک به مجاهدین اسلامی وتمام‌کارهائی که موجب رضایت الله می گردد). ابن السبیل (مسافرینی که از دیار خود دور مانده ونیاز به‌کمک مالی دارند تا به دیار خویش برسند). این زکات فریضه‌ای است از جانب الله برای اصناف فوق. الله متعال دانا به همه چیز ودرستکار است وهیچ‌کار وی خالی از حکمت نیست]». اما کسانی که باب گدایی را باز می نمایند خویش را خوار وذلیل نموده وحق مستحقان را تلف می نمایند پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد چنین اشخاص می فرماید: «**من سأل الناس أموالهم تكثرا فإنما يسأل جمرا فليستقل أو ليستكثر**» صحیح مسلم «کسی که از مردم مال شان را بخواهد و(بواسطه سوالگری مالش را) زیاد کند همانا پاره های آتش را میخواهد پس بر اوست که کم می طلبد ویا زیاد».

همچنان آنچه بنام خُمسی که اکنون بین مردم‌ها معروف ومعمول است ارتباطی به دین مبین اسلام که یگانه شاهراه سعادت داری است و ندارد. بلکه می‌توان گفت پاره‌ای از آن ساختهٔ آراء وبافتهٔ أهواء رجالی است که چندان به حکمت احکام وحُرمت وعظمت اسلام توجهی نداشته‌اند! واز تعصبات جاهلانه ویا سیاست خصمانهٔ عدّه‌ای مُغرض مایه می گیرد. زیرا زکات از طرف پروردگار حکیم به نص قرآن عظیم برای هشت صنف عمده از برای مصرف آن پیشنهاد وتعیین شده است. پس ای مسلمانان و شما که از پرودگار امید عفو وبخشش دارید وهمواره در در پی قرار گرفتن در معرض نسیمهای رحمت الهی هستید و به برادران نیازمند خود محبت کنید وبا صدقه واحسان و گوشه ای از درد های فقر وگرسنگی آنان را تسکین ببخشید ودر بخشش واحسان خود و بیشتر کسانی را مد نظر قرار بدهید که به دلیل حیا وعفت و دست توقع را پیش این وآن دراز نمی کنند ومردم می پندارند که ثروتمند هستند. همچنین خویشاوندان نیازمند خود را مورد مهر ومحبت قرار بدهید؛ چون بخشش در حق آنان و هم صدقه است هم صلهٔ رحم. وبدانید که صدقه و مال وثروت را نمی کاهد؛ بلکه آن را از آفات مصون می دارد و چنانکه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: (**ما نقص مال عبد من صدقة**) روایت طبرانی و یعنی «مال بنده از صدقه کم نخواهد شد» همچنان آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم میفرماید: «**ارحموا من فی الارض يرحمكم من فی السماء**» روایت احمد وترمذی «شما بر اهل زمین رحم کنید تا پروردگاری که در آسمان است بر شما رحم کند»

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ۵۶)
اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان

إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

توبه

خطبه اول :

الحمد لله و يقبل التوبة عن عباده ويعفو عن السيئات و أحمده سبحانه لا رب غيره يقيل العثرات و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن نبينا محمداً عبده ورسوله نبي الرحمة المؤيَّد بالمعجزات و اللهم صل وسلم على عبدك ورسولك نبينا محمد وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين و أما بعد:

حمد وستایش الله متعال را که همه بندگان خود را به توبه نمودن دعوت کرده است و وگناهان ایشان را هرچند که زیاد باشد می آمرزد و وبه توبه نمودنِ ایشان شادمان شده و وتمام بدیهای ایشان را بخوبیها مبدّل می سازد و گواهی میدهم که بجز الله دیگر معبودی سزاوار عبادت نیست و اوست الله آمرزگارِ توبه پذیر و وگواهی میدهم که حضرت محمد بندهٔ الله وفرستادهٔ اوست و آن پیامبر توبه گذار وَ که میفرمودند: **"يا أيها الناس توبوا إلى الله واستغفروه ؛ فإني أتوب في اليوم مائة مرة".**(رواه مسلم)

ترجمه : ای مردم بسوی الله توبه نموده و واز او طلب آمرزش کنید؛ که من در روزی صدبار توبه میکنم.

درود وسلام پیاپی تا بروز آخرت بر او وبر آل واصحاب واتباع راستین وی باد.

برادران گرامَی و شکی نیست که یکی از بزرگترین نعمتهای الله بر بندگانش این است که دروازهٔ توبه را برای شان باز نموده و وآنها را به توبه امر فرموده و وبه پذیرفتن توبهٔ ایشان امیدداده و وبرای توبه گذاران _علاوه بر آمرزیدن گناهان _ اجر وپاداش فراوانی مهیا کرده است. وتوبه کردن تنها از گنهگاران مطلوب نیست و بلکه تمامی مکلفان از جمله مومنان ونیکوکاران باید همواره توبه نمایند و الله تعالی میفرماید: ﴿ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣١ ﴾

(النور: ٣١)

ترجمه : «وتوبه نمائید بسوی الله همگی تان ای مومنان باشد که کامیاب شوید».

وچنانچه در حدیث صحیح آمده: «**كل ابن آدم خطاء و وخير الخطاءين التوابون**». (رواه الترمذی وابن ماجه وحسنه الآلبانی)

ترجمه: تمام بنی آدم خطاکارند و وبهترین خطاکاران آنانی اند که توبه میکنند. پس خود وشما را به تقوای الهی ودوری از گناهان وشتاب ورزیدن در توبه فرا میخوانم.

برادران عزیز متاسفانه بسیاری از ما با تاخیر انداختن توبه و خود را از این خیر عظیم وراه نجات محروم ساخته وگویا اینکه از زمان فرارسیدن مرگ خود آگاهیم وبسیاری دیگر از برادران وخواهران ما از زیادی گناهان خود از رحمت الله ناامید شده ودیگر امیدی به بخشش پروردگار ندارند! مگر آنها از این فرموده الله متعال غافلند هنگامیکه گناهکاران را خطاب می کند ومی گوید؟:

﴿ قُلۡ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسۡرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ لَا تَقۡنَطُواْ مِن رَّحۡمَةِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ

ٱلرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ (الزمر: ٥٣)

ترجمه : بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید از رحمت الله نومید مشوید در حقیقت الله همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.

مومنان نمازگزار بدانید که الله مهربان تمامی بندگانش را به توبه ای نصوح (خالصانه وبدون بازگشت) فراخوانده وفرموده است. ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا ﴿٨﴾﴾

(التحريم: ٨)

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید توبه کنید به سوی الله توبۀ خالصانه .

الله متعال که یکی از نامهای گرامی اش تواب (توبه پذیر) است ما را تا پیش از رسیدن اجل مهلت داده است که توبه کنیم اما باز هم بسیاری از ماها در خوشیها ولذتهای زودگذر دنیا غرق شده وتوبه را به فردا واگذار میکنیم حال آنکه شاید فردایی در کار نباشد.

عن أبي موسى الأشعري ـرضي الله عنهـ عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: إن الله عز وجل يبسط يده بالليل ليتوب مسيء النهار ويبسط يده بالنهار ليتوب مسيء الليل حتى تطلع الشمس من مغربها.

ترجمه: حضرت ابوموسی اشعری ـرضی الله عنهـ از رسول الله ـصلی الله علیه وآله وصحبه وسلمـ روایت می کند که ایشان فرمودند: همانا که الله بلندمرتبه وباعظمت دستهای (بلا کیف) خود را در شب می گشاید تا اینکه گنهکار روز توبه کند ودستهای (بلا کیف) خود را در روز می گشاید برای اینکه گنهکار شب توبه نماید تا اینکه خورشید از مغرب طلوع کند (کنایه از فرارسیدن قیامت است زیرا یکی از نشانه های بزرگ قیامت طلوع خورشید از مغرب می باشد) .

ایها الناس این جهان جای تن آسایی نیست
مرد دانا به جهان داشتن ارزانی نیست
خفتگان را خبر از زمزمه مرغ سحر
حیوان را خبر از عالم انسانی نیست

آری برادران عزیز با این وجود که الله متعال راه توبه را برای ما هموار وآسان نموده ودرتوبه را تا زمان مرگ وتا فرارسیدن قیامت گشوده نموده است اما باز هم ما انسانها دچار غفلت ومشغول به عیش ونوش دنیا شده وتوبه را از یاد می بریم در حالیکه رسول گرامی اسلام بهترین وبرترین مخلوقات و آنکه الله گناهان گذشته وآینده اش را آمرزیده بود هر روز بیش از صد بار به درگاه الله متعال توبه واستغفار می نمودند وما را نیز به این کار فراخوانده است.

متاسفانه امروزه که بسیاری از مسلمانان عزت خود را از دست داده واز پایبندی به دین اسلام فرسنگها فاصله گرفته اند وطعمه ای بسیار آسان ولذیذ برای غرب گشته اند و بعلت عدم دوری از تقوی وترس الهی بسیاری از گناهان وفسادها در دیدگاه آنان کوچك وسبك شمرده می شود واین در حالیست صحابه ویاران باوفای رسول الله هرگز چنین به گناهان نمی نگریستند وآنها که بهترین الگوی واسوه ی ما هستند خود را از کوچکترین گناهان نیز دور نگاه می داشتند چنانچه امام بخاری ـرحمه اللهـ از حضرت انس ابن مالك ـرضی الله عنهـ روایت میکند که ایشان ـخطاب

به یاران وشاگردانش که نسل بعد از صحابه یعنی تابعین بودند_ فرمودند: " إنكم لتعملون أعمالاً هی أدق فی أعینكم من الشعر و كنا نعدها على عهد رسول الله من الموبقات".

ترجمه : به تحقیق شما کارهایی را انجام میدهید که آن در نظر شما از موی باریکتر میباشد و ولی ما آنرا در زمان رسول الله از گناهان موبقات می شمردیم. موبقات: یعنی گناهان بزرگ وهلاک کننده.

از حضرت عبدالله بن مسعود روایت است که فرمود: "**إن المؤمن يرى ذنوبه كأنه قاعد تحت جبل يخاف أن يقع عليه و وإن الفاجر يرى ذنوبه كذباب مرّ على أنفه فقال به هكذا - اى بيده - فذبّه عنه** ". ترجمه : همانا که مومن گناهان خود را مانند کوهی بالای سرش می بیند و میترسد که بر وی بیافتد. واما فاجر گناهان خویش را مانند مگسی می بیند که بر بینی اش مرور میکند و واو را بدست خود دور میسازد. (یعنی آنرا بسیار حقیر وناچیز می پندارد)

رسول الله علیه الصلاه والسلام در حدیثی چنین می فرمایند: "**إياكم ومحقَّرات الذنوب ؛ فإنهن يجتمعن على الرجل حتى يهلكنه**".(رواه احمد وصححه الألبانی)

ترجمه : بر حذر باشید از گناهان کوچک وحقیر شمرده شده ؛ زیرا این گناهان باهم جمع شده تا اینکه انسان را به هلاکت میرساند.

علمای اسلام در این زمینه قاعده بسیار زیبایی را وضع نموده اند که می گوید: "لا صغيرة مع الإصرار و ولا كبيرة مع الاستغفار".

ترجمه: گناه کوچک (صغیره) در حال اصرار ورزیدن بر آن کوچک نمی ماند و بلکه به گناه بزرگ (کبیره) تبدیل میگردد و و(در مقابل) گناه بزرگ بااستغفار کردن (آمرزش طلبیدن) بزرگ نمی ماند و (بلکه بفضل الله متعال ومهربان و به سبب استغفار بخشیده میشود).

مومنان نمازگزار و علما ودانشمندان مسلمان برای توبهٔ درست ونصوح شرطهایی را یاد کرده اند و که آن شرطها را از آیات قرآن کریم واحادیث صحیح پیامبر استنباط نموده اند و

اولین شرط توبه و دست کشیدن فوری ازگناه می باشد. شرط **دوم** آن و بر گناه گذشته و ندامت واظهار پشیمانی کردن است . **سومین** شرط آن و تصمیم محکم وجدی گرفتن (عزم خود را جزم کردن) بر آن که بار دیگر به آن گناه باز نگردد .

و شرط **چهارم** که مربوط به حقوق ومظالم بندگان (انسانهای دیگر) است و این می باشد که حقوق مردمی را که ظلم کرده است بازگرداند و ویا از ایشان طلب عفو وبخشش بخواهد .

أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين من كل ذنب فاستغفروه وتوبوا إليه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله رب العالمين و أحمده سبحانه وأشكره و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن نبينا محمداً عبده ورسوله صلى الله وسلم وبارك عليه وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين و أما بعد:

عباد الله:

اتقوا الله تعالى وأطيعوه و واعلموا أن طاعته أقوم وأقوى و وتزودوا فإن خير الزاد التقوى و واحذروا أسباب سخط الجبار فإن أجسامكم على النار لا تقوى و واعلموا أن أصدق الحديث كتاب الله و وخير الهدي هدي محمد صلى الله عليه وسلم و وشر الأمور محدثاتها وكل محدثة بدعة و وعليكم بالجماعة فإن يد الله مع الجماعة و ومن شذ شذ في النار اما بعد:

برادران عزیز بدانید که الله متعال نه تنها توبه انسان گنهکار را می پذیرد بلکه اگر او خالصانه به سوی الله بازگردد همراه با پذیرفتن توبه وی تمامی گناهان گذشته اش را نیز به حسنات ونیکی تبدیل نموده وبر کارنامه عمل وی می افزاید.

الله متعال در سوره فرقان چنین می فرماید: ﴿ إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَٰلِحًا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٖۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ٧٠ ﴾ (الفرقان: ٧٠)

ترجمه: مگر کسی که توبه کند وایمان آورد وکار شایسته کند پس الله بدی هایشان را به نیکی ها تبدیل می کند والله همواره آمرزنده مهربان است.

آری الله متعال اینگونه بر ما رحیم ومهربان است ودرب توبه را برای ما گشوده است تا ما به خود آییم وبا ورود به آن سعادت وخوشبختی ابدی خود را به ارمغان آوریم.

برادر عزیز آیا صدای مرگ را شنیده‌ای وقبر را دیده‌ای و دوستان وخویشان خود را با دست‌هایت تشییع کرده‌ای ومرگ آنها را نیز مشاهده نموده ای و که چگونه از قصرها به قبرها انتقال یافتند و از نور منزل به تاریکیهای قبر و از آغوش گرم خانواده به آغوش کرم‌ها وحشرات سکنی گزیدند و از بسترهای نرم به خاک خشن قبر منتقل شدند و از کنار شما به جوار مردگان کوچ کردند. روزی کنار قبرشان فریاد بزن واز آنها بپرس و از لشکر ودارایشان سؤال کن و از زبانی که با آن حرف می‌زدند بپرس از چشمانی که با آن لذت حاصل می کردند و از زور وقدرت آنها و از خشم وغرش آنها بپرس و از زبان چرب وسخنور آنها و از تکبر وباد گلوی‌شان سؤال کن. حتماً با آه وحسرت خواهند گفت: ما فریب خوردیم و ضرر کردیم وغافل ماندیم.

پس ای خواهر وبرادر عزیز! تا کی در غفلت وروی گردانی از الله؟ تا کی فرمانبردار شیطان ونفس بودن و آیا وقت آن نرسیده که قلب سخت را به توبه نرم کنیم؟

﴿ أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ وَلَا يَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلُ فَطَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَمَدُ فَقَسَتۡ قُلُوبُهُمۡۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ١٦ ﴾ (الحدید: ١٦)

آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دلهایشان به یاد الله وآن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد ومانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و[عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید ودلهایشان سخت گردید وبسیاری از آنها فاسق بودند.

مرگ فقط یک بار به سوی تو می آید و مال و جوانی و مقام مانع او نخواهند بود و قطار توبه را سوار شو قبل از اینکه از ایستگاه دور شود. از آن روزهایی که از عمرت گذشته وبه آنچه الله داده است مغرور مباش و که بقیه عمرت نیز بدین‌سان خواهد گذشت ونکند خواب باشی وزمانی بیدار شوی که دیر شده است.

شاعر شیرین سخن پارسی گوی چه زیبا سروده است:

دل غافل بکن توبه که مرگ اندر کمین داری
مشو از حال خود غافل که جای زیر زمین داری

دوست عزیز : همین امروز و نه و بلکه همین ساعت که اینجا در خانه الله نشسته ای و پس از ادای نماز جمعه برخیز واز صمیم قلب وبا اصرار به سوی الله برگرد وبر معاصی گذشته وعمری که بیهوده ضایع کرده‌ای استغفار کن وبر استغفارهای گذشته نیز استغفار کن که بسیاری از توبه‌ها واستغفارها و خود نیاز به معذرت خواهی دارند.

پس :

بازا بازا هر آنچه هستی بازا* گر گبر ویهود وبت پرستی بازا
این درگه ما درگه نومیدی نیست *صد بار اگر توبه شکستی بازا

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦﴾ (الأحزاب: ٥٦)

اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

استقبال ماه مبارک رمضان

خطبه اول

الحمد لله الذي فضّل أوقات رمضان على غيره من الأزمان وأنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان و أحمده سبحانه وأشكره وأشهد أن لا أله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن نبينا محمدا عبده ورسوله الذي كان يخص رمضان بما لم يخص به غيره من صلاة وتلاوة وصدقة وبر وإحسان اللهم صل عليه وعلى آله وأصحابه الطاهرين الذين آثروا رضا الله على شهوات نفوسهم فخرجوا من الدنيا مأجورين وعلى سعيهم مشكورين وسلم تسليماً كثيراً إلى يوم الدين.

اما بعد: الله جل عظمته در کتاب با عظمتش می فرماید: ﴿ شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُۖ ﴾ (البقرة: ١٨٥)

«ماه رمضان آنچنان ماهی است و که نزول قرآن در آن آغازگردیده است و قرآنی که هدایت وراهنما برای مردم وبیان کننده راه هدایت وجداکننده حق وباطل و از همدیگر می‌باشد. پس هرکس از شماماه رمضانرا دریافت آنرا روزه بگیرد».

برادران وخواهران مسلمان! الله متعال را سپاس می گوییم که روزه ماه رمضان را به عنوان اساسی ترین وسیله برای نهادینه شدن تقوا در وجود ما ومایه مغفرت برای ما قرار داد واز الله خواستاریم که این ماه را وسیله نجات ازآتش دوزخ برای ما قرار دهد.

در این ماه بر ما لازم است که با تلاش پیگیر وریختن عرق وتحمل زحمات از این مهمان پر برکت به بهترین صورت پذیرایی واستقبال نماییم وبا تمام تلاش وکوشش خود بتوانیم خشنودی پروردگار را بدست آوریم.

ماه رمضان ماهی است که الله در آن بندگان خود را زیر پوشش رحمتش قرار می دهد وگناهانشان را می آمرزد ودعاهایشان را قبول می نماید و پیشینیان ما از جمله یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم وتابعین آنها به ماه مبارک رمضان اهمیت ویژه‌ای داده وبه قدوم آن شادمان وخوشحال می‌شدند و از الله می‌خواستند که ماه رمضان را نصیبشان گرداند وعبادات وبندگیشان را در ماه رمضان از آنها بپذیرد و روزهای آن را روزه می‌گرفتند و از هر آنچیزی که روزه شان را باطل یا ناقص کند ـ از قبیل کارهای بیهوده و بازی وسرگرمی و و دروغ و غیبت و سخن چینی ـ محفوظ می‌داشتند و شبهای آن را با نماز وتلاوت قرآن به صبح می‌رساندند و در این ماه با صدقه واحسان و طعام وافطاری دادن به روزه داران و به کمک فقرا ومساکین می‌شتافتندو با فرمانبرداری از الله به جهاد نفس وجهاد با دشمنان اسلام می‌پرداختند برای اعلای «کلمه الله» و تا اینکه همه دین برای الله باشد. غزوه بدر کبری که در آن مسلمانان بر دشمنشان پیروز شدند در ماه رمضان بود و وغزوه فتح مکه که در اثر آن مردم گروه گروه می‌آمدند واسلام را می‌پذیرفتند نیز در این ماه اتفاق افتاد.

ماه رمضان همانطور که برخی‌ها فکر می‌کنند ماه تنبلی و خواب وکسالت نیست بلکه ماه کوشش و عبادت وعمل است؛ لذا برما واجب است که با شادمانی و خوشحالی و خوش آمد گویی واحترام از آن استقبال نماییم و چگونه شاد وخوشحال نباشم به ماهی که الله آن را برای فریضه مهم روزه ونازل نمودن قرآن کریم برگزیده است و قرآنی که برای هدایت مردم وبیرون

آوردن آنان از تاریکی به سوی نور وروشنایی آمده است. چگونه شاد وخوشحال نباشم به ماهی که در آن درهای بهشت گشوده ودرهای جهنم بسته شده وشیاطین به زنجیر کشیده وحسنات در آن چند برابر وخطا وگناهان در آن بخشوده می‌شوند.

باید صحت وسلامتی وجوانی را غنیمت شماریم وعمرمان را با اطاعت الله وحسن عبادت او آباد نماییم و واین فرصت گرانبها را و غنیمت دانسته وهمواره از گناهان وخطاهایمان با توبه‌ای صادقانه به درگاه الله تعالی و تجدید عهد وپیمان نماییم.

در طول زندگی با محافظت براوامر و نواهیش ملتزم به اطاعت او باشیم تا از زمره رستگاران قرار بگیریم. لازم است که بر انجام واجبات ومستحبات وترک محرمات ومکروهات در رمضان و غیر رمضان محافظت نماییم و با عزم وارادهای صادقانه با روزه گرفتن وشب زنده داری در این ماه از روی ایمان واعتقاد -نه از روی تقلید وپیروی از دیگران- به استقبال آن بشتابیم وهمه اعضای بدن خویش را از گناه اعم از سخن و نظر به نامحرم و شنیدن و خوردن ونوشیدن حرام نگاه داریم تا اینکه مغفرت ورهایی از آتش جهنم را به دست آوریم.

بر ما لازم است که آداب روزه از جمله به تأخیر انداختن سحری تا آخرین ساعات شب وعجله نمودن در افطار هنگام اطمینان از غروب خورشید را رعایت نماییم واعمال نیک را بیشتر انجام دهیم.هنگامی که به روزه دار ناسزا گفته شود او مقابله به مثل نکند وجواب بدی را با بدی ندهد بلکه با بهترین کلمه جوابش را بدهد تا اینکه روزه‌اش کامل شود وعملش مقبول درگاه الهی قرار بگیرد.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: الله بزرگ می‌فرماید: «**كل عمل ابن آدم له إلا الصيام و فإنه لي و وأنا أجزي به و والصيام جنة و فإذا كان يوم صوم أحدكم فلا رفث و ولا يصخب و ولا يجهل و فإن شاتمه أحد و أو قاتله و فليقل: إني صائم و -مرتين- و والذي نفس محمد بيده لخلوف فم الصائم و أطيب عند الله يوم القيامة من ريح المسك و وللصائم فرحتان يفرحهما: إذا أفطر فرح بفطره و إذا لقي ربه فرح بصومه**» بروایت احمد ومسلم ونسائی

«هر عمل ورفتاری که انسان انجام می‌دهد و برای خودش می‌باشد و مگر روزه و که آن برای من می‌باشد ومن خود بدان پاداش می‌دهم. روزه از معاصی وگناهان جلوگیری می کند. پس هرگاه یکی از شما روزه باشد و از بدگوئی وسخن ناشایست واز فریادکشیدن ورفتار ابلهانه و اجتناب ورزد. اگرکسی به وی فحش وناسزا گفت یا با وی به نزاع برخاست و به وی پاسخ ندهد. بلکه دوبار بگوید: من روزه هستم. سوگند بدان کس که جان محمد در دست او است و بوی بد دهان روزه‌دار و که در اثر روزه پدیدمی‌آید و در روز رستاخیز به نزد الله و خوشبوتر از بوی مشک است. روزه‌دار و دو شادی دارد که دیگران ندارند: یکی به هنگام افطار و که بسیار شادمان است ودیگری وقتی که پروردگار خویش را ملاقات می کند از نتیجه روزه‌اش شادمان است]».

بر ما واجب است که در روزه و نماز وهمه اعمال مان اخلاص داشته باشیم و زیرا که الله تعالی تنها اعمال صالح وخالص را می‌پذیرد و عمل صالح همان عملی است که تنها بخاطر الله تعالی انجام شود ومطابق سنت پیامبرش (صلّی الله علیه وآله وسلم) وسلّم باشد. بر مسلمان واجب است که با

تأسی از پیامبر (صلّی الله علیه وآله وسلم) واصحاب وخلفای راشدین -وبه امید اجر وپاداشی که به دنبال دارد -بر نماز تراویح محافظت نماید.

پیامبر (صلّی الله علیه وآله وسلم) فرموده است: «**من قام رمضان إيماناً واحتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه**» متفق علیه. «کسی که شبهای ماه رمضان را از روی ایمان واخلاص به نماز بگذراند و گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شوند». نماز گذار باید تا آخر نماز (و دعا) همراه امام بماند تا اینکه ثواب قیام یک شب برایش نوشته شود وده شب آخر رمضان را با نماز وخواندن قرآن وذکر ودعا واستغفار احیا نماید تا هم از سنت پیامبر (صلّی الله علیه وآله وسلم) پیروی کرده باشد وهم در طلب شب قدر بوده باشد.

شب قدر از هزار ماه یعنی هشتاد وسه سال وچهار ماه بهتر است و شب مبارکی است که الله با نازل کردن قرآن در این شب آن را گرامی داشته است. شبی است که فرشتگان وجبرئیل فرود می‌آیند و شبی است که هر کس آن را از روی ایمان واخلاص به نماز بگذراند گناهان گذشته‌اش همه آمرزیده می‌شوند. وآن شب هم منحصردر ده شب آخر رمضان می‌باشد. مسلمان لازم است در همه شبهای رمضان به نماز خواندن و توبه و ذکر و دعا و استغفار ودرخواست بهشت ورهایی از آتش جهنم مشغول باشد ودر راستای این اعمال سعی وتلاش نماید. به امید اینکه الله از همه بپذیرد وتوبه ی همه را قبول نموده وما وپدر ومادر ما وهمه مسلمین را از آتش جهنم نجات داده وبه بهشت داخل نماید.

مسلمانان! بدانید فرا رسیدن ماه رمضان و از دو راه ثابت می گردد: یکی رویت هلال ماه رمضان ولو اینکه وسیله یک نفر عادل باشد. دوم تمام‌کردن سی روزه ماه شعبان. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**صوموا لرؤيته وأفطروا لرؤيته و فإن غم عليكم فأكملوا عدة شعبان ثلاثين يوما**» متفق علیه «هر وقت هلال ماه رمضان را دیدید و روزه بگیرید وهروقت هلال شوال را دیدید و روزه را بخورید وروزه نباشید. اگر هوا ابری بود ونتوانستید هلال رمضان را ببینید و سی روزه شعبان را تکمیل کنید».

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين فاستغفروه انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

برادران مسلمان! روزه ماه رمضان بدلیل قرآن کریم وسنت نبوی شریف واجماع امت واجب می‌باشد: الله می فرماید: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ﴾ (البقرة ۱۸۳): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید و روزه ماه رمضان بر شما واجب شده است و همانگونه که بر امّتیان پیش از شما نیز فرض گردیده است و شاید که موجب تقوا وپرهیزگاری واطاعت شما از امر پروردگارتان گردد». وپیامبر اکرم صلی الله علیه

وآله وسلم فرمود: «**بني الاسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله و وأن محمدا رسول الله و وإقام الصلاة و وإيتاء الزكاة و وصيام رمضان وحج البيت**» متفق عليه «اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است: گواهی بوحدانیت الله تعالی و وگواهی برسالت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم وبرپای داشتن فریضه نماز وپرداخت زکات وگرفتن روزه ماه رمضان وبرگزاری فریضه حج بیت‌الله الحرام». ودلیل دیگر وجوب روزه ماه رمضان اجماع امت اسلامی است و براینکه واجب ویکی از ارکان وپایه‌های اساسی دین اسلام است روزه ماه رمضان وهرکس منکر وجوب آن گردد کافر ومرتد می‌باشد. روزه ماه رمضان در روز دوشنبه دوم ماه شعبان سال دوم هجری فرض گردیده است. بنا به اجماع علما روزه بر هر مسلمان عاقل بالغ تندرست غیر مسافر و واجب است وبرای زنان علاوه بر شرایط فوق و شرط است که از خون "حیض" و"نفاس" نیز پاک باشند. بنابراین روزه رمضان برکافر و دیوانه و بچه و بیمار و مسافر و حایض و نفساء وپیرمردو پیرزن ناتوان و زن آبستن یا حامل وزن شیرده واجب نیست.شخص بیماری که بهبودی وی انتظار می‌رود وامید بهبودی دارد و ونیزشخص مسافر مباح است که در رمضان روزه نگیرند ولی قضای آن و بر آنها واجب می‌باشد. الله می‌فرماید: " ﴿وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ (البقرة١٨٥) «و هرکس از شما در ماه رمضان بیمار باشد و یا بمسافرت رفت برای او مباح است که روزه رمضان را نگیرد وبعد ازماه رمضان به تعداد روزه‌هایی که نگرفته است روزه باشد وآنها را قضا نماید». پیرمردان وپیرزنان وبیمارانی که انتظار بهبودی آنها نمی‌رود وکارگرانی که کارهای سنگین دارند وبغیر از این کارهای سنگین راهی برای کسب روزی وادامه زندگی ندارند و همه اینها چنانچه در همه فصول سال روزه گرفتن برایشان مشقت داشته باشد وروزه گرفتن آنان را ضعیف کند وبسختی اندازد و شرعاً مجازند که روزه نگیرند. برآنان واجب می‌گردد که در عوض هرروز و یک نفرمسکین را اطعام کنند. این اطعام بیک صاع گندم یا نصف صاع یا یک مد بر حسب اختلافی که درآن هست و تخمین زده شده است ودر سنت مقدار دقیق آن بیان نشده است. بر حسب اوزان امروزی یک صاع معادل است با وزن ۷۶/۲ گرم .

مسلمانان! ماه رمضان ماه بخشش گناهان است و کسی که بر اساس ایمان به الله وطلب اجر وپاداش و این ماه مبارک را روزه بگیرید ورکن چهارم اسلام را بجای آوردوشبهای آن با قیام وتهجد سپری کند و گناهانش بخشیده می گردد. ماه رمضان ماهی است که عظیم ترین کتاب الهی قرآن کریم کتابی که ﴿هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ والفرقان﴾ (البقرة: ١٨٥) «راهنمای مردم و ونشانه های هدایت. وجدا کننده میان حق وباطل است»نازل شده است .

در ماه رمضان شبی وجود دارد که آن شب از هزار ماه یعنی و ۸۳ سال وچهار ماه بهتر است و آن شب. شب قدر است. ﴿إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾﴾ (القدر) «شب قدر بهتر از هزار ماه است .فرشتگان وروح (جبرئیل)در آن شب به اجازه پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند. آن شب تا طلوع فجر و سلام وسلامتی است».

بزرگترین معرکه ای که میان اهل توحید واهل شرک واقع گردید و واهل توحید بر اهل شرک پیروز شدند و والله میان حق وباطل جدای انداخت و غزوه بدر کبری بود که در هفدهم ماه رمضان اتفاق افتاد. فتح مکه و در ماه رمضان صورت گرفته است. ماه رمضان ماهی است که دروازهای رحمت و وبهشت باز می شود و ودروازه های دوزخ بسته می گردد و وشیاطین در زنجیرها بسته می شوند.

در هر شب از شبهای رمضان منادی از آسمان ندا می دهد ای کسی که خواهان خیر وخوبی هستی جلو بیا و وای کسی که خواهان شر وبدی هستی دست بردار. در شبهای رمضان الله بزرگ بندگانش را از آتش جهنم آزاد می کند.

رمضان ماهی است که اولش رحمت و ونیمه اش مغفرت و وآخرش آزادی ورهای از آتش است. رمضان ماه صبر وبردباری است و پاداش صبر بهشت است. ثواب انجام دادن عمره در ماه رمضان و مانند ثواب انجام دادن حج همراه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم است.

ماه رمضان ماه بخشش واحسان است. در شب آخر رمضان الله گناه روزه داران را می بخشد و چنانکه گارگر بعد از به پایان رساندن کارش مزدش را دریافت می کند.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥٦)

اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم. اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

اهمیت نماز وحکمت آن

خطبه اول

إن الحمد لله نحمده و ونستعينه و ونستغفره و ونعوذ بالله من شرور أنفسنا و ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له و ومن يضلل فلا هادي له و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له .وأشهد أن محمداً عبدُه ورسولُه . ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢) ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾ (النساء: ١) ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥﴾ (البينة: ٥) (و به آنان دستور داده نشده است مگر اینکه الله را مخلصانه وحق گرایانه پرستش نمایند وفقط بر دین او باشند ونماز را بر پای دارند وزکات بدهند. واین است آیین راست ودرست). ودر جایی دیگر می فرماید: ﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا ١٠٣﴾ (النساء: ١٠٣) (همانا نماز بر مؤمنان فرض است واوقات معینی دارد).

برادران وخواهران مسلمان! همهٔ ما بزودی از دنیا خواهیم رفت ودر پیشگاه الله متعال و حاضر خواهیم شد. در آنجا نیز بخاطر همه اعمال کوچک وبزرگی که انجام داده‌ایم و محاسبه خواهیم شد. بعد از آن نمی‌دانیم که چه سرنوشتی در انتظار ماست آیا با انبیاء و صدیقین و شهدا وصالحین حشر شده وبه بهشت می رویم بهشتی که نعمت های جاودانی آن را هیچ چشمی ندیده وهیچ گوشی نشنیده وبه قلب هیچ کسی هم خطور نکرده است یا -خدای نکرده- به دوزخ می رویم دوزخی که سراسر عذاب وشکنجه وآه وناله وپشیمانی وگریه است. پس بیاییم قبل از اینکه فرصت از دست برود و از خواب غفلت بیدار شویم وفریب این دنیای فانی را نخوریم وزندگی خود را در راه اطاعت از الله ورسولش سپری نماییم چرا که سعادت دنیا وآخرت و در این راه و نهفته است.

باید بدانیم که نماز و ستون دین است وبوسیلهٔ نماز است که مسلمان از کافر ومنافق از مؤمن و شناخته می شود. همچنین و اولین چیزی که روز قیامت و بنده بخاطر آن محاسبه می شود نماز است واگر نمازش و پذیرفته شود رستگار می گردد واگر نمازش و پذیرفته نشود و ناکام می گردد وزیان می بیند.

لذا همیشه باید به یاد آن لحظاتی باشیم که در پیشگاه پروردگارمان و حاضر می‌شویم. لحظاتی که افراد آگاه و سختی آنرا درک می کنند وپرهیزگاران و شدت وحشت آنرا می‌شناسند. پس بکوشیم تا خود را برای آن لحظات جان‌گداز و آماده سازیم.

نماز در اسلام از جایگاه بسیار والایی برخور دار است. نماز و ستون دین است. وباید دانست که دین بدون این ستون و برپا نمی شود.

معاذ – رضی الله عنه – می فرماید: نبی‌اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**رَأْسُ الأَمْرِ الإِسْلامُ وَعَمُودُهُ الصَّلاةُ وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ**». روایت ترمذی (۲۶۱۶) وابن ماجه (۱۳۱۴/۲) واحمد (۲۳۱/۵) . وترمذی دربارهٔ آن و گفته است: این حدیث و حسن وصحیح است وآلبانی نیز آنرا در ارواء الغلیل (۱۳۸/۲) تحسین نموده است. یعنی «رأس امور اسلام وستون آن و نماز است. وقلهٔ آن و جهاد می باشد». وباید دانست که اگر ستون بیفتد و ساختمان و نابود خواهد شد. واولین عملی که بنده بخاطر آن محاسبه می شود و نماز است. وخوبی وبدی اعمال انسان و به نمازش و بستگی دارد.

انس بن مالك – رضی الله عنه – روایت می کند که نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**اَوَلّ ما يُحاسَبُ بِهِ العَبدٌ يَومَ القيامَة: الصَلاة و فَإن صَلَحتَ و صَلحَ سائِر عَمَله وإن فَسَدَت و فَسَدَت سائِرِ عَمَله**» روایت طبرانی در المعجم الأوسط (۴۰۹/۱) مجمع البحرین (۵۳۲و۵۳۳). وعلامه آلبانی در سلسله احادیث صحیحه (۳۴۶/۳) می گوید: وبه طور کلی این حدیث با مجموع طرقش و صحیح است. «اولین چیزی که در روز قیامت و بنده بخاطر آن و محاسبه می‌شود و نماز است. اگر نمازش و درست باشد و سایر اعماش و نیز درست خواهد بود. واگرنمازش و فاسد باشد و سایر اعمالش و فاسد خواهد بود».

نماز و آخرین وصیتی است که نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم امتش را به آن و وصیت کرد. ام سلمه رضی الله عنها می فرماید: یکی از آخرین وصیت های رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم این بود که «**الصَّلاةَ الصَّلاةَ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ**». روایت احمد (۲۹۰/۶ و ۳۱۱ و ۳۲۱) وآلبانی در إرواء الغلیل (۲۳۸/۷) آنرا صحیح دانسته است. « نماز؛ نماز را استوار بدارید ودر مورد بردگانی که زیر دست شمایند به نرمی رفتار کنید» وچند بار این سخن را در زمان احتضار وجان سپردن تکرار کردند.

نماز بزرگترین رکن وستون اسلام بعد از شهادتین و است. عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما می فرماید: نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**بُنِيَ الإِسْلامَ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لاإِلَهَإلاالله وأَنَّ مُحَمَداً رَّسول الله وَإِقَام الصَّلاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصِيَام رَمَضَانَ وَحَجِّ الْبَيْتِ**». متفق علیه «اساس اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است. ۱ گواهی دادن بر اینکه هیچ معبودی بجز الله و وجود ندارد ومحمد صلی الله علیه وآله وسلم فرستاده الله متعال است. ۲ برپا داشتن نماز. ۳ پرداخت زکات. ۴ روزه ماه مبارک رمضان. ۵ حج بیت الله الحرام».

یکی از اموری که بر عظمت نماز دلالت می‌کند و اینست که الله و آنرا بواسطه جبرئیل ودر زمین و فرض نگرداند بلکه بدون واسطه در شب معراج وبالای هفت آسمان و آنرا فرض نمود. در ابتدا و پنجاه نماز و فرض شد. واین و خود و دلیلی است بر اینکه الله و نماز را بسیار دوست دارد. آنگاه و الله آنقدر تخفیف داد تا اینکه در نهایت و پنج نماز در شبانه روز بر بندگانش و فرض نمود. واین نمازها اگرچه عملاً پنج تا هستند ولی در ترازوی اعمال انسان و پنجاه نماز بحساب می‌آیند. واین و جایگاه بلند نماز را می‌رساند.

واز آنجا که نماز از اهمیت بسیار والایی برخوردار است و الله متعال اعمال رستگاران را با نماز آغاز نموده است چنانکه می‌فرماید: ﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ ٢﴾ (المؤمنون: ۱ – ۲)« همانا مؤمنان و رستگار شدند. آن کسانی که در نمازشان و خشوع دارند». الله به نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم وپیروانش دستور داده است که خانواده های خود را به خواندن نماز و امر کنند: ﴿ وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ ﴾ (طه: ۱۳۲)«خانواده ات را به خواندن نماز و امر کن وخود نیز بر خواندن آن و استقامت کن. ما از تو روزی نمی‌خواهیم بلکه ما به تو روزی می‌دهیم وسرانجام از آن پرهیزگاری است».

عبد الله بن عمر – رضی الله عنه – می فرماید: نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**مُرُوا أَوْلادَكُمْ بِالصَّلاَةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ**». روایت ابوداوود (۴۹۵) واحمد (۱۸۰/۲ و ۱۸۷) وآلبانی در إرواء الغليل (۷/۲و ۲۶۶/۱) صحیح دانسته است. «فرزندانتان را در سن هفت سالگی و به خواندن نماز وادار کنید ودر ده سالگی و آنها را بخاطر نماز و تنبیه کنید ومحل خواب آنها را جدا کنید».

الله متعال در تمام حالت ها و نماز را واجب قرار داده است حتی در این باره و مریض و مسافر وکسی را که در حال ترس ووحشت بسر می‌برد و معذور ندانسته است. بلکه گاهی و در شرایط آن و تخفیف قایل شده است وگاهی هم تعداد رکعات آن را کمتر نموده است ودر شرایط خاص هم و روش نماز خواندن را تغییر داده است. وتا زمانی که انسان از عقل برخوردار است و نماز از وی و ساقط نمی‌شود.

آری و الله در نماز و بهترین حالت ها را شرط قرار داده است. فرد باید با وضو باشد و خودش را با زینت لباس و بیاراید ورو به قبله نماید. در حالی که در سایر عبادات و این امور و شرط نیستند. ودر نماز و قلب و زبان وسایر اعضای انسان و بکار گرفته می‌شود حال آن که در سایر عبادات و چنین نیست.

در نماز و نباید ذهن وفکر انسان به جایی دیگر برود. وبه جایی دیگر نگاه نکرده وبا شتاب وعجله نخواند وبا اطمینان خاطر در مقابل خداوند عزوجل قرار بگیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فردی که نمازش را درست وبا اطمینان ادا نکرد و امر فرمود تا دوباره نماز بخواند « ارجع فصل فانک لم تصل» صحیح بخاری «برگرد ودوباره نماز بخوان زیرا تو نماز نخوانده ای».

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

برادران وخواهران گرامی! بدانید ترک نمازهای فرض و کفر محسوب می‌شود. پس هر کس که نماز را ترک کند ومنکر وجوب آن شود به اجماع علما و وارد کفر اکبر می‌شود اگر چه گاهی

هم نماز بخواند اما اگر کسی و معتقد به وجوب نماز باشد وآن را انکار نکند ولی به طور کلی و نماز نخواند و چنین شخصی نیز کافر می‌شود. (و درباره اینکه این کفر و کفر اکبر است واو را از دایره اسلام خارج می کند یا خیر و نزد علما اختلاف نظر وجود دارد) اما قول صحیح و این است که کفر چنین شخصی و کفر اکبر است واو را از دایره اسلام و خارج می کند. در این باره و دلایل زیادی وجود دارد که ما به طور مختصر به بیان برخی از آنها می‌پردازیم: الله متعال می فرماید: ﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾ خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۖ وَقَدْ كَانُوا۟ يُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمْ سَٰلِمُونَ ﴿٤٣﴾﴾ (القلم: ۴۲ - ۴۳)«روزی که از ساق و پرده بردارند وخلق را دعوت به سجده کنند و آنان نمی توانند سجده کنند. چشمانشان و پایین افتاده است وخواری وذلت و وجودشان را فرا گرفته است. آنها در دنیاکه سالم بودند و دعوت به سجده می شدند ولی سجده نمی‌کردند». آیه فوق و دلالت بر این دارد که فرد بی نماز و در روز قیامت و کنار کفار ومنافقینی قرار می‌گیرد که کمرشان برای سجده خم نمی‌شود. اگر فرد بی نماز و مسلمان بشمار می‌رفت همانطور که در روز قیامت به مسلمانان و اجازه داده می‌شود که سجده کنند به او نیز اجازه داده می‌شد که سجده کند. الله در موضع دیگر می فرماید: ﴿فَإِن تَابُوا۟ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُا۟ ٱلزَّكَوٰةَ فَإِخْوَٰنُكُمْ فِى ٱلدِّينِ ۗ وَنُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (التوبة: ۱۱) « اگر توبه کنند ونماز را برپا دارند وزکات بدهند و پس برادران دینی شما هستند. ما آیات خود را برای کسانی که اهل دانش هستند و بیان می کنیم». الله در آیهٔ فوق و نماز را شرط اخوت وبرادری دانسته است. وعن جابر - رضی الله عنه - قال: سمعت قال: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكَ الصَّلاةِ» صحیح مسلم

«حد فاصل بین مرد وشرک وکفر و ترک نماز است» عن بریده رضی الله عنه قال: **قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «العَهدَ الَّذي بَينَنا وبَينَهُم تَركَ الصَّلاة فَمَن تَرَكَها فَقَد كَفَر»** روایت ترمذی (۲۶۲۱) ونسائی (۲۳۱/۱) وابن ماجه (۱۰۷۹) وحاکم (۶/۱ و ۷) با تصحیح حاکم وموافقت امام ذهبی.

بریده - رضی الله عنه - می فرماید: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «پیمانی که میان ما وآنان وجود دارد و ترک نماز است و پس هر کس و نماز را ترک کند و همانا کفر ورزیده است». عبدالله بن شفیق - رضی الله عنه - می فرماید: «اصحاب محمد صلی الله علیه وآله وسلم بجز ترک نماز و ترک هیچ عمل دیگری را کفر نمی‌دانستند». بروایت ترمدی (۲۶۲۲).

چنانکه تعداد زیادی از علما نقل کرده‌اند که صحابه بر کفر تارک نماز و اجماع نموده‌اند. نگا المحلی (۲۴۲/۲ و ۲۴۳) وکتاب الصلاه (۲۶) ابن قیم والشرح الممتع (۲۸/۲) تألیف ابن عثیمین. باید گفت حقی که در آن هیچ تردیدی وجود ندارد و اینست که هر کس و نماز را مطلقاً ترک کند و با دلیل صریح فوق و کافر می‌شود.

برادران ایمانی! نماز فضایل بیشماری دارد که نمیتوان همه را در این جا ذکر نمود لیکن به طور نمونه به برخی از این فضایل اشاره میکنیم: نماز انسان را از کارهای زشت وناپسند و باز می‌دارد. الله متعال می فرماید: ﴿ٱتْلُ مَآ أُوحِىَ إِلَيْكَ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ ۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ

﴿ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۗ وَلَذِكۡرُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَصۡنَعُونَ ٤٥﴾ (العنکبوت: ۴۵) «ای پیامبر! بخوان آنچه را که از قرآن به تو وحی شده است ونماز را بر پای دار. همانا نماز و انسان را از کارهای زشت وناپسند و باز می‌دارد.

وياد الله از همه چيز والاتر است والله می‌داند که شما چه کارهایی را انجام می‌دهید».

نماز گناهان را شستشو می‌دهد. جابر بن عبدالله – رضی الله عنه – می‌فرماید: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**مَثَلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ غَمْرٍ عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ**». مسلم (۶۶۸) «مثال نمازهای پنج گانه مانند اینست که نهر پر آبی و مقابل درب خانه یکی از شما جریان داشته باشد وشما روزانه و پنج مرتبه در آن و غسل نماید». پس همانطور که هر کس و روزانه پنج بار غسل کند و چرکی بر بدنش باقی نمی‌ماند و آن کس که روزانه پنج بار نماز بخواند و گناهی برایش باقی نمی‌ماند. نماز و در دنیا وآخرت و برای نمازگزار و نور است.

عبدالله بن عمر (رضی الله عنهما) می فرماید: روزی رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم سخن از نماز بمیان آورد وفرمود: «**مَنْ حَافَظَ عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا وَبُرْهَانًا وَنَجَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ نُورٌ وَلَا بُرْهَانٌ وَلا نَجَاةٌ وَكَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ قَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَأُبَيِّ بْنِ خَلَفٍ**». امام احمد در مسندش(۱۶۹/۲) ودارمی (۳۰۱/۲). وامام منذری در کتاب الترغیب والتهریب می گوید: امام احمد آنرا با سند خوب روایت نموده است. «هر کس که از نمازش محافظت کند (پایبند آن باشد) روز قیامت و برایش نور وحجت ونجات خواهد بود. وهر کس از آن محافظت نکند و روز قیامت و برایش نور وحجت ونجاتی نخواهد بود وبا قارون و فرعون و هامان وابی بن خلف و حشر خواهد شد». ودر حدیث ابومالک اشعری – رضی الله عنه – آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «نماز و نور است». مسلم (۲۲۳) ودر حدیث بریده آمده است که نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «**بشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**». ابوداوود (۵۶۱) وترمدی (۲۲۳) وآلبانی در مشکاه (۲۲۴/۱) آنرا صحیح دانسته «یعنی کسانی را که در تاریکی ها به مساجد می‌روند و به نوری کامل در روز قیامت و مژده ده».

الله به وسیله نماز و به انسان رفع درجه و عنایت می کند وگناهانش را می بخشد. ثوبان – رضی الله عنه – می‌فرماید: نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به من فرمود: «**عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ لِلَّهِ فَإِنَّكَ لا تَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً إلا رَفَعَكَ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيئَةً**». مسلم (۴۸۸) (یعنی بسیار و سجده کن زیرا الله با هر سجده و یک درجه به تو عنایت می کند ویک گناه و از تو محو می گرداند)

نماز و یکی از بزرگترین عوامل مرافقت نبی‌اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در بهشت است. ربیعه بن کعب اسلمی – رضی الله عنه – می‌فرماید: با رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بیتوته می کردم و شبی و آب وضو وآنچه را که مورد نیاز رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بود و برایش آوردم. آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم به من فرمود: «بخواه». گفتم: همراهی تو را در بهشت می‌خواهم. فرمود: «آیا خواسته دیگری هم داری»؟ گفتم: خواسته‌ام همین است. آنحضرت

صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «پس با کثرت سجده و مرا یاری کن». (تا برایت شفاعت کنم) متفق علیه - رفتن برای نماز و باعث نوشته شدن حسنات و رفع درجات وریختن گناهان می گردد.

ابوهریره رضی الله عنه می‌فرماید: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ مَشَى إِلَى بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ لِيَقْضِيَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَتْ خَطْوَتَاهُ إِحْدَاهُمَا تَحُطُّ خَطِيئَةً وَالْأُخْرَى تَرْفَعُ دَرَجَةً». مسلم (۶۶۶)«یعنی هر کس و در خانه اش طهارت نماید. سپس و بسوی یکی از خانه های الله (مساجد) برود تا فرضی از فرایض الله را ادا کند و با یک گام و گناهی از او می ریزد وبا گام دیگر و درجه‌ای به درجاتش افزوده می‌شود» ودر حدیثی دیگر آمده است که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الصَّلاةِ لَمْ يَرْفَعْ قَدَمَهُ الْيُمْنَى إِلا كَتَبَ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَلَمْ يَضَعْ قَدَمَهُ الْيُسْرَى إِلا حَطَّ عَنْهُ سَيِّئَةً». ابوداود (۵۶۳) «یعنی هر یک از شما خوب وضو بگیرد. سپس بسوی مسجد و بیرون برود. هنگامی که قدم راستش را بر می‌دارد و یک نیکی برایش نوشته می‌شود وهنگامی که قدم چپش را به زمین می گذارد و یک گناه از گناهانش و نابود می شود».

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾(الأحزاب:٥٦)

و اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين. اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم. اللهم وفقنا لما تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

ذکر الله متعال

خطبه اول

الحمد لله القائل في كتابه الكريم و ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾﴾ (الأحزاب: ۴۱ - ۴۲) **وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له. وعد الذاكرين الله كثيراً والذاكرات أجراً عظيماً وثواباً جزيلا. وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. كان يذكر الله على كل أحيانه بجوارحه وبقلبه ولسانه و ويحث على ذكر الله تعظيماً لشأنه. صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه وأعوانه. وسلم تسليماً كثيراً. اما بعد:**

الله جل جلاله میفرماید: ﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ﴿٢٨﴾﴾ (الرعد: ۲۸)«کسانی که ایمان آورده‌اند ودل‌هایشان به یاد الله است و بدانید تنها با یاد الله دل‌ها آرام می گیرد».

برادران وخواهران مسلمان! از دیدگاه اسلام هیچ چیز به اندازه ذکر ویاد الله و دارای ارزش واهمیت نیست و بلکه همه امور دیگر برای توجه انسان به الله است. قرآن کریم با توجه به آثار حیات بخش یاد الله و در موارد فراوانی مؤمنان را به یاد الله فرا خوانده وبه مداومت آن امر فرموده است تا مؤمنان با آن آب حیات و دلهای خویش را سیراب واز آثار پر خیر وبرکت آن برخوردار گردند.

ذکر ویاد الله آثار سازنده روحی واخلاقی فراوانی دارد که یاد متقابل الله از بنده و روشنی دل و آرامش قلب و ترس از(نافرمانی) الله و بصیرت وشناخت شیطان و بخشش گناهان و وعلم وحکمت از جمله آنهاست.

ذکر الله یکی از زیباترین جلوه های ارتباط با پروردگار واساسی‌ترین راه‌های سیر وسلوك است؛ یعنی مترنم بودن زبان وقلب انسان به اسمای حسنای الهی وشاداب نگه داشتن گل روح در زیر باران یاد حق.

ذکر الله و از یادبردن هستی محدود خویش در رهگذر یاد اسمای الهی است وتداوم واستمرار آن زنگار گناهان را از روی دل می‌زداید؛ زیرا غفلت وفراموشی حق تعالی و ساحت دل را مکدر می کند.

از اینجاست که یکی از رسالتهای پیامبران وکتابهای آسمانی و برطرف نمودن این کدورت وتاریکی است وبه همین علت یکی از نامهای قرآن کریم ذکر می باشد که موجب یادآوری الله متعال می‌باشد؛ بنابراین یاد الله انسان را از پستی مادیت به اوج معنویت می‌رساند وامید را در انسان زنده می‌کند ویأس وناامیدی را که از تنگناهای زندگی مادی ومعادلات بشری ناشی می گردد و برطرف می‌کند. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم توصیه می نمایند: "لاَ يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْباً مِنْ ذِكْرِ الله" (الترمذی ۴۵۸/۵ و وابن ماجه ۱۲۴۶/۲ ونگا: صحیح الترمذی ۱۳۹/۳ و وصحیح ابن ماجه ۳۱۷/۲). یعنی « همیشه زبانت به ذکر الله تر باشد» ذکر الله آثار وثمرات اعجاب‌آور وبا شکوهی دارد که هریك از آنها در سازندگی روحی واخلاقی انسان تأثیر به سزایی دارد.

اولین اثر ذکر الله این است که الله متعال نیز انسان را یاد می کند:

﴿ فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ ۝١٥٢ ﴾ (البقرة: ١٥٢) «پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را وشکر کنید مرا ونا شکری من نکنید» . وپیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم میفرماید: «**يَقُولُ اللّٰه تَعَالَى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي و وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي و فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي و وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَإٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَإٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ و وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ شِبْرًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا و وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا و وَإِنْ أَتَانِي يَمْشِي أَتَيْتُهُ هَرْوَلَةً» متفق علیه.**

الله متعال می فرماید: «من نزد گمان بنده ام نسبت به خودم می باشم و وهرگاه ذکر مرا کند من با او هستم و واگر مرا در دلش ذکر کند من اورا نزد خودم ذکر می کنم واگر مرا در گروهی ذکر کند و من او را در گروهی بهتر از آن گروه ذکر می کنم - وهرگاه یک وجب به من نزدیک شود و یک گز [دست انسان از سر انگشتان تا آرنج] به او نزدیک می شوم و واگر یک گز به من نزدیک گردد و یک بازو [اندازه از سر انگشتان دست راست تا سر انگشتان دست چپ وقتی که دستها را افقی بطرفین باز کنند] به او نزدیک می گردم و واگر با را ه رفتن به سوی من آید و من شتابان به سوی او می روم». ذکر الله سبب آرامش دل وسکون قلب بنده مومن می شود و همان آرامش واطمینان گمشده انسان امروزی که در آرزوی به دست آوردن آن می‌باشد وقرآن کریم راه رسیدن به آرامش را به بشر معرفی نموده میفرماید:

﴿ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ۝٢٨ ﴾ (الرعد: ٢٨)

«کسانی که ایمان آورده‌اند ودل‌هایشان به یاد الله است و بدانید تنها با یاد الله دل‌ها آرام می گیرد».

آری ! یاد الله داروی معنوی اضطراب وافسردگی است که از نظر روانشناسی علل آن ترس و آینده مبهم و نگرانی از شکست خوردن و ترس از بیماریها ونگرانی از عوامل طبیعی می‌باشد. گذشته از مسأله بیماری اضطراب و آرامش طلبی در فطرت انسان ریشه دارد ودر سرشت انسانها حس آرامش جویی نهفته است وبسیاری از فعالیتهای آدمی در حقیقت پاسخ به ندای الهی فطرت است.

وقتی به زندگی خود وبسیاری از افراد نظر می‌کنیم و می‌بینیم هدف بسیاری از کارهای ما دست‌یابی به گوهر گرانبهای آرامش است؛ یعنی انسانها در طول زندگی خود تلاش می‌کنند تا به آرامش خاطر وطمأنینه نایل شوند. در این دیدگاه بین انسانها اشتراک نظر وجود دارد و ولی اختلاف نظر در تعیین وتشخیص چیزهایی است که به زندگی آرامش می‌بخشد.

بسیارند کسانی که این گوهر نفیس را در گرو ثروت اندوزی ورفاه مادی می‌دانند وآرامش گم شده خود را در آن می‌جویند وبه قول خودشان و بار خود را می‌بندند تا برای عمری و خیال آسوده وآرامش خاطر داشته باشند؛ گروهی نیز آرامش را در کسب مقام وشهرت می‌بینند وبرای آن خود را به آب وآتش می‌زنند؛ گروهی -به اشتباه- آرامش را در پناه بردن به دامن «اعتیاد» می‌بینند تا دمی آرامش وتسکین یابند که این آرامش کاذب است.

ولی قرآن مجید تنها نسخه شفابخش اضطراب را یاد الله می‌داند وتنها پاسخ ندای فطرت را و ذکر الله می‌بیند. ذکر الله زمینه رستگاری انسان را فراهم می‌سازد چنانکه الله میفرماید:

﴿ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ١٠ ﴾ (الجمعة: ١٠)«الله تعالی را بسیار یاد کنید و باشد که رستگار شوید».

آنان که به یاد الله هستند از وسوسه‌های شیطان متأثر نمی‌شوند ویاد الله سلاحی است که از آنها در برابر شیطان محافظت می‌نماید. چنانکه الله متعال میفرماید:

﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ إِذَا مَسَّهُمۡ طَٰٓئِفٞ مِّنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبۡصِرُونَ ٢٠١ ﴾ (الأعراف: ٢٠١) «پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند و به یاد الله وپاداش وکیفر او می‌افتند؛ و(در پرتو یاد او و راه حق را می‌بیند و) ناگهان بینا می‌شوند».

با توجه به اهمیت «ذکر الهی» ونقش سازنده آن در پیشرفت معنوی انسانهای مؤمن و الله مؤمنان را از توجه به اموری که انسان را از یاد الله باز می‌دارد بر حذر می‌دارد:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلۡهِكُمۡ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٩ ﴾ (المنافقون: ٩)«ای کسانی که ایمان آورده‌اید و اموال واولادتان شما را از یاد الله باز ندارد وهر کس چنین کند از زیانکاران است».

بدیهی است توجه به مال وزندگی دنیوی در صورتی نهی شده است که انسان را از یاد الله باز دارد وبه عبارت دیگر؛ هدف انسان در زندگی توجه به آنها باشد ولی در صورتی که انسان مراقب نفس خویش باشد واز اینها به عنوان وسیله برای رسیدن به سعادت ابدی استفاده کند و نه تنها مذموم نیست بلکه سفارش هم شده است. پس اموال واولاد تا آنجا که از آنها در راه الله وبرای نیل به حیات طیبه کمک گرفته شود و از مواهب الهی هستند ومطلوب می‌باشد اما اگر علاقه افراطی به آنها سدی در میان انسان والله ایجاد کند و بزرگترین بلا محسوب می‌شود وخسرانی بزرگ است که در آیه شریفه به همین معنا اشاره شده است. تعبیر به «خاسرون» به خاطر این است که حب دنیا چنان انسان را سرگرم می‌کند که سرمایه‌های وجودی خویش را در راه لذت ناپایدار واوهام وپندارها صرف می‌کند وبا دست خالی از دنیا می‌رود در حالی که با داشتن سرمایه‌های بزرگ برای زندگی جاودانه‌اش کاری نکرده است.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم.أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا یلیق بجلال وجهه وعظیم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه علیه وعلی آله وأصحابه ومن سار علی نهجه إلی یوم الدین وبعد:

برادران وخواهران مومن! همانگونه که «ذکر الهی» منشأ آثار وبرکات فراوانی است و دوری از یاد الله نیز پیامدهایی را به دنبال دارد از جمله خودفراموشی طوریکه در آیه کریمه به آن اشاره شده است:

﴿ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ ﴾ (الحشر: ١٩)«مانند کسانی که الله را فراموش کردند نباشید که الله نیز آنها را به خود فراموشی دچار ساخت». در حقیقت فراموشی الله تعالی و ترک شکروذکر الهی است ونیزترک طاعت در بندگی راهم به همراه دارد» و زیرا از یکسو فراموشی پروردگار سبب می شود که انسان در لذات مادی وشهوانی فرو رود وهدف آفرینش خود را به فراموشی بسپارد بنابراین از توشه اندوختن برای فردای قیامت غافل بماند.

از سوی دیگر فراموشی الله تعالی و همراه با فراموش کردن صفات پاک اوست –که الله تعالی هستی مطلق وعلم بی پایان وغنای بی انتهاست وهرچه غیراز اوست وابسته ونیازمند به ذات پاکش می باشد –همین امر سبب می شود که انسان خود را مستقل وغنی وبی نیاز بشمارد وبر نفس خود اعتماد کند و با اینکه باید به پروردگارش اعتماد نموده واز اوبیمناک وبه او امیدوار باشد.

وهمه اینها عامل اصلی فسق وفجوراست بلکه این و خود فراموشی و مصداق خروج از طاعت الله متعال است. وهرگاه مسلمان از الله دور گردد شیطان همراه وقرین وی میگردد

چنانکه الله متعال میفرماید: ﴿ وَمَن يَعۡشُ عَن ذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ نُقَيِّضۡ لَهُۥ شَيۡطَٰنٗا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٞ ٣٦ ﴾ (الزخرف: ٣۶) «و هر کس از یاد الله رویگردان شود شیطانی برای او می گماریم تا همنشین او شود». یکی دیگر از عوامل و روی گردانی از ذکر الله و همنشینی با شیطان است. و به این دلیل که آنها در دنیا و چشم دلشان را به حقایق بسته بودند وبر اساس آن و الله را فراموش نموده بودند و الله نیز در قیامت آنها را مورد فراموشی قرار داده و بینایی آنها را می گیرد و طوریکه الله متعال میفرماید:

﴿ وَمَنۡ أَعۡرَضَ عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةٗ ضَنكٗا وَنَحۡشُرُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَعۡمَىٰ ١٢٤ ﴾ (طه: ١٢۴)

« وهر کس از یاد من رویگردان شود و زندگی (سخت) وتنگ خواهد داشت وروز قیامت او را کور وارد محشر می کنم». زمانیکه این افراد اعتراض می‌کنند ما در دنیا و بینا بودیم و ﴿ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرۡتَنِيٓ أَعۡمَىٰ وَقَدۡ كُنتُ بَصِيرٗا ١٢٥ ﴾ (طه ١٢۵)« پروردگارا ! چرا مرا نابینا برانگیخته ای؟ در حالیکه یقینا من پیش از این بینا بوده ام»جواب می‌شنوند: ﴿ قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتۡكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَاۖ وَكَذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمَ تُنسَىٰ ١٢٦ ﴾ (طه ١٢۶)

« می گوید: همین است و آیات من به تو رسید وتو آنها را نادیده گرفتی و همان گونه هم تو امروز نادیده گرفته می شوی.» وپیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم میفرماید: «مَثَلُ الَّذی یَذْکُرُ رَبَّهُ وَالَّذی لاَ یَذْکُرُ رَبَّهُ مَثَلُ الحَیِّ وَالَمیِّتِ» صحیح بخاری «صفت کسی که ذکر پروردگارش را می کند وآنکه ذکر پروردگارش را نمی کند و همانند زنده ومرده است». انسانی که در تمامی لحظات زندگی به یاد ذات پاکی است که سرچشمه تمام خوبی‌ها ونیک‌ها می‌باشد وبه این وسیله روح وجان خود را پاک وروشن می‌سازد و الله نیز در تمامی مراحل زندگی ودر اوج مشکلات وسختی‌ها او را تنها نمی گذارد.

چنانکه رسول اکرمش صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است: «**أَلاَ أُنَبِّئُکُمْ بِخَیْرِ أَعْمَالِکُمْ و وَأَزْکَاهَا عِنْدَ مَلِیکِکُمْ و وَأَرْفَعِهَا فِي دَرَجَاتِکُمْ و وَخَیْرٍ لَکُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الذَّهَبِ وَالْوَرِقِ و وَخَیْرٍ لَکُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّکُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ وَیَضْرِبُوا أَعْنَاقَکُمْ؟ قَالُوا بَلَی. قَالَ: ذِکْرُ اللهِ تَعَالَی**» (الترمذی

۴۵۹/۵ و وابن ماجه ۱۲۴۵/۲ ونگا: صحیح ابن ماجه ۳۱۶/۲ وصحیح الترمذی ۱۳۹/۳.)

«آیا شما را خبر ندهم به بهترین وپاکترین کردار تان نزد مالکتان (الله)؟ اعمالی که درجۀ شما را بالا می برد برای تان بهتر است از انفاق طلا ونقره واز در گیری با دشمنتان تا جائیکه گردنشان را بزنید وگردنتان را بزنید! گفتند: آری و فرمود: « ذکر الله تعالی».

آری! ذکر الله از بزرگترین عبادات وبهترین حسنات است ودر برابر تهاجم وسوسه های نفس ونفوذ شیطان به انسان مصونیّت می بخشد. پرده های خودخواهی وغرور راکه بزرگترین دشمن سعادت انسان است می درد و او را از خواب غفلت بیدار می کند واز خطراتی که سعادت وی را تهدید می کند آگاه می سازد. ذکر الله مانند دانه های حیاتبخش باران است که بر سرزمین روح وقلب انسان می بارد وانواع بذرهای فضیلت وتقوا را شکوفا وبارور می سازد و وهر اندازه درباره اهمّیّت این عبادت سخن گفته شود باز هم کم است.

ذکر مقامی بسیار بلند دارد ودارای مراتب ودرجاتی است؛ **اولین مرتبه** آن و «ذکر لفظی وزبانی» است ومراد از «ذکر لفظی» تنهاجنباندن زبان نمی باشد چراکه اگر توجه به معنای الفاظ نباشد و هیچ ارزشی ندارد وبرای مثال گاه انسان افرادی را می بیند که در حالیکه با زبان مشغول «ذکر الله» هستند و در عمل مرتکب گناه ومعصیتی می شوند! وحال آنکه ذکر حقیقی و انسان را از گناه بازمی دارد.

مرتبه دوم؛ ذکر قلبی است یعنی توجه به الله از دل انسان بجوشد وبه زبان جاری شود و

مرتبه سوم؛ یاد کردن الله در تمامی احوال است واینکه انسان حتی یک لحظه هم از یاد الله غافل نباشد ودر تمامی اوقات الله را حاضر وناظر بر اعمال خویش بداند. البته یاد الله متعال فقط ذکر زبانی نیست بلکه شامل قرآن خواندن و ادای نماز نافله و درود فرستادن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و خواندن دعا های ماثور در موارد مختلف ویاد عظمت الله در مجالس نیز می باشد؛ چنانکه آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است:

«**مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسَاً لَمْ يَذْكُرُوا اللهَ فِيهِ و وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ إِلاَّ كَانَ عَلَيْهِمْ تِرَةٌ و فَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُمْ وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُمْ**» (الترمذی و ونگا: صحیح الترمذی ۱۴۰/۳.)

«هر آن گروهی که در مجلسی بنشینند ودر آن ذکر الله نکنند و وبر پیامبر شان صلوات نفرستند و برایشان باعث افسوس است و واگر الله بخواهد عذابشان می دهد و واگر بخواهد آنان را می آمرزند». همچنان مجالس باید با خواندن دعای کفاره مجلس خاتمه یابد از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«هر کس در مجلسی بنشیند وسخنش در آن بسیار شود – سخنی که از آن خیر آخرت متصور نیست – وقبل از آن که از آن مجلس برخیزد و بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لاَّ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»= «بارالها! پاک ومنزه تویی وبه سپاس وستایش تو می‌پردازم و شهادت می‌دهم که جز تو پروردگاری نیست و از تو آمرزش می‌طلبم وبه درگاه تو و توبه می‌نمایم» تمام اشتباهاتی که در آن مجلس از او صادر شده است و بخشیده می‌شود». روایت ترمذی وابن ماجه.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥٦) اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

جایگاه اهل بیت در اسلام

خطبه اول

الحمد لله الذي جعلنا شعوبا وقبائل لنتعارف ثم جعل التقوى ميزانا للكرامة عنده لنتنافس والصلاة والسلام علي أفضل المتقين وأكرمهم عند الله تعالي وعلي آله الأطهار وصحبه الأبرار ومن تبعهم بإحسان من الأخيار جمعنا الله وإياهم في الفردوس الاعلي دار الكرامة والقرار.

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢) . «ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.

برادران مسلمان ودوستداران پیامبر گرامی واهل بیت عزیز ایشان! الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذۡهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجۡسَ أَهۡلَ ٱلۡبَيۡتِ وَيُطَهِّرَكُمۡ تَطۡهِيرٗا ٣٣﴾ (الأحزاب: ٣٣)« ای اهل بیت! الله می خواهد پلیدی را از شما دور کند وچنانکه باید شما را پاکیزه گرداند».

نا گفته پیداست که رسول بزرگوار اسلام سردار تمام فرزندان آدم هستند و این حقیقت مسلمی است که همه‌ی مسلمین جهان بر آن اتفاق نظر دارند واز آنجایی که تمام امت اسلامی همچنانکه با خود رسول گرامی - صلی الله علیه وآله وسلم- محبت دارند طبعا به خانواده وبلکه اهل بیت ایشان - صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین- نیز محبت دارند؛

دشمنان امت ووحدت مسلمانان همواره سعی کردند به بهانه حب اهل بیت- علیهم السلام- در میان امت تخم تفرقه بپاشندواز اینجا شروع به دشمنی کردند و در حالیکه همه می دانیم محبت آل بیت- رضی الله عنهم - جزو ایمان هر مسلمان است و اما دشمنان امت اسلامی گویا چنین وانمود کردند که عده مخصوصی اهل بیت را دوست دارند و وبقیه با آنان دشمن هستند و متأسفانه این دسیسه آنان تا حدی در میان بعضی مسلمانان ساده کارگر افتاد وامت متحد ویکپارچه اسلامی زخم بزرگی برداشت پس مسلم است اهل بیت وخانواده مؤمن ایشان بهترین خانواده است لذا الله متعال در آیه کریمه ای که تلاوت شد به مقام والای أنان اشاره می کند.

ابتدا باید دید که اهل بیت پیامبر گرامی - صلی الله علیه وآله وسلم- چه کسانی هستند؟

بنابر قول صحیح اهل بیت کسانی هستند که صدقه بر آنان حرام است و که عبارتند از همسران و فرزندان وهر زن ومرد مسلمانی که از نسل عبدالمطلب باشد. مثل بنی هاشم ابن عبدمناف.

دلیل اینکه پسر عموهای حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در اهل بیت ایشان داخل هستند این روایت صحیح مسلم است (شماره ١٠٧٢) که عبدالمطلب ابن ربیعه ابن الحارث ابن عبدالمطلب می فرماید:

«او وفضل ابن عباس خدمت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم رفتند واز ایشان خواستند که آنها را در بیت المال استخدام فرماید تا اینکه بتوانند از حقوقی که از این راه بدست می آورند ازدواج

کنند و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: (**إن الصدقه لا تنبغي لآل محمد إنما هي أوساخ الناس**) «برای آل محمد صدقه مناسب نیست زیرا که صدقه چرك مال مردم است ».

آنگاه دستور دادند که آنها ازدواج کنند ومهرشان را از سهم خمس پرداختند.»

بعضی علماء از جمله امام شافعی وامام احمد و بنی مطلب بن عبد مناف را در تحریم صدقه به بنی هاشم ملحق کرده اند و به دلیل اینکه در گرفتن سهم خمس الخمس با هم شریك بودند و در حدیثی که امام بخاری در صحیحش (شماره ۳۱۴۰) از جبیر ابن مطعم روایت می کند آمده است که:

«پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به بنی هاشم وبنی مطلب سهم دادند وبه برادران دیگرشان مانند بنی عبد شمس ونوفل سهم ندادند و معنایش این است که بنی هاشم وبنی مطلب در یك حکم بودند.»

درباره اینکه همسران پیامبر گرامی - رضی الله عنهن- در آل بیت ایشان داخلند دلیلش این ارشاد الهی است:

﴿ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ ٱلْأُولَىٰ ۖ وَأَقِمْنَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتِينَ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِعْنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾ وَٱذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلْحِكْمَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾ ﴾ (الأحزاب: ۳۳ - ۳۴)

«و در خانه های خود بمانید وچون زینت نمایی (عصر) جاهلیت پیشین زینت ننمایید ونماز بر پای دارید وزکات بپردازید واز الله ورسولش فرمان برید. ای اهل بیت! جز این نیست که الله می خواهد پلیدی را از شما دور کند وچنانکه باید شما را پاکیزه گرداند وهر آنچه را که از آیه های الله وحکمت در خانه هایتان خوانده می شود یاد کنید و بی گمان الله باریك بین آگاه است.»

این آیه به طور حتم دلالت می کند که امهات المؤمنین در اهل بیت داخلند و زیرا سیاق قبل وبعد از این آیه خطاب به آنها است.

در ضمن باید توجه داشت که این با روایتی که در صحیح مسلم (شماره ۲۴۲۴) به نقل از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها آمده منافات ندارد.

ملاحظه فرمائید: حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها می فرماید:

«پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم- هنگام چاشت کسایی(نوعی لباس) که از موی سیاه بافته شده بود بر تن داشتند واز خانه بیرون رفتند و حسن ابن علی آمد او را باخود زیر کساء داخل کردند و سپس حسین آمد با ایشان داخل شد و سپس فاطمه آمد او را داخل کردند سپس علی آمد او رانیز داخل کردند و آنگاه فرمودند: ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾ ﴾ (الأحزاب: ۳۳)

« ای اهل بیت! الله می خواهد پلیدی را از شما دور کند وچنانکه باید شما را پاکیزه گرداند».

زیرا آیهٔ کریمه دلالت آشکار دارد که امهات المؤمنین در این فضیلت داخلند چونکه خطاب در آیات مذکوره متوجه آنها است و وعلی وفاطمه وحسن وحسین رضی الله عنهم با دلالت سنت که

در این حدیث ذکر شده مشمول این فضیلت می گردند.
اینکه پیامبر- صلی الله علیه وآله وسلم- این چهار نفر - رضی الله عنهم- را به طور خصوص در این حدیث ذکر فرمودند مستلزم این نیست که اهل بیتش منحصر به همینها باشند وبقیه را شامل نشود و حد اکثر دلالت حدیث این است که آنها از خصوصی ترین افراد اهل بیت ایشان هستند.
دلالت این آیه بر دخول همسران پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در اهل بیتش می باشدودلالت حدیث حضرت عائشه رضی الله عنها که گذشت بر دخول علی وفاطمه وحسن وحسین رضی الله عنهم در اهل بیتش است و مثل دلالت این ارشاد الهی است: ﴿لَّمَسۡجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقۡوَىٰ مِنۡ أَوَّلِ يَوۡمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِۚ ١٠٨﴾ (التوبة: ١٠٨)
« به راستی مسجدی که از روز نخست بر تقوی بنیان نهاده شده است سزاوار تر است که در آن بایستی».
که مراد از آن مسجد قباء است. ودلالت سنت در حدیثی که امام مسلم در صحیحش (شماره۱۳۹۷) نقل می کند که:
« مراد از مسجدی که بر تقوی بنا شده مسجد خود حضرت صلی الله علیه وآله وسلم است».
همسران حضرتش صلی الله علیه وآله وسلم در لفظ «آل» داخلند زیرا می فرمایند: (**إن الصدقة لا تحل لمحمد ولا لآل محمد**)
«بی تردید برای محمد وآل محمد صدقه حلال نیست».
دلالت حدیث از اینجاست که از خمس به اُمهات المؤمنین سهم داده می شد.
و همچنین روایت ابن ابی شیبه در مصنفش (ج۳/۲۱۴)که با اسناد صحیح از ابن ابی ملیکه نقل می کند که:
(إنّ خالد بن سعید بعث إلی عائشه ببقرۀ من الصدقۀ فردتها وقالت: إنا آل بیت محمد صلی الله علیه وآله وسلم لا تحل لنا الصدقۀ)
« خالد بن سعید خدمت حضرت عائشه رضی الله عنها از مال صدقه گاوی فرستاد و ام المؤمنین آنرا رد کرد وفرمود: برای «ما اهل بیت محمد» صلی الله علیه وآله وسلم صدقه حلال نیست».
ابن قیم رحمۀ الله علیه در کتاب ارزشمندش جلاء الأفهام می نویسد (ص۳۳۱-۳۳۲):
«اینکه عموما همسر جزو اهل بیت شخص بشمار می رود و بخصوص همسران پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و علتش این است که آنرا به نسب تشبیه می کنند چون رابطه آنها با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم قطع نشده است به دلیل اینکه آنها چه در حیات وچه بعد از وفات حضرتش صلی الله علیه وآله وسلم بر غیر ایشان حرامند و چون مادر همه مؤمنان هستند و لذا آنها چه در دنیا وچه در آخرت همسران خود پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم- هستند.پس سبب این که آنها اهل بیت پیامبر- صلی الله علیه وآله وسلم- هستند نکاح است .
لذا پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم- فرموده اند که به آنها درود فرستاده شود و به همین جهت است که بنا بر قول صحیح صدقه بر آنها حرام است زیرا صدقه چرك مال مردم است و والله متعال شأن ومنزلت پیامبر گرامی - صلی الله علیه وآله وسلم- واهل بیت ایشان را از چرك مال مردم

محفوظ داشته است.

دلیل دیگری که بر تحریم صدقه بر موالی بنی هاشم دلالت دارد روایت ابو داود در سنن (شماره ۱۶۵۰) وترمذی (شماره۶۵۷) ونسائی (شماره۲۶۱۱) است که با سند صحیح ثابت شده و البته لفظ ذیل از أبو داود است.

«از ابو رافع روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شخصی را برای گرفتن صدقه- زکات- از بنی مخزوم مکلف فرمودند و آن شخص به ابو رافع گفت تو هم با من بیا و تا اینکه به تو هم از مزد دریافتی و چیزی برسد و گفت باید از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بپرسم و وقتی پرسید فرمودند: (**مولي القوم من انفسهم وانا لا تحل لنا الصدقة**) «مولای هر قومی از خود آنان بحساب می آید وبرای ما صدقه حلال نیست».

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين والحمد لله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه و كما يحب ربنا ويرضى و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبده ورسوله و وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

برادران مسلمان! ودوستداران اهل بيت رسول الله صلی الله علیه وسلم! اهل بیت گرامی آنحضرت از خودشان حقوقی دارند که باید رعایت شود از جمله:

۱ حق محبت وموالات

محبت هر مسلمان یک واجب شرعی است اما پیامبر گرامی صلی الله وعلیه وسلم برای خویشاوندان خودشان فقط بخاطر قرابت وخویشاوندی شان و با آن حضرت صلی الله وعلیه وسلم و نوعی محبت خاص در نظر گرفتند و چنانکه الله متعال می‌فرماید:

﴿ قُل لَّآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًا إِلَّا ٱلۡمَوَدَّةَ فِي ٱلۡقُرۡبَىٰۗ ﴿٢٣﴾ ﴾ (الشورى: ٢٣)

« بگو بر رساندن آن مزدی از شما درخواست نمی کنم و ولی باید در میان خویشاوندان دوستی پیشه کنید(و حقّ خویشاوندی مرا به جای آورید)».

۲ حق درود بر آنان:

أبی مسعود أنصاری رضی الله عنه فرمود:

«در مجلس سعد ابن عباده بودیم که پیامبر صلی الله و علیه وسلم پیش من آمد بشرابن سعد از ایشان پرسید ای رسول الله و الله متعال به ما دستور داده که برشما درود بفرستیم چگونه درود بفرستیم؟.

پیامبر صلی الله و علیه و سلم ساکت ماندند و تاجائیکه که آرزو کردیم که کاش نمی‌پرسیدیم و سپس فرمودند و بگوئید:

(اللهم صلِّ عَلَي محمد وعَلَي آل محمد كما صَلَّيْتَ علي ابراهيم وبَارِكْ علي محمد وعلي آل محمد كَمَا بَارَكْتَ عَلَي ابراهيم عَلَي العَالَمِينَ إنّك حَميدٌ مَجيدٌ). صحيح مسلم

۳ حق خمس

برادران مسلمان! وشیفتگان توحید وقرآن! عقیده اهل سنت وجماعت در تمامی مسائل اعتقادی و عقیده وسط ومیانه بین افراط وتفریط است و ازآن جمله عقیده شان درباره اهل بیت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می باشد.

بنابراین اهل سنت معتقدند که افتخار نسب و تابع افتخار ایمان است و کسی که الله او را با هر دو نعمت (ایمان ونسب رفیع) افتخار بخشیده باشد براستی که دو مدال افتخار یکجا برده است و وکسی که توفیق نعمت ایمان را نیافته باشد نسب شریف ورفیع بدون ایمان سودی وفایده ای به او نخواهد رساند و چنانکه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ ١٣﴾ (الحجرات: ١٣)

« بدرستیکه مکرم ترین شما در نزد الله پرهیزگارترین شماست».

و رسول گرامی - صلی الله علیه وآله وسلم- در پایان حدیث طولانی ای که امام مسلم آنرا به روایت ابو هریره درصحیحش نقل کرده (شماره۲۶۹۹) می فرماید:

(من بطأ به عمله لم يسرع به نسبه) «کسی که عملش او را عقب بیندازد نسبش او را نمی تواند جلو بیندازد».

پس کسی که عملش او را در نزد الله متعال به درجات عالی نرساند نسبش نخواهد توانست او را جلو بیندازد تا اینکه آن درجات را کسب کند و زیرا الله متعال در مقابل عمل پاداش می دهد نه نسب و چنانکه می فرماید:

﴿ فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ ١٠١﴾ (المؤمنون: ١٠١)

«آنگاه چون در صور دمیده می شود. آن روز در میانشان پیوند های خویشاوندی نباشد واز همدیگر نپرسند».

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم همواره از این که فقط به نسب تکیه شود برحذر می‌داشتند و لذا پیامبرصلی الله وعلیه وسلم فرمودند:

«يا معشر قريش و اشتروا أنفسكم من الله و لا أغني عنكم من الله شيئا و يا عباس ابن عبد المطلب لا أغني عنك من الله شئيا يا صفيه عمة رسول الله صلي الله و عليه وسلم لا أغني عنك من الله شيئا و يا فاطمة بنت محمد سليني من مالي ما شئت لا أغني عنك من الله شيئا».

«ای قریشیان! خود را از الله بخرید که من نمی‌توانم ذره ای از عذاب الله را از شما دفع کنم و ای عباس بن عبدالمطلب! من نمی‌توانم ذره ای از عذاب الله را از تو دفع کنم و ای صفیه عمه‌ی رسول الله ! من نمی‌توانم چیزی از عذاب الله را از تو دفع کنم و ای فاطمه دختر محمد! از مال دنیای من هر چه می‌طلبی از من بطلب و اما چیزی از عذاب الله را نمی‌توانم از تو دفع کنم».

در اینجا باید به موضع اهل سنت در قبال نواصب اشاره کنیم واینکه اهل سنت همواره از نواصب اعلان بیزاری کرده اند ومیکنند نواصب وناصبه واهل نصب کسانی هستند که بغض علی علیه السلام را دین می‌دانند.

برادران گرامی! سخن علمای اسلام در مورد ستایش از امیر المؤمنین علی وفرزندانش رضی الله عنهم

صریح وآشکار است و وعقیده ما این است که انشاء الله علی وحسن وحسین علیهم السلام در

بهشت جاویدان خواهند بود و این امر بحمدالله بسیار روشن وآشکار است.﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥٦)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد ». اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما صليت على آل إبراهيم وبارك على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد .»

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

دهۀ اخیر ماه مبارک رمضان

خطبه اول

الحمد لله الذی أراد بنا الیسر و وجعل رمضان شهر الصبر و واختار منه لیالي العشر و وفضلها بلیلة القدر وجعلها خیراً من الف شهر و وأشهد ان لا إله إلا الله وحده لا شریك له و بیده الأمر و ضاعف الأجر وغفر الوزر وأشهد أن سیدنا محمداً عبده ورسوله الإمام البدر و رفیع القدر و ومحفوظ العمر كلما اغتنمت الفضائل وحوربت الرذائل وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى یوم الدین. **اما بعد:** الله عزوجل می فرماید: ﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ يَرۡجُونَ تِجَٰرَةٗ لَّن تَبُورَ ﴾ (فاطر: ۲۹)«کسانی که کتاب الله را می خوانند و ونماز را برپای می دارند و واز چیزهایی که بدیشان داده ایم و پنهان وآشکار و بذل وبخشش می نمایند و آنان چشم امید به تجارتی دوخته اند که هرگز بی رونق نمی گردد واز میان نمی رود»

برادران وخواهران مومن! رمضان ماه خیر وبرکت وبهار عمر وفرصت مناسب برای کسب معنویات وجبران ما فات می‌باشد. مسلمانان صدر اسلام به ماه رمضان اهتمام ویژه ای می دادند و از الله می خواستند که آنها را تا ماه رمضان زنده نگه دارد تا اینکه بتوانند این ماه پر فیض را روزه بگیرند و وبا قدوم رمضان خوشحال می شدند و روزهای آن را روزه وشبهایش را با نماز شب وتلاوت قرآن زنده نگه می داشتند و ودر این ماه با انجام انواع طاعات نفس خود را تزکیه وپاک می نمودند.

آنها می دانستند که ماه رمضان ماه کسالت وتنبلی وخواب نیست و چنانکه برخی چنین گمان می کنند و بلکه باید گفت ماه رمضان ماه عبادت و جهاد و وعمل است پس باید این ماه پر برکت را گرامی بداریم واین فرصت را غنیمت بشماریم واین ایام را با انواع عبادت وطاعات از ذکر وتلاوت سپری کنیم. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم واصحاب کرام در ده روز آخر رمضان اعمالی را انجام می دادند که در روزهای پیشین آن بدین شیوه انجام نمی دادند و به گونه ای که خواننده سیره ی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به این نکته خواهد رسید که در این ده روز و ارتباط پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با محیط کمتر شده وحلقه ی اتصال وخلوت با پروردگارش را بسیار مستحکم تر نموده است و چنانکه عائشه رضی الله عنها می فرماید: «کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یجتهد فی العشر الأواخر ما لا یجتهد فی غیره» روایت مسلم «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در دهه ی آخر رمضان چنان اجتهاد وتلاش می نمود که در غیر آن آنگونه نبود.» بنابر این ده روز اواخر رمضان و روز های سخت کوشی و عبادات زیادمی باشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم در این ایام شب را بیدار مانده وبه نماز ودعا واستغفار می پرداختند و چنانکه در حدیث عائشه رضی الله عنها آمده است: «کان رسول الله صلی الله علیه وسلم إذا دخل العشر أحیا اللیل وأیقظ أهله وجد وشد المئزر» متفق علیه «پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامی که وارد ده روز (آخر) می شد و شب را بیدار مانده واهلش را نیز بیدار نموده واز زنان دوری می نمود.»

هم چنین ایشان صلی الله علیه وسلم اهل خویش را بیدار نموده وبه خاطر غنیمت بودن این ایام واجر عظیم وفراوانش ایشان را به نماز واذکار ودعا و...تشویق می نمود و ایشان صلی الله علیه وسلم درِ خانه ی علی وفاطمه را زده وخطاب به ایشان می فرمود: «ألا تقومان فتصليان» متفق علیه «آیا بیدار نمی شوید تا نماز بگذارید.»

بر مسلمان واجب است که با تأسی از پیامبر (صلّی الله علیه وسلم) واصحاب وخلفای راشدین وبه امید اجر وپاداشی که به دنبال دارد بر نماز تراویح محافظت نماید. پیامبر (صلّی الله علیه وسلم) فرموده است: «**من قام رمضان إيماناً واحتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه**» (متفق علیه). «کسی که شبهای ماه رمضان را از روی ایمان واخلاص به نماز بگذراند و گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شوند».

نماز گذار باید تا آخر نماز(و دعا) همراه امام بماند تا اینکه ثواب قیام یک شب برایش نوشته شود وده شب آخر رمضان را با نماز وخواندن قرآن وذکر ودعا واستغفار احیا نماید تا هم از سنت پیامبر (صلّی الله علیه وسلم) وَسَلَّم پیروی کرده باشد وهم در طلب شب قدر بوده باشد. شب قدر از هزار ماه یعنی هشتاد وسه سال وچهار ماه بهتر است و شب مبارکی است که الله با نازل کردن قرآن در این شب آن را گرامی داشته است.

شبی است که فرشتگان وجبرئیل فرود می‌آیند و شبی است که هر کس آن را از روی ایمان واخلاص به نماز بگذراند گناهان گذشته‌اش همه آمرزیده می‌شوند. وآن شب هم منحصردر ده شب آخر رمضان می‌باشد.

لازم است مسلمان در همه شبهای رمضان به نماز خواندن و توبه و ذکر و دعا و استغفار ودرخواست بهشت ورهایی از آتش جهنم مشغول باشد ودر راستای این اعمال سعی وتلاش نماید به امید اینکه الله از همه بپذیرد وتوبه ی همه ی ما را قبول نموده وما وپدر ومادر ما وهمه مسلمین را از آتش جهنم نجات دهد وبه بهشت داخل نماید.

پیامبر (صلّی الله علیه وسلم) در ده شب آخر رمضان اعتکاف می‌نمودند ودر پی شب قدر می شدند ویارانشان را تشویق می نمودند تا این شب گرامی را دریابند. ودر دهه آخر خانواده خویش را بیدار می نمود و به امید اینکه شب قدر را دریابند. پس ای کسی که عمرت را بیهوده صرف می نمایی و آنچه را که در گذشته از دست داده ای در رمضان دریاب زیرا کسی که از اجر وپاداش آن محروم شد از تمام نیکی ها محروم گشته است. واین شب در دهه آخر ماه مبارک رمضان ودر شبهای فرد می باشد و

أم المؤمنین عائشه رضی الله عنها می فرماید: عرض کردم: ای رسول الله اگر شب قدر را دریافتم چه بگویم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود بگو: (**اللهم انك عفوٌ تحب العفو فأعف عني**) روایت احمد وترمذی والبانی آنرا صحیح خوانده یعنی: (بار الها همانا که تو بسیار بخشنده ای وبخشش را دوست داری پس مرا ببخش واز من در گذر) . هر کس که شب قدر را با ایمان واحتساب اجر و قیام نماید و مورد مغفرت الهی واقع شده وگناهان پیشینش بخشیده می شود و چنانکه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: «من قام ليلة القدر إيماناً واحتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه». متفق علیه « هر کس از روی ایمان وبامید مزد وپاداش از الله ورضای او و شب قدر را بپای دارد وبیدار بماند

وعبادت وذکر وتلاوت قرآن کند و الله گناهان گذشته او را می امرزد» الله عزوجل و سوره ای مخصوص را درباره ی آن نازل فرمود که تا روز قیامت قرائت وخوانده خواهد شد:

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ ١ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ ٢ لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ ٣ تَنَزَّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمۡرٖ ٤ سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ ٥﴾ (القدر) «ما قرآن را در شب قدر فرو فرستاده ایم. توجه می دانی شب قدر کدام است شب قدر شبی است که از هزار ماه بهتر است. فرشتگان وجبریل در آن شب با اجازه پروردگارشان و پیاپی می آیند برای هر گونه کاری آن شب و شب سلامت ورحمت است تا طلوع صبح»

در این شب سالیانه و رزقها وزمان مرگ انسانها نوشته می شود: ﴿فِيهَا يُفۡرَقُ كُلُّ أَمۡرٍ حَكِيمٍ﴾ (الدخان: ۴) «در این شب مبارك و هرگونه کار حکیمانه‌ای بیان ومقرّر گشته است». اما شب قدر در کدامین شب رمضان خواهد بود؟ شب قدر در ده شب آخر رمضان است پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«**تحروا ليلة القدر في العشر الأواخر من رمضان**». متفق علیه

«شب قدر را در ده شب آخر رمضان بجویید». احتمال وجود شب قدر در شبهای فرد بیشتر از شبهای زوج است و زیرا پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «**تحروا ليلة القدر في الوتر من العشر الأواخر من رمضان**». رواه البخاری

«شب قدر را در شبهای فرد و ده شب آخر رمضان بجویید». شب قدر به هفته ی آخر شبهای فرد نزدیکتر است: «التمسوها فی العشر الأواخر فإن ضعف أحدکم أو عجز فلا يغلبن علی السبع البواقی». رواه مسلم «آن (شب قدر) را در ده شب آخر بجویید و اما اگر کسی از شما ضعف داشت ویا عاجز از قیام (در آن شبها) بود و هفته ی باقیمانده را بیدار مانده وعجز بر وی چیره نگردد». ونزدیکترین شب و شب بیست وهفتم می باشد و که جمهور علماء برآنند و ودلیلِ آن و حدیث ابی بن کعب است که می فرماید:

«**والله إنی لأعلم أی ليلة هی الليلة التی أمرنا رسول الله بقيامها هی ليلة سبع وعشرين**». روه مسلم

«به الله قسم و من می دانم که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم ما را به قیام در چه شبی امر فرموده و آن شبِ بیست وهفتم است». وهمچنین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «**ليلة القدر ليلة سبع وعشرين**». رواه أحمد وأبو داود

«شب قدر و شب بیست وهفتم می باشد».

امام نووی وابن حجر وتعداد دیگری از علماء برآنند که شب قدر در همه ی سالها در شب مشخصی نیست و بلکه هر سال نسبت به حکمت الهی جا به جا می گردد و وپیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در این مورد می فرماید: «التمسوها فی تاسعة تبقی فی سابعة تبقی فی خامسة تبقی». رواه البخاری

«شب قدر را در نه شب باقی مانده (آخر) ودر هفت شب آخر ودر پنج روز آخر بجویید».

بارك الله لی ولکم فی القرآن العظیم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

ای بندگان الله! یکی از حکمتهای مخفی ماندن این شب بر بندگان این است که بیشتر به ذکر الله تعالی ونماز وسایر عبادات مشغول گردند. اما علامات شب قدر و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برخی از علامات را برای شب قدر برشمرد که بوسیله ی آن نشانه ها می توان شب قدر را از سایر شبها تشخیص داد؛ شب قدر شبی آرام بوده ونه بسیار گرم ونه بسیار سرد می باشد: «**ليلة القدر طلقة لا حارة ولا باردة تصبح الشمس يومها حمراء ضعيفة**». رواه ابن خزیمۀ «شب قدر معتدل بوده ونه گرم ونه سرد می باشد و وخورشید در صبح آن شب و قرمز وضعیف است. (کم رنگ است)». همچنان شبی نورانی است که در آن و آرامش بر اهل ایمان حاکم بوده ومؤمنان انشراح صدر یافته ودر آن شب خبری از بادهای خشن ووزین نبوده وشهاب سنگی نیز دیده نمی شود: «**ليلة القدر ليلة بلجة لا حارة ولا باردة لا يرمى فيها بنجم**». رواه أحمد «شب قدر شبی نورانی بوده ونه گرم ونه سرد می باشد و وشهاب سنگی نیز در آن پرتاب نمی شود». وصبح آن شب و خورشید مانند روزهای دیگر شعاع ندارد: «**صبيحة ليلة القدر تطلع الشمس لا شعاَع لها كأنها حلت حتى ترتفع**». رواه مسلم «صبح شب قدر و خورشید در حالی طلوع می کند که شعاعی ندارد مانند اینکه فرود آمده باشد و تا زمانیکه بلند می شود».

از جمله اموری که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در رمضان برآن موظبت داشتند ده روز آخر را به اعتکاف می نشستند و به گونه ای که در مسجد معتکف گشته وخود را مشغول به انجام عبادات می نمودند و همچنانکه عائشه رضی الله عنها می فرماید: «**كان النبي صلى الله عليه وسلم يعتكف في كل رمضان عشرة أيام فلما كان العام الذي قبض فيه اعتكف عشرين يوماً**» رواه بخاری. «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در تمامی رمضان ها ده روز به اعتکاف می نشست اما در سال وفاتش بیست روز را به اعتکاف نشست.» الله متعال اعتکاف را جزء مستحبی از دین قرار داد و تا انسان در آن ایام خود را فارغ نموده وبیشتر به ذکر پروردگارش مشغول گشته ونفس خویش را تزکیه نماید. این ده شب اخیر از بهترین فرصت ها جهت پیشی گرفتن ورقابت در خیرات کردن می باشد تا در آن اهل تقوی باهم رقابت کرده و از یکدیگر پیشی گیرند زیرا فضائل وپاداش های اعمال در این ده روز اخیر بیش از سایر ایام می باشد.﴿وَفِي ذَٰلِكَ فَلۡيَتَنَافَسِ ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ﴾

(المطففین: ۲۶)«مسابقه دهندگان باید برای به دست آوردن این ها با همدیگر مسابقه بدهند وبر یکدیگر پیشی بگیرند»

مستحب است که اعتکاف کننده عبادتهای سنت را فراوان و انجام دهد وخود را با نمازهای سنت وتلاوت قرآن وتسبیح وتحمید وتهلیل وتکبیرو استغفار ودرود وسلام بر پیامبر صلی الله علیه

وآله وسلم ودعا خواندن ومناجات وامثال آن از کارهایی که انسان را به الله نزدیک می کند وپیوند او را با آفریدگارش برقرار می‌سازد و سرگرم کند ومشغول دارد ودرس خواندن علم ودوره کردن کتابهای تفسیر وحدیث وخواندن سرگذشت انبیاء وصالحین وخواندن ومطالعه کتابهای دیگر دینی نیز از جمله این کارهای خیر بحساب می‌آید. مستحب است که اعتکاف کننده با اقتداء به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و در صحن مسجد برای خویش خیمه‌ای برپا دارد. مکروه است که خود را به کارهای بیهوده وسخنان یاوه مشغول دارد . برای اعتکاف کننده مباح است برای خداحافظی خانواده‌اش از محل اعتکاف بیرون آید. اعتکاف کننده می‌تواند و موی خود را شانه کند وسر خود را بتراشد وناخن را بگیرد وتن خویش را از ژولیدگی وچرک وکثافت پاک سازد ونظافت کند و ولباس پاکیزه ونیکویی بپوشد وخویشتن را خوشبوکند. وبرای نیازی که پیش می‌آید بیرون برود.

حضرت عایشه رضی الله عنها می فرماید: «هر وقت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به اعتکاف می‌نشست و سرخویش را به من نزدیک می کرد ومن آن را شانه می کردم واو داخل خانه نمی‌آمد مگر برای نیازهای معمولی انسانی». به روایت بخاری ومسلم . همچنان رفتن برای غسل جنابت وپاکیزگی بدن وجامه و از چرک نیز همین حکم را دارد.

اعتکاف کننده حق دارد که در نماز جمعه وعیادت بیمار وتشییع جنازه شرکت کند واین مطلب ازعلی بن ابیطالب نیز روایت شده است ورای سعید بن جبیرو حسن بصری وابراهیم نخعی نیز چنین است اما بیرون رفتن از مسجد به عمد وبدون نیاز اگرچه اندک هم باشد اعتکاف را باطل میکند. زیرا در این حال به عمد یکی از ارکان آن را که مکث وتوقف درمسجد است ازبین برده است.

از بین رفتن عقل با دیوانگی یا مستی و حیض ونفاس (زچگی) اعتکاف را باطل میکند زیرا هوشیاری وتمییز وپاک بودن ازآلودگی حیض ونفاس از شروط اعتکاف می‌باشند. همخوابگی وجماع با همسر از باطل کننده های اعتکاف است چون الله فرموده است: ﴿وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ عَٰكِفُونَ فِي ٱلۡمَسَٰجِدِۗ تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَقۡرَبُوهَا﴾(البقرة: ۱۸۷)

«در حالیکه در مساجد اعتکاف کرده‌اید و به زنان نزدیک نشوید (همخوابی نکنید) اینها حدود الله است و بدانها نزدیک نشوید از آنها تجاوز نکنید» دست زدن به زن بدون شهوت اشکالی ندارد. زیرا ام المومنین عایشه رضی الله عنها موی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را در حال اعتکاف شانه کرده است.

پس برادر وخواهر مسلمان! در هر عمل خود باید مخلص باشید وهدف تان جلب رضای الله تعالی باشد چون عمل بی اخلاص مورد پذیرش پروردگار قرار نمی گیرد. از هرگناه کوچک وبزرگ توبه نمایید واستغفار بجویید زیرا توبه و همه گناهان را محو می نماید. همواره نماز خود را با جماعت ادا نمایید ودراین مورد سستی نکنید. هر روزبه تلاوت قرآن کریم بپردازید و چون طبق فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم در برابرهر حرف آن برای انسان ده اجر داده می شود وقرآن در قیامت سفارشگر برای ما قرار می گیرد. اگر توان داشتید در رمضان عمره بجا آورید و زیرا عمره در رمضان به پیمانه یک حج با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم اجر وپاداش دارد.

دست تان به دعا بلند باشد ودر دعای خود پدر ومادر وخویشاوندان ودوستان ودیگر مسلمانان

وجهان اسلام را فراموش نکنید. در اخر و برای ثروتمندان وصاحبان فروشگاه های تجاری عرض می نماییم که معاملات دنیوی تان شما را از نماز و روزه و تراویح وتلاوت قرآن وانفاق در راه الله به غفلت نیندازد وتجارت آخرتتان را فدای تجارت دنیا نسازید ودر معاملات خود از فریب ودروغ استفاده نکنید .

مردم باید اجناس را با بهانه گیری وتزویر کم نسازید.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ۵۶)

اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم. اللهم وفقنا لِما تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

احکام صدقۀ فطر ونماز عید

خطبه اول

الحمد لله الذي سهل لعباده طريق العبادة ويسر و ووفَّاهم أجورهم من خزائن جوده التي لا تحصر و سبحانه له الحمد على نعمه التي لا تحصر و وله الشكر على فضله وإحسانه وحق له أن يشكر. نشهد أنه اللّه لا إله إلا هو انفرد بالخلق ودبر و وكل شيء عنده بأجل مقدر و ونشهد أن سيدنا محمداً عبده ورسوله أفضل من صلى وصام و وتصدق وقام و وذكر اللّه واستغفر و صلى اللّه عليه وعلى آله الذين أذهب اللّه عنهم الرجس وطهر. أما بعد: الله متعال می فرماید: ﴿ قُلۡ بِفَضۡلِ ٱللَّهِ وَبِرَحۡمَتِهِۦ فَبِذَٰلِكَ فَلۡيَفۡرَحُواْ هُوَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ٥٨ ﴾ (یونس: ۵۸) « بگو به فضل ورحمت الله – به همین چیز باید مردمان شادمان شوند و این بهتر از چیزهایی است که گرد می آورند»

ای مسلمانان! الله متعال در پایان ماه رمضان بر روزه‌داران منت نهادوانجام کاری را که وسیله پاک گرداندن اموال آنها وکامل کننده نعمتش به ایشان است و بر آنان مقرر کرده است. با انجام آن و روزه وشب زنده‌داری آنان را قبول می کند ولغزشها وبیهوده گوییها ودشنام‌هایی را که با عبادتشان در آمیخته است و از بین می‌برد ونیازمندانشان را در روزه گرفتن و باعید فطر و زکات آن (جایزه) از گدایی کردن بی‌نیاز می کند. با انجام این کار و مسلمانان دوشادوش همدیگر حرکت می کنند وهمدیگر را دوست می‌دارند وثروتمندان ونیازمندانشان با هم یک دل می‌شوند وبرای خشنودی الله تعالی حرکت می کنند.

چنانکه در حدیث شریف روایت شده: «**فرض رسول اللّه صلى اللّه عليه وآله وسلم زكاة الفطر طهرة للصّيام من اللّغو والرَّفث وطعمة للمساكين**».

(أبوداود ۱۶۰۹ و ابن ماجه ۱۸۲۷ و آلبانی در الارواء (۳۳۲/۳) حدیث را حسن دانسته است).

«رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم زکات فطر را فرض کرد تا وسیله‌ای باشد برای پاک شدن روزه از کارهای بیهوده ودشنام (که با روزه آمیخته‌اند) وغذایی باشد برای مستمندان». الله با این صدقه و شادی وخوشحالی را در دل روزه‌داران می‌اندازد و بدین گونه که خشنودی‌اش را از آنان در این ماه بزرگ محقق می گرداند.

این صدقه همان زکات یا صدقه فطر است. گرچه مقدار آن کم است اما نشانه‌ای بر عظمت قانون‌گذاری اسلامی وکمال آن است. بیهقی ودارقطنی از ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده‌اند و که فرموده است: پیامبر صلی الله علیه وسلم زکات فطریه را فرض نمود وفرمود: «أغنوهم فی هذا الیوم» »در این روز فقیران را بی‌نیاز کنید» زکات فطر به خاطر آن به این اسم نامیده شده که با افطار کردن در پایان رمضان و واجب می گردد.

(فتح الباری ۴۳۰/۳).

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم زکات فطر را در سال دوم هجری – سالی که روزه رمضان فرض شد– بر مسلمانان فرض کرد. زکات فطر بر تمامی مسلمانان مرد یا زن و کوچک یا بزرگ و آزاد یا برده و مقیم یا مسافر و در حالی که در شب وروز عید و بیشتر از غذای خود وکسانی که نفقه آنان بر او واجب است داشته باشند و فرض است. زکات فطر با دریافتن غروب آخرین

روز رمضان (شب عید فطر) واجب می‌شود.مرد مسلمان از جانب خود واز جانب کسانی که نفقه آنان (از مسلمانان) بر عهده‌شان واجب است (مانند: زن و فرزند نیازمند و خدمتکار ووالدین نیازمند) زکات فطر می‌دهد. مقدار آن معادل یک صاع (در حدود دو کیلو وهفتصد گرام) از غذای معمولی شهری که در آن زندگی می کند و می‌باشد؛ چون نیازمندان در روز عید به چنین غذایی علاقمندند ومنتظر دریافت آن هستند. پس یک صاع از گندم خوب ونظیر آن از حبوباتی که در حالت اختیاری خورده می‌شوند و داده شود.

چنانکه در حدیث روایت شده که: «**فرض رسول الله ﷺ زكاة الفطر و صاعاً من تمر أو صاعاً من شعير و على العبد والحرّ والذكر والأنثى والصغير والكبير و من المسلمين وأمر بها أن تؤدّى قبل خروج الناس إلى الصّلاة**». متفق علیه

«رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم زکات فطر را چنین فرض کرد. یک صاع (دو کیلو وهفتصد گرم) از خرما یا یک صاع از جو و بر هر فرد مسلمان آزاد وبرده از مرد وزن و کوچک وبزرگ و ودستور داد که قبل از رفتن مردم برای نماز (عید فطر) پرداخت شود».

اگر مسلمان بیشتر از آن هم زکات فطر بدهد و برای او صدقه به شمار می‌آید وبه او پاداش فزونتری داده می‌شود. (الفقه الإسلامی وأدلته. وهبه الزحیلی ۱۴۲/۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم چهار نوع از غذاها را برای دادن زکات نام برده است: ابوسعید خدری رضی الله عنه میفرماید: ما یک صاع خوراکی یا یک صاع جو و یا یک صاع خرما و یا یک صاع کشک یا یک صاع کشمش و به عنوان زکات فطر می‌دادیم. (متفق علیه) پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم زمان پرداخت آن را مشخص کرده است و انسان مسلمان باید بعد از طلوع فجر صادق (بعد از نماز صبح) در روز عید وپیش از رفتن مردم برای نماز عید و زکات فطر را پرداخت کند. این وقت برای دادن زکات مستحب وپسندیده است. (چون روز عید است ومستمندان با دریافت آن در این روز در شادی وسرور با دیگران شریک می‌شوند) و اما پرداخت زکات فطر در طول ماه رمضان وپیش انداختن آن و یک یا دو روز یا بیشتر مانده به عید فطر و جایز است و ولی به تأخیر انداختن آن از نماز عید مکروه است و مگر کسی که عذر داشته باشد و مانند غایب بودن مستمند ونظیر آنها. تأخیر پرداخت زکات فطر به خاطر آن مکروه است که در تأخیر آن هدفی که از دادن زکات - که خوشحال کردن مستمند وبی‌نیاز گرداندن او از گدایی کردن در روز عید است - از بین می‌رود.

آری! روزه داران دراین یک ماه بجنگ نفس شتافته و وبا روزه داری درس صبرومقاومت را آموختند روزه به انسان روزه دارمی آموزد که گرسنگی و تشنگی وایستادن ومقابله با خواسته های نفسانی مشکل ودشوار هست ولی انسان میتواند در مقابل سختی ها ایستادگی نماید. روزه به روزه داران وانسانها هشدار می دهد فقر وگرسنگی که انسانهای دیگررا رنج وعذاب می دهد و باید از آن مشقت وسختی ها مطلع گردد وروزه دار در هنگام گرسنگی وسختی خودرا شریک رنج فقرا بدانند. از سوی دیگر وقتی روزه داران با موفقیت از امتحان بیرون آمده اند بخاطر این پیروزی از این روز تجلیل میگردد واین جشن پیروزی در فرهنگ اسلام بنام عید فطر یاد شده است که یکی

از اعیاد مهم مسلمانان به شمار می آید.

نماز عید سنت موکده است وبرخی از علماء قائل به وجوب آن هستند. مستحب است که نماز عید در عیدگاه خوانده شود چنانکه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در عیدگاه نماز می خواندند و ولی اگر ضرورتی یا عذری باشد می توان در مسجد خواند.

نماز عید از شعائر دین اسلام است شایسته است که زن ومرد مسلمان جهت ادای آن در جماعت شرکت کنند. حضرت ام عطیه رضی الله عنها می فرماید: (أمرنا أن نخرج العواتق وذوات الخدور) متفق علیه «به ما امر شد که در روز عید دختران بالغ وآنهای که در خانه هایشان پرده نشین هستند با خود به عیدگاه بیرون ببریم».

اما وقت نماز عید و آنچه از یزید بن خمیر رحبی روایت است که : عبدالله بن بسر صحابی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روز عید فطر یا قربان با مردم خارج شد و تأخیر امام را ناپسند دانست وفرمود: (إنا کنا قد فرغنا ساعتنا هذه و وذلك حین التسبیح) روایت اصحاب سنن «ما (زمانی که با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نماز عید می‌خواندیم) در این لحظه از نماز فارغ شده بودیم وآن وقت نماز و اشراق بود».

نماز عید دو رکعت است و ودر آن دوازده تکبیر گفته می‌شود؛ هفت تکبیر در رکعت اول بعد از تکبیرۀ الإحرام وقبل از قرائت فاتحه وپنج تکبیر در رکعت دوم قبل از قرائت فاتحه: از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش روایت است : (**أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كبر في العيدين سبعا في الأولي وخمسا في الآخرة**) روایت ابن ماجه «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در نمازهای دو عید هفت تکبیر در رکعت اول وپنج تکبیر در رکعت دوم گفت».

در مورد قرائت در نماز عید از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت است: (**أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كان يقرأ في العيدين وفي الجمعة بسبح اسم ربك الأعلي و وهل أتاك حديث الغاشية**) روایت اصحاب سنن «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در نماز دو عید ونماز جمعه سوره‌های «سبح اسم ربک الأعلی» و«هل أتاک حدیث الغاشیه» را می‌خواند».

بارک الله لی ولکم فی القرآن العظیم ونفعنی وإیاکم بما فیه من الآیات والذکر الحکیم. أقول قولی هذا وأستغفر الله لی ولکم ولسائر المسلمین انه هو الغفور الرحیم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

مسلمانان! سنت است خطبه بعد از نماز عید خوانده شود چنانکه از ابن عباس رضی الله عنه روایت است: (**شهدت العيد مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وأبي بكر وعمر وعثمان رضى الله عنهم فكلهم كانوا يصلون قبل الخطبة**) متفق علیه

«با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و ابوبکر و عمر وعثمان رضی الله عنهم نماز عید خواندم و همه آنها قبل از خطبه نماز می‌خواندند». نماز (سنت) قبل وبعد از نماز عید جایز نیست از ابن عباس

رضی الله عنه روایت است :

(أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم صلّي يوم الفطر ركعتين و لم يصل قبلها ولابعدها) متفق عليه

«پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روز عید فطر دو رکعت نماز خواند قبل وبعد از آن نماز دیگری نخواند». وآنچه در روز عید مستحب است:

۱- غسل: از علی رضی الله عنه روایت است که درباره غسل از او سؤال شد فرمود: (یوم الجمعة و ویوم عرفة و ویوم الفطر و ویوم الأضحی) اصحاب سنن

«روز جمعه و روز عرفه و روز عید فطر و روز عید قربان غسل واجب است».

۲- پوشیدن بهترین لباس و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که: «کان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم یلبس یوم العید بردة حمراء» روایت طبرانی «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روز عید جامه‌ای سرخ رنگ می‌پوشید».

۳- خوردن در روز عید فطر قبل از خروج برای نماز : از انس رضی الله عنه روایت است: «کان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم لا یغدو ویوم الفطر حتی یأکل تمرات» سنن ترمذی «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم صبح روز عید فطر تا چند خرما نمی‌خورد (به نماز) نمی‌رفت».

۴- تغییر مسیر رفت وبرگشت: از جابر رضی الله عنه روایت است: «کان النبی صلی الله علیه وآله وسلم إذا کان یوم عید خالف الطریق» صحیح بخاری/۹۸۶

«پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روز عید از راهی غیر از راه رفتن برمی‌گشت».

۶- تکبیر در روزهای عید: الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِتُكۡمِلُواْ ٱلۡعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾ (البقرة: ۱۸۵) «و تا تعداد (روزهای رمضان) را کامل گردانید وبخاطر اینکه الله شما را هدایت کرده و الله اکبر بگویید وتا اینکه سپاسگذاری کنید». تکبیر در روز عید فطر از هنگام رفتن به مصلی شروع می‌شود وتا خواندن نماز ادامه می‌یابد ابن ابی‌شیبه رحمه الله می فرماید: یزید بن هارون از ابن ابی ذئب از زهری روایت می کند که:

«أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كان يخرج يوم الفطر فيكبر حتى يأتي المصلى و وحتي يقضي الصلاة و فإذا قضى الصلاة قطع التكبير) اصحاب سنن

«پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روز عید فطر تکبیرگویان به مصلی می‌آمد تا اینکه نماز را تمام می‌کرد وپس از اتمام نماز تکبیر را قطع می‌کرد».

بیهقی از طریق عبدالله بن عمر از نافع از عبدالله بن عمر روایت کرده است که: «أن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم کان یخرج فی العیدین مع الفضل بن عباس وعبدالله بن عباس وعلی وجعفر والحسن والحسین وأسامة بن زید و وزید بن حارثه وأیمن بن أم أیمن رضی الله عنهم رافعا صوته بالتهلیل والتکبیر و فیأخذ طریق الحذائین حتی یأتی المصلی و وإذا فرغ رجع علی الحذائین حتی یأتی منزله» «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای نماز دو عید با فضل بن عباس و عبدالله بن عباس و علی و جعفر و حسن و حسین و اسامه بن زید و زید بن حارثه و ایمن ابن ام ایمن رضی الله عنهم خارج می‌شد وبا صدای بلند لا إله إلا الله والله أکبر می گفت واز راه حذائین (مسیر کفاشان)

به مصلی می‌رفت وبعد از خواندن نماز از بالای حذائین (از راهی دیگر) به خانه‌اش برمی گشت».
واصحابشان همچون ابن عمر رضی الله عنهما وابی امامه رضی الله عنه صدای خود را در این تکبیر بالا می‌بردند.البیهقی/ صحیح ۲۷۶/۳. اما الفاظ تکبیرعید از این قرار است: «**الله اکبر الله اکبر و لا إله إلا الله و والله اکبر الله اکبر و ولله الحمد**» یا «**الله اکبر الله اکبرالله اکبرالله اکبر و لا إله إلا الله و والله اکبر و ولله الحمد**». به روایت ابن ابی شیبه.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ۝٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥٦)
اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين وارْضَ اللهمَّ عن خلفاء نبيك الرّاشدين الأئمة الهداة المهديين ذوي القدر العلي والفخر الجلي ساداتنا وأئمتنا أبي بكر وعمر وعثمان وعلي وارض اللهم عن السبطين الشهيدين سيدا شباب أهل الجنة وقرتا أعين أهل السنة الإمام أبي محمد الحسن والإمام أبي عبدالله الحسين وعن أمهما فاطمة الزهرا وعن جدتهما خديجة الكبرى وعن الصديقة بنت الصديق عائشة أم المؤمنين وعن سائر أزواج نبيك الطاهرات وعن سائر آل بيت النبي المطهرين من الدنس والأرجاس وعن عمي النبي الكريم حمزة والعباس وعن من تبعهم بإحسان الى يوم الدين.»
"اللهم أعز الإسلام والمسلمين و وأذل الشرك والمشركين و ودمر أعداء الدين و واجعل اللهم هذا البلد آمناً مطمئناً وسائرَ بلاد المسلمين ."
" اللهم أعز الإسلام والمسلمين و وأذل الشرك والمشركين و ودمِّر أعداء الدين و اللهم انصر من نصر الدين و اللهم انصر دينك وكتابك وسُنَّة نبيِّك - صلى الله عليه وسلم."
"اللهم انصر إخواننا المسلمين في كل مكان يا حي يا قَيُّوم و اللهم انصرهم نصرًا مؤَزَّرًا و وأيدهم بتأييدك و واحفظهم بحفظك يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام."
"اللهم آمنَّا في أوطاننا و وأصلِح أئمتنا و وولاة أمورنا و واجعل ولايتنا فيمن خافك اتقاك و واتبع رضاك يا رب العالمين و اللهم أبرِم لهذه الأمة أمرَ رشدٍ يَعزُّ فيه أهل طاعتك و ويُذلّ فيه أهل معصيتك و ويُؤمر فيه بالمعروف و ويُنهى فيه عن المنكر؛ إنك على كل شيء قدير."

فتنه زن

خطبه اول:

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فهو المهتد ومن يضلل فلا هادى له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله.

قَالَ تَعَالَى: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

فأن أصدق الحديث كتاب الله وخير الهدى هدى محمد ﷺ وشر الأمور محدثاتها وكل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار.

خواهران وبرادران نمازگزار الله رب العزت والجلال در این آیه های تلاوت شده مومنان را به پیشه نمودن تقوا وخوف وخشیت از خود فرامیخواند زیرا با پیمودن راه تقواست که انسان به کارهای شایسته ونیکو دست زده وسرانجام الله متعال از گناهان واشتباهات وی در میگذرد وخوشبختی دنیا وآخرت را نصیب وبهره او میگرداند.

واز آنجاییکه مرد وزن هردو بنده ومخلوق الله متعال ومخاطب احکام الهی هستند و الله متعال هر دو را خطاب کرده وبه ترس از خویش دستور میدهد ودر نتیجه هر دو از پاداشهایی که ذکر شد بهره مند خواهند بود و چه زن وچه مرد.

اما الله متعال بنا بر حکمتش در آفرینش زن ومرد ومسئولیتی که بر عهده هر یک از آنها قرار داده تفاوتهایی قرار داده چنانکه در آیه ۳۴ سوره نساء می فرمایند: ﴿ الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۚ ﴿٣٤﴾ ﴾ (النساء: ۳۴)

ترجمه: مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه الله تعالی برخی از ایشان را بر برخی (در بعضی از ویژگیها) برتری داده و[نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند.

به همین سبب برماست تا که این سرپرستی ومسئولیت بسیارمهم را درک نموده وبا پیاده نمودن فرامین الله ورسولش در این زمینه تقوای الهی را پیشه کرده وخود وزنان خود را از سعادت دنیا وآخرت محروم نسازیم.

برادران گرامی و ضعف دینی واخلاقی خواهران مسلمانمان در بسیاری از جوامع اسلامی امروزی بر هیچ یک از ما پوشیده نیست –که متاسفانه برخی از آنها –از الگوهای حقیقی خود یعنی

زنان پیامبر وصحابه فرسنگها فاصله گرفته اند وبا تقلید کورکورانه از زنهای فاسق وکافر در امواج متلاطم انحرافهای فکری واخلاقی و دنیای معاصر غوطه ورند.

وهمانگونه که رسول گرامی اسلام می فرمایند: (**لتتبعن سنن من كان قبلكم شبراً بشبر وذراعاً بذراع حتى لو سلكوا جحر ضب لسلكتموه قلنا يا رسول الله اليهود والنصارى قال فمن ؟**).رواه البخاری ومسلم.

ترجمه : یقینا راه وروش امتهای گذشته را وجب به وجب وآرنج به آرنج خواهید پیمود تا جایی که اگر آنها به سوراخ سوسماری داخل شدند و شما نیز همان راه را خواهید پیمود(و به سوراخ سوسمار داخل می شوید) گفتیم ای رسول الله و اینها یهود ونصاری می باشند؟ فرمودند: پس چه کسی ؟!.

مومنان نمازگزار! مهمترین انحرافات امروزی زنهای مسلمان که بسیاری از آنها را از فرهنگهای غربی وغیر اسلامی تقلید نموده اند در این موارد خلاصه می شود:

الف: اختلاط بین دختر وپسر در بسیاری از مدارس ودانشگاهها و که بسیار خطرناک وعواقب نافرجامی ببار خواهد آورد.

ب: اختلاط(بی حد ومرز) مردان وزنان در بازار ومحل داد وستد وعدم رعایت اخلاق وحجاب اسلامی توسط زنهای مسلمان در این اماکن.

ج: اختلاط بین مرد وزن در محل کار که این مساله نیز بسیار خطرناک وچه بسا در بسیاری از موارد خلوت بین دو نامحرم صورت گرفته وعواقب ناخوشایندی را در بر خواهد داشت.

د: اختلاط بین زنان ومردان ونیز دختران وپسران نامحرم در خانواده هایی که از نظر خویشاوندی ویا دوستی با هم نزدیک هستند.

برادران گرامی دین مبین اسلام نمونه ای از برخورد ورفتار زنان با عفت وپاکدامن را برای ما به تصویر می کشد تا زنها ودختران ما از آنها الگوبرداری نمایند هنگامیکه الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿ وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدۡيَنَ وَجَدَ عَلَيۡهِ أُمَّةٗ مِّنَ ٱلنَّاسِ يَسۡقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ ٱمۡرَأَتَيۡنِ تَذُودَانِۖ قَالَ مَا خَطۡبُكُمَاۖ قَالَتَا لَا نَسۡقِي حَتَّىٰ يُصۡدِرَ ٱلرِّعَآءُۖ وَأَبُونَا شَيۡخٞ كَبِيرٞ ٢٣ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلۡتَ إِلَيَّ مِنۡ خَيۡرٖ فَقِيرٞ ٢٤ فَجَآءَتۡهُ إِحۡدَىٰهُمَا تَمۡشِي عَلَى ٱسۡتِحۡيَآءٖ قَالَتۡ إِنَّ أَبِي يَدۡعُوكَ لِيَجۡزِيَكَ أَجۡرَ مَا سَقَيۡتَ لَنَاۚ فَلَمَّا جَآءَهُۥ وَقَصَّ عَلَيۡهِ ٱلۡقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفۡۖ نَجَوۡتَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٢٥ ﴾

(القصص: ۲۳ – ۲۵)

ترجمه: وچون [موسی] به آب مدین رسید گروهی از مردم را بر آن یافت که آب می گرفتند وپشت‌سرشان دو زن را یافت که خود را دور وکناره نگه داشته بودند [موسی] گفت منظورتان [از این کار] چیست گفتند ما آب نمی گیریم تا شبانان [همگی گوسفندانشان را] برگردانند وپدر ما پیری سالخورده است (۲۳)

پس آن دو را آب داد آنگاه به سوی سایه برگشت وگفت پروردگارا من به هر خیری که سویم

بفرستی سخت نیازمندم (۲۴)
پس یکی از آن دو زن در حالی که به آزرم وحیا گام بر می‌داشت نزد وی آمد [و] گفت پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پاداش آب‌دادن به ما و مزد دهد وچون [موسی] نزد او آمد وسرگذشت [خود] را بر او حکایت کرد [وی] گفت مترس که از گروه ستمگران نجات یافتی (۲۵)
آری !دختران نمونه شعیب علیه السلام اینگونه با شرم وحیا بودند که خود به کناره ای ایستاده وهرگز با مردان آمیخته نشدند تا اینکه چوپانان همگی گوسفندانشان را آب دادند سپس آنها به سوی چاه آب می رفتند. اینها الگو واسوه دختران ما در شرم وحیا وعفت وپاکدامنی هستند نه دختران بی بندوبار شرق وغرب که خود را از هرگونه عفت وشرم وحیا عاری ساخته وجمال وزیبایی خود را همچون کالایی بی ارزش در اختیار شهوت پرستان وسودجویان قرار می دهند.
برادران گرامی به این سخن گهربار پیامبر اسلام و معلم بی همتای بشریت توجه نمایید که چگونه ما را در پیشگیری آفت بی بندوباری اخلاقی راهنمایی می کند. عن عبدالله بن عمرو قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: **" مروا أولادكم بالصلاة وهم أبناء سبع سنين و واضربوهم عليها وهم أبناء عشر وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ ".** [رواه أبو داود وحاكم وقال الألبانی: صحيح]
ترجمه: عبدالله بن عمرو رضیَ الله عنهما می فرمایند و رسول گرامی اسلام فرمودند: فرزندانتان را از هفت سالگی به نماز فراخوانید ودر سن ده سالگی (اگر در ادای آن کوتاهی نمودند) به سبب آن آنها را تنبیه بدنی نمایید ودر این سن خوابگاههایشان (تخت خوابهایشان) را از هم جدا سازید.
با توجه به این حدیث مسئولیت والدین در تربیت فرزندان از دوران خردسالی آنها بسیار حساس وسرنوشت ساز می باشد وآنها باید از دوران کودکی فرزندان خود را بر پاکی وعفت ورعایت اخلاق وآداب اسلامی حتی با برادران وخواهران خود آموزش دهند.
نمازگزاران محترم و یکی دیگر از فتنه هایی که امروزه بسیاری از زنها ودختران مسلمان به آن مبتلا گشته اند مساله بدحجابی ویا بی حجابی است.
همانگونه که شاهد هستیم بعضی از زنهای مسلمان به سبب تاثیرپذیری از غرب و حجاب اسلامی را به طور کلی رها نموده وآنرا ناپسند ونازیبا میدانند وبرخی دیگر بر حسب میل ورغبت ومدگرایی از حجاب کامل شرعی روی گردان شده وبسیاری از زیباییها وبرجستگیهای جسم خویش را نمایان نموده ویا اینکه صورت خود را با آرایشهای زننده در کوچه وبازار در دید نامحرمان قرار میدهند که تمامی اینها با دستورات الهی که زنها را به حجاب اسلامی ومردها وزنها را به کنترل چشم خویش (عدم چشم چرانی) فرا میخواند و منافات دارد.
أبوهریره –رضی الله عنه– روایت می کند که رسول الله –صلی الله علیه وسلم– فرمودند: **«صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس و ونساء كاسيات عاريات مائلات مميلات رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة و لا يدخلن الجنة ولا يجدن ريحها و وإنَّ ريحها ليوجد من مسيرة كذا وكذا»** رواه مسلم .
دو گروه از اهل آتش اند که آنها را ندیده ام و مردمانی هستند که تازیانه دارند مانند دم گاو و با آن به مردم می‌زنند و وزنانی هستند برهنه وعریان که لباسهای تنگ وشفاف وکوتاه بر تن می کنند و واز طاعت وفرمان الله منحرف اند و ومردان را بطرف خود کشانده فاسد می کنند و و(موی)

سرشان مانند کوهان شتر است که به اینطرف وآنطرف می‌رود و اینها به بهشت داخل نمی‌شوند و وبوی بهشت هم به مشامشان نمی‌رسد و در حالیکه بوی بهشت از مسافت چنین وچنان به مشام می‌رسد.

بارالها زنها ودختران ما وتمامی مسلمانان را از شر بی حجابی وبدحجابی رها بنما وآنها را به راه حق وحقیقت واقتدا به همسران پاک رسول الله _صلی الله علیه وآله_ وزنهای صحابه هدایت بفرما.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم و أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله الذي خلق الزوجين الذكر والأنثى والصلاة والسلام على القائل: خيركم خيركم لأهله وأنا خيركم لأهلي وعلى آله وصحبه أجمعين وأحث نفسي وإياكم على سلوك الخير والتقى وبعد:

نمازگزاران عزیز و زن در اسلام نقش مهمی را ایفاء می کند و برخی از امتهای گذشته هیچ حقی را برای زن قائل نبودند و وحق او را از او سلب می کردند و ولی اسلام تمامی حقوق مشروع را به زن بازگرداند. زن نصف جامعه اسلامی وبشریت را داراست و او مادر و خواهر و دختر و همسر و... می‌باشد.

در قرآن کریم وسنت پیامبر –صلی الله علیه وسلم- هر خطابی که بر مرد می‌شود و زن نیز شامل آن است و وهیچ فرقی بین زن ومرد در شریعت اسلام وجود ندارد و تنها فرقی که بین زن ومرد است در میراث می‌باشد و آنهم بسبب اینکه مرد مسؤولیت کامل کانون خانواده را به عهده دارد و واوست که باید نفقه وهزینه تمامی افراد خانواده را تهیه نماید و گرچه زن او تاجر هم باشد و نفقه وخرجی زن بر عهده مرد است.

حجاب عبارت است از ستر بدن و وعبارت است از مجموعه ای از احکام اجتماعی که به چگونگی وضع زنان و در نظام اسلامی ربط داشته و والله تعالی آن را تشریع نموده است تا برای حمایت زن قلعه ای شامخ بوده و واجتماع را از فتنه ها نگاه دارد و وزن را در قالب وچهار چوبی منضبط برای انجام وظیفه اش که همان ساختن نسلها وتأمین آینده است وبه عبارت دیگر همکاری در پیروزی اسلام وتمکین دادن آن در کره زمین آماده سازند.

آری با این دید ونگرش اسلام توانست از زنهایی که در جامعه جاهلی آنروزی ننگ وعار بشمار میرفتند و بزرگوارانی همچون خدیجه اولین مسلمان وسمیه اولین شهید اسلام وفاطمه سرور زنان بهشت جاویدان وعایشه صدیقه بزرگترین عالمه ومعلمه حدیث وقرآن بسازد.

زنهای سلف (صدراسلام) با اطاعت از الله ورسولش وحفظ حجاب وعفت توانستند بهترین الگو واسوه برای زنان پس از خود باشند. هنگامی که به قصه افک ام المومنین عائشه صدیقه طاهره نظر می افکنیم می بینیم که ایشان در نهایت شرم وحیا هنگامی که متوجه وجود صحابی جلیل صفوان بن معطل شدند کلمه ای نیز با ایشان سخن نگفته واین صحابی نیز به گفتن "اناالله وانا الیه راجعون" اکتفا نمود وام المومنین را از خواب بیدار ساخته تا به قافله ملحق شوند.

و همانگونه که خود امهات المومنین ودیگر زنان صحابه روایت می کنند هنگامیکه آیه حجاب

نازل شد آنها با سرعت در هر جا که بودند با هر چیز ممکن زینت خود را پوشانده ودستور الله را بدون هیچ ترددی سریعا اطاعت نمودند. پس بر دختران وخواهران ومادران وهمسران ماست که به آنها اقتدا نموده ودر مقابل فرامین الله ورسولش سر تعظیم فرود آورده وبدون چون وچرا "سمعنا واطعنا" را بر زبان داشته وبا تصدیق ویقین وباور قلبی دستورات الله متعال را در عمل تطبیق نمایند.

برادران عزیز؛ این روزها دستهایی ناپاک و فریبکاری به سوی زنهای مسلمان دراز شده و تا آنها را از قله کرامت وآسمان مجد وشرف به رزالت وپستی کشیده واز دائره خوشبختی برون راند و وپیش از آن که این دست مجرم وستمکار به هدف شوم خود رسد باید آن را کوتاه کرد و واین نفس ناپاک وشرارت باز که برای گمراه‌کردن وبرون‌راندن خواهرانمان از بهشت عفت وحجاب قیام کرده را لعنت کنیم وبه الله پناه ببریم و

واز او در این راه مدد جوییم زیرا الله متعال ما را قیوم وسرپرست زنهایمان قرار داده وبنا بر طبیعت خلقی وخلقی آنها که نسبت به مرد ضعیف تر هستند هرگز نباید آنها را رها کنیم و بلکه آنها را با حکمت ونرمی با توجیهات الله ورسولش و با اسوه ها والگوهای راستین آشنا ساخته وهرگز اجازه ندهیم که طعمه ای برای شکارچیان فرصت طلب شوند.

عباد الله: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥٦)

وأكثروا عليه من الصلاة فقد فقد قال صلى الله عليه وسلم (من صلى علي صلاة صلى الله عليه بها عشرا).

اللهم صل وسلم وبارك على عبدك ورسولك نبينا محمد صاحب الوجه الأنور والجبين الأزهر وارض اللهم عن الأربعة الخلفاء أبي بكر وعمر وعثمان وعلي وعن سائر أصحاب نبيك أجمعين وعن التابعين ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين وعنا معهم بعفوك ومنك كرمك وإحسانك يا أرحم الراحمين.

اللهم أعز الإسلام والمسلمين وأذل الشرك والمشركين ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم وآمنا في دورنا وأوطاننا وأصلح أئمتنا وولاة أمورنا اللهم واصلح قلوبهم وأعمالهم يا ذا الجلال والإكرام.

ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

اللهم اغفر لنا ولجميع المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم والأموات اللهم صل وسلم وبارك على عبدك ورسولك نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين .

اسرار ومعانی حج

خطبه اول

الحمد لله الكبير المتعال ذي العزة والجلال و خلق فسوى وقدر فهدى و أحمده - سبحانه - وأشكره وأتوب إليه وأستغفره و وأشهد ألا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمد عبد الله ورسوله .. وخليله وخيرته من خلقه .. أفضل من صلى وقام وحج لله وصام ؛ فصلوات الله وسلامه عليه وعلى آله الطيبين الطاهرين وعلى أصحابه الغر الميامين و وعلى التابعين ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين . اما بعد:

الله متعال میفرماید: ﴿ وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَجِّ يَأۡتُوكَ رِجَالٗا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٖ يَأۡتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٖ ٢٧ ﴾ (الحج: ٢٧) «به مردم اعلام کن که پیاده و یا سواره بر شتران باریک اندام که راههای فراخ ودور را طی کنند و به حج کعبه بیایند».

برادران وخواهران مسلمان! دین اسلام دین وحدانیت خالص ویکتا پرستی است. دینی است که اعتقادی به وساطت در ارتباط بین بندگان با پروردگارشان ندارد. مسلمانان و پروردگاری را عبادت می کنند که از دایره ادراک وابصار بالاتر است.

تنها کسانی می توانند به این معبود یکتا برسند که دارای تفکری بلند و نیت واراده ای قوی و اخلاص در عمل باشند. دین اسلام برای تربیت واصلاح پیروان خویش و دارای برخی احکام وقوانین است که برخی از این احکام به عنوان شعائر ومظاهر تجلی قدرت وعظمت اسلام –این دین آسمانی– تلقی می شوند. به عنوان مثال حج بیت الله الحرام نمونه ای از شعائر اسلام است که خود دارای مناسک وافعال وایام خاصی است که هر کدام از آنها به نوع خود جزو شعائرالله محسوب می شوند و همان شعائری که تعظیم وبزرگداشت آنها نشانه تقوای قلب معرفی شده است.

چنانکه الله متعال میفرماید: ﴿ وَمَن يُعَظِّمۡ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقۡوَى ٱلۡقُلُوبِ ٣٢ ﴾(حج:٣٢)

«وهرکس شعایر الله را تعظیم کند پس در حقیقت این _تعظیم_از تقوای دلهاست»

آری! حج با تمام مناسک وافعال خود نمونه ای از ارتباط عمیق وبی تکلف در میان بنده ومولایش است. الله متعال قسمتی از کره خاکی را مورد رحمات خاص خویش قرارداده است و این بخش از کره خاکی چنان با رحمات الله یکتا احاطه شده وجلالیت ذات قادر ومقتدر آن را پوشانده است که مظهری از مظاهر بارز الهی قرار گرفته وارتباطی بسیار نزدیک با خالق لایزال دارد به طوری که انسانهای مومن با دیدن آن بلافاصله به یاد الله رحیم ومهربان می افتند ودرعین حال به محض رویت آن بدنهایشان به لرزه افتاده وجلالیت الله تمام وجودشان را فرا می گیرد.

براستی چرا چنین مکانی به این مقام وعظمت نرسد درحالیکه روزگاری امام المخلصین واسوه موحدین به همراه خانواده کوچک ومبارکش که آنها نیز نماد کاملی از اخلاص و وفا و ایثار وجان فدایی بودند در این مکان جانفشانی ها کرده ونمونه بارزی از محبت ودوستی خالصانه واخلاص شگفت انگیز را از خود به نمایش گذاشتند.

وانبیا وپیامبران موحد ومخلص ونیز محبان وجانفدایان در هر عصر وزمانی همان اعمال وافعال را تکرار کرده ودقیقاً قدم جای قدم آنان گذاشتند و از طواف بیت الله تا سعی بین صفا ومروه و از

وقوف در عرفات گرفته تا میدان مزدلفه واز رمی جمرات گرفته تا قربانی در منی همه وهمه بیانگر اخلاص و ایمان و جان فدایی واز خود گذشتگی بزرگترین موحد تاریخ و ابراهیم خلیل و هاجر واسماعیل علیهم السلام است.

به راستی آنان محبان ومحبوبان واقعی پروردگار بودند واین حب وجانفدایی آنان چنان تاثیری را در جهان بشری بر جای می گذارد که الله متعال علاوه براجر وپاداش اخروی و تمام هجرتها وتحمل مشقتهای آنان را اثری جهانی بخشیده وندای ابراهیم را از آن سرزمین بی آب وعلف ولم یزرع به گوش تمام مسلمانان دنیا تا قیامت می رساند واعمال وافعال هاجر- آن بانوی فدا کار ومخلص- را برای همیشه ماندگار می گرداند:

﴿وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡـٔٗا وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ٢٦﴾ (الحج:۲۶)

«زمانی را که محل خانۀ کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم وآن را بدو نمودیم - ودستور دادیم این خانه را کانون توحید کن و- چیزی را انباز من منمای وخانه ام را برای طواف کنندگان وقیام کنندگان ورکوع برندگان وسجده برندگان تمییز وپاکیزه گردان».

حج با تمامی مناسک و ارکان واعمال مربوط به خود و نمونه بارزی است از اطاعت مطلق وامتثال بدون چون وچرا از فرامین الله متعال.

یکی دیگر از مظاهر بسیار جذاب حج اجتماع باشکوه ومیلیونی توده عظیمی از مسلمانان ومومنان صادقی است که با قلوبی صاف ونیاتی صادقانه ومخلصانه در مکانی با هم جمع می شوند که این اجتماع آنها نمونه کوچکی از روز رستاخیز را به نمایش می گذارد.

شاه ولی الله دهلوی رحمه الله در مورد اجتماع با شکوه حج می فرماید: «حقیقت حج تجمع باشکوه گروهی از صالحین امت اسلامی در زمان واحد ودر مکان مشخصی است که آن مکان یادآور بندگان مخلص ومقرب الهی اعم از انبیا و صدیقین و شهدا وصالحین است که آنان نیز به منظور تعظیم وتکریم شعائر الهی در این مکان حضور یافته وبه امید دست یافتن به رحمات بیکرانه الهی وکسب رضایت الهی به دعا و زاری وتضرع پرداخته اند.

حال چنین اجتماعی با این کیفیت در مقابل پروردگار خویش اظهار عجز وانکساری نماید بعید است که مورد لطف مرحمت ومغفرت الهی قرار نگیرد». حج با تمام ارکان وافعال خود چنان عظمت و ابهتی را به نمایش می گذارد که بیان کیفیت آنها در قالب الفاظ وکلمات نمی گنجد بلکه برای درک واقعی آنها باید در آن مکانهای نورانی وعرفانی حاضر شد وپیشانی بندگی را در هر کدام از آن اماکن بر زمین نهاد واشک دیدگان را نثار آن مکانهای مقدس نمود.

مراسم روحانی وعرفانی حج نمونه ای بسیار بارز از صحرای محشر وایستادن در مقابل الله یکتا را به تصویر می کشد و در این مراسم پادشاه وگدا و حاکم ورعیت و پیر وجوان و سواره وپیاده و سیاه پوست وسفید پوست و عرب وعجم و با دو پارچه نخی و سرعریان وچشم گریان و زیر یک آسمان ودر یک صحرا همه دست به سوی آسمان بلند کرده ودر حال دعا وگریه وزاری با خالق ومالک حقیقی خویش به نیایش پرداخته واز ذات مهربان وبخشنده اش طلب بخشش وآمرزش

گناهان را می نمایند ... یکی در سجده ویکی در رکوع ودیگری در حال قیام وقرائت سوره های طولانی در نماز.

یکی با تلاوت قرآن سعی در زدودن زنگار گناه وغفلت از دل وجان خویش دارد ودیگری با نماز وکثرت سجده قصد تقرب هر چه بیشتر به بارگاه الهی.

بندگان الله! مناسک حج با پوشیدن لباس احرام آغاز می گردد و لباس احرام خود بزرگترین درس وحکمت حج را برای همگان مشخص می نماید؛ تمام انسانها از شاه گرفته تا گدا و از حاکم گرفته تا رعیت و از باسواد وروشنفکر وسیاستمدار گرفته تا بیسواد واز عالم گرفته تا عامی و همه وهمه در یک لباس ظاهر می شوند و اینجا دیگر هیچ کس نمی تواند با لباس فاخرانه خود در مقابل کسانی که لباس کهنه دارند فخرفروشی نماید و اینجا همه برابرند و هیچ نشانی از برتری وفضیلت ظاهری مشخص نیست و چنانکه الله میفرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ ١٣ ﴾ (الحجرات: ١٣)

«ای مردمان! ما شما را از مرد وزنی آفریده ایم و وشما را ملیت ملیت وقبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید بی گمان گرامی ترین شما در نزد الله متقی ترین شما است. الله مسلماً آگاه وبا خبر است.» حج نمایشگاهی از درجه ایمان و تقوا وشور ومحبت الهی است که در قلب هر شخص موجود است و هر کس به هر میزان که از درجه ایمان وتقوای بالاتری برخوردار باشد به همان میزان بیشتر از حج وانجام مناسک حج لذت برده وبه درجات بالاتری از عرفان ومعرفت الهی دست می یابد.

همه این علائم وخصوصیات و بزرگترین فلسفه حج که همان روز قیامت است و را به تصویر می کشد. میدان عرفات وکیفیت دعا وتجمع در این روز ودر این مکان که هر کس مشغول دعا وگریه وزاری است وبا مشغول شدن به دعا ویادآوری گناهان وطلب عفو وبخشش از بارگاه ایزدی و متوجه اطراف نبوده ودر دنیای خودش بسر می برد و تصویری بسیار زنده وگویا از میدان محشر وایستادن در مقابل محکمه عدل الهی است و در آن روز (میدان محشر) نیز هر کس فریاد «نفسی نفسی» سر داده وهیچ فکر وپریشانی ای به جز کیفیت حساب وکتاب وخاتمه ای که در انتظارش هست را در سر نمی پروراند.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم.أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

برادران مسلمان! چنانکه یاد آور شدیم علائم وخصوصیات حج روز قیامت را به تصویر می کشد. در روز رستاخیز همه انسانها بدون لباس وبدون هیچ گونه دارایی ودر اختیار داشتن اشیای

دنیوی در مقابل پروردگار حاضر می شوند ودر آن روز نیز تنها چیزی که باعث برتری وفضیلت محسوب می شود و قلب پاک وسالم از هر گونه شرک وگناه است وبس؛ ﴿يَوْمَ لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾﴾ (الشعراء: ۸۸ - ۸۹) «آن روزی که اموال و و اولاد و سودی نمی رساند.*بلکه تنهاکسی که با دل سالم به پیشگاه الله آمده باشد.» هر کس از قلب پاکتر وسالمتری برخوردار باشد به همان اندازه مورد تکریم پروردگار قرار گرفته وبه درجات بالاتری از بهشت برین نائل می گردد.

یکی دیگر از درسهایی که حج برای مسلمانان در پی دارد و درس زندگی واستفاده از اوقات ولحظات زندگی است. حج به طور خلاصه عبارت است از اعمالی مخصوص در ایامی مخصوص که هر عملی باید در وقت ومحل خودش انجام گرفته وتا قبل از پایان یافتن ایام حج باید تمامی اعمال ومناسک آن انجام گیرد و زندگی انسانها نیز به همین ترتیب است و الله متعال وقت محدود ومختصری را به انسانها ارزانی داشته واین وقت مختصر و فرصتی است که باید هر انسان از آن به نحو مطلوب ودر جهت دست یافتن به خوشبختی وکامیابی زندگی اخروی خویش بهره برداری نماید.

یکی از ظرافتها ولطایف مهم وقابل توجه در حج و این است که به طور خلاصه همه ارکان وعبادتهای اسلام را در خود جای داده است و تمثیل همه عبادات در حج بذات خود یک درس است وهمان طور که قبلا ذکر شد حج مشابهت بسیار زیادی با زندگی دارد وهمان طور که در حج باید تمام اوامر ومناسک حج بدون چون وچرا انجام گیرد و زندگی انسان نیز باید مطابق اوامر الله ورهنمودهای رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم سپری گردد و همان گونه که در حج ندای زیبا وملکوتی «**لبیک اللهم لبیک...**» ترنم می شود- که خود بیانگر توحید وفرمان برداری کامل از پروردگار جهانیان است- زندگی هر مسلمان نیز در طول عمر باید گویای عملی روشن از ندای "لبیک اللهم لبیک" باشد.

"رمی جمرات" یکی دیگر از احکام ومناسک حج است. در این قسمت از مناسک حج اگر چه هدف سنگریزه های پرتاب شده یک ستون سنگی بیش نیست و اما در این حکم نیز فلسفه وحکمتهای بسیار زیادی نهفته است؛ اولاً خود این عمل بیانگر اتباع بدون چون وچرای مسلمان از فرامین الهی وروش سیدالمرسلین است چنانکه از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که:

« **أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ أَكَبَّ عَلَى الرُّكْنِ فَقَالَ إِنِّي لأَعْلَمُ أَنَّكَ حَجَرٌ أنك حجر ولو لم أر حبيبي -ﷺ- قَبَّلَكَ أَوِ اسْتَلَمَكَ مَا اسْتَلَمْتُكَ وَلاَ قَبَّلْتُكَ**» مسند احمد (عمرفاروق رضی الله عنه بر رکن- حجرالاسود - خمیده فرمود: «من خوب میدانم که توسنگی هستی و اگر رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم را ندیده بودم که ترا بوسه ومسح می نماید و هرگز ترا بوسه ومسح نمی کردم».

وثانیاً این ستون ودیوار یادآور لحظاتی است که حضرت ابراهیم علیه السلام برای انجام دستورات الهی عازم میعادگاه بود که شیطان بر سر راهش سبز شده وبا ایجاد وسوسه قصد منصرف نمود ایشان را داشته است و اما حضرت ابراهیم با پرتاب سنگ وپناه بردن از شر او به الله قوی ومقتدر و او را از خود دفع نمود که این واقعه بیانگر این مطلب است که شیطان در طول زندگی سعی در اغوا

وگمراه نمودن انسانها دارد که هر انسانی باید به هر طریق ممکن او را از خود دور کرده وفریب وسوسه هایش را نخورد و ونکته دیگر اینکه "رمی جمرات" بیشتر از دیگر اعمال ومناسک حج انجام می گیرد به طوری که حاجی تا سه روز متوالی این عمل را انجام می دهد که این نیز بیانگر اهمیت موضوع است که حفاظت از کید ومکرهای شیاطین (جنی وانسی) در طول زنگی بسیار مهم وحیاتی است که انسانها هرگز نباید از آن غافل باشند.

خلاصه اینکه هر حکم از احکام حج دنیایی از فلسفه وحکمت را در خود جای داده اند که بیان همه آنها کار بسیار مشکلی است. اما در مجموع می توان گفت که مراسم حج همراه با مناسک واحکام واعمال خود و چکیده ای از زندگانی دنیا و عالم برزخ ویادآور حشر ونشر وحساب وکتاب وصحنه قیامت است.

مسلمانان! قبل از اسلام و قبایل وقتی که در موسم حج عازم مکه می شدند و هرکدام از آنها نشان های خاص و بت ها وجامه های خویش را با خود حمل می کردند وبدین وسیله بر برتری قبیله ای وبرتری مقامش در میان دیگر قبایل پافشاری می کردند.

لیکن حج پس از اسلام و بنیاد تازه ای را استوار ساخت که با تمامی این اعمال وشعارها در تضاد بود وحتی آنها را از میان برد ویک وضعیت توحیدی خالص را به وجود آورد که مسلمانان را قادر ساخت تا در برابر همبستگی های مختلف از قبیل ملیت وقبیله وامثال آن مقاومت کنند.

از این رو و آن گونه که ملّی گرایی و دیگر ملت ها را بلعیده اند مسلمانان را نمی بلعند واینان قربانی آن نمی شوند وکشورهایشان که بر حسب انگیزه فطری و عاطفی ونژادی آن را دوست می دارند قبله ای نیست که به سوی آن روی آورند وکعبه ای نیست که آن را زیارت کنند و بلکه مسلمانان را یک قبله هست که شرقی وغربی و عربی وغیر عربی به سوی آن رو می کنند واین قبله و همان کعبه مشرفه است که هندی وافغانی وایرانی اروپایی وآمریکایی... آن را حج می کنند.

در حج تمامی ملت های اسلامی از تمامی جامه ها ولباس های منطقه ای خویش که برخی از برخی دیگر تشخیص داده می شوند وگروه هایی نسبت به آن تعصب نشان می دهند و برهنه می شوند وهمگی یک لباس را می پوشند که از آن در زبان دین وقفه ودر اصطلاح حج وعمره به نام «احرام» یاد می شوند.

کوچک وبزرگ و رییس ومرئوس و ثروتمند وفقیر سرهایشان را برهنه می کنند وهمگی با یک زبان یک سرود را می خوانند: «**لَبَّيْك و اَللَّهُمَّ لَبَّيْك و لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْك و إِنَّ الْحَمْدَ والنّعْمَةَ لَكَ والْمُلْك و لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْك**». حج یکی از گردهمایی های مسلمانان است واز لحاظ فراگیری وگستردگی و مهمترین وزیباترین آن ها به شمار می رود واین گردهمایی ها عبارتند از:

۱ گردهمایی که در سطح یکی از محله های یک شهر برگزار می شود وروزانه پنج بار تکرار می گردد و یعنی نماز جماعت که الله آن را سنت نهاده است.

۲ دومین گردهمایی درسطح یک شهر ودر هر هفته یک بار تشکیل می شود والله برای انجام این گردهمایی نماز جمعه را وضع کرده است.

۳ سومین گردهمایی در سطح تمامی جهان اسلام برگزار می شود. زیرا در این گردهمایی و

مسلمانان از نقاط مختلف کره زمین با یکدیگر دیدار می کنند و تا با همدیگر آشنا شوند وبه تبادل دیدگاه ها وتجربه ها بپردازند ویگانگی خود را بر دیگر یگانگی ها و نظیر وابستگی های مختلف تاریخی و اجتماعی وفرهنگی چیره سازند.

آری حج گردهمایی مسلمانان است که در آن نمایندگانی برگزیده نشده اند که بر حاجیان احساس برتری کنند وبه جدال بپردازند بلکه در به روی هرکس که بتواند در این گردهمایی بزرگ شرکت کند باز است.

بنابراین و حاجیان نمایندگان تمامی شهرها وحتی تمامی روستاها هستند ونیز از جانب همه فرهنگ ها وطبقات نمایندگی می کنند. واز آثار حج و آشنایی طوایف مختلفی است که از چهار گوشه جهان اسلام آمده اند.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥٦) **اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.**

جایگاه صحابه در اسلام

خطبه اول

الحمد لله الذي اصطفي لنصرة دينه أفضل عباده بعد الأنبياء والصلاة والسلام علي أشرف الخلق ومعلم البشرية جمعا وعلى آله وأزواجه ومن اعتز بصحبته وفاز برفقته ومن تبعهم بإحسان إلى يوم اللقاء.

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ۱۰۲)«ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله ذوالجلال سفارش می کنم.

الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿ ۞لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا ١٨﴾ (الفتح: ۱۸)

«الله از مؤمنان راضی گردید همان دم که در زیر درخت با تو بیعت کردند. الله آنچه را که در درون دلهایشان نهفته بود میدانست لذا اطمینان خاطری به دلهایشان داد وفتح نزدیکی را پاداششان کرد».

برادران مؤمن ودوستداران صحابه رسول الله - صلی الله علیه آله وسلم- ! همچنان که استحضار دارید پس از پیامبران الهی علیهم السلام بهترین وپاکترین قشر جامعه انسانی شاگردان وتربیت یافتگان مکتب انسان ساز انبیاء علیهم السلام یعنی صحابه ویاران آنها هستنتد.

لذا از آغاز اعلان بعثت تا آخرین لحظات زندگی پرنور آن خورشید عالمتاب - صلی الله علیه آله وسلم- در تمام صحنه ها ودر پهنای بستر ۲۳ ساله تاریخ درخشان این دین جهانی و حضور ایمانی وصادقانه وفعال وشبانه روزی صحابه ویاران آن حضرت مشهود است و بلکه با آیات ومعجزات کتاب آسمانی وسخنان نغز وشیرین وصریح الله یگانه مستند است.

آری صحابه ویاران رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم- آن طلیعه داران ومعماران عمارت ایمان به مدت بیست وسه سال در یک کلاس ودر خدمت یک استاد و شاگردی کردند؛ این مکتب واین مدرسه واین استاد واین راهنما واین شاگردان تنها نمونه کامل در تاریخ بشریت هستند.

به همین دلیل الله متعال در آیه کریمه ای که تلاوت شد از این مؤمنان حقیقی وقهرمانان نمونه تاریخ بشر اعلان رضایت وخوشنودی نموده است.

در باره تعداد صحابه ای که در بیعت الرضوان شرکت داشتند حضرت جابر ابن عبدالله - رضی الله عنه - می فرماید: «**كُنَّا أَلفاً وَأَربَعَمِأَةَ**» هزار وچهار صد نفر بودیم. [صحیح بخاری کتاب المغازی - باب غزوة حدیبیه - حدیث ۴۱۵۴ وً فتح الباری ۷/ ۵۰۷ چاپ الریان].

بیعة الرضوان در جریان صلح حدیبیه در سال ششم هجری اتفاق افتاد هنگامی که شایعه شد که حضرت عثمان ذی النورین رضی الله عنه به شهادت رسیده رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم-

برای انتقام خون حضرت عثمان از صحابه در زیر درختی بیعت گرفتند کسانی که در این بیعت شرکت کردند الله از آنان اعلان رضایت وخوشنودی نمود.

پس آیه کریمه فوق دلالت آشکار دارد که الله تمام بیعت کنندگان با آن حضرت را پاک کرده است و تزکیه وپاکی ای که جز الله نه کسی برآن قدرت وتوانائی دارد ونه کسی می تواند از آن خبر دهد. این پاکی و پاکی درون دلهای آنان است وآنچه که در درون دلهایشان وجود دارد. بر این اساس است که الله متعال از آن راضی وخوشنود گردیده است. [الصواعق المحرقة ص ۳۱۶].

آنچه این موضوع را با تأکید به اثبات می رساند فرموده رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه آله وسلم- است که می فرمایند: «لاَ يَدْخُلُ النَّارَ إِنْ شَاءَ اللهُ مِنْ أَصْحَابِ الشَّجَرَةِ أَحَدٌ. الَّذِينَ بَايَعُوا تَحْتَهَا». «ان شاء الله هیچکدام از اصحاب شجره که در زیر آن درخت بیعت کرده اند وارد دوزخ نخواهند شد» [صحیح مسلم کتاب فضائل الصحابة و باب فضائل أصحاب الشجرة و حدیث ۲۴۹۶ و ۴/ ۱۹۴۲].

علما می فرمایند: «رضایت از جانب الله یکی از صفات ازلی او تعالی است و او از بنده‌ای راضی وخوشنود نمی‌شود مگر اینکه بداند که واجبات رضایت وخوشنودی او تعالی را بر آورده می کند و وکسی که الله متعال از او راضی شود هرگز بر او خشم نخواهد گرفت و پس هر کس که الله متعال خبر داده که از او خوشنود شده اهل بهشت است و رضایت وخوشنودی الله متعال از بندگان و پس از ایمان وعمل صالح تحقق می‌یابد لذا اعلان این رضایت در ضمن مدح وثناء از آن بنده یا بندگان انجام می گیرد و بنابر این اگر الله متعال عالم الغیب بداند که فلان بنده پس از ایمان وعمل صالح مرتکب گناهی خواهد شد که پروردگار را به خشم بیاورد قطعا چنین اعلانی نخواهد کرد وقطعا آن بنده مشمول رضایت وخوشنودی الله متعال نخواهد گردید»(۱).

علامه ابن حزم می فرماید: «کسانی که الله عزوجل خبر داده که او اسرار نهان دلهای آنانرا دانسته واز آنان راضی وخوشنود گردیده وبرآنان سکینه وآرامش نازل فرموده است پس هرگز برای کسی جایز نیست که در باره آنان توقف کند یا دچار شک وتردید گردد»(۲).

الله متعال در آیه دیگری می فرماید:

﴿مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ سِيمَاهُمۡ فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِۚ وَمَثَلُهُمۡ فِي ٱلۡإِنجِيلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعۡجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلۡكُفَّارَۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنۡهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمَۢا ٢٩﴾ (الفتح: ۲۹)

«محمد فرستاده الله است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و و در میان خود مهربانند و پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی و آنها همواره فضل الله و رضای او را می‌طلبند و نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است و این توصیف آنها در تورات

(۱) الصارم المسلول ۵۷۳ و چاپ دار الکتب العلمیة با تعلیق محمد محی الدین عبد الحمید.

(۲) الفصل فی الملل والنحل ۴۰/ ۱۴۸.

است و و توصیف آنها در انجیل همانند نهالی است که جوانه‌های خود را خارج ساخته و سپس به تقویت آن پرداخته و تا محکم شده و و بر پای خود ایستاده است و و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد! این برای آن است که کافران را به خشم آورد و الله کسانی از آنها را که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.».

امام مالک رحمت الله علیه می‌فرماید: «شنیده ام که وقتی نصاری صحابه ای که شام را فتح کرده بودند می‌دیدند و می گفتند: طوری که به ما خبر رسیده است به الله قسم اینها از صحابه حضرت عیسی علیه السلام بهترند»[1].

علامه ابن جوزی رحمت الله علیه می فرماید: «در نزد جمهور علماء این صفت تمام صحابه رضی الله عنهم است»[2].

الله متعال در آیه دیگری می فرماید: ﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلۡأَوَّلُونَ مِنَ ٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ وَٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُم بِإِحۡسَٰنٖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُ وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي تَحۡتَهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٠٠﴾ (التوبة: ١٠٠)

«و پیشروان نخستین از مهاجران وانصار وکسانی که به نیکوکاری از آنان پیروی کردند و الله متعال از آنان خشنود شد و[آنان نیز] از الله خشنود شدند. وبرایشان باغهایی که در آن نهرهایی روان است و آماده ساخت که در آنجا همیشه جاودانه‌اند. این است کامیابی بزرگ».

پس وقتی ما از صحابه صحبت می کنیم از مکتب ومدرسه ای سخن می گوییم که زیر نظر مستقیم وبا راهنمایی خالق کائنات تأسیس واداره شده؛ مکتب ومدرسه ای که استاد ومعلم ومربی اش بوسیلهٔ خود آن خالق کائنات وپروردگار جهانیان تربیت شده ؛ وبوسیله سردار فرشتگان معصوم؛ جبرئیل امین قلب پاکش نه در عالم خواب وخیال ورؤیا که در عالم شهود وعلن وبه گونه آشکار شکافته وشستشو داده شده است.

استاد ومعلمی که تمام لحظات زندگی وتمام ساعتهای شبانه روزش مستقیما بوسیله خود الله رب العالمین هدایت وکنترل می شد؛ که هر جا خواست اشتباه برود فورا اصلاح وتوجیه وارشاد وراهنمایی می گردید مثلا هنوز از مجلس صحابی نابینایشان عبدالله ابن ام مکتوم بلند نشده بود که بخاطر او توبیخ وسرزنش گردید «عبس» یعنی ترشرویی کرد وروی گرداند!.

استاد ومعلم ومربی ای که اینگونه با نظارت مستقیم وصریح وآشکار الله متعال کلاس اداره کند وشاگرد تربیت نماید شما تصور کنید که شاگردانش چگونه انسانهایی باید باشند؟!.

وقتی از یکی از بزرگترین وسخترین غزوات جنگی - پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم - (یعنی غزوه تبوک) سه نفر از صحابه بدون عذر غایب می شوند به دستور الله متعال تمام شهر مدینه با آنها قطع رابطه می کنند! از استاد ومعلم ومربی گرفته تا دوست ورفیق وخانواده وحتی

(١) الاستیعاب از ابن عبد البر ١/ ۶ چاپ دار الکتب العربی در حاشیه الإصابهٔ از ابن حجر و وتفسیر ابن کثیر ۲,۴/۴ و ۳۳۹. چاپ دار المعرفهٔ بیروت.

(٢) زاد المسیر ۲/۴ و ۴

همسرانشان!

و آنها با این وجود ودر چنین تنگنای کشنده ای پیشنهاد کمک از سوی دشمن را رد می کنند!.تا اینکه از آسمان اعلی مستقیما عذرشان پذیرفته وتوبه شان قبول می گردد. دهها نمونه دیگر وجود دارد که به دلیل تنگی وقت صرف نظر می کنیم.

شاگردانی که اینگونه تربیت شوند حدس بزنید که چه ایمان وصداقت وتعهدی خواهند داشت!. چه کسی قدرت وتوانایی وصف وتعبیر ایمان فولادین ووفا وصداقت آنها را دارد؟! این جامعه فرشتگان نیست و حقایق تاریخ درخشان اسلام وسیرت وزندگی شاگردان محمد رسول الله است!.

آری بیست وسه سال شاگردی در یک کلاس ودر خدمت یک استاد ومعلم ومربی با آموزشهای عملی وگذراندن دهها وصدها مرحله از آزمایشات سخت وطاقت فرسایی که تصورش هم برای ما دشوار است!.

پس از آنهمه تحمل و رنج ومشقت وسختی الله مهربان دلهای آنها را همچون شیشه وآینه وبلور صاف وشفاف کرد واعلان نمود که: ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ (الفتح: ١٨) آری و الله متعال پنهانی ها وزوایای تاریک گوشه های قلب آنها را نیز دید ودرخشش نور ایمان وتلألؤ صداقت وتقوا وانعکاس ذکر ودعا وعبادت را در آن مشاهده کرد وپسندید وبعنوان پاداشی در برابر آن همه تلاش ومجاهدت از آنها اعلان رضایت وخوشنودی نمود: ﴿رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ﴾ (المائدة: ١١٩) «الله از آنها راضی شد وآنها نیز از او راضی شدند».

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين والحمد لله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمد لله معز المؤمنين الصادقين ومذل المنافقين الماكرين والصلاة والسلام علي أشرف معلم وأكرم رسول محمد الصادق الأمين وعلى آله الطيبين الطاهرين وصحابته الأبرار المجاهدين ومن تبعهم بإحسان الى يوم الدين.

برادران مؤمن ومسلمان ودوستداران اهل ایمان! رسول گرامی ما – صلی الله علیه وآله وسلم– می فرمایند:

«لاَ تَسُبُّوا أَصْحَابِى و لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدَّ أَحَدِهِمْ وَلاَ نَصِيفَهُ»(١). «اصحاب مرا دشنام ندهید اگر یکی از شما به اندازه کوه احد طلا انفاق کند به اندازه یک مشت یا (حتی) نصف مشت اجر یکی از آنان نمی رسد».

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم– در روایت دیگری فرمودند: «خَيْرُ أُمَّتِى قَرْنِى ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ». «بهترین امت من کسانی هستند که در قرن من زندگی می کنند سپس کسانی که بعد از آنهایند و سپس کسانی که بعد از آنهایند».

(١) صحیح بخاری کتاب فضائل أصحاب النبی – صلی الله علیه وسلم – باب قول النبی – صلی الله علیه وسلم – (لو کنت متخذا خلیلا) حدیث شماره ٣٦٧٣.

در حدیث جالب دیگری فرمودند: «**النُّجُومُ أَمَنَةٌ لِلسَّمَاءِ فَإِذَا ذَهَبَتِ النُّجُومُ أَتَى السَّمَاءَ مَا تُوعَدُ وَأَنَا أَمَنَةٌ لِأَصْحَابِي فَإِذَا ذَهَبْتُ أَتَى أَصْحَابِي مَا يُوعَدُونَ وَأَصْحَابِي أَمَنَةٌ لِأُمَّتِي فَإِذَا ذَهَبَتْ أَصْحَابِي أَتَى أُمَّتِي مَا يُوعَدُونَ**»[1].

«ستاره‌ها امین آسمان هستند و هرگاه ستاره‌ها بروند به آسمان چیزهایی که وعده داده شده است می رسد و ومن امین یاران خویش می‌باشم وزمانی که من بروم به یاران من چیزهای که وعده داده شده است می‌رسد. ویاران من امین امت من می‌باشند زمانی که یاران من بروند به امت من چیزهای که وعده داده شده است می‌رسد».

از حضرت عمر فاروق - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم- فرمودند: «أَكْرِمُوا أَصْحَابی و فَإِنَّهُمْ خِيَارُكُمْ»[2]. «به صحابه من احترام بگذارید که آنها بهترین شما هستند». ودر روایت دیگری آمده است: «**احْفَظُونِي فِي أَصْحَابِي**»[3]. احترام مرا در یاران حفظ کنید.

انس بن مالک - رضی الله عنه - از پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم- روایت نموده که فرمود اند: «آيَةُ الإِيمَانِ حُبُّ الأَنْصَار و وَآيَةُ النِّفَاقِ بُغْضُ الأَنْصَارِ» «**علامت ایمان محبت انصار است وعلامت نفاق بغض انصار است**»[4]. **همچنین در باره انصار فرمودند: «لاَ يُحِبُّهُمْ إِلاَّ مُؤْمِنٌ و وَلاَ يُبْغِضُهُمْ إِلاَّ مُنَافِقٌ**» «آنان را دوست نمی دارد مگر کسی که مؤمن باشد وبا آنان بغض نمی ورزد مگر کسی که منافق باشد»[5].

مسئله مهم دیگری که باید در اینجا یادآور شوم این است که در عصر پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم- کسانی هم بودند که به دلیل ترس از دست دادن جایگاه ومکانت اجتماعی خود یا علل دیگری ظاهرا مسلمان شدند و اما در دل کافر بودند!

در مکه نه منافق بود ونه زمینه پیدا شدن آن و وقتی پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم به مدینه هجرت کردند وغزوهٔ بدر پیش آمد الله متعال اهل ایمان را عزت وقوت بخشید وشرک واهل باطل را خوار وذلیل کرد. اهل باطل در مدینه فهمیدند که پیامبر گرامی - صلی الله علیه وآله وسلم- قدرت را گرفت لذا راه نفاق را در پیش گرفتند!

پس منافقان بدون استثناء همه از اهل مدینه بودند و لذا بر چسب نفاق به هیچکدام از مهاجران که مراحل سخت وامتحانات طاقت فرسایی را پشت سر گذاشته بودند نمی چسبد وبه انصار که قبل از غزوه بدر مسلمان شده وبا پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم- بیعت کرده بودند نیز نمی چسبد.

الله متعال درباره منافقین آیاتی نازل فرمود که تا قیامت تلاوت می شود و صفات وویژگیها وعلامات ونشانه های آنان را به تفصیل بیان فرمود وپیامبر گرامی اش - صلی الله علیه وآله وسلم- را از تمام اسرار آنان حتی اسم ومشخصات کامل آنان آگاه فرمود علاوه بر سورهٔ منافقون سوره

(۱) صحیح بخاری ۳۶۵۰ وصحیح مسلم ۲۵۳۵ واین متن با اختصار از بخاری گرفته شده است.
(۲) صحیح مسلم حدیث ۲۵۳۱.
(۳) امام احمد ونسائی وحاکم با سند صحیح آنرا روایت کرده اند مشکاة المصابیح ۳/ ۱۶۹۵ ومسند احمد با تحقیق احمد شاکر ۱۱۲/۱.
(۴) صحیح بخاری ۱۱۳/۷ وصحیح مسلم ۸۵/۱.
(۵) صحیح بخاری ۱۱۳/۷ وصحیح مسلم ۸۵/۱ از حدیث البراء بن عازب - رضی الله عنه -.

دیگری نازل کرد «توبه» که یکی از نامهای آن فاضحه یعنی رسوا کننده است.

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ۵۶)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد «. اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما صليت على آل إبراهيم وبارك على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد .»

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

موازین وضوابط معامله با مردم

خطبه اول

الحمد لله الذي بعث نبيه محمداً صلى الله عليه وآله وسلم في خير القرون و فهم خيرُ الناس للحقّ قبولاً و واختار له من الصحابة أقواهم تمسكاً به وأصدقهم دخولاً و واصطفى له من القرابة أكملَ الناس عقولاً و فكانوا أقومهم ديناً وأغزرهم علماً و وأشجعهم قلوباً و وأحسنهم فهماً و جاهدوا في الله حق جهاده و فأقام بهم الدين و وفضلهم على جميع العالمين من أتباع الأنبياء والمرسلين.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له إله الأولين والآخرين و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله خاتم النبيين و صلى الله عليه وعلى آله الطيبين و وصحابته العدول الراشدين و وسلم تسليماً كثيراً إلى يوم الدين

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

برادران وخواهران عزیز: مسلمان نسبت به حقوق ووظایف برادر مسلمانش ایمان دارد و خود را پای بند وملزم به احترام وادای حقوق برادر مسلمان می‌داند. مسلمان بر این باور است که ادای حقوق واحترام برادر مسلمان عبادت ونزدیکی به الله است و زیرا این حقوق وآداب را الله متعال واجب کرده است و بناباین باید بخاطر دستور الله آنها را رعایت نمود.

این آداب وحقوق بشرح زیر هستند:

موقع ملاقات با برادر مسلمان قبل از هر چیز به او سلام کند وبگوید: «السلام علیکم و رحمهٔ الله» وباوی مصافحه کند. جواب سلام چنین داده شود. «السلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته» زیرا الله می‌فرماید: ﴿ وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٖ فَحَيُّواْ بِأَحۡسَنَ مِنۡهَآ أَوۡ رُدُّوهَآ ﴾ (النساء: ٨٦)

«هر گاه به شما سلام گفته شد و در جواب آن کلماتی بهتر گفته شود یا بهمان اندازه اکتفا شود».

وقتی برادر مسلمانی عطسه می‌زند «اَلْحَمْدُ لله» می گوید و در جواب عطسه او «يَرْحَمُكَ الله» «الله بر تو رحم کند» و گفته شود وعطسه کننده و در جواب او بگوید: «يَهْدِيْكُمُ الله وَيُصْلِحُ بَالَكُمْ» «الله هدایت‌تان کند وحال تان را بهبود سازد». زیرا رسول اکرم صلی الله وعلیه وسلم فرمود: «هر گاه کسی از شما عطسه زند و شنونده برایش و «يَرْحَمُكَ الله» گوید و ووقتی شنونده «يَرْحَمُكَ الله» گفت و عطسه زننده در جواب او «يَهْدِيْكُمُ الله وَيُصْلِحُ بَالَكُمْ» گوید. (بخاری).

وقتی مسلمانی مریض شود و برادر مسلمان دیگر باید در حق او دعای صحت نموده وعیادتش کند و زیرا در حدیث آمده است:

" **حَقُّ الْمُسْلِمِ علی الْمُسْلِمِ خَمْسٌ : رَدُّ السَّلامِ و وَعِيادَةُ الْمَرِيض و وَاتِّباعُ الْجَنائِز و وإجابَةُ الدَّعْوَةِ و وَتَشْمِيتُ العاطِس** "(متفق عليه).

«هر مسلمان بر مسلمان دیگری پنج حق دارد: ۱- جواب دادن سلام و ۲- عیادت بیمار و ۳- تشیع جنازه و ۴- پذیرفتن دعوت و ۵- جواب گفتن به عطسه.

هرگاه برادر مسلمان با برادر مسلمانش در مورد مسئله‌ای مشورت کند وجویای خیر وصلاح شود و لازم است که راه خیر وصلاح به او گفته شود وديدگاه‌های مفید برایش ارائه گردد و یعنی آنچه را شخص مورد مشورت برای خود مفید می‌داند و همان را به کسی که جویای مشورت است و ارائه دهد. زیرا رسول اکرم صلی الله و علیه وسلم فرمودند: هرگاه برادر مسلمان از شما جویای خیر ومشورت شود و آنچه را که خیر وصلاح می‌دانید و باو ارائه دهید. ودر حدیثی دیگر از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده:

«**الدِّينُ النَّصِيحَةُ» قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: «لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ**» (بخاری)

«دین یعنی خیرخواهی از ایشان سوال شد و خیر خواهی برای چه کسانی؟ فرمود: برای الله و برای کتاب او ورسولش و وبرای ائمه مسلمانان وتوده مردم».

هر آنچه را که مسلمان برای خود می‌پسندد و برای مسلمان دیگر نیز بپسندد وهر آنچه را که برای خود دوست ندارد و برای مسلمان دیگر نیز دوست نداشته باشد.

(هر بد که بخود نمی‌پسندی و با کسی مکن ای برادر من (سعدی)

زیرا رسول اکرم صلی الله و علیه وسلم فرمود: «**لا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَيَكْرَهُ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ**» «مؤمن بودن به طور کامل وبمعنی واقعی کلمه منوط به این است که آنچه را که برای خودتان می‌پسندید برای دیگران پسند کنید و آنچه را که برای خودتان دوست نمی داریدو برای دیگران دوست نداشته باشید ». (متفق علیه). در حدیثی دیگر آمده است: مسلمانان در محبت ودوستی و عطوفت ومهربانی و با همدیگر مانند جسد واحد هستند و هرگاه یک عضو از بدن دچار ناراحتی شود و سایر اعضاء آن احساس ناراحتی نموده ودچار تب می‌شوند. وفرمود: «مؤمن بمنزله ساختمان است که هر بخش آن موجب تقویت بخش دیگر آن است».

بر مسلمان واجب است که مسلمان دیگر را در موقع نیاز وضرورت کمک کند واو را بی یار ومددکار نگذارد. زیرا در حدیث آمده است:

«**انْصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ و أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا و أَفَرَأَيْتَ إِذَا كَانَ ظَالِمًا كَيْفَ أَنْصُرُهُ؟ قَالَ: «تَحْجُزُهُ و أَوْ تَمْنَعُهُ و مِنَ الظُّلْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ**»(متفق علیه).

«برادرت را یاری کن خواه ستمکار باشد یا ستمدیده» از رسول اکرم صلی الله و علیه وسلم اگر مظلوم بود او را یاری کنیم اما چگونه او را کمک کنیم در حالیکه ظالم است؟ فرمودند: دست او را بگیر واز ادامه ظلم وستم اورا منع کن».

وفرمودند: «هر مسلمان که مسلمان دیگر را که حرمت وآبرویش در خطر باشد و کمک کند و الله در مواردی که او نیاز به کمک داشته باشد و او را کمک ویاری می کند». (احمد).

و فرمود: «هر کس از حیثیت وآبروی مسلمان دفاع کند و الله روز قیامت آتش دوزخ را از وی

دور خواهد کرد». (احمد).

مسلمان نباید مسلمان دیگری را اذیت وآزار برساند از تعرض به مال وحیثیت وآبروی مسلمان جدا خودداری شود و زیرا در حدیث آمده است: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلى الْمُسلِمِ حَرامٌ و دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ» «همه چیز مسلمان بر مسلمان دیگر حرام ومحترم استَ و خونشَ و مالش وحیثیت وآبرویش». (مسلم).

برای هیچ مسلمانی شرعا جایز نیست که با برادر مسلمان بیش از سه روز قطع رابطه کند. زیرا رسول اکرم صلی الله و علیه وسلم فرمود: جایز نیست برای مسلمان اینکه بیش از سه روز با برادر مسلمانش قطع رابطه کند و به طوری که موقع ملاقات و از یکدیگر روی گردانند. واز میان دو تن که با هم قهر هستند و کسی بهتر است که شروع به سلام کند وقطع رابطه خاتمه دهد. وفرمود: ای بندگان الله! برادروار زندگی کنید. (متفق علیه).

برای مسلمان جایز نیست که درباره مسلمانی دیگر نیرنگ وفریبکاری کند ودر صدد گول زدن او باشد و زیرا الله می‌فرماید: ﴿ وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ بِغَيۡرِ مَا ٱكۡتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحۡتَمَلُواْ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ٥٨ ﴾ (الأحزاب: ٥٨)

«آنانی که بی جهت مردان وزنان با ایمان را مورد اذیت وآزار قرار می‌دهند و بدون اینکه کاری انجام داده باشند مطمئنا مرتکب بهتان وگناه بزرگی شده‌اند» و ومی‌فرماید: ﴿ وَمَن يَكۡسِبۡ خَطِيٓـَٔةً أَوۡ إِثۡمٗا ثُمَّ يَرۡمِ بِهِۦ بَرِيٓـٔٗا فَقَدِ ٱحۡتَمَلَ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ١١٢ ﴾ (النساء: ١١٢).

«هر کس گناه وخطائی را مرتکب شود وآنرا برگردن بی گناهی بیندازد و مطمنا او مرتکب خطا وگناه آشکاری شده است».

رسول اکرم صلی الله وعلیه وسلم می‌فرماید: «هر کس علیه مسلمانی اسلحه بکشد وهر کس در پی فریب وخدعه مسلمانان باشد و از گروه ما مسلمانان نیست». (مسلم).

ومی‌فرماید: «با هر کس که داد وستد کردی بگو که: خیانت روا نیست» (متفق علیه).

و می‌فرماید: «هر کس عهده‌دار امور ملتی شود ودر حالی بمیرد که ملتش را فریب می‌دهد و الله بهشت را برایش حرام کرده است». (متفق علیه).

و می‌فرماید: «هر کس همسر یا مستخدم کسی را فاسد کند وفریب دهد و از گروه ماه مسلمانان نیست».

بر انسان مسلمان جایز نیست که با مسلمان دیگر فریبکاری کند و یا او را تکذیب نماید ویا در پرداخت قرض‌هایش تاخیر کند. زیرا الله می‌فرماید: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَوۡفُواْ ﴾ (المائدة: ١).

«ای مؤمنان نسبت به معاملات وعهد وپیمان خودپای بند باشید» و ومی‌فرماید: ﴿ وَٱلۡمُوفُونَ بِعَهۡدِهِمۡ إِذَا عَٰهَدُواْۖ ﴾ (البقرة: ١٧٧)

«بندگان خوب کسانی هستند که نسبت به عهد وپیمان‌های خود تعهد دارند ووفاء به عهد می کنند» و ومی‌فرماید: ﴿ وَأَوۡفُواْ بِٱلۡعَهۡدِۖ إِنَّ ٱلۡعَهۡدَ كَانَ مَسۡـُٔولٗا ٣٤ ﴾ (الإسراء: ٣٤).

«به عهدهای‌تان وفا کنید و چون درباره آنها از شما سوال خواهد شد». ورسول اکرم صلی الله و

علیه وسلم می‌فرماید:

«أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا و وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدَعَهَا: إِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ و وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ و وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ و وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ»

«چهار خصلت هستند و هر کس یکی از این خصلت‌ها را داشته باشد و منافق خالص است و مادام که آن را ترک نکرده باشد. آن چهار خصلت بشرح زیر هستند: ۱- خیانت در امانت ۲- دروغ در گفتار ۳- خلاف وعده نمودن ۴- اینکه در خصومت متوسل به بدزبانی ودشنام شود». (متفق علیه).

انسان مسلمان باید از لغزش‌های مسلمان دیگر صرف نظر کند وعیوب او را پنهان نماید ودر صدد کشف اسرار وی بر نیاید و زیرا الله متعال می‌فرماید:

﴿فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱصۡفَحۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣﴾ (المائدة: ۱۳)

«عفو کن واز آنان در گذر بفرما و همانا الله نیکوکاران را می‌پسندد» و ومی‌فرماید: ﴿فَمَنۡ عُفِيَ لَهُۥ مِنۡ أَخِيهِ شَيۡءٞ فَٱتِّبَاعُۢ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَأَدَآءٌ إِلَيۡهِ بِإِحۡسَٰنٖۗ﴾ (البقرة: ۱۷۸)

«هر کس از جانب برادر مسلمانش مورد عفو قرار گرفت و او باید به خوبی حقش را دنبال کند وبدهکار نیز با حسن وخوبی و حق صاحب حق را بپردازد» و ومی‌فرماید: ﴿فَمَنۡ عَفَا وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٠﴾ (الشوری: ۴۰)

«هر کس درگذرد وآشتی کند و پاداش او برعهده الله است». ومی‌فرماید: ﴿وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ﴾ (النور: ۲۲)

«عفو ودرگذر کنید و آیا دوست ندارید که الله از گناهان شما بگذرد».

بر مسلمان واجب است که برادر مسلمانش را در صورت نیاز مساعدت کند ودر تامین نیازها ورفع مشکلات او در حد توان سعی وتلاش کند. زیرا الله عزوجل می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ﴾ (المائدة: ۲)

« ودر بر (نیکی) وپرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید »

هرگاه مسلمانی بنام الله نزد مسلمانی دیگر پناهنده شود و باید باو پناه داده شود و وهر گاه نام الله را واسطه کرد وچیزی خواست و به او داده شود. اگر مسلمانی در حق برادر مسلمانش احسان کند و جبران کرده شود وبرای او در عوض احسانش دعای خیر کند. زیرا در حدیث آمده است: «هر کس بواسطه نام الله از شما پناه طلب کند و پناهش دهید و هر کس بواسطه نام الله از شما چیزی بخواهد و باو جواب رد ندهید و هر کس شما را دعوت کند و بپذیرید و هر کس در حق شما معروفی را انجام دهد جبرانش کنید و اگر چیزی نداشتید که احسان او را جبران کنید و در حق او دعای خیر کنید تا شما اطمینان پیدا کنید که احسان او را جبران کرده‌اید. (احمد و ابوداوود و نسائی وحاکم).

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالَمِيْنْ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِيّنَا مُحَمّدٍ و وَعَلى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إلىَ يَوْمِ الدِّيْن.

أمّا بعد:

برادران وخواهران گرامی:

مسلمان معتقد است که تمام ادیان بجز دین اسلام باطل ومنسوخ هستند وپیروان ادیان دیگر کافر وپیروان دین اسلام مسلمان وپیرو حق می‌باشند و این عقیده بر گرفته از آیات قرآن واحادیث رسول اکرم صلی الله و علیه وسلم می‌باشد و الله می‌فرماید﴿ إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ ﴾ (آل عمران: ۱۹).

«همانا دین حق نزد الله و اسلام است» و ومی‌فرماید: ﴿ وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥ ﴾ (آل عمران: ۸۵). «هرکس دینی سوای اسلام را پیروی کند و هرگز از او پذیرفته نخواهد شد واو روز قیامت جزء زیانکاران خواهد بود» و ومی‌فرماید:

﴿ ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ ﴾ (المائدة: ۳) «امروز دین شما را کامل نموده نعمتهای خود را بر شما اتمام کردم ودین اسلام را برای شما برگزیدم».

آری! بوسیله این اخبار آسمانی وراستین الهی انسان مسلمان یقین دارد که تمام ادیان قبل از اسلام منسوخ شده‌اند ودین واقعی برای تمام بشر اسلام است و الله متعال دینی غیر از اسلام از هیچ کس نمی‌پذیرد وشریعتی غیر از آن را نمی‌پسندد. به کفر کافر راضی نمی‌شود وآنرا تائید نمی‌کند و زیرارضایت به کفر و کفر است. بغض مسلمان نسبت به کافر بخاطر مبغوض بودن او نزد الله متعال است. مادام که الله کافر را بخاطر کفرش مبغوض می‌داند و مسلمان نیز با وی بغض می‌ورزد. مسلمان با کافر مودت وپیمان دوستی ندارد و زیرا الله می‌فرماید:

﴿ لَّا يَتَّخِذِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ ﴾ (آل عمران: ۲۸).

«مؤمنان و مؤمنان را گذاشته باکفار پیمان دوستی بر قرار نکنند» و ومی‌فرماید:

﴿ لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ ﴾ (المجادلة: ۲۲).

«نمی‌یابی قومی را که مؤمن به الله وروز قیات باشند که با دشمنان الله ورسول مودت ودوستی کنند. ولو اینکه آنها پدارن و فرزندان و برادارن وخویشاوندان آنان باشند».

اگر کافر از اهل حرب نباشد و مسلمان درباره او عدالت وانصاف را باید رعایت کند ودر نفع رسانی باو بخل نورزد. زیرا الله می‌فرماید: ﴿ لَّا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَلَمۡ يُخۡرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ أَن تَبَرُّوهُمۡ وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ٨ ﴾ (الممتحنة: ۸).

«الله از احسان ونیکی وانصاف در حق آن عده از کفار که با شما مسلمانان نمی‌جنگند وشما را از خانه وکاشانه بیرون نمی‌کنند و منع نمی‌کند. همانا الله اهل انصاف را می‌پسندد». این آیه کریمه

اقساط با کفار را که عبارت است از عدل وانصاف مباح قرار داده وبجز کفار محارب و کسی دیگر را مستثنی نکرده است و درباره کفاری که در حال جنگ با مسلمانان هستند که در اصطلاح قرآن محارب گفته می‌شوند و قوانین واحکام بخصوصی وجود دارد.

انسان مسلمان موظف است بر اساس قانون بشردوستانه با کفار رفتار نماید یعنی اگر گرسنه شد به او غذا بدهد واگر تشنه بود به او آب دهد و اگر بیمار شود و او را مداوا کند و از موارد هلاکت او را نجات بخشد وبی‌دلیل او را آزار نرساند. زیرا در حدیث آمده است «**ارْحَمُوا مَنْ فِى الأَرْضِ يَرْحَمْكُم مَن فِى السَّماءِ**» (طبرانی وحاکم). «بر اهل زمین ترحم کنید تا آنکه در آسمان است(الله) بر شما رحم کند». وآمده است: «**فِى كُلِّ ذِىْ كَبَدٍ رَطْبَتُهُ أَجْرٌ**» «ترحم به هر موجود زنده موجب پاداش است». (احمد وابن ماجه).

همچنین مسلمان شرعا مجاز نیست که به کافر غیرحربی کوچکترین آزاری برساند خواه آزار مالی باشد یا جانی وروحی. زیرا در حدیث آمده است و الله می‌فرماید: «ای بندگان من و من هر گونه ظلم وستمی را بر خود حرام قرار داده‌ام وآن را میان شما نیز حرام می‌دانم و لذا بر یکدیگر ستم نکنید». (مسلم).

مسلمان باید با سنن وشیوه‌های کفار مخالفت کند ودر اموری که ضروری نیستند از هرگونه مشابهت با آنان جدا خود داری کند. مثلا اگر کافر ریش ومحاسن خود را تیغ می‌زند و مسلمان باید محاسنش را بگذارد و واگر کافر محاسن خود را رنگ نمی‌کند و مسلمان باید از رنگ استفاده کند و در پوشیدن لباس نیز مسلمان باید با شیوه‌های کفار مخالفت کند و زیرا رسول اکرم صلی الله و علیه وسلم می‌فرماید: «**مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ**» «هر کس مشابهت با قومی را اختیار کند از آنها محسوب می گردد» (متفق علیه).

ومی‌فرماید: «با گذاشتن محاسن وکوتاه کردن سبیل‌ها و با کفار مخالفت کنید». ومی‌فرماید: «**إِنَّ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى لا يَصْبُغُونَ و فَخَالِفُوهُمْ**» یعنی یهود ونصاری لحیه ومحاسن خود را خضاب نمی‌زنند و شما مسلمانان در این امر با آنان مخالفت کنید» و یعنی محاسن وموهای سر را حنا رنگ کنید و واز رنگ سیاه خالص بپرهیزید و زیرا در حدیث آمده است و رسول اکرم صلی الله و علیه وسلم فرمودند: «**غَيِّرُوْا هَذَا (الشعرالأبيض) وَاجْتَنِبُوْا السَّوادَ**» «رنگ موهای سفید را تغییر دهید و واز رنگ سیاه خالص بپرهیزید».

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾(الأحزاب:٥٦) و اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

اعتدال ومیانه روی در اسلام

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ الأحزاب: (٧٠ - ٧١)

أما بعد:

الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿ وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَٰكُمۡ أُمَّةٗ وَسَطٗا لِّتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيۡكُمۡ شَهِيدٗاۗ ١٤٣ ﴾ (البقرة: ١٤٣)

«و همچنین شما را امتی وسط گردانیدیم» وسط در لغت: میانه یا مرکز دایره یک چیز است و سپس برای صفات پسندیده به عاریت گرفته شد زیرا هر صفت پسندیده‌ای در میانه افراط وتفریط قرار دارد. پس وسط یعنی برگزیده وبهتر و یا میانه رو. ابن کثیر رحمه الله در اینجا معنای «برگزیده وبهتر» را برای (وسط) یاد کرده ومی فرماید: «از آنجا که الله متعال این امت را و امت برگزیده گردانید و آن را به کامل ترین شریعتها واستوارترین برنامه‌ها وروشن ترین روشها مخصوص ساخت.

چنانکه می‌فرماید: ﴿ وَجَٰهِدُواْ فِي ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦۚ هُوَ ٱجۡتَبَىٰكُمۡ وَمَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمۡ إِبۡرَٰهِيمَۚ ٧٨ ﴾ (الحج: ٧٨) (او شما را برگزید ودر دین هیچ دشواریی بر شما قرار نداد و این دین و آیین پدرتان ابراهیم است...). آری! شما در همه امور دین ودنیا و بهترین امتها ومیانه‌روترین آنها بوده واز هرگونه افراط وتفریط به دور هستید و نه مانند یهود ومشرکان مادیگرا هستید ونه مانند برخی از مسیحیان و روحانی محض و بلکه شما حق جسم وروح - هر دو - را ادا کرده وبا فطرت انسانی هم‌آوا می‌باشید «تا برمردم گواه باشید» یعنی: شما را امت وسط گردانیدیم تا در روز قیامت برای انبیای الهی علیه امتهایشان گواهی بدهید که: ایشان قطعا پیام الله ﷻ را که مأمور تبلیغ آن برای امتهایشان بوده‌اند و به آنها رسانده‌اند «و پیامبر بر شما گواه باشد» یعنی: پیامبرخاتم صلی الله وعلیه وسلم برای شما گواهی‌دهد که پیام الهی را به شما ابلاغ کرده‌است.

در حدیث شریف آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

"يَجِيءُ نُوحٌ وَأُمَّتُهُ و فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: هَلْ بَلَّغْتَ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ أَيْ رَبِّ و فَيَقُولُ لِأُمَّتِهِ: هَلْ بَلَّغَكُمْ؟ فَيَقُولُونَ: لَا مَا جَاءَنَا مِنْ نَبِيٍّ و فَيَقُولُ لِنُوحٍ: مَنْ يَشْهَدُ لَكَ؟ فَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآله

وسَلَّمَ وَأُمَّتُهُ « صحیح بخاری

«نوح علیه السلام در روز قیامت فراخوانده می‌شود و پس به وی گفته می‌شود: آیا پیام الهی را ابلاغ کرده‌ای؟ می گوید: آری! آن‌گاه قومش فرا خوانده می‌شوند وبه آنان گفته می‌شود: آیانوح پیام حق را به شما رساند؟ می گویند: نزد ما هیچ پیامبری نیامده است! آن‌گاه به نوح گفته می‌شود: چه‌کسی برای توگواهی می‌دهد؟ می گوید: محمدصلی الله و علیه وسلم وامتش».

همچنین در حدیث شریف آمده‌است که رسول الله صلی الله و علیه وسلم فرمودند: «**أَنَا وَأُمَّتِی يَوْم الْقِيَامَة عَلَى كَوْم مُشْرِفِينَ عَلَى الْخَلَائِق مَا مِنْ النَّاس أَحَد إِلَّا وَدَّ أَنَّهُ مِنَّا وَمَا مِنْ نَبِيّ كَذَّبَهُ قَوْمه إِلَّا وَنَحْنُ نَشْهَد أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ رِسَالَة رَبّه عَزَّ وَجَلَّ**» (مَرْدَوَيْهِ وَابْن أَبِی حَاتِم)

(من وامتم روز قیامت بر تپه‌ای بلند ومشرف بر خلایق‌قرار داریم و هیچ‌یک از مردم نیست مگر این که آرزو می کند که کاش او هم ازجمله ما بود و وهیچ پیامبری نیست که قومش او را تکذیب کرده‌باشند و مگراین که ما گواهی می‌دهیم که او پیام پروردگار خویش را به آنان رسانده است».

برادران وخواهران گرامی:

اعتدال ومیانه‌روی در بینش و منش وروش و درمان تمامی دردها وحلال تمامی نابسامانی‌های ناشی از پراکندگی و عقب‌افتادگی علمی و اقتصادی و سیاسی واجتماعی است.

برای رویارویی با روند رو به رشد رویکردهای ناروا و کج‌اندیشی‌های کسل کننده وبرداشت‌های خانمان‌برانداز و بر ماست که و منهج میانه‌روی و مفاهیم ومبانی اعتدال را توضیح دهیم وبرای تبلیغ وتقویتش از تمامی تریبونها ورسانه‌ها استفاده نماییم.

موضوع بسیار حساس وحیاتی است و وفکر می‌کنم که یکی از مهمترین اولویتها ومسئولیتهای عالمان و اندیشمندان و مبلغان وتمامی کسانی که خود را حامل پیام پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم به شمار می‌آورند و این است که: برای غبارروبی از آینه اعتدال و چهرهٔ قرآن وسنت صریح پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و از تمامی توان خویش بهره بگیرند.

اساساً "اعتدال ووسطیت" چیست؟

ویژگیها و محورها وضابطه‌هایی را که پایه واساس وسطیت واعتدالند چیست؟

ما برای اصل مهم وحساس وسطیت و در اسلام بیست ویژگی را در نظر گرفته و خدمت شما عزیزان بیان می کنیم.

ویژگیهای مبانی کلی اعتدال ومیانه‌روی:

۱ـ شناخت همه جانبه اسلام با این اوصاف وویژگیها که در برگیرنده‌ی:

"عقاید وجهان‌بینی و احکام وقانونگذاری و علم وعمل و عبادات ومعاملات و ارزشهای اخلاقی وتوانمندیهای بشری و فرهنگ وفرهیختگی و دعوت ودولت و دین ودنیا وتمدن وامت" می‌باشد.

۲ـایمان به مرجعیت ومحوریت قرآن کریم(وحی الهی) وسنت نبوی در جهت قانونگذاری.

۳ـ توجیه‌گری وساماندهی زندگی و همراه با ضرورت شناخت (نصوص جزئی) قرآن وسنت در پرتو"اهداف ومقاصد کلی" اسلام وشریعت اسلامی.همچنین نادرست شمردن بی‌نیازی آن دو

از یکدیگر و یعنی عدم اکتفا به کلیات وکنار نهادن جزئیات و یا بسنده نمودن به فروع وکنار گذاشتن اصول.

۴_ضرورت شناخت روح وماهیت باورها وارزشها و قبل از توجه به شکل وظاهر آنها و واولویت دادن به "اعمال قلوب ودرون" بر "اعمال اعضا وبیرون".

۵_ شناخت منزلت عقل و در فهم دین وزندگی وقبول نکردن تئوری تعارض و میان "نقل صحیح وعقل صریح" یا رودررویی میان وحی الهی وعقل انسانی. زیرا آنها و دو نور مکمل یکدیگرند و وهر یک و از حرمت وحدود خاصی برخوردارند.

سازگاری وهماوایی میان: " مادیت ومعنویت و دنیا وآخرت و ربانیت وانسانیت و وحق آفریدگار وحق آفریده و وبین نوآوری علمی ومادی وارزشهای والای معنوی.

۶_ گفتگوی دلیرانه اهل ایمان_ با بهره گیری از بهترین راهکارها_ با مخالفان ودگراندیشان و اعم از مخالفان اعتقادی و مذهبی و یا مخالفان فکری و سیاسی.(به استثنای آنانی که از در ستم وتجاوزگری وارد می‌شوند)

۷_تاکید بر روی نهادینه‌کردن اصول وارزشهای انسانی اجتماعی وعملی نمودن آنها؛ مانند: عدالت ودادگری و احسان(نیکوکاری و خیرخواهی وعملکرد درست) و شوری و انتخاب وحفظ حقوق وکرامت انسان و....

۸_ثبات وماندگاری درعرصه " مبانی ومقاصد" وانعطاف وتغییرپذیری در میدان "ابزارها وراهکارها" و به عبارت دیگر و محافظت از " اصول وکلیات" ونرمش وانعطاف در عرصه "فروع وجزئیات".

۹_آسانگیری در مسئله "فتوا" وبشارت وعطوفت در فضای "دعوت" واگر تشدد وسختگیری ضرورت پیدا کند و به حفظ "اصول" بسنده گردد وبه حدود "فروع" گام ننهد.

۱۰- ایجاد سازگاری وهماهنگی میان "ثوابت شریعت ومتغیرات وتحولات زمان" ودر نظر گرفتن تحولات زندگی و جغرافیایی واوضاع واحوال اجتماعی در دگرگونی "فتوا وتبلیغ وتعلیم وتربیت".

۱۱_آشتی دادن میان ولاء یا دلبستگی و وابستگی به اهل ایمان وتسامح وآسانگیری با مخالفان ودگراندیشان.

۱۲_ضرورت اهتمام به اصل «جهاد ومقاومت» وفراهم نمودن امکانات لازم در جهت رویارویی با زورگویان ومتجاوزان وصلح وسازش با صلح‌طلبان ومسالمت‌جویان.

۱۳_ تلاش تدریجی خردمندانه درعرصه‌های؛ دعوت و تبلیغ و فتوا و تعلیم واصلاح و زیرا کار تدریجی همانگونه که قانونی طبیعی است و حکمی شرعی نیز هست.

۱۴_ تعاون وهمکاری میان گرایش‌ها وجماعتهای مسلمان بر پایه امور مورد اتفاق و وتسامح وگفتگو در ارتباط با امور اختلافی و تلاش وتعاون در راستای سازندگی وبالندگی وورویگردانی از پراکندگی وویرانگری.

۱۵_ رفتار وتعامل اسلامی ودادگرانه با زنان و مراعات حقوق آنان طبق قرآن وسنت و آزاد

نمودن آنها از قید وبندهای جاهلیت و اموری که هیچگونه ارتباطی با تعالیم تعالی‌بخش اسلام ندارند ودر بسیاری از موارد تماما با آنها در تضادند.

۱۶_ اعتراف ومراعات حقوق اقلیت‌های دینی ومذهبی بر اساس موازین اسلامی وتعامل با آنها براساس خیرخواهی ونیک‌رفتاری وبرادری انسانی.

۱۷_ضرورت تلاش در جهت بازسازی دین از درون واحیای فریضه اجتهاد وتجدید در حدود وچهارچوب آن_یعنی در حوزه "ظنیات نه قطعیات" _اعم از اینکه آن اجتهاد" اختیاری یا انشایی (کلی و یا جزئی) باشد ". البته از جانب جهاتی که اهلیت وشرایطش را داشته باشند.

۱۸_ تلاش جدی در جهت تدوین: " فقه قرآنی ونبوی جدید و فقه سنت‌های حاکم بر نظام هستی و فقه مقاصد شریعت و فقه آینده‌نگری وبرنامه‌ریزی و فقه موازنه‌ها وسنجش بین پدیده‌ها و فقه اولویت میان امور و فقه تمدن وپیشرفت و فقه اختلاف مشروع وتفرق مذموم وفقه واقعیتهای موجود".

۱۹_ بهره گیری بهینه از برترین راهکارهای ارزشی موجود در؛ تجارب علمی و میراث تاریخی وفرهنگ وتمدن اسلامی و همانند: قانون وضابطه محوری فقیهان و اصول گرایی اصولیان و خردگرایی حکیمان و روایت مستند محدثان و وظرافت وزیبایی‌شناسی شاعران وادیبان.

۲۰_انسجام وهماهنگی میان الهام از گذشته وهماوایی و روی آوری به حال وآینده.

أقول قولی هذا و وأستغفر الله لی ولکم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحیم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العَالِمِیْنْ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِینّا مُحَمّدٍ و وَعَلى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إلىَ یَوْمِ الدِّیْن.

أمّا بعد:

عده ای از یاران رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم جمع شدند واز رفتار واعمال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در خانه ودور از چشم مردم از همسران پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم سؤا ل کردند و پس این اعمالی که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در خانه ودور از چشم دیگران انجام می دادند در نظر آنها کم وناچیزآمد و گفتند: همانا پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و الله متعال گناهان قبل وبعدش را بخشوده است و ولی ما به اعمالی بیش از اینها احتیاج داریم تا اینکه الله عزوجل گناهان ما را مورد بخشش قرار دهد؛ پس یکی از آنها با خود عهد کرد که روزه بگیرد وهرگز افطار نکند؛ ودومی با خود عهد کرد که تمام شب را به نماز وعبادت بایستد وهرگز نخوابد واستراحت نکند؛ وسومی با خود عهد کرد که هرگز ازدواج نکند؛ سپس این خبر به رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم رسید. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«**أَنْتُمُ الَّذِینَ قُلْتُمْ كَذَا وَكَذَا و أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لأَخْشَاكُمْ لِلَّهِ وَأَتْقَاكُمْ لَهُ و لَكِنِّي أَصُومُ وَأُفْطِرُ و وَأُصَلِّي وَأَرْقُدُ و وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ و فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي**» (بخاری)

«آیا شما بودید که این حرفها را میزدید و اما من به الله سوگند روزه می گیرم وافطار می کنم وجزئی از شب را به عبادت می ایستم وجزئی دیگر را به استراحت می پردازم و وازدواج می کنم

و پس هر کس از سنت وروش من روی گردانید از من نیست».

والله متعال می فرماید: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعۡدِلُواْۚ ٱعۡدِلُواْ هُوَ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ٨ ﴾ (النساء:۱۳۵)

«ای مؤمنان! به داد برخیزید برای الله» یعنی: به برپاداشتن حق الله ﷻ متعهد باشید وبر آن بپاخیزید؛ به منظور کسب رضا وتعظیم امر وی وبه انگیزه طمع در ثواب وبیم از عقاب وی و نه برای رضای مردم وکسب نام نیک در میان آنان. تعبیر (قوامین) به صیغه مبالغه و مفید آن است که مؤمنان مأمورند تا به بهترین شکل به برپاداشتن حق الهی بپاخیزند «گواهی‌دهندگان به قسط باشید» نه به ستم. قسط: عدل است «و دشمنی قومی و شما را بر ترک عدالت وانداراد» در حق آنان تا گواهی‌ای را که به نفع آنان است و پنهان کنید «عدالت کنید که آن» یعنی عدالت و به تقوا نزدیکتر است و همان تقوایی که نه یک‌بار بلکه همیشه به آن مأمور شده‌اید. یا عدالت کنید که عدالت به پرهیزنمودنتان از آتش دوزخ نزدیکتر است و و از الله پروا دارید و در اوامر ونواهی وی و که الله به آنچه می کنید و آگاه است و این جمله نیز و هم وعده وهم وعید است. رعایت مساوات میان فرزندان وعدم تبعیض میان آنها نیز و از عدالت می‌باشد.

و می فرماید: ﴿ وَٱبۡتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَۖ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنۡيَاۖ ﴾ (القصص:۷۷)

«ودر آنچه الله به تو داده و سرای آخرت را بجوی وبهره ات را از دنیا فراموش نکن» یعنی: در بهره‌برداری از حلال وتکاپو در جهت کسب آن مانند خوردن و آشامیدن و پوشیدن و مسکن وازدواج نیز تلاش متناسب آن را به‌خرج ده زیرا همان گونه که پروردگارت را بر تو حقی است و نفست را نیز بر تو حقی است پس حق هر صاحب حقی را به او بده. در ترتیب الامالی از ابن عمر رضي الله عنه روایت شده که می فرماید: «**اعْمَلْ لِلدُّنْيَا و كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا و وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ و كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا**» «برای دنیایت چنان کار کن که گویی به طورهمیشه زنده هستی وبرای آخرتت چنان کار کن که گویی فردا می‌میری». «و نیکی کن» با بندگان الله «همچنان‌که الله به تو نیکی کرده است» با آنچه‌که از نعمتهای دنیا به تو ارزانی داشته است (و در زمین فساد مجوی) یعنی: در آن به معاصی الله عمل نکن (که الله فسادپیشگان) در روی زمین (را دوست نمی‌دارد) بلکه آنان را دشمن می‌دارد واین سنت وعادت وی است.

همه اینها بر آن دلالت دارد که جایز نیست که در دین دچار غلو وزیاده روی شویم و چه در دعوت کردن دیگران به سوی الله وچه در مورد اعمال ورفتارهایی که متعلق به خاص ما است؛ بلکه باید میانه رو و معتدل ومستقیم باشیم و همانگونه که الله ورسولش مارا به آن توصیه کرده اند.

الله عزوجل درسورهٔ مبارکه انعام آیه ۱۵۳ فرموده است: ﴿ وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِي مُسۡتَقِيمٗا فَٱتَّبِعُوهُۖ وَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمۡ عَن سَبِيلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٥٣ ﴾ (الأنعام: ۱۵۳)

«وبدانید این است راه (راست) من و پس از آن پیروی کنید واز راههای دیگر که شما را از راه او پراکنده می سازد پیروی مکنید اینهاست که الله شما را به آن سفارش کرده است باشد که به تقوا گرایید.]

و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به اصحابشان فرموده اند:
«لَا تُطْرُونِی كَمَا أَطْرَتِ النَّصَارَی عِیسَی بْنَ مَرْيَمَ » (ابن حبان)
«در ستودن وتمجید از من زیاده روی وغلو نکنید همان گونه که نصاری در ستودن عیسی فرزند مریم غلو وزیاده روی کردند».

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه فى قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥٦) و **اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.**

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

نمونه ای از نعمتهای بهشت

خطبه اول

الحمد لله الذي أَعْد لِعِبَادِه الصَّالِحِينَ مَا لا عَيْنٌ رَأَتْ و وَلا أُذُنٌ سَمِعَتْ و وَلا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ و

﴿ فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧ ﴾ (السجدة: ١٧)

و الصلاة والسلام علي خير خلقه المحسن الذي دلنا علي الهداية والجنان وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان الفائزون بالخيرات والنعيم الحسان.

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران : ١٠٢).

«ای مؤمنان ! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.

سپاس پروردگاری را که بهشت ودوزخ را بیافرید وبرای هر کدام یار ویاورانی را نیز خلق نمود؛ بهشت را خانه دوستان ودوزخ را خانه دشمنان خود قرار داد.

درود وسلام بر خاتم پیامبران وبهترین مخلوقاتش که به عنوان دعوتگر به سوی بهشت وتشویق کننده به نعمت‌های آن وبیم دهنده از عذاب دوزخ آمده است.

درود وسلام بر اهل ویاران پیامبر وپیروانشان که برای خدمت وگسترش اسلام ابزار لازم را تدارک دیده وکمر همت بستند و شب‌ها را با نماز واستغفار سپری نمودند وبا پروردگار خود به مناجات پرداختند و قرآن را به ترتیل تلاوت کرده وبا تحمل تشنگی وگرسنگی روزها را روزه می‌گرفتند تا بدین ترتیب خود را به پروردگار خود نزدیک کنند. چون می‌دانستند که معامله جدی است ورهائی از دوزخ بدون آمادگی کامل وبستن کمر همت و میسر ومقدور نیست.

برادران ایمانی! ما بندگان ناچیز الله متعال؛ ایمان ویقین داریم که بهشت ودوزخ حق است و واینکه هر دو وجود دارند وهیچگاه نابود نخواهند شد واز بین نخواهند رفت و کما اینکه نعمت های بهشت نیز جاودانی است.

موحدان ویکتا پرستان (که به دلائلی موقتا وارد دوزخ میشوند) بهر حال روزی با شفاعت شفاعت کنندگان ورحمت ارحم الراحمین از دوزخ نجات خواهند یافت.

بهشت سرای عزت وسعادتی است که الله متعال آنرا برای پرهیزگاران در روز واپسین آماده کرده است. در آن جویها ونهرهای جاری و قصرهای بلند و وهمسران زیبا و مهیا است ودر آنجا همه گونه نعمت است و نعمتهایی که نفس انسان و میل به آنها داشته باشد و وچشم از دیدن آن لذت ببرد و نعمتهایی که قبل از آن هیچ چشمی آنرا ندیده و وهیچ گوشی نشنیده ودر دل هیچ انسانی خطور نکرده است.

چنانکه در حدیث قدسی آمده حضرت ابوهریره - رضی الله عنه - می فرماید: نبی اکرم ﷺ فرمودند: الله متعال می‌فرماید:

أَعْدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لا عَيْنٌ رَأَتْ و وَلا أُذُنٌ سَمِعَتْ و وَلا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ و ذُخْرًا بَلْهَ مَا أُطْلِعْتُمْ عَلَيْهِ» ثمَّ قَرَأَ ﴿ فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧ ﴾(بخاری: ۴۷۸۰)

« برای بندگان نیکوکارم و نعمت‌هایی فراهم وذخیره کرده‌ام که هیچ چشمی آنها را ندیده وهیچ گوشی آنها را نشنیده وبه قلب هیچ انسانی خطور نکرده است. واین نعمت‌ها غیر از آن نعمت‌هایی است که شما از آنها اطلاع دارید». سپس رسول الله ﷺ این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿ فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧ ﴾ یعنی هیچ کس نمی‌داند در برابر کارهای نیکی که انجام می‌دهد و چه نعمت‌های مسرت بخشی برایش و نهفته است.

نه پایان دارد ونه فنا و بهشتی که نعمتهای آن جاودانی است وبهشتیان نیز در آن جاودانه خواهند بود و بی انتها وبی انقطاع و یک وجب آن از تمام دنیا ولذت های دنیا بهتر است و بوی خوش از فاصله چهل سال به مشام می رسد و بزرگترین نعمت آن دیدار پروردگار مهربان است که به عقیده ما اهل سنت و مومنان پروردگارشان را به چشم سر به طور عیان وآشکار ببینند ولذت ببرند.

﴿ وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ ٢٢ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٞ ٢٣ ﴾ (القیامة: ۲۲ - ۲۳)

چهره هایی در آنروز شاداب خواهند بود که به سوی پروردگارشان نظاره خواهند کرد.»

عَنْ جَرِيرٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ فَنَظَرَ إِلَى الْقَمَرِ لَيْلَةً و فَقَالَ: «إِنَّكُمْ سَتَرَوْنَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ هَذَا الْقَمَرَ و لاَ تُضَامُّونَ فِي رُؤْيَتِهِ و فَإِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ لا تُغْلَبُوا عَلَى صَلاةٍ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا فَافْعَلُوا». ثمَّ قَرَأَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ». (بخاری: ۵۵۴)

جریر بن عبد الله رضی الله عنه می‌فرماید: شبی و خدمت نبی اکرم بودیم. ایشان به سوی ماه و نظر کردند وفرمودند: «همینطور که این ماه را می بینید و پروردگارتان را خواهید دید. در این مورد و هیچ مزاحمتی برای شما و وجود نخواهد داشت. (اگر می خواهید دیدار الله متعال نصیب شما شود) سعی کنید بر نمازهای صبح وعصر و مواظبت نمایید. وحتماً این کار را انجام دهید». سپس و آنحضرت این آیه را تلاوت فرمود: (الله متعال را قبل از طلوع وقبل از غروب آفتاب و به پاکی یاد کنید).

در مقابل کافران وناسپاسان که در دنیا از اوامر الله متعال سر پیچی می کنند از نعمت دیدار پروردگار محروم خواهند بود:

﴿ كَلَّآ إِنَّهُمۡ عَن رَّبِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّمَحۡجُوبُونَ ١٥ ﴾ المطففین: ۱۵

«هرگز چنین نیست (که آنها می پندارند) بی گمان آنها در آن روز از (دیدار) پروردگارشان یقیناً محجوب ومحرومند».

کافران از دیدار پروردگارشان محروم وبی نصیبند و کسی که رؤیت پرودگار را توسط مؤمنان نفی می کند بی تردید آنان را در این محرومی بزرگ درکنار کافران قرار میدهد.

بهشت صد درجه دارد که فاصله هر درجه تا درجه دیگر همانند فاصله زمین تا آسمان است و بالاترین درجات بهشت جنۀ الفردوس یا فردوس اعلی است که سقف آن عرش رحمان است و

بهشت هشت دروازه دارد که عرض هر دروازه مانند عرض مکه تا هجر است روزی خواهد آمد که بوسیله اهل ایمان پر(و بلکه شلوغ) شود. کمترین کسی که از بهشت سهم می برد سهم آن مانند ده برابر این دنیا است.

الله متعال می فرماید: ﴿ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ ١٣٣ ﴾ (آل عمران: ۱۳۳) «مهیا شده است برای پرهیزگاران»

همچنین الله متعال در جاودانگی بهشت وبهشتیان می فرماید: ﴿ جَزَآؤُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ ٨ ﴾ (البینة: ۸)

«پاداششان در نزد پروردگارشان باغهای جاودانه ای است که از فرودستِ آن جویباران روان است که در آن برای همیشه جاودان خواهند بود».

دوزخ سرای عذاب وبدبختی است که الله متعال آنرا برای کافران ونافرمانان آماده کرده است و در آن بدترین وشدیدترین انواع عذابها وعقوبتها است و نگهبانان آن فرشتگان سختگیر ودرشت خویند و وکافران همیشه در آن خواهند ماند و غذایشان زقوم ونوشیدنی شان حمیم یا آب جوش است و آتش دنیا یك هفتادم آتش جهنم است و یعنی آتش دوزخ شصت ونه برابر سوزان تر از آتش دنیا است. آتش دوزخ خستگی ندارد هر چه در او انداخته شود بازهم می گوید (هل من مزید) باز هم هست و ودوزخ هفت دروازه دارد که هر دروازه آن بخش مشخصی دارد. الله متعال می فرماید: ﴿ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ﴾ (آل عمران: ۱۳۱) «مهیا شده است برای کافران».

همچنین الله متعال از جاودانگی دوزخ ودوزخیان می فرماید: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمۡ سَعِيرًا ٦٤ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ لَّا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ٦٥ ﴾ (الأحزاب: ۶۴ - ۶۵)

«بی گمان الله کافران را لعنت کرده است وبرایشان آتش فروزان فراهم دیده است که همواره در آنجا جاودانند».

آری برادران مؤمن! به همین دلیل که بهشت ونعمتهای آن جاودانه وپایان ناپذیر است الله متعال ما را تشویق می فرماید که به سوی بهشت بشتابیم: ﴿ وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ ١٣٣ ﴾ (آل عمران: ۱۳۳) «و به سوی آمرزش پروردگارتان و وبهشتی که پهنای آن (به قدر) آسمانها وزمین است و (و) برای پرهیزگاران آماده شده است و بشتابید».

و به همین دلیل که دوزخ وعذاب آن همیشگی ودرد ناك است الله متعال ومهربان از ما می خواهد که از آن حذر کنیم:

﴿ فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ وَلَن تَفۡعَلُواْ فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ٢٤ ﴾ (البقرة: ۲۴)

«پس اگر چنین نکردید - وهرگز نتوانید کرد- از آتشی بترسید که هیزم آن مردم وسنگها است و وبرای کافران آماده شده است».

هشدار دیگر را ملاحظه کنید که الله یگانه ویکتا چگونه ما را می فهماند که از گمراهی باز آییم:

﴿ وَذَرِ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ لَعِبٗا وَلَهۡوٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ وَذَكِّرۡ بِهِۦٓ أَن تُبۡسَلَ نَفۡسُۢ بِمَا

كَسَبَتۡ لَيۡسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٞ وَلَا شَفِيعٞ وَإِن تَعۡدِلۡ كُلَّ عَدۡلٖ لَّا يُؤۡخَذۡ مِنۡهَآۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أُبۡسِلُواْ بِمَا كَسَبُواْۖ لَهُمۡ شَرَابٞ مِّنۡ حَمِيمٖ وَعَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ﴿٧٠﴾ (الأنعام: ٧٠)

«و كسانی را كه آيين خود را به بازيچه وسرگرمی گرفتند و وزندگی دنيا و آنها را فريب داده است و رها كن و وبا اين (قرآن) اندرز شان بده و تا مبادا كسی به (كيفر) آنچه كرده است و (از كردار بد وگناه) گرفتار (و هلاک) شود و (و در قيامت) جز الله؛ نه ياوری دارند و ونه شفاعت كننده ای و و(چنين افرادی) هر فديه ای را به جای خود بدهند و از او پذيرفته نخواهد شد. آنها كسانی هستند كه به (كيفر) آنچه كرده اند؛ گرفتار شده اند و نوشيدنی از آب جوشيده برای آنهاست وعذاب دردناكی؛ بخاطر اينكه كفر می ورزيدند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ شَرُّ ٱلۡبَرِيَّةِ ﴿٦﴾﴾

(البينة: ۶)

«بی گمان كسانی كه كافر شدند از اهل كتاب ومشركان و در آتش جهنم اند كه درآن جاودانه خواهند ماند و آنان بدترين آفريدگان هستند».

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين والحمد لله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه و كما يحب ربنا ويرضى و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبده ورسوله و وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

برادران مسلمان ودوستداران بهشت ونعمتهای جاودانه آن! چنانكه می دانيد الله متعال ومعبود يگانه ومنان با لطف وكرم خود از روز اول زندگی بهشت جاويدان را به ما فروخته است ودر عوض آن جان ومالی كه باز هم از لطف وكرم خود او تعالی است را به عنوان قيمت بهشت از ما خريده است پس ما اهل ايمان با الله متعال معامله كرده ايم وسند اين معامله هم در كلام مجيدش به ثبت رسيده است می خواهيد اين سند را با هم بخوانيم.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱشۡتَرَىٰ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَنفُسَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُم بِأَنَّ لَهُمُ ٱلۡجَنَّةَۚ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقۡتُلُونَ وَيُقۡتَلُونَۖ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ وَٱلۡقُرۡءَانِۚ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ مِنَ ٱللَّهِۚ فَٱسۡتَبۡشِرُواْ بِبَيۡعِكُمُ ٱلَّذِي بَايَعۡتُم بِهِۦۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ﴿١١١﴾﴾ (التوبة: ١١١)

«بی گمان الله از مؤمنان جانهايشان واموالشان را خريده است و به (بهای) اينكه بهشت برای آنها باشد.(بدين صورت كه): در راه الله جنگ می كنند و پس می كشند و وكشته می شوند و (اين) وعده ی حقی است بر او و (كه) در تورات وانجيل وقرآن (آمده است) وچه كسی از الله به عهدش وفا دارتر است ؟! پس شاد باشيد و به داد وستدی كه شما با او كرده ايد و واين همان كاميابی بزرگ است.

پس طبق اين سند ما از خود وجان ومال خود هيچ اختياری نداريم بايد همه را مطابق دستور الله

متعال بکار گیریم به همین دلیل الله متعال از اهل ایمان به ما نمونه نشان داد که خواستاران بهشت که مؤمنان حقیقی هستند اینگونه زندگی می کنند که از عشق وعلاقه بهشت خوابشان نمی برد:

﴿ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ يَدۡعُونَ رَبَّهُمۡ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ١٦ ﴾ (السجدة: ١۶)

«پهلوهایشان از بسترها (در دل شب) دور می شود و پروردگارشان را با بیم وامید می خوانند و واز آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند».

﴿ فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧ ﴾ (السجدة: ١٧)

«پس هیچ کس نمی داند چه پاداشها(ی عظیمی) که مایه ی روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده است و به؛ (پاس) آنچه که (در دنیا) انجام می دادند».

حضرت ابوهریره رضی الله عنه می فرماید: روزی و نزد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نشسته بودیم که فرمودند:

«بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ رَأَيْتُنِي فِي الْجَنَّةِ و فَإِذَا امْرَأَةٌ تَتَوَضَّأُ إِلَى جَانِبِ قَصْرٍ و فَقُلْتُ: لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ؟ فَقَالُوا: لِعُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ. فَذَكَرْتُ غَيْرَتَهُ فَوَلَّيْتُ مُدْبِرًا». فَبَكَى عُمَرُ وَقَالَ: أَعَلَيْكَ أَغَارُ يَا رَسُولَ اللهِ؟». (بخاری: **٣٢۴٢**)

«خواب دیدم که در بهشت هستم. در آنجا چشمم به زنی افتاد که کنار قصری و وضو می گرفت. پرسیدم: این قصر و مال چه کسی است؟ (فرشتگان) گفتند: از آنِ عمر بن خطاب است. بیاد غیرت عمر افتادم. پس پشت کردم ورفتم». عمر با شنیدن این سخنان و به گریه افتاد وعرض کرد: ای رسول الله ! آیا در مورد شما هم به غیرت می آیم؟!

همچنین از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«أَوَّلُ زُمْرَةٍ تَلِجُ الْجَنَّةَ صُورَتُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ لا يَبْصُقُونَ فِيهَا وَلا يَمْتَخِطُونَ وَلا يَتَغَوَّطُونَ و آنِيَتُهُمْ فِيهَا الذَّهَبُ و أَمْشَاطُهُمْ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ و وَمَجَامِرُهُمُ الأَلُوَّةُ و وَرَشْحُهُمُ الْمِسْكُ و وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ زَوْجَتَانِ يُرَى مُخُّ سُوقِهِمَا مِنْ وَرَاءِ اللَّحْمِ مِنَ الْحُسْنِ و لا اخْتِلافَ بَيْنَهُمْ وَلا تَبَاغُضَ و قُلُوبُهُمْ قَلْبٌ وَاحِدٌ يُسَبِّحُونَ اللهَ بُكْرَةً وَعَشِيًّا». (صحیح بخاری: ٣٢۴۵)

«اولین گروهی که وارد بهشت می شوند و چهره هایشان مانند ماه شب چهارده است. در آنجا و آب دهان وبینی نمی اندازند وادرار ومدفوعی نیز وجود ندارد. ظروفشان از طلا و شانه موهایشان از طلا ونقره و وآتشدانهایشان از عود و ساخته شده است. عرقشان و مشک است. هر یک از آنان و دو همسر دارد که از شدت زیبایی و مغز ساقهایشان از ورای گوشت و دیده می شود. آنان و هیچگونه اختلاف وبغض وکینه ای به یکدیگر ندارند. قلوبشان و قلبی واحد است وصبح وشام و الله را تسبیح می گویند».

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب: ۵۶)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك

حميد مجيد ». اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما صليت على آل إبراهيم وبارك على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد .»

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

ارتباط قلبی با الله متعال

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٍ وَٰحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَآءً ۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِى تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبًا ﴿١﴾ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ﴿١٠٢﴾ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡ ۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

برادران وخواهران مسلمان

رسول الله ﷺ كالبدى از خوبى وصفات والا ودر حقيقت قرآنى زنده بودند كه با دو پا روى زمين خاكى بين انسانها قدم ميزدند و وكسى را توان شمردن صفات خوب ايشان نيست و رسول الله ﷺ تجسمى خوبيها وزيبائيها بودند و وهر حركتشان شايان ثنا ومدح.

از اين درياى بى ساحل خوبيهايى چون در ومرجان بيرون ميكشيم.

١. اخلاق پسنديده ونيكوى آن حضرت وصفات كمالشان از چنان مقام والايى برخوردار بود كه پروردگار عالميان در وصف ايشان چنين فرمودند: ﴿ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾ ﴾(القلم: ۴) (تو داراى خوى وصفات پسنديده وافعال حميده هستى).

البته هيچ جاى تعجبى نيست و چه خودشان فرمودند:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الأَخْلَاقِ»

الله متعال مرا برانگيخته تا مكارم برترين اخلاق را كامل كنم[1].

آرى! نفرمودند: قواعد اخلاق را پايه گذارى كنم و بلكه سخن از مكارم اخلاق اخلاق بسيار شايسته زدند.

رسول الله ﷺ نمادى است از اخلاق بسيار والا ونمونه و نه آنچه همه خوش اخلاقها ميتوانند بدان دسترسى داشته باشند!

٢. در رحمت ومهر وشفقت به ملت اسلام وبه تمام بشريت نمادى بودند از آقائى وسرورى و تا بدانجا كه نداى آسمان در حق ايشان چنين فرمود:

(١) به روايت امام طبرانى.

﴿ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٠٧ ﴾ (الأنبياء: ۱۰۷)

«و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

الله متعال در جائی دیگر میفرمایند:

﴿ وَكَانَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَحِيمٗا ٤٣ ﴾ (الأحزاب: ۴۳)

«او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است!»

و در سوره مبارک آلعمران آمده است:

﴿ فَبِمَا رَحۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمۡۖ وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَ ﴾ (آل عمران: ۱۵۹)

«پس به [برکت] رحمت الهی و با آنان نرمخو [و پُرمِهر] شدی و واگر درشت خوی وسخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند».

و خود آن حضرت نیز درباره خویش چنین فرمودند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مُهْدَاةٌ»

«ای مردم من رحمتی هستم که به انسانیت هدیه شده ام[1]».

آری ای مسلمانان با این اخلاق نیکو وپسندیده بود که رسول الله ﷺ توانستند به دلها نفوذ کنند وانسانها را شیفتۀ خود نمایند.

انس بن مالک یار وهمراه پیامبر ﷺ روایت میکند: روزی همراه با رسول الله ﷺ در مسجد بودیم. مردی روستائی از راه رسید و ودر گوشهای از مسجد شروع کرد به ادرار کردن!

یاران پیامبر اکرم ﷺ از دیدن این صحنه مات ومبهوت شده و داد زدند: وای.. وای؟..

پیامبر ﷺ فرمودند: رهایش کنید و وحشت زده اش نکنید!

همه ساکت شدند تا روستائی بیفرهنگ کارش را تمام کرد.

سپس پیامبر ﷺ به نرمی او را صدا زده و با لطافت ومهربانی بدو گفت: این مسجد وخانۀ پروردگار است و ودر آن شاشیدن ویا آشغال ریختن روا نباشد و مسجد جای عبادت وذکر ونیایش پروردگار وتلاوت قرآن است.

سپس یکی را فرستادند تا سطل آبی آورده و بر جایی که نجس شده بود بریزد[2].

از تصاویر مهر وسروری آقایمان به این حکایت گوش فرا دهید:

جوانی پریشان ومست باده ای و خدمت آن حضرت ﷺ رسیده گفت: یا رسول الله! به من اجازه بده زنا کنم!!

افرادی که در آنجا بودند بسیار خشمگین شده سرش داد کشیدند: خفه شو و این چه حرفی است و...

پیامبر اکرم ﷺ در کمال آرامش ومهر وعطوفت به جوان حیران فرمودند: بیا نزدیک من بنشین.

(۱) به روایت امام حاکم والبانی آنرا صحیح شمرده.

(۲) به روایت امام بخاری وامام مسلم.

آن جوان به پیامبر ﷺ نزدیک شد. آن حضرت به آرامی به او فرمودند: آیا زنا را برای مادرت میپسندی؟

جوان شرمسار وپریشان گفت: قربانت گردم سرورم و نه به الله قسم!

پیامبر ﷺ به آرامی فرمودند: وهمچنین دیگران آنرا برای مادرانشان نمیپسندند. آیا فاحشه را برای دخترت میپسندی؟

جوان حیرت زده گفت: فدایت شوم سرورم و نه به الله سوگند.

رسول الله ﷺ در کمال آرامش به او فرمودند: وهمچنین سایر مردم آنرا برای دخترانشان نمیپسندند. آیا زنا را برای خواهرت روا میدانی؟

جوان با شرمندگی گفت: قربانت روم سرورم و نه به الله سوگند.

پیامبر ﷺ فرمودند: وهمچنین دیگران آنرا برای خواهرانشان روا نمیدارند. آیا فاحشه را برای عمهات میپسندی؟

جوان پریشان گفت: نه به الله سوگند و فدایت شوم.

پیامبر فرمودند: وهمچنین دیگر مردم آنرا برای عمههایشان قبول نمیکنند. آیا آنرا برای خالهات روا میداری؟

جوان سرشکسته گفت: نه قسم به پروردگارم و الهی فدایت شوم.

رسول الله ﷺ فرمودند: وهمچنین دیگران آنرا برای خالههایشان روا نمیدارند.

سپس در کمال مهر وشفقت پدری دستان مبارکشان را بر سینهٔ جوان گذاشته وبه درگاه پروردگار عالمیان دعا کردند: بارالها! گناهان این مرد را بیامرز و وقلبش را پاک گردان و وشرمگاهش را حفاظت کن.

از آنروز به بعد آن جوان بسیار نیکوکار وپرهیزکار گشته هرگز با چشم بد به دخترهای مردم نگاه نکرد[1].

این است روش آقا وسرورم؛ رسول الله ﷺ...

با این اسلوب زیبا و وبا مهر وشفقت پدری و پیامبر اکرم ﷺ به قلب آن جوان راه پیدا کرده و زشتی وقباحت آنچه در پی آن بود را برای او روشن نمود. واین باعث شد او جوانی پرهیزکار وپاک دامن وخدا ترس شود.

برادران وخواهران عزیز:

ارتباط قلبی با الله متعال هم یکی از نعمتهای بزرگ پرودگار متعال می باشد واین ارتباط به سبب اعمالی میسر می گردد که خالص برای الله متعال باشد و اعمال قلبی بسیار مهم است و چرا که انسان با آن می‌تواند نزد الله متعال به درجه‌هایی نایل شود و در حالی که نشسته باشد وعملاً کاری انجام نداده باشد و البته این بدین معنا نیست که هرگز کار نیکی انجام ندهد وهرگز نمازی نخواند

(۱) به روایت امام احمد.

و نه و بلکه ممکن است کسان دیگری باشند که بیشتر از شما کار کنند و یعنی بیشتر نماز بخوانند و صدقه بدهند وحج کنند و مساجد را پاکیزه نگه دارند و وطاعتهای دیگر انجام دهند و اما از لحاظ مرتبه ودرجه پایینتر از شما باشند و چرا؟!

زیرا شما با اعمال دل می‌توانید نزد الله متعال مراتب بالاتری را به دست بیاورید و واز آن جهت که کار دل خود در بسیاری مواقع بیشتر از کار اندامهای دیگر و انسان را بالا می‌برد.

برای نمونه ابوبکر صدیق رضی الله عنه به خاطر این که بیشتر از همه نماز شب و روزه وشب زنده‌داری داشت از امت اسلامی پیش نیفتاده است و زیرا چه بسا در میان آنها کسانی دیگری هم بوده‌اند که از ابوبکر رضی الله عنه بیشتر عبادت می کرده‌اند و اما ابوبکر رضی الله عنه به خاطر چیزی که در دلش آرام گرفته بود و گوی سبقت از آنها ربود.

پس اگر این اعمال در سینه‌ی انسان تحقق یابد و او را از کسانی که آن را ندارند و بالاتر می‌برد... این چیزهایی است که باید به آن توجه داشت. شما وقتی نماز می‌خوانید بر می‌خیزید ورکوع می‌کنید و روزه می‌گیرید و می‌آیید ومی‌رویید و رمی جمرات می‌کنید و دور کعبه می‌گردید و وضو می‌گیرید و اینها اعمال اندامهای بدن است و در قضیه‌ی دل کارهایی هست که از اینها کم اهمیت تر نیست و بلکه بالاتر ووالاتر از آن است و با وجود این که لازم است این دو با هم جمع گردند.

اما گاهی انسان با زیرکی و تفکر وایمان خویش به مراتبی می‌رسد بالاتر از کسی که بیشتر از او اعمال ظاهری دارد. ابن قیم رحمه الله می فرماید: «راه خشنودی ومحبت و انسان را حرکت می‌دهد هر چند او در بستر خود آرمیده باشد و و چند مرحله او را پیش می‌برد!».(۱)

اگر انسان با خویشتن خویش بیندیشد ودر درون خود بگوید که هر اتفاقی بیفتد از پروردگار خشنود است و مطمئن است که این برای او بهتر است وبگوید پروردگارا بهتر می‌دانی و من نمی‌دانم تو دانای مطلق هستی و من ناتوانم تو توانایی و تو صاحب عزت هستی ومن خوار وبی‌مقدار و وهمچنان در دل خود این احساس را داشته باشد وبا خود تکرار کند و در دلش این احساسات را بپروراند و یعنی تأمل وتفکر و همین او را نزد الله عزوجل به درجات والایی می رساند و او را به الله متعال نزدیک می گرداند و هر چند دیگران از لحاظ کارهای فیزیکی از او فعالتر باشند.

برادران وخواهران مسلمان... دنیا خانه‌ای است که از سختی ودرد خالی نیست وانسان در آن از غم وغصه در امان نمی‌ماند. رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) می‌فرماید: «**الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ و وَجَنَّةُ الْكَافِرِ**»[مسلم]

«دنیا زندان مومن وبهشت کافر است».

آنکه در حال اهل این زمانه تامل کند خواهد دید افسردگی ودلتنگی ونگرانی به علت دلمشغولی‌های فراوان وبیماری‌های مختلف روانی بسیار شده است. تا جایی که کار برخی از آنان به خودکشی رسیده است. برای همین به شدت نیاز است تا روش ومنهجی که باعث به وجود آمدن

(۱) مدارج السالکین و (۱۷۶/۲) از ابن قیم.

«حیات طیبه» وزندگی خوش می‌شود شناخته شود. روشی که به واسطهٔ آن سینه‌ها گشوده شده وشادی وبهجت وسرور به بار آورد.
برادران وخواهران... این تاملی است در اسباب به دست آمدن این خواسته‌های باارزش واین معانی بلند و بر اساس منهج دو «وحی» یعنی کتاب وسنت و وسیرت سرور پیامبران صلی الله علیه وعلی آله وسلم
نخستین این اسباب محقق گرداندن ایمان به الله متعال است. ایمانی که محبت الله ورسولش را به وجود می‌آورد و واینکه ترس وامید را تنها برای الله قرار دهیم وکارها را به او بسپاریم ودر کنار حدود او بایستیم واز آن تجاوز نکنیم:
﴿ مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾ ﴾ (النحل: ٩٧)
(هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند ومؤمن باشد قطعا او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم ومسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد)
﴿ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّهُۥ مَخْرَجًا ﴾ (الطلاق: ٢)
(... وهر که تقوای الله را پیشه سازد [الله] برایش راه برون رفتی قرار خواهد داد)
سعادت وخوشبختی در طاعت الهی است وشادی وسرور در عبادت او... از سویی دیگر بدبختی با همهٔ معانی خود وتنگی وسختی زندگی به مفهوم کامل خود و در شرک به الله وبدعت در دین ودر گناهان وبدی‌ها است. آنچه انسان بدکار دچار آن می‌شود مانند دلتنگی وسنگدلی وغم وغصه و تنها مجازاتی است زودهنگام وچنانکه ابن قیم رحمه الله می فرماید: جهنمی است در دنیا وپیش از آخرت.
الله متعال می‌فرماید: ﴿ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِى فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةً ضَنكًا ﴾ (طه: ١٢۴)
(هر کس از ذکر (یاد) من روی بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت)
ای انسان مسلمان... بدان تنها کسی که تدبیر امور در دست اوست الله متعال می باشد و واو نست به بندهٔ مومنش از خودش نیز مهربانتر است... پس در برابر او سجده بیاور وبه او اعتماد کن وبه فضل وکرم او امیدوار باش تا زندگی‌ات خوش شود وقلبت آرام گیرد وشادی‌ات افزون گردد واگر بر الله توکل کرده‌ای خود را اسیر خیالات واوهام بد مکن.
﴿ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُۥٓ ﴾ (الطلاق: ٣)
(...و هر کس بر الله توکل کند او برای وی بس است...)
یعنی الله او را در همهٔ کارهایش ودر همهٔ چیزهایی که برایش مهم است و کافی خواهی بود.
سبب دوم برای به دست آوردن خوشبختی صبور بودن است در هنگام مصیبت‌ها وتنگناها...
رسول الله (صلی الله علیه وعلی آله وسلم) می‌فرماید:
«عَجَبًا لأَمْرِ الْمُؤْمِنِ و إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ و وَلَيْسَ ذَاكَ لأَحَدٍ إِلاَّ لِلْمُؤْمِنِ و إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءُ شَكَرَ و فَكَانَ خَيْرًا لَهُ و وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءُ و صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ» (مسلم)

«عجیب است کار مومن که همۀ امورش برایش خیر است و واین خصوصیت نیست مگر برای انسان مومن و که اگر خوبی وخوشی به او برسد شکر کرد و که این برایش خیر خواهد بود واگر ناخوشی وزیانی به او رسد صبر کرد که این نیز برایش خیر خواهد شد» [به روایت امام مسلم]

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العَالَمِينْ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِينّا مُحَمّدٍ و وَعَلى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إلىَ يَوْمِ الدِّيْن.

أمّا بعد:

الله سبحانه وتعالى می فرماید:

﴿ إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ ﴿١٠﴾ ﴾ (الحجرات: ١٠)

«در حقیقت و مؤمنان باهم برادرندپس میان برادرانتان صلح وصفا برقرار کنید»

در صحیح مسلم از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده که فرمودند: «**الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لاَ يَظْلِمُهُ وَلاَ يُسْلِمُهُ**» «مسلمان برادر مسلمان است و نه بر او ستم می‌کند ونه او را وا می‌گذارد ونه او را تسلیم دشمن می‌کند».

از سوی دیگر خُلق وخوی مردم متفاوت بوده و احساسات و علم و ذکاوت و مزاج وادراکشان مختلف وآرزوها ورویکردهایشان گوناگون است ... وهمین امر باعث می‌شود که دعوتگر باید به انتخاب راه [برای برقراری ارتباط ودعوت] بپردازد و وراههای مناسب برای هر یک از این سرشتهای مختلف وعقلهای متفاوت برگزیند.

آری و بعضی از مردم زود خشمگین می‌شوند و وبعضی نرم خوترند و بعضی تحصیلکرده وبعضی بی‌سواد و بعضی در جامعه با قدر ومنزلت‌اند وبرخی دیگر فاقد آن.

و بلکه علی رضی الله عنه در بیانی در توصیف قلوب بصورت کلی می‌فرماید:

همۀ قلب‌ها وحشی ورام نشدنی‌اند وهر کسی با آنها الفت یابد به او استقبال نشان می‌دهند.

علی رضی الله عنه آنها را به حیواناتی غیر اهلی تشبیه کرده که به صورت سرشتی الفت نمی‌شناسند واین مسأله در میدان نصیحت ودعوت آشکار می‌گردد والله اعلم .

آیا کسی راضی می‌شود که جهل یا ناآگاهی ویا تصرف ناشایست در کارها را به او نسبت دهیم. انسانی که جاهل خوانده شود به شدت خشمگین می‌گردد و ولذا می‌بینیم چنانچه اشتباهی به او گوشزد شود عصبانی می‌گردد وبعد از اینکه به حقیقت پی برد در صدد مقابله با آن برمی‌آید از ترس اینکه مبادا جهل [گذشته‌اش] آشکار گردد.

در مجال وعرصه دعوت و شخصی که در صدد ایجاد ارتباط ونزدیکی با وی هستیم دوری می‌گزینند و بلکه شاید به انگیزه دفاع از خود و اذیت وآزار هم برساند و وهر کس که در تربیت دادن غیر اهلی‌ها حکمت وبصیرت به کار برد إن شاء الله در هدایت کردن مردم موفق خواهد بود.

کسی تربیت موفقی دارد که بر جنبه خوب موجود و در مردم تأکید کرده و بدون ارتکاب ریا و به خاطر عنایت واهتمام به تربیت یافتگانش اشتباهات وحماقتهایشان را نادیده بگیرد و تا اینکه به

سرچشمه خیر ونیکی در درونشان نفوذ می‌کند و در این هنگام بذر محبتش در دل تربیت یافتگان کاشته شده واعتمادشان را جلب کرده است.

مقداری سعه صدر واحاطه به سرشت انسانها ضامن تحقق خیر در مردم است به گونه‌ای که تعداد زیادی گمانش را نمی‌برند. باید ملاحظه توانمندیهای مدعو ومستوای احساساتش را نیز اضافه کرد و چیزی به او گفته نشود که عقلش توانایی هضم آن را ندارد که نتیجه آن یا نفرت وسرگردانی است ویا پریشانی خاطر واندیشه وافتادن در تاریکی فتنه وآشوب.

انتخاب اوقات مناسب یکی از نشانه‌های بزرگ وتأثیرگذار حکمت ووجود آن است که بیان جامعی از ابن مسعود رضی الله عنه آن را متبلور نموده است: قلب مردمان گاهی متمایل بوده اقبال می‌کنند. وگاهی هم پشت کرده وبریده‌اند و به هنگام تمایل واقبالشان آنان را دریابید و وبه هنگام بریدن وپشت کردن رهایشان سازید.

در مقابل مسائلی که در مورد اصناف وطبقات مردم و خُلق وخوی‌های متفاوت مردم وملاحظه وقایع ومناسبت‌ها و... گفتیم. دقت نظر در مورد آن چیزی که به سویش می‌خوانیم نیز بسی مهم است وبی‌شک حکمت مقتضی تأمل در مراتب امور دعوت است تا اینکه به ترتیب اهمیت عرضه شوند و ولذا قضایای عقیده واصول دین وآئین در درجه اول قرار می‌گیرد و زیرا اگر این مسائل در بنده‌ای صحیح نباشند و کار نیک وعمل شایسته برایش سودمند نخواهد بود:

﴿ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِٱلْأَخْسَرِينَ أَعْمَٰلًا ﴿١٠٣﴾ ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ وَلِقَآئِهِۦ فَحَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَزْنًا ﴿١٠٥﴾ ﴾ (الکهف: ۱۰۳ – ۱۰۵)

«بگو: آیا به شما خبر دهم زیانکارترین مردم کیست؟* کسانی هستند که کوششهایشان در زندگی دنیا گم ونابود شده با این حال گمان می‌کنند کار نیک انجام می‌دهند. آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان ودیدار او کافر شدند به خاطر همین کفر به مبدأ ومعاد اعمالشان نابود شد و لذا روز قیامت میزانی برای آنان برپا نخواهیم کرد».

در دعوت و هم کلیات هست وهم جزئیات و هم واجبات وهم مستحبات و هم محرمات وهم مکروهات و هم قضایای بزرگ وهم قضایای کوچک ... هر کدام باید جایگاهش شناخته شده وسرجای خودش قرار داده شود.

گمان می‌کنم مسأله واضح‌تر از آن باشد که نیاز به تفصیل سخن باشد وبه عنوان سند ومدرک به روش معاذ بن جبل رضی الله عنه بنگرید که به عنوان نماینده وفرستاده پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم به یمن رفت ومنهج وروشش را پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم با این فرموده خود برایش ترسیم کرد:

«**إِنَّكَ تَقْدَمُ عَلَى قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ و فَلْيَكُنْ أَوَّلَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَى أَنْ يُوَحِّدُوا اللَّهَ تَعَالَى و فَإِذَا عَرَفُوا ذَلِكَ و فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي يَوْمِهِمْ وَلَيْلَتِهِمْ و فَإِذَا صَلَّوْا و فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ زَكَاةً فِي أَمْوَالِهِمْ و تُؤْخَذُ مِنْ غَنِيِّهِمْ فَتُرَدُّ عَلَى فَقِيرِهِمْ**» (بخاری)

«به درستی که به میان قومی از اهل کتاب می‌روی ولذا اولین چیزی که باید آنها را به سویش بخوانی شهادت به وحدانیت الله ورسالت محمد صلی الله علیه وآله وسلم است. اگر در این مورد اطاعت کردند به آنها یاد بده که الله در هر شبانه‌روز پنج وعده نماز بر آنها فرض کرده است. واگر در این مورد اطاعت کردند پس به آنها یاد بده که الله زکات را بر آنها فرض کرده و از ثروتمندانشان گرفته شده وبه فقرایشان داده می‌شود».

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦﴾ (الأحزاب: ٥٦)

و اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

فضیلت دهه اول ماه ذی الحجه

خطبه اول

الحمد لله على ما خَصَّنا به من الفضلِ والإكرام و فما زال يُوالي علينا مواسمَ الخير والإنعام و ما انتهى شهر رمضان حتى أعقبَه بأشهر الحج إلى بيته الحرام. وأشهدُ أنَّ لا إله إلا الله وحده لا شريكَ له في ربوبيته وإلهيته وأسمائه الحسنى وصفاته العظام و وأشهدُ أنَّ محمداً عبده ورسوله. أفضلُ مَنْ صلَّى وصام ووَقَفَ بالمشاعر و وطاف بالبيت الحرام. صلَّى الله عليه وعلى آله وأصحابه البررة الكرام. وسلَّم تسليماً كثيراً. أما بعد:

الله رحمن می فرماید: ﴿وَالْفَجْرِ ﴿١﴾ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿٣﴾﴾ (الفجر: ١-٣) «به سپیده دم (صبحگاهان) سوگند* وبه شبهای ده گانه سوگند* وبه جفت وتاق(هر چیزی) سوگند!» ابن کثیر رحمه الله در تفسیر خود می نگارد: منظور از این ده شب دهه ذی الحجه است همانطور که ابن عباس رضی الله عنهما وابن زبیر رضی الله عنهما ومجاهد ودیگران فرموده اند. (رواه البخاری)

برادران وخواهران مسلمان! الله متعال از بین شهرها مکه را بعنوان بهترین شهرهای دنیا قرار داده. واز بین روزها و روز جمعه وده روز اول ذی الحجه را افضل ترین روزها قرار داده واز بین ماه ها ماه رمضان را واز بین شب ها شب قدر را. فضل واحسان الله بر بندگان از حدود حساب خارج است واز جمله فضل های الله بر بنده گانش این است که مواسم واوقات طاعات وعبادات را برایشان فراهم آورده است و تا در آن مواسم واوقات به اعمال خوب وصالح قیام نموده و وبخاطر کسب رضای الله همه بکوشند. واز جمله ی این مواسم پر فیض وبرکت همین ده روز ذی الحجه است که الله جل جلاله در قرآن کریم به این روزها سوگند یاد کرده است و ودر موضع دیگر میفرماید: ﴿وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾ (الحج: ٢٨) «و نام الله را در روز های مشخص یاد کنند». ابن عباس رضی الله عنهما در تفسیر آن می فرماید: یعنی روزهای دهگانه ذی الحجه/تفسیر ابن کثیر. وهمچنان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم برای استفاده وغنیمت شمردن این روزها مردم را تشویق نموده فرموده اند: **«ما مِنْ أيام العَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا أَحَبُّ إلى اللهِ مِنْ هَذِهِ الأيَّامِ» يَعْني: أيَّامَ العَشْرِ و قَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ و وَلاَ الجِهَادُ في سَبِيلِ اللهِ؟ قَالَ: «ولاَ الجِهَادُ في سَبِيلِ اللهِ و إلاَّ رَجُلٌ خَرَجَ بِنَفْسِهِ و وَمَالِهِ فَلَمْ يَرجِعْ مِنْ ذَلِكَ بِشَيْءٍ»** روایت بخاری. «روزهایی نیست که عبادت در آنها نزد الله محبوب تر وپسندیده‌تر از این ایام (یعنی دهه‌ی اول ذی‌الحجه) باشد» و گفتند: ای رسول الله! حتی جهاد در راه الله نیز از آن محبوب تر نیست؟ فرمودند: «جهاد در راه الله نیز از آن محبوب تر نیست و مگر (جهاد) مردی که با جان ومال خود و برای جهاد خارج شده وهیچ‌کدام را باز نیاورده (شهید شده) باشد». پس بر هر مسلمان عاقل ودانا لازم است این مواسم واوقات را بنهایت خوشی وشادمانی استقبال نموده وغنیمت بشمارند.الله مهربان بر بندگان منت نهاد وراه های مختلف کسب ثواب را برای آنان گشود ودر برابر هر عمل نیک چندین برابر پاداش میدهد و چنانکه می فرماید: ﴿مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ (الأنعام: ١٦٠) «هر کس کار نیکی انجام دهد-پاداش- ده برابر دارد». همچنان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم میفرمایند: **«إِنَّ اللهَ كَتَبَ الحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ ثُمَّ بَيَّنَ ذَلِكَ: فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً وَإِنْ هَمَّ بِهَا**

فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِمَائِةِ ضِعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيْرَةٍ و وَإِنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً و وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً». متفقٌ عليه. «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از الله متعال روایت می کند که: «الله نیکی‌ها وبدی‌ها را نوشت وآنها را روشن کرد و پس هر کس قصد یک کار خوب وثواب کند وانجام ندهد و الله یک حسنه‌ی کامل برای او می‌نویسد و واگر نیت کرد وکار نیک را انجام داد و ده حسنه برای او می‌نویسد وگاهی تا هفتصد حسنه وبیشتر و واگر قصد گناهی نمود وآن را انجام نداد و الله آن را یک حسنه کامل می‌نویسد؛ اما اگر قصد آن معصیت را کرد وآن را انجام داد و الله آن را تنها یک گناه ثبت می‌فرماید». قرآن کریم اصولا مومنان در کارهای خیر تشویق نموده میخواهد از یک دیگر سبقت جویند. وبی توجه به دیگری ویا وجود دیگری در کارهای خیر شتاب ورزند وبا درنگ و زمان را از دست ندهند از ایشان می خواهد که در کارهای خیر از یک دیگر سبقت گیرند ومسابقه برقرار کنند. لذا در دهه ذی الحجه مستحب است مسلمان اعمال زیر را انجام دهد:

نماز: در این ایام زود رفتن برای انجام فرائض در مسجد وبسیار انجام دادن نوافل مستحب است زیرا این اعمال از بهترین اسباب نزدیکی است. ثوبان رضي الله عنه می فرماید: شنیدم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: « **عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ لِلَّهِ فَإِنَّكَ لاَ تَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلاَّ رَفَعَكَ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيئَةً** » روایت مسلم «بر تو باد بسیار سجده کردن برای الله و که تو سجده ای برای الله نمی بری مگر آنکه الله تو را به خاطر آن درجه ای بالا می برد وگناهی از گناهانت پاک می کند» واین فضیلت در تمام سال وجود دارد.

روزه: از هنیده بن خالد رضی الله عنه از همسرش رضی الله عنها از برخی از همسران رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند که: «**كَانَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وآله وسلم- يَصُومُ تِسْعَ ذِى الْحِجَّةِ وَيَوْمَ عَاشُورَاءَ وَثَلاَثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ**». «رسول الله صلی الله علیه وسلم نهم ذی الحجه وروز عاشورا وسه روز از هر ماه را روزه می گرفتند». (روایت امام أحمد وأبوداود والنسائی)
امام نووی رحمه الله درباره روزه ایام ده گانه می فرماید: روزه آن شدیدا مستحب است.

تکبیر وتهلیل وتحمید گفتن: «قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: « ما من أيام أفضل عند الله ولا أحب إليه العمل فيهن من أيام العشر فاكثروا فيها من التهليل والتكبير والتحميد» شعب الایمان «هیچ ایامی بهتر از ایام دهگانه در نزد الله نیست وهیچ عمل صالحی نیست که انجامش در این ایام دهگانه نزد اوتعالی محبوبتر ازاینها باشد؛ پس در آنها بسیار تهلیل (لا اله الا الله) وتکبیر (الله اکبر) وتحمید (الحمدلله) بگویید» نحوه تکبیر: (الله اکبر و الله اکبر و الله اکبر کبیرا) و(الله اکبر و الله اکبر و لا اله الا الله و والله اکبر و الله اکبر و ولله الحمد). (الله اکبر و الله اکبر و الله اکبر و لا اله الا الله و والله اکبر و الله اکبر و الله اکبر و ولله الحمد).

***روزه روز عرفه:** رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد فضیلت روزه گرفتن عرفه می فرماید: «**يُكَفِّرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ وَالبَاقِيَةَ**» رواه مسلمٌ. «کفاره‌ی گناهان سال گذشته وسال آینده می‌شود» .

*** غنیمت شمردن روز قربانی (نحر):** بسیاری از مسلمانان از عظمت وبزرگی این روز

غفلت می ورزند حال آنکه برخی از علما بر این نظر هستند که این روز مطلقا بهترین روز سال است حتی بهتر از روز عرفه. ابن قیم رحمه الله می فرماید: «بهترین روزها نزد الله روز نحر است که همان روز حج اکبر است». چنانکه در سنن ابی داود از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت است که فرمود: « إن أعظم الأيام عند الله يوم النحر و ثم يوم القر». «بزرگترین ایام نزد الله سبحانه وتعالی روز نحر است وپس از آن روز قَرّ» وروز قر یعنی روز استقرار در منی که روز ۱۱ ذی الحجه است وگفته شده است که روز عرفه بهتر است زیرا روزه اش کفاره گناهان دو سال است وهیچ روزی نیست که الله متعال به اندازه روز عرفه انسانها را از آتش آزاد سازد و به این دلیل که در این روز الله متعال به بندگانش نزدیک می شود وبه خاطر اهل موقف (حجاجی که در عرفات وقوف کرده اند) به فرشتگان مباهات می کند. البته قول اول صحیح تر است زیرا حدیثی که درباره آن آمده معارضی ندارد والله اعلم. وچه روز عرفه بافضیلت تر باشد ویا روز نحر و انسان مسلمان چه حاجی باشد چه مقیم باید در به دست آوردن این فضایل واستفاده از فرصت کوشا باشد.

پس چگونه به استقبال این روزهای خیر برویم؟ شایسته است انسان مسلمان با توبه نصوح وصادقانه وبرگشتن از گناهان وترک آنها به استقبال این روزهای خیر برود زیرا این گناهان است که انسان را از فضل پروردگار محروم می سازد. وهمچنین باید با عزم صادق وجدی برای اغتنام این فرصتها از این روزهای مبارک استقبال کنیم وهر که با الله صدق ورزد و الله نیز او را تصدیق خواهد کرد: ﴿ وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴾(العنكبوت: ۶۹) «و کسانی که در راه ما جهاد کردند و قطعا آنها را به راه های خویش هدایت خواهیم کرد» پس برادر وخواهر مسلمان من! تا فرصت هست از آن استفاده ببر. الله ما را بر قدردانی این روزها موفق بدارد.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله وسلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

ای بندگان الله! یکی دیگر از اعمال مشروع در این دهه قربانی کردن است. اصل در قربانی آن است که برای زنده ها مشروع است چنانکه رسول الله صلی الله علیه وسلم واصحابش برای خود وخانواده شان قربانی می کردند اما اینکه برخی از مردم گمان می کنند قربانی تنها برای مرده گان است و صحیح نیست واصل واساسی ندارد. لکن قربانی برای اموات سه حالت دارد:

۱-**به همراه افراد زنده برای آنها نیز قربانی شود؛** مانند اینکه فرد برای خود وخانواده اش قربانی کند وقصدش زنده گان واموات باشد (خویشاوندانش که فوت نموده اند) ودلیل این قول قربانی کردن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم برای خود وخانواده اش است در حالی که برخی از خانواده او فوت کرده بودند.

۲-**اینکه فرد بر اساس وصیت متوفی برایش قربانی کند.**

۳-اینکه فرد به عنوان صدقه برای اموات به طور مستقل قربانی کند: واین جایز است وفقهای حنبلی تقریر نموده اند که ثواب آن به متوفی می رسد (با قیاس بر صدقه) اما آنچه مشخص است این نوع قربانی سنت ومستحب نیست به دلیل آنکه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم برای هیچکدام از وفات کنندگانش به طور خصوصی قربانی ننموده است. نه برای حمزه سید الشهداء رضی الله عنه ونه برای فرزندانش که قبل از ایشان وفات کردند ونه برای همسرش ام المومنین خدیجه رضی الله عنها که از محبوب ترین همسرانش بود. واز هیچکدام از اصحاب پیامبر رضی الله عنهم اجمعین روایت نشده که برای یکی از بستگان متوفی خود به طور خصوصی قربانی کرده باشند. همچنین کاری که برخی از مردم انجام می دهند وسال اول وفات میت برایش قربانی می کنند واعتقاد دارند که در این قربانی نباید هیچ کس را شریک نمود و صحیح نیست. شاید اگر آنها می دانستند می توان از طرف خود وخانواده خود چه زنده گان وچه رفتگان قربانی نمود و چنین نمی کردند.

برادران مسلمان! وقتی شخص نیت قربانی کرد وماه ذی الحجه (چه با رویت هلال وچه با تکمیل ماه ذی القعده) وارد شد؛ بر او حرام می شود که موی خود را کوتاه کند ویا چیزی از آن کم کند ویا ناخن خود را بگیرد ویا هر چیزی از پوست خود بگیرد تا اینکه قربانی را انجام دهد زیرا در حدیث ام سلمه رضی الله عنها از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده که ایشان فرمودند: « إِذَا دَخَلَتِ الْعَشْرُ وَأَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُضَحِّيَ فَلاَ يَمَسَّ مِنْ شَعَرِهِ وَبَشَرِهِ شَيْئًا» صحیح مسلم «اگر ماه ذی الحجه وارد شد ویکی از شما خواست قربانی کند و مو وناخن هایش را نگه دارد [کوتاه نکند]». واگر در وسط دهه ذی الحجه نیت قربانی کرد از زمان نیت این کارها بر او ممنوع می شود واگر قبل از نیت مو ویا ناخن خود را کوتاه کرده بر او اشکالی نیست. پس حکمت این نهی چیست؟ از آنجا که قربانی کننده در برخی از اعمال نسک یعنی قربانی برای الله با حاجیان مشارکت کرده است در برخی از خصوصیتهای احرام نیز با آنها شریک می شود مانند ممنوع بودن گرفتن مو وناخن و... اما خانواده او می توانند این کارها را انجام دهند.

و این حکم خاص قربانی کننده است اما این حکم به خانواده او وکسانی که او از طرف آنها قربانی می کند تعلق نمی گیرد زیرا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «اگر یکی از شما خواست قربانی کند ...» وهمچنین از ایشان صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده که از طرف اهل بیتش قربانی می کردند اما روایت نشده به آنان دستور امساک از این موارد را داده باشد.

اما اگر شخصی که نیت قربانی دارد چیزی از مو یا ناخن ویا پوستش گرفت گناهکار است وباید به الله توبه نماید وبار دیگر تکرار نکند وکفاره ای بر او نیست وهیچ امری بر او تعلق نمی گیرد.

واگر از روی فراموشی یا جهل یا بدون قصد این امور از او صورت گرفت گناهی بر او نیست. اما اگر مجبور شد به علتی این امور را انجام دهد گناهی بر او نیست مثلا اگر ناخنش شکست وراهی جز کوتاه کردن آن نبود یا برای مداوای زخم موجود در سر مجبور به تراشیدن سر شد.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾

(الأحزاب:٥٦)اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم. اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

محبت الله متعال

خطبه اول

الحمد لله الذي عمر قلوب أولياءه بمحبته وطاعته والصلاة والسلام علي أفضل من علمنا الحب الصادق ومودته وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان الي يوم لقاءه بقدرته.

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢)

«ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.

برادران مسلمان! دوستان ومحبان الله متعال! موضوع این هفته ما محبت ودوستی الله متعال است الله متعال ومعبود ذوالجلال ودوست داشتنی مان در کلام مقدسش قرآن کریم می فرماید:

﴿ قُلۡ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمۡ وَأَبۡنَآؤُكُمۡ وَإِخۡوَٰنُكُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ وَعَشِيرَتُكُمۡ وَأَمۡوَٰلٌ ٱقۡتَرَفۡتُمُوهَا وَتِجَٰرَةٞ تَخۡشَوۡنَ كَسَادَهَا وَمَسَٰكِنُ تَرۡضَوۡنَهَآ أَحَبَّ إِلَيۡكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَجِهَادٖ فِي سَبِيلِهِۦ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٤﴾ (التوبة: ٢٤)

« بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادش بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید نزد شما از الله و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است پس منتظر باشید تا الله فرمانش را [به اجرا در]آورد و الله گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند ».

پس سخن از محبت الله ورسول او سخن از یک واجب عینی واز لوازم وضروریات ایمان است که هر مسلمان باید برای تحقق این محبت واقعی وحقیقی بکوشد تا آنرا در قلب خود ایجاد نماید که در غیر آنصورت ادعای ایمان یک ادعای پوچ وبی اساس است.

از حضرت أنس – رضی الله عنه – روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من ولده ووالده والناس أجمعين» «هرگز کسی از شما مسلمان کامل نمی شود تا اینکه من در نزد او از فرزند وپدر وتمام مردم محبوبتر نباشم».به روایت بخاری

پس علامت ایمان ونشانه دوستی ومحبت الله متعال این است که انسان مومن اطاعت الله متعال را بر هر چیز دیگری مقدم بدارد حتی بر محبت دوستان وفرزندان وعزیزان خودش.

اگر کسی واقعا چنین بود بداند که حقیقتا مومن است اما اگر در هنگام ابتلا وآزمایش اطاعت الله متعال را نعوذ بالله زیر پا می گذارد پس بداند که نیازبه تقویت ایمان دارد وباید آنقدر مجاهده وتلاش کند تا اینکه بتواند خواست ومحبت ودوستی واطاعت الله متعال را بر هر چیزی مقدم کند. الله متعال به همه ما توفیق عنایت فرماید.

در حدیث صحیحی که انس رضی الله عنه روایت کرده پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند:
«ثَلاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلاوَةَ الإيمانِ: أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا و وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لا يُحِبُّهُ إِلا لِلَّهِ و وَأَنْ يَكْرَهَ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقْذَفَ فِي النَّارِ». روایت بخاری: ۱۶

«کسی که این سه خصلت را داشته باشد و شیرینی ایمان را می چشد. یکی اینکه: الله ورسولش را از همه بیشتر دوست داشته باشد. دوم اینکه: محبتش با هر کس و بخاطر خوشنودی الله باشد. سوم اینکه: برگشتن به سوی کفر و برایش مانند رفتن در آتش و ناگوار باشد».

آنچه در این حدیث نبوی مطرح شده این است که سه چیز سبب می شود که انسان مومن حلاوت وشیرینی ایمان را بچشد اولین ومهمترینش محبت الله متعال ویگانه ومحبت رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم است.

بنابرین یکی از بارزترین علامات ونشانه های محبت الله متعال اطاعت وپیروی از رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم است و چنانکه الله عزوجل در کلام عزیزش می فرماید: ﴿ قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ۝٣١ ﴾ (آل عمران: ۳۱)

«بگو: اگر الله را دوست می دارید و پس ازمن پیروی کنید و تا الله شما را دوست بدارد و وگناهانتان را برایتان بیامرزد و والله آمرزنده ی مهربان است»

از علامات ونشانه های دوستی ومحبت رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم و علاوه بر اطاعت وپیروی و دوست داشتن سنتهای آن پیامبر محبوب وگرامی وهمچنین درود وسلام بر ایشان است.

همچنین از علامات ونشانه های دوستی ومحبت رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم نصرت کردن ویاری نمودن دین الله متعال وشریعت آن پیامبر گرامی است نصرت ویاری در گفتار وکردار ودعوت ودفاع به هر وسیله مشروع دیگر. کما اینکه از علامات دیگر آن شوق وعلاقه صادقانه وفوق به ملاقات آن سرور محبوب صلی الله علیه وآله وسلم است.

و اما اسباب ووسایلی که محبت الله ورسول صلی الله علیه وآله وسلم را جلب می کند ایمان صادقانه به الله متعال انجام اعمال نیک ومشروع مطابق با سنت رسول بزرگوار صلی الله علیه وآله وسلم وصبر واحسان وو پاکی وغیره است چنانکه الله متعال در آیات فراوانی در این باره سخن گفته است:

﴿ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴾ (آل عمران: ۱۴۸) «و الله نیکوکاران را دوست دارد»

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ ﴾ (البقرة: ۲۲۲)

«به راستی که الله توبه کنندگان را دوست می دارد و(نیز) پاکان را دوست می دارد»

﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا ۝٩٦ ﴾(مریم: ۹۶)

«بی گمان کسانی که ایمان آوردند وکارهای شایسته انجام دادند و (الله) رحمان برای آنها محبتی (در دلها) قرار می دهد.»

تمام اینها اعمالی است که محبت الله ذوالجلال ومحبت رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم را جلب می کند وآنرا در دل انسان مومن می نشاند.

یکی از بارزترین علامات ونشانه های محبت ودوستی صادقانه الله دوری از گناه است و که شخص مُحبّ ودوستدار الله ورسول و باید از گناه وهر آنچه که در نزد الله متعال نکوهیده ومذموم است فاصله بگیرد؛ زیرا ارتکاب گناه انسان را از محبوب دور می کند بلکه با تمام قاطعیت می توان گفت دوستی الله با ارتکاب گناه ومعصیت و قابل جمع نمی باشد:

عالم زاهد ومجاهد عبدالله بن مبارک رحمت الله علیه می فرماید:

تعصي الإله وأنت تظهر حبَّهُ هذا محالٌ في القياس بديعٌ

لو كانَ حبك صادقاً لأطعته إن المحبَّ لمن يحبُّ مُطيعٌ

«الله را نافرمانی می کنی در حالی که اظهار محبت به او می نمایی . این محال است ودر کارها چیز شگفت انگیزی است » « اگر محبت تو صادقانه بود از او اطاعت می کردی و چرا که دوستدار و نسبت به کسی که دوستش می دارد و مطیع وفرمانبردار است».

پس محبت صادقانه اطاعت وتبعیّت بدنبال دارد ودوستی صادقانه ومحبت واقعی در صورتی محقق می گردد که انسان نسبت به خواسته های محبوب از خود عکس العمل نشان دهد وبا عشق وعلاقه سخن محبوبش را گوش کند واز او پیروی نماید .

این اطاعت وپیروی از محبوب نیز باید هم ظاهری وهم باطنی باشد و به این معنا که نباید اطاعتش زبانی باشد بلکه دوستدار واقعی آن کسی است که در ظاهر وباطن ونهان وآشکار مطیع محبوب خود باشد.

بدیهی است که اطاعت وپیروی از محبوب باعث ایجاد محبّت بیشتر می شود ولذا محبّ واقعی هر چه بیشتر در اجرای احکام واوامر ونواهی الهی تلاش وکوشش نماید در واقع زمینه جلب محبّت الهی را بیشتر فراهم خواهد نمود .

بنابراین اطاعت از الله وپرهیز از گناه وترک هوای نفس وامیال نفسانی از نشانه های مهم محبت انسان به الله متعال است .

از دیگر نشانه های محبت انسان به پروردگار خویش اینست که فرد محبّ تنها به الله محبت ورزد وفقط الله را محبوب واقعی خود بداند واو را بر همهء محبوب های دیگر ترجیح دهد وقلبش مملوّ از محبت او باشد وبرای تحقق محبت او تعالی و رسول گرامی ومحبوب ش رااطاعت کند ودوست بدارد .

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين والحمد لله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه و كما يحب ربنا ويرضى و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبده ورسوله و وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

برادران مسلمان ودوستداران الله یگانه ویکتا! بزرگترین سرمایه در این جهان پس از ایمان محبت

ودوستی صادقانه با الله متعال والله ذوالجلال است خوشا به سعادت مومنانی که حقیقتا پروردگارشان را دوست می دارند در راه دوستی ومحبت او حاضرند همه دار وندارشان را فدا نمایند.

زیرا الله متعال ومعبود یگانه وذوالجلال و ذات شکور وقدر شناسی است که بندگانش را به شدت دوست می دارد وبرای پاداش دادن به دنبال بهانه است.

توجه شما را به حدیث قدسی ذیل جلب می کنم:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم : «إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ و وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ و وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ و فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ و وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ و وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا و وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا و وَإِنْ سَأَلَنِي لأُعْطِيَنَّهُ و وَلَئِنِ اسْتَعَاذَنِي لأُعِيذَنَّهُ» (بخاری: ۶۵۰۲)

از ابوهریره – رضی الله عنه – روایت است که رسو ل الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «الله متعال می فرماید: هرکس و با دوستان من دشمنی کند و من با او اعلام جنگ می نمایم. وبنده ام با هیچ چیز محبوبی نزد من به اندازه ی انجام آنچه که بر او فرض قرار داده ام و به من نزدیک نمی شود. وهمچنان با انجام نوافل به من تقرب می جوید تا اینکه محبوب من قرار می گیرد. پس هنگامی که مورد محبتم قرار گرفت و من گوش و چشم و دست وپایش می شوم که بوسیله ی آنها می شنود ومی بیند ومی گیرد وراه می رود. واگر از من طلب کند و به او عطا می کنم واگر پناه بخواهد و او را پناه می دهم».

به قسمت اول این حدیث قدسی اکر دقت کنیم الله متعال ومعبود ذوالجلال از اولیاء ودوستان خودش دفاعی می کند که در تمام دین وشریعت فقط یک بار دیگر (در باره ربا خواری) تکرار شده وآن اعلان جنگ با کسانی است که دوستان الله دشمنی کنند! سبحان الله! چه افتخار وعظمتی که ذات عظیم الله یکتا ومقتدر توانا مستقیما در دفاع از دوستانش با دشمنان آنان وارد جنگ شود! بارالها همه ما را جزو دوستان واقعی خودت بگردان.

آری سروران گرامی! معبود یکتا ویگانه نه تنها خودش دوستانش را دوست می دارد که دوستی ومحبت آنان را در دل سایر بندگانش نیز جای می دهد:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا ٩٦﴾ (مریم: ۹۶)

«بی گمان کسانی که ایمان آوردند وکارهای شایسته انجام دادند و (الله) رحمان برای آنها محبتی (در دلها) قرار می دهد.»

شاید تعجب کنید اما واقعیتی را عرض می کنم که الله ذوالجلال ومعبود محبوب وبخشنده ومهربان وذاتی ودود ودوست داشتنی است بنده ای که خالی از عاطفه ومحبت نسبت به ذات گرامی او باشد واو را دوست نداشته باشد نمی پسندد ذات گرامی ومحبوب ودوست داشتنی او تعالی تنها بندگانی را می خواهد ومی پسندد ودوست می دارد که او را دوست داشته باشند ودستوراتش را به دل وجان بخرند به این آیه کریمه توجه کنید که خطاب به اهل ایمان چه می فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَن يَرۡتَدَّ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى

﴿ٱلۡكَٰفِرِينَ يُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوۡمَةَ لَآئِمٖۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ٥٤﴾

(المائدة: ۵۴)

«ای مؤمنان! هر کس از شما که از دین خود برگردد(به الله زیانی نمی رساند) الله بزودی گروهی را می آورد که آنها را دوست دارد وآنها (نیز) او را دوست دارند و (آنان) در برابر مؤمنان فروتن ودر برابر کافران سر سخت وگردان فراز هستند و در راه الله جهاد می کنند واز سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند و این فضل الله است که به هر کس بخواهد می دهد و والله گشایشگر داناست.»

همه صادقانه دعا کنیم واز ذات بی نیازش عاجزانه بخواهیم که ما را جزو دوستان خودش بپذیرد.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦﴾

(الأحزاب: ۵۶)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد «. اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما صليت على آل إبراهيم وبارك على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد .»

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

حقوق همسایه

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

برادران وخواهران عزیز: الله متعال ما را در باره حقوق همسایه سفارش نموده وفرموده است:

﴿ وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡـٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا وَبِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡجَارِ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡجَارِ ٱلۡجُنُبِ وَٱلصَّاحِبِ بِٱلۡجَنۢبِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخۡتَالٗا فَخُورًا ٣٦ ﴾ (النساء: ٣٦)

«و الله را بپرستید وچیزی را با او شریک نگردانید» در حدیث شریف آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به معاذبن جبل - رضی الله عنه - فرمودند: «آیا می‌دانی که حق الله جَلَّ جَلَالُهُ بربندگان چیست؟ معاذ فرمود: الله ورسولش داناترند. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: این که او را بپرستند وچیزی را با او شریک نیاورند. سپس فرمودند: آیا می‌دانی که اگر این کار را کردند و حق بندگان بر الله جَلَّ جَلَالُهُ چیست؟ معاذ فرمود: الله ورسولش داناترند. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «حق آنان این است که ایشان راعذاب نکند». پس اولین امر واولین فریضه؛ همانا معرفت الله متعال و خواندن وی به‌یگانگی و اطاعت وی و وعدم شرک آوردن به وی در شأن الوهیت وربوبیت وی است و به پدر ومادر احسان کنید در سخن وعمل وانفاق بر آنان در هنگام نیازشان و به خویشان ویتیمان ومسکینان نیز احسان کنید. «و به همسایه خویشاوند» نیز احسان کنید. او کسی است که به همراه همسایگی در مسکن و به انسان نزدیکی نسبی نیز داشته باشد. یا مراد از: ﴿ وَٱلۡجَارِ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ ﴾ همسایه نزدیک ودیوار به دیوار است. «و به همسایه بیگانه» یعنی: بیگانه واجنبی و یا همسایه دور نیز احسان کنید. بعضی گفته‌اند: مراد از آن و همسایه یهودی ونصرانی است. خاطرنشان می‌شود که حق همسایه به حسب نزدیکی ودوری منزل وی تفاوت پیدا می‌کند و پس به هراندازه که منزلش دورتر باشد؛ حق وی هم ضعیف‌تر می‌شود وبه هراندازه که منزلش نزدیکتر باشد و حق وی هم قوی‌تر می‌شود. در حدیث شریف آمده است که رسول‌اکرم

صلی الله علیه وآله وسلم درباره حق همسایه فرمودند: «جبرئیل پیوسته به من درباره همسایه سفارش می کرد تا بدانجا که گمان بردم؛ همسایه از همسایه ارث می‌برد».

«و» احسان کنید «به هم‌نشین در پهلو نشسته» یعنی: به همسر و به رفیق سفر وبه رفیق اقامت در تحصیل علم و یا آموزش صنعت و یا انجام تجارت و یا مانند اینها «و» احسان کنید به «ابن‌السبیل» یعنی: به مسافری که به‌طور گذرا از نزد شما می گذرد و پس بر مقیم است تا به مسافر احسان کند. سبیل: یعنی: راه. بعضی گفته‌اند: مراد از آن و مسافر در راه‌مانده‌ای است که توشه راهش تمام شده باشد. به قولی دیگر: مراد از آن میهمان است «و» احسان کنید «به آن کسی که دست شما مالک وی شده» وایشان غلامان وکنیزان اند و چنانکه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم دستور دادند که غلامان وکنیزان باید از همان غذایی اطعام شوند که مالک آنان می‌خورد واز همان لباسی پوشانده شوند که مالک آنان می‌پوشد. همچنین در حدیث شریف‌آمده است: «برده مستحق غذا وپوشاک خویش است واز کار جز به حد توان خود مکلف نشود». «به تحقیق الله دوست ندارد کسی را که مختال» یعنی: متکبر وبی‌پروا وبی‌ملاحظه باشد بر مردم وبر همسایگان خویش «و فخرفروش باشد» فخر: خود ستایی و برشمردن امتیازات وافتخارات خویش وگردن‌فرازی وخود بزرگ نمایی است. اما اگر کسی نعمت‌های حق تعالی را بر خود به منظور اعتراف به فضل وی و برشمرد و او شکرگزار است وبه واجب شکر حق تعالی قیام ورزیده و لذا سزاوار نکوهش نیست.

همسایه حقوق بسیاری دارد واذیت وآزار او یکی از محرمات است و ابی شریح – رضی الله عنه – می فرماید: پیامبر ﷺ فرمودند:

((**والله لا يؤمن! والله لا يؤمن! قالوا: مَن يا رسول الله؟ قال: الذي لا يأمن جارُه بوائقه**))

«به الله سوگند ایمان ندارد و به الله سوگند ایمان ندارد و به الله سوگند ایمان ندارد و گفتند: یا رسول الله چه کسی ایمان ندارد؟ فرمودند: کسی که همسایه اش از بدی وآزار وی راحت ودر امان نباشد»[1].

پیامبر ﷺ ستایش ومذمت همسایه را مقیاس وملاک نیکی وبدی به همسایه قرار داده اند و عبدالله بن مسعود – رضی الله عنه – می‌فرماید: شخصی به حضرت پیامبر ﷺ گفت: یا رسول الله از کجا بدانم که به همسایه ام نیکی کرده ام یا بدی؟ آن ﷺ فرمودند:

«اگر همسایگانت تو را ستودند دلیل این است که به آنان نیکی کرده‌ای واگر تو را مذمت کردند و پس بدان که به آنان بدی روا داشته‌ای»[2]. اذیت وآزار همسایه صورت‌های گوناگونی دارد مانند این که به همسایه اجازه ندهد که بر دیوار مشترک میخ بکوبد ویا بر آن سقف بزند وهمچنین گرفتن جلوی نور آفتاب وهوا بدون اجازه همسایه و نصب پنجره بدون اجازه همسایه در جایی که در منزل همسایه دید داشته باشد و سر وصدا وآوازهای ناهنجار خصوصاً هنگام خواب واستراحت و زدن فرزندان همسایه و انداختن آشغال جلوی درب همسایه و... واگر گناهی در حق همسایه

(۱) فتح الباری ۱۰ / ۴۴۳.
(۲) مسند احمد ۱ / ۴۰۲ و صحیح الجامع ۶۳۴۸.

انجام گیرد جرم وسزای آن چندین برابر می گردد و پیامبر ﷺ فرمودند:
«اگر مردی با ۱۰ زن زنا کند و گناهش سبکتر است از این که با همسر همسایه اش زنا کند واگر از ۱۰ منزل جداگانه سرقت کند و گناهش کمتر از این است که از خانهٔ همسایه دزدی کند»[۱].
آنهایی که غیاب همسایه را فرصتی برای سرقت وخیانت به او می‌دانند باید منتظر عذاب سخت ودردناک الله باشند.
قرطبی در تفسیر [الجامع لأحکام القرآن الکریم ۱۸۳/۵] می‌فرماید: (احترام نهادن به همسایه مسلمان یا کافر در شریعت الله مورد تاکید قرار گرفته است و احسان گاهی به معنی نیکوکاری می‌آید وگاهی نیز به معنی حسن معاشرت و دست برداشتن از آزار رسانی وپشتیبانی مالی است).
پیامبر الله صلی الله علیه وآله وسلم درباره نیکوکاری در حق همسایه چنین می‌فرمایند:
«کن ورعاً تکن أعبد الناس و وکن قَنعاً تکن أشکر الناس و وأَحِب للناس ما تحب لنفسک تکن مؤمناً و وأحسن مجاورهٔ من جاورک تَکن مسلماً»[۲].
«با تقوا باش تا عابدتراز همه و واهل قناعت باش تا شکرگذارتر از همه باشی و وآنچه را برای خود دوست داری برای مردم نیز دوست دار تا مؤمن و وحقوق همسایگی را رعایت کن تا مسلمان قلمداد شوید».
ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها از پیامبر الله صلی الله علیه وآله وسلم نقل می کند که:
«ما زال جبریل یوصینی بالجار حتی ظننت أنه سیورثه»[۳].
«جبریل آن قدر مرا در خصوص همسایه سفارش کرد که گمان بردم همسایه‌ها از یکدیگر ارث می‌برند».
یکی از مصادیق احسان ونیکوکاری در حق همسایه تقدیم هدیه است. پیامبر الله صلی الله علیه وآله وسلم به ابوذر - رضی الله عنه - فرمودند:
«إذا طبخت مرقاً فأکثر ماءه و ثم انظر أهل بیت من جیرانك فأصبهم منها بمعروف»[۴].
«هرگاه آبگوشت پختید آبش را زیاد کن وسپس مقداری از آن را به صورتی الله پسندانه برای همسایه‌ات بفرست».
تقدیم هدیه تنها به همسایه فقیر اختصاص ندارد بلکه شامل همسایگان ثروتمند وبی‌نیاز هم خواهد شد و وبهترین همسایه کسی است که برخورد وتعامل اجتماعیش بهتر والله پسندانه‌تر باشد و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرمایند:
«خیر الجیران عند الله خیرهم لجاره»[۵].
«بهترین همسایه نزد الله کسی است که حقوق همسایگی را بهتر رعایت نماید».
همسایه خوب ونیکوکار جزو خوشبختی‌های انسان در دنیا به شمار می‌رود و سعد بن ابی وقاص

(۱) ادب المفرد بخاری و ش ۱۰۳.
(۲) ابن ماجه و ابو یعلی وابو نعیم در کتاب الحلیه روایت کرده‌اند وبه درجه حسن نیز رسیده است.
(۳) متفق علیه.
(۴) مسلم روایت کرده است.
(۵) ترمذی و احمد و دارمی وحاکم با سندی صحیح روایت نموده‌اند.

- رضی الله عنه - از پیامبر الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت می کند:

«أربع من السعادة: المرأة الصالحة و والسكن الواسع و والجار الصالح و والمركب الهنیء»(۱).

«چهار چیز در دایره خوشبختی می گنجند: زن نیکوکار و خانه بزرگ وجادار و همسایه خوب ووسیله نقلیه راحت وآرام».

یکی دیگر از نشانه‌های همسایه خوب ومفید این است که وظیفه امر به معروف ونهی از منکر را در حق همسایه‌اش انجام داده ومتناسب با شرایط زمانی ومکانی از این مسؤلیت دینی فروگذار نکند.

آزار رسانی همسایه نیز جزو گناهان کبیره به شمار می‌رود و چون پیامبر الله صلی الله علیه وآله وسلم شدیدترین تهدید را در این باره صادر کرده ومی‌فرمایند:

«والله لا يؤمن و والله لا يؤمن و والله لا يؤمن» قيل: مَن يا رسول الله؟ قال: «الذي لا يأمن جاره بوائقه»(۲).

«قسم به الله ایمان ندارد و قسم به الله ایمان ندارد و قسم به الله ایمان ندارد و عرض کردند: چه کسی ای پیامبر الله! فرمود: آنکه همسایه‌اش از بدیهایش در امان نباشد».

پیامبر الله صلی الله علیه وآله وسلم در یکی از دعاهایش می‌فرمایند:

«اللهم إني أعوذ بك من جار السوء في دار المقامة و فإن جار البادية يتحول»(۳).

«بارالها! از همسایه بد در محل زندگی به تو پناه می‌برم و چون همسایه صحرا وزودگذر دوام ندارد».

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحَمْدُ لِلهِ رَبِّ العَالِمِيْنَ، وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِيِّنا مُحَمّدٍ ﷺ، وَعَلى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إلىَ يَوْمِ الدِّيْنِ.

أمّا بعد:

به پیامبر الله عرض شد که:«إن فلانة تقوم الليل وتصوم النهار، وتفعل وتصدّق، وتؤذى جيرانها بلسانها، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:«لا خير فيها، هى من أهل النار»، وفلانة تصلى المكتوبة وتصدق بأثوار(۴) ولا تؤذى أحداً. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:«هى من أهل الجنة»(۵).

«فلان زن شب زنده‌دار، روزه‌دار واهل کردارهای خوب وصدقه دادن است ولی همسایه‌اش را با زبان آزار می‌دهد، فرمودند:هیچ ارزشی ندارد ودوزخی است، وعرض کردند:فلان زن تنها

(۱) ابن حبان با سندی صحیح روایت کرده است.
(۲) متفق علیه.
(۳) نسائی وبخاری در الادب المفرد با سندی صحیح روایت کرده‌اند.
(۴) اثوار جمع ثور است وبه معنی تکه پنیر محلی است.
(۵)بخاری در الادب المفرد با سندی صحیح روایت کرده است.

نماز واجب ادا کرده وتکه‌های پنیر محلی را نیز صدقه می‌دهد ولی در مقابل هیچ کس را اذیت نمی کند، فرمودند:او بهشتی است».

ایشان در یکی دیگر از احادیث گهربارشان می‌فرمایند:«من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يؤذ جاره»(۱).

«هر که به الله وروز آخرت ایمان دارد نباید همسایه‌اش را آزار دهد».

ای مسلمانان آداب تعامل با همسایه عبارت است از:

(۱) با فرزندان همسایه به نحو شایسته‌ای رفتار نمایید، به عنوان نمونه:با افراد صالح دوستی را برقرار سازید واز ارتکاب گفتار وکردار زشت پرهیز نمایید.

(۲) اموال واملاک آنان اعم از ماشین، چراغ و... را در معرض اذیت وآزار قرار ندهید.

(۳) هرگز با بلند کردن صدا ویا کشیدن نعره ویا بلند کردن صدای رادیو ودستگاه ضبط وصوت همسایگان را مورد آزار قرار ندهید.

(۴) هرگز نباید در خانه با توپ بازی کرد، اگر موجب اذیت کردن همسایه ویا آلوده کردن اثاثیه‌ی منزل شود.

(۵) نباید اشغال را جلو درب خانه‌ی همسایه گذاشت.

(۶) باید به دیدار همسایه رفت ودر غم وشادی آنان شرکت کرد.

(۷) اگر یکی از افراد همسایه بیمار بود، باید به عیادت وی رفت وبرای او دعا کرد وبا کلمات زیبا به تسلی آنان پرداخت.

(۸) نباید از اسرار وراز همسایه اطلاع پیدا کرد ودر صورتی که از آن اطلاع یافت نباید آن‌را فاش نماید.

(۹) نباید از پشت بام ویا از پنجره به داخل خانه‌ی همسایه نگاه کرد.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب:۵۶)

اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار، وآل البيت الأبرار، اللهم إنا نشهدك حب نبيك، وأهل بيت نبيك، وأصحاب نبيك، ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى، اللهم انصر الإسلام والمسلمين، ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين، برحمتك يا أرحم الراحمين، اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها، أنت وليها ومولاها، ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى، وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي، يعظكم لعلكم تذكرون.

(۱)متفق علیه.

حکم مواد مخدر و ضرر های ناشی از آن

خطبه اول

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فهو المهتد ومن يضلل فلا هادى له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله .

قَالَ تَعَالَىٰ: أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ۱۰۲)

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾ (النساء: ۱)

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾ (الأحزاب: ۷۰ – ۷۱)

أما بعد :

فأن أصدق الحديث كتاب الله وخير الهدى هدى محمد ﷺ وشر الأمور محدثاتها وكل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار .

نمازگزاران عزیز الله متعال و انسان را محترم ومکرم خلق نموده واو را با نعمت عقل وفهم وتدبر بر سایر مخلوقات برتری بخشیده است. عقل از مهمترین نعمتهایی است که الله به این انسان خاکی عطا نموده است وبا مزین ساختن وی به این نعمت او را از سایر مخلوقات اعم از حیوانات وجمادات متمایز وویژه ساخته است.

الله ذوالجلال در این باره می فرماید: ﴿وَلَقَدۡ كَرَّمۡنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّمَّنۡ خَلَقۡنَا تَفۡضِيلٗا ٧٠﴾ (الإسراء: ۷۰)

ترجمه : وبه راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم وآنان را در خشکی ودریا [بر مرکبها] نشاندیم واز چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم وآنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

دوستان گرامی مواد مخدر معضلی است که باعث دوری انسان از این نعمت عظیم الهی یعنی عقل وتفکر شده ودر نتیجه آن انسان مصلحت ومنفعت خود را تشخیص نداده وهمانند سایر حیوانات تنها به شهوات وامیال زودگذر دنیایی خویش می نگرد وهرگز به عواقب ونتایج کارهای خود نمی اندیشید.

برادران وخواهران عزیز !آیا میدانید که در استعمال مواد مخدر تجاوز بر نیازمندیهای پنجگانه ایست که اسلام (وسایر ادیان الهی) در راه حفظ ونگهبانی آنها با همه وسایل وامکانات کوشیده اند؟ این ضرورتها ونیازمندیها عبارتند از حفاظت از **دین** و **جان** و **نسل** و **مال** و **عقل** انسان که دین مبین اسلام تجاوز به هر یک از این نیازمندیها را جنایتی بس بزرگ خوانده وبرای حفاظت

از آنها مجازات شدیدی را بر جنایت کاران این نیازمندی ها وضع نموده است.

عزیزان نمازگزار: بدون شک مواد مخدر تاثیرات زیادی بر ضروریات پنجگانه گذاشته و بنیاد واساس آنرا متزلزل وویران می سازد و به طور کلی تاثیرات عمیق این مواد بر این نیازمندیها را میتوان اینگونه واضح ساخت:

الف: - از جمله این نیازمندیها آن چیزیکه به طور مشخص ومستقیما از موادمخدر آسیب پذیر می باشد عقل انسان است و این نعمت بزرگ که پروردگارﷻ به انسان عطا نموده وانسان بوسیله آن راه های خیر وهدایت را درک کرده و وپروردگار خود را عبادت می نماید. الله ﷻ در قرآن کریم عاقلان را در چند موضع تعریف وتمجید نموده است و اما وقتیکه عقل در راه درست وصحیح کار گرفته نشود و جای تاسف است و الله ﷻ از حال دوزخیان در حالیکه آنها فریاد می زنند چنین حکایت میکند: ﴿ وَقَالُواْ لَوۡ كُنَّا نَسۡمَعُ أَوۡ نَعۡقِلُ مَا كُنَّا فِيٓ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ﴾ (الملك: ١٠)

ترجمه: (و دوزخیان می گویند اگر در دنیا گوش فرا می دادیم یا تعقل می کردیم حالا در زمره اهل دوزخ نمی بودیم).

آری عزیزان!به دلیل همین عقل انسان بود که الله آنرا پیشوا وجانشین در روی زمین قرار داد وهمه موجودات را برایش مسخرکرد ولی بازهم قربانی جرعه ای از شراب یا چرک یا افیون ودیگر پلیدی ها میشود! پس افسوس به حال کسیکه عقل خود را قربانی این چنین لذت ها وخوشی های خیالی وکوتاه مدت نموده آنرا تباه وبرباد می دهد و این لذت ومستی های خیالی و آفات ومصایب خطرناکی در پی دارد که انسان را بدتر از حیوانات می سازد و پس چه فرقی است میان شخصیکه عقل خود را توسط شراب به برباد می دهد وشخصیکه بوسیله مواد مخدر آنرا تباه می کند؟!

همه ادیان آسمانی گذشته توجه خاص به این نیازمندیهای پنجگانه داشته اند پس آیا ممکن است و دین اسلام که آخرین ادیان در روی زمین است وهمه خوبیهای خاص وعام را در بر دارد راضی به آن باشد تا فردی از افراد منسوب به آن دیوانه وار چیزی را نداند ویا بطرف دیوانگی روان باشد؟! ابداً اینطور نخواهد بود واین پلیدی ها را ابداً برای آنها اجازه نخواهد داد.

و از سویی دیگر مواد مخدر همانند شراب مسلمان را از ذکر الله متعال واز نماز باز می دارد و این مواد همراه با بی هوشی ونعشگی ومستی و کسالت وضعف را به بارآورده که شاید ساعت ها طول بکشد و الله می فرماید:

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّنتَهُونَ ٩١ ﴾ (المائدة: ٩١)

ترجمه: بی گمان شیطان می خواهد تا به وسیله شراب وقمار دشمنی ونفرت را میان شما ایجاد کند وشما را از ذکر الله واز نماز باز دارد و پس آیا شما از این اعمال ناشایسته اجتناب نمی کنید؟!.

مواد مخدر تاثیرات بسیارخطرناکی را بر جامعه وافراد آن از لحاظ دینی و بهداشتی و اقتصادی و امنیتی وروانی دارد و که این ضررها به تنهایی برای منع وسرزنش استعمال کننده آن کافیست.

استعمال این مواد راه را برای جرم وجنایات بزرگ هموار نموده ومعتاد را به سوی ارتکاب جرم وجنایت می کشاند و شخص معتاد به مواد مخدر بخاطر بدست آوردن این مواد جانش را در خطر مرگ انداخته همه سختی ها را متحمل میشود واگر ناچار آید دست به غارت و دزدی و تجاوز وقتل خواهد زد و وبررسی وتحقیقات زیادی که با بعضی زندانیان صورت گرفته است تأیید وتصدیق کننده آنچه گفتیم می باشد.

مومنان نمازگزار آیا میدانید که یکی از روشهایی که دشمنان اسلام برای تضعیف وسست نمودن مسلمانان ودورساختن آنها از دینشان بکار میبرند و نشر مواد مخدر در جوامع اسلامی است.

آنها با تشویق وحمایت وشراکت مسلمانان نادان وسودجو دست به کشت وتهیه وفروش این مواد خانمان سوز در جوامع بشری وبخصوص در بین خود مسلمانان می زنند. الله متعال در قرآن کریم چه زیبا می فرماید: ﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ ٱسْتَطَٰعُوا۟ ﴿٢١٧﴾﴾ (البقرة: ٢١٧)

ترجمه : وآنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند.

برادران گرامی دشمنی یهود ونصاری ودیگر کفار با اسلام ومسلمین آشکار است اما آنچه انسان را به شگفت ودهشت وا میدارد مشارکت وهمکاری بسیاری از مسلمانان در توزیع وترویج مواد مخدر است! چگونه یک انسان مسلمان حاضر میشود با دست خود برادران وخواهران دینی خود را به فساد وذلت وتباهی بکشاند؟! چگونه او می تواند برای رفاه وآسایش دو روزه این دنیای خویش و رفاه وآسایش را از خانواده های دیگر بستاند؟! همکاری ومشارکت در کشت وترویج وفروش این مواد حتی در بین کفار نیز ممنوع وناجایز است چه برسد که ما آنها را در بین فرزندان خود منتشر سازیم.

و چرا یک انسان عاقل که خود عاقبت استفاده از این مواد واعتیاد به آنها را میداند حاضر است با دست خویش بر عقلش سرپوش نهد وبه مصرف این مواد روی آورد ؟! او که عاقبت مبتلایان به این وبا وطاعون عصر حاضر را دیده ولمس کرده است چگونه عبرت نمیگیرد وبه این گرداب ویرانگر داخل می شود؟!

از الله متعال عاجزانه خواهانیم که شر این بلای خانمانسوز را از سر ما وجوامع اسلامی ما وتمامی بشریت کوتاه کند ومبتلایان به این درد را شفای عاجل نصیب گرداند.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم و أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله رب العالمين و أحمده سبحانه وأشكره و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن نبينا محمداً عبده ورسوله صلى الله وسلم وبارك عليه وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين و أما بعد:

عباد الله:

اتقوا الله تعالى وأطيعوه و واعلموا أن طاعته أقوم وأقوى و وتزودوا فإن خير الزاد التقوى و واحذروا أسباب سخط الجبار فإن أجسامكم على النار لا تقوى و واعلموا أن أصدق الحديث كتاب الله و وخير الهدي هدي محمد صلى الله عليه وسلم و وشر الأمور محدثاتها وكل محدثة بدعة و وعليكم

بالجماعة فإن يد الله مع الجماعة و ومن شذ شذ في النار.

نمازگزاران گرامی و از آنجایی که دین مبین اسلام از جانب الله متعال خالق هستی برای ما انسانها توسط محمد مصطفی _علیه الصلاه والسلام_ به ارمغان آمده است واو تعالی که ما را خلق نموده وخود بر همه چیز آگاه است و بر تمامی نیازها ومصالح ومنافع ما نیز علم مطلق داشته ودر این دین کامل که توسط خاتم پیامبران برای خوشبختی ما فرستاده است و آنچه را که خیر وصلاح دنیا وآخرت ما در آن نهفته را بیان نموده واز تبیین آن هرگز کوتاهی ننموده است. پس بنابر این هرگز معقول نیست که درباره این مواد خانمانسوز وویرانگر که زندگی بسیاری از انسانها را تباه ونابود ساخته است و اظهارنظری نکرده باشد وحکم آنرا بیان ننموده باشد.

آری عزیزان و دین مبین اسلام انسان را به همه خوبی ها واستفاده از هر چیزیکه مفید تمام میشود امر نموده واز هر چیزیکه زیان آور است منع می نماید همانگونه که در حدیث آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند: (لاضرر ولاضرار) حدیث حسن رواه ابن ماجه والدارقطنی وغیرهما مسند . ترجمه: به خود ودیگران زیان مرسان.

به همین منظور دین اسلام استفاده از مواد مخدر را حرام دانسته است چون باعث ضرر جسمی ومفاسد زیادی می شود و وهمانطوریکه شراب وسائر مواد نعشه آور ضررهای بی شماری دارد مواد مخدر نیز با همه انواع واقسامش ضررهای جانی و مالی و اجتماعی واخلاقی را در پی دارد و زیرا علت وانگیزه در بین هر دویکی می باشد.

به همین منظور استفاده و مصرف مواد مخدر و در پی آن فروش و کاشت و تجارت و ... هرگونه مشارکت و مساعدتی در این موارد و بنا بر ادله مختلف شرعی اعم از قرآن کریم وسنت مطهر پیامبر اسلامصلی الله و علیه وسلم واجماع امت وقیاس و حرام شمرده شده که بنده بعلت ضیق وقت بعضی از آنها را برای شما مومنان نمازگزار شرح خواهم داد.

قَالَ تَعَالَىٰ: أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ﴿ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡۚ ﴾ (الأعراف: ۱۵۷)

ترجمه: « آنهائیکه پیامبر نبی امی- ناخوان- را پیروی می کنند که نام او را در نزد خود هم در تورات وهم در انجیل نوشته می یابند و ایشانرا به کارهای معروف یعنی پسندیده امر می کند وایشان را از منکر یعنی اعمال ناپسند باز می دارد و وبرای شان پاکیها را حلال می گرداند وناپاکیها را برای شان حرام می سازد وبارهای سنگین شان و وطوقی (مسئولیت سنگین) را که برگردن شان است برمی دارد».

علما ازآیه مبارکه فوق این اصل مسلم را استنباط نموده اند که هر چیز خوب وپاکیزه مباح وهر چیزپلید وخبیث حرام می باشد. پس اگر ما مواد مخدر را زیر این اصل قرار دهیم آیا انسان عاقل وهوشیار چنین خواهد گفت که این مواد مخدر خوب وپاك ومباح است ؟ گمان نکنم که شخصی چنین بگوید و بلکه تمامی عقلا متفق به پلیدی وحرام بودن مواد مخدر هستند چون ضررها

وزیانهای بی شماری در آن نهفته است که بر همه آشکار وهویدا است.

و یا در آیه ای دیگر الله متعال می فرمایند: ﴿ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا ٢٩ ﴾ (النساء: ۲۹)

ترجمه: وخویشتن را مکشید حقا که الله نسبت به شما مهربان است.

در آیه ای مشابه این آیه نیز الله متعال می فرماید: ﴿ تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ ١٩٥ ﴾ (البقرة: ۱۹۵)

ترجمه: وخود را بدست خویش به هلاکت نیندازید.

این آیه ها حفظ صحت وسلامتی بدن وعدم افگندن نفس را در هلاکت و بر انسان واجب میداند و حال آنکه علم طب ضررهای ناشی از مواد مخدر بر سلامت روحی وجسمی انسان ثابت نموده است و معتاد به این مواد به دیوانگی وحتی مرگ می رساند.

برادران وخواهران مومن ونمازگزار و حال که به خطرات این مواد خانمان سوز پی بردیم ودلایل حرمت وناپاکی آن را دانستیم ونسبت به تاثیرات مخرب آن را در جوامع بشری مطلع شدیم برماست که و دست به دست یکدیگر داده ودر راه ریشه کن نمودن این طاعون عصر با یکدیگر همکاری نماییم. بخصوص پدران ومادران عزیز باید در تربیت فرزندان خویش کوشا باشند وهرگز اجازه ندهند آنها با دوستی افراد ناشایست وآلوده به این مواد به این منجلاب کشیده شده و دنیا وآخرت شان تباه شود. اولیاء ومربیان وتمامی مسئولان باید فراموش نکنند که رسول گرامی اسلام می فرمایند: «کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته». متفق علیه. ترجمه: همه شما سرپرست ومسئول هستید واز تمامی شما در مورد زیر دستانتان سوال می شود.

و هرگز یکی از ما اسیر وساوس شیطان نگردد که خدای ناکرده برای کسب رزق و روزی در راه کشت و نشر و تجارت این سم کشنده گام بردارد و فرزندانش را با مال حرام بزرگ کند و در نهایت عذاب دردناک الهی را برای خود مهیا سازد.

عباد الله: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ۵۶)

وأكثروا عليه من الصلاة يعظم لكم ربكم بها أجرا فقد فقد قال صلى الله عليه وسلم (من صلى علي صلاة صلى الله عليه بها عشرا).

اللهم صل وسلم وبارك على عبدك ورسولك نبينا محمد صاحب الوجه الأنور والجبين الأزهر وارض اللهم عن الأربعة الخلفاء أبي بكر وعمر وعثمان وعلي وعن سائر أصحاب نبيك أجمعين وعن التابعين ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين وعنا معهم بعفوك ومنك كرمك وإحسانك يا أرحم الراحمين.

اللهم أعز الإسلام والمسلمين وأذل الشرك والمشركين ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم آمنا في أوطاننا وأصلح أئمتنا وولاة أمورنا اللهم واصلح قلوبهم وأعمالهم يا ذا الجلال والإكرام.

ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

اللهم اغفر لنا ولجميع المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم والأموات اللهم صل وسلم وبارك على عبدك ورسولك نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين .

آغاز سال نو

خطبه اول

الحمد لله المحول الأحوال ومقدر الأقدار ومدبر الليل والنهار الذي قال : « يأيها الذين آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغدٍ واتقوا الله إن الله خبير بما تعملون» وأصلي وأسلم علي المصطفى المختار وعلى آله وصحبه الأبرار أما بعد :

تقوا و وصیت الله متعال است برای پیشینیان وپسینیان آنجا که می‌فرماید: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ﴾ (النساء: ۱۳۱)

«ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و[نیز] به شما سفارش کردیم که از الله پروا کنید»

از گذر روزها وشب‌ها ودر پی هم رفتن سال‌ها عبرت گیرید که هر گامی انسان را به پایان وگذر هر روز او را به انتها نزدیکتر می‌سازد.

مومنان گرامی الله عزو جل در مورد سال می‌فرماید: ﴿إِنَّ عِدَّةَ ٱلشُّهُورِ عِندَ ٱللَّهِ ٱثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِى كِتَٰبِ ٱللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ مِنْهَآ أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا۟ فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَٰتِلُوا۟ ٱلْمُشْرِكِينَ كَآفَّةً كَمَا يُقَٰتِلُونَكُمْ كَآفَّةً وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ ۝٣٦﴾ (التوبة: ۳۶)

«در حقیقت تعداد ماه‌ها نزد الله از روزی که آسمانها وزمین را آفریده در کتاب الله دوازده ماه است از این [دوازده ماه] چهار ماه حرام است این است آیین استوار پس در این [چهار ماه] بر خود ستم مکنید وهمگی با مشرکان بجنگید چنانکه آنان همگی با شما می‌جنگند وبدانید که الله با پرهیزگاران است»

این ماه‌های قمری است که تعداد آن ۱۲ است که چهار ماه آن حرام است والله از این که در این چهار ماه به خود ستم کنیم ما را بر حذر داشته است وانسان هر گناهی که انجام دهد در واقع به خود ستم ورزیده است... که حدیث ابوبکر رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آن را چنین تفسیر می‌کند: «زمانه به مانند روزی که الله آسمان‌ها وزمین را آفرید چرخیده است: سال دوازده ماه است که چهار ماه آن حرامند: سه ماه پشت سر هم است: ذوالقعده وذوالحجه ومحرم و ورجب که میان جمادی [الثانی] وشعبان قرار دارد»...

سپس فرمودند: "اکنون چه ماهی است؟" گفتیم الله ورسولش داناترند. سپس سکوت نمود تا آنکه فکر کردیم به اسمی دیگر آن را نام خواهد برد. پس فرمود: "آیا این ماه ذی الحجه نیست؟" گفتیم: بله. فرمود: "امروز چه روزی است؟" گفتیم الله ورسولش داناترند. سپس سکوت نمود تا آنکه فکر کردیم به اسمی دیگر آن را نام خواهد برد. فرمود: "آیا امروز روز نحر نیست؟ گفتیم: آری.

فرمود: "پس بدانید که خون‌ها ومال‌ها وناموس‌های شما به مانند حرمت این روزتان در این سرزمین‌تان در این ماهتان بر شما حرام است وبه زودی به دیدار پروردگارتان خواهید شتافت واو از اعمالتان سوال خواهد کرد... پس بعد از من به کفر باز نگردید که گردن یکدیگر را بزنید... هان! حاضر [این پیام را] به غایب برساند که چه بسا برخی از آنانی که غایبند واین پیام به آنها می‌رسد از برخی از آنان که حاضرند بهتر آن را بدانند.." سپس فرمودند: "آیا [این پیام را] رساندم؟" [به روایت بخاری ومسلم]

ای مسلمانان... این است پیام رسول الله – صلی الله علیه وآله وسلم – در حجۀ الوداع که با آن با این سال وبا مردم وداع گفت...

و ما نیز در این روزها وارد سال نو وجدید می شویم پس به اسوه ی خویش محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم اقتدا نموده وایمان خود را تجدید ونو کنیم ویکدیگر را توصیه به تقوای الهی وتوبه وبازگشت مجدد بسوی وی فراخوانیم.

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ۱۴۰۰ سال پیش در آغاز آخرین سال زندگی پرمبارکش و نزدیک کعبه ایستاد تا حقوق بشر را پایه گذارده ومبادی عدالت ومیزان حق را پایدار کند وهمه‌ی انواع ظلم وستم را در عقیده ورفتار واندیشه وارزش‌ها وعبادت ومعاملات و لغو نماید. تا جان‌ها را محترم اعلام کرده وربا را حرام کند وحقوق زنان را تثبیت نماید...

خطابه‌ای که جهان تا آن روز نشنیده بود وتا کنون پژواک آن از ورای قرن‌ها به گوش می‌رسد...

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌دانست که پایان زندگی‌اش نزدیک است و امتی که بنا نموده است در زمین ریشه دوانده وخود را در تاریخ ثبت نموده وصدای اذان به همه جا رسیده است وجماعت‌های نماز بر چهارسوی زمان منتشر شده که اهل آن همه روزه پیش از طلوع خورشید وپس از آن وهنگام زوال آفتاب وپیش از شام به هم می‌رسند وآنانی که او تربیت کرده است این نور را به دیگر نقاط زمین خواهند رساند... این نسلی که رسول الله آنان را تربیت نمود جزئی از رسالتی بودند که او ادا نمود وما گواهی می‌دهیم که او به درستی این رسالت را به انجام رسانید.

و برای همین بود که او سخن می گفت ودر همان حال نیز با امت خویش وداع می‌نمود ودر تار وپود سخنان گهربارشان و خیرخواهی ومحبت واخلاص می درخشید... چه با ارزش است این وصیت ودارای چه اثر بلند مدتی است در تاریخ و برای کسانی که بیاندیشند! وبرای همین است که در پایان این خطابه‌ی نبوی چنین آمده که: "آگاه باشید و حاضران به غایبان برسانند..."

و اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به بهترین وجه این امانت را ادا نمودند والله از همه‌ی آنان راضی وخشنود باد.

ای مسلمانان: این وصایایی که رسول الله _صلی الله علیه وآله وسلم_ در وجدان مردم به جای گذاشت در بر گیرنده‌ی قضایایی فلسفی ویا نظریه‌هایی خیالی نیست... این‌ها مبادی واصولی

است که در کلماتی اندک وآسان جای گرفته وحاوی حقایقی است که دنیا برای سعادت وهدایت به آن‌ها نیازمند است وبا همه‌ی اختصار خود راهنماتر وکاربردی‌تر از تمامی اساسنامه های بین المللی است.

و این از آن جا است که گوینده‌ی آن قلبی مملو از محبت به مردم ومهربانی نسبت به آنان داشت وبسیار نسبت به وصل نمودن مردم به الله وآماده ساختن آنان برای لقای الهی حریص بود وبه این یقین داشت که زندگی صحیح با دوری از خالق ومعبود یکتا ووحی وی ممکن نیست.

مومنان نمازگزار و در این آیه‌ی کریمه وحدیثی که اکنون ذکر شد و الله متعال با رساترین ومختصر ترین عبارت انسان‌ها را از ظلم وستم بر حذر داشته ورسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به اصول مسائل اشاره نموده است زیرا او اصولی جاویدان وقواعدی پایدار را تقریر می‌نماید.

ستم آفتی است که فطرت انسان ونصوص وحی بر بدی آن ونکوهش انجام‌دهنده‌ی آن اتفاق دارند اما گاه این انحراف برخی از مردم را دچار خودخواهی می کند: ﴿ أَفَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنٗاۖ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۖ ﴾ (فاطر: ٨)

«آیا آن کس که زشتی کردارش برای او آراسته شده وآن را زیبا می‌بیند [به مانند مومنان صالح است؟] این الله است که هر که را بخواهد به گمراهی کشانده وهر که را بخواهد هدایت می کند»

ای مسلمانان: زشت‌ترین ستم‌ها شرک به الله متعال است. لقمان به فرزند خود چنین می گوید که: ﴿ وَإِذۡ قَالَ لُقۡمَٰنُ لِٱبۡنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ يَٰبُنَيَّ لَا تُشۡرِكۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ ١٣ ﴾ (لقمان: ١٣)

«ای فرزندم به الله شرک نورز که شرک ستمی است بس بزرگ» ودر سوره‌ی مائده چنین آمده که: ﴿ إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ٧٢ ﴾ (المائدة: ٧٢)

«همانا آنکه به الله شرک ورزد الله بهشت را بر او حرام کرده وجایگاهش آتش است وستمگران یاوری ندارند»

و این برای آن است که الله متعال همان آفریدگار روزی‌دهنده‌ای است که ما را از عدم به وجود آورده ونعمت داده است وهر چه در این جهان است در پیشگاه او خاضع است وهر فضلی به او بر می گردد... او پروردگار است وما بندگان او واوست که هر چه بخواهد می کند... ما را برای عبادت خود آفرید پس چگونه غیر از او عبادت شود! وما را به بندگی خود فرمان داده پس چگونه برای بنده شایسته است بر او شوریده واز دستور آقا وسرورش سرپیچی کند؟

تجدید زمان وگذر سال‌ها یادآور این است که انسان وضعیت رابطه‌ی خود را با الله مورد بررسی قرار داده وایمان وعقیده واعمال واندیشه‌ی خود را بسنجد. زیرا او در حال سیر به سوی الله متعال هست وبه زودی در برابر پروردگار به حساب وکتاب خواهد ایستاد ونامه‌ی عملی که هیچ کوچک وبزرگی را رها نخواهد کرد را بررسی خواهد شد: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدۡحٗا فَمُلَٰقِيهِ ٦ ﴾ (الانشقاق: ۶)

«ای انسان حقا که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی واو را ملاقات خواهی کرد»

ای مسلمانان همچنین از ستم‌هایی که شخص در حق خود انجام می‌دهد انجام دادن گناهان وسهل‌انگاری در انجام واجبات است که هر که به این آلوده شود در واقع به خود ستم ورزیده زیرا خود را به سوی آتش کشانده ودر معرض خشم الله قرار داده است واگر گناهان بدون آنکه کسی در برابر آن بایستد وبدون آنکه کسی در صدد اصلاح برآید در جامعه منتشر گردد بلا وعذاب الهی همه را فراخواهد گرفت واین سنت الهی در مورد امت‌ها وحکومت‌ها واضح ومعلوم است:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَآ أَخَذَ ٱلْقُرَىٰ وَهِىَ ظَٰلِمَةٌ ۚ إِنَّ أَخْذَهُۥٓ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾﴾ (هود: ١٠٢)

«و این گونه بود [به قهر] گرفتن پروردگارت وقتی (اهالی) شهرها را در حالی که ستمگر بودند [به قهر] می گرفت آری [به قهر] گرفتن او دردناك وسخت است»

و از دیگر انواع ستم که در این آیه‌ی کریمه از آن سخن به میان آمده ودر حدیث شریف در مورد آن به تفصیل سخن گفته شده ستم در حق مردم وتجاوز به آنان در جان وناموس ومالشان است وستم زشت تر وقبیح‌تر خواهد بود اگر در قبال نزدیکان وخویشاوندان باشد یا در حق همسر ودختر انسان یا در حق ضعیفان وزیردستان مانند خدمتکاران وکارگران باشد...

متاسفانه برخی‌ها تا احساس قدرت می کنند طغیان وسرکشی نموده وحق دیگران را زیر پا گذاشته وبه تکلیف خود در قبال دیگران عمل نمی کنند: ﴿كَلَّآ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَيَطْغَىٰٓ ﴿٦﴾ أَن رَّءَاهُ ٱسْتَغْنَىٰٓ ﴿٧﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلرُّجْعَىٰٓ ﴿٨﴾﴾ (العلق: ٦ - ٨)

«حقا که انسان سرکشی می کند (۶) همین که خود را بی‌نیاز پندارد (۷) در حقیقت بازگشت به سوی پروردگار توست»

در واقع این آیه برای دلداری ستمدیده ونصیحت ستمگر کافی است که: {همانا بازگشت به سوی پروردگار است}

ظلم و تاریکی واقعی در روز قیامت است ودعای مظلوم به بالای ابرها برده شده ودرهای آسمان برای آن گشوده می‌شود ومیان آن والله هیچ حجابی نیست والله متعال در پاسخ به آن چنین می گوید که: "یاریت خواهم داد حتی اگر پس از مدتها باشد". والله به ظالم فرصت می‌دهد اما اگر او را گرفت دیگر رهایی نخواهد یافت:

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿وَسَيَعْلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ أَىَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾﴾ (الشعراء: ٢٢٧)

«و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت»

هر که در عاقبت ستمگران نظر کند نشانه‌هایی عجیب از عظمت وجبروت الهی را مشاهده خواهد کرد که ممکن است این قصاص الهی در دنیا باشد وچه بسا در آخرت اگر این قصاص رخ دهد بسیار وحشتناك تر خواهد بود:

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱللَّهَ غَٰفِلًا عَمَّا يَعْمَلُ ٱلظَّٰلِمُونَ ۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ

ٱلۡأَبۡصَٰرُ ﴿٤٢﴾ (إبراهیم: ۴۲)

«و الله را از آنچه ستمکاران می کنند غافل مپندار جز این نیست که [کیفر] آنان را برای روزی به تاخیر می‌اندازد که چشمها در آن خیره می‌شود). اشاره ایست به روز قیامت.

آری برادران مومن و ستم وتجاوز به حقوق دیگران وزیر پا نهادن کرامت‌های انسانی باعث بدبختی وافروختن آتش فتنه خواهد بود وستم اگر همه گیر شود باعث فساد وویرانی ونابودی خواهد گردید.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعنا بما فيه من الآيات والذكر الحكيم و أقول قولي هذا واستغفر الله العظيم و لي ولكم وولوالدي ولوالديكم ولسائر المسلمين.

خطبه دوم :

الحمد لله رب العالمين و أحمده سبحانه وأشكره و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن نبينا محمداً عبده ورسوله صلى الله وسلم وبارك عليه وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين و أما بعد:

مومنان نمازگزار و الله متعال این اوقات گرانبها را در اختیار ما قرار داده است تا از آن بهترین استفاده را نموده وتوشه سفر دور ودراز اخروی خود را از آن فرا گیریم .

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿١٨﴾ ﴾ (الحشر: ۱۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را پیشه کنید وهر کسی باید بنگرد که برای فردا[ی خود] چه از پیش فرستاده است و[باز] از الله بترسید در حقیقت الله به آنچه می کنید آگاه است.»

و همچنین الله متعال در آیه دیگری می فرماید:

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ يَوۡمَ تَجِدُ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ مِنۡ خَيۡرٖ مُّحۡضَرٗا وَمَا عَمِلَتۡ مِن سُوٓءٖ تَوَدُّ لَوۡ أَنَّ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَهُۥٓ أَمَدَۢا بَعِيدٗاۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ ﴿٣٠﴾ ﴾ (آل عمران: ۳۰)

«روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده وآنچه بدی مرتکب شده حاضر شده می یابد وآرزو می کند کاش میان او وآن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود والله شما را از [کیفر] خود می ترساند و[در عین حال] الله به بندگان [خود] مهربان است.»

قال عمر رضی الله عنه: "حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا وزنوا اعمالکم قبل ان توزنوا" .

حضرت عمر رضی الله عنه می فرمایند: "نفس خود را محاسبه نمایید قبل از اینکه شما را به حساب بکشانند واعمال خود را سبک وسنگین نمایید قبل از اینکه آن را در میزان اعمال الهی قرار دهند."

شاعر شیرین سخن سعدی شیرازی چنین می گوید:

بامدادی که تفاوت نکند لیل ونهار
خوش بود دامن صحرا وتماشای بهار
بلبلان وقت گل آمد که بنالند از شوق
نه کم از بلبل مستی تو و بنال ای هشیار

آفرینش همه تنبیه خداوند دلست
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در ودیوار وجود
هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
کوه ودریا ودرختان همه در تسبیح‌اند
نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار
خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند
آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار
هر که امروز نبیند اثر قدرت او
غالب آنست که فرداش نبیند دیدار
تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش
حیف باشد که تو در خوابی ونرگس بیدار

پس بر ماست که از این نعمت عظیم الهی که همانا اوقات وایام می باشد و استفاده کافی وبهینه را ببریم وهنگام تحویل سال جدید در پرونده اعمال خود بازنگری کنیم تا قبل از اینکه ما را مورد محاسبه وبازپرسی قرار دهند خود را آماده کنیم واگر مبادا مرگ ناگهانی ما فرارسید با دستی پر و این دنیای فانی را رها کرده باشیم وخوشبختی اخروی را از آن خود سازیم. آمین یا رب العلمین

اللهمَّ صلِّ وسلِّم وبارك على عبدِك ورسولِك مُحمّد و وارْضَ اللهمَّ عن خلفاء نبيك الرّاشدين الأئمة الهداة المهديين ذوي القدر العلي والفخر الجلي ساداتنا وأئمتنا أبي بكر وعمر وعثمان وعلي وارض اللهم عن السبطين الشهيدين سيدا شباب أهل الجنة وقرتا أعين أهل السنة الإمام أبي محمد الحسن والإمام أبي عبدالله الحسين وعن أمهما فاطمة الزهرا وعن جدتهما خديجة الكبرى وعن الصديقة بنت الصديق عائشة أم المؤمنين وعن سائر أزواج نبيك الطاهرات وعن سائر آل بيت النبي المطهرين من الدنس والأرجاس وعن عمي النبي الكريم حمزة والعباس وعن من تبعهم بإحسان الى يوم الدين.

اللهم أحينا في موالاتهم وموالاة أولياءهم ومعاداة أعدائهم وأمتنا على ملتهم واحشرنا في زمرتهم .

اللهم أعز الإسلام والمسلمين و وأذل الشرك والمشركين و ودمر أعداء الدين و واجعل اللهم هذا البلد آمناً مطمئناً وسائرَ بلاد المسلمين .

اللهم أعز الإسلام والمسلمين و وأذل الشرك والمشركين و ودمِّر أعداء الدين و اللهم انصر من نصر الدين و اللهم انصر دينك وكتابك وسُنَّة نبيِّك - صلى الله عليه وسلم.

اللهم انصر إخواننا المسلمين في كل مكان يا حي يا قَيُّوم و اللهم انصرهم نصرًا مؤزَّرًا و وأيدهم بتأييدك و واحفظهم بحفظك يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام.

اللهم آمنَّا في أوطاننا و وأصلِح أئمتنا و وولاة أمورنا و واجعل ولايتنا فيمن خافك واتقاك و واتبع رضاك يا رب العالمين و اللهم أبرِم لهذه الأمة أمرَ رشدٍ يَعزُّ فيه أهل طاعتك و ويُذلّ فيه أهل معصيتك و ويُؤمر فيه بالمعروف و ويُنهى فيه عن المنكر؛ إنك على كل شيء قدير.

زکات و حکمت های آن

خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢ ﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

زکات یکی از ارکان اسلام است و که شخص توانگر بدون پرداخت زکات و

اسلامش کامل نمی‌شود و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «**بُنِيَ الإِسْلامُ عَلى خَمْسٍ: شَهادَةِ أَنْ لا إِلَهَ إِلاَّ اللّٰهُ و وَأَنَّ مُحمداً رسولُ اللّٰهِ و وَإِقامِ الصلاةِ و وَإِيتاءِ الزَّكاةِ و وَحَجِّ الْبيْتِ و وَصَوْمِ رَمَضانَ**»[1]. «اسلام بر پنج اصل بنا نهاده شده است: شهادت دادن به اینکه نیست معبودی که شایسته پرستش باشد بحق مگر الله و واینکه محمد صلی الله علیه وآله وسلم فرستادهٔ الله است و ونمازگزاردن و ودادن زکات و ورفتن بسوی خانه الله برای ادای حج وعمره و وروزه رمضان گرفتن». وچنانچه کسی وجوب زکات را انکار نماید کافر ومرتد شناخته می‌شود.

و همچنین اگر فردی در پرداخت آن بخل ورزد ویا کامل پرداخت ننماید مستحق عذاب الله خواهد شد و الله می‌فرماید: ﴿ وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ هُوَ خَيۡرٗا لَّهُمۖ بَلۡ هُوَ شَرّٞ لَّهُمۡۖ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِۦ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١٨٠ ﴾ (آل عمران: ١٨٠)«آنان که نسبت به آنچه الله از فضل خویش به آنان عطا فرموده بخل می‌ورزند و گمان نکنند که این کار به سود آنها است و بلکه برای آنها شر است؛ بزودی در روز قیامت آنچه را در باره آن بخل ورزیده‌اند طوق گردنشان می‌شود ومیراث آسمانها وزمین از آن الله است و والله و از آنچه انجام می‌دهید و آگاه است». ومی‌فرماید: ﴿ وَٱلَّذِينَ يَكۡنِزُونَ ٱلذَّهَبَ وَٱلۡفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ٣٤ يَوۡمَ يُحۡمَىٰ عَلَيۡهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكۡوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمۡ وَجُنُوبُهُمۡ وَظُهُورُهُمۡۖ هَٰذَا مَا كَنَزۡتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ تَكۡنِزُونَ ٣٥ ﴾ (التوبة: ٣٤ - ٣٥)

(١) روایت بخاری ومسلم.

«و مردمی که زر وسیم را می‌اندوزند و وآن را در راه الله انفاق نمی کنند و به عذابی دردناک بشارتشان ده و روزی که آن زر وسیم در آتش جهنم گداخته شود و وپیشانی وپهلو وپشت آنها با آن داغ کرده شود و وگفته شود: اینست آنچه اندوخته کردید برای خویش و پس بچشید سزای آنچه اندوختید».

در صحیح بخاری آمده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «**مَنْ آتَاهُ الله مَالاً فَلَمْ يُؤَدِّ زَكَاتَهُ و مُثِّلَ لَهُ مَالُهُ شُجَاعًا أَقْرَعَ و لَهُ زَبِيبَتَانِ يُطَوِّقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ و يَأْخُذُ بِلِهْزِمَتَيْهِ - يَعْنِى بِشِدْقَيْهِ - يَقُولُ: أَنَا مَالُكَ أَنَا كَنْزُكَ**»[1]. «کسیکه الله به او مالی عطا فرماید وزکاتش را ندهد و روز قیامت آن مال بصورت مار کچلی که دو نقطه سیاه بر روی چشم دارد ظاهر می‌شود و ودور گردنش می‌پیچد سپس استخوان بیخ دو گوشش را می گیرد ومی گوید: من مال تو ام من گنج تو ام».

همچنین امام مسلم روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «**مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلاَ فِضَّةٍ لاَ يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلاَّ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحَ مِنْ نَارٍ فَأُحْمِىَ عَلَيْهَا فِى نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوَى بِهَا جَنْبُهُ وَجَبِينُهُ وَظَهْرُهُ و كُلَّمَا بَرَدَتْ أُعِيدَتْ لَهُ فِى يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ**». «هر دارنده طلا ونقره‌ای که حق آن (زکاتش) را پرداخت نکند و روز قیامت برایش قطعه‌هائی از آتش ساخته می‌شود که در آتش جهنم داغ می گردد و وپهلو وپیشانی وپشتش با آن داغ کرده شود و وچون سرد شود دوباره داغ کرده شود و در آن روزی که به اندازه پنجاه هزارسال است و تا در میان بندگان حکم صورت گیرد».

زکات دارای فوائد دینی و تربیتی و واجتماعیست که بشرح زیر است:

أ- فوائد دینی که از آن جمله است:

۱) به انجام رسیدن یکی از ارکان اسلام که سعادت دنیا وآخرت انسان در گرو آن است.

۲) تقرب جستن به الله متعال وافزوده شدن ایمان و که انجام هر عبادتی این نتیجه را به همراه خواهد داشت.

۳) بدست آوردن ثوابی بزرگ و الله می‌فرماید: ﴿ يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِۗ ﴾ (البقرة: ۲۷۶)

«الله ربا را نابود می کند و وصدقات را افزونی می‌بخشد».

و می‌فرماید: ﴿ وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن رِّبٗا لِّيَرۡبُوَاْ فِيٓ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا يَرۡبُواْ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن زَكَوٰةٖ تُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُضۡعِفُونَ ٣٩ ﴾ (الروم: ۳۹)

« و هر ربایی که بدهید که بهره شما را از اموال مردم افزونتر کند و [در حقیقت] نزد الله افزایش ندارد و و هر زکاتی -که در طلب خشنودی الهی بپردازید و اینان افزایش‌یاب هستند ».

و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «**مَنْ تَصَدَّقَ بِعَدْلِ تَمْرَةٍ مِنْ كَسْبٍ طَيِّبٍ - وَلاَ يَقْبَلُ الله إِلاَّ الطَّيِّبَ - وَإِنَّ الله يَتَقَبَّلُهَا بِيَمِينِهِ و ثُمَّ يُرَبِّيهَا لِصَاحِبِهِ كَمَا يُرَبِّى أَحَدُكُمْ فَلُوَّهُ حَتَّى**

(۱) روایت بخاری ومسلم.

تَكُونَ مِثْلَ الْجَبَلِ»[1]. «کسیکه به اندازه خرمائی از کسب حلال صدقه دهد و والله جز پاک (حلال) را نمی‌پذیرد و همانا الله آن را با دست راستش (بلاکیف) پذیرفته وآنرا برای صاحبش پرورش می‌دهد و همچنانکه یکی از شما کره اسب خود را پرورش می‌دهد و تا اینکه مثل کوه بزرگ شود».

۴) پرداخت زکات گناهان را پاک می کند. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرمایند: «وَالصَّدَقَةُ تُطْفِىءُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِىءُ الْمَاءُ النَّارَ»[2]. «وصدقه گناه را خاموش می‌سازد همچنانکه آب آتش را خاموش می کند». کلمه صدقه در اینجا به زکات نیز تعبیر می‌شود.

ب- فوائد تربیتی زکات:

۱- با پرداخت زکات انسان خود را در صف سخاوتمندان قرار می‌دهد.

۲- ایجاد مهر ومحبت نسبت به محتاجین و زیرا که انسان قبل از پرداخت زکات دلش بحال فقیر می سوزد و سپس در حال رحم ومهر ومحبت زکات را تقدیم مستمند می کند.

۳- کسب محبوبیت نزد دیگران و وطبیعی است که انسان هرچه بیشتر به دیگران خدمت نماید نزد آنان محبوبتر می گردد و وپرداخت زکات خود نوعی خدمت به مردم است.

۴- با ادای فریضه زکات خصلت بخل از انسان زدوده می شود و الله می فرماید:

﴿ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا ﴾ (التوبة: ۱۰۳)

«از مالهایشان صدقه‌ای بگیر تا ایشان را با آن پاک گردانی وپرورش دهی».

ج فوائد اجتماعی زکات:

۱- نیاز فقرا که در بیشتر کشورها و طبقه اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند بر طرف می‌سازد.

۲- جامعه اسلامی را قدرتمند وسرافراز می‌نماید و لذا صرف زکات برای جهاد در راه الله و یکی از مصارف هشتگانه زکات است.

۳- حقد وحسد را از دلهای فقرا نسبت به توانگران از بین می‌برد و زیرا که مشاهده فقیر به منحصر بودن استفاده ثروت و توسط توانگر ومحرومیت وی از آن حقد وحسد را در دل او (فقیر) می کارد ومنجر به ایجاد دشمنی بین فقرا وثروتمندان می‌شود و اما اگر فقیر خود را هر ساله شریک جزئی از اموال توانگر بداند نه تنها نسبت به ثروتمند حسد ودشمنی نمی‌ورزد و بلکه خود را موظف به حفظ ودفاع از اموال آنها می‌داند زیرا که انتظار دارد در آخر نفعی از آن به وی برسد.

۴- با پرداخت زکات و اموال رشد کرده ودر آن برکت داده می‌شود و امام مسلم روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموند: «مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ».

«هیچ صدقه‌ای مال را کم نمی کند».

۵- یکی دیگر از فوائد اجتماعی زکات این است که از رکود ثروت جلوگیری کرده وآن را به گردش در می‌آورد و ودایره استفاده از آن را وسعت می‌بخشد و واینچنین همه اقشار مردم از ثروت

(۱) روایت بخاری ومسلم.

(۲) روایت ترمذی.

استفاده می کنند. فوائد دینی و تربیتی و واجتماعی زکات دلالت بر عظمت این رکن اسلامی می‌دهد که ادای آن برای اصلاح افراد وجامعه امری ضروریست.

أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ و وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِينَا مُحَمّدٍ و وَعَلىَ آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إلىَ يَوْمِ الدِّيْن.

أمّا بعد:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبۡتُمۡ وَمِمَّآ أَخۡرَجۡنَا لَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِۖ وَلَا تَيَمَّمُواْ ٱلۡخَبِيثَ مِنۡهُ تُنفِقُونَ وَلَسۡتُم بِـَٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغۡمِضُواْ فِيهِۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ٢٦٧ ﴾ (البقرة: ٢۶٧)

«**ای مؤمنان! از چیزهای پاکیزه‌ای که به‌دست آورده‌اید انفاق کنید**» یعنی: از بهترین وبرگزیده‌ترین وحلال‌ترین اموال خویش انفاق کنید. مراد از انفاق در اینجا و زکات فرض است وبه قولی: معنای آن عام است در زکات فرض وصدقات دیگر «**و از آنچه برای شما از زمین برآورده‌ایم**» که عبارت از: میوه‌ها و حبوبات و سبزیجات و معادن و گنجها ودفینه‌های زیرزمین است و نیز انفاق کنید. وحاشا! «**قصد انفاق**» چیزهای ناپاک وبد» **و پست** «**را نکنید**» یعنی: مال وامانده وناباب را به صدقات وخیرات اختصاص ندهید «**درحالی که آن را**» اگر به عنوان حقوقتان به خودتان بدهند «**خود شما نیز گیرنده آن نیستید**» به هیچ نحو ودر هیچ زمانی «**مگر آن که در آن چشم‌پوشی کنید**» یعنی: اگر یکی از شما آن را در بازار ببیند که فروخته می‌شود و یا کسی آن مال پست را به وی اهدا نماید و یا دربرابر حق‌وی به وی بدهد و هرگز آن را - جز با بی‌میلی واز روی کم‌رویی وچشم‌پوشی - نمی‌پذیرد و پس هرگاه خود به آن چیز نامرغوب وناباب رغبت ندارید و چگونه‌حق الله ﷻ را از آن می‌پردازید؟ «**و بدانید که الله بی‌نیاز**» است از انفاقهای شما و پس انفاق مال قطعا به منفعت خود شماست «**ستوده است**» وسزاوار حمد وستایش در برابر نعمتهای وافری که به شما بخشیده است واز جمله ستایش وشکرگزاریی که سزاوار جلال وعظمت اوست و یکی هم انفاقتان از اموال پاکیزه‌ای است که به شما ارزانی نموده است و پس بدانید که الله ﷻ پاک است وجز پاک را نمی‌پذیرد.

ملاحظه می‌شود که آیاتی از قرآن کریم که در آنها مطالبه انفاق مال می‌شود و غالبا یا به عبارت (وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ) ختم می‌شوند و یا به عبارت (ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ) «آیه‌بعد»؛ وخود این امر ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که مال انفاق شده بخشی از همان نعمتهایی است که حق تعالی خود به بندگانش ارزانی نموده است. درحدیث شریف آمده است: «**همانا الله ﷻ بدی را با بدی محو نمی کند و بلکه بدی‌را با نیکی محو می کند زیرا پلیدی نمی‌تواند محو کننده پلیدی باشد...**» ﷺ همچنین‌در حدیث شریف به روایت عایشه رضی‌الله عنها آمده‌ است که فرمود:

أُهْدِيَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضَبٌّ فَلَمْ يَأْكُلْهُ و فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللّٰهِ و أَفَلاَ نُطْعِمُهُ الْمَسَاكِيْنَ؟ فَقَالَ: «لاَ تُطْعِمُوهُمْ مِمَّا لاَ تَأْكُلُوْنَ» (بیهقی)

برای رسول اکرم صلی الله و علیه وسلم سوسماری هدیه آوردند و اما آن حضرت صلی الله و علیه وسلم از آن نخوردند. گفتم: یا رسول الله! آیا مساکین را با آن اطعام نکنیم؟ فرمودند: «از آنچه خود نمی‌خورید و آنان را اطعام نکنید».

و الله سبحانه وتعالی می فرماید: ﴿ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥ ﴾ (البينة: ۵)

«**و فرمان نیافته بودند**» با این دین واین قرآن **جز این که الله را بپرستند در حالی که دین را برای او خالص گردانیده وحنفاء باشند**» یعنی: قرآن را بدین منظور نازل کردیم تا آنان به عبادت وپرستش ما گردن نهند و عبادتشان برای ما از هر شرک وشائبه‌ای خالص باشد و با ما چیزی را شریک نیاورده وخویشتن را در دین وعبادت برای ما خالص گردانند واز همه ادیان بریده وفقط به دین اسلام مایل باشند. واین است معنی **حنیف**.

این آیه دلالت می‌کند بر مذهب اهل سنت که گفته‌اند: عبادت برای آن واجب نگردیده که به بهشت و یا دوری از عذاب دوزخ می‌انجامد بلکه عبادت برای این واجب گردیده که ما بنده هستیم واو پروردگار پس اگر حتی ثواب وعقابی نیز در کار نباشد وحق تعالی ما را بی هیچ پاداشی به عبادت خود فرمان دهد و عبادت وی به محض عبودیت بر ما واجب است. **اخلاص**: آن است که عمل خالصانه وفقط به انگیزه رضای حق تعالی انجام شود وهیچ انگیزه دیگری جز رضای پروردگار و در انجام دادن آن عمل وجود نداشته باشد. **مخلص**: کسی است که کار نیک را به‌خاطر نیک بودن آن خالصانه برای پروردگار متعال انجام می‌دهد ودر کار وی نه ریایی است و نه شهرت‌طلبی ونه غرض دیگری.

این آیه دلیل بر این امر نیز هست که ایمان عبارت از مجموعه قول و اعتقاد وعمل می‌باشد و همان‌طوری که از تتمه آیه برمی‌آید: «و» **فرمان نیافته بودند با این دین وقرآن جز این که نماز برپا دارند وزکات بپردازند**» یعنی: فرمان یافته بودند که نمازها را بر وجهی اقامه کنند که الله ﷻ از آنها خواسته است؛ در اوقات آنها وبا رعایت آداب وارکان آنها ونیز فرمان یافته بودند که زکات را در موقع آن بپردازند. حاصل معنی این‌که: آراسته شدن به اخلاص در عبادت و مقتضی وحدت واتفاق در دین است و نه شقاق وافتراق در آن و زیرا محمد صلی الله علیه وآله وسلم نیز دین حقی را آورده است که پیامبران پیشین به آن مأمور بوده‌اند پس چرا اهل کتاب راه شقاق واختلاف در پیش گرفته‌اند؟ «**و این است دین قیم**» یعنی: این دین که پیام‌آور اخلاص در عبادت برای الله ﷻ و ترک همه معبودات باطل غیر از وی و ادای نمازها در اوقات آن وپرداخت زکات برای بندگان نیازمند الله ﷻ است و تنها دین استوار وپایدار الهی می‌باشد.

برادران وخواهران عزیز

اموالی که زکات در آن تعلق می گیرد به چهار بخش تقسیم می‌شود:

۱- نقدینه ها (طلا و نقره وپول).

۲- زکات حیوانات (شتر و گاو و گوسفند).

۳- محصولات کشاورزی (غلات) از نوعی که انسان آن را تولید می کند و خشک وغله می‌شود ومدت زمان زیادی بدون استفاده از وسایل خنک کننده ومواد نگهدارنده فاسد نمی‌شود مانند: خرما و کشمش و گندم و جو و برنج و و....

۴- اموال التجاره (کالاهای تجارتی): منظور هر چیزیست که به هدف فروش وتجارت خرید و وبه همان هدف نگهداری شود.

واما شرایط وجوب زکات عبارتند از:

۱- مسلمان بودن ۲- به حد معین رسیدن مال ۳- گذشتن یک سال از ملکیت مال و که در این صورت بالغ بودن از شروط وجوب زکات نیست و پس زکات در اموال یتیمان وکسانیکه به سن بلوغ نرسیده‌اند در صورت واجد شرایط بودن واجب بوده و وباید کسانی که سرپرستی آنان را برعهده دارند به نیابت از آنها زکات مالشان را پرداخت نمایند.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ۵۶)

اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

تفکر در نشانه های قدرت الله متعال

خطبه اول

الحمد لله الذي جعل التوحيد أغلي ما في الأرض والسموات وأعز أهله بالجنة ورفع الدرجات وجعلنا من أهل التوحيد وعلي سفينة النجاة والصلاة والسلام علي أفضل الخلق صاحب الكمالات وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان ذوي الفضل والتقوي والدعوة والجهاد والبطولات..

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران:١٠٢)

«ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید ونمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم وشما را به تقوای الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.

الله یگانه ویکتا ومعبود مقتدر وبی همتای مان جل جلاله وعظمت کبریاءه می فرماید:

﴿أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى ٱلۡإِبِلِ كَيۡفَ خُلِقَتۡ ١٧ وَإِلَى ٱلسَّمَآءِ كَيۡفَ رُفِعَتۡ ١٨ وَإِلَى ٱلۡجِبَالِ كَيۡفَ نُصِبَتۡ ١٩ وَإِلَى ٱلۡأَرۡضِ كَيۡفَ سُطِحَتۡ ٢٠﴾ (الغاشیة: ١٧ – ٢٠)

«آیا به شتر نمی نگرند و که چگونه آفریده شده است؟ وبه آسمان (نمی نگرند و) که چگونه برافراشته شده است؟ وبه کوهها (نگاه نمی کنند) که چگونه (محکم بر زمین) نصب شده است؟ وبه زمین (نمی نگرند) که چگونه گسترده شده است؟!. » الغاشیة: ١٧ — ٢٠

الله قادر وبا حکمت؛ انسان را به بهترین شکل خلق کرد و وبه او کرامت بخشید وجهان هستی را برایش مسخّر کرد وبه وی نعمت عقل ارزانی داشت واو را بر فطرتی آفرید که به سوی کمال سیر کند ودر او میل به شهوت قرار داد تا با صبر وشکر در مراحل مختلف زندگی و راه نزدیکی به الله متعال برایش آسان گردد.

به او آزادی واختیار بخشید و تا اعمالش را ارزشمند گرداند. وبرای راهنمایی او کتاب‌هایی فرستاد تا پروردگارش را بشناسد وبندگی او را به جای آورد ودر نهایت و خوش بختی دنیا وآخرت را با کسب واختیار خویش بدست آورد.

حقیقت به دایره‌ای می‌ماند که در بر گیرنده چهار خط متقاطع است؛ خط نقل صحیح و عقل صریح و فطرت سلیم وواقعیت موجود. نقل صحیح و کلام وبیان الله متعال وفرستادگان معصوم اوست. عقل صریح و ابزار سنجشی است که الله متعال به انسان عطا نموده تا از طریق آن خالق خویش را بشناسد. فطرت سلیم هم‌ترازویی منطبق وهمسو با شریعت الله متعال است و که در سرشت انسان نهاده شده که اشتباهات خویش را دریابد. اما واقعیت موجود و همان مخلوقات پیرامون انسانند که تحت‌تأثیر قوانین الهی هستند. این چهار رکن حقیقت و همه از یک منبع سرچشمه می گیرند که الله متعال مقتدر است و لذا همه باهم منطبق وهماهنگ هستند.

تمام ادیان الهی در هر زمان وهر مکان و فقط بر دو اصل اساسی استوار بوده وغیر آن دو را نمی‌توان تصور کرد و این دو اصل در آیه زیر روشن گشته است :

﴿ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ﴿٢٥﴾ ﴾(الأنبياء: ٢٥)

«ما پیش از تو هیچ پیغمبری نفرستاده‌ایم و مگر اینکه به او وحی کرده‌ایم که: معبودی جز من نیست و پس فقط مرا پرستش کنید».

اصل اول عبارتست از: **توحید** و یعنی شناخت دلایل وجود و یکی بودن کمال ونیز شناخت اسم‌های نیکو وصفت‌های والای الله متعال. **واصل دوم عبادت** است یعنی شناخت راه صحیح بندگی الله که انگیزه خلقت انسان است و عبادت همان فرمانبرداری آگاهانه وارادی است که با محبت وخواست قلبی همراه است واساس آن باور ویقینی است که انسان را به سعادت جاودانه می‌رساند. در واقع و توحید نماد قُلّه معرفت و وعبادت نماد تلاش وعمل انسان است.

انسان مؤمن وقتی با جهان بینی توحیدی یا نگاهی مبتنی بر ایمان وهدف درست به این جهان هستی نگاه می کند همه چیز به خالق ومدبر هستی ومعبود حقیقی گواهی می دهد به تعبیر سعدی شیرازی:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

تمام هستی از کهکشان وستاره وسیاره با سرعت‌های نوری وحجمهای فوق تصور وچرخش ونیروی جاذبه و وزمین با کوهها ودره‌ها وپستی‌ها وبلندی‌ها و با چشمه‌ها ورودخانه ها ودریاها واقیانوسها و با حیوانات ونباتات ومعادن وثروت‌هایش و سپس انسان با عقل وعاطفه واعضا ودستگاه‌های پیچیده درونی و با فطرت وسرشت وگرایشهای فطری وغریزی وشهوانی ومعنوی و همه وهمه و معجزه‌هایی شگفت‌انگیز وذره ذره آن آیه ونشانه ای بارز وروشن بر قدرت ذات علیم وقدیر هستند به آیه کریمه ذیل توجه کنید:

﴿ إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿١٩٠﴾ ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿١٩١﴾ ﴾ (آل عمران: ١٩٠ – ١٩١)

«مسلما در آفرینش آسمان‌ها وزمین و وآمد ورفت شب وروز و نشانه‌ها ودلایلی برای خردمندان است کسانی که الله را ایستاده ونشسته وبر پهلوهایشان افتاده یاد می‌کنند ودرباره آفرینش آسمان‌ها وزمین می‌اندیشند(و می گویند) پروردگارا! این همه را بیهوده وعبث نیافریده‌ای؛ تو منزه وپاکی پس ما را از عذاب دوزخ محفوظ بدار».

این انسان است که به دلیل غرق شدن در زندگی وغفلت از الله یکتا ومعبود یگانه از عظمت پروردگارش که در یکایک مخلوقات نمایان است و غافل گردیده است.

برخی دانشمندان غربی می گویند: «آن قدرتی که بر خلقت جهان توانا بوده و بر حذف یا اضافه برخی اجزای آن نیز تواناست چون اصلاً جهانی وجود نداشت و و الله متعال آن را آفرید».

جالب توجه است که قرآن کریم بیش از هزار وسیصد آیه نازل فرموده که از هستی وخلقت انسان و سخن می گوید و یعنی موضوع تفکر وتدبر در جهان خلقت $\frac{1}{6}$ قرآن کریم را به خود

اختصاص داده است. این نکته بسیار جای تأمل ودقت عمیق دارد که اگر آیات حامل دستورات الله و مقتضی اطاعت وآیات شامل نهی و مقتضی پرهیز از برخی موارد است و پس آیات آفاق وانفس مقتضی چه امری است؟

روشن است که مقتضی تفکرند و در حدیثی آمده است : «**تَفكُّرُ ساعَةٍ خَيْرٌ مِنْ قِيام لَيلَة**»[1] یعنی «یک لحظه تفکر در نعمت‌ها ونشانه‌های قدرت الله و از یک شب تا صبح به نماز ایستادنٌ و بهتر است».

از این رو الله متعال انسان را به شناخت الله از طریق تفکر در خلقت آسمان‌ها وزمین و فرا خوانده است ودر چندین سوره قرآن کریم به آن اشاره شده که مبنای اساسی واولیه پایه‌های عقیدتی وایمانی قرار گرفته است ... الله متعال در باره آفرینش انسان می‌فرماید :

﴿ فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ مِمَّ خُلِقَ ۝٥ خُلِقَ مِن مَّآءٍ دَافِقٍ ۝٦ يَخْرُجُ مِنۢ بَيْنِ ٱلصُّلْبِ وَٱلتَّرَآئِبِ ۝٧ ﴾ (الطارق: ۵ – ۷)

«انسان باید بنگرد ودقت کند که از چه چیز آفریده شده است؟! از آب جهنده ناچیزی آفریده شده است آبی که از میان استخوان پشت مرد واستخوان سینه زن بیرون می‌آید».

و در باره غذای انسان فرموده است :

﴿ فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ ۝٢٤ أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا ۝٢٥ ثُمَّ شَقَقْنَا ٱلْأَرْضَ شَقًّا ۝٢٦ فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۝٢٧ وَعِنَبًا وَقَضْبًا ۝٢٨ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ۝٢٩ وَحَدَآئِقَ غُلْبًا ۝٣٠ ﴾ (عبس: ۲۴ – ۳۰)

«انسان باید به غذای خویش بنگرد ودربارۀ آن بیندیشد ما آب را از آسمان بگونۀ شگفتی می‌بارانیم * سپس زمین را می‌شکافیم واز هم باز می‌کنیم * در آن دانه‌ها را می‌رویانیم وانگور وگیاهان خوردنی را * ودرختان زیتون وخرما را * وباغ‌های پردرخت وانبوه را».

بدین‌سان تفکر در خلقت آسمان‌ها وزمین و نوعی عبادت وبلکه بهترین عبادت می‌باشد.

الله متعال ومعبود ذوالجلال قدرت وعظمت خود را به رخ ما بندگان ناچیز می کشد:

﴿ سَنُرِيهِمْ ءَايَٰتِنَا فِى ٱلْءَافَاقِ ۝٥٣ ﴾ (فصلت: ۵۳)

«ما به آنان هرچه زودتر دلایل ونشانه‌های خود را در اقطار ونواحی (آسمان‌ها وزمین و که جهان کبیر است) نشان می دهیم».

چقدر مقتدرانه می فرماید:

﴿ قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمُ ٱلَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَآءٍ ۖ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ۝٧١ ﴾ (القصص: ۷۱)

(ای پیامبر!) بگو : « به من خبر دهید اگر الله متعال شب را تا روز قیامت بر شما پایدار سازد و کیست معبودی جز الله که برای شما روشنی آورد ؟! آیا نمی شنوید؟!».

انسان با تفکر در خلقت آسمان‌ها وزمین وشناخت الله به عنوان خالق ومربی وحیات‌بخش ونیز معرفت گوشه‌ای از اسم‌های نیکو وصفت‌های ارجمند او و انگیزه‌ای قوی برای نزدیکی به الله متعال می‌یابد ودر تکاپو برای وصول به مقام قرب او و به انجام اوامر ودستورات وپرهیز از منهیات

(۱) مصنف ابن ابی شیبه و از اقوال امام حسن بصری و (ش ۳۵۲۲۳) و وشعب بیهقی از اقوال ابودرداء (ش : ۱۱۸).

او می‌پردازد و در اینجا اهمیت علم شریعت و کاملاً هویدا می گردد و زیرا اوامر ونواهی الله متعال و در زمینه عبادات ومعاملات واخلاق در آن بیان می‌شود.

شریعت الهی و سراسر عدل ورحمت ومصلحت وحکمت است و لذا هر مسئله‌ای که از عدل به جور واز رحمت به غضب واز مصلحت به فساد واز حکمت به بیهودگی بگراید و در شریعت هیچ مبنایی ندارد و اگرچه با هزار تأویل وتوجیه به آن نسبت داده شده باشد.

پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم در روایتی که امام بخاری نقل کرده است و می‌فرماید: «من یرد الله به خیرا یفقهه فی الدین» «هر کس که الله و خیر او را خواهد و در دین فقیهش می گرداند».[1]

ومیفرماید: «المومن القوی خیر واحب الی الله من المومن الضعیف وکل خیر» «مؤمن قوی وتوانا و نزد الله متعال محبوب‌تر از مؤمن ضعیف وناتوان است هرچند که هر دو از خیر ونیکی در حد خود برخوردارند».[2]

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين والحمد لله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه و كما يحب ربنا ويرضى و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبده ورسوله و وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

برادران مسلمان! شیفتگان توحید ویکتا پرستی! دقت کنید که بعضی ما بندگان الله چقدر از پروردگار جل جلاله غافلیم و چگونه بزرگی و جلال و کبریا وجبروت وعظمت الله متعال ومعبود ذوالجلال جل جلاله را فراموش می کنیم و براستی چرا ما اینقدر غافلیم؟ چرا عظمت وبزرگی الله جل جلاله را فراموش می کنیم؟ چرا حرمت وطاعت الله جل جلاله را بجا نمی آوریم؟ معبود مهربانمان در کتاب عزیزش ما را ملامت نموده ومخاطب قرار میدهد که شما را چه شده که به توقیر وتعظیم پروردگار نمی پردازید؟:

﴿ مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴾ (نوح: ١٣) «شما را چه شده است که از عظمت الله نمی ترسید؟»

در جای دیگری می فرماید: ﴿ وَمَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦ وَٱلْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطْوِيَّٰتٌۢ بِيَمِينِهِۦ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴾ (الزمر: ٦٧)

«و الله را آنچنان که باید و به بزرگی نشناختند حال آنکه روز قیامت زمین همه یکجا در قبضه اوست وآسمانها در هم پیچیده به دست اوست و او منزه وبرتر است از آنچه با وی شریک می گردانند».

همچنین می فرماید: ﴿ يَوْمَ نَطْوِى ٱلسَّمَآءَ كَطَىِّ ٱلسِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۚ كَمَا بَدَأْنَآ أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُۥ ۚ

(١) بخاری و حدیث ٧١ ومسلم و حدیث ١٠٣٧ به روایت حضرت معاویه رضی الله عنه.

(٢) مسلم و حدیث (٢٦٦٤) به روایت حضرت ابوهریره رضی الله عنه.

وَعۡدًا عَلَيۡنَآۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ ﴾ (الأنبياء: ۱۰۴)
«روزی که آسمان را همچون در هم پیچیدن صفحه کتابها در هم می پیچیم همانگونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم و دوباره آن را باز می گردانیم و بر عهده ما وعده ای است که ما حتماً انجام دهنده آنیم».

﴿ وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهِۦ نَفۡسُهُۥۖ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ ﴾ (ق: ۱۶)
«و یقیناً ما انسان را آفریده ایم ومی دانیم که نفس او به او چه وسوسه می کند وما از شاهرگ (گردن) به او نزدیکتریم».

الله قادر وتوانا در عین وقت همه را می بیند واز همه میشنود و دعا ومناجات هر بنده را میشنود ومی پذیرد و چه در مسجد الحرام باشند ویا در سایر گوشه های جهان و او تعالی دعا ومناجات میلیاردها بنده را در هرجایی که هستند در یک لحظه می شنود. طوریکه می فرماید: ﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ ﴾ (البقرة: ۱۸۶)
«و هرگاه بندگانم در باره من از تو بپرسند (به ایشان بگو) من نزدیکم ودعای دعا کننده را — به هنگامی که مرا بخواهد — اجابت می کنم »

پس تمام نعمتهای جهان هستی با همه شگفتیهای بیرون ودرون کالبد خاکی انسان نشانه‌های بی‌پایان وحیرت انگیزی از قدرت بی همتای ذات لا یزال الهی است و که اگر انسان تمام عمر خود را در راه شناخت ودقت وتأمل در این سیستم پیچیده سپری کند و عمر او به پایان خواهد رسید اما آیات ونشانه های قدرت او تعالی که بیانگر عظمت واقتدار مطلق آن معبود یکتا ویگانه است به پایان نخواهد رسید.

هدف چیست؟ مسئولیت انسان چیست؟ قیمت وهزینه ای که انسان باید بپردازد چیست؟ شکر وعبادت وپرستش. هرگونه عبادت وپرستش وکرنش ونیایش ومناجاتی را فقط برای خالق ومنعم وبخشنده ومعبود حقیقی جهان یعنی الله یگانه ویکتا مخصوص کردن همین وبس.

﴿ فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَٱشۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ١١٤ ﴾
(النحل: ۱۱۴)
«پس از آنچه که الله به شما روزی داده است ؛ حلال (و) پاکیزه بخورید و وشکر ونعمت الله را بجای آورید و اگر تنها او را می پرستید».

﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ لَكُمۡ رِزۡقٗا فَٱبۡتَغُواْ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزۡقَ وَٱعۡبُدُوهُ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥٓۖ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ١٧ ﴾ (العنکبوت: ۱۷)
«بی گمان کسانی را که به جای الله می پرستید و مالك هیچ رزقی برای شما نیستند و پس روزی را تنها (از) نزد الله طلب کنید و واو را بپرستید و وشکر او را بجای آورید و که به سوی او باز گردانیده می شوید».وبه قول شاعر:

شکر نعمت نعمتت افزون کند* کفر نعمت از کفت بیرون کند

الله ﷻ میفرماید: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلۡكَرِيمِ ٦ ٱلَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ ٧ فِيٓ أَيِّ صُورَةٖ

مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾ (الانفطار: ۶ - ۸)

«های و ای انسان! چه چیز ترا در بارۀ پروردگار بخشنده ات مغزور کرد و همان ذاتیکه ترا آفرید(از نطفه) پس استوار کرد(ترا به اندامهای درست) وآن گاه ترا سامان بخشید وبه هر صورتی که خواست ترا ترکیب کرد»

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ﴿٥٦﴾ ﴾ (الأحزاب: ۵۶)

"اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

وضو و نماز بیمار

خطبه اول

إن الحمد لله نحمده و ونستعينه و ونستغفره و ونعوذ بالله من شرور أنفسنا و ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له و ومن يضلل فلا هادي له و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له .وأشهد أن محمداً عبده ورسوله . ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾(آل عمران: ١٠٢) ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾ (النساء: ١) ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾(الأحزاب: ٧٠ – ٧١) اما بعد:

الله متعال میفرماید: ﴿وَلَنَبۡلُوَنَّكُمۡ حَتَّىٰ نَعۡلَمَ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبۡلُوَاْ أَخۡبَارَكُمۡ ٣١﴾ (محمد: ٣١)

«ما همهٔ شما را قطعاً آزمایش می کنیم و تا معلوم شود مجاهدان وصابران–واقعی– شما کیانند واخبار شما را بیازماییم». الله همیشه بندگانش را در معرض امتحان قرار می دهد وبرخی را هم تنبیه میکند. وبر قومی بلا نازل میکند. الله مؤمنان را بر یک حالت رها نکرده بلکه آنها را می آزماید. بنابراین مسئله ابتلا وآزمایش الهی از سنتهای قطعی است که تخلف واستثنایی در آن راه ندارد وهمه انسانها بدون شک مورد آزمایشی قرار خواهند گرفت.

از آنجا که نظام حیات در جهان هستی و نظام تکامل وپرورش است وهمه موجودات زنده مسیر تکامل را می پیمایند و پس تمامی مردم باید آزمایش شوند تا استعداد خود را شکوفا سازند. از ضعیف ترین انسان ها گرفته تا ستمکارترین ودیکتاتورترین جنایت کاران و از کوچک ترین افراد دلسوز ب جامعه تا پیامبران که بزرگ ترین مربیان بشریتند و همه وهمه باید به تناسب شخصیت خود مورد آزمایش قرار گیرند تا هر کس در روند حرکت خویش و به تکامل برسد.

آری! پیامبران بزرگ واولو العزم چون: ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام و وپیامبر گرامی ما حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم و در پرتو آزمایشات الهی به تکامل رسیدند. ونمرودها و فرعون ها نیز از مرتبه انسانیت سقوط کردند وبه پست ترین درکات رسیدند. سنت آزمایش الهی نسبت به بندگانش یکسان نیست؛ الله بعضی را با سختی وتلخی و گرسنگی وتهیدستی و یا بیماری وناراحتی می آزماید وبرخی را با مال وثروت و قدرت وریاست و یانعمت وآسایش و آزمایش می کند و وعده ای دیگر را نیز با قراردادن در محیط آلوده یا سالم امتحان می نماید. البته دلیل گوناگونی وتنوع در امتحان الهی روشن است. زیرا ممکن است افرادی تحمل سیری وآسایش را داشته باشند وعده دیگر این تحمل را نداشته باشند؛ ممکن است افراد تحمل ناز ونعمت را داشته باشند و ولی در مقابل امتحان گرسنگی وفقر و تحمل خود را از دست بدهند؛

یا اینکه افرادی تا وقتی دارای مقام وپستی نشده اند و متواضع وخوش برخورد باشند وذره ای غرور ونخوت در آنها مشاهده نشود و اما پس از رسیدن به قدرت وریاست و در مقام امتحان متکبر وخودخواه شوند. یا اینکه تا زمانی که در محیط سالم هستند و پای بند به حلال وحرام

باشند و ولی با قدم گذاردن در محیط ناسالم به دستورات شرع بی اعتنا شوند وآنها را نادیده بگیرند. از این رو و برای اینکه انسان در ابعاد مختلف راه الله تعالی را بپیماید وبه کمال برسد و لازم است در تمام جهات مورد آزمایش قرار گیرد. قرآن می فرماید: ﴿ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى ٱلْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴾ (الکهف: ٧) «ما آنچه را روی زمین است و زینت آن قرار دادیم و تا آنها را بیازمائیم و کدامیشان بهتر عمل می کنند؟»

برادران مسلمان! بدانید که از بزرگترین نعمتهای الهی سلامتی وعافیت است و سلامتی دین وبدن و دنیا وآخرت. هر چند الله بدون درخواست به بندگان خود سلامتی می‌دهد امّا باید با دعا کردن هم عافیت دین وآخرت خود را بخواهد وهم باعث بقای آن تا آخر عمر باشند و تا مبادا در طول زندگی این عافیت از بین برود وعاقبت انسان با بی‌دینی وذلت دنیا وآخرت همراه باشد. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم (در دعا) می‌فرمودند: «**اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لي دِيْنِيْ الَّذِيْ هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِيْ و وَأَصْلِحْ لِيْ دُنْيَايَ الَّتِيْ فِيْهَا مَعَاشِيْ و وَأَصْلِحْ لي آخِرَتِيْ الَّتِيْ فِيْهَا مَعَادِيْ و وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيادَةً لي في كُلِّ خَيْرٍ و وَاجْعَلِ الْمَوتَ رَاحَةً لي مِنْ كُلِّ شَرٍ**» صحیح مسلم «اللها! دینم را که نگهدارنده‌ی من از گناهان وسختی هااست ودنیایم را که در آن ًزندگی من می گذرد وآخرتم را که بازگشت من به آن است و اصلاح کن وزندگی مرا موجب زیاد کردن کارهای نیک من گردان ومرگم را وسیله‌ی راحتی ونجات من از هر بدی قرار بده!». بنده مسلمان باید خیر دنیا وآخرت را از الله تعالی بخواهد وبه سبب بیماری یا تنگی وپریشانی برای مرگ خودش یا بلایی تقاضای تعجیل نکند ویا آن را آرزو ننماید و زیرا شخص از دو حال خارج نیست : یا یکی از اشخاص نیکو کار است که عمر طولانی او موجب افزایش حسنات اوست . ویا از اشخاص بد کار است که در این صورت امید آن می رود که الله فرصت توبه را برای او فراهم نماید واز آن پس عبرت گیرد وبه درگاه الله باز گردد. شاید بقای زندگی چنین شخصی هم برای خود وهم برای دیگران مفید وسودمند باشد واگر مرگ برای او بهتر باشد و الله او را می میراند که چه بسا عمر طولانی او مستوجب گناهانی گردد که عاقبت خوب وستوده ای در بر نداشته باشد و بنابراین لازم است که انسان چنین آگاهی را به الله وبه اذن ومشیت او محول نماید آداب یک مسلمان باید با پروردگارش اینگونه باشد و اما کسیکه به محض این که به مصیبتی دنیای مبتلا گردد مانند اینکه همسرش و یا دخترش و یا فرزندش ویا ... فوت نماید ویا به بیماری دچار شود و آرزوی مرگ کند وتمام زندگیش را به جهنم تبدیل کند و در واقع خود اوست که زندگیش را به این صورت در آورده است و چرا که انسان خود می تواند زندگیش را به صورت خوب وسعادتمندانه ورضایت بخش در آورد. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: غالب دعای پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم این بود: «**اَللّٰهُمَّ آتِنَا في الدُّنْيَا حَسَنَةً و وفي الآخِرَةِ حَسَنَةً و وَقِنَا عَذَابَ النَّار**» متفق علیه «اللها! در این دنیا ودر آخرت به ما نیکویی و(ثواب) خیر عنایت فرما و وما را از آتش دوزخ محفوظ بدار».

مسلمانان! همه ما بزودی از دنیا خواهیم رفت ودر پیشگاه الله متعال و حاضر خواهیم شد. در آنجا نیز بخاطر همه اعمال کوچک وبزرگی که انجام داده‌ایم و محاسبه خواهیم شد. بعد از آن

نمی‌دانیم که چه سرنوشتی در انتظار ماست آیا با انبیاء و صدیقین و شهدا وصالحین حشر شده وبه بهشت می رویم که نعمت های جاودانی آن را هیچ چشمی ندیده وهیچ گوشی نشنیده وبه قلب هیچ کسی هم خطور نکرده است یا خدای نکرده به دوزخ می رویم که سراسر عذاب وشکنجه وآه وناله وپشیمانی وگریه است.

پس بیاییم وقبل از اینکه فرصت از دست برود و از خواب غفلت بیدار شویم وفریب این دنیای فانی را نخوریم وزندگی خود را در راه اطاعت از الله ورسولش سپری نماییم چرا که سعادت دنیا وآخرت و در این راه و نهفته است. باید بدانیم که نماز و ستون دین است وبوسیله نماز است که مسلمان از کافر ومنافق از مؤمن و شناخته می شود. همچنین نماز و اولین چیزی است که روز قیامت و بنده بخاطر آن محاسبه می شود واگر نمازش و پذیرفته شود رستگار می‌گردد واگر نمازش و پذیرفته نشود و ناکام می‌گردد وزیان می بیند. لذا همیشه باید به یاد آن لحظاتی باشیم که در پیشگاه پروردگارمان و حاضر می‌شویم. لحظاتی که افراد آگاه و سختی آنرا درک می کنند وپرهیزگاران و شدت وحشت آنرا می‌شناسند. پس بکوشیم تا خود را برای آن لحظات جان‌گداز و آماده سازیم.و از آنجا که نماز و مهمترین عملی است که در آن لحظات حساس وسرنوشت ساز و به فریاد انسان می‌رسد پس لازم است در همه احوال بر آن پایبند باشیم در ادای آن سستی وکسالت بخود راه ندهیم زیرا الله در تمام حالت ها و نماز را واجب قرار داده است حتی در این باره و مریض و مسافر وکسی را که در حال ترس ووحشت بسر می‌برد و معذور ندانسته است. بلکه گاهی و در شرایط آن و تخفیف قایل شده است وگاهی هم تعداد رکعات آن را کمتر نموده است ودر شرایط خاص هم و روش نماز خواندن را تغییر داده است. وتا زمانی که انسان ازعقل برخوردار است و نماز از وی و ساقط نمی‌شود.الله و در نماز و بهترین حالت ها را شرط قرار داده است. فرد باید با وضو باشد و خودش را با زینت لباس و بیاراید ورو به قبله نماید. در حالی که در سایر عبادات و این امور و شرط نیستند.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم. أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين انه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبد الله ورسوله و صلوات الله سلامه عليه وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين وبعد:

ای بندگان! بدانید نماز از شخص بیمار ساقط نمی شود وباید عمل طهارت را با آب انجام دهد. در نتیجه برای رفع حدث أصغر وضوء گرفته و وجهت رفع حدث أکبر غسل می کند. واگر بعلت عجز و ویا ترس از بیشتر شدن بیماری و ویا خوف از تاخیر بهبودی نمی توانست با آب طهارت بگیرد و پس باید تیمم کند. کیفیت تیمم به این صورت است که با کف دستهای خود بر زمین طاهر یکبار ضربه زده و وبا آن همه صورت خود را مسح کند و وسپس کف وپشت دستهایش را با یکدیگر مسح کند.

اگر شخص از طهارت خودش عاجز بود و پس باید شخص دیگری او را وضوء ویا تیمم دهد.

اگر در قسمتهائی از اعضای طهارت زخم وجرح وجود داشت و آن را با آب می شوید. واگر شستن با آب باعث وخامت زخم شود و باید دست خود را با آب ترکرده و وبا آن روی زخم مسح کند. واگر مسح کردن نیز باعث عفونت زخم می شد و پس باید تیمم کند. اگر در بعضی از اعضای طهارت شکستگی وجود داشت و ومحل این شکستگی با گچ ویا پارچه پوشیده شده بود و باید به جای شستن این اماکن و آن را با آب مسح کند و وهیچ احتیاجی به تیمم نیست. چون مسح جای شستن را می گیرد. شخص می تواند بر دیوار ویا هرچیز طاهر دیگری که بر آن گرد نشسته است تیمم کند. واگر دیوار بوسیله چیزی همانند رنگ که از جنس زمین نیست پوشیده شده باشد و نمی توان بر آن تیمم کرد و مگر اینکه برآن گرد نشسته باشد. اگر تیمم گرفتن بر زمین و دیوار و ویا هر چیز دیگری که بر آن گرد نشسته است غیرممکن بود و میتوان خاك را در ظرف ویا دستمالی نگهداری کرده و وبا آن تیمم نمود. در صورتی که شخص برای ادای نماز تیمم نموده وتا نماز بعدی بر این طهارت باقی بماند و می تواند به همین تیمم اکتفا نموده ونماز بعدی را نیز به همین تیمم ادا کند و واحتیاجی به تیمم دوباره ندارد. چون او هنوز بر طهارت خود باقی بوده و واین طهارت باطل نشده است. برشخص بیمار واجب است که بدن خود را از نجاست طاهر کند. واگر بر انجام طهارت توانائی نداشت و به همان حالت نماز می خواند ونمازش صحیح بوده واحتیاجی به اعاده آن نیست. برمریض واجب است که با لباسی طاهر نماز بخواند. ودر صورت نجاست لباسش باید آنرا شسته ویا با لباس طاهری عوض کند. واگر این أمر نیز امکان نداشت به همان حالت نماز می خواند و ونماز او صحیح بوده واحتیاجی به إعاده آن نیست.

شخص بیمار باید در مکان طاهری نماز بخواند. ودر صورت نجاست این مکان یا شیئ باید آنجا را شسته و ویا آن شیئ را با شیئ طاهر دیگری عوض کند. یا اینکه باید بر آن و دستمال و ویاشیئ طاهر دیگری فرش کرد. واگر این امور امکان نداشت و به همان صورت نماز می خواند و ونماز او هیچ اشکالی ندارد و واحتیاجی به اعاده نماز نیست. شخص بیمار نمی تواند به دلیل عجز از طهارت و نماز خود را از وقت محدد آن عقب بیاندازد. بلکه بقدر امکان طهارت گرفته ونماز را در وقت خود أدا میکند. حتی اگر در بدن و لباس و ومکان نمازش نجاستی باشد که قادر به زودودن آن نیست. اگر کسی بعذر بیماری وامثال آن نتوانست نماز فرض را و ایستاده بخواند و جایز است که نشسته آن را بخواند و واگر نشسته نیز نتوانست آن را بخواند و بر پهلو خوابیده وآن را بخواند وبا اشاره رکوع وسجود را بجای آورد وبرای سجده بیشتر از رکوع خم شود و چون الله فرموده است: ﴿فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمۡۚ﴾ (النساء: ۱۰۳) «در همه احوال بر ذکر الله مداومت داشته باشید و ایستاده ونشسته وبر پهلو خوابیده..».

از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت است که فرموده است: من به بیماری بواسیر مبتلا بودم و درباره نماز از پیامبر صلی الله علیه وسلم سوال کردم و فرمود: «**صل قائما فإن لم تستطع فقاعدا و فإن لم تستطع فعلى جنبك**» به روایت همه محدثین جز مسلم. ونسائی بدان افزوده است: «**فإن لم تستطع فمستلقيا** ﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ﴾ (البقرة: ۲۸۶) « ایستاده نماز بخوان و چون نتوانستی نشسته بخوان و چون نتوانستی بر پهلو بخوان و چون نتوانستی بر پشت خوابیده و بخوان«

و «الله بقدر وسع وتوانایی هرکس وی را مکلف می‌سازد». از جابر رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم از یک بیماری عیادت می کرد ودید که او بر روی بالشی نماز می‌خواند و پیامبر صلی الله علیه وسلم بالش را دور انداخت وفرمود: «صل علی الارض إن استطعت و وإلا فأومئ إیماء واجعل سجودك أخفض من رکوعك» بیهقی آن را روایت کرده وابوحاتم وقف آن را تصحیح کرده است. «بر روی زمین (نشسته) اگر می‌توانی نماز بخوان در غیر آنصورت با ایماء واشاره و نماز بخوان و که برای سجده و بیشتر از رکوع خم شو».

آنچه که معیار عدم استطاعت می‌باشد و عبارت است از مشقت یا ترس ونگرانی وزیاد شدن بیماری یا دیر خواب شدن آن یا نگرانی از سرگیجه. اگر کسی نتوانست ایستاده نماز بخواند و چهار زانو نشسته وآن را بخواند.

از حضرت عایشه روایت است که: «پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیده است که چهار زانو نشسته ونماز می‌خواند». به روایت نسائی وبه تصحیح حکم. ومی‌تواند بمانند نشستن برای تشهد نیز و بنشیند. اگر کسی نتوانست ایستاده یا نشسته نماز بخواند و بر پهلوی راست خوابیده وآن را بخواند و واگر نتوانست و بر پشت بخوابد وبقدر امکان پاهایش را به طرف قبله دراز بکشد. ابن المنذر این کیفیت را انتخاب کرده است. بر بیمار واجب است که در نماز خود و رکوع وسجود کند. ودر صورت عدم توانائی و این اعمال را با حرکت واشاره سرش انجام میدهد و که در حالت سجود و سرخود را پائینتر از حالت رکوع قرار می دهد. واگر شخص می توانست رکوع کند واز سجود عاجز بود و در هنگام رکوع و رکوع خود را انجام داده و ودر هنگام سجود با سر خود به سجود اشاره می کند و ودر صورتیکه شخص می توانست به سجود برود و اما از رکوع عاجز بود و در هنگام سجود و سجده کرده و ودر هنگام رکوع با سر خود به رکوع اشاره می کند. واگر اشاره کردن به سر نیز در هنگام رکوع وسجود برایش غیر ممکن بود و با چشمان خود به این اعمال اشاره می کند.

پس برای رکوع کمی چشمان خود را بر هم گذاشته و وبرای سجود چشمان خود را بیشتر می بندد. واما اشاره کردن با انگشتان دست در هنگام سجود ورکوع که برخی از بیماران آنرا انجام می دهند و هرگز صحیح نبوده و ودر کتاب وسنت هیچ اصل ونشانی از آن نمی شناسیم. وأهل علم نیز بدان اشاره ای نکرده اند. واگر اشاره کردن به سر وچشم نیز برای بیمار امکان نداشت و به قلب خود نماز می خواند. در نتیجه تکبیر گفته وآیات را قرائت می کند و وسجود و رکوع و قیام وقعود (نشستن) را به قلب خود نیت می کند. بر شخص بیمار واجب است که همه نمازها را در اوقات محدد خود بخواند و وهمه واجبات آن را تا حد استطاعت انجام دهد. واگر به جای آوردن نمازها در وقت مکتوب آن برایش با مشقت همراه بود و میتواند بین نمازهای ظهر وعصر و وهم چنین مغرب وعشاء جمع بسته واین نمازها را به صورت جمع بخواند. در نتیجه این نمازها یا بصورت ((جمع تقدیم)) خوانده می شوند و یعنی نماز عصر را پس از نماز ظهر ودر وقت نماز ظهر و ونماز عشاء را پس از نماز مغرب و ودر وقت نماز مغرب أدا می کند. ویا اینکه این نماز ها را بصورت ((جمع تأخیر)) می خواند. یعنی نماز ظهر را قبل از نماز عصر و ودر وقت نماز عصر

و ونماز مغرب را قبل از نماز عشاء و ودر وقت نماز عشاء به جای می آورد. وباید شخص ببیند که کدامیک از این حالات جمع برای او راحت تر می باشد. اما نماز صبح را نمی توان به صورت جمع با نمازهای دیگر خواند. در صورتیکه شخص بیمار مسافر بوده وبرای معالجه به دیار دیگری غیر از شهر خود مسافرت کرده باشد و باید نمازهای چهار رکعتی را به صورت ((قصر)) بخواند. یعنی نمازهای ظهر و عصر و وعشاء را به جای چهار رکعت و دو رکعت أدا می کند و تا اینکه به شهر خود باز گردد. حال خواه این سفر طولانی ویا کوتاه باشد.

همچنان بر پزشکان وپرستاران بیماران در بیمارستان ها لازم است بیماران را از اوقات نماز ها وجهت قبله آگاه سازند ودر عمل وضو یا تیمم با آنان همکاری نمایند زیرا مساله نماز مهمتراز هر چیز دیگری است وهمان طور که دارو را به بیماران در اوقات معین تقدیم می نمایند در مورد نماز نیز باید توجه جدی داشته باشند واین خود همکاری در نیکی است چنانکه الله دستور میدهد:

﴿وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ﴾ المائدة: ٢ «در راه نیکی وپرهیزگاری همدیگر را یاری وپشتیبانی نمایید و وهمدیگر را در راه تجاوز وستمکاری یاری وپشتیبانی نکنید.».

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦﴾

(الأحزاب: ٥٦)

اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم. اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين. اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

سوء ظن(گمان بد)

خطبه اول :

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فهو المهتد ومن يضلل فلا هادى له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله .

قَالَ تَعَالَى: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾﴾ (النساء: ١)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

برادران گرامی انسان از همان روزی که پا به عرصه وجود گذاشت و در پی شناخت خود بوده وهست وخواهد بود وچون الله این نیاز انسان را می شناخت و از همان آغاز خلقت و فطرتی در او قرار داد تا بوسیله آن به رستگاری برسد. ولی این فطرت نیاز به پرورش وتربیت صحیح داشت از اینرو الله متعال ادیان را برای انسانها به ارمغان آورد.

چرخه ی حیات همچنان می گذشت وادیان وپیامبران الهی _علیهم السلام_ یکی پس از دیگری می آمدند تا کار به جایی رسید که می بایست آخرین پیامبر برای ابلاغ آخرین وکامل ترین دین ظهور می کرد وباید بشریت و در عبودیت به اوج کمال می‌رسید.

رسیدن به اوج کمال عبودیت وبندگی نیاز به قلبی پاک و صاف وصادق داشت که می بایست زمینه ای برای فرود آمدن ایمان در آن باشد. ولی قلبهای آدمیان آن روزگار به دلیل بت پرستی وگم کردن اصل خویش دچار ظلمت جهل وبی دینی شده وانسانها دچار انحطاط وسرنگونی شدیدی از حیث روحی و روانی واخلاقی شده بودند .

ناگهان الله از میان همین اقوام جاهل وبدوی و انسانی والامقام وشایسته برگزید و انسانی که بعداً تبدیل به برترین وشایسته ترین مخلوق الله گردید و انسانی که ازهمه لحاظ به کمال رسیده بود و شخصیتی که برای ما حتی از پدر ومادر نیز دلسوزتر از دایه نسبت به نوزاد مهربانتر وازخود انسان به انسان نزدیکتر بود وآن کسی جز محمد بن عبدالله نبود که به پیامبری برگزیده شد وقرآن بر او نازل گردید و دعوت شروع شد و اصلاح و تزکیه و تقوی و تربیت و نصیحت و هدایت و نور و جوانمردی و صداقت و پاکی و احترام و نیکی وصدها خصال نیک دیگر و دوباره معنا پیدا کردند انسان از انحطاط وگمراهی و پا به عرصه‌ی حیاتی جدید گذاشت.

فطرتها بیدار شدند و قلبها رو به پاک شدن حرکت کردند و دلها به همدیگر نزدیکتر شد وتقوی

که بزرگترین ثمره ی ایمان است و در قلبهاریشه دوانید ودوباره چراغ نور وهدایت و شعله ور گردید و انسان دوباره به چرخه حیات واقعیش بازگشت وبه سیر زندگی ادامه داد.

اما شیطان همیشه با وسوسه هایش در کمین انسان ودر صدد تغییر فطرت انسان ودر صدد کاشتن تخم کفر وبی دینی در قلبها می باشد وبه همین سبب مبارزه مستمر انسان با شیطان از سر گرفته شد واین کشمکش ومبارزه تا قیامت ادامه خواهد داشت.

مومنان گرامی یکی از مهمترین دست آوردهای شیطان ونفس سرکش انسان سوءظن وبدبینی است. بدبینی ومنفی نگری وسوء ظن یکی از رذایل اخلاقی وصفات روانی بد می باشد وبا اثر بدی که روی خود شخص واطرافیانش می گذارد و نه تنها از نظر اسلام گناه محسوب می شود؛ بلکه زندگی را در کام انسان تلخ وغیر قابل تحمل می کند.

ما در تعامل متقابل با دیگران هستیم؛ اگر خوب درباره آن ها فکر کنیم و آن ها نیز با ما خوب خواهند بود واگر بد درباره آن ها گمان کنیم و آن ها نیز با ما بد خواهند بود. از جانبی دیگر ما هرگز حق نداریم درباره الله متعال و بدبین ومنفی نگر باشیم واگر غیر از آن باشد و هستی در برابر ما تیره وتار می شود. افراد بدبین ومنفی نگر حتی با خود نیز مشکل دارند وبه زمین وزمان بد وبیرا می گویند: «دنیا با انسان معامله متقابل می کند و اگر بخندید به روی شما می خندد واگر چین بر ابرو اندازید و او هم مقابل شما و ابرو در هم می کشد. اگر مهربان وصمیمی باشید و در اطراف خود مردمی را می بینید که همه شما را دوست می دارند ودر گنجینه دلها را به رویتان باز می کنند.

برادران وخواهران گرامی و سوءظن انسان را به تجسس در حال دیگران وامیدارد و تجسس سرچشمه غیبت وکم کم موجب می شود که آبروی انسانی و به خطر بیفتد. در حقیقت گمان بد عاملی است برای جستجوگری وجستجوگری عاملی برای کشف اسرار ورازهای نهانی مردم است. اگر اجازه داده شود هر کس به جستجوگری درباره دیگران برخیزد حیثیت وآبروی مردم بر باد می رود واسلام هرگز اجازه چنین کاری را نمی دهد. الله متعال در این باره می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَلَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ ١٢﴾ (الحجرات: ۱۲)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها و گناه است وجاسوسی مکنید وبعضی از شما غیبت بعضی نکند.

رسول گرامی اسلام نیز در این باره ما را بی بهره نگذاشته ودر سخنانی بسیار آموزنده وتربوی ما را از بیماریهای قلبی که سرمنشا بسیاری از آنها سوءظن می باشد بازداشته ومی فرمایند:

«إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ و فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ و وَلَا تَحَسَّسُوا و وَلَا تَجَسَّسُوا و وَلَا تَحَاسَدُوا و وَلَا تَدَابَرُوا و وَلَا تَبَاغَضُوا و وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا» . (رواه البخاری ومسلم)

ترجمه : شما را از ظن وگمان (سوءظن وبدبینی) بر حذر میدارم زیرا ظن وگمان دروغترین سخن بشمار میرود و وهرگز در پی یافتن عیوب دیگران نباشید وتجسس نکنید وبه یکدیگر حسادت نورزید وبه همدیگر پشت نکنید (از هم ناراحت ودلگیر نشوید) وبندگی الله را پیشه کنید در حالیکه با یکدیگر برادر (و مهربان) هستید.

برادران مومن! سوءظن بزرگترین مانع همکاریهای اجتماعی واتحاد وبهم پیوستگی دلهاست و وانسان را به زندگی فردی و گوشه گیری و انزوا وتک روی ومفاسد ناشی از این صفات می کشاند و سوءظن نمی گذارد که انسان به دیگری اعتماد کند وپایه همکاری با او را بریزد وبا کمک او به حل مشکلات بشتابد. بدبینی سرچشمه عداوتها و وگاهی مایه اصلی جنگها ونزاعهای خونین می شود. چه بسیار خانواده ها که بر اثر بدبینی از هم متلاشی شده وچه بسیار رجال لایق وباشخصیت که با یک گمان بد در حق آنها و تسلیم مرگ گردیده اند و وگاهی گمان بد آتش جنگهای بزرگی را روشن ساخته است.

همچنین سوءظن و محبت ودوستی را خاموش ونفاق ودورویی را در میان دوستان پرورش می دهد و زیرا چنین کسی در ظاهر ناچار است تظاهر به دوستی با رفقای خود کند در حالی که در باطن چنبن نیست ونسبت به آنها بدبین می باشد وهمین طرز رفتار موجب پرورش روح نفاق ودورویی در او خواهد گردید وبه همین سبب رسول گرامی اسلام آنرا «اکذب الحدیث» نامیده است.

بدبینی سرچشمه ناراحتی روح وعذاب جسم واضطراب ونگرانی خاطر است. افراد بدبین غالباً ناراحتند و وبر اساس توهماتی که درباره اشخاص وحوادث دارند فوق العاده رنج می برند.

آنها از معاشرت با افراد که یکی از وسایل عادی ومؤثر نشاط روحی است گریزانند زیرا کلمات یا کارهای مردم را مثلاً گوشه ها ونیشهایی برای خود فرض می کنند. از درددل که وسیله مفیدی برای تخفیف آلام وناراحتیها است می ترسند و زیرا ممکن است موجب افشای اسرار آنها ویا مشکلات دیگری گردد! وبه همین دلیل غالباً افسرده و بی نشاط وغمگین هستند و وتدریجاً به صورت یک موجود معطل وبی فایده در می آیند.

افراد بدبین از صفای روح غالباً بی بهره اند زیرا همیشه در دل خود مشغول به غیبت افراد دیگرند وبه همین ملاحظه بعضی از علمای اخلاق و سوءظن را به عنوان « غیبت با قلب » عنوان نموده اند وهمانگونه که قبلا اشاره کردیم چه بسا این آفت خود منشاء بسیاری از بیماریهای قلبی دیگر همانند غیبت وحسد میگردد.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم و أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم :

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و والصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.

وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجي صاحبها يوم الحساب.

اما بعد : مومنان نمازگزار تقوای الله را در پیش گرفته ونسبت به برادران وخواهران خود حسن نیت داشته باشید وهرگز به شیطان اجازه ندهید تا دلهای پاک شما را با دردهای خانمانسوزی همچون بدبینی (سوءظن) وحسد وکینه و... بیمار گرداند.

برادران عزیز !دین مبین اسلام دین میانه روی است وافراط وتفریط هرگز مورد پسند اسلام نیست

وآنچه در این دین بر آن تاکید شده رعایت اعتدال است و آن هم در همه زمینه ها.

اصولا در معنای عدل گفته اند که عدل عبارتست از "وضع الشی ء فی مکانه" یعنی عدل قرار دادن هر چیز در جای خود است. پس هر چیزی که از جای خود وزمان خود وحد خود خارج شد یعنی از حدود عدل عبور نموده است.

در مسئله خوش بینی یا سوء ظن نیز و انسان باید از افراط وتفریط بپرهیزد. یعنی نه آنچنان خوش بین باشد که به راحتی فریب دیگران را بخورد ویا دچار شکست وانحراف گردد و ونه آنقدر بدبین باشد که به انسانهای مومن بدون دلیل قانع کننده ای و سوء ظن داشته باشد که این بدبینی مقدمه ای برای کینه ودشمنی وحسادت و.. گردد.

دوستان عزیز وگرامی! ممکن است گفته شود که گمان خوب یا بد یا به اصطلاح مثبت‌نگری یا منفی‌نگری امری اختیاری نیست بنابراین چگونه می‌توان از آن جلوگیری کرد؟ در همین راستا توصیاتی از سوی علمای اخلاق بیان گردیده که به اختصار عبارتند از:

۱) چنان‌که اشاره شد منظور از نهی از سوءظن و نهی از ترتیب اثردادن به آن است یعنی هرگاه گمان بدی نسبت به شخصی مسلمان در ذهن پیدا شد در عمل نباید کوچکترین اعتنایی به آن کرد و یعنی نحوه تعامل خود را تغییر ندهیم. بنابراین آنچه گناه است ترتیب اثر دادن به گمان بد می‌باشد.

۲) انسان می‌تواند با تفکر روی مسائل مختلف گمان بد را در بسیاری از موارد از خود دور سازد و به این ترتیب که در راه‌های حمل قول یا فعل بر صحت بیندیشد واحتمالات صحیحی را که در مورد آن عمل وجود دارد در ذهن خود مجسم سازد وکم‌کم بر گمان بد غلبه کند بنابراین گمان بد چیزی نیست که همیشه از اختیار آدمی بیرون باشد.

۳) پرهیز از همنشینی با افراد ناپاک وناسالم ونامتعادل و زیرا انسان بر اثر همنشینی با آنها از ویژگی‌های اخلاقی ایشان تأثیر می پذیرد وکم‌کم به افراد خوبی که با او همرنگ وهم‌عقیده نیستند بدبین می‌شود.

۴) کنترل مجاری ادراکات و چرا که قرآن کریم تمام مجاری فهم انسان را مسؤول دانسته ومی‌فرماید:

﴿ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ ۚ إِنَّ ٱلسَّمْعَ وَٱلْبَصَرَ وَٱلْفُؤَادَ كُلُّ أُو۟لَٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْـُٔولًا ﴿٣٦﴾ ﴾ (الإسراء: ٣٦)

ترجمه: وچیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش وچشم وقلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

پس قطعاً چشم وگوش ودل همگی مسؤولند. اگر کنکاشی در علل پیدایش سوءظن داشته باشیم می‌بینیم که ادراکات حسی وبالاخص دیدنی‌ها وشنیدنی‌های ما در شکل دادن افکار وتخیلات ما سهم بسزایی دارند در نتیجه یکی از بهترین راههای تدبیر خواست‌ها وتسلط بیشتر بر خود وپیروزی بر خواهش نفسانی ووساوس شیطانی در مورد متهم کردن دیگران؛ مهار ادراکات وبیش از همه مهار چشم وگوش است مانند پرهیز از گوش دادن به سخنان پنهانی دیگران وپاس داشت حریم

خصوصی آنها.

۵) توجه به آثار بد منفی نگری وسوء ظن ودقت در آیات واحادیثی که سوء ظن را تقبیح کرده وبه حسن ظن تشویق نموده‌اند.

شایان ذکر است که هیچکس نباید کاری کند که مردم به او سوء ظن پیدا کنند.

وسخن پایانی اینکه از بارزترین نشانه‌های نابسامانی روحی وروانی سوء ظن وبدگمانی است همچنانکه در حدیث صحیح به روایت امام مسلم از پیامبر آمده است که فرمودند: «**اياكم والظن فإن الظن أكذب الحديث**» از ظن وگمان پرهیز کنید زیرا که ظن وگمان دروغ ترین سخنان است.

هذا واللهمَّ صلِّ وسلِّم وبارك على عبدِك ورسولِك مُحمّد و وارْضَ اللهمَّ عن خلفاء نبيك الرّاشدين الأئمة الهداة المهديين ذوي القدر العلي والفخر الجلي ساداتنا وأئمتنا أبي بكر وعمر وعثمان وعلي وارض اللهم عن السبطين الشهيدين سيدي شباب أهل الجنة وقرتي أعين أهل السنة الإمام أبي محمد الحسن والإمام أبي عبدالله الحسين وعن أمهما فاطمة الزهرا وعن جدتهما خديجة الكبرى وعن الصديقة بنت الصديق عائشة أم المؤمنين وعن سائر أزواج نبيك الطاهرات وعن سائر آل بيت النبي المطهرين من الدنس والأرجاس وعن عمي النبي الكريم حمزة والعباس وعن من تبعهم بإحسان الى يوم الدين.

اللهم أحينا في موالاتهم وموالاة أولياءهم ومعاداة أعدائهم وأمتنا على ملتهم واحشرنا في زمرتهم .

اللهم أعز الإسلام والمسلمين و وأذل الشرك والمشركين و ودمر أعداء الدين و واجعل اللهم هذا البلد آمناً مطمئناً وسائرَ بلاد المسلمين .

اللهم انصر من نصر الدين و اللهم انصر دينك وكتابك وسُنَّة نبيِّك - صلى الله عليه وسلم.

اللهم انصر إخواننا المسلمين في كل مكان يا حي يا قَيُّوم و اللهم انصرهم نصرًا مؤزَّرًا و وأيدهم بتأييدك و واحفظهم بحفظك يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام.

اللهم آمنَّا في أوطاننا و وأصلِح أئمتنا و وولاة أمورنا و واجعل ولايتنا فيمن خافك واتقاك و واتبع رضاك يا رب العالمين و اللهم أبرِم لهذه الأمة أمرَ رشدٍ يَعزُّ فيه أهل طاعتك و ويُذلّ فيه أهل معصيتك و ويُؤمر فيه بالمعروف و ويُنهى فيه عن المنكر؛ إنك على كل شيء قدير.

عید فطر

خطبه اول

الحمد لله كثيرا و والله أكبر كبيرا وسبحان الله بكرة وأصيلا. الله أكبر و الله أكبر و الله أكبر و الله أكبر و الله أكبر و الله أكبر و الله أكبر و الله أكبر و الله أكبر و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له تعظيما لشأنه و وأشهد أن سيدنا ونبينا محمدا عبده ورسوله الداعي إلى رضوانه و اللهم صل وسلم وبارك عليه و وعلى آله وأصحابه وإخوانه.

أما بعد: فيا أيها المسلمون و أوصيكم ونفسي بتقوى الله جل وعلا فمن اتقاه حفظه في دنياه وأخراه.

واعلموا أن أصدق الحديث كلام الله و وخير الهدي هدي نبينا محمد صلى الله عليه وسلم و وشر الأمور محدثاتها و وكل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار.وعليكم بالجماعة فان يد الله مع الجماعة.

حمد وثنا وشکر شایسته آن پرور دگاریست که به ما توفیق داد ماه رمضان را روزه بگیریم پس تک تک ما به خود برگردیم وخود را محاسبه نماییم که در این ماه مبارك و در این میهمانی الله چه انجام داده ایم چون فردایی می آید وبه نفع یا به ضرر مان گواه خواهد شد برحسب آنچه که در حق او انجام داده ایم پس بشتابیم به سوی توبه واستغفار وگفتار وکردار صالح وتضرع وزاری الله ذوالجلال تا شاید جبران کوتاه کاری هایمان شود.

عزیزانم الله سبحانه وتعالی در پایان این ماه عباداتی را مشروع نموده تا ایمانمان افزایش و عبادتهایمان کامل ونعمتهایش را بهتر وکاملتر بر ما ارزانی بخشد و وآن زکات فطر و تکبیر ونماز عید است.

واما زکات فطر از غروب آفتاب شب عید واجب میگردد وفقها هم اتفاق نظر دارند که برهر مسلمان توانا پرداختن آن واجب می باشد ودلیل بر مشروعیت آن روایت ابن عمر رضی الله عنهما می باشد.

فرض رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم زكاة الفطر من رمضان على الناس صاعا من تمر أو صاعاً من شعير و على كل حر أو عبد ذكر أو أنثي من المسلمين»(رواه البخاری)

«رسول الله یک صاع ازخرما یا جو برمسلمان آزاد وبرده و مرد وزن واجب دانست»

دریای علم این امت و ابن عباس ــرضی الله عنهماــ صحابی جلیل القدر رسول گرامی اسلام در حدیثی دیگر حکمت وفلسفه واجب شدن زکات فطر را چنین بیان می دارد:

(**فرض رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم زكاة الفطر طهرة للصائم من اللغو والرفث وطعمة للمساكين**) رواه أبو داود

«رسول الله برای دو حکمت زکات فطر را واجب دانست و پاک نمودن روزه دار از کوتاهی که در حق روزه خود انجام داده است و از سخنان بیهوده وزشت (گرفته تاگناهان بزرگ وکوچک وحکمت دوم) اینکه غذا وقوتی باشد برای مستمندان».

در حقیقت حکمت دوم آن به هدف مساوی نمودن فقرا ونیازمندان از لحاظ مالی در آن روز با دیگر افراد جامعه است تا حداقل در روز عید درخواست مال نکنند ودر روزی که همه شادند آنها

را شاد کنند وبا دادن زکات درد فقر ونا امیدی آنها را کاهش دهند.
با توجه به احادیثی که ذکر شد ودیگر احادیث برای واجب شدن زکات فطر باید چهار شرط بوجود آید:
اولین شرط اسلام می باشد و بنا براین بر کافر واجب نمی شود هرچند که بستگان مسلمان نزدیک داشته باشد ومخارج آنها بر او واجب باشد زکات فطر آنها براو لازم نیست چون زکات یک عبادت اسلامی است.
دومین شرط آن آزادی است و پس در اصل زکات بر برده واجب نیست و اما اگربرده تابع آقایش باشد بر او واجب میگردد چون سبب آن بوجود میاید وبنا به فرمایش رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم سید وآقای برده باید آن را پرداخت کند (أدوا عن کل حر وعبد نصف صاع من بر او صاعا من تمر او صاعا من شعیر)) رواه ابوداود).
و اما **سومین شرط** واجب شدن زکات فطر قدرت وتوانایی مالی می باشد و بدین معنی که مال وی از هزینه شب وروز عید بیشتر باشد واگرچه مستحق زکات گرفتن باشد (بر اساس رای جمهور).
نمازگزاران گرامی و شرط دیگر وجوب زکات فطر این است که و وقت واجب شدنش داخل شود که آن وقت و غروب آفتاب آخرین روز رمضان است. اما جنینی که قبل از روز عید (یا قبل از غروب آفتاب آخرین روز رمضان) به دنیا نیآمده باشد پرداختن زکات فطرش بر پدرش واجب نمی باشد واگر آن را پرداخت نمود صدقه محسوب میگردد. واما مقدار زکات فطر یک صاع از گندم یا جو یا برنج ویا هر غذایی می باشد که اغلب مردم آن شهر آن را مصرف می کنند وقوت اساسی آنها به شمار می رود.
و هر صاع برابر است با **۲۴۰۰**گرم و اگر برنج وگندم وجو باشد اما اگرخرما باشد معادل **۳۰۰۰** گرم می باشد آنچنانکه ابن عمر رضی الله عنه روایت میکند که و أن النبی صلی الله علیه وآله وسلم فرض صدقة الفطر صاعاً من بر.
اما فقهای بزرگوارحنفی مذهب اجازه پرداخت پول یا نقدینگی را به جای غذا داده اند و وبه این استدلال نموده اند که هدف برطرف نمودن نیاز نیازمندان در روز عید می باشد و اما جمهور علما با توجه به احادیث وارده در این مورد که تک تک اجناس را ذکر نموده است به پرداختن قوت اساسی آن شهر ویا منطقه اکتفا می کنند .
مسلمانان نمازگزار الله سبحانه وتعالی و برای ما مسلمانان دو عید را مشروع نموده است و عید فطر وعید قربان که هر دو پس از انجام عبادات عظیمی که رکنی از ارکان دین اسلام به شمار می روند میباشند ودر این دو عید و خیرات وبرکات ورحمات الهی بر مسلمانان سرازیر گردد .
عن أنس قال: قدم رسول الله المدینة ولهم یومان یلعبون فیهما فقال: ما هذان الیومان؟ قالوا: کنا نلعب فیهما في الجاهلیة فقال: (لقد أبدلکم الله خیرٌ منهما: عید الفطر وعید الأضحی) رواه أبو داود والنسائي.
انس بن مالک انصاری صحابی جلیل القدر رسول گرامی اسلام _صلی الله علیه وآله وسلم_

می فرمایند که هنگامی که رسول الله به مدینه هجرت نمودند اهل مدینه دو روز مشخص داشتند که در آن شادابی وپایکوبی می نمودند و رسول الله هنگامی که این را مشاهده نمدند خطاب به آنان فرمود: این دو روز چه روزهایی است؟ (یاران رسول الله در جواب ایشان گفتند:) این دو و روزهایی است که در دوران جاهلیت (قبل از اسلام) شادی وپایکوبی می نمودیم . رسول الله فرمودند: الله متعال دو روز بهتر را جایگزین این دو روز نموده است که این دو روز و روز عید فطر وروز عید قربان می باشد.

آری برادران عزیز! هر ملتی جشن وعیدی دارد که هویت و اهداف وشعار آنها را در بر دارد. الله متعال در این باره می فرمایند : قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿لِّكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ ... ﴿٦٧﴾﴾ (الحج: ۶۷)

ترجمان قرآن عبدالله ابن عباس _رضی الله عنهما_ می فرمایند: مراد از کلمه **منسک** در این آیه و **عید** می باشد والله سبحانه وتعالی برای تمامی امتهایی که دارای قوانین توحیدی والهی بودند جشنهایی را قرار داده تا ثواب وقدر ومنزلتشان را نزد خود بیشتر کند و بر عکس ملتهایی که به دین اسلام وپیامبران الهی پشت نمودند وجشن وشادی آنها تنها گمراهی وعذابشان را بیشتر می کند.

عزیزان نمازگزار و همانگونه که قبلا نیز ذکر کردم و در شریعت محمد مصطفی _ صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم_ به جز دو عید سالانه فطر وقربان که هر سال یک بار به وقوع می پیوندد وعید هفتگی جمعه دیگر عیدی وجود نداشته ونخواهد داشت وهر مناسبت دیگری که نام عید را به خود گیرد بدعت ونوآوری در دین محسوب می گردد که بدعت در دین نیز _نعوذ بالله_ ضلالت وگمراهی را در پی خواهد داشت .

برادران عزیز و عید معانی وحقیقت های بسیار عظیمی را در بردارد که از جمله آن ابراز عقیده خالص وبی شائبه توحید می باشد که خود از بزرکترین نعمتهاست واین ابراز عقیده زمانی تحقق می یابد که ما تکبیر گویان وتهلیل گویان به تعظیم واجلال وشکر وسپاس الله ذوالجلال بپردازیم وبا ترسیم این مفاهیم عظیم در قلبهایمان در تمامی اعمال رضایت وخشنودی وی را مد نظر داشته باشیم وبا خالص نمودن نیتهایمان و عادتهای نیکمان را به عبادت تبدیل نماییم وبوسیله اطاعت نمودن از دستورش ودوری جستن از هر آنچه منع نموده وایمان آوردن به خبرهایش وتسلیم شدن در برابر حکمهایش بهشت برین را برای خود مهیا سازیم.

بنابراین عید ما عید شادی وسرور و عید محبت ودوری از کبر وغرور وعید صلح وآشتی وبخشش وگذشت می باشد.

بعد از اینکه مومنان یک ماه روزه داری نمودند وثابت کردند که مطیع وتسلیم دستورات الله می باشند. وشادی روز عید را با لذت بردن ازحلالها شروع نمودند و آن را با دو رکعت نماز آغاز می نمایند تا اینکه نعمتهای پروردگار را فراموش نکنند.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُحَرِّمُوا۟ طَيِّبَـٰتِ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوٓا۟ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾ وَكُلُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَـٰلًا طَيِّبًا ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾﴾ (المائدة: ۸۷ – ۸۸)

«ای مومنان ! چیزهای پاکیزه ای را که الله برای شما حلال کرده است بر خود حرام مکنید و و(از حلال به حرام) تجاوز ننمائید (واز حدود مقررات الهی تخطی مکنید) زیرا که الله متجاوزان را دوست نمی دارد. واز نعمتهای حلال وپاکیزه ای که الله به شما روزی داده است بخورید و واز (مخالفت با دستورهای) الهی بپرهیزید که شما بدو ایمان دارید».

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني بما فيه من الآيات والذكر الحكيم و أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله اللطيف الخبير و العليم القدير و أحمد ربي وأشكره على فضله الكثير و وأشهد أن لا إله إلا الله العلي الكبير و وأشهد أن نبينا وسيدنا محمدًا عبده ورسوله و البشير النذير و اللهم صلّ وسلم وبارك على عبدك ورسولك محمد و وعلى آله وصحبه أجمعين.

أما بعد:

فاتقوا الله حقَّ التقوى و وتمسّكوا من الإسلام بالعروةِ الوثقى.

الله سبحانه وتعالی و تکبیر گفتن در این روز مبارک را برای ما تشریع نموده است.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ ...وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾ ﴾ (البقرة: ١٨٥)

«تا الله را بر اینکه شما را (به احکام دین که مایه سعادت است) هدایت کرده است و بزرگ دارید وتا اینکه (از همه نعمتهای او) سپاسگزاری کنید.»

بنابر این و روزه نعمتی است که شایان این است در برابر آن پروردگار خویش را حمد وثنا وشکر وسپاس گفت.

انسان مومن که روزه خود را خالصانه برای رضای الله متعال به وجه احسن ادا می نماید بخوبی میداند که از چه نعمت عظیمی در این ماه پر برکت بهره برده وجسم وجان خویش را با چه جوهری صیقل داده وعطرآگین نموده است وبه همین جهت به شکرانه چنین نعمت عظیمی وبه امید پذیرش آن در درگاه الله متعال وبا آرزوی دست یابی مجدد به این فرصت طلایی وگرانبها و حمد وثنای خالق بی همتا را بجا می آورد.

خواهران وبرادران عزیز و رسول گرامی اسلام تمامی افراد جامعه اسلامی اعم از مرد وزن را به نماز عید فرامی خواندند و با توجه به اینکه زنانی که در عادت ماهیانه بودند در مصلی نمی نشستند. مردها با بهترین لباسهایشان وبا بوی خوش میروند اما خانمها از عطر وبوخوشی در خارج از منزل استفاده نمیکنند ودر پوشش زیور آلات زیاده روی نمی نمایند وسنت است که قبل از رفتن به نماز عید سه یا پنج عدد ویا بیشتر به صورت وتر وتک (فرد) خرما می خورند.

عباد الله و ألا وصلوا وسلموا على من أمركم الله بالصلاة والسلام عليه فقال (إن الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما) (الأحزاب: ٦٥) اللهم صل وسلم على عبدك ورسولك محمد وارض اللهم عن الخلفاء الراشدين وعن سائر الصحابة أجمعين وعن التابعين لهم وتابعيهم بإحسان إلى يوم الدين وعنا معهم بمنك وفضلك وإحسانك يا أرحم الراحمين.

اللهم أعز الإسلام وانصر المسلمين .. وأذل الشرك والمشركين ودمر أعداء الدين واجعل هذا البلد آمنا مطمئنا وسائر بلاد المسلمين اللهم انصر دينك وكتابك وسنة نبيك وعبادك المؤمنين اللهم آمنا

في أوطاننا .. وأصلح أئمتنا وولاة أمورنا.

اللهم انصر المجاهدين و الذين يجاهدون في سبيلك لإعزاز دينك وإعلاء كلمتك و اللهم انصرهم في فلسطين وفي كل مكان يا رب العالمين. اللهم سدد سهامهم وآراءهم و واجمع على الحق كلمتهم وانصرهم على عدوك وعدوهم. ربنا ظلمنا أنفسنا وإن لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من الخاسرين. ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

برادران عزيز و به يكديگر سلام داده وهمكديگر را در آغوش بگيريد ودر اين روز مبارک قلبهايتان را از هر گونه كينه وكدورت پاک سازيد وشكر گزار الله باشيد كه توفيق روزه اين ماه پر فضيلت را عطا نمود. (سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين)

عید قربان

خطبه اول

أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و من دعاه لبّاه و ومن أخلص له العبادة نجّاه و وأشهد أن محمدًا عبده ورسوله و وخليله ومصطفاه و بلّغ الرسالة وأدى الأمانة ونصح الأمة و وتركنا على المحجة البيضاء ليلها كنهارها لا يزيغ عنها إلا هالك و صلى الله عليه وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

وبعد:

فاتقوا الله تعالى أيها المسلمون بفعلِ أوامره واجتناب نواهيه والحَذَر من سخَطه وعقابه و يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَقُولُوا قَوْلاً سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعْ اللهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا [الأحزاب: ٧٠ و ٧١].

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِى فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ ﴾ (الروم: ٣٠)

ای مسلمان و راست ودرست رو به آئین الله کن. چون این آئینی است که جلوگیری می کند از هواها وهوسهای گوناگون وپراکنده ای که بر حق وحقیقت تکیه ندارند و واز علم ودانش مدد ویاری نمی گیرند و وبلکه از شهوتها ولذتها و واز کشش ها وجهش ها و بدون هر گو نه ضابطه وقاعده ای و وبدون هر گو نه دلیل وحجتی و پیروی می کنند و آری به **آئین الله خالصانه رو کن** و واز هر آئینی جدای از این آئین روی بگردان و وتنها به اوامر ونواهی این آئین گوش فرا بده نه به چیز دیگری: **این سرشتی است که الله متعال مردمان را بر آن سرشته است. وهر گز نباید سرشت الله را تغییر داد.**

برادران عزیز می بینیم که در این آیه و روند قرآنی بدین وسیله میان فطرت نفس بشری وسرشت وطبیعت این دین و ارتباط برقرار می سازد. هر دوی آنها با قانون هستی موافق اند و وهر دوی آنها در سرشت ودر رویکرد هماهنگ با یکدیگرند.

پروردگاری که دل بشری را آفریده است و واوست که این آئین را فرو فرستاده است تا بر دل فرمان براند ودل را بگرداند وبیماری آن را دوا بکند وآن را از انحراف بازدارد وبر راه راست بدارد.

الله آگاه تر از هر کسی نسبت بندگان خود است . والله متعال بسیار دقیق وآگاه است. فطرت پاک وسالم ثابت واستوار است و ودین الله نیز ثابت واستوار است: پس نباید سر شت الهی یعنی فطرت خداجوی انسانها را تغییر داد.

هنگامی که درونها از فطرت منحرف می شوند جز این دین هماهنگ با فطرت و چیز دیگری آنها را به سوی فطرت برنمی گرداند. بله عزیزان و این است دین وآئین محکم واستوار و ولیکن اکثر مردم (چنین چیزی را) نمی دانند.

پس بنا بر این اصل و الله متعال در راستای اشباع وسیراب نمودن طبیعت وغریزه بشری در ابراز شادابی وسرور و دیدار ودید وبازدید ودادن هدیه به یکدیگر وهمچنین شکر وسپاس نمودن نعمتهای عظیم الهی وضرورت جمع کلمه ووحدت مسلمانان و عید بزرگ قربان را مشروع نموده

است.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِّيَذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلْأَنْعَٰمِ ۗ فَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَلَهُۥٓ أَسْلِمُوا۟ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾ ﴾ (الحج: ۳۴)

«(قربانی تنها منحصر به شما مسلمانان نبوده و وبلکه) ما برای هر ملتی (که پیش از شما به الله ایمان داشته اند) قربانی را (که سمبول آمادگی انسان برای فدا شدن در راه الله یکتاست) مقرر کرده ایم و تا به نام الله چهارپایانی را ذبح کنند که وی بدیشان عطاء نموده است ».

برادران گرامی و قرآن مجید این قربانیها را به عنوان یکی از مناسک وشعائر معروف در میان ملتهای گوناگون معرفی می کند. تنها چیزی که هست این است که اسلام آن را به راه صحیح خود انداخته است و بدانگاه که آن را متوجه خالق یکتا کرده است وبس.

پس از آن الله متعال موضوع توحید ویکانگی الله ووجوب تسلیم وخضوع در مقابل وی را بیان کرده وهمه این موارد را با سیاق جمع بیان نموده وما را به یکپارچگی ووحدت بر توحید خالص فرا می خواند.

عن أنس قال: **قدم رسول الله المدينة ولهم يومان يلعبون فيهما فقال: ما هذان اليومان؟ قالوا: كنا نلعب فيهما في الجاهلية فقال: (لقد أبدلكم الله خيرٌ منهما: عيد الفطر وعيد الأضحى)** رواه أبو داود والنسائی.

انس بن مالک انصاری رضی الله عنه صحابی جلیل القدر رسول گرامی اسلام _صلی الله علیه وآله وسلم_ می فرماید: که هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به مدینه هجرت نمودند اهل مدینه دو روز مشخص داشتند که در آن شادابی وپایکوبی می نمودند و رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم هنگامی که این را مشاهده نمودند خطاب به آنان فرمودند: این دو روز چه روزهایی است؟ (یاران رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در جواب ایشان گفتند:) این دو و روزهایی است که در دوران جاهلیت (قبل از اسلام) شادی وپایکوبی می نمودیم. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: الله متعال دو روز بهتر را جایگزین این دو روز نموده است که این دو روز و روز عید فطر وروز عید قربان می باشد.

برادران عزیز و اعیاد ما مسلمانان دارای ویژگیهای متعددی می باشد که برخی از این ویژگیها عبارتند از و جمع شدن مسلمانان در عیدگاه ویا مسجد جامع و خواندن نماز عید در این دو روز پرفضیلت و ودیگری اینکه این دو روز نزد ما مسلمین از جانب پروردگار یکتا وبوسیله پیام آور بی همتای او محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم بر ما تعیین ومشخص شده که عبارتند از اولین روز از ماه شوال وعید فطر نام گرفته است وروز نهم ماه مبارک ذی الحجه که عید الاضحی که همان قربانی می باشد نام دارد.

پس از تأکید بخشش های وفراوان و الله سبحان و محمد _صلی الله علیه وآله وسلم_ را متوجه شکر نعمت همراه با نخستین حق آن می فرماید. نخستین حق نعمت و **در عبادت و** اخلاص داشتن وتنها رضای الله را طلبیدن است. **در نماز ودر قربانی** کردن اخلاص داشتن و وفقط برای الله وبه نام وی نماز خو اندن وقربانی کردن.

الله سبحانه وتعالی در این باره می فرماید: ﴿ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنْحَرْ ﴿٢﴾ ﴾ (الکوثر: ۲)
«(حال که چنین است) تنها برای پروردگار خود نماز بخوان وقربانی بکن.»
پس عزیزان من و بیاییم در این روز پر برکت به این ندای الهی ونبوی لبیک گفته وبه پیروی از اسوه مان ابوالانبیاء ابراهیم خلیل وامام المرسلین محمد _علیهم الصلاه والسلام_ در راه الله حیوانی را قربانی کنیم وزبان خود را با تسبیح وتکبیر ودیگر اذکار و بیش از پیش معطر سازیم زیرا الله ذو الجلال اعمال نیک را در این ماه بیشتر دوست میدارد آنچنانکه ابن عباس رضی الله عنه روایت میکند.
قال رسول الله: "ما من أيام أعظم عند الله و ولا أحب إليه العمل فيهن من أيام العشر و فأكثروا فيهن التسبيح و والتكبير و والتهليل" أخرجه الطبراني.
رسول الله _صلی الله علیه وآله وسلم_ می فرمایند: هیچ روزهایی نزد الله بزرگتر واعمال نیک در آنها و محبوبتر از این ده روز (اول ذی الحجه) نیست و بنابر این در این روزها به کثرت به تسبیح وتکبیر وتهلیل بپردازید.
نمازگزاران عزیز و امروز روز فرح وشادمانی است و ام المومنین عایشه رضی الله عنها روایت میکند در روز عید و اهل حبشه در مسجد بازی می کردند ودر این هنگام رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم من را صدا زد ومن از بالای شانه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم صحنه را مشاهده مینمودم (در حالی که در پشت سر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم قرار داشت) در این هنگام ابوبکر رضی الله عنه آمد (و خواست که ام المومنین را منع کند) رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند رهایش کن! زیرا که برای هر قومی جشنی هست وامروز جشن ماست ودر روایت دیگرحضرت فرمودند : تا یهود بفهمند که دین ما وسیع وانعطاف پذیر است.
عزیزانم و امروز و روزی عظیم نزد الله ورسول اوست تا این حد که شروع کردن به جنگ در این ماه را ممنوع کرده اند مگر اینکه دشمن حمله کند ومسلمین به دفاع بپردازند.
دوستان گرامی توجه داشته باشید که اگر عید در روز جمعه قرار گرفت مسلمانان می توانند نماز جمعه را نخوانند ولی وجوب نماز ظهر سر جای خود هست بدلیل حدیث ابی هریره رضی الله عنه فرمودند:
قال رسول الله: **"قد اجتمع في يومكم هذا عيدان و فمن شاء أجزأه عن الجمعة و وإنا مجمعون"- أخرجه أبو داود وغيره.** «در این روز دو عید قرار گرفته‌اند و پس کسی که می‌خواند و نماز عید (بجای جمعه) برایش کفایت می کند (و لازم نیست نماز جمعه بخواند) ولی ما نماز جمعه را برگزار می کنیم».
وروى عطاء أن ابن الزبير فعل ذلك. قال عطاء بن أبي رباح صلى بنا ابن الزبير في يوم عيد في يوم جمعة أول النهار و ثم رحنا إلى الجمعة و فلم يخرج إلينا فصلينا وحدانا. وكان ابن عباس بالطائف فلما قدم ذكرنا ذلك له فقال: أصاب السنة»- أخرجه أبو داود وغيره.
وهمچنین عطاء ابن أبی رباح روایت می کند که ابن زبیر نماز عید را بر ما گذارد وهنگامی که رفتیم برای نماز جمعه نیامد ووقتی ابن عباس از طائف برگشت جریان را برایش بازگو کردیم فرمود: مطابق سنت عمل نموده است.

وشیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله در مجموع فتاوی از امام احمد رحمه الله نقل می کند بر امام است که نماز جمعه را بر پا دارد تا حاضرین آنچه کاملتر است به جای آورند هرچند که هر یک از مردم اجازه نخواندن جمعه را دارند.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني بما فيه من الآيات والذكر الحكيم و أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله و الحمد لله أسدى فضله وأولى و وأعظم خيره فنِعم المولى و له الحمد في الآخرة والأولى و توالت نعمه و وعظمت مِنَنُه و وعمَّ الخلائق برًا ونَولاً و خصَّنا بالإسلام ويسَّر حج البيت الحرام و أحمده تعالى وأشكره وأثني عليه وأستغفره و وأسأله المزيد من فضله والإنعام وأشهد أن لا إله إلا الله الملك القدوس السلام و وأشهد ان محمداً عبده ورسوله خير من صلى وصام و وحج البيت الحرام . صلى الله عليه وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. أما بعد: فاتقوا الله عباد الله؛ تفوزوا بمرضاته وجنته و وتنجوا من سخطه وعقوبته و يقول الله تعالى: فأما من تاب وآمن وعمل صالحا فعسى أن يكون من المفلحين [القصص: ٦٧]

قَالَ تَعَالَى: ﴿ وَٱلْفَجْرِ ۝١ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝٢ وَٱلشَّفْعِ وَٱلْوَتْرِ ۝٣ ﴾ (الفجر: ۱ - ۳)

«به سپیده دم (صبحگاهان) سوگند! وبه شبهای دهگانه سوگند! وبه جفت وتک (هر چیزی) سوگند!»

مفسرین در تفسیر این آیه گفته اند که شبهای دهگانه ده روز ذو الحجه والشفع روزهای منی والوتر روز عرفه است اما آیه ای که الله سبحانه وتعالی در روز عرفه حجة الوداع یعنی آخرین سال زندگی پر برکت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم نازل نمود این آیه می باشد.

قَالَ تَعَالَى: ﴿ ٱلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلْإِسْلَٰمَ دِينًا ... ۝٣ ﴾ (المائدة: ۳)

«امروزه (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و(با عزت بخشیدن به شما واستوار داشتن گامهایتان) نعمت خود را برشما تکمیل نمودم واسلام را به عنوان آئینی که مورد پسند الله است برای شما برگزیدم».

برادران عزیز و الله متعال در این خطاب نورانی و اعلام میدارد و دین مبین اسلام که در برگرفته عقاید واحکام و.. می باشد تکمیل شده است وهیچ گونه نقص وخللی در آن وجود ندارد وشایسته رهبری بشریت در تمامی زمانها ومکانها را دارد وهر که جز این بیاندیشد ویا حکم وقوانین دیگری را بر شرع وقوانین این دین ترجیح دهد به این آیه کریمه کفر ورزیده وخود را متوجه وعید الهی نموده است وگویا با زبان حال خود این را بیان می دارد که او از الله متعال و خالق ومدبر وپرورش دهنده کون ومکان و آگاه تر است ونیازهای انسان واسباب سعادت وخوشبختی وی را بهتر می شناسد. ولاحول ولاقوه الابالله.

پس بیاییم به شکرانه تمامی نعمتهای گرانبهایش که در راس آنها و نعمت اسلام قرار دارد و این روز مبارک را گرامی داشته وتکبیر گویان در راه رضای وی قربانی دهیم.

عباد الله صلوا وسلموا على من أمركم الله بالصلاة والسلام عليه فقال (إن الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما) (الأحزاب: ۵۶) اللهم صل وسلم على عبدك ورسولك محمد وارض اللهم عن الخلفاء الراشدين وعن سائر الصحابة أجمعين وعن التابعين لهم وتابعيهم بإحسان إلى يوم الدين وعنا معهم بمنك وفضلك وإحسانك يا أرحم الراحمين.

اللهم أعز الإسلام وانصر المسلمين .. وأذل الشرك والمشركين ودمر أعداء الدين واجعل هذا البلد آمنا مطمئنا وسائر بلاد المسلمين اللهم انصر دينك وكتابك وسنة نبيك وعبادك المؤمنين اللهم آمنا في أوطاننا .. وأصلح أئمتنا وولاة أمورنا.

اللهم انصر المجاهدين و الذين يجاهدون في سبيلك لإعزاز دينك وإعلاء كلمتك و اللهم انصرهم في فلسطين وفي كل مكان يا رب العالمين. اللهم سدد سهامهم وآراءهم و واجمع على الحق كلمتهم وانصرهم على عدوك وعدوهم. ربنا ظلمنا أنفسنا وإن لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من الخاسرين.

ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

برادران عزيز و به يكديگر سلام داده وهكديگر را در آغوش بگيريد ودر اين روز مبارک قلبهايتان را از هر گونه كينه وكدورت پاک سازيد. (سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين)

نماز ماه گرفتگی یا خورشید گرفتگی

خطبه اول

(الْحَمْدُ للهِ الَّذى خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفرُوا برَبِّهِمْ يَعْدلُونَ) أحمده جلَ شأنه خلق الليل والنهار والشمس والقمر وكلَ في فلك يسبحون و وأشهد ألا إله إلا الله وحده لا شريك له ....أما بعد..

فأوصيكم عباد الله بتقوى الله في السر والعلن والغيب والشهادة فما استمطرت الرحمات ولا استجلبت النفحات ولا استدفعت المصائب والبليات بمثل تقوى الله رب البريات و فاتقوا الله أيها المؤمنون لعلكم تفلحون: (وَيُنَجِّى اللهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ)

ماه وخورشید دو نشانه از نشانه های عظمت وقدرت لایتناهی پروردگار جهانیان می باشد وبدانیم که او بر تمامی امور قادر وتواناست.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ وَمِنْ ءَايَٰتِهِ ٱلَّيْلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمْسُ وَٱلْقَمَرُ ۚ لَا تَسْجُدُواْ لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَٱسْجُدُواْ لِلَّهِ ٱلَّذِى خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ ﴾ (فصلت: ٣٧)

«روز وشب وماه وخورشید از نشانه های (قدرت وعظمت) پروردگار می باشند و هرگز به ماه وخورشید سجده نکنید (و آنها را نپرستید) بلکه تنها به الله که آنها را آفرید سجده نمایید اگر شما (راست می گویید و) تنها او (الله) را عبادت می کنید».

برادران گرامی و از مهمترین وعظیمترین مخلوقات الله متعال که دلالت بر قدرت وعظمت وحکمت وتدبیر وی دارد و ماه وخورشید وستارگان وشب وروز ونظام وهماهنگی بی نظیر حاکم بر آنها می باشد. الله سبحانه وتعالی زمین وآسمان وآنچه که در آندو می باشد را برای ما مسخر نموده تا با تفکر وتدبر در این مخلوقات عظیم وهماهنگی فی مابین آنها و به خود آییم وشکرگذار خالق وآفریننده آنها یعنی الله ذوالجلال والاکرام باشیم.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلْفُلْكَ لِتَجْرِىَ فِى ٱلْبَحْرِ بِأَمْرِهِۦ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلْأَنْهَٰرَ ﴿٣٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ دَآئِبَيْنِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ ﴿٣٣﴾ وَءَاتَىٰكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ ۚ وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَتَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ ۗ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾ ﴾ (إبراهيم: ٣٢ - ٣۴)

«الله آن ذاتی است که آسمانها وزمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد وبه وسیله آن از میوه‌ها برای شما رزق وروزی قرار داد وکشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود ورودها را برای شما مسخر کرد (۳۲) وخورشید وماه را که پیوسته روانند برای شما رام گردانید وشب وروز را [نیز] مسخر شما ساخت (۳۳) واز هر چه از او خواستید به شما عطا کرد واگر نعمت الله را شمارش کنید نمی‌توانید آن را بشمارید قطعا انسان ستم‌پیشه ناسپاس است (۳۴)»

برادران نمازگزار و این نظم وهماهنگی موجود در بین ماه وخورشید وستارگان ودیگر کهکشانها که تعداد آنها به میلیونها می رسد و آنقدر دقیق وحساس می باشد و که دانشمندان اعتراف نموده

اند که اگر یکی از این ستارگان ویا سیاره ها که هر کدام به بزرگی کره زمین ویا کمتر وبیشتر از آن می باشند و یک ثانیه در حرکت خود تاخیر کند ویا اینکه از مداری که در آن واقع می باشد ذره ای خارج شود و نظم جهان هستی به هم می خورد وانفجارهای مهیبی به وقوع می پیوندد وزمین وزمان فنا ونابود می گردد. آری اوست که با این زنجیر ناگسستنی آسمانها را زینت بخشیده است وجز خود او هیچ کس قادر به از هم گسستن این پیوند محکم نیست.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ وَٱلشَّمۡسُ تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ٣٨ وَٱلۡقَمَرَ قَدَّرۡنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ ٣٩ لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن تُدۡرِكَ ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ٤٠ ﴾ (یس: ۳۸ - ۴۰)

«و خورشید به [سوی] قرارگاه ومدار ویژه خود روان است وتقدیر آن (پروردگار) عزیز دانا این است (۳۸) وبرای ماه منزلهایی ومدارهایی مشخص نموده ایم تا چون شاخک خشک خوشه خرما برگردد (یعنی هلالی شکل گردد) (۳۹) نه خورشید شایستگی (و توانایی) آنرا دارد که به ماه رسد ونه شب بر روز پیشی می جوید وهر کدام در سپهری (آسمانی) شناورند (۴۰)»

بله عزیزان جز او تبارک وتعالی و که خالق تمامی موجودات از عدم می باشد و هیچ مخلوقی قادر به از بین بردن این نظم وترتیب نیست وتنها اوست که هنگام برپایی قیامت ورستاخیز و زمین وزمان را در هم می کوبد واین نظم وقانون فعلی حاکم بر جهان هستی را دگرگون می سازد.

زمین چاک شد و کوه و بگداخته *فلک بر زمین آتش انداخته
به پا خاست هنگامه ی رستخیز* همه دیدها سرخ وخونابه ریز
ثریا وپروین بهم ریخته* همه عقد منظومه بگسیخته
پراکنده مردم و چو پروانه ها* چو موران که دورندازلانه ها
ستاره فروریزد از آسمان *بمیرد زمین ونماند زمان

"أخرج البخاري ومسلم في صحيحهما عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: خسفت الشمس فقام النبي صلى الله عليه وسلم فزعا يخشى أن تكون الساعة فأتى المسجد فصلى بأطول قيام وركوع وسجود ما رأيته قط يفعله وقال هذه الآيات التي يرسل الله لا تكون لموت أحد ولا لحياته ولكن يخوف الله بها عباده فإذا رأيتم شيئا من ذلك فافزعوا إلى ذكره ودعائه واستغفاره» .

«ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت می کند که در زمان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ماه خسوف کرد و ایشان در حالیکه مضطرب بودند وترس از این داشتند که قیامت برپا شود وارد مسجد شد ونمازی بس طولانی خواند با رکوع وسجده ای بسیار طولانی که من طولانی تر از آن نماز را ندیده بودم و سپس فرمود این نشانه هایی که الله متعال می فرستد بسبب مرگ کسی ویا زندگی کسی نمی باشد بلکه الله آنها را می فرستد تا بندگانش را بیم دهد و هرگاه چیزی از آن را دیدید بسوی دعا وذکر ویاد الله بشتابید واز او طلب بخشش نمایید.

بارك الله لي ولكم في القران العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم أقول قولي هذا واستغفر الله العظيم الجليل لي ولكم ولسائر المسلمين من كل ذنب فاستغفروه وتوبوا إليه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله الذي خلق الليل والنهار والشمس والقمر و وأشهد أن لا إله إلا الله المنجي من عذاب النار وعذاب القبر و والصلاة والسلام على نبينا محمد ما أشرقت شمس وأنار بدر . . أما بعد :

در بیست ونهم ماه شوال و سال دهم هجری درست همان روزی که و ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم از دنیا رفت و خورشید گرفتگی (کسوف) کاملی در شهر مدینه به وقوع پیوست. در جاهلیت مشهور بود که هرگاه خسوف ویا کسوف بوقوع می پیوست و مردم سبب آن را مرگ بزرگی ویا فوت فرزند انسان بزرگی می پنداشتند. به همین سبب رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم همانگونه که در حدیث خطبه اول ذکر شد و شتابان بسوی مردم شتافت وبیان کرد که ماه وخورشید از نشانه های قدرت الله بوده وبخاطر مرگ وزندگی کسی دچار تغییر نمی شود.

اما آنچه که در احادیث زیادی ذکر شده وبسیار مهم وقابل توجه می باشد این است که و خسوف وکسوف انذاری الهی است بر دوری مردم از شرعش وبیان کننده ی مخالفتهای مردم با تعالیم دین حنیف اسلام می باشد.

الله متعال می فرماید: ﴿وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُواْ مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهۡرِهَا مِن دَآبَّةٖ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِۦ بَصِيرَۢا ٤٥﴾ (فاطر: ۴۵)

«و اگر الله مردم را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند مؤاخذه می کرد هیچ جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نمی گذاشت ولی تا مدتی معین مهلتشان می‌دهد وچون اجلشان فرا رسد الله به [کار] بندگانش بسیار بیناست (۴۵)»

برادران عزیز! شکی نیست که علاوه بر سببهای معنوی وقوع خسوف وکسوف که همانا گناه ومعصیت بنی آدم می باشد و بر اساس سنت الهی در جهان هستی اسباب مادی وحسی نیز در وقوع این امر دخیل می باشد که دین مبین اسلام نیز آن اسباب علمی وتجربی را تقریر وتایید می نماید و اما هرگز نباید غافل ماند که الله متعال خود مسبب وبوجود آورنده تمامی این اسباب مادی می باشد وبا این حوادث به ما انذار وهشدار میدهد که به خود آییم وبه سوی وی توبه ورجوع نماییم وبدانیم که رسول گرامی اسلام چگونه با این حادثه برخورد مینمودند ومسلمانان را به چه چیزهایی توصیه می کردند.

امام مسلم نیشاپوری در کتاب صحیح خود از جابر بن عبدالله الانصاری رضی الله عنهما نقل می کند که: «روزی از روزهای بسیار گرم خورشید کسوف کرد ورسول الله صلی الله علیه وآله وسلم با یارانش نماز خواند وقیام را طولانی نمود تا جایی که نزدیک بود بعضی بیفتند سپس رکوع کرد ورکوع را نیز طولانی نمود سپس از رکوع برخواست وبه مدتی طولانی ایستاد سپس رکوع کرد ورکوع را نیز طولانی نمود سپس از رکوع برخواست وبه مدتی طولانی ایستاد پس از آن به سجده رفت ودو سجده را نیز طولانی کرد ومثل آنرا در رکعت دیگر انجام داد که چهار سجده وچهار رکوع شد. سپس فرمود : بر من عرضه شد هر آنچه را تصور می کنید وحتی بهشت که در آن درختی دیدم که خواستم از آن میوه ای برگیرم اما دستم بدان نرسید وجهنم بر من عرضه شد که

زنی از بنی اسرائیل را دیدم که در آن عذاب می دید و بعلت اینکه گربه ای را بسته بود وآنرا از آب وغذا محروم کرده بود ورهایش نکرده بود تا خود برای خود چیزی یابد و ودیدم اباثمامه عمرو بن مالک روده اش را در آتش می کشد چرا که او می گفت: خورشید وماه کسوف نمی کنند مگر بسبب مرگ انسان بزرگی و بلکه بدانید این دو نشانه ای از نشانه های الله متعال می باشد پس چنانچه آنرا مشاهده کردید نماز بخوانید تا برطرف شود.»

پس همانگونه که در این حدیث بیان شد و اولین کاری که رسول الله _ علیه الصلاه والسلام_ هنگام خسوف ویا کسوف انجام میدادند راز ونیاز با الله متعال وخواندن دو رکعت نماز بود که این نماز با نمازهای عادی متفاوت می باشد و زیرا هر رکعت آن دو رکوع ودو قیام ودو سجود دارد که همه آنها طولانی تر از نمازهای پنجگانه می باشند ورسول الله آنقدر این نماز را طولانی مینمودند تا اینکه کسوف پایان می پذیرفت وپس از ادای نماز مردم را به تقوا و دعا وپرهیز از گناهان وتوبه وانابت به سوی الله متعال فرا می خواندند وبسیاری از گناهان کبیره خانمانسوز همچون شرک و زنا وظلم را نام برده ومردم را شدیدا از نزدیک شدن به آنها بر حذر می داشتند.

پس ای برادران عزیز و بر ماست که از این فرصت استفاده نموده و به خود آییم ودر اعمال ورفتار خود بازنگری کنیم تا مبادا خشم وغضب الهی ما را در برگیرد وزیانکار دنیا وآخرت شویم.

از الله متعال رب العزت والجلال و والجبروت والکمال و خواهانیم که ما را بیامرزد واز گناهان ولغزشهای ما درگزرد وما را توفیق اخلاص ومتابعت در جمیع عبادات نصیب گرداند وکامیابی دو گیتی را به ما عطا نماید. قال تعالی: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١١٩﴾ ﴾ (التوبة: ١١٩) ترجمه: ای مومنان و تقوای الله را پیشه نموده وبا راستان باشید.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ﴿٥٦﴾ ﴾ (الأحزاب: ٥٦)

اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار و وآل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِمَا تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي و يعظكم لعلكم تذكرون.

نماز طلب باران(استسقاء)

خطبه اول

الحمد لله و الحمد لله الكريم الوهاب و الغفور التواب و أجزل للطائعين الثواب و وأنذر العاصي من شديد العقاب و يجتبي إليه من يشاء ويهدي إليه من أناب و أحمده على نعمه التي فاضت على ذرات التراب وقطرات السحاب و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و شهادة تنجي من العذاب و وتدخل قائلها دار السلام بغير حساب و وأشهد أن نبينا وسيدنا محمدًا عبده ورسوله و أرسله بأسمح دين وأفصح كتاب و فرض الفرائض وسن السنن وبين الآداب و صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه خير آل وأكرم أصحاب.

أمّا بعد:

فاتقوا الله عبادَ الله في الموارد والمصادرِ و فتقواه خيرُ ما أعِدَّ لليومِ الآخر و والمتّقِي هو المنتصر والظافِر و ﴿وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ مِنۡ أَمۡرِهِۦ يُسۡرٗا ٤﴾ (الطلاق: ۴)

بعد ازحمد وثنای پروردگار وسفارش به تقوای الله ذو الجلال ؛ خود وشما را به طاعت الله توصیه میکنم چونکه تقوی راز موفقیت تمامی امورست والله متعال درباره اهل کتاب می فرماید:

أَعُوذُ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ﴿وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَكَفَّرۡنَا عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَلَأَدۡخَلۡنَٰهُمۡ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٦٥ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ أَقَامُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِم مِّن رَّبِّهِمۡ لَأَكَلُواْ مِن فَوۡقِهِمۡ وَمِن تَحۡتِ أَرۡجُلِهِمۚ مِّنۡهُمۡ أُمَّةٞ مُّقۡتَصِدَةٞۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ سَآءَ مَا يَعۡمَلُونَ ٦٦﴾ (المائدة: ۶۵ – ۶۶)

«اگر اهل کتاب (اعم از مسیحیان ویهودیان و بجای دشمنی وتباهکاری و به اسلام بگروند و) ایمان بیاورند وپرهیزگاری (تقوی) پیشه کنند و گناهانشان را می زداییم (و زشتیها وگذشته ایشان را می بخشیم) وآنان را به باغهای پرنعمت بهشت داخل می سازیم. واگر آنان به تورات وانجیل (اصلی ودست نخورده) وبدانچه که از سوی پروردگارشان (به نام قرآن) بر آنان نازل شده است عمل بکنند (ودر میان خود قوانین الهی را پیاده کنند وبر پای دارند) از بالای سر خود واز زیر پای خود (واز هر سو و غرق در نعمت شده واز آسمان وزمین) روزی خواهند خورد.»

مومنان نمازگزار و در این آیه و قاعده ایمانی بزرگی به میان می آید و قاعده ای که بیان می دارد اقامه دین الله در جهان وا ستوار وپابرجا داشتن آن در میان مردمان و مساوی است با صلاح وفلاح وکسب سعادت در زندگی مومنان و هم در این جهان وهم در آن جهان . میان دین ودنیا و واین جهان وآن جهان فرقی وفاصله ای نیست . وآیین اسلام برنامه واحدی برای دنیا وآخرت و ودنیا ودین است.

ابن عباس رضی الله عنهما می فرمایند که رسول الله صلی الله علیه وعلی آله وسلم فرمودند: «من لزم الاستغفار جعل الله له من كل ضيق مخرجاً و ومن كل هم فرجاً و ورزقه من حيث لا يحتسب». رواه أبو داود (۱۵۱۸) وابن ماجه (۳۸۱۹) و وأحمد في «المسند» (۲۴۸/۱)

«کسی که زیاد استغفار بگوید و الله برای هرگرفتاریش راه رهایی قرار می دهد واز هر آن چه که او را آزار می دهد و آزاد و ورزق وروزی از راه هایی بر او سرازیر می شود که نه به فکر ونه به ذهن اوخطور کرده است»

وهمچنین الله متعال در سورهٔ هود میفرمایند: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿ وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ﴿٥٢﴾ ﴾ (هود: ٥٢)

«ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش (گناهان ولغزشهایتان) را بطلبید وبه سوی او برگردید تا آسمان را بر شما ریزنده وبارنده کند (وباران وبرکات آن را بر شما پیاپی وفراوان گرداند) ونیرویی بر نیرویتان (و عزّت وشکوهی بر عزّت وشکوهتان) بیفز اید. (ای قوم من ! از حقّ وحقیقت) و بزهکارانه روی برنتابید (وبر گناه مصمّم ومصر نشوید).»

والله تعالی در سورهٔ اعراف چه زیبا می فرماید: ﴿ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ ﴾ (الأعراف: ٩٦)

«اگر مردمان شهرها وآبادیها (به الله وانبیاء) ایمان می آوردند و(از کفر ومعاصی) پرهیز می کردند و (درگاه خیرات و) برکات آسمان وزمین را بر روی آنان می گشودیم (واز بلایا وآفات به دورشان می داشتیم) ولی آنان به تکذیب (پیغمبران وانکار حقائق) پرداختند وما هم ایشان را به کیفر اعمالشان گرفتار ومجازات نمودیم (وعبرت جهانیانشان کردیم» .

برادران عزیز و برخی از ملّتها را می بینیم که می گویند: ما مسلمان هستیم در حالیکه از لحاظ رزق وروزی کاملاً در تنگنا قرار دارند. جز خشکسالی وقحطی وهلاك ونابودی و چیز دیگری نصیب وبهره ایشان نیست . ملّتهای دیگری را می بینیم که نه مؤمن ونه متّقی هستند و امّا درهای رزق وروزی قدرت وقوّت ونفوذ ونصرت و به رویشان باز است پس اینجا سئوال پیش میاد که : کجا است سنّتی که تخلّف ناپذیر است؟

اما نه و دوستان گرامی! این تنها ظاهر قضیه می باشد وحقیقت امر چیز دیگری است که ما از آن غافلیم.

قطعاً آنانی که می گویند: ما مسلمان هستیم ونه مؤمن هستند ونه متّقی ! ایشان بندگی خود را برای الله پاك وخالص نمی نمایند و ودر واقعیّت زندگی خود و لا اله الا الله را پیاده نمی کنند.

ایشان گردنهای خود را در برابر قبرها ومزارهای اولیاء وصالحان ونیز در برابر پیران ومرشدان فرود آورده وبرایشان کرنش می برند واز ایشان فرمانبرداری می نمایند. آنان هم بر ایشان خدایی کرده و وقوانین وضع می کنند و وارزشها ومعیارها وآداب ورسوم تعیین می نمایند این گونه افراد مؤمن نیستند.

زیرا مؤمن تنها بنده ومطیع وخاضع وفرمانبردار الله است وبس و آن روز که نیاکان ما و مسلمان حقیقی بودند و دنیا در برابرشان کرنش برد و وبرکات آسمان وزمین برای آنان سرازیر گشت و ووعده الله متعال تحقق یافت.

شاعر شیرین سخن چه زیبا می سراید:

بنده از بی بصری بندگی آدم کرد *گوهری داشت ولی نذر قباد وجم کرد
یعنی از خوی غلامی ز سگان خوارتر است *من ندیدم که سگی پیش سگی سر خم کرد

امّا دوستان گرامی و آن کسانی که درهای رزق وروزی با وجود بی ایمانی وناپرهیزگاری به

رویشان باز وگشوده شده است و این امر در واقع سنّت الهی است : ﴿ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّآ أَخَذۡنَآ أَهۡلَهَا بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمۡ يَضَّرَّعُونَ ٩٤ ثُمَّ بَدَّلۡنَا مَكَانَ ٱلسَّيِّئَةِ ٱلۡحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَواْ وَّقَالُواْ قَدۡ مَسَّ ءَابَآءَنَا ٱلضَّرَّآءُ وَٱلسَّرَّآءُ ﴾ (الأعراف: ٩٤ - ٩٥)

«و در هیچ شهری پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی ورنج دچار ساختیم تا مگر (به اشتباه خود پی برده و) به پیشمانی وزاری درآیند سپس (هنگامی که این هشدارها وبیدارباشها در آنان اثر نگذاشت و ایشان را به فراوانی نعمت وسلامت جسم وجان آزمودیم و) بدی را به نیکی (وبلا را به رفاه) تبدیل کردیم تا بدانجا که (از لحاظ مال وفرزند) فزونی گرفتند و(به سبب نادانی مغرور شدند ولاف زنان) گفتند: به پدران ونیاکان ما هم خوشی وناخوشی وثروتمندی ومستمندی دست داده است- (واین روزگار است که گاهی به انسان رو می کند وگاهی پشت می کند واصلاً سعادت وشقاوت ما در دست الله نیست !.»

برادران نمازگزار و این را بدانیم که معصیت الله شر وبدی به همراه دارد وخیر وبرکت را نابود می سازد و الله سبحانه وتعالی در سوره آل عمران آیهٔ ١٣٥ و١٣٦ کنایه وار میگوید که گناه شر وبدی به همراه دارد وبازگشت به الله خیر وبرکت: ﴿ وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٣٥ ﴾ (آل عمران: ١٣٥)

«و کسانی که چون دچار گناه (کبیره ای) شدند و یا (با انجام گناه صغیره ای) بر خویشتن ستم نمودند و به یاد الله می افتند (ووعده ووعید وعقاب وثواب وجلالت وعظمت او را پیش چشم می دارند وپشیمان می گردند) واز وی آمرزش گناهانشان را خواستار می شوند - وبجز الله کیست که گناهان را بیامرزد ؟ - وبا علم وآگاهی (بر زشتی کار ونهی ووعید الله از آن) بر آن چیزی که انجام داده اند و پافشاری نمی کنند (وبه تکرار گناه دست نمی زنند) .

آن چنان پرهیزگارانی پاداششان آمرزش پروردگارشان وباغهای (بهشتی) است که در زیر (درختان) آنها جویبارها روان است وجاودانه در آن ماندگارند و واین چه پاداش نیکی است که بهره کسانی می گردد که اهل عملند (وفرمان الله را اطاعت می کنند).»

دوستان عزیز و مسلمانان صدر اسلام وسه قرن طلایی اول وکسانی که بر راه وروش آنان بودند و این مفاهیم را به خوبی درک نموده وبه همین سبب همواره بر تقوی الهی مواظبت نموده ویکدیگر را به آن توصیه می نمودند. از یکی از علمای سلف نقل شده است که و میفرمود: وقتی نافرمانی الله می کردم آن را در رفتار همسر وحیوانم مشاهده مینمودم.

وامام ابن قیم ــرحمت الله علیهــ برخی از پیامد های گناهان را بر می شمارد. او می فرماید : گناه ذلت در بر دارد و عقل را فاسد و غیرت را خاموش و وحیا را ازبین می برد و قلب را ضعیف و الله را فراموش ونعمت ها را نابود می کند وهمچنین قلب را مریض ولکه وپلیدی براو و چشم راکور و نفس را کوچک و برکت را نابود وترس ووحشت را در قلب بوجود می آورد. وقحطی یکی از نشانه های دوری بندگان از رحمت الله است. آنچنانکه الله متعال داستان پیامبر نوح علیه

السلام با قومش را بازگو می نماید هنگامی که می فرماید: ﴿ فَقُلْتُ ٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارًا ﴿١٠﴾ يُرْسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا ﴿١١﴾ وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَٰرًا ﴿١٢﴾ مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٣﴾ ﴾ (نوح: ١٠ - ١٣)

«و بدیشان گفتم: از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است (واگر چنین کنید شما را می بخشاید.) واز آسمان بارانهای پرخیر وبرکت را پیاپی برایتان می باراند و وبا اعطاء دارائی وفرزندان و شما را کمک می کند وياری می دهد و وباغهای سرسبز وفراوان بهره شما می سازد و ورودبارهای پرآب در اختیارتان می گذارد. شما را چه شده است که به عظمت وشکوه الله معترف نیستید؟»

نمازگزاران عزیز و این تغییرات ناگهانی جهان که امروز شاهد آن هستیم اثرات گناه زیاد است. الله متعال می فرماید: ﴿ ظَهَرَ ٱلْفَسَادُ فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِى ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ ٱلَّذِى عَمِلُواْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾ ﴾ (الروم: ٤١)

«(همیشه چنین بوده است که) تباهی وخرابی در دریا وخشکی به خاطر کارهائی پدیدار گشته است که مردمان انجام می داده اند . بدین وسیله الله سزای برخی از کارهائی را که انسانها انجام می دهند بدیشان می چشاند تا این که آنان (بیدار شوند واز دست یازیدن به معاصی) برگردند.»

قال أبو هريرة قال النبي: «لا تقوم الساعة حتى يقبض العلم وتكثر الزلازل ويتقارب الزمان وتظهر الفتن ويكثر الهرج وهو القتل حتى يكثر فيكم المال فيفيض» أخرجه البخاری

ابوهریره رضی الله عنه می فرمایند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند قیامت برپا نمیشود تا اینکه علم گرفته شود وزلزله زیاد گردد و زمان بی برکت و فتنه ها آشکار وهرج ومرج وقتل کشتار فزونی یابد ومال در دستتان زیاد می شود»

لذا از وساوس نفس اماره خود وفتنه های روزگار به الله پناه می بریم آنچنانکه الله می فرماید:

﴿ يُنَبَّؤُاْ ٱلْإِنسَٰنُ يَوْمَئِذٍۭ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾ بَلِ ٱلْإِنسَٰنُ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُۥ ﴿١٥﴾ ﴾ (القيامة: ١٣ - ١٥)

«در آن روز انسان را آگاه می سازند از چیزهائی که پیشاپیش فرستاده است واز چیزهائی که برجای گذاشته است . اصلا انسان بر نفس ودرون خویشتن آگاه است در حالی که (به زبان) عذرهائی برای (دفاع از) خود می آورد!» .

و در پایان خطبه اول گفته الله متعال ذو الجلال را به شما وخودم متذکر می شوم و ﴿ ٱقْرَأْ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ ٱلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ ﴾ (الإسراء: ١٤) «بخوان نامهء اعمال خود را و امروز نفست بر خودت در حسابگری بسنده وکافی است» ونیز فرموده پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم : «**نعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا**». از شرارت های خود وبدی کارهایمان به الله پناه می بریم .

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني بما فيه من الآيات والذكر الحكيم و أقول قولي هذا و وأستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم

الحمد لله الرحيم التواب و غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب و الملك العزيز الوهاب و أحمد ربي وأشكره و وأتوب إليه وأستغفره و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له يجتبي إليه من يشاء ويهدي إليه من أناب و وأشهد أن نبينا وسيدنا محمدًا عبده ورسوله و المخصوص من الرب بأفضل الكتاب و اللهم صلّ وسلم وبارك على عبدك ورسولك محمد و وعلى الآل والأصحاب.

أمّا بعد:

أما بعد: فاتقوا الله عباد الله؛ تفوزوا بمرضاته وجنته و وتنجوا من سخطه وعقوبته و يقول الله تعالى: ﴿ فَأَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ ٱلْمُفْلِحِينَ ﴿٦٧﴾ ﴾ (القصص: ٦٧)

بعد از حمد وثنای پروردگار خود وتمامی عزیزان نماز گزار را بار دیگر به تقوی سفارش می کنم .

برادران و خواهران گرامی همانگونه که مستحضر هستید همگی ما برای ادای نماز استسقاء یعنی نماز طلب باران در این مکان جمع شده ایم که این نماز از سنت های رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم می باشد ودر روایات متعددی مشروعیت این نماز آمده است از آن جمله این روایات و روایت عبد الله ابن زید رضی الله عنه است. در این روایت آمده است که : **أن النبي خرج إلى المصلى فاستسقى فاستقبل القبلة وقلب رداءه وصلى ركعتين**»- أخرجه البخاری.

«رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به سوی مصلی خارج شدند وطلب باران نمودند ورو به قبله کرده وردای خویش را برگرداند ودو رکعت نماز خواندند.»

وهمچنین صحابی جلیل القدر أنس ابن مالك رضی الله عنه میفرمایند: کان النبی لا یرفع یدیه فی شیء من دعائه إلا فی الاستسقاء وإنه یرفع حتی یری بیاض إبطیه» اخرجه البخاری .

«رسول الله دست هایش را در هیچ یک از دعاهایش بالا نمی برد مگر در نماز استسقاء دستهایش را به حدی بالا می برد تا اینکه سفیدی زیر بغلش نمایان می گشت» وهمچنین این صحابی جلیل از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت می نماید که الله می فرماید: «ای فرزند آدم و اگر مرا بخوانید وامید شما فقط من باشم هرچه گناه داشته باشی می بخشم وهیچ پروایی ندارم و ای بنی آدم و اگر گناه شما به آسمانها برسد سپس از من طلب آمرزش کنی تو را می بخشم ای فرزند آدم و اگر با گناهانی به پری زمین به پیشم بیایی سپس مرا ملاقات کنی در حالی که هیچ شریکی برایم قائل نبودی با آمرزشی که به پری آن باشد به سوی تو خواهم آمد».

امام حسن بصری _رحمت الله علیه_ می فرماید: به کثرت ودر هر جا طلب آمرزش کنید و در خانه هایتان و بر سفره غذا و در راه و دربازار و در نشستن هایتان ودر هرکجا که هستید برای اینکه نمیدانید کجا آمرزش نازل می شود.

در یکی از روزها رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روی منبر طلب باران نمودند و هنوز ایشان از منبر پایین نیامده بودند که و باران شروع به بارش کرد وهفت روز باران بارید تا اینکه مردم از زیادی باران نزد وی شکایت بردند وایشان دعا نمدند که : (**اللهم حوالينا ولا علينا**) یعنی: بارالها بر اطراف ما بفرست ونه بر ما.

آری دوستان گرامی هنگامی که رسول الله _صلی الله علیه وآله وسلم _ ویاران باوفایش صحابه

گرامی ایشان به نماز طلب باران می شتافتند ودستهای خویش را به سوی الله عاجزانه دراز می نمودند هرگز الله متعال دستانشان را خالی رد نمی کرد بلکه دعای آنان اجابت شده ودنیا را باران رحمت الهی فرا می گرفت زیرا آنان با اطاعت از دستورات الله واجتناب نواهی وی وپایبندی به تقوا و سنت الهی را هرگز از یاد نمی بردند.

عباد الله و إن الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما و وقد قال عليه الصلاة والسلام: ((من صلى علي صلاة واحدة صلى الله عليه بها عشرا)).

فصلوا وسلموا على سيد الأولين والآخرين وإمام المرسلين.

اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد و وبارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد و وسلم تسليما كثيرا . واقم الصلوه .

علامات قیا مت

خطبه اول

الحمد لله الذى خلق الموت و الحياة ليبلوكم أيكم أحسن عملا و الصلاة و السلام على أفضل الخلق و أكمل البشر خلقا و خلقا و شريعة و منهاجا و على آله و صحبه و من تبعهم بإحسان إلى يوم الحشر الذى لا يقبل فيه عدل و لا شفاعة و لا بدلا.

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در کلام مجیدش می فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢) «ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسید و نمیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید». پس خودم و شما را به تقوای الهی و ترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.

ایمان به روز رستاخیز عبارت از اعتقاد به پایان زندگی دنیا و ورود به زندگی دیگری است که با مرگ و زندگی برزخی آغاز شده از قیام قیامت ـ و سپس بر انگیخته شدن و حشر و جزاء ـ عبور کرده و سر انجام با رسیدن انسانها به دوزخ یا بهشت جاودانی منتهی می شود. ایمان به روز آخرت یکی از ارکان (ششگانهٔ) ایمان است که ایمان بندهٔ مؤمن جز به آن کامل نمی شود و کسی که آنرا انکار کند کافر می شود. الله متعال می فرماید: ﴿وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾ (البقرة: ١٧٧) «بلکه نیکوکار کسی هست که به الله و روز قیامت ایمان آورد».

و رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم در پاسخ جبریل علیه السلام فرمودند:

(أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ وَ مَلآئِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ تُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَ شَرِّهِ)[1]«پس مرا از ایمان خبر ده؟ فرمود: اینکه به الله و فرشتگان و کتابها و پیامبرانش و به روز آخرت باور داشته باشی و همچنین ایمان داشته باشی به تقدیر، یعنی اینکه هر خیر و شری از طرف الله مقدر شده است»

والله متعال در سوره نبأ آیه ٣٩ چنین می فرماید: ﴿ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلۡحَقُّۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ مَـَٔابًا ٣٩﴾ (النبأ:٩٣)

یعنی: «آن است روز حق و هر حقیقتی آشکار می گردد پس هر کسی که راه نجات خود را می جوید، راه رجوع و بازگشت به درگاه الله بگیرد.»

آری مهمترین مرحله در زندگی انسان که او را غافلگیر خواهد کرد قیامت است آنقدر هم غافلگیر کننده نیست چون علامات و نشانه های آن قبلا ظاهر شده و هر کسی کم و بیش در باره قیامت می داند غافلگیری آن از این جهت است که انسان همواره چشم به دنیا دارد و در باره قیامت و زندگی حقیقی پس از مرگ کمتر می اندیشد. معبود یکتا و یگانه و گرامی مان و مالک و اختیار دار روز جزا می فرماید:

(١) صحیح مسلم

﴿ فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً فَقَدْ جَآءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَآءَتْهُمْ ذِكْرَىٰهُمْ ﴿١٨﴾ ﴾ (محمد: ١٨)

١) پس آیا آنها (= کافران) جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان فرا رسد؟ به راستی نشانه هایش آمده است[1], پس چون فرا رسد, پند گرفتن (و ایمان) شان چه سودی خواهد داشت؟!

انسانهای سرکش و ناسپاس که دست کشیدن و دل بریدن از عقاید باطل و افکار فاسدشان دشوار است همواره حقیقتها را به باد تمسخر می گیرند معاصران دعوت توحید در زمان رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نیز از این قاعده مستثنی نبودند لذا تمسخر کنان به رسول محبوبمان می گفتند بالاخره این قیامت شما کی خواهد آمد:

﴿ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَىٰهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَآ إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْـَٔلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾ ﴾

(الأعراف: ١٨٧)

(ای پیامبر) دربارۀ قیامت از تو سؤال می کنند, کی واقع می شود؟ بگو: «مسلماً علم آن فقط نزد پروردگار من است, وجز او کسی وقتش را (نمی داند و) آشکار نسازد, (دانستن آن) در آسمانها وزمین سنگین (و پوشیده) است, وجز بطور ناگهانی, به سوی شما نمی آید». (چنان) از تو سؤال می کنند که گویی تو از وقوع آن خبر داری, بگو: «علم آن, فقط نزد الله است, ولی بیشتر مردم نمی دانند».

ملاحظه فرمودید که پاسخ چقدر قاطع است و قدرت و عظمت الله ذوالجلال چقدر آشکار متجلی گردیده است؟! آری جز یک ذات یکتا و یگانه که همه کاره این جهان هستی است هیچ کس دیگری وقت و زمان و نحوه قیام قیامت را نمی داند حتی خود پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم.

الله ذوالجلال می خواهد که برپایی قیامت ناگهانی باشد با اینکه علامات و نشانه های قیامت ظاهر شده و بخش دیگری که به نشانه های بزرگ یا علامات کبرا معروفند بعدها ظاهر خواهد شد اما حکمت الله متعال چنین است که قیام قیامت ناگهانی باشد.

﴿ يَسْـَٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ ٱللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾ ﴾

(الأحزاب: ٦٣)

(ای پیامبر !) مردم تو را از (زمان قیام) قیامت می پرسند، بگو :«علم آن تنها نزد الله است» و تو چه می دانی شاید که قیامت نزدیک باشد.

ممکن بود بعضی ها تصور کنند که اختیار برپا داشتن قیامت به دوستان و اولیای الله محول شود الله متعال و یکتا و توانا و بی مثال و بی شریک قاطعانه فرمود خیر:

﴿ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَىٰهَا ﴿٤٢﴾ فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرَىٰهَآ ﴿٤٣﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ ﴿٤٤﴾ ﴾ (النازعات: ٤٢ – ٤٤)

(ای پیامبر) دربارۀ قیامت از تو می پرسند, که در چه زمانی واقع می شود؟ تو را با یاد آوری این سخن چه کار است؟ (سر انجام و) منتهای (علم) آن نزد پروردگارتواست.

یعنی تو ای پیامبر حتی زمان آمدن قیامت را نمی دانی و اصلا چنین چیزی به تو واگذار نشده و نخواهد شد.

آری مردم از روشنترین حقیقت زند گی شان غافل و بی خبرند یا دقیقتر عرض کنم که از زند گی حقیقی خود که بسیار هم نزدیک است غافل هستند:

﴿ ٱقۡتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمۡ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ مُّعۡرِضُونَ ١ ﴾ (الأنبياء:١)

حساب مردم به آنها نزدیک شده است، در حالی که آنها در غفلت روی گردانند.

آری با اینکه قیامت نزدیک شده و روز حسابرسی بسیار نزدیک است مردم نه تنها غافل و بی خبر که روی گردانند به حدی که هیچ توجهی به آن ندارند و این بی خبری به حدی است که حتی به علامات و نشانه های قیامت نیز توجه ندارند و این بی توجی تا روزی ادامه خواهد داشت که علامات آشکار قیامت ظاهر شود و :

﴿ حَتَّىٰٓ إِذَا فُتِحَتۡ يَأۡجُوجُ وَمَأۡجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٖ يَنسِلُونَ ٩٦ ﴾ (الأنبياء: ٩٦)

تا وقتی که (سد) یأجوج و مأجوج گشوده شود، و آنها از هر (تبه و) بلندی شتابان سرازیر گردند.

آن وقت است که اوضاع دگرگون خواهد شد هنگامی که حکم الله متعال مبنی بر قیام قیامت صادر شود

﴿ ۞وَإِذَا وَقَعَ ٱلۡقَوۡلُ عَلَيۡهِمۡ أَخۡرَجۡنَا لَهُمۡ دَآبَّةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ تُكَلِّمُهُمۡ أَنَّ ٱلنَّاسَ كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا لَا يُوقِنُونَ ٨٢ ﴾ (النمل: ٨٢)

و هنگامی که فرمان (عذاب) بر آنها واقع شود (و حادثه قیامت نزدیک شود) جنبنده ای را از زمین برای آنها بیرون می آوریم که با آنها سخن گوید، که مردم به آیات ما یقین نمی آورند.

آنوقت است که روز حساب نزدیک می شود و دیگر فرصت و مجال عمل از همه کس گرفته می شود و هر کسی پاسخ گوی تمام اعمالی خواهد بود که در جهان انجام داده است چه خوب و چه بد. امیدواریم که الله متعال از همه ما حساب آسان بگیرد.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم ونفعنا بهدي سيد المرسلين وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلين و الحمد لله رب العالمين.

خطبه دوم

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه، كما يحب ربنا ويرضى، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله، وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

برادران مسلمان و سروران گرامی!

الله متعال و معبود ذوالجلال قبل از اینکه قیامت بر پا کند علامات و نشانه هایی ظاهر خواهد نمود که بیانگر قیام قیامت باش داین نشانه ها بر دو قسم است صغری و کبری یا کوچک و بزرگ.

علامات صغری: یا علامات کوچک، که البته تعداد شان زیاد است. بسیاری از آنها تحقق یافته

است. از جمله: بعثت پیامبر گرامی مان صلی الله علیه وآله وسلم، ضایع شدن امانت، آراستن مساجد و افتخار به آن، دسترسی صحرانشینان به آپارتمانها، جنگ با یهود و کشتن آنها، نزدیک شدن فاصله های زمانی، کم شدن عمل صالح، ظاهر شدن فتنه ها، زیاد شدن قتل و کشتار و کثرت فسق و زنا، لذا الله متعال می فرماید:

﴿ٱقۡتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلۡقَمَرُ ١﴾ (القمر: ١) «قیامت نزدیک شد و ماه شکافت».

ب: علامات کبری:

یا نشانه های بزرگ، نشانه هایی هستند که اندکی پیش از قیام قیامت ظاهر می شود و گویا آژیر خطری هستند که آغاز قیامت را اعلان می کنند، تعداد این علامات ده تاست که هیچکدام از آنها تاکنون تحقق نیافته است. از جمله:

خروج مهدی، خروج دجال، نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان به عنوان حاکم عادل که صلیب را می شکند و دجال و خنزیر را می کشد، جزیه را منسوخ می کند و به شریعت اسلام حکم می کند. و یأجوج و مأجوج که ظاهر شدند، علیه آنها دعا می کند، و سرانجام آنها می میرند و سه تا خسوف پدید می آید، یکی در مغرب یکی در مشرق و یکی در جزیره العرب و دخان که عبارت از دودی عظیم است که از آسمان فرود می آید و مردم را می پوشاند و بلند شدن قرآن از زمین به آسمان، طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه، و خروج آتش بزرگی از عدن (یمن) که مردم را به سوی شام سوق می دهد. این آخرین علامت از علامات بزرگ قیامت است.

امام مسلم از حذیفه بن أسید الغفاری رضی الله عنه روایت می کند که فرمود: در حالی که ما با هم گفتگو می کردیم ناگهان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حاضر شدند و فرمودند در بارهٔ چه گفتگو می کنید، گفتیم درباره قیامت، فرمودند: (إنها لن تقوم حتی تروا قبلها عشر آیات)[1] «قیامت بر پا نخواهد شد تا اینکه قبل از آن ده نشانه را ببینید».

از جمله: «دخان»، «دجال»، «دابه»، «طلوع خورشید از مغرب»، « نزول حضرت عیسی»، «یاجوج و ماجوج»، «سه تا خسوف» و «آتش که از یمن بیرون آمده» و مردم را به سوی میدان محشر سوق می دهد، را ذکر فرمودند. همچنین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند:

(یخرج فی آخر أمتی المهدی یُسقیه الله الغیث و تخرج الأرضَ نباتها و یُعطی المالُ صِحاحاً و تکثر الماشیهٔ، و تعظم الأمهٔ یعیش سبعاً او ثمانیاً یعنی حججاً)[2] «درآخر امت من مهدیَ خواهد آمد، که با آمدن او خداوند باران زیاد خواهد بارانید و مال صحیح وبدون عیب داده می شود و زمین گیاهانش را خواهد رویانید، و حیوانات حلال گوشت زیاد خواهد شد، و امت نیرومند خواهد گردید، او هفت یا هشت سال عمر خواهد کرد».

(در اینجا توضیح این نکته لازم است که طبق عقیده اهل سنت مهدی یک مصلح دینی است که به صورت عادی و طبیعی در نزدیکی قیامت متولد خواهد شد. اینکه بعضی ها سعی می

(١) صحیح مسلم

(٢) مستدرک حاکم شمارهٔ : ٨٧١۶

کنند در میان مسلمانان چنین وانود کنند که گویا مهدی متولد شده و از قرنها پیش تا کنون زنده است و در امور جهان تصرف دارد عقیده مخالف عقیده اهل سنت و قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم است).

در روایات آمده است که این علامات همانند دانه های تسبیح که ردیف هستند، پی در پی خواهد آمد، یکی که ظاهر شد دیگری نیز ظاهر خواهد شد، هر گاه تمام این علامات تحقق یافت به مشیت و اجازۀ خدا، قیامت بر پا شده است.

مقصود از قیامت روزی است که مردم با اراده پروردگارشان از قبرهایشان بیرون می آیند تا اینکه محاسبه شوند، نیکوکاران پاداش و بدکاران عذاب می بینند، چنانکه الله متعال می فرماید:

﴿ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ ٱلْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ﴿٤٣﴾ ﴾ (المعارج: ۴۳) «روزی که از گور ها شتابان بیرون آیند گویی که آنان به سوی نشانه ای می دوند».

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾ ﴾

(الأحزاب: ۵۶)

«اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت علی إبراهیم وعلی آل إبراهیم إنک حمید مجید . اللهم بارک علی محمد وعلی آل محمد کما بارکت علی إبراهیم وعلی آل إبراهیم إنک حمید مجید «. اللهم صل علی محمد وأزواجه وذریته کما صلیت علی آل إبراهیم وبارک علی محمد وأزواجه وذریته کما بارکت علی آل إبراهیم إنک حمید مجید .»

ربنا آتنا فی الدنیا حسنۀ و فی الآخرۀ حسنۀ وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله یأمر بالعدل والإحسان وإیتاء ذی القربی، وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی، یعظکم لعلکم تذکرون.

بد حجابی و اثرات ان

خطبه اول :

الحمد لله الذي شرع الشرائع فأحكمها، وسن الأحكام وسلمها.. الحمد لله الذي أكرم الإنسان عن طبائع الحيوان، وأعطى كل مخلوق حقه وما يصلح له من غير زيادة ولا نقصان.. أكرم النســاء بالعفاف، وأوجب على الرجال صيانتهن والإنفاق عليهن بالكفاف، حماهن من التبرج والسفور، ورفعهن عن عهر الفاحشة و الغرور.. وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له « أمر أن لا تعبدوا إلا إياه ذلك الدين القيم ولكن أكثر الناس لا يعلمون ». وأشهد أن محمداً عبده ورسوله المبعوث رحمة للناس بشيراً ونذيراً، لتطيعوه وتتبعوه لعلكم تفلحون، صلى الله وسلم عليه وعلى آله وأصحابه وسلم تسليماً. أما بعد:

برادران و خواهران گرامی یکی از مهمترین قواعد دین مبین اسلام که مشروعیت بسیاری از احکام و قوانین این دین مبنی و بر گرفته از آن است، "سد ذریعه" می باشد. سد ذریعه یعنی بستن هر راهی که به فتنه و فساد و ضرر و دیگر محرمات شرعی منتهی می شود.

و پایه گذاری چنین اصل و قاعده ای در دین اسلام نشان از شمولیت این دین و رحمت خداوند متعال بر بندگانش دارد. همانگونه که میدانیم امروزه در بسیاری از سرزمینهای اسلامی و شاید تمامی آنها بدحجابی و بی حجابی و اختلاط بین زن و مرد که بر پایه این اصل امری محرم و ناجایز است، به مساله ای عادی و متاسفانه در بعضی از جوامع مسلمان به یک هنجار و ارزش تبدیل شده است و هر که با این امر به مخالفت و مبارزه پرداخت او را متحجر و عقب مانده می نامند.

برادران عزیز! مسئله زنان به مرور زمان تبدیل به مشکل بزرگی شده است که هرگز نمی توان در مقابل آن سکوت کرده یا از آن چشم پوشید. چون اگر امور به همین منوال ادامه پیدا کند، عواقب وخیمی در بر خواهد داشت که همه مردم قربانی آن خواهند شد. آیا کسانی که در مقابل خانواده ها و شهر و دیار خود مسئول اند به فکر می آیند؟ آیا آنان نمی دانند که لا اقل مسئولیت خانواده خود را بعهده دارند؟ آیا این شخص نمی تواند زن، دختر، خواهر، و نزدیکانش را همانند مردان انصار در هنگام نزول سوره نور نصیحت کند؟ آیا این مرد نمی تواند از خروج زن خود مگر در صورت ضرورت ممانعت کند؟ آیا او نمی تواند در صورت خروج اضطراری زنان آنان را از آرایش و زینت و استعمال عطر منع کند؟

آیا کسی که خویشان و یا خواهر دانشجو دارد نمی تواند به آنها بگوید تا دختران دانشجوی دیگر را نصیحت نموده و در بیدار سازی و دعوت آنان نقشی داشته باشند و آنان را از زشتی و شر گشت و گذار در بازار، آن هم با زینت و آرایش برحذر دارند؟

پس بر ماست که تقوای الله را پیشه کنیم و دست انسانهای گمراه و منحرف را گرفته و آنها را با حکمت و محبت به راه راست هدایت و راهنمایی نماییم تا اینکه مبادا به سبب گناهان آنها عذاب دردناک الهی ما را نیز در برگیرد، الله متعال در این باره می فرمایند:

﴿ لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُۥدَ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوۡنَ عَن مُّنكَرٖ فَعَلُوهُۚ لَبِئۡسَ مَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ﴿٧٩﴾ ﴾ (المائدة: ٧٨ – ٧٩)

ترجمه: از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می کردند (۷۸) [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند یکدیگر را بازنمی‌داشتند راستی چه بد بود آنچه می کردند (۷۹)

و رسول الله_صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم_ در حدیث صحیح وجوب نهی از منکر و چگونگی آن را برای ما بیان میدارد.

عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال : سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول : (من رأى منكم منكرا فليغيره بيده ، فإن لم يستطع فبلسانه ، فإن لم يستطع فبقلبه ، وذلك أضعف الإيمان) رواه مسلم .

ابوسعید خدری روایت می کند که رسول الله _صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم_ فرمودند : هریك از شما هنگامیکه منکری (کار ناجایز و ناپسندی) را دید ابتدا _اگر در توان وی بود_ با دست خود آن را تغییر دهد و اگر نتوانست با زبان خود و اگر _با زبان هم_ نتوانست پس با قلبش _آن منکر را نکوهش کند_ و این (انکار باقلب) پایین ترین درجه ایمان است.

همه این امور در صورتی که شخص، پروردگار خود و رسول وی را تصدیق نموده و نیت خود را خالص و عزم خود را جزم نماید نه تنها امکان پذیر بلکه بسیار نیز آسان است.

برادران عزیز! شمه ای از توجیهات خداوند سبحان و رسول او (صلى الله عليه وسلم) در این باره را برای شما بیان می کنم تا به خطورت و اهمیت موضوع بیشتر پی ببریم.

خداوند میفرماید:﴿ وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا ﴿٣٦﴾ ﴾ (الأحزاب: ٣٦)

ترجمه : «و هیچ مرد و زن مؤمنی در کاری که خداوند و رسول او حکم دهند اختیار و اراده ای ندارند و هرکس نافرمانی خدا و رسول او را بکند به گمراهی سختی دچار شده است».

در آیه دیگری الله متعال می فرمایند: ﴿ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَۚ وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقٗا ﴿٦٩﴾ ﴾ (النساء: ٦٩)

ترجمه: و آنکه خدا و رسول او را اطاعت کند پس با کسانیکه خداوند به آنها نعمت فراوانی داده یعنی پیامبران، صدیقان، شهداء و صالحین محشور خواهد شد و چه نیکو رفیقانی هستند آنان».

الله متعال در سوره مبارکه نور که بسیاری از احکام زنان و خانواده در این سوره بیان شده است می فرمایند: ﴿ قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ ﴿٣٠﴾ وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ

﴿وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآئِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوۡ نِسَآئِهِنَّ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ مِنَ ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ عَلَىٰ عَوۡرَٰتِ ٱلنِّسَآءِۖ وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّۚ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣١﴾ (النور: ٣٠ - ٣١)

ترجمه: «مردان مؤمن را بگو تا چشمانشان را از نگاه ناروا بپوشند و فروج (شرمگاهای) خود را حفظ کنند که این برای پاکیزگی آنها بهتر است و براستی خداوند بر آنچه آنها انجام می دهند آگاه است. و به زنان مؤمنه بگو تا چشمان شان را از نگاه ناروا بپوشند وفروج (شرمگاهای) خود را حفظ کنند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهرا ظاهر می شود بر بیگانه آشکار نسازند. و باید سر و سینه خود را به خمار بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود و پدران خود و پدران شوهر و پسران خود و پسران شوهر و برادران خود و پسران برادران خود و پسران خواهران خود و زنان مسلمان و کنیزان خود و خدمتکاران مردی که به زنان میلی ندارند (خاجه_خنثی) و یا طفلی که هنوز بر عورت و محارم زن آگاه نیست. و پای بر زمین محکم نزنند که زینت پنهان آنان آشکار شود و همه به درگاه خداوند توبه کنید باشد که رستگار گردید».

برادران نمازگزار اینها توجیهات اسلام بود، حال ببینیم که راه و روش اهل اسلام یعنی گذشتگان نیک ما، سلف صالح امت، امهات المومنین و زنهای صحابه چگونه است.

ام سلمه رضی الله عنها می فرماید: «هنگامی که این آیه نازل

﴿يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ٥٩﴾ (الأحزاب: ٥٩)

زنان انصار بگونه ای خارج می شدند گوئی که بر سر آنها کلاغ نشسته است که نشانه سکینه و آرامش کامل بود. و همه تنپوشی سیاه به تن داشتند».

و عائشه رضی الله عنها می فرماید: «هرگز همانند زنان انصار کسی را ندیده ام که اینگونه کتاب خداوند را تصدیق نموده و به تنزیل آیات آن مؤمن باشند. هنگامی که این آیه سوره نور نازل شد: ﴿وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ﴾ (النور: ٣١) هر مردی بسوی همسر و دختر و خواهر و خویشاوندان خود روانه شد و این آیات را بر آنها تلاوت کرد. و هرکدام بلافاصله با شنیدن این آیات پارچه ای را که در اختیار داشت بدور خود پیچید که نشانگر تصدیق و ایمان آنان به آیات منزله در کتاب الله بود».

آیا نباید این توجیهات اسلامی را با جان و دل در آغوش کشید و از راه و روش اهل اسلام عبرت گرفت؟ آیا نباید تقوای خداوند را پیشه کرد؟ آیا نباید علل کجروی بسیاری از زنان و انحراف آنان از راه و روش اهل اسلام را دریافت و آنان را به اصلاح سلوک و سیر بر صراط المستقیم خداوندی ملزم نمود؟

ودر نتیجه آنگاه است که مجتمع ما می تواند در مردان و زنان خود و در عبادتها و اخلاق خود، یک مجتمع اسلامی باشد. و مبادا آنان که به خداوند و روز قیامت ایمان ندارند شما را به این رفتار و کردار خود مغرور سازند. و باید دانست که این آرایش و تزین و لباسهای کوتاه و تنگ به تقلید از آنان ساخته شده است.

دشمنان شما بخوبی می دانند که اگر شما را به صراحت به کفر دعوت کنند، شما هرگز کافر نمی شوید و نیز اگر شما را به شرک دعوت کنند، به هیچ عنوان مشرک نخواهید شد. پس آنان از راه دیگری وارد شده اند، و می خواهند اخلاق و دین شما را به روشهای مختلف نابود کنند که یکی از این روشها همان (محقرات الذنوب) یا گناهان کوچک میباشند. آری آنان این گناهان را در چشمان شما کوچک جلوه داده و شما نیز آنان را کوچک شمرده و به انجام آن تن در می دهید و بالآخره همین گناهان اند که انسان را راهی آتش می کنند.

پس خطاب به خواهر مسلمانم میگویم ، خواهرم! تو بایستی بصورتی شایسته به حجاب و لباست اهتمام ورزی و برای خود شخصیتی اسلامی داشته باشی. تو بایستی که در بذل جان و مال به خدیجه، در فقه دین به عائشه، و در صبر و شهادت به سمیه اقتدا کنی.

أقول قولي هذا، وأستغفر الله لي ولكم، فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم:

الحمد لله على إحسانه ـ والشكر له على توفيقه وامتنانه، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له تعظيماً لشأنه، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله الداعي إلى رضوانه صلى الله عليه وعلى آله وصحبه وإخوانه وسلم تسليماً كثيراً.. ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين، أما بعد:

ای کسانی که ایمان آورده اید ، تقوای الله را پیشه نمایید و در رساندن دستورات و راهکارهای شرعی به اهل و خانواده خود کوتاهی نکنید که در پیشگاه الله متعال از من و شما یقینا در مورد آنها سئوال خواهد شد. به همین سبب بر تمامی ما چه مرد و چه زن واجب است که کیفیت حجاب و پوشش شرعی زن را بدانیم تا با علم به این فرمان الهی در انجام و رساندن آن کوتاهی ننماییم.

برادران عزیز اوصاف و ویژگی حجاب اسلامی بدین گونه است: الف : حجاب بایستی همه بدن را ستر کند. چون خداوند می فرماید: ﴿ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ ۚ ﴿٥٩﴾ ﴾. و جلباب همان لباس بلندی است که همه بدن را ستر می کند و إدناء به معنای رها ساختن و کشیدن است. در نتیجه حجاب شرعی همه بدن را می پوشاند.

ب- حجاب باید ضخیم و کلفت بوده و رقیق و شفاف نباشد. چون غرض از حجاب همان ستر است. در نتیجه هنگامی که لباسی بدن را ستر نکند حجاب خوانده نمی شود. چون این لباس جلوی رؤیت را نگرفته و حجابی در مقابل انظار محسوب نمی شود.

ج- این لباس بخودی خود نباید زینتی بوده و دارای رنگهای جذابی باشد که انظار را بخود جلب کند.

چون خداوند می فرماید: وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۖ. و معنی: (ما ظهر منها) آن است که بدون قصد و عمد باشد. پس اگر خود این لباس زینت باشد نمی توان آن را پوشیده و حجاب

نیز خوانده نمی شود. چون حجاب آن است که از ظاهر شدن زینت در مقابل اجانب جلوگیری کند.

د- حجاب باید وسیع بوده و تنگ نباشد تا پستی و برآمدگیها بدن و اماکن فتنه در آن را مجسم نکند.

ه- لباس زن باید معطر نباشد تا سبب جلب مردان نشود: و حضرت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «**الْمَرْأَةُ إِذَا اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ بِالْمَجْلِسِ فَهِيَ كَذَا وَكَذَا يَعْنِي زَانِيَةً**». رواه أصحاب السنن وقال الترمذی: حسن صحیح.

ترجمه: «اگر زنی خود را به عطر آلوده و بر مجلسی بگذرد پس او اینگونه و اینگونه است. یعنی زناکار».

و در روایت دیگر: «**أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجِدُوا مِنْ رِيحِهَا فَهِيَ زَانِيَةٌ**». **(رواه النسائي و حسنه الآلباني)**

ترجمه: «هر زنی که خود را به عطر بیالاید و بر گروهی بگذرد تا بوی آن را به مشام بشنوند، آن زن زناکار است». زیرا گویا وی با این عمل خود مردان بیگانه را به زنا و بی بند و باری می کشاند.

و- در لباس نباید هیچ تشابهی به لباس مردان وجود داشته باشد. چون در حدیث ابی هریرۀ (رضی الله عنه) اینگونه آمده است که «**لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ وَالْمَرْأَةَ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ**».

ترجمه: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مردی را که لباس زنان پوشیده و زنی که لباس مردان را بپوشد لعنت نموده است. (این حدیث را ابوداود و نسائی و امام احمد روایت کرده اند).

و در حدیث بخاری از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که رسول الله _صلی الله علیه و آله_ فرمودند: «**لَعَنَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُخَنَّثِينَ مِنْ الرِّجَالِ وَالْمُتَرَجِّلَاتِ مِنْ النِّسَاءِ**».

ترجمه : رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- مخنثین از مردان، و مرد نمایان از زنها را لعن کرده است.

یعنی آنها که در لباس و قیافه خود همانند برخی از زنان این دور و زمانه مشابهت مردان می کنند. و مخنثین از مردان ، مردانی هستند که در لباس، تکلم و دیگر مسائل عمدا از زنان تقلید می کنند.

پس برادران عزیز! حال که دانستیم حجاب اسلامی چه ویژگیهایی دارد ، هرگز نباید فریب تبلیغات و مدلهایی که دشمنان به ما پیشکش می کنند را بخوریم. و شما باید از این دو راه یکی را انتخاب کنید:

یا اینکه در دین خود استوار بوده و با صلابت خود نیرنگ و کید دشمنان را درهم شکنید و دارای قوت و شخصیت اسلامی بوده و دنباله رو آنان نباشید و به آنان مغرور نشده و راه و رسم نیاکان خود را بگیرید تا به خیر دنیا و آخرت نائل گردید و یا اینکه بر عکس -نسأل الله السلامۀ- شخص در دین خود سست و در شخصیت خود ضعیف بوده و در مقابل هر اغوا و شهوتی ازهم بپاشد و

از زیانکاران باشد:

﴿ قُلۡ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ ١٥ ﴾ (الزمر: ۱۵)

ترجمه : «بگو براستی زیانکاران آنانی هستند که خود و اهل خود را در قیامت از دست داده و به عذاب جاودان در افتند این همان زیان آشکار است».

و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید:

«من تشبه بقوم فهو منهم».أخرجه البخاري في " صحيحه " (٦ / ٥١١ - فتح) تعليقاً.

ترجمه : کسی که خود را به قوم دیگری شبیه سازد، او از همان قوم است».

آری ای برادران هنگامی که ما به هرچیز جدیدی دل بسته و رسوم و تقالید وارداتی دیگران را دنباله روی کنیم، بالاخره کار به جائی می رسد که در گمراهی، اخلاق، عقاید و افکار نیز مقلد آنان خواهیم شد. پس هر شخص باید حافظ عادات و تقالید خویشان خود باشد مگر اینکه این عادات با شریعت تضاد و تصادم داشته باشد.

و بر هر مسلمان واجب است که دین خود را عزیز شمرده و به آن افتخار کند، و به حدود و قوانین خداوند و رسولش (صلی الله علیه وسلم) بسنده نماید. همان قوانینی که خداوند شایسته بندگان خود می داند و احداث هرگونه افزونی و کاستی در آن جایز نیست.

هر فرد باید امور خود را بر دنباله روی کتاب خداوند و سنت رسولش (صلی الله علیه وسلم) بنا نهاده و از ابتداع و نوآوری بدور باشد. او باید زندگی خود را بر اخلاص بنا نموده و از اشراک بدور باشد. باید از قوانین محبوب رحمن تبعیت نموده و از امور محبوب به شیطان برحذر باشد. و همچنین بر فرد مسلمان واجب است که همانند پرچم جهت وزش هر بادی را دنباله نکند، و شخصیت خود را بر اساس شریعت خداوند سبحان پایه گذاری کند تا در دنیا و آخرت به عزت و کرامت نائل گردد.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ۵۶)

اللهم فصلِّ وسلِّم علَى عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار، وآل البيت الأبرار، اللهم إنا نشهدك حب نبيك، وأهل بيت نبيك، وأصحاب نبيك، ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لِما تحب وترضى، اللهم انصر الإسلام والمسلمين، ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين، برحمتك يا أرحم الراحمين، اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها، أنت وليها ومولاها، ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى، وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي، يعظكم لعلكم تذكرون.

اثار همنشینی با نیکوکاران

خطبه اول:

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فهو المهتد ومن يضلل فلا هادى له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله .

قَالَ تَعَالَى: أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾ (آل عمران: ١٠٢)

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُوا۟ رَبَّكُمُ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَآءً ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِى تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾ ﴾ (النساء: ١)

﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَقُولُوا۟ قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَـٰلَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ ﴾ (الأحزاب: ٧٠ – ٧١)

أما بعد :

فأن أصدق الحديث كتاب الله وخير الهدى هدى محمد صلى الله عليه وسلم وشر الأمور محدثاتها وكل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار .

دین مبین اسلام دینی است که با فطرت و سرشت بشری همخوانی دارد همان سرشتی که الله متعال خالق و آفریننده این بشر خاکی او را بر آن خلق نموده و خود نیز این دین را که برنامه زندگی اوست برای هدایتش فروفرستاده است.

ابوهریره رضی الله عنه از رسول گرامی اسلام **صلی الله علیه وسلم** در حدیثی که امام بخاری و امام مسلم بر صحت آن اتفاق دارند (متفق علیه) روایت می کند که ایشان فرمودند: **كل مولود يولد علي الفطره فأبواه يهودانه أو ينصرانه أو يمجسانه.**

ترجمه: هر نوزادی بر فطرت متولد می شود (اما) پس از آن پدر و مادرش او را (یا) نصرانی (مسیحی) و (یا) یهودی و (یا) مجوس (زرتشتی) می گردانند.

بر اساس همین فطرت انسان موجودی اجتماعی خلق شده است و به تنهایی زندگی کردن را نمی پسندد بلکه همیشه سعی در همکاری و تعاون و همراهی با سایر همنوعان خود را دارد، به همین سبب دین مبین اسلام (که دین فطرت است) به این خواسته و نیاز انسان لبیک گفته و اکثر عبادات را جمعی مشروع دانسته است همانند نماز جماعت ، نماز جمعه ، نماز عید و استسقاء و حج و ...

آری دوستان این دین عظیم به این ندای فطرت انسان لبیک گفته و حتی در تشریع عبادتها نیز به آن توجه نموده است ، اما برای اینکه انسان بتواند در مسیر صحیح عبودیت پروردگار قرار گیرد او را به همنشینی و دوستی با انسانهای صالح و نیکوکار و جوامعی سالم امر نموده است.

برادران عزیز دین اسلام به این قضیه اهتمام ویژه ای داده است تا جایی که از این موضوع به عنوان « أوثق عرى الإسلام» یعنی "محکمترین دستگیره ایمان" یاد کرده است. در حدیثی رسول

الله **صلى الله عليه وسلم** فرمودند: **أوثق عرى الإيمان الموالاة في الله والمعاداة في الله ، والحب في الله والبغض في الله عز وجل (رواه الطبراني وصححه الألباني) .**

ترجمه : محکمترین دستگیره ایمان (یک مسلمان) دوستی او بخاطر الله و دشمنی او بخاطر الله ، و محبت و کینه (دوست نداشتن) در راه الله بلند مرتبه و بزرگوار است.

این سخن رسول الله **صلى الله عليه وسلم** به این معناست که ما مسلمانان موظفیم دوستی را برگزینیم که مومن و خدا شناس باشد و از دوستی و همنشینی با انسانهای گمراه و کافر و فاسق دوری گزینیم ، مگر برای مصلحت دعوت و هدایت آنها به سوی اسلام و ایمان.

خداوند متعال در سوره مبارکه مجادله می فرمایند: ﴿لَّا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ يُوَآدُّونَ مَنْ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوْ كَانُوٓا۟ ءَابَآءَهُمْ أَوْ أَبْنَآءَهُمْ أَوْ إِخْوَٰنَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۚ أُو۟لَـٰٓئِكَ كَتَبَ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْإِيمَـٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ ۖ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّـٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ خَـٰلِدِينَ فِيهَا ۚ رَضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ۚ أُو۟لَـٰٓئِكَ حِزْبُ ٱللَّهِ ۚ أَلَآ إِنَّ حِزْبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾﴾ (المجادلة: ٢٢)

ترجمه: قومی را نمی یابی که به الله و روز رستاخیز ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با الله و رسولش مخالفت کرده‌اند - هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند- دوست بدارند ، الله در دل آنها ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تایید کرده است و آنان را به بهشتهایی که از زیر [درختان] آن جویهایی روان است در می‌آورد همیشه در آنجا جاودانند الله از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند اینانند حزب الله ، آگاه باشید که همانا (تنها) حزب خداوندست که رستگارانند.

و در آیه دیگری الله متعال ابراهیم خلیل الله را به عنوان الگو و نمونه برای ما معرفی می کند تا در دوستی و دوست یابی به وی اقتدا نماییم و از دوستی با دشمنان خدا دوری گزینیم آنجا که می فرماید:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِىٓ إِبْرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذْ قَالُوا۟ لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُا۟ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةُ وَٱلْبَغْضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَحْدَهُۥٓ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمْلِكُ لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ ۖ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٤﴾﴾ (الممتحنة: ۴)

ترجمه: قطعا برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید جز [در] سخن ابراهیم [که] به پدرخود [گفت] حتما برای تو آمرزش خواهم خواست با آنکه در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم ای پروردگار ما بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو بازگشتیم و فرجام به سوی توست (۴)

الله متعال در آیه دیگر یاران باوفای رسول الله **صلى الله عليه وسلم** را چنین توصیف میکند :

﴿مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ ٱللَّهِ ۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ ۖ ﴿٢٩﴾﴾ (الفتح: ۲۹)

ترجمه: محمد **صلی الله علیه وسلم** پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند.

برادران نمازگزار با توجه به این نصوص (آیات و احادیث) بر تمامی ما واجب است که دوست و همنشین نیکو را برگزینیم و از دوستی با انسانهای نادرست و بی ایمان دوری جوییم.

انسان عاقل همیشه از دوستی با نادانان و بدکاران پروا داشته و میداند که کردار سوء آنها در همنشینشان نیز تاثیر گذار خواهد بود . چنانچه شاعر می گوید:

همنشین تو از تو به باید   تا تو را عقل و دانش افزاید

قرآن کریم داستان زیبایی را برای ما به تصویر میکشد که در زمان رسول الله **صلی الله علیه وسلم** به وقوع پیوست و در این داستان تاثیر دوست سوء و نادان بخوبی آشکار می گردد.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ وَيَوْمَ يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَٰلَيْتَنِي ٱتَّخَذْتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِيلًا ٢٧ يَٰوَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ٢٨ لَّقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَآءَنِيۗ وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِلْإِنسَٰنِ خَذُولًا ٢٩ ﴾
(الفرقان: ٢٧ – ٢٩)

ترجمه: و (روز قیامت) روزی است که ستمکار دستهای خود را می‌گزد [و] می‌گوید ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم (۲۷) ای وای کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم (۲۸) او [بود که] مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود و (حقیقت را دریافته بودم) شیطان همواره انسان را خوار میگرداند (۲۹)

و خداوند را به اسماء و صفات نیکش مسئلت می کنم که همواره به ما حق را بصورت حق بنمایاند تا از آن پیروی نموده، و باطل را بصورت باطل آشکار کند، تا از آن دوری کنیم. و از ما اشخاصی بسازد که هدایت شده و سبب هدایت دیگران گردیم. و از او جل وعلا خواهانیم که دلهای مارا به نور علم و ایمان روشن گردانیده، و علم ما را وبالی بر گردنمان سازد. از او می خواهیم که اعمال ما را خالصانه جهت وجه کریم خود و رضایش قرار داده و از این امت نسلی بسازد که به احکام خداوند آگاه بوده و از حدود و قوانین او محافظت نموده و به اوامر خداوند پایدار باشند تا بتوانند هدایتگر بندگانش باشند.

أقول قولي هذا، وأستغفر الله لي ولكم، فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم :

الحمدلله القائل : «الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقين» و أصلي و أسلم على رسوله الكريم الذي قال : «المرء على دين خليله . فلينظر أحدكم من يخالل» و على آله و صحبه أجمعين و من تبعهم بإحسان الى يوم الدين . أما بعد :

هیچ شکی در این نیست که همنشینی با انسانهای نیکوکار و مفید آثار و پیامدهای بسیار ارزشمندی را برای خود فرد و حتی برای جامعه در پی خواهد داشت زیرا با مجالست و همنشینی با نیکوکاران افراد جامعه از یکدیگر تاثیر مثبت پذیرفته و در پی آن جامعه به نیکی و نیکوکاری روی خواهد آورد و جامعه ای که به خیر و نیکی و تقوی روی آورد برکات الهی بر آن سرازیر خواهد شد

همانگونه که الله متعال در این باره می فرماید:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ ٱلْقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوْاْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَٰتٍ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ ﴾ (الأعراف: ۹۶)

ترجمه : و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم.

همچنین اهل بهشت برین الهی همگی آنها از همنشینان نیک و انسانهای صالح و نیکوکار می باشند آنهایی که در دنیا راه خیر و نیکی را در پیش گرفته و با صالحان و نیکوکاران مجالست و همنشینی نمودند.

الله متعال در این باره می فرمایند: ﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾ ﴾ (الکهف: ۱۰۷)

ترجمه: بی گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند باغهای فردوس جایگاه پذیرایی آنان است.

گذشتگان نیک ما سلف صالح این امت به خوبی این مهم را درک نموده و همانگونه که رسول الله _علیه الصلاه و السلام_ آنها را تربیت نموده بود بر اهمیت همنشینی با انسانهای صالح و نیک تاکید کرده و همواره بر آن مواظبت می نمودند.

"امام بخاری در کتاب صحیح خویش ذکر نموده اند که: (متن عربی حذف شد)

آخى النبي صلى الله عليه وسلم بين سلمان وأبي الدرداء فزار سلمان أبا الدرداء فرأى أم الدرداء متبذلة فقال ما شأنك قالت أخوك أبو الدرداء ليس له حاجة في الدنيا فجاء أبو الدرداء فصنع له طعاما فقال له كل فإني صائم قال ما أنا بآكل حتى تأكل فلما كان الليل ذهب أبو الدرداء يقوم فقال له نم فنام ثم ذهب يقوم فقال له نم فلما كان من آخر الليل قال سلمان قم الآن فصليا جميعا فقال له سلمان إن لربك عليك حقا وإن لنفسك عليك حقا ولأهلك عليك حقا فأعط كل ذي حق حقه فأتى النبي صلى الله عليه وسلم فذكر ذلك له فقال النبي صلى الله عليه وسلم صدق سلمان.

پیامبر اسلام بین سلمان فارسی و ابی الدرداء (پیمان) اخوت و برادری برقرار نمودند ، (روزی از روزها) سلمان به زیارت ابوالدرداء رفتند و ام درداء (همسر ابوالدرداء) را دیدند که لباسی بسیار کهنه پوشیده بود ، پس به او گفت : چرا اینگونه لباس پوشیده ای ؟ (ام درداء در جواب سلمان) فرمود: برادرت ابوالدرداء هیچ میل و حاجتی به دنیا (و مال و لذت دنیا) ندارد ، پس (از آن) ابوالدرداء آمد و غذایی را برای سلمان تهیه نموده و به وی گفت (بفرما) بخور زیرا من روزه هستم ، (سلمان به ابوالدرداء) گفت : (هرگز) نمی خورم تا اینکه تو نیز (با من) بخوری، هنگامی که شب شد و ابوالدرداء برای خواندن نماز شب میرفت به سلمان گفت که تو بخواب ، سلمان نیز خوابید اما ابوالدرداء راهی نماز خواندن شد ، سلمان خطاب به وی گفت اینک بخواب ، هنگامیکه به نهایت شب نزدیک می شدند سلمان به ابوالدرداء گفت : اینک برخیز تا نماز بخوانیم ، سپس هر دو با هم نماز شب را بر پانموده و پس از آن سلمان به ابوالدرداء گفت: یقینا پروردگار تو و نفس (جسم و جان تو) و اهل (و خانواده) تو ، (همه اینها) بر گردن تو حق دارند پس حق هر صاحب حقی را (به وجه احسن) ادا کن . پس از آن سلمان به نزد رسول الله علیه الصلاه و السلام آمده و واقعه را برای

وی بازگو نمودند و رسول الله علیه الصلاه و السلام فرمودند: سلمان راست گفته است."

مومنان عزیز بنگرید چگونه صحابه و یاران پیامبر چگونه یکدیگر را به تقوی و نیکوکاری سفارش و تشویق مینمودند و چگونه حق رفاقت و دوستی را ادا می نمودند ، آری اینگونه است آثار همنشینی با نیکوکاران.

برادران عزیز در مقابل همنشینان و دوستان بد و ناشایست همیشه سبب انحراف و بدبختی رفیق و همراه وی در دنیا و چه بسا در آخرت می باشند. بهترین دلیل و شاهد برای این مدعا داستان مرگ ابوطالب می باشد که در کتاب صحیح امام بخاری ذکر شده است . وقتی که ابوطالب در حال جاندادن و سکرات الموت بود رسول الله _ علیه الصلاه و السلام _ به نزد وی رفت و به او گفت: عمو جان بگو لا اله الا الله تا بتوانم با این کلمه در نزد الله تو را شفاعت کنم و از آتش رهایی یابی. اما دوستان شر و ناباب ، ابوجهل و عبدالله ابن ابی امیه کنار سر وی نشسته بودند و در گوش وی زمزمه میکردند و میگفتند: آیا از دین و آیین عبدالمطلب روی گردان میشوی؟ تا اینکه ابوطالب با این حرف که او بر دین عبدالمطلب می باشد یعنی دین شرک و بت پرستی از این دنیا رفت.

آری دوستان گرامی این بود نمونه ای از تاثیر دوستان و همنشینان بد که از الله متعال خواهان و خواستاریم تمامی ما و خانواده ها و فرزندانمان را از دوستان ناباب و بی دین محفوظ بدارد و توفیق همراهی و همنشینی با صالحان و نیکوکاران را نصیب مان بگرداند تا در روز قیامت از رفاقت با آنها انگشت ندامت را به دهان نگیریم و از جمله زیانکاران نباشیم.

در نهایت یاد آور میشویم که تمامی ما مسئول فرزندان و زیردستان و خانواده خود هستیم و در روز قیامت در مورد یکایک آنها و همنشینان آنها بازخواست خواهیم شد پس هرگز در اهتمام به صلاح و شایستگی دوستان و همراهان فرزندان و زیردستان خود کوتاهی نکنیم.

عباد الله! صلوا وسلموا على من أمرتم بالصلاة والسلام عليه في قوله سبحانه: ﴿ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ ﴾ (الأحزاب: ٥۶)

اللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارضَ عن الصحابة الأخيار، وآل البيت الأبرار، اللهم إنا نشهدك حب نبيك، وأهل بيت نبيك، وأصحاب نبيك، ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لما تحب وترضى، اللهم انصر الإسلام والمسلمين، ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين، برحمتك يا أرحم الراحمين، اللهم آتِ نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها، أنت وليها ومولاها، ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى، وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي، يعظكم لعلكم تذكرون.

خاتمه

خطیب گرامی:

- بدان که فرزندان امت امانتی است که در دست تو سپرده شده اند، در هر جا که هستی، در موقف بسیار مهمی قرار داشته از مرز بزرگ اسلام پاسداری می کنی. و بیم آن می رود که مبادا دشمن از جانب تو رخنه کند.

- حالا که نقش خطبه را در بنا و ساختار امت اسلامی دانستی و بخشی از احکام اعم از شروط و ارکان و سنتهای خطبه را آموختی، و عناصر خطبهٔ خوب و صفات خطیب کامیاب، و ساز و برگ و وسایل آن برایت آشکار گردید، و در چندین خطبه گوناگون به منظور روشنگری و نمونه تطبیقی سیر نمودی، پس از آن چه چیزی بر تو لازم است؟

* بر تو لازم در میدان تبلیغ، تعلیم و تربیت فرزندان امت اسلامی با نیرو، شجاعت، علم ، جدیت، درایت و پیگری وارد شوی، زیرا این صحنه؛ صحنهٔ عمل تو است، خداوند متعال میفرماید: ﴿ وَقُلِ ٱعۡمَلُواْ فَسَيَرَى ٱللَّهُ عَمَلَكُمۡ وَرَسُولُهُۥ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۖ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٠٥ ﴾ التوبه: ۱۰۵ «بگو: انجام دهید خداوند اعمال شما را می بیند و پیغمبر و مؤمنان اعمال شما را می بینند و در آخرت به سوی خدا برگردانده می شوید که آگاه از پنهان و آشکار است و شما را بدانچه می کنید مطلع می سازد».

* کتابی که در دسترس تو قرار دارد جز مدخل و راهنمایی در این میدان نبوده همچو قطرهٔ از دریای بزرگ است. و تو در نقطهٔ آغازین این راه قرار داری، پس هر روزی بر تو میگذرد باید بیشتر از پیش بر علم و دانش خود بیفزایی، زیرا این عمل شرافتمند بهترین وسیله برای عالیترین مأموریت بشمار می رود.

* دین مبین اسلام در گذشته در بسیاری از کشورها به وسیله سخن خوب و تعامل نیک گسترش یافته است، و در دامان اسلام افرادی پرورش بافته اند که بمثابه یک امت بوده اند، و چه بسا واقع شده است که فرد به تنهایی مسیر تاریخ را تغیر داده است، و آن زمانیکه مسؤلیت خود را درک نموده جامهٔ جد و اجتهاد را برتن نموده ، کسالت و تنبلی را از خود برطرف کرده و آستین همت را بلا زده و شب و روز پنهان و آشکار بدون در نظر داشت زمان و مکان مردم را بسوی خداوند دعوت نموده، و هرگز ترس و یأس را بخود راه نداده و از ملامتی ملامت گران نهراسیده است، تا اینکه دیدگانش به چیرگی و غلبهٔ اسلام روشن گردید و نور درخشان آن در همه گوشه و کنار جهان از نو تابید.

از خداوند استدعاء داریم تا ترا در راه برگزیدهٔ خود رهنمون ساخته تقوا، علم و عملت را افزون گرداند، و همهٔ ما وشما را در اطاعت و عبادت و ادای امانتی که بر گردن های ما نهاده شده کامیاب و کامگار سازد. (آمین)

فهرست موضوعات

سخن نویسندگان	۳
مقدمه	۴
مقام و منزلت خطبۀ جمعه در اسلام	۵
احکامی کوتاه متعلق به خطبۀ جمعه	۶
صفات یک خطیب کامیاب و مهارت های خطابت	۱۰
توصیه های کنفرانس «پیام مسجد» درمکه مکرمه	۱۴
فضیلت توحید	۱۷
اهمیت وشروط دعا	۲۳
رحمت	۳۰
کسب حلال ودوری از حرام	۳۶
اهمیت اخلاص	۴۲
احکام وفضایل روز جمعه	۴۸
صداقت وراستگویی	۵۳
حقوق زن در اسلام	۵۹
ایمان به اسماء وصفات الهی	۶۶
پایبندی به سنت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم	۷۲
صبر	۷۷
نصیحت وامانت	۸۳
طلب علم وعمل به آن	۹۰
اهمیت توکل	۹۶
زن مسلمان	۱۰۱
حقوق پدر ومادر	۱۰۷
امر به معروف ونهی از منکر	۱۱۲
زندگی پس از مرگ	۱۱۹
دوری جستن از بدعت (امور تازه وارد در دین)	۱۲۴
اخوت و برادری در راه الله	۱۲۹
صله رحم (روابط با خویشاوندان)	۱۳۴
وحدت وشفت بین صحابه واهل بیت	۱۴۱
آداب تلاوت قرآن کریم	۱۴۵
ایمان به قضا وقدر الهی	۱۵۰
مفهوم عبادت در اسلام	۱۵۶
حفظ زبان	۱۶۱
زندگی حقیقی و زندگی آخرت است	۱۶۶
روش دعوت انبیاء	۱۷۱

حقوق مسلمان	۱۷۷
تاثیر وسایل ارتباط جمعی بر جامعه	۱۸۳
خطر سحر و فال بینی	۱۸۸
زکات	۱۹۵
توبه	۲۰۱
استقبال ماه مبارک رمضان	۲۰۶
اهمیت نماز وحکمت آن	۲۱۱
ذکر الله متعال	۲۱۷
جایگاه اهل بیت در اسلام	۲۲۳
دهۀ اخیر ماه مبارک رمضان	۲۲۹
احکام صدقۀ فطر ونماز عید	۲۳۵
فتنه زن	۲۴۰
اسرار ومعانی حج	۲۴۵
جایگاه صحابه در اسلام	۲۵۱
موازین وضوابط معامله با مردم	۲۵۷
اعتدال ومیانه روی در اسلام	۲۶۴
نمونه ای از نعمتهای بهشت	۲۷۰
ارتباط قلبی با الله متعال	۲۷۶
فضیلت دهه اول ماه ذی الحجه	۲۸۴
محبت الله متعال	۲۸۹
حقوق همسایه	۲۹۴
حکم مواد مخدر و ضرر های ناشی از آن	۲۹۹
آغاز سال نو	۳۰۴
زکات و حکمت های آن	۳۱۰
تفکر در نشانه های قدرت الله متعال	۳۱۶
وضو و نماز بیمار	۳۲۲
سوء ظن(گمان بد)	۳۲۸
عید فطر	۳۳۳
عید قربان	۳۳۸
نماز ماه گرفتگی یا خورشید گرفتگی	۳۴۳
نماز طلب باران(استسقاء)	۳۴۷
علامات قیا مت	۳۵۳
بد حجابی و اثرات ان	۳۵۸
اثار همنشینی با نیکوکاران	۳۶۴
خاتمه	۳۶۹

المنبر
العالمي
Global Minbar

ایده های پروژه

برنامه ی منبر جهانی در راستای تبلیغ و انتشار مفاهیم اساسی اسلام با تعدادی از زبانهای زنده دنیا منتشر شده که ۶۰ خطبه را دربر می گیرد. برای جامه عمل پوشیدن به این هدف، این برنامه در نظر دارد بسیاری از موضوعات را تهیه ومنتشر سازد. این موضوعات با فرمت های مختلف (ویدیو – متن – تصویر) و رسانه های نو در اینترنت منتشر خواهد گردید.

محصولات این پروژه

پخش ماهواره ای	۶۰ برنامه تلویزیونی	فایل های صوتی	کتابت سخنرانی های روشن گرانه	دائرة المعارف منبر
رسانه های نو	بازاریابی الکترونیکی	سایت ویژه	دستگاه های هوشمند	

E_mail: info@global-minbar.com
Tele : 00966-537121504

فضاء القنوات
SPACE CHANNELS

العالمي
Global Minbar

اهداف پروژه

- گذاشتن روش موضوعی برای دعوت به همه زبانها
- آموزش اسلام و انتشار آن در همه دنیا.
- انتشار عقیده اهل سنت و جماعت
- پیشرفت الگوی سخنوری وسخنرانی در جهان اسلام.
- قراردادن هسته ی دعوت در رسانه های نو.
- فعالیت همه ابزارها در راه دعوت به سوی الله به زبانهای زنده دنیا .

شعار پروژه

روشن گری مفاهیم اساسی اسلام و تبلیغ و انتشار آن با همه وسایل ممکن و به بهترین شکل

زبانهای پروژه

فرانسه	بنگالی	اندونزی	فارسی	
www.sermonuniversel.com	www.globalminberbangla.com	www.minbarindo.com	www.minberfarsi.com	
روسی	اردو	یوروبا	سواحیلی	چینی
www.minbarru.com	www.minberurdu.com	www.yorubaminbar.com	www.swahiliminbar.com	www.muslimjt.com
هوسا	پرتغالی	تاجیکی	اسپانیایی	
www.hausaminbar.com	www.minbarportuguese.com	www.minbartajiki.com	www.sermonesislamicos.com	

فضاء القنوات
SPACE CHANNELS

ایده های پروژه

ایجاد ابزارهای رسیدن کلام خدا به تمام مردم، از زبان ها،ادیان و فرهنگ های مختلف است زیرا که قرآن تنها برای مؤمنان فرستاده نشده بلکه قرآن رحمت برای همه بشر است وخداوند دستور داده اند که حتی مشرکین نیز می توانند آن را بشنوند. وانتشار این پروژه از طریق ویدیوهایی با محتوای ترجمه معانی قرآن کریم است که در تلویزیون ها ، ماهواره ها ، وب سایتها ، رسانه های جدید، سی دیها ، دایره المعارفهای علمی ، و برنامه های دستگاه های هوشمند، رادیو و کانال محلی ، داستگاههای ویژه وغیر از آن پخش می شود.

محصولات این پروژه

پخش ماهواره ای	دائرۀ المعارف قرآن	ترجمۀ صوتی	دستگاه های هوشمند
رسانه های نو	بازاریابی الکترونیکی		سایتهای انترنت

E_mail: info@spacechanels.com
Tele : 00966-537121504

ویژگی های این پروژه

۱- از نطر مضمون

بیشترین نامه وبهترین مضمون و رساترین سخن
(خداوند به وسیله این کتاب مقام بعضی از مردم بالاتر وبعضی دیگر را یایین می برد)

۲- از نظر نحوه انتشار

وسیع ترین سطح انتشار در جهت بیشترین دسترسی
(بیش از سه چهارم از مخاطبان - رحمت برای همه مردم)

۳- از نظر تاثیر

بیشترین تاثیر و بزرگترین تغییر است.

۴- از نظر هزینه

کمترین هزینه برای درآمد بیشتر (بازدهی بالا)

۵- از نظر وقت

کمتر وقت و دیدن طولانی (برای استفاده از پیشرفتهای فنی)

زبانهای پروژه

انگلیسی	فرانسه	المانی	سواحیلی	اندونزی
www.lighttvs.com	www.lumieretv.net	www.lichttv.com		www.hedaya.tv
فارسی	بنگالی	هوسا	ژاپنی	اسپانیایی
www.hidayatv.net	www.hidayatv.com	www.haske.tv		www.luz.tv.net
اردو	ترکی	پرتغالی	روسی	چینی
	www.quranturkish.com			www.happiness-tv.com

ایده های پروژه

تسهیل وآموزش احکام اسلام بطور مفصل)فقه عبادتها(به وسیله راههای آموزشی وپرورشی مدرن وبا استفاده از رسانه های متعدد و انتشار آن با کمک وسایل رسانه ای وفنی و به بیشترین تعداد از زبانهای زنده دنیا.

محصولات این پروژه

پخش ماهواره ای	کتاب مصور	دایره المعارف فقه به صورت مصور	برنامه های تلویزیونی
رسانه های نو	بازاریابی الکترونیکی	رسانه های نو	سایت ویژه

E_mail: info@al-feqh.com
Tele : 00966-537121504
Markting@al-feqh.com

فضاء القنوات
SPACE CHANNELS